

نزهة الزاهد

(ادعیه ماثور از امامان معصوم علیهم‌السلام با توضیحات فارسی سده ششم)

از مؤلفی ناشناخته

به کوشش
رسول جعفریان

نزهةالزاهد (ادعیهٔ مأثور از امامان معصوم ـ علیهم‌السّلام ـ با توضیحات فارسی از سدهٔ ششم) / از مؤلفی ناشناخته؛ به کوشش رسول جعفریان ـ تهران: اهل قلم؛ دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶.
۳۶۳ ص. : نمونه .ـ (میراث مکتوب؛ ۶: علوم و معارف اسلامی؛ ۳)
بها: ۱۴۰۰ تومان. ISBN 964-5568-39-0
ص. ع. به انگلیسی: Nozhat al-Zâhed
کتابنامه بصورت زیرنویس.
۱. دعاها ـ متون قدیمی تا قرن ۱۴. ۲. نثر فارسی ـ قرن ۶ یا ۷ ق. الف. جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ ـ مصحح. ب. دفتر نشر میراث مکتوب. ج. نزهةالزاهد و نهزةالعابد.
BP ۲۶۷/۲/ ن ۴ ۱۳۷۶
۲۹۷/۷۷۲ ن ۲۱۳ ۱۳۷۶
برگهٔ فهرست‌نویسی پیش از انتشار دفتر نشر میراث مکتوب

۵۶۸۱۴

نُزهَة الزّاهد و نُهزَة العابد

(ادعیهٔ مأثور از امامان معصوم ـ علیهم‌السلام ـ با توضیحات فارسی از سدهٔ ششم)

از مؤلفی ناشناخته

به کوشش: رسول جعفریان

ناشر: اهل قلم
چاپ اوّل: ۱۳۷۶، تعداد: ۲۰۰۰ نسخه
صفحه‌آرایی: دفتر نشر میراث مکتوب
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مجتمع چاپ و نشر رویداد
خطّاطی روی جلد: محمد موحّد حسینی
شابک: ۰ ـ ۳۹ ـ ۵۵۶۸ ـ ۹۶۴
این اثر زیر نظر دفتر نشر میراث مکتوب وابسته به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با حمایت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته است.

نشانی ناشر: تهران ـ ص. پ: ۱۵۸۷۵/۳۹۶۸
نشانی دفتر نشر میراث مکتوب: تهران، صندوق پستی ۵۶۹ ـ ۱۳۱۸۵، تلفن: ۶۴۱۴۸۳۴
بها: ۱۴۰۰ تومان

فهرست عنوانها

مقدّمهٔ مصحّح ۹

ادبیات دعا در شیعه ۹

حوزه‌های گونه‌گون ادبیات دعا...... .... ۱۰

ادب دعای شیعی تا زمان شیخ طوسی. ۱۱

ادب دعا از شیخ طوسی تا ابن طاووس ۱۸

ابن طاووس و ادبیات دعا در شیعه ۲۳

ادب دعا پس از ابن طاووس تا کفعمی.... .... ۲۶

گزیدهٔ کتابهای دعا از کفعمی تا حاج شیخ عباس قمی. ۲۹

ادبیات دعا در دورهٔ معاصر ۳۸

اهل سنت و دعا ۴۰

نزهةالزاهد... ۴۲

اهمیت نزهةالزاهد در ادب مذهبی ما..... .... ۴۴

معتقد الامامیة و نزهة الزاهد.................. ۴۶

دیگر آثاری که در آنها از نزهةالزاهد نقل شده. ۴۷

نسخه‌ها و روش تصحیح. ۴۸

مقدّمهٔ مؤلّف ۵۷

قسم اوّل در بیان نمازهای شبانه روزی، مقدّمات و تعقیبات آن ... ۶۳
فصل اول در استنجا ۶۳
فصل دوم در وضو ۶۵
فصل سوم در غسل ۶۸
فصل چهارم در تیمّم ۶۹
فصل پنجم در آماده شدن بر نماز ۶۹
فصل ششم در نافلهٔ نماز پشین [ظهر] ۷۳
فصل هفتم در نماز پشین ۷۷
فصل هشتم در تعقیبات نمازهای فریضه ۸۹
فصل نهم در تعقیب نماز پشین ۹۹
فصل دهم در سجدهٔ شکر در پسِ تعقیبات ۱۰۵
فصل یازدهم در نافلهٔ نماز پسین ۱۰۸
فصل دوازدهم در تعقیبات نماز پسین ۱۱۰
فصل سیزدهم در دعاهای شبانگاه و بامداد ۱۱۴
فصل چهاردهم در فریضهٔ نماز شام [مغرب] و نوافل آن ۱۲۱
فصل پانزدهم در نماز میان نماز شام و خفتن ۱۲۸
فصل شانزدهم در فریضهٔ خفتن و تعقیبات آن ۱۳۰
فصل هفدهم در دعاها و اعمالِ وقت خفتن ۱۳۵
فصل هیجدهم در نوافل شب و دعاهای آن ۱۴۵
فصل نوزدهم ۱۷۱
فصل بیستم در نماز صبح و دعاهای وی ۱۷۳
دعای عهد ۱۷۹
دعای درخواست روزی ۱۸۰
فصل بیست و یکم در دعای عشرات ۱۹۳

دعای دیگر بامداد ۲۰۲
دعای فرج ۲۰۵

قسم دوم در اورادی که در هفته مکرّر می شود(دعاهای هفته) ۲۰۷

آدینه ۲۰۷
دعاهای و اعمال شب آدینه ۲۰۷
اعمال روز آدینه ۲۱۲
دعای ختم قرآن ۲۱۳
غسل روز آدینه و آماده شدن برای رفتن به مسجد مِهین ۲۱۵
زیارت پیغمبر ﷺ در روز جمعه ۲۱۸
زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز جمعه ۲۱۹
نماز پیغمبر ﷺ ۲۲۰
نماز امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ۲۲۱
نماز فاطمه ۲۲۳
نماز جعفر الطّیار ۲۲۳
نماز کامله ۲۲۶
نماز دیگر ۲۲۶
نماز اعرابی ۲۲۷
دعای روز آدینه ۲۲۹
تسبیح روز آدینه ۲۳۰
وِردِ روز آدینه ۲۳۱
عوذهٔ روز آدینه ۲۳۳
نوافل روز آدینه ۲۳۴
دعای پس از دو رکعت اول ۲۳۴

دعای دوم ۲۳۵
دعای سوم ۲۳۶
دعای چهارم ۲۳۷
دعای پنجم ۲۳۸
دعای ششم ۲۳۸
دعای هفتم ۲۴۰
دعای هشتم ۲۴۰
دعای نهم ۲۴۱
دعای سمات ۲۴۷
نماز هدیه ۲۵۰

فصل در نمازهای هفته ۲۵۱

شنبه ۲۵۱
دعای روز شنبه از دعای کاظم ۲۵۲
تسبیح روز شنبه ۲۵۳
ورد روز شنبه ۲۵۴
عوذهٔ روز شنبه ۲۵۵

یکشنبه ۲۵۵
دعای روز یکشنبه ۲۵۶
تسبیح روز یکشنبه ۲۵۷
ورد روز یکشنبه ۲۵۸
عوذهٔ روز یکشنبه ۲۵۹

دوشنبه ۲۶۰
دعای روز دوشنبه ۲۶۱

تسبیح روز دوشنبه ۲۶۲
وِرد روز دوشنبه ۲۶۳
عوذهٔ روز دوشنبه ۲۶۵

سه شنبه ۲۶۵
دعای روز سه شنبه ۲۶۶
تسبیح روز سه شنبه ۲۶۷
ورد روز سه شنبه ۲۶۸
عوذهٔ روز سه‌شنبه ۲۶۹

چهارشنبه ۲۷۰
دعای روز چهارشنبه ۲۷۱
تسبیح روز چهارشنبه ۲۷۲
ورد روز چهارشنبه ۲۷۳
عوذهٔ روز چهارشنبه ۲۷۴

پنجشنبه ۲۷۵
دعای روز پنجشنبه ۲۷۷
تسبیح روز پنجشنبه ۲۷۹
ورد روز پنجشنبه ۲۸۰
عوذهٔ روز پنجشنبه ۲۸۲

قسم سوم در اورادی که در سر ماهها مکرر می شود ۲۸۳

قسم چهارم در آنچه به سال مکرر می شود ۲۸۵
نوروز فُرس ۲۸۵

رجب ۲۸۶

نماز سلمان ۲۹۰

اعمال اول شب آدینه از رجب ۲۹۲

اعمال شب نیمهٔ رجب ۲۹۲

دعای استفتاح یا دعای امّ داود ۲۹۳

اعمال شب و روز بیست و هفتم رجب ۲۹۹

ماه شعبان ۳۰۲

دعای روز سوم شعبان ۳۰۳

دعای زین العابدین ؑ در روزهای ماه شعبان ۳۰۴

اعمال شب نیمهٔ شعبان ۳۰۶

ماه رمضان ۳۱۱

دعای وقت سحر ۳۲۲

دعاهای ده شب بازپسین ماه رمضان ۳۲۳

دعای شب اوّل ۳۲۳

دعای شب دوم ۳۲۴

دعای شب سوم ۳۲۵

دعای شب چهارم ۳۲۵

دعای شب پنجم ۳۲۶

دعای شب ششم ۳۲۶

دعای شب هفتم ۳۲۷

دعای شب هشتم ۳۲۷

دعای شب نهم ۳۲۸

دعای شب دهم ۳۲۸

دعای وداع ماه رمضان ۳۲۹

شوّال ۳۳۱

ذو القعدة ۳۳۶

دعای دَحْو الأرض ۳۳۶

ذو الحجّة ۳۳۸

روز غدیر ۳۴۱

روز مباهله ۳۴۳

محرّم ۳۴۷

زیارت عاشورا ۳۴۷

صفر ۳۵۱

ربیع الأوّل ۳۵۳

جمادی الأولی ۳۵۳

قسم پنجم در آنکه به حادثه‌ها مکرر می‌شود ۳۵۵

نماز کسوف ۳۵۵

نماز مرده ۳۵۶

نماز باران خواستن ۳۵۸

نماز حاجت ۳۵۹

نماز استخاره ۳۶۰

زیارت ائمّه علیهم‌السلام ۳۶۲

مقدّمهٔ مصحّح

بسم اللّه الرحمن الرحیم

الحمدللّه ربّ العالمین و الصلاة و السلام علی سیّدنا محمّد و علی آله الطیّبین الطاهرین

ادبیات دعا در شیعه

دعا جایگاه بلندی در ادب شیعی دارد. برجستگی این بخش از ادب شیعی برخاسته از گستردگی فرهنگ زهد و عرفان در میان امامان معصوم علیهم‌السلام و شیعیان خالص آنهاست. اهمیّتی که در فرهنگ شیعی به عبادت داده شده، سبب گردیده است تا دعا موقعیت برجسته‌ای یافته و جامعهٔ فرهنگی شیعه در پدید آوردن آثاری از این دست، ادب شیعی را غنای ویژه بخشد، آن‌گونه که کمتر دین و مذهبی در جهان یافت شود که صاحب این حجم گسترده از دعا و راز و نیاز باشد.

دانسته است که ادب دعا در فرهنگ اسلامی از خود قرآن آغاز شده و با ادعیهٔ رسیده از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله توسعه می‌یابد. اینجاست که اهل سنّت در باب دعا تا همین اندازه اکتفا می‌کنند، اما در میان شیعه، امامان، اِنشاگر دعاهای بیشماری هستند که با الهام از شناخت قرآنی آنها و آموزشهای ویژه‌ای که در مکتب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دیده‌اند، عرضه می‌شود.

نخستین مرحلهٔ ادب دعا در شیعه، دعاهای رسیده از مولی الموحدین علیّ بن ابی طالب علیه الصّلاة و السّلام است که به اعتراف تاریخ، روزگار وی، زاهدتر و

عابدتر از او را تجربه نکرده است. فرزندان او در مراحل بعد، ادامه دهندهٔ این حرکت عارفانه بوده و ادعیهٔ رسیده از آنان، مانند دعای عرفه، ادعیهٔ صحیفهٔ سجّادیه و سایر دعاها شاهد زنده‌ای بر نیرومندی این ادب در فرهنگ شیعی‌است.

حوزه‌های گونه‌گون ادبیات دعا

کتابهای دعا از دید کلی به چند گروه تقسیم می‌شوند:

دستهٔ نخست کتابهایی است که صرفاً مشتمل بر دعاها بوده و به تناسب تقسیم‌بندی مؤلّف و موضوع ادعیه که در بارهٔ روزهای هفته، ماه و یا سال باشد، ترتیب یافته است.

دستهٔ دوم کتابهایی است که در بارهٔ آداب دعا نوشته شده مانند کتاب *آداب دعا* از سید محمّد باقربن اسماعیل خاتون‌آبادی (م ۱۱۲۰) (فهرست مرعشی ش ۶۶۰).

دستهٔ سوم کتابهایی است که به نحوی مربوط به امور طلسمات شده و در آنها از تعویذات و ادعیه بهره گرفته شده است.

دستهٔ چهارم کتابهای مربوط به استخاره است. دلیل احتساب این آثار در میان کتابهای دعا، این است که دعاهای عند الاستخاره به تفصیل در آنها آمده است. به علاوه که خود استخاره نوعی دعاست. نمونهٔ آن *فتح الابواب* ابن طاووس، *مفاتیح الغیب* مرحوم مجلسی و *مفتاح الفرج* خاتون آبادی (فهرست مرعشی ش ۴۴۲۴) و *منهاج المستخیر* از محمدحسین بن کاظم علوی (فهرست دانشگاه ش ۳۷۸۸)است.

دستهٔ پنجم کتابهایی است که به عنوان کتاب صلوات بر رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام نگارش یافته و در شمار کتابهای دعا در آمده است.

دستهٔ ششم کتابهای مشتمل بر زیارات است که به هر روی از همان آغاز پیوسته به کتابهای دعا بوده است، کتابهایی که از آنها با عنوان *کتاب المزار* یا شبیه آن یاد شده است. شیخ صدوق، شیخ مفید و شماری دیگر از علمای شیعه در این باب تألیفاتی دارند. از جملهٔ آنها کتاب *کامل الزیارة* ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه

(م ۳۶۰)، و از متأخران *تحفة‌الزائر* علّامهٔ مجلسی است. گفتنی است که فرهنگ دعا و زیارت تا اندازهٔ زیادی به یکدیگر آمیخته بوده و به طور معمول در کنار یکدیگر قرار داشته است. نمونهٔ دیگر کتابی است با عنوان *کتاب الزیارات و الفضائل* از ابوالحسن احمد بن محمد بن احمد بن داود قمی (م ۳۶۸) که در اختیار ابن‌طاووس بوده که از آن در *اقبال* و *مصباح الزائر* نقل کرده است. درآمیختگی ادعیه و زیارات در کتب موجود به حدّی است که تفکیک آنها بسیار دشوار است.

در اینجا ضمن چند مرحله ادب دعای شیعی را مرور کرده برجسته‌ترین آثار را در هر دوره یاد می‌کنیم:

ادب دعای شیعی تا زمان شیخ طوسی

دانسته است که شیخ طوسی از بسیاری از جهات به عنوان یک مرحله و مرز در تفکّر شیعی شناخته می‌شود. این امر در ادب دعایی شیعه نیز جای ویژهٔ خود را دارد. تألیف سترگ شیخ با عنوان *مصباح المتهجّد* و چند اثر دیگر در این زمینه مشخص‌کنندهٔ این مرز می‌باشد.

از زمان امامان معصوم علیهم‌السلام اصحاب آن بزرگواران در پی برگرفتن ادعیهٔ امامان بوده‌اند. آنان از آن حضرات درخواست دعا کرده و دعاهایی را که به آنها تعلیم داده می‌شد، می‌نگاشتند. این امر تنها اختصاص به شیعیان نداشت بلکه علاقه‌مندان به دعا، احساسشان آن بود که بهترین ادعیه از سوی خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله انشا می‌شود. نصر بن کثیر می‌گوید:

> سالها پیش همراه سفیان الثوری نزد جعفر بن محمد الصادق علیه‌السلام رفتم. من به ایشان عرض کردم که قصد سفر بیت الله الحرام دارم، دعایی به من تعلیم دهید. حضرت فرمود: وقتی به بیت الله الحرام رسیدی دست خود را بر دیوار بگذار آنگاه بگو: «**یا سائق الفوت و یا سامع الصوت و یا کاسی العظام لحماً بعد الموت**» آنگاه هر حاجتی داشتی از خدا بخواه.

قاضی نامی‌گوید:

برخی از فرزندان فرات ازکسی نقل کردند که ساعتی پیش از مرگ ابوجعفر طبری (مورّخ مشهور) نزد او بودم. کسی این دعای جعفر بن محمد‌ﷺ را برای وی خواند. طبری کاغذ و دواتی خواست و آن را نوشت. به وی گفتند: این چه گاه نوشتن است؟ طبری گفت: ینبغي للإنسان أن لایدع اقتباس العلم حتی الموت.[۱]

نمونهٔ دیگر مربوط به زمانی است که موسی بن بغا در سال ۲۵۴ به سوی قم رفت و این شهر را مورد تاخت و تاز خود قرار داد. مردم قم خبر آن را به امام عسکری ﷺ نوشته و از ایشان خواستند تا دعایی برای ایشان بفرستند. حضرت نیز دعایی نوشته و از آنها خواستند تا این دعا را بخوانند.[۲]

پیش از شیخ، آثار فراوانی درگردآوری این دعاها در میان جامعهٔ فرهنگی شیعه تألیف شد، آثاری که شیخ و دیگران تا قرنها از آنها در تألیف کتابهای دعایی خویش بهره برده‌اند، اما به مرور زمان آن آثار از میان رفته است. درست مانند آنچه در باب حدیث اتفاق افتاده، به طوری که با تألیف کتابهای حدیثی مفصّل، بر پایهٔ اصول پیشین، به مرور، آن اصول که به اصول چهارصدگانه شهرت داشته از میان رفته است. با این حال، تلاش ابوالعباس نجاشی و شیخ طوسی و بسیاری دیگر در زمینهٔ نگارش نام کتابهای تألیف شدهٔ شیعی ـ همانند آنچه ابن‌ندیم در تمامی حوزه‌های فرهنگی زمان خویش انجام داد ـ سبب شده است که ما علی رغم از بین رفتن بسیاری از آثار، با آگاهی از نام کتابها، با ادبیات شیعی در هر موضوع و گستردگی آن آشنا شویم. اکنون در زمینهٔ دعا هم می‌توانیم با نگاهی به فهرستهای مزبور، فهرستی از ادب دعا را در شیعه به دست دهیم.

---

۱. تاریخ الطبری، ج ۱۵ ص LXXXVII به نقل از ابن‌عساکر. تاریخ جرجان (السهمي)، ص ۵۵۴
۲. رجال الطوسی، ص ۵۰۷

کتاب الدعاء / ابراهیم بن سلیمان الخزاز الکوفي (نجاشی ۱۸، فهرست شیخ ۶)

کتاب الدعاء / اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام (نجاشی ۲۶، فهرست شیخ ۱۱)

کتاب الدعاء / حسین بن سعید بن حماد بن مهران اهوازی (نجاشی ۵۸، فهرست شیخ ۵۸). ابن‌طاووس از کتابی با نام *کتاب الدعاء و الذکر* یاد کرده که مؤلف آن همین شخص است. وی در *مهج الدعوات* و *المجتنی* از آن نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۴۴)

کتاب الدعاء / أحمد بن محمد بن خالد برقي (نجاشی ۷۷، فهرست شیخ ۲۱)

کتاب الدعاء / أحمد بن محمد بن حسین بن حسن بن دوْل قمی (نجاشی ۹۰)

کتاب الدعاء / حُمَیْد بن زیاد بن حمّاد الدهقان (نجاشی ۱۳۲)

کتاب الدعاء / سعد بن عبدالله بن أبی‌خلف اشعری قمی (نجاشی ۱۷۸). ابن طاووس ازکتابی با عنوان *فضل الدعاء* از این مؤلف در *الامان*، *فتح الابواب*، *اقبال* و *مهج الدعوات* نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۵۶)

کتاب الدعاء / علی بن مهزیار أهوازی (نجاشی ۲۵۳)

کتاب الدعاء / علی بن حسن بن محمد طائیّ الجَرمی طاطری (نجاشی ۲۵۴)

کتاب الدعاء / علی بن حسن بن علی بن فضّال (نجاشی ۲۵۸)

کتاب الدعاء / محمد بن أُوْرَمة قمی (نجاشی ۳۳۰)

کتاب الدعاء / محمد بن عباس بن عیسی (نجاشی ۳۴۱)

کتاب الدعاء / محمد بن سلیمان بن حسن الزراری (نجاشی ۳۴۷)

کتاب الدعاء / محمد بن مسعود بن عیّاش سمرقندی (نجاشی ۳۵۱)

کتاب الدعاء / محمد بن حسن بن فرُّوخ الصفار (نجاشی ۳۵۴). ابن‌طاووس ازکتابی با عنوان *فضل الدعاء* از این مؤلف یاد کرده و در *اقبال*، *مهج الدعوات* و *محاسبة النفس* خود از آن نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۵۸)

کتاب الدعاء (ازکتاب *الکافی*) / محمد بن یعقوب کلینی (نجاشی ۳۷۷، فهرست شیخ ۱۳۵)

کتاب الدعاء / محمد بن عبدالله بن محمد (نجاشی ۳۹۶)

کتاب الدعاء / محمد بن وهبان بن محمد (نجاشی ۳۹۷)

کتاب الدعاء / معاویة بن عمار دهنی (نجاشی ۴۱۱)

کتاب الدعاء / هارون بن مسلم بن سعدان (نجاشی ۴۳۸)

کتاب الدعاء (عن علی ﷺ) / عبدالعزیز بن یحیی بن أحمد الجَلُودی (نجاشی ۲۴۱)

کتاب (فضل) الدعاء / سلیمان بن جعفر بن ابراهیم الطالبی الجعفری (نجاشی ۱۸۳)

کتاب أدعیة الائمة ﷺ / عبیدالله بن أبی‌زید أحمد بن یعقوب أنباری (نجاشی ۲۳۳)

کتاب یوم و لیلة / معاویة بن عمار دهنی (نجاشی ۴۱۱)

کتاب عمل یوم الجمعة / محمد بن علی بن یعقوب ابن‌ابی‌قرة (زندگی در اوائل قرن پنجم)، (نجاشی ۳۹۸).

کتاب عمل الشهور / محمد بن علی بن یعقوب ابن‌ابی‌قرة (نجاشی ۳۹۸).

کتاب عمل شهر رمضان / محمد بن علی بن یعقوب ابن ابی‌قرة. این اثر که محتمل است با کتاب دیگر مؤلف با عنوان کتاب *عمل الشهور* مرتبط باشد، در اختیار ابن طاووس بوده و از آن در *فلاح السائل* و با تفصیل بسیار بیشتر در *اقبال* از آن استفاده کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۷۹). ابن‌طاووس در *فتح الابواب* از کتاب *الجامع فی العمل* از محمد بن علی بن محمد(= ابن ابی‌قرة) نقل کرده و محتمل آن است که کتاب *عمل الشهور* وی باشد (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۳۲۵)

کتاب التهجد / محمد بن علی بن یعقوب ابن‌ابی‌قرة (نجاشی ۳۹۸). ابن‌طاووس از این کتاب با عنوان *کتاب المتهجّد* یاد کرده و در *مهج الدعوات* از آن نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۴۶۲)

کتاب المبسوط فی عمل یوم و لیلة / حسن بن حمزة الطبری (نجاشی ۶۴)

کتاب عمل رجب / احمد بن محمد بن عبیدالله بن عیاش جوهری (م ۴۰۱)، (نجاشی ۸۵، فهرست شیخ ۳۳)

کتاب عمل شعبان / احمد بن محمد بن عبیدالله بن عیاش جوهری (نجاشی ۸۵،

فهرست شیخ ۳۳)
کتاب عمل رمضان / احمد بن محمد بن عبیدالله بن عیاش جوهری (نجاشی ۸۵، فهرست شیخ ۳۳). سه کتاب فوق در اختیار ابن‌طاووس بوده و از آنها در مهج الدعوات و اقبال نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۷۸)
کتاب التأدیب، یا کتاب عمل یوم و لیلة / ابوجعفر احمد بن عبدالله بن‌خانبه (قرن سوم). ابن‌طاووس تنها از «کتاب» وی نقل کرده اما با توجه به موارد نقل شده در *فلاح السائل* محتمل چنان است که این همان کتاب دعای وی باشد (کتابخانهٔ ابن طاووس، ص ۳۵۸)
کتاب عمل الجمعة / أحمد بن عبدالله بن أحمد ابن عبدون (نجاشی ۸۷)
کتاب عمل رجب / علی بن محمد بن یوسف الفارسی ابن خالویه (نجاشی ۲۶۸)
کتاب عمل شعبان / علی بن محمد بن یوسف الفارسی ابن خالویه (نجاشی ۲۶۸)
کتاب عمل شهر رمضان / علی بن محمد الفارسی ابن خالویه (نجاشی ۲۶۸)
کتاب عمل شهر رمضان / محمد بن أحمد الجُرَیْری ابن‌البصری (نجاشی ۳۹۷)
کتاب النجاح فی عمل شهر رمضان / فضل بن شاذان النیشابوری (نجاشی ۳۰۷)
کتاب أدعیةالسفر / احمد بن محمد بن سلیمان الزراری (فهرست شیخ ۳۱)
دعوات الأیام (أدعیةالطلحی) / محمد بن عیسی الطلحی (فهرست شیخ ۱۳۰)
کتاب عمل شهر رمضان / علی بن حاتم قزوینی (فهرست شیخ ۹۸)
کتاب عمل ذی الحجة /ابوعلی حسن بن محمد بن اسماعیل بن أشناس (م ۴۳۹). وی از مشایخ شیخ طوسی بوده است.[۱] این کتاب وی در اختیار ابن‌طاووس بوده و از آن در *اقبال الاعمال* خود فراوان نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۷۷)
کتاب عمل شهر رمضان / علی بن عبدالواحد بن علی النهدی الخُمْری.(زنده در اواخر قرن چهارم) این اثر در اختیار ابن‌طاووس بوده و در موارد زیادی از آن در اقبال الاعمال نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۷۸)

---

۱. نک: میراث اسلامی ایران، دفتر دوم، مقالهٔ شخصیت و مشایخ شیخ طوسی، ص ۳۸۷

کتاب عمل یوم الجمعه / ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان الکراجکی (م ۴۴۹). گفته شده که محتملاً این اثر بخشی از کتاب *الناصریة فی عمل الیوم و اللیلة* کراجکی بوده است. کتاب مزبور در *جمال الاسبوع* مورد استفادهٔ ابن‌طاووس قرار گرفته است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۸۰)

الدعوات / ؟ ابن طاووس در *اقبال* خود با تعبیر «ماوجدناه فی نسخة من کتب الدعوات» ادعیهٔ فراوانی را نقل می‌کند. این مجموعه به خط ابوغالب زراری (م ۳۶۸) بوده است. این اثر را باید در شمار کهن‌ترین منابع دعایی شیعه دانست. موارد نقل شده درکتابخانهٔ ابن‌طاووس (ص ۲۲۵) آمده است. از جمله آثاری که در همان نسخهٔ عتیق بوده *کتاب الدعاء* از زید بن جعفر علوی الشریف ابوالحسین المحمدی (قرن پنجم) است که ابن‌طاووس درجای دیگری از آن نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۴۴). ابن‌طاووس در *اقبال* ازکتاب عتیق فیه دعوات و روایات من طریق اصحابنا نقل کرده که محتملاً در همان مجموعهٔ دعوات بوده‌است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۳۷۰)

العبادات / ؟ ابن طاووس ــ مانند آنچه دربارهٔ دعوات گفته شد ــ از مجموعه‌ای با عنوان العبادات ادعیه‌ای را در *اقبال* و *جمال الاسبوع* نقل کرده و حدس قوی آن است که این اثر مشتمل بر دعاها و احکام نوافل و دیگر عبادات بوده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس ، ص ۲۹۶)

دفع الهموم و الاحزان و قمع الغموم و الاشجان / احمد بن داود نعمانی. از این اثر ابن‌طاووس در *الامان*، *مهج الدعوات*، و *المجتنی* نقل کرده و زمان مؤلف و شخصیت وی ناشناخته است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۲۶)

کتاب الدعاء و الزیارة / محمد بن علی بن محمد طرازی (زنده در نیمهٔ اول قرن پنجم). ابن‌طاووس در *اقبال* به طور گسترده از این اثر نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۴۶)

حدائق الریاض و زهرة المرتاض و نور المسترشد / محمد بن محمد معروف به شیخ

مفید. ابن طاووس از این اثر شیخ مفید بطور مکرر در اقبال نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۸۲)

کتاب مشتمل علی احراز جلیلة / ؟ ابن‌طاووس با این عنوان از کتاب مورد نظر خود یاد کرده و در الامان از آن نقل نموده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۳۷۲)

مجموعة الادعیة المستجابات عن النبی و الائمة / ؟ . ابن طاووس از کتابی با این نام در *مهج الدعوات* نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۳۸۶)

مجموع الدعوات / ابوالحسین محمد بن هارون بن موسی التَّلَّعُکبری (زندگی در اواخر قرن چهارم) این کتاب مورد استفاده ابن‌طاووس در *مهج الدعوات* قرار گرفته است. (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۳۸۸)

مجموعة مولانا زین العابدین / این اثر از امام علی بن الحسین علیه‌السلام است و جز صحیفهٔ سجادیه می‌باشد. گویا از این اثر تنها قطعاتی در *اقبال* ابن‌طاووس باقی مانده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۳۸۹)

مختصر فیه ادعیة و عوذ / ؟ ابن طاووس آن را رسالهٔ کوچکی دانسته که در یک مجموعه قرار داشته است. وی در *فرج المهموم* از آن نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۴۴۲)

مختصر المنتخب / ؟ ابن طاووس از این کتاب با عنوان **مختصر المنتخب فی الادعیة** هم یاد کرده و در *کتاب الاقبال* به طور مفصل از آن نقل کرده است. وی گفته است که مؤلف آن را نشناخته است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۴۴۵)

الوسائل الی المسائل / احمد بن علی بن احمد بن الحسین بن محمد. ابن‌طاووس از این کتاب در *مهج الدعوات* و *المجتنی* نقل کرده است. مؤلف احتمالاً در طبقهٔ بعد از ابن‌بابویه بوده است (کتابخانهٔ ابن طاووس، ص ۵۹۵)

زاد المسافر / احمد بن علی بن حسن بن شاذان قمی (زندگی در میانهٔ قرن چهارم). این کتاب از مصادر ابن‌طاووس بوده است (ذریعه ۱۲ / ۷ / ش ۴۰، کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۶۰۳)

زاد المسافر / ابوعبدالله محمد بن احمد بن عبدالله صفوانی (زنده در ۳۴۶). به گفتهٔ شیخ آقابزرگ، ابن طاووس از این اثر در *اقبال* نقل کرده است (نوابغ الرواة، ص ۲۳۹، کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۶۰۳)

روضة‌العابدین و مأنس الراغبین / ابراهیم بن عمر بن فرج واسطی. ابن طاووس از این کتاب در *اقبال* نقل کرده اما به درستی روشن نیست که مؤلف سنّی است یا شیعه همینطور که زمان حیات وی نیز دانسته نیست (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۴۹۵)

ادب دعا از شیخ طوسی تا ابن طاووس

مهمترین اثر دعایی که شیخ طوسی تدوین کرده و در اصل پدر ادب دعایی شیعه باید خوانده شود کتاب پرارج *مصباح المتهجّد* شیخ طوسی است. این اثر مفصّل در سالهای اخیر به همت مؤسسة فقه الشیعة و به‌کوشش آقای ابوذر بیدار به زیبایی و با مقابلهٔ نسخه‌های متعدد به چاپ رسیده است.

شیخ طوسی پس از تألیف این اثر به تلخیص آن همت گماشت که از آن با عنوان *مصباح صغیر* یاد شده است (فهرست مرعشی ش ۷، ۵۰۵، ۲۰۸۲، ۲۳۴۱، ۷۳۵۹).

علامهٔ حلّی (م ۷۲۶) هم *مصباح* را با نام *منهاج الصلاح فی اختصار المصباح* (مجلس ش ۱۲۳۶۲، آخوند در همدان ش ۴۶۴۳، آستانهٔ قم ش ۳۹۰، فهرست مرعشی ش ۱۳۶۹)[1] ضمن ده باب تلخیص کرده و باب یازدهمی را در علم کلام بر آن افزوده است. این همان باب حادی عشر است که شهرت ویژه‌ای از لحاظ آموزشی در حوزه‌های دینی کسب کرده است.

منتخبی از مصباح نیز با عنوان *ادعیه منتخبه از مصباح* در کتابخانهٔ رضوی وجود دارد.

تلخیص دیگر با عنوان *مختصر مصباح المتهجّد* است که تلخیص‌گر آن شناخته

---

۱. مکتبة العلامة الحلی، مرحوم استاد عبدالعزیز طباطبائی صص ۱۹۸ - ۱۹۹

شده نیست و نسخهٔ آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است (فهرست مشکوة ۱ / ۲۰۵)

اختیار المصباح / انتخاب و تکمیل از کتاب ***مصباح المتهجّد*** شیخ طوسی است که در سال ۶۵۳ هجری انجام یافته است / سید علی بن حسین بن حسان بن حسین بن باقی قرشی. (فهرست مشکوة ۱ / ۲) ابن طاووس مکرر در *اقبال* از این کتاب نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۴۳۰)

مختصر مصباح المتهجّد / ملاحیدر علی بن محمد شیروانی (فهرست مرعشی ش ۳۹۴۸)

مختصر مصباح المتهجّد / نسخه‌ای از این مختصر نیز که نام اختصارگر در آن نیامده موجود است (فهرست مرعشی ش ۹۷۵۰)

ترجمهٔ مختصر مصباح / ؟ این ترجمه بسیار کهن بوده و به احتمال مربوط به قرن هفتم هجری است (فهرست مرعشی ش ۸۷۷، ۵۹۸۷، ۸۹۱۱). شاید نسخه‌ای از همین کتاب، همان باشد که به شمارهٔ ۱۹۸۵ در فهرست مسجد اعظم شناسانده شده و تحریر آن نیز مربوط به سدهٔ هفتم یا هشتم هجری دانسته شده است.

نقل چند سطری از ترجمهٔ مزبور در اینجا مناسب است:

> فصل در ذکر نماز استسقا: چون در شهری قحطی پذیذ آیذ و باران نیایذ مستحبست کی مردم با خذای تعالی فزع کنند و باران خواهند و بایذ تا امام مردم را فرماید تا روز شنبه و یک شنبه و دو شنبه روز[1] دارند. چون روز دوشنبه باشد بامداذ امام به مصلی شوذ و مردم با او ... بر عادت آنک نماز عید شوند و موذنان در پیش روند با عکازها چون به مصلی رسند امام فرا پیش شوذ و دو رکعت نماز کند بر ترتیب نماز عید بی بانگ نماز و قامت.

و در مورد دیگر آمده:

---

۱. روزه

آنگاه لبیک زنان می‌رود تا به عرفات. چون آنجا رسذ رحل به نمره بنهد و آن بطن عرفه است پیش از موقف و عرفات. چون آفتاب به زوال رسذ روز عرفه لبیک رهاکنذ و غسل کنذ و نماز پیشین و دیگر بکند به یک بانگ نماز و قامت جمع کند میان هر دو نماز تا به دعا بردارذ کی این روز، روز دعاست و باید تا برای دعا ... که بایستد کی رسول علیه السلام آنجا ایستاذی و مستحب است کی مردم مجتمع باشند و متزاحم و هیچ خلل رها نکند الا به نفس یا به رحل. چون برای دعا بایستد با سکینه و وقار حمد و ثنای خذای کند.[۱]

ایضاح المصباح لأهل الصلاح / نیز از سید بهاءالدین علی بن عبدالحمید نجفی (قرن هشتم) در دست است که شرح قابل توجهی است بر مختصر *مصباح المتهجّد*. این کتاب در هشتم ذی‌قعدة الحرام ۷۸۴ در حرم کاظمین علیهما السلام خاتمه یافته است (فهرست مرعشی ش ۴۵۶۸).

ترجمهٔ مصباح المتهجّد / محمد بن حسین الهی اردبیلی. وی این کتاب را برای خواجه نعیم الدین نعمة الله بن خواجه محمد علوی صفوی شهید ترجمه کرده است. (فهرست میکروفیلمهای دانشگاه، ش ۴۶۱۳)

ترجمهٔ دیگری از *مصباح* توسط محمد قاسم طاهر در سال ۱۱۰۳ انجام پذیرفته که در فهرست کتابخانهٔ سلطنتی ش ۴۸ شناسانده شده است.

ترجمهٔ مصباح المتهجّد / حافظ غیاث الدین بن جلال الدین واعظ (فهرست مرعشی ش ۵۰۵۱، ملک، ش ۱۳۴۷)

نسخهٔ دیگری از ترجمهٔ مختصر *مصباح المتهجّد* در کتابخانهٔ آستانهٔ قم (فهرست ص ۸۸) شناسانده شده است. در نشریهٔ نسخه‌های خطی (ج ۷، ص ۷۴۵) ترجمه‌ای از *مصباح المتهجّد* شناسانده شده که در سال ۹۷۴ در یزد نوشته شده

---

۱. از نسخهٔ ۸۷۷ مرعشی.

است.[1]

عمل السنة /؟ ترجمهٔ مختصر *مصباح المتهجّد* (فهرست دانشگاه تهران ش ۲۱۸۸)
کتابی با همین نام و به عنوان ترجمهٔ مصباح در فهرست مرعشی ش ۹۳۹۴ شناسانده شده است. برای یکی دانستن آنها باید با یکدیگر تطبیق شود.

ابن طاووس از کتابی با عنوان ***هداية المسترشد*** از شیخ طوسی یاد کرده که اکنون برجای نمانده است. گفته شده که این کتاب در باب دعا و عبادات بوده است.[2]

* * *

شماری از کتابهای دیگر این دوره عبارتند از:

زاد العابدين / حسین بن أبی الحسن علی بن خلف کاشغری (زنده در ۴۸۴).
ابن‌طاووس در *مهج الدعوات* و *المضايقة* از وی نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۶۰۲)

منية‌الواعي و غنية الداعي / علی بن محمد بن علی بن الحسین تمیمی (زندگی در اوائل قرن ششم). ابن‌طاووس در *الامان* و *مهج الدعوات* از آن کتاب نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۴۵۰)

ذخيرة الآخرة / علی بن محمد بن علی تمیمی نویسندهٔ کتاب پیشگفته. وی این کتاب را برای امیر محمد بن ابی‌طالب موسوی نوشته است. نسخه‌ای از آن در کتابخانهٔ مجلس (فهرست ج ۶، ص ۱۹، ش ۲۰۲۰) و نسخه‌ای دیگر در فهرست گوهرشاد (ج ۴، ص ۱۹۳۶، ش ۱۳۷۵) شناسانده شده است. وی در مقدمه، پس از ستایش خدا و درود بر رسول گوید: چون روزگار امیر سید رئیس شرف السادة جمال العترة محمد بن ابی‌طالب بن ابی‌محمد الموسوی ـ متعنی الله به ـ مؤلف این کتاب علی بن الشیخ الفقیه العالم الزاهد محمد بن ابی‌الحسن بن عبدالصمد التمیمی امتحان کرد حال وی آراسته یافت و به خصال رضی و

---

۱. فهرستوارهٔ فقه هزار و چهارصد سالهٔ اسلامی در زبان فارسی، دانش‌پژوه، ص ۹۴ (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷)

۲. کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۹۳

کرم مرعی، ظاهر و باطنش صافی از سکنات و حرکات ناپسندیده اوقات ایام و لیالی وی بر چیزهای بایسته، للّه درّه چه عجب شاخی است از درخت رسالت و غصنی است از دوح امامت در باغ طهارت و عصمت، مکارم اخلاق آباء و اجداد خویش پیش گرفته و بر آن منهاج پیش رفته و صلاح و تقوی شعار و دثار خویش ساخته. چون چنین یافتم حق دوستی وی رعایت کردم و بر خود واجب داشتم کتابی ساختن چنان که موافق حال وی باشد. با کتب اصحاب ـ رحمهم الله ـ رجوع کردم و زبده‌ای از آنجا بیرون گرفتم نه مطول چنان که بدان قیام تواند کرد و ملال و سآمت نیاورد و وی را در عمل کردن بدان ثواب بسیار بود و نام این کتاب ذخیرة *الاخرة* نهاده آمد.[۱]

کتاب کنوز النجاح / ابوعلی فضل بن حسن طبرسی(م ۵۴۸). این کتاب دعا مورد استفادهٔ ابن‌طاووس بوده و گویا نسخه‌ای از آن نیز در دست میرزا حسین نوری قرار داشته است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۳۷۲)

کتاب الحسنی / ابوعبدالله جعفر بن محمد بن احمد دوریستی (زنده در ۴۷۳). از این مکرر در *اقبال* نقل شده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۹۶)

منزوی نوشته است:

ادعیهٔ زین العابدین از ناصر بن رضا بن محمد علوی از شاگردان شیخ طوسی.

از آثار دیگر دعایی این عهد *ریاض العابدین* کراجکی (م ۴۴۹) است.

ادعیهٔ سرّ از فضل الله راوندی (م ۵۴۸) است که نسخهٔ آن در فهرست مرعشی ش-۴۹۹ موجود بوده و شرح آن در کتابخانهٔ دانشگاه (فهرست مشکوة ۱/۱۳۰) شناسانده شده است. آقابزرگ بتفصیل در بارهٔ آن سخن گفته‌است. (ذریعه ذیل مورد ادعیه‌سر)

دعوات زین العابدین از زید بن اسحاق جعفری استاد عبیدالله حسکا پدر شیخ منتجب الدین صاحب فهرست (م ۵۴۸).[۲]

---

۱. فهرستواره فقه، دانش پژوه، ص ۹۵

۲. فهرست مشکوة، ج ۱، ص ۲۱۱

العدد القوية لدفع المخاوف اليومية / سديد الدین علی بن یوسف بن مطهر حلّی (قرن هفتم). این اثر در اعمال و دعاهای برخی از روزهای سال است. (فهرست مرعشی ش ۲۶۰)

نزهة الزاهد و نهزة العابد / این اثر که مؤلف آن ناشناخته بوده و به احتمال در قرن ششم یا نیمهٔ نخست قرن هفتم می‌زیسته، از گرانبهاترین آثار دعایی در این عهد است. در بارهٔ آن بتفصیل سخن خواهیم گفت.

ابن طاووس و ادبیات دعا در شیعه

اگر *مصباح المتهجّد* شیخ پدر ادبیات دعا در شیعه باشد، آثار ابن‌طاووس (م ۶۶۴) رابایدمادر ادبیات دعا در شیعه دانست آن گونه که پس از وی، شیعه در امر دعا وام‌دار ابن‌طاووس شده است.[۱] این امر تا آنجاست که بسیاری از آثار وی نه تنها مأخذ آثار بعدی شده، بلکه برخی از آنها بارها و بارها به فارسی ترجمه شده است.

ابن‌طاووس سراسر زندگی علمی خویش را وقف دعا و اخلاق کرده و تنها بخش اندکی از آن را به موضوعات دیگر از قبیل حدیث، تاریخ و شرح حال اختصاص داده است. او در این زمینه با جستجوی کم‌سابقه در یک موضوع از مجموعهٔ آنچه از میراث مکتوب در اختیارش بوده، دعاها را استخراج کرده است. خوشبختانه این اقدام وی پیش از فتح بغداد توسط مغولان روی داده و از این جهت او از مجموعه‌ای کم‌نظیر از کتابخانه‌ها بهره برده است. به علاوه خود ابن‌طاووس علاقه مند به فراهم کردن کتاب بوده و این از مشخصات کتابهایی که در آثارش به دست داده روشن است. وی در موردی می‌گوید: در کتابخانهٔ وی بیش از هفتاد مجلد کتاب دعا وجود دارد.[۲]

بر پایهٔ تحقیق آقای اِتان کلبرگ، در آثار موجود ابن‌طاووس از ۶۶۹ عنوان کتاب

---

۱. ذریعه، ج ۲، ص ۲۶۵ ۲. مهج الدعوات، ص ۳۴۷

یاد شده و از آنها به گونه‌ای مطلب نقل شده است. این امر در میان آثار تألیفی آن روزگار کم‌مانند بلکه بی‌مانند است. از میان این آثار، بخش بزرگی به کتابهای دعا اختصاص دارد. از آنچه در بالا آوردیم روشن می‌شود که بسیاری از کتابهای دعایی شیعه که در قرن سوم تا ششم تألیف شده و اکنون در دسترس ما نیست، در اختیار ابن‌طاووس بوده است. ابن‌طاووس در موارد اندکی ادعیه‌ای از انشای خود نقل کرده است. وی این موارد را با تعابیری همچون «دعاءٌ من خاطری» «الفاظ من خاطری» «دعاءٌ اورده الله عزّ و جلّ علی خاطرنا» «دعوات وردت علی خاطری» «دعاءٌ أنشأناه» مشخص کرده است.[1] جز در این موارد، ابن‌طاووس مقید است تا دعاها را از متون کهن نقل کند.

ابن‌طاووس در بارهٔ دعا شیفتهٔ کتاب *مصباح المتهجّد* ـ که جد او شیخ طوسی مؤلف آن بوده ـ شده و عمری را برای تکمیل آن سپری کرده است. وی در زمینهٔ تکمیل کتاب مصباح شیخ، طرحی را به عنوان *المهمات و التتمات* یا *المهمات لصلاح المتعبد و التتمات لمصباح المتهجّد* تنظیم کرده و آثار دعایی خویش را بر اساس این طرح نگاشته است.[2] وی طرح خویش را به دو صورت تنظیم کرده، یکبار در پنج جلد با عناوین:

۱. فلاح السائل

۲. زهرة الربیع

۳. کتاب الشروع فی زیارات و زیادات صلوات و دعوات الاسبوع فی اللیل و النهار و دروع واقیة من الاخطار فیما یستمر عمله فی کل یوم علی التکرار

۴. الاقبال

۵. اسرار الصلوات

این پنج مجلد بر این پایه طرح ریزی شده است که جلد نخست مشتمل بر

---

۱. کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۴۸

۲. توضیحات ذیل از کتاب «کتابخانهٔ ابن‌طاووس» صص ۸۸ ـ ۹۰ گرفته شده است.

ادعیهٔ روزانه، جلد دوم مشتمل بر ادعیهٔ هفتگی، جلد سوم ادعیهٔ ماهانه، جلد چهارم ادعیهٔ سالانه و جلد پنجم در شرح معنای باطنی برخی از ادعیه.

تقسیم بندی وی در جای دیگر، بر پایهٔ یک طرح ده جلدی است بدین ترتیب:

۱. ۲. **فلاح السائل**

۳. **زهرة الربیع**

۴. **جمال الاسبوع**

۵. **الدروع**

۶. **المضمار**

۷. **المسالك**

۸، ۹. **الاقبال**

۱۰. **السعادات**

صرفنظر از طرح فوق، مهمترین آثار برجای ماندهٔ وی در دعا عبارتند از:

الاقبال بالاعمال الحسنة فیما نذکره مما یعمل مرة فی السنة، این کتاب در دو جزء تنظیم شده، جزء اول شامل ادعیه برای ماههای شوال تا ذی‌حجه و جزء دوم در ادعیهٔ محرم تا شعبان.

مضمار السبق فی میدان الصدق در ادعیه و اعمال ماه رمضان، کتاب مستقلی بوده که بعدها به *اقبال* ضمیمه شده است. اکنون *اقبال* در دو جلد و *مضمار* در یک جلد، به عنوان جلد سوم، در قم توسط دفتر تبلیغات اسلامی چاپ شده است. *اقبال* به فارسی نیز ترجمه شده است. یک ترجمهٔ آن که به دستور شاهزاده آغابیگم دختر شاه عباس انجام شده و در تاریخ شوال ۱۰۸۹ به انجام رسیده، درکتابخانهٔ آیة الله مرعشی به شمارهٔ ۱۳۴۴ موجود است.

جمال الاسبوع فی کمال العمل المشروع این کتاب شامل اعمال روز جمعه است.

الدروع الواقیة من الأخطار فیما یعمل مثله فی أیام کل شهر علی التکرار. این اثر همانطورکه از نامش آشکار است در بارهٔ دعاهایی است که در روزهای مخصوص از هر ماه

باید خوانده شود. این کتاب توسط مؤسسة آل البیت قم نشر شده است.

فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیل. این کتاب دو مجلد بوده که جلد دوم آن به استثنای چند نقل از میان رفته است. جلد اول آن در بارهٔ دعاهایی است که باید میان ظهر تا شب خوانده شود. جلد دوم آن در بارهٔ دعاهایی بوده که می‌بایست از وقت بیدار شدن برای نماز شب تا پیش از ظهر خوانده شود. این اثر در قم توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی نشر شده است.

مُهج الدعوات و منهج العنایات. این کتاب شامل حِرزها و دعاهای مختلفی است که در قنوت، تعقیبات، حاجات و مشکلات ویژه خوانده می‌شود و به همین دلیل نظم خاصی ندارد. این کتاب چندین بار به فارسی ترجمه شده که برخی از آنها را ما در جای دیگری شناسانده‌ایم.[1] ترجمهٔ دیگر از *مهج الدعوات* بدون ذکر نام مترجم در جای دیگری شناسانده شده است (فهرست مشکوة ۱ / ۴۰)

المجتنی من الدعاء المجتبی. این کتاب، مانند *مهج الدعوات* بوده و در شمار کارهای اخیر ابن‌طاووس است.[2]

از کتاب زهرة *الربیع فی ادعیة الاسابیع* ابن طاووس که در دعاهای هفته بوده و کتاب *السعادات بالعبادات التی لیس لها اوقات معینات* وی بجز چند نقل کوتاه چیزی بر جای نمانده است.[3]

در پایان این بخش باید از کتاب *زوائد الفوائد* اثر سیدابوالقاسم علی بن سید علی بن موسی بن طاووس فرزند سید بن طاووس یاد کرد.[4]

ادب دعا پس از ابن طاووس تا کفعمی

از زمان درگذشت سید بن‌طاووس در سال ۶۶۴ تا سال درگذشت کفعمی در

---

۱. نک: کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۸۶ (پاورقی). برخی از آن ترجمه‌ها در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی موجود است نک: شماره‌های ۲۶۲۶، ۴۰۵۰، ۶۱۹۵، ۶۷۴۱.

۲. در بارهٔ نسخه‌های آن نک: کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۹۱ (پاورقی)

۳. در بارهٔ این آثار و دیگر آثار ابن‌طاووس، اتان کلبرگ در کتابخانهٔ ابن‌طاووس، باب دوم ۴۹ ـ ۱۱۹ بتفصیل سخن گفته است.

۴. فهرست مشکوة ج ۱، ص ۱

سال ۹۰۵ آثار دیگری بر ادبیات دعایی شیعه افزوده شد. یکی از رایجترین این آثار کتاب *عدة الداعی و نجاح الساعی* از ابوالعباس احمد معروف به ابن‌فهد حلی (م ۸۴۱) است. نسخه‌های فراوانی از آن در کتابخانه‌ها و از جمله کتابخانهٔ آیة الله مرعشی وجود دارد. افزون بر آن چاپ نیز شده است.

این کتاب با عنوان نبذة *الداعي فی مختصر عدة الداعي* توسط خود ابن‌فهد تلخیص شده است (فهرست مرعشی ش ۳۵، ۲۶۴۲، ۸۹۷۷).

این اثر توسط یکی از مترجمان بنام قرن دهم با نام علی بن حسن زواره‌ای به فارسی درآمده و عنوان آن *مفتاح النجاح* است (فهرست مشکوة ۱ / ۲۱۷، فهرست مرعشی ۲۲۰، ۱۲۳۱، ۳۵۴۶).

ترجمه‌ای دیگر از *عدة الداعی* توسط نصیر الدین محمد بن عبدالکریم انصاری انجام یافته است. این ترجمه در ۱۲ شوال ۹۶۸ در هرات به انجام رسیده است (فهرست مرعشی ش ۱۱۵۴).

کتابی نیز با عنوان منتخب *عدة الداعی* در دست است که به احتمال مربوط به قرن دوازدهم هجری است (فهرست مرعشی ش ۳۱).

کتابی در دعا بدون نظم و ترتیب با شمارهٔ ۵۹۶ در کتابخانهٔ مرعشی موجود است که بنا به اظهار مؤلف فهرست از قرن هشتم هجری می‌باشد.[۱]

یکی از چهره‌های درخشان در دعای شیعی تقی الدین ابراهیم بن علی بن حسن بن محمد بن صالح عاملی جبعی معروف به کفعمی است. وی برادر شمس الدین جبعی، جدّ شیخ بهایی بوده است. وی در شمار علمای برجستهٔ شیعه در نیمهٔ دوم قرن نهم هجری بوده و به سال ۹۰۵ هجری قمری درگذشته است. کفعمی آثار چندی در دعاهای شیعی نگاشته و به سبکی جدید به تدوین مجدد آثار دعایی پرداخته است. شهرت آثار وی و نیز ترجمه‌های مکرری که از آنها شده، نشانگر اهمیت این آثار در جامعهٔ فرهنگی شیعه است.

---

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرعشی ج ۲، ص ۱۸۸

دو اثر مهم دعایی کفعمی که نفوذی دیرپا در فرهنگ شیعی بدست آورده عبارتند از *البلدالامین* و *جُنةالامان الواقیة و جنةالایمان الباقیه*. کفعمی کتاب نخست را در سال ۸۶۸ تألیف کرده و کتاب دوم را در ۲۷ ذی قعدهٔ سال ۸۹۵ پایان داده است.

جُنةالامان که به نام *مصباح کفعمی* هم شهرت یافته در پنجاه فصل تنظیم شده است. وی نیز گویا تحت تأثیر آثار سید بن طاووس مصادر خویش را یاد کرده است. تکمله‌ای نیز با عنوان ملحقات به آخر این کتاب افزوده شده که احتمال می‌رود از ناحیهٔ خود کفعمی باشد.[۱] هر دو کتاب وی جز متن، حواشی فراوانی نیز از مؤلف در بر دارد.

کفعمی در نقل از کتابهای دعا به طور عمده به نقلهای ابن‌طاووس متکی است گرچه به صراحت به این امر اشارت نکرده است. وی در خاتمهٔ حواشی *اَلجُنَّه*، ضمن فهرستی، از نام ۲۳۹ کتاب به عنوان کتابهایی که از آنها نقل شده یاد کرده است. در فهرستی که در *البلد الامین* آمده، نام ۲۶۰ کتاب یاد شده است.[۲]

این اثر سه بار به فارسی ترجمه شده است با این عناوین:

۱. **راحة الارواح**

۲. **نیکبختیه**. این اثر که از آن با عنوان مونس *العابدین* هم یاد شده از محمود بن میرزا علی است که به نام معتمدالدوله آقانیک بختا تألیف شده است. تاریخ نگارش آن ۱۰۵۵ دانسته شده است (فهرست رضوی ۲ / ۲۴۸، فهرست مشکوة ۱ / ۲۴۰، فهرست مرعشی ۸۳۸، ۸۸۹۷)

۳. **ترجمهٔ الجُنة الواقیة و الجنة الباقیة** / عبدالعظیم بن محمد معصوم. از این کتاب نسخه‌ای به تاریخ ۲۵ رجب ۱۲۶۱ موجود است (فهرست مرعشی ش ۳۹۵۷)

۴. **ترجمهٔ الجُنة الواقیة و الجنة الباقیة** / سید محمدرضا بن محمدقاسم حسینی قزوینی. این اثر در سال ۱۰۹۰ ترجمه شده است (فهرست مرعشی ش ۳۳۵۶)

---

۱. فهرست مشکوة ج ۱، ص ۲۲۴

۲. کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۵۴ ـ ۱۵۵

دو بار نیز تلخیص شده است با این عنوان:

الجُنة الواقیه و الجنة الباقیه (فهرست مشکوة ۱ / ۹۱). این مختصر اثر خود کفعمی است و بر پایهٔ نوشته صاحب ذریعه (۴ / ۹۴، ۹۵) چهار بار به فارسی ترجمه شده است.

۱. الانوار المقتبسة (ذریعه ۵ / ۱۵۶)[۱]

۲. ضوء المصباح / سیدمسعود بن فضل الله حسنی حسینی. این اثر تلخیص مصباح کفعمی است. نسخه‌ای از آن که تاریخ ۱۱۰۷ بر روی آن آمده موجود است (فهرست مرعشی ش ۸۹۸)

۳. ضیاء الثقلین / میرزا حاتم بن نظام الملک النظام الملکی. این اثر برگرفته از مصباح کفعمی است که تنها برخی از احکام طهارت و نمازها بر آن افزوده شده است (فهرست مرعشی ش ۶۵۷۸)

۴. ترجمهٔ البلد الامین / این ترجمه از داود بن شیخ محمد کربلائی است که آن را به دستور شاه سلطان حسین در سال ۱۱۳۵ در دو مجلد ترجمه کرده و زیر سطور دعا، ترجمهٔ آن را به فارسی آورده است (فهرست مشکوة ۱ / ۳۵)

کفعمی کتابی هم با عنوان *محاسبة النفس* دارد که با خطابهای یا نفس! تدوین شده و مناجاتی منظوم در انتهای آن آمده است (فهرست دانشگاه ج ۱۲، ص ۲۶۰۶).

گزیدهٔ کتابهای دعا از کفعمی تا حاج شیخ عباس قمی

با پیروزی صفویان در ایران، ادبیات شیعی در هر زمینه و از جمله در دعا رشد کرد. این رشد هم در زمینهٔ تألیف بود و هم ترجمه. همانطور که در جای دیگری اشاره کردیم حرکت و نهضت ترجمه شامل ترجمهٔ بیشترین متون شیعی در هر

---

۱. فهرست مشکوة ج ۱، ص ۹۰

زمینه به فارسی بود.[۱] در بخش پیش به برخی از ترجمه‌های آثار شیخ طوسی و ابن‌طاووس اشاره کردیم که در اینجا از آنها یاد نمی‌کنیم. در برابر شماری از کتابهای تألیف شده در این دورهٔ تاریخی را (به ترتیب الفبایی) می‌آوریم.[۲]

۱. **آداب عباسی** / صدرالدین محمد بن محب علی نیریزی. این اثر هم ترجمه‌ای است از مفتاح‌الفلاح شیخ بهایی. این صدرالدین شاگرد خود شیخ بهایی است.[۳] (فهرست مرعشی ش ۳۹۵۳، ۸۹۸۸)

۲. **ابواب الجنان و بشائر الرضوان** / شیخ خضر بن شلال آل خدام نجفی از شاگردان شیخ جعفر کاشف الغطاء و متوفای ۱۲۵۵ هجری قمری (فهرست مشکوة ۱/۱)

۳. **اعمال دوازده ماه سال** / ؟ (فهرست مرعشی ش ۳۱)

۴. **الالواح السماوية** / میر سیدمحمد حسین بن محمدصالح بن عبدالواسع حسینی خاتون آبادی متوفای ۱۱۵۱ (فهرست مشکوة ۱ / ۹)

۵. **انیس العابدین** / ملامحمد طبیب از علمای آخر قرن نهم و اوائل قرن دهم. این کتاب شبیه *البلد الامین* کفعمی دانسته شده و در سال ۱۰۷۱ به فارسی درآمده است. (فهرست مشکوة ۱ / ۱۷، فهرست مرعشی ش ۵۲۱۸)

۶. **باقیات صالحات** / سید ابوالحسن بن محمد هادی تنکابنی متوفای بعد از ۱۲۵۵ (فهرست مرعشی ش ۵۴۱۲)

۷. **بحر المغفرة** / سید محمدرضا بن میر محمدقاسم قزوینی. این اثر در اوائل قرن دوازدهم تألیف شده و نسخه‌ای از آن که در سال ۱۱۲۳ نوشته شده، از عصر مؤلف دانسته شده است (فهرست مرعشی ش ۳۷۶، ۹۰۲، ۶۴۷۲). این مؤلف الجنة الباقیه را نیز ترجمه کرده است (فهرست مرعشی ش ۳۳۵۶)

۸. **تبصرة المجتهدین** / شیخ علی بن باقر بروجنی (قرن چهاردهم) (فهرست

---

۱. یادنامهٔ لاهیجی، مقالهٔ «ترجمهٔ متون عربی به پارسی در دورهٔ صفوی و نقش آن در رواج تشیع در ایران».

۲. آشکار است که قصد ما استقصای کامل نبوده است. اگر چنین استقصایی انجام پذیرد، شمار این کتابها تا چندین برابر خواهد رسید.

۳. نک: میراث اسلامی ایران، دفتر سوم، ص ۳۶۹؛ فهرست کتابخانهٔ مجلس، ج۲۲، ص ۲۹۴ پاورقی.

مرعشی ش ۲۹۲۷)

۹. **تحفةالابرار ترجمهٔ خلاصة الاذکار / ؟** ترجمهٔ مزبور از کتاب *خلاصة الاذکار* فیض در سال ۱۱۲۹ انجام شده است (فهرست مشکوة ۱ / ۲۹)

۱۰. **تحفةالعابدین / ملاعبدالله بن حسین بابا سمنانی**(قرن یازدهم). از این اثر نسخه‌ای با تاریخ ۱۰۷۷ موجود است (فهرست مرعشی ش ۱۷۴۱، ۸۴۸۲)

۱۱. **تحفةالناسکین و زاد السالکین / لطف الله بن کمال الدین حسین بن لطف الله** (قرن یازدهم). تألیف این اثر در ۲۸ جمادی الثانیه ۱۰۹۰ پایان یافته است (فهرست مرعشی ش ۳۹۹۳)

۱۲. **ترجمهٔ خلاصةالاذکار / ملامحمد شفیع نجات** (فهرست مرعشی ش ۳۵)

۱۳. **ترجمهٔ خلاصةالاذکار / محمد زمان بن کلب علی تبریزی** (مؤلف فرائد الفوائد که به کوشش مؤلف این سطور چاپ شده است) (فهرست مرعشی ش ۵۲۱۴)

۱۴. **ترجمهٔ دعاهای امیرالمؤمنین** ﷺ **/ سیدمحمد بن محمد امین حسینی** (قرن ۱۲) (فهرست مرعشی ش ۹۲۶۶)

۱۵. **ترجمهٔ مفتاح الفلاح / آقاجمال بن آقاحسین خوانساری** (فهرست مشکوة ۱ / ۳۹، فهرست مرعشی ۸۱۹، ۹۹۲، ۲۸۱۶، ۷۲۰۸، ۷۷۱۰)

۱۶. **ترجمهٔ مناجات علوی / ابومحمد حسینی موسوی خادم.** ترجمهٔ چند دعاست برای شاه سلطان حسین صفوی (فهرست مرعشی ش ۶۱۲)

۱۷. **جامع الفصول و قامع الفضول / مولی تاج الدین اصفهانی** پدر فاضل هندی (فهرست مرعشی ش ۲۰۴۶)

۱۸. **جامع الفیوضات / اسدالله بن محمدابراهیم** (فهرست مرعشی ش ۸۹۸۱)

۱۹. **جامع مؤیدی و فیض مؤیدی / ؟** کتاب مفصلی است در انواع دعاها که جلد سوم آن درکتابخانهٔ مرعشی موجود است (فهرست مرعشی ش ۱۳۴۷)

۲۰. **جناح النجاح الی براح الرباح / نورالدین محمد بن محسن بن مرتضی ملقب به علم الهدی** (فهرست مشکوة ۱ / ۸۸)

۲۱. **جواهر الدعوات** / میر محمد بن عبدالباقی خاتون آبادی (قرن ۱۳) (فهرست مرعشی ش ۲۹۳۲)

۲۲. **جواهر مکنونه** / ملامصطفی بن محمد خویی. این کتاب در سال ۱۲۵۵ نوشته شده و در سال ۱۲۶۶ توسط مؤلف بازنویسی شده است (فهرست مرعشی ش ۱۹۵۱)

۲۳. **الجواهر المنثورة فی الأدعیةالمأثورة** / سید عبدالحسیب بن احمد علوی عاملی (قرن یازدهم) (فهرست مرعشی ش ۱۱۴۶)

۲۴. **حبل المتین و العروة الوثقی للمتمسکین** / اسدالله بن محمد ابراهیم قزوینی (قرن سیزدهم) (فهرست مرعشی ش ۴۴)

۲۵. **حصون الهیه** / ابوعلی بن محمد باقر حسینی. کتاب به امر آقاجمال و بنام سلطان صفوی تألیف شده است (فهرست مرعشی ش ۲۰۰۰)

۲۶. **خزائن جواهر سلطانی** / میر محمدحسین بن محمد صالح خاتون آبادی (م ۱۱۵۱) (فهرست مرعشی ش ۷۳۱، ۶۲۰۱، ۶۲۲۳)

۲۷. **خلاصة الاذکار** / ملامحسن فیض کاشانی. وی آن را در سال ۱۰۳۳ در سن ۲۶ سالگی تألیف کرده است (فهرست مشکوة ۱ / ۱۰۵)

۲۸. **خلاصةالمتعبدین و ذخیرة المتهجّدین** / نورالدین بن عبدالصمد بن حسین حسینی موسوی بحرانی. تألیف این کتاب در صفر سال ۱۱۱۶ پایان یافته (فهرست دانشگاه ش ۳۶۷۹)

۲۹. **دعوات الصالحین و نجاة الطالحین** / صلاح الدین مسعود بن محمود لطیفی (قرن یازدهم) کتاب مزبور در سال ۱۰۹۳ تألیف شده است (فهرست مرعشی ش ۱۶۲۹)

۳۰. **ذخیرةالاعمال** / یحیی بن محمدباقر مراغی. در این کتاب بیشتر از آثار مرحوم مجلسی استفاده شده است (فهرست مرعشی ش ۱۸۳۱)

۳۱. **ذریعةالضراعة** / ملامحسن فیض کاشانی (فهرست مرعشی ش ۵۹۸، فهرست

مشکوة ۱ / ۱۱۷)

۳۲. **ذریعة النجاح** / میرمحمدصالح بن عبدالواسع خاتون آبادی (م ۱۱۱۶). گفته شده که مرحوم مجلسی پیش از تألیف *زاد المعاد* مردم را به این کتاب راهنمایی می‌کرده است (فهرست مرعشی ش ۴۱۳)

۳۳. **ربیع الاسابیع** / در اوراد شبانه روز بویژه روز جمعه / ملامحمد باقر مجلسی (فهرست مشکوة ۱ / ۱۱۸، فهرست مرعشی ش ۸۹۵۵)

۳۴. **روح الجنان فی مختصر اعمال شهر رمضان** / شیخ حسین بن علی قدیحی بحرانی. این کتاب در صفر سال ۱۳۵۳ تألیف شده است (فهرست مرعشی ش ۹۱۶۲)

۳۵. **روضة الاذکار** / شرف الدین محمد بن محمد تبریزی متخلص به مجذوب. این کتاب در سال ۱۰۸۳ تألیف شده است (فهرست مرعشی ش ۱۰۹۲)

۳۶. **روضة الفلاح** / ؟کتاب مزبور شامل احکام نماز و بیشتر دعاهای مربوط به نماز و ادعیهٔ مشهور دیگر است. کتاب به نام شاه سلیمان صفوی تألیف شده است.(مشکوة ۱ / ۱)

۳۷. **ریاض الصالحین** / ؟ نسخه‌ای از این اثرکه در دعاهای شبانه روز و دیگر ادعیه نوشته شده، از قرن دوازدهم هجری موجود است (فهرست مرعشی ش ۶۴۰۱)

۳۸. **ریاض المتهجّدین** / رضی الدین محمد بن محمد شفیع مستوفی، تألیف در جمادی الثانیه ۱۰۷۹ (فهرست مرعشی ش ۷۸۹، ۹۹۵۲)

۳۹. **ریاض المؤمنین و حدائق المتقین** / محمدتقی مجلسی «در آداب دعا» (فهرست مرعشی ش ۹۸۵۰)

۴۰. **زاد العابدین لیوم الدین** / ملامحمدعلی بن محمد برغانی (فهرست مرعشی ۷۱۷)

۴۱. **زاد العقبی** / در دعاهای رجب و شعبان و رمضان / ملامحسن فیض کاشانی (فهرست مشکوة ۱ / ۱۲۲)

۴۲. **زاد المعاد** / ملامحمد باقر مجلسی. این کتاب که دو صد سال کتاب دعایی عامهٔ مردم بوده در سال ۱۱۰۷ تألیف شده است. کتاب مزبور دهها بار طبع و نشر

شده است. (فهرست مشکوة ۱ / ۱۲۳)

۴۳. **زبدة الدعوات** / ابوالحسن محمد بن یوسف عسکری بحرینی از شاگردان شیخ بهایی و مجاز از ایشان در سالهای ۹۹۸ ، ۹۹۹، ۱۰۰۰ (فهرست مشکوة ۱ / ۱۲۶، فهرست مرعشی ش ۵۹۷۱، دانشگاه ش ۳۵۵، فهرست مسجد اعظم ش ۳۹۰۲) کتاب نزهةالزاهد از مصادر این کتاب است.

۴۴. **زبدة الدعوات** / محمد هادی بن میرلوحی موسوی حسینی . این اثر در سال ۱۰۸۱ تألیف شده است (فهرست مسجد اعظم ش ۳۱۹۲)

۴۵. **زبدة الدعوات و الآداب** / محمد سلیمان بن تاریقلی الجرجی (قرن دوازدهم) بر این اثر تاریخ ۱۱۲۵ به چشم می‌خورد (فهرست مرعشی ش ۷۷۲۲)

۴۶. **زین المؤمنین** / جعفر بن الغازی رازی. این اثر در صفر سال ۱۰۸۶ پایان یافته است (فهرست مرعشی ش ۶۱۷۷)

۴۷. **سراج المتهجّدین** / (فهرست مرعشی ش ۳۷۶۹)

۴۸. **سفینةالنجاة** / علی اصغر بن محمد بن یوسف قزوینی از شاگردان ملاخلیل قزوینی (م ۱۰۸۹). (فهرست مشکوة ۱ / ۱۲۸ ، مرعشی ش ۶۰۴۳)

۴۹. **سلاح العابدین و انیس الذاکرین** / سید عبدالله بن محمدرضا شبر کاظمینی (م ۱۲۴۲) (فهرست مرعشی ش ۷۰۵)

۵۰. **صحائف الأعمال** / ملاحیدر علی بن نعمةالله طبسی. این کتاب در شوال ۱۰۰۶ تألیف شده است (فهرست مشکوة ۱ / ۱۵۱، فهرست مرعشی ش ۱۱۸۴)

۵۱. **الصحیفة العلویة و التحفة المرتضویة** / عبدالله بن صالح ماحوزی (فهرست مرعشی ش ۳۶۴۱، ۹۷۴۳)

۵۲. **ضیاء الثقلین** / میرزا حاتم بن نظام الملک النظام الملکی (فهرست مرعشی ش ۶۵۷۸)

۵۳. **ضیاء العابدین** / میرزا علیقلی خان قرچغای‌خان (فهرست مرعشی ش ۶۶۰۲)

۵۴. **عین الحیاة** / محمد مهدی بن علی اصغر بن محمد یوسف قزوینی. نسخه‌ای از

این کتاب که باب اولش دعاهای نقل شده از مصباح و باب دومش از جز آن است، به تاریخ ۲۸ ذی‌قعدهٔ سال ۱۱۱۸ موجود است (فهرست مرعشی ش ۳۹۷۹)

۵۵. **غنیة المتعبد** / سید ضیاءالدین محمد ابراهیم حسینی مرعشی (قرن ۱۳) (فهرست مرعشی ش ۱۰۹)

۵۶. **فتح الابواب** / میرزا محمدهادی بن علی بجستانی حائری (م ۱۳۶۸) (فهرست مرعشی ش ۹۲۰۱)

۵۷. **فرح الصالحین** / ؟ (فهرست مرعشی ش ۷۲۷۲)

۵۸. **کتاب الدعاء** / محمد کریم بن محمدصادق مجلسی. (فهرست مرعشی ش ۱۹۸۱)

۵۹. **الکلم الطیب و العمل الصالح** / مولانا میر محمود بن علی المشهدی (معاصر شیخ حر) (فهرست مرعشی ش ۱۲۷)

۶۰. **الکلم الطیب و العمل الصالح و الغیب الصب و المیزان الراجح** / شیخ عبْدالله بن صالح سماهیجی (م ۱۱۳۵) این اثر درسال ۱۱۳۲ پس از آنی که فارسی آن با نام العمل الصالح و المیزان الراجح نوشته شده، تألیف شده است (فهرست مرعشی ش ۶۰۴۲)

۶۱. **الکلم الطیب و الغیب الصیب** / صدرالدین علی‌خان بن نظام الدین احمد حسینی (م ۱۱۲۰) (ذریعه ۱۸ / ۱۲۷) (فهرست مرعشی ش ۸۹۶۳)

۶۲. **اللآلی السنیّة و الصحیفة الجعفریّة** / شیخ محمد حسین بن محمد حسن شریعتمدار تبریزی . این اثر در سال ۱۳۱۸ قمری تألیف شده (فهرست مرعشی ش ۵۲۲۳)

۶۳. **لب الحسنات** / فیض کاشانی تألیف شده در ۱۰۷۳ (مرعشی ش ۸۲۳۶)

۶۴. **مجمع التبیان فی اعمال شهر رمضان** / الفقیر ابن الفقیر الاصفهانی ؟ از قرن دوازدهم (فهرست مرعشی ش ۹۳۴۹)

۶۵. **مجموعهٔ دعایی** / ؟ تدوین شده در سال ۹۱۳ (فهرست مشکوة ۱ / ۱۹۷)

۶۶. **مجموعهٔ دعایی** / عبدالکریم بن ابوالحسن خوراسگانی از علمای قرن سیزدهم (فهرست مشکوة ۱ / ۱۹۶)

۶۷. **مخزن الدعوات** / سید محمد عبدالحسیب بن احمد علوی عاملی (مرعشی ش ۶۰۲۹)

۶۸. **مرآة الصالحین** / حسین بن فضلعلی تبریزی. نسخهٔ این کتاب از سدهٔ یازدهم موجود است (فهرست دانشگاه ش ۳۸۱۳)

۶۹. **مرقاة الجنان الی روضات الجنان** / علم الهدی (م ۱۱۱۵) فرزند فیض کاشانی (فهرست مرعشی ش ۵۸۲۳، ۵۸۲۷)

۷۰. **مصباح العابدین** / سید زین العابدین حسینی. این اثر به نام شاه صفی (م ۱۰۵۱) تألیف شده (فهرست مرعشی ش ۲۵۳۷، ۲۶۳۳)

۷۱. **معراج المؤمنین** / رستم بن صفی قلی‌خان. این اثر به نام شاه سلیمان تألیف شده است (فهرست دانشگاه ش ۳۶۱۸)

۷۲. **مفاتیح النجاة عباسی** / ملامحمد باقر بن محمد مؤمن معروف به محقق سبزواری (م ۱۰۹۰) (فهرست مرعشی ش ۱۶۲۳)

۷۳. **مفتاح الفلاح** / شیخ بهایی. این کتاب در ادعیهٔ شبانه روز است و بارها به فارسی ترجمه شده است (فهرست مشکوة ۱ / ۲۱۶، کتابخانهٔ فاضل خوانسار ش ۳۹۶، مرعشی ش ۸۱۹۷). به تقلید از این کتاب، اثری با نام ***مقلاد النجاح*** در سال ۱۳۱۸ پدید آمده است (فهرست مشکوة ۱ / ۲۲۳)

۷۴. **مفتاح النجاح** / ملامحمد جعفر بن محمدتقی مجلسی (فهرست مرعشی ش ۵۱۵۳)

۷۵. **مقاصد الصالحین** / سیدمحمدباقر بن محمد شیرازی (قرن سیزدهم) (فهرست مرعشی ش ۲۶۷۱)

۷۶. **مقاصد العابدین** / سیدمحمد حسن بن محمد عسکری سمنانی (قرن سیزدهم) مؤلف این اثر را بعد از ***منهاج العارفین*** آتی الذکر تألیف کرده است (فهرست

مرعشی ش ۷۶۰۰)

۷۷. **مقباس المصابیح** / ملامحمد باقر مجلسی (فهرست مرعشی ش ۳۷، ۲۹۱۱، ۴۲۲۶)

۷۸. **ملاذ الداعی و معاذ الساعی** / ملالطفعلی بن احمد مغانی تبریزی (م ۱۲۶۲) (فهرست مرعشی ش ۱۲۴۵)

۷۹. **منتخب الدعوات** / حیدر بن حسینعلی طبسی. نسخه‌ای از این کتاب که در روز ششم ربیع الاول سال ۹۷۹ تألیف شده بر جای مانده است (فهرست مرعشی ش ۲۰۸۳)

۸۰. **منتخب الدعوات** /محمدباقربن ابی‌القاسم شیرازی (فهرست مرعشی ش ۲۰۹۱)

۸۱. **منهاج الصلاح** / رفیع الدین محمد بن علی رضا گیلانی. نسخه‌ای از آن با تاریخ ۱۱۱۰ موجود است (فهرست مرعشی ش ۱۳۶۹)

۸۲. **منهاج العارفین و معراج العابدین** / سیدمحمد حسن بن محمد عسکری سمنانی (قرن سیزدهم) (فهرست مرعشی ش ۵۹۷۲)

۸۳. **منهاج الفلاح** / علی بن شاه‌محمد بافقی (قرن یازدهم) (فهرست مرعشی ش ۴۰۵۰، ۹۴۹۵)

۸۴. **منهاج المؤمنین** / سیدابوتراب بن ابوالحسن ازغدی. نسخه‌ای از این کتاب که در رمضان ۹۹۲ تألیف آن آغاز شده موجود است (فهرست مرعشی ش ۵۲۱۹)

۸۵. **نجاة المذنبین** / حاج علی آقا ایپکچی تبریزی (فهرست مرعشی ش ۳۰)

۸۶. **نخبةالدعوات** / شیخ صادق بن احمد (قرن دوازدهم) (فهرست مرعشی ش ۴۵۶۳)

۸۷. **نفائس الدعوات** / در فهرست مرعشی به شمارهٔ ۳۵۶۱ آمده اما سر جای خود معرفی نشده است.

۸۸. **الوسائل الی المسائل** / عبدالله بن محمد گنجوی. نسخه‌ای از این کتاب که در دوازدهم ربیع الاول ۱۳۲۷ پایان یافته موجود است (فهرست مرعشی

ش ۷۳۰۷)

۸۹. **وسیلةالشفاء** / سید محمدباقر بن محمدصالح رضوی (فهرست مرعشی ش ۸۷۱)

۹۰. **وسیلة النجاة** / میرزا حسن بن عبدالرسول زنوزی(م ۱۲۱۸) (فهرست مرعشی ش ۸۷۴۵)

۹۱. **هدیة الاجلة فی أدعیة رؤیة الأهلة** / عبدالمطلب حسن بن محمد اصفهانی. این اثر در نهم ذی‌قعدهٔ سال ۱۰۸۹ تألیف شده است (فهرست دانشگاه، ش ۳۵۳۹، ۳۶۱۲، فهرست مرعشی ش ۴۰۵۶) مؤلف نوشته است که این اثر برگزیدهٔ کتاب دیگر اوست با نام:

۹۲. **هبة الوصال فی أدعیة رؤیة الهلال.**

۹۳. **هدیة السادات و مجموعة السعادات** / شیخ محسن بن محمدرفیع رشتی اصفهانی (قرن سیزدهم) (فهرست مرعشی ش ۸۸۵۵)

* * *

مجموعه‌هایی با نام کتاب دعا و بدون نام مؤلف تألیف شده و یا رونویسی شده در زمانها مختلف در کتابخانه‌ها وجود دارد. از جمله با شماره‌های ۳۳، ۵۶۹، ۶۴۱، ۷۵۱، ۴۳۵۲، ۷۰۲۲، ۸۳۰۴، ۸۶۸۸، ۸۶۹۰، ۸۶۹۹، ۸۷۲۶، ۸۹۶۸، ۹۰۰۴، ۹۰۱۸، ۹۰۷۳، ۹۰۸۲، ۹۲۲۱، ۹۲۳۶، ۹۲۸۸، ۹۴۳۰، ۹۸۲۰ نسخه‌هایی به نام کتاب دعا درکتابخانهٔ مرعشی موجود است. در صفحات ۳۲ و ۳۳ فهرست الفبائی کتابخانهٔ آستان قدس نیز دهها کتاب دعا با نام یا بی‌نام مؤلف و با تاریخهای مختلف یاد شده است.

ادبیات دعا در دورهٔ معاصر

در چند دههٔ گذشته نیز کتابهای دعایی چندی نوشته شده که از میان آنها، برخی شهرت ویژه یافته است. از جملهٔ آنها *مفتاح الجنان*، *مفاتیح الجنان* شیخ عباس

قمی و *مفتاح الجنات* علامه سید محسن امین است. از میان این سه کتاب، مفتاح الجنان علی رغم شهرت عظیمی که تا پیش از مفاتیح شیخ عباس قمی به دست آورد، مؤلفش ناشناخته مانده است. این احتمال داده شده که مؤلف آن شیخ اسدالله طهرانی حائری (م ۱۳۳۳) باشد. این کتاب مورد اعتماد نبوده و میرزا حسین نوری در لؤلؤ و مرجان این مطلب را یادآور شده است.[۱] با این‌حال شهرت آن تا اندازه‌ای بوده که هنوز افراد کهنسال از *مفاتیح* شیخ عباس با عنوان *مفتاح* یاد می‌کنند.

نکتهٔ قابل توجه مشترک بودن اسامی آنها با اندک تفاوت است. نباید تردید کرد که دو نفر اخیر با اقتباس از اسم کتاب *مفتاح الجنان* راه را برای شهرت کتابهای خویش هموار کرده‌اند. با این همه دقت مرحوم شیخ عباس قمی، جامعیت کار او و ضمیمه کردن داستانها و قصه‌هایی چند، کتاب وی را به سرعت میان مردم مشهور ساخت و اکنون کمتر خانه‌ای است که از *مفاتیح* و یا منتخب آن تهی باشد. در میان آثار دورهٔ اخیر باید از کتاب *المراقبات* از میرزا جواد آقا ملکی تبریزی نیز که مشتریان ویژهٔ خود را در میان علاقه‌مندان به تهذیب نفس داشته یاد کرد. *مصباح المنیر* از آیة الله مشکینی نیز با توجه به ترجمهٔ جالبی که از دعاها در آن آمده به طور محدود مورد استقبال قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد هنوز نیز می‌بایست بر آثار کهن تکیه کرد و در ارائهٔ ترجمه‌های جدید از آنها کوشید. اگر از مردان قابلی که در سالهای اخیر کار ترجمهٔ قرآن و *نهج البلاغه* را انجام داده‌اند، کسی پا به عرصهٔ ترجمهٔ *مصباح المتهجّد* شیخ بگذارد، می‌توان امیدوار بود که به دور از برخی مشکلات بتوان متنی عالمانه را در ادبیات دعایی شیعه در اختیار مردم گذاشت.

نشر ترجمهٔ کهنی که از *مختصر مصباح* انجام شده و نسخهٔ آن در کتابخانهٔ آیة‌الله مرعشی موجود است قدم دیگری است برای احیای یک متن زیبای دعا با ترجمهٔ فارسی شیرین قرن هفتم به علاوهٔ احیای یک اثر ارزشمند از ادب پارسی در تشیع.

---

۱. ذریعه، ج ۲۱، ص ۳۲۴

اهل سنت و دعا

در اینجا به اجمال آگاهیهایی را که به طور پراکنده در این باره بدست آوردیم ارائه می‌کنیم گرچه اطمینان داریم که این کار تحقیق مستقلی را می‌طلبد.

بیشتر کتابهای دعایی که در میان سنیان تدوین شده، دعاهای رسیده از رسول خداﷺ است. از قدیمی‌ترین این آثار *کتاب الادعیة المرویة عن الحضرة النبویة* از عبدالکریم بن محمد سمعانی (م ۵۶۲) است که مورد استفادهٔ ابن طاووس قرار گرفته است.[۱]

کتاب دیگر *عدة حصن الحصین* است که مؤلف آن شمس الدین محمد بن محمد ابن الجزری است. شرحی هم از خود او با نام *مفتاح العدة* بر این اثر نوشته شده است. (فهرست مرعشی ش ۷۲۸۲). حصن الحصین ترجمه به فارسی نیز شده است (فهرست مرعشی ش ۳۰۰). دو ترجمهٔ دیگر با عنوان *حرز صین ترجمهٔ حصن حصین* و *فتح مبین در ترجمهٔ حصن حصین* نیز موجود است (فهرست مرعشی ش ۷۹۵، ۴۹۶۳، ۱۰۱۲)

کتابی نیز با عنوان *دفع الأسی فی أذکار الصبح و المساء* از شیخ ابراهیم بن حسن احسائی حنفی نگاشته شده و خود وی شرحی با نام *بسط الکسا لدفع الأسی* بر آن نوشته است (فهرست مرعشی ش ۷۲۸۲)

حلیةالابرار و شعار الأخیار فی تلخیص الدعوات و الأذکار از محیی الدین یحیی بن شرف الدین نووی شافعی (م ۶۷۶) (فهرست مرعشی ش ۹۲۰)

از کتابی با عنوان *الاربعین فی الادعیة المأثورة عن سید المرسلین* یاد شده که ابن‌طاووس در فتح الابواب از آن نقل کرده است.[۲] ابن‌طاووس از کتاب دیگری با نام *البهی فی دعوات النبی*ﷺ در *مهج الدعوات* خود نقل کرده است. این اثر از ابومحمد الخرمی (زندگی در اواسط قرن ششم هجری) می‌باشد.[۳]

---

۱. کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۶۸

۲. کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۱۹۳

۳. کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۲۰

دستور المذکرین و منشور المتعبدین از ابوموسی محمد بن ابی‌بکر مدنی از دیگر کتابهای دعایی اهل سنت است که ابن‌طاووس در *اقبال* مکرر از آن نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۲۴۷)

جامع الدعوات از نصر بن یعقوب دینوری (زنده در اوائل قرن پنجم) از دیگر کتابهای دعایی اهل سنت است که مورد استفادهٔ ابن‌طاووس در *جمال الاسبوع* وی بوده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس ، ص ۳۲۵)

کتاب المستغیثین از خلف‌بن عبدالملک ابن بشکوال (م ۵۷۸) از دیگر کتابهای دعایی است که مورد استفاده ابن طاووس بوده‌است (کتابخانهٔ ابن طاووس، ص ۴۶۰)

التحفة فی الأدعیة از عبدالرحمن بن محمد بن علی حُلوانی (م ۵۴۶) در شمار کتابهای دعایی است که ابن‌طاووس از آن در *اقبال* نقل کرده است (کتابخانهٔ ابن‌طاووس، ص ۸۷۸)

سلاح المؤمن / تقی الدین محمد بن محمد مصری غرناطی (م ۷۴۵) نسخه‌ای از این کتاب به تاریخ ۸۰۵ موجود است (فهرست مرعشی ش ۱۴۰۶)

عمل الیوم واللیلة / جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) (فهرست مرعشی ش ۲۳۴۳)

السهام المصابة فی الدعوات المجابة / جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱) (فهرست مرعشی ش ۲۳۴۳)

ادعیة الهلال ، *اللمعة النورانیة فی الاوراد* / شرف الدین احمد بن علی بن یوسف البونی (فهرست مرعشی ش ۶۲۹)

ریاض الصالحین از نووی از رایجترین کتابهای دعایی اهل‌سنّت است که شرحی با عنوان *منهل الواردین فی شرح ریاض الصالحین* از صبحی صالح بر آن چاپ شده‌است.

صوفیان و انشای دعا و صلوات

گفتنی است که صوفیان از اهل سنت و شاید از دیگر فرق، خود به ساختن

اوراد و اذکار می‌پرداخته‌اند. این قبیل اوراد و ادعیه در میان این گروه فراوان بوده است. یک نمونه که از آن با عنوان *مجموع الدعوات* یاد شده، مجموعه‌ای است از اوراد و ادعیهٔ ساخته شده توسط سیدعلی همدانی، اوراد محمد بن اسامه، ورد اویس قرنی و دیگر اقطاب این فرقه (فهرست مرعشی ج ۹، ص ۲۵۵، ش ۳۴۵۶).

انشای صلوات که نوعی دعا برای رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام است نیز، امری رایج بوده است. یکی از مشهورترین این صلواتها، صلوات منسوب به ابن‌عربی و خواجه‌نصیر است. بعدها بسیاری از صوفیان این قبیل صلواتها را ساخته‌اند. نمونهٔ دیگر کتاب *صلوات الخادم الی المخدوم* در شرح *صلوات بر چهارده معصوم* فضل‌الله بن روزبهان خنجی است. صلواتیهٔ فیض و صلواتیهٔ فرزندش علم الهدی هم از این قبیل است.

نمونهٔ دیگر *الالمام و الاعلام بنفثة مولانا عبدالسلام* است که در ۴ ذی‌حجهٔ ۱۱۲۹ تألیف شده و صورت صلواتیه دارد (فهرست مرعشی ش ۸۵۸۱)

* * *

نزهة‌الزاهد

کتاب ارجمندی که اکنون در دستان شما قرار دارد، اثری است دینی از قرن ششم یا هفتم هجری که با کمال تأسف مؤلف پارسی زبان آن را که از شیعیان پاک امامان معصوم علیهم‌السلام بوده نمی‌شناسیم. این اثر به پیروی از سنت پایدار عرفان دعایی شیعی که میراث جاویدان امامان بوده، به هدف راهبری شیعیان در نزدیکی به خداوند نگاشته شده است. مؤلف با استفاده از مآخذ معتبر شیعی، مجموعهٔ حاضر را در اعمال سالیانه عبادی فراهم آورده و به تناسب، برای ایام هفته، ماههای سال و دعاهای سالانه و همچنین تعقیبات نماز و آداب رمضان و نمازهای مستحبی و احیاناً واجب همانند نماز کسوف و جز آن، احکام و دعاهای وارده را نقل کرده است. وی در هر بخش، افزون بر یاد از دعاها، توضیحاتی به زبان شیرین پارسی آن

روزگار که به طور عمده، ترجمهٔ کلمات روحبخش امامان معصوم علیهم‌السلام است نقل کرده است. خود وی در مقدمه می‌گوید:

> و ما در این کتاب جمع کنیم از نماز و دعایی که نقل کرده‌اند از ائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم اجمعین که ارکان دین و معادن حکمت و یقین و برگزیدگان حقند از اهل زمین، آنچه زبده و خلاصه است و بکار بستن آن به اخلاص، سعادت دو جهانی حاصل شود.

وی در ادامه، در بارهٔ چگونگی تألیف کتاب می‌نویسد:

> و در این جمله جز نماز و دعا چیزی دیگر نیاریم و در آنچه داریم طریق اختیار و اختصار سپریم و از چشم به سیاهه قناعت کنیم و از سیاهه به روشنایی که وقت تنگ است و همّتها قاصر. و امید چنان است که شخصی که فایده ازو گیرد یا به آن عمل کند دعای خیر دریغ ندارد که در بارگاه حضرت الهی هیچ بخل و منعی نیست.

وی سپس به شرح نام کتاب می‌پردازد. گفتنی است که در نسخهٔ اصل نام کتاب *نزهة الزاهد و نهزة العابد* آمده است. در نسخهٔ الهیات مشهد از آن با عنوان *نزهةالزاهد و نهبةالعابد* یاد شده است. در نسخهٔ دوم دانشگاه از آن با عنوان *نزهةالزاهد و نزهةالعابد* نام برده شده است. نسخهٔ مجلس نیز از ابتداء ناقص است و متأسفانه نمی‌دانیم که در آن این نام چگونه آمده است.

خود مؤلف در شرح نامی که برای کتاب برگزیده می‌گوید:

> و این کتاب را *نزهةالزاهد* و ... لقب دادیم، چه چشم دل زاهد حقیقی بدو روشن شود و جان عابد بدو خرم گردد و او را فرصتگاه غارت غنیمت حق داند.

با این تفسیر، باید پذیرفت که نام درست کتاب همان نزهةالزاهد و نهزةالعابد

است. زیرا، نهزة در اینجا به معنای اغتنام فرصت است و این با تعبیر فرصتگاه غارت غنیمت سازگار است. گفتنی است که کتابی با عنوان *غنیة العابد و منیة الزاهد* از علامهٔ طبرسی که می‌بایست با اندکی فاصله از معاصران مؤلف *نزهة‌الزاهد* باشد یاد شده است.[1] این نوع نامگذاری می‌تواند قرینه‌ای دور بر معاصرت آنها تلقی شود.

اهمیت نزهة‌الزاهد در ادب مذهبی ما

اثر حاضر از چندین جهت حائز اهمیت است. یکی از مهمترین ویژگیهای آن این است که کتاب حاضر پس از *مصباح المتهجّد* شیخ طوسی ـ رحمة‌الله علیه ـ و احتمالاً پس از *ذخیرة‌الآخرهٔ* تمیمی از کهن‌ترین کتابهای دعایی شیعه است که به دست ما رسیده است. دانسته است که فرهنگ دعایی شیعه، پس از اثر سترگ شیخ طوسی (م ۴۶۰)، بازمانده از تلاش عالمانه و عارفانهٔ عالم برجستهٔ شیعی در نیمهٔ دوم قرن هفتم، سید بن طاووس(م ذی‌قعده ۶۶۴) است. با این حال اثر حاضر اندکی پیش از ظهور آثار گرانبهای سید بن طاووس تألیف شده و از این جهت به عنوان حلقهٔ مهمی در ادب دعای شیعی باید شمرده شود.

این نکته گفتنی است که نویسندهٔ *نزهة‌الزاهد* به طور یقین از کتاب *مصباح* شیخ بهره برده است. این امر در ترتیب بسیاری از مباحث و نیز ترتیب نقل برخی روایات در مباحثی خاص کاملاً آشکار است. با این همه به هیچ روی نمی‌توان این اثر را اقتباس از آن دانست، زیرا دعاهای فراوانی در *نزهة‌الزاهد* وجود دارد که از اصل در *مصباح* نیامده است. همین‌طور برخی از ادعیه به‌گونه‌ای متفاوت با آنچه در *مصباح* آمده، در نزهه نقل شده است. این امر نشانگر آن است که نویسندهٔ نزهه از مصادر متعددی بهره برده است. افزون بر این، شیخ در بسیاری از مواقع در *مصباح*، بدون مقدمه‌ای حدیثی، متن دعا را نقل می‌کند در حالی که همان دعا در *نزهة‌الزاهد* با مقدمات چندی از احادیث و توضیحات مؤلف آمده است. اهمیت این نکته تا آن

---

۱. ذریعه، ج ۱۶، ص ۶۷

اندازه است که نزهه را از مصادر اصیل دعایی شیعه قرار دهد.

ویژگی دیگر آن از لحاظ دینی آن است که اثر حاضر به اختصار اما با جامعیت، مهمترین اعمال عبادی شبانه روز را شرح داده و می‌تواند به منزلهٔ یک کتاب دعای کامل مورد استفادهٔ هر مسلمان قرارگیرد. دانسته است که این قبیل تألیفات درگذر تاریخ فراوان بوده و مهمترین آنها در آغاز *مصباح المتهجّد* شیخ طوسی و یکی از جدیدترین و رایجترین آنها در دورهٔ اخیر *مفاتیح الجنان* مرحوم حاج شیخ عباس قمی است. در دورهٔ اخیر صفوی نیز مرحوم مجلسی کتاب ارجمند *زاد المعاد* را تألیف کرد که برای سالهای متمادی مورد استفادهٔ عاشقان دعا و عبادت بوده است. با این حال کتاب حاضر به لحاظ توضیحات شیرین پارسی و نیز نحوهٔ تنظیم و تبویب و مهمتر از همه اختصار جای ویژهٔ خود را در ادب دعایی شیعه دارد. آقای دانش پژوه در مقایسهٔ این کتاب با سایر کتابها می‌نویسد:

> *نزهةالزاهد* کتاب دعایی است بسیار شیرین و شیوا به فارسی و بسیار لطیف و بهتر از *زاد المعاد* مجلسی و *مفاتیح* شیخ عباس قمی است بلکه این کتابها در صحت و شیوایی در برابر آن هیچ است. در این اواخر کسی آن را گویا نمی‌شناخته و کتاب معروفی نیست.[۱]

ویژگی دیگر این اثر آن است که توضیحات آن به زبان پارسی نوشته شده است. این امر نشانگر آن است که تشیع امامی نفوذ فراوانی در ایران قرن ششم و هفتم داشته است. به سخن دیگر، اثر حاضر سندی است استوار از حضور قاطع تشیع دوازده‌امامی در ایران اسلامی.[۲]

افزون بر آن اثر حاضر با وجود تغییرات مختصری که در برخی از تعابیر آن، طی قرون بعد انجام شده، به لحاظ نثر نیز در تاریخ زبان فارسی از اهمیت بالایی

---

۱. معتقدالامامیه، مقدمه صفحهٔ سیزده و چهارده.

۲. ما در بارهٔ این قبیل آثار فارسی شیعی در کتاب «تاریخ تشیع در ایران» و «دنبالهٔ جستجو در تاریخ تشیع در ایران» سخن گفته‌ایم.

برخوردار است. این نثر شیرین به دلیل استواری زبان فارسی در آن روزگار، هنوز نیز از شیوایی خاصی برخوردار بوده و می‌تواند راهنمایی برای پژوهشگران تاریخ ادب پارسی باشد.

معتقد الامامية و نزهة الزاهد

کتاب *معتقد الامامية* که نسخهٔ اصل آن در اختیار استاد علامه حاج سید محمدعلی روضاتی بوده و آن را بتفصیل در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های اصفهان شناسانده، به سال ۱۳۳۹ به کوشش آقای دانش پژوه به چاپ رسید. این کتاب که به زبان فارسی نگارش یافته در سه زمینهٔ کلام، اصول فقه و فقه، عقاید شیعه را عرضه کرده است. اثر مزبور که بنا به قرائنی در نیمهٔ دوم قرن هفتم هجری نگارش یافته، در دو مورد از *نزهة الزاهد* یاد کرده است. در مورد نخست نویسندهٔ *معتقد الامامية* نوشته است:

و غسلهای سنت و دعواتی که در وضو و غسل باید خواندن بسیار است و از برای این، کتابها ساخته‌اند، چون *عمل السنة* و *مصباح کبیر* و *نزهة الزاهد* و غیر این، کسی راکه باید که بر عمل این طایفه از فرائض و نوافل مطلع شود آن را طلب باید کرد و مطالعه کردن.[1]

نویسندهٔ *معتقدالامامية* در مورد دیگری نیز نوشته است: و نمازهای سنت که مروی است از رسول صلی الله علیه و اله بسیار است و از برای این کتابها ساخته‌اند چون *عمل السنة* و *مصباح کبیر* و *نزهة الزاهد* و غیرآن.[2]

تا آنجا که می‌دانیم *معتقدالامامية*، کهن‌ترین اثری است که در آن از *نزهة الزاهد* یاد شده است. اما مشکل آن است که نویسندهٔ آن کتاب نیز همانند نزهةالزاهد شناخته شده نیست، همان گونه که تاریخ نگارش آن کتاب هم شناخته نیست. اما به

---

۱. معتقدالامامية، ص ۲۰۰ ۲. معتقدالامامية، ص ۲۲۴

هر روی مهم آن است که نثر این دو کتاب بسیار به یکدیگر نزدیک می‌باشد. افزون بر آن زمان تقریبی نگارش *معتقد الامامیة* روشن است و این خود دست‌کم در تعیین قرن تألیف نگارش *نزهة الزاهد* به ما کمک می‌کند. زمان تقریبی تألیف کتاب *معتقد*، با توجه به اشارتی کوتاه، به نیمهٔ دوم قرن هفتم هجری باز می‌گردد. مؤلف *معتقد*، لابلای بحث از اثبات این اصل شیعی که نمی‌بایست روزگار خالی از امام و حجت خدا باشد می‌نویسد:

> اما پیش از این هر کس که دعوی امامت کردند از فرزندان عباس، نامعصوم بودند و ظالم و در این ایام منقرض شدند و غیر ایشان هر کس که دعوی امامت ایشان کرد از اسماعیلیان و زیدیان همه منقرض شدند.[۱]

همانگونه که محقق کتاب در مقدمه آورده این سخن می‌تواند اندکی پس از سقوط بغداد به دست مغولان در سال ۶۵۶ مصداق یابد. تعبیر «دراین ایام منقرض شدند» باید مربوط به زمانی نه چندان دراز پس از زوال دولت عباسی باشد. در این صورت نزهة الزاهد باید پیش از آن تألیف شده باشد، اما با چه فاصله‌ای روشن نیست. ممکن است در نیمهٔ اول قرن هفتم و شاید هم در قرن ششم.

دیگر آثاری که در آنها از نزهةالزاهد نقل شده

یکی از آثاری که در آن از نزهةالزاهد استفاده شده، *زبدةالدعوات* از ابوالحسن محمد بن یوسف بحرانی عسکری (و در واقع قزوینی) از شاگردان شیخ بهایی است. از این کتاب دونسخه در کتابخانهٔ آیةالله مرعشی به شماره‌های ۵۹۷۱ و ۶۵۴۳ موجود است. وی در مقدمهٔ آن کتاب نوشته است: ... پس بعنایة الله تعالی در این ایام شروع در تألیف آن نمود و التزام کرد که آنچه از کتب معتبره انتخاب کند

---

۱. معتقدالامامیه، ص ۱۲۰ - ۱۲۱

حرف آخر آن جهت علامت مرقوم سازد بر این منوال ... «د» *نزهة‌الزاهد*.[۱]

از جمله کتابهایی که در عهد صفوی در آن از *نزهة‌الزاهد* استفاده شده کتاب *سفینة اهل البیت* است که متأسفانه نام مؤلف آن شناخته شده نیست. این کتاب به نام سلطان علی عادلشاه، به سال ۱۰۷۹ تألیف شده است. شیخ آقابزرگ که نسخه‌ای از آن را دیده فرموده است: در این کتاب از *نزهة‌الزاهد*، *مفتاح النجاة*، *نگارستان*، *روح الارواح*، *صحائف الاعمال*، *مصباح النجاح*، *جهان آرا* و *جدول التواریخ کفعمی* نقل شده است.[۲]

کتابی با نام *کفایة‌المهمات* نیز که احتمالاً در هند و در قرن دوازدهم تألیف شده، از *نزهة الزاهد* نقل کرده است.[۳]

در کتاب *جامع مؤیدی و فیض مؤبدی* که مؤلف آن ناشناخته است، از *نزهة الزاهد* استفاده شده است. این اثر باید متأخر باشد، چه از آثار دورهٔ صفوی و از جمله از *زادالمعاد* مرحوم مجلسی نیز در آن نقل شده است[۴]

در کتاب *الصیامیة* از امیر محمدرضا بن سید میر محمد قاسم حسینی ساکن قزوین نیز که در سال ۱۱۰۷ اعمال ماه رمضان تألیف کرده از کتابی با عنوان *نزهة‌العابد* نقل شده که به ظن قوی باید همین *نزهة الزاهد* و *نهزة العابد* باشد گرچه شیخ آقابزرگ *نزهة العابد* را جدای از *نزهة الزاهد* نقل کرده است.[۵]

نسخه‌ها و روش تصحیح

از *نزهة الزاهد* چهار نسخه برجای مانده است. دو نسخه در کتابخانهٔ دانشگاه (۴۶۴۶ ، ۷۳۸۰) یکی در دانشکدهٔ الهیات مشهد (۶۴۹) و دیگری در کتابخانهٔ مجلس (۱۱۴ مجموعهٔ امام جمعه خوی ج ۷، ص ۱۲۰).

---

۱. نسخهٔ شمارهٔ ۵۹۷۱ کتابخانهٔ مرعشی برگ ۲ و نک: ذریعه ج ۱۲، ص ۲۶

۲. ذریعه، ج ۱۲، ص ۱۹۵ ۳. ذریعه، ج ۲۴، ص ۱۱۷ ۴. فهرست مرعشی، ش ۱۳۴۷

۵. نک: ذریعه ج ۱۵، ص ۱۰۳، ش ۶۹۴ و ج ۲۴، ص ۱۱۸

از میان این چهار نسخه، نسخهٔ شمارهٔ ۴۶۴۶ دانشگاه از نسخه‌های دیگر دقیق‌تر و به لحاظ نثر، نزدیکتر از نسخه‌های دیگر به نثر قرن ششم و هفتم ایران است. ما این نسخه را اصل قرار داده و از آن با عنوان نسخهٔ «د» یاد کرده‌ایم. نثر فارسی کتاب بر اساس همین نسخه آماده شده است. این نسخه در سال ۹۸۰ هجری نوشته شده و گویا در بین نسخه‌های موجود، کهن‌ترین آنها باشد. مهم آن است که کاتب تغییر چندانی در ترکیب عبارات نداده است گرچه به دلیل نبودن نسخه‌ای کهن، نمی‌توان اطمینان کامل داشت.

نسخهٔ کتابخانهٔ مجلس هم تا حدودی به نثر نسخهٔ دانشگاه نزدیک است جز آن که در آن هم تغییرات فراوانی صورت گرفته و کلمات فارسی به عربی برگردانده شده است. نگاهی به متن آن در قیاس با نسخهٔ دانشگاه نشان می‌دهد که آن نیز تقریباً بازنویسی شدهٔ همان متن است. به علاوه از لحاظ متن نیز در قیاس با نسخهٔ دانشگاه کمبودهای فراوانی دارد. افزون بر اینها، نسخه مجلس از آغاز نزدیک به هفده صفحه ناقص بوده و صحافی آن نیز به گونه‌ای صورت گرفته که بیشتر صفحات جابجا شده است.

نسخهٔ دانشکدهٔ الهیات مشهد که از آن با عنوان نسخهٔ «م» یاد شده، با وجود زیبایی خط، گرفتار بیشترین تغییرات شده است. کاتب از طرف خود یا بر اساس نسخه‌ای که از روی آن نسخهٔ خود را نوشته، در بسیاری از موارد عبارات را تغییر داده است. به علاوه دعاهای چندی از جمله دعای افتتاح و ابوحمزه ثمالی را بر آن افزوده است، همینطور روایاتی را به عنوان تکمیل بحث آورده است. القاب معصومین علیهم‌السلام نیز متناسب با زمان نگارش آن که قرن دوازدهم هجری است تغییر یافته است. این علاوه بر تغییر کلمات فارسی به عربی است. به عنوان مثال در متن اصل ما که همان نسخهٔ دانشگاه است عنوان بحث نماز میت «نماز مرده» است که در نسخهٔ الهیات «نماز میت» آورده شده است. یا بجای کلمهٔ «کمینه»، «اقلش» آمده است. و یا «نماز باران خواستن»، «نماز استسقا» آمده است.

با مقایسهٔ این چند متن، روشن شد که دقیق‌ترین متن همان نسخهٔ دانشگاه است و بی‌شبهه باید اصل قرارگیرد. این دقت در ضبط درست کلمات دعا و حتی اعراب نیز صادق بود. تفاوتها به لحاظ عبارات دعایی فراوان بود، آنچه مهم بود برگزیده شد و با آوردن درگیومه نشان داده شد که مختص یک نسخه است. اگر قرار بود نشان داده شود که ازکدام نسخه است، حجم فراوان و گسترده‌ای از پاورقی بر آن باید افزوده می‌شد. در مورد القاب معصومان نیز ما کوشش کردیم تا بیشتر بر اساس نسخهٔ دانشگاه عمل کنیم، با این همه در مقایسهٔ این سه متن، و نیز القاب معمول برای آن بزرگواران در آن عصر، متن را تنظیم کرده‌ایم. به عنوان مثال در بسیار از موارد برای رسول خدا «علیه السلام» آورده شده. ما هر مورد که علیه‌السلام بوده تغییری نداده‌ایم. درکنار آن در بیشتر موارد «صلّی اللّه علیه و آله» بوده که به همان صورت ضبط شده است.

بنای بنده بر ارجاع تمامی مطالب نقل شده، بویژه دعاها نبوده است. هر کجا که امکان ارجاع آسانتر و سهلتر بود، محل حدیث یا دعا را نشان داده‌ام. در این باره نقل ادعیه از *مصباح المتهجّد* هم همین حکم را دارد. امکان ارجاع نقلها به کتابهایی متأخر از *نزهة الزاهد* بوده که جز یکی دو مورد نسبت به کتابهای ابن طاووس و ... مطلقاً از این کار صرف نظر کردم.

در پایان بر خود فرض می‌دانم تا از لطف و عنایت خالصانهٔ حضرت استاد علامه آیةالله جناب آقای حاج سید محمدعلی روضاتی ـ دامت برکاته و افاضاته ـ در حق اینجانب تشکر کنم. ایشان با حوصلهٔ تمام و با وجود مشکلات فراوان، متن حروفچینی شدهٔ کتاب *نزهةالزاهد* را مطالعه کرده و خبط و خطاهای فراوانی را بویژه در اعراب‌گذاری دعاها یادآور شدند. با این حال طبیعی است که آنچه برجای مانده ـ و البته کم نیست ـ به عهدهٔ بنده خواهد بود.

همچنین از دوستانی که در تهیهٔ نسخه‌های عکسی این کتاب بنده را یاری دادند سپاسگزاری می‌کنم: جناب آقای دکتر سید محمود مرعشی، برادر محترم جناب

آقای اشک شیرین، استاد معظم جناب آقای عبدالحسین حائری و سرور عزیز ریاست محترم دانشکدهٔ الهیات مشهد جناب حجةالاسلام و المسلمین آقای عبداللهی و جناب آقای اکبر ایرانی مسئول محترم دفتر نشر میراث مکتوب که این اثر را در مجموعهٔ منشورات آن دفتر قرار داد.[۱] پاداش همهٔ آنان از سوی خدای تبارک و تعالی محفوظ و مزید باد.

جا دارد در اینجا از مرحوم استاد علامه جناب آقای عبدالعزیز طباطبایی ـ رحمة الله علیه ـ یاد کنم که در هر حال راهنمای بنده در مشکلات بوده و علاقهٔ فراوانی به نشر این اثر گرانبها داشت، خدایش رحمت کند و از سر تقصیرات همهٔ ما درگذرد.

رسول جعفریان

۱۲ فروردین ۱۳۷۵

---

۱. در ضمن از اینکه این دفتر با سه‌بار نمونه‌خوانی دقیق نهایت دقّت را در ضبط حرکات و اعراب دعاها مبذول کرد ـ خصوصاً جناب آقای دکتر سیّد غلامرضا تهامی ـ سپاس و ستایش خود را ابراز می‌دارم و برای ایشان و دیگر همکاران دلسوز این دفتر، آرزوی سلامتی و موفقیت می‌کنم.



بسم الله الرحمن الرحیم. وعلیه توکلی. خدایا ترا خوانم و ترا

دانم. و بهر حاجت بتو بر دارم. و پناه با تو دهم. و از تو در تو

گریزم. و در همه حالها اعتماد بر تو کنم. و امید بفضل و کرم تو

دارم. و فخر بندگی تو آرم. و دست رجا در دامن عفو

تو زنم. و دوستی با دوستان تو کنم. و بر محمد و آلش درود

برای تو فرستم که برگزیدگان تواند از بنی آدم [illegible]

[illegible] هر دو عالم. اما بعد بدان ای سپرنده راه هدی [illegible]

[illegible] تقوی است و تقوی [illegible]

صفحهٔ اوّل از نسخهٔ خطی شمارهٔ ۴۶۴۶ دانشگاه تهران

أستودعك الله وأسترعيك وأقرأ عليك السلام آمنّا

بالله وبالرسول وبما دعوت إليه ودللت عليه اللّهمّ

فاكتبنا مع الشاهدين. اللّهمّ ارزقني حبّهم ومودّتهم

أبداً ما أبقيتني السلام على ملائكة الله وزوّار قبر

نبيّ الله السلام عليك منّي أبداً ما بقيت ودائماً إذا

فنيت السلام علينا وعلى عباد الله الصالحين اللّهمّ

لا تجعله آخر العهد من زيارته [illegible] فإن جعلته فاحشرني

معه ومع آبائه الماضين وإن أبقيتني يا ربّ فارزقني

زيارته أبداً ما أبقيتني إنّك على كلّ شيء قدير

تمّ هذا الكتاب بعون الملك الوهاب على يد العبد

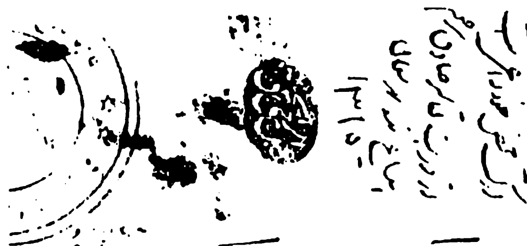
الضعيف المحتاج الى عفو [illegible] الله

[illegible] حسين بن حسن الحسيني

[illegible] في شهر شوال

[illegible]

صفحهٔ آخر از نسخهٔ خطی شمارهٔ ۴۶۴۶ دانشگاه تهران



رکعت انا انزلناه خوانی و در دوم قل هو الله زیرا که انا انزلناه
سوره پیغمبر است و اهل بیتش علیهم السلام پس نماز کند
ایشان را وسیله سازد بخدای تعالی و در دوم رکعت سوره
توحید خوانی زیرا که دعا بر اثر او مستجاب بود و بر اثر آن دعا
قنوت خواهد بود چون از قرائت فارغ شوی دست به تکبیر
برآر آنگه کف دست سوی آسمان کن و دعاء قنوت بگوی
و قنوت مستحب است در همه نمازها و در فریضها تأکید
استحبابش زیاده است و فاضلتر چیزی که در قنوت
بگویی کلمات فرج است و آن اینست لا اله الا الله الحلیم
الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب
السموات السبع و ما فیهن و ما بینهن و ما تحتهن
و رب العرش العظیم و سلام علی المرسلین و الحمد لله
رب العالمین اللهم صل علی محمد و آل محمد و عافنی
و اعف عنی و آتنی فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة
و قنی برحمتک عذاب النار و پس از آن دعائی که خواهی
بگوی و دعائی که در قنوت کفایت بود آنست که بگوئی

صفحهٔ اوّل از نسخهٔ خطی شمارهٔ ۱۱۴ مجلس

بسرکم و علانیتکم مفوض [illegible] ذلک کله الیکم لعن الله عدو آل محمد من
الجن والانس وانا ابرأ الی الله منهم وصلی الله علی محمد وآله پس
صلوات بر پیغمبر و امامان بگوید علیه و علیهم السلام و بفرستد و از
دشمنان ایشان تبرا کند و مؤمنان را بدعا گوید و بر بالینش دو
رکعت نماز کند پس از الحمد و یس و الرحمن بخواند یا سوره‌ای
که داند و [illegible] و [illegible] وداع خواهد کرد بگوید استودعک الله واسترعیک
واقرأ علیک السلام آمنا بالله وبما دعوت الیه ودللت علیه اللهم
فاکتبنا مع الشاهدین اللهم ارزقنی حبهم ومودتهم ابداً ما
ابقیتنی السلام علی ملائکة الله وزوار قبر نبی الله السلام علیک
منی ابداً ما بقیت ودائماً اذا فنیت السلام علینا وعلی عباد الله
الصالحین اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارتی ایاه فان جعلته
فاحشرنی معه ومع آبائه الماضین وان ابقیتنی یا رب فارزقنی
زیارته ابداً ما ابقیتنی انک علی کل شیء قدیر تمت الکتاب

بعون الله الملک الوهاب

صفحهٔ آخر از نسخهٔ خطی شمارهٔ ۶۴۹ دانشکدهٔ الهیات مشهد

مقدّمهٔ مؤلّف

بسم الله الرّحمن الرّحیم و علیه توکّلی

خدایا ترا خوانم و تو را دانم و به تو نازم و حاجت به تو پردازم و پناه با تو دهم و از تو در تو گریزم و در همه حالها اعتماد بر تو کنم و امید به فضل و کرم تو دارم و فخر به بندگی تو آرم و دست رجا در دامن عفو و غفران تو زنم و دوستی با دوستان تو کنم و دشمنی با دشمنان تو کنم و بر محمد و آلش درود از برای تو فرستم که برگزیدگان تواَند از بنی‌آدم و فخر و تاجند بر سر هر دو عالم.

اما بعد: بدان ای سپرندهٔ راه هدیٰ و کوبندهٔ درِ تقوی که زاد راه آخرت تقوی است و تقوی فرمان برداری است راه خدای تعالی را در آنچه بدان امر فرموده است و دور بودن از آنچه نهی کرده است و به قیام کردن به امر خدای نتوانی رسیدن مگر بدان که پاس سیرت و صورت خود داری و نهان و آشکارِ خود با حق راست گردانی و بر اندیشهٔ دل و حرکات اعضا دائماً دیدبانی کنی و بدانی که حق تعالی مطّلع است بر خطرات و خطوات تو و بینا و داناست بر حرکات و سکنات تو. پس جهد کن تا ترا نبیند آنجا که تو را نهی کرده است و تراکَمْ نیابد آنجا که بدو فرموده است و برین قادر نباشی مگر به آنکه ساعات روز و شب خود را در طاعات آفریدگار خود قسمت کنی و به خدمت مولای خود مشغول باشی.

پس بدان که بزرگترین عبادتها و فاضلترین طاعتها نماز است و قرآن خواندن و دعا. چنانچه حقّ تعالی فرموده در قرآن:

أُتْلُ ما أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتابِ وَ أَقِمِ الصَّلٰوةَ، إِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهىٰ عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللّٰهِ أَكْبَرُ.[۱]

یعنی: بخوان آنچه به تو فرستادند ازکتاب خدای تعالی، یعنی قرآن، و نماز بپای دارکه نماز از زشتیها و ناکردنیها باز دارد و یاد کردن خدای تعالی از همه چیزها بزرگوارتر است.

و دیگر فرمود:

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتابَ اللّٰهِ وَ أَقامُوا الصَّلٰوةَ وَ أَنْفَقُوا مِمّا رَزَقْناهُمْ سِرًّا وَ عَلانِيَةً يَرْجُونَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَ يَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ.[۲]

یعنی: آنانی که کتاب خدای تعالی خوانند و نماز بپای داشته باشند و از آنچه ما ایشان را روزی کرده باشیم نفقه کرده باشند، نهان و آشکار، ایشان امید بازرگانی می‌دارند که هرگز درو به زیان نَاُفتند تا خدای تعالی مزد ایشان بتمامت بدیشان رساند و از خزینهٔ فضل خود زیادتی در سر کند که او خدایی است آمرزگار و سپاسدار.

و گفت:

اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِينَ.[۳]

یعنی: مرا خوانید تا اجابت کنم شما را. آنان که تکبر نمایند از پرستیدن من، زود بود که به دوزخ رسند به خواری.

روایت کردند از صادقان، که تاج عصمت بر سر داشته‌اند که، مراد به عبادت در

---

۱. عنکبوت: ۴۵ ۲. فاطر: ۲۹، ۳۰ ۳. غافر: ۶۰

این آیت، دعاست و فاضلترین عبادت دعاست.[۱] و پیغمبرﷺ گفت که، نماز ترازویی است، هر که تمام فرا دهد، تمام فرا ستاند.[۲] و گفت: مَثَل نماز در میان شما، همچون جوی آب روان است که به در سرای یکی بود از شما و او در شبانه روزی پنج بار از آن جوی غسل می‌کند، پس چیزی از چرک و وَسَخ نماند بر بدن او با پنج بار غسل کردن و چیزی از گناه نماند با پنج بار نماز کردن.[۳]

و گفت: عمود دین نماز است و نماز اول چیزی است که در او نگرند از عمل فرزند آدم، اگر او درست بود در دیگر عمل او ننگرند و اگر آن درست نبود در دیگر عمل او نگرند.[۴]

و باقر علیه‌السلام گفت که، نخستین چیزی که بنده را به آن حساب کنند نماز بود و اگر آن را قبول کنند هر چه جز آن بود قبول کنند. و بنده چون نماز بگزارد به وقت خویش، آن نماز با وی برگردد سفید و روشن، همی گوید: مرا نگاه داشتی، خدا ترا نگاه دارد و چون در وقت خویش نگزارد و حدود آن نگاه ندارد با وی برگردد سیاه و تاریک، همی گوید: مرا ضایع گذاشتی، خدای ترا ضایع گذارد.[۵]

و صادق علیه‌السلام را پرسیدند که، فاضلترین چیزی که بندگان به آن تقرّب جویند به خدای و دوسترین چیزی بسوی خدای تعالی چیست؟ گفت: هیچ چیز ندانم پس از شناختن خدا، که بهتر از نماز باشد. آیا نمی‌بینی بندهٔ صالح عیسی بن مریم علیه‌السلام گفت:

> وَ أَوْصَانِي بِالصَّلٰوةِ وَ ٱلزَّكٰوةِ مَا دُمْتُ حَيًّا[۶] یعنی: باری تعالی مرا وصیّت کرد به نماز و زکات تا زنده باشم.[۷]

و وی گفت علیه‌السلام : دوسترین عملها به خدای تعالی نماز است و نماز آخر وصیتهای پیغمبرانست. چه نیکو بوَد مرد را که غسل کند یا وضوی تمام، پس به

---

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۶ — ۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۶ و ۲۶۷

۳. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۱ — ۴. التهذیب، ج ۲، ص ۲۳۷

۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸ — ۶. مریم : ۳۱ — ۷. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴

جایی شود که آدمی او را نبیند، خدای تعالی بر او مطلع و دیده‌ور بوَد و او در رکوع یا سجود باشد، بنده چون سجود کند سجدهٔ دراز، ابلیس فریاد برآورد که ای وای بر من! آدمیان طاعت خدای داشته‌اند و من فرمان نبردم. ایشان سجده کردند و من سر باز زدم.[۱]

و صادق علیه‌السلام گفت: به خدا سوگند که مرد بود که پنجاه سال بر او بگذرد و خدای یک نماز او قبول نکرده بوَد، چه دشوارتر از این باشد؟ و به خدای که شما دانید اگر همسایگان و یاران خویش کسی که نماز از بهر شما کند، شما آن نماز وی قبول نکنید، از بهر آن که (خدای را) بدان استخفاف کرده بود و خدای تعالی جز نیکویی نپذیرد، پس چون قبول کند چیزی را که بدو استخفاف کرده باشند؟[۲]

پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: از من نیست هر که به نماز خود استخفاف کند. یعنی نماز نکند یا بر وجه شرع به جای نیاورد. به خدای سوگند که به حوض کوثر به من نرسد، و از من نیست کسی که مست کننده بخورد، به خدای سوگند که به حوض کوثر به من نرسد.[۳]

صادق علیه‌السلام گفت که، از شفاعت ما بهره نیابد کسی که به نماز استخفاف کند.[۴]



و ما در این کتاب جمع کنیم از نماز و دعایی که نقل کرده‌اند از ائمهٔ معصومین صلوات الله علیهم اجمعین که ارکان دین و معادن حکمت و یقین و برگزیدگان حقّند از اهل زمین، آنچه زبده و خلاصه است و بکار بستن آن به اخلاص، سعادت دو جهانی حاصل شود و آن را بر پنج قسم نهیم و بیان کنیم، ان شاء الله.

قسم اوّل در اورادی که در شبانه روزی مکرر می‌شود

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹ در متن حدیث آمده: لاستخفافه بها؛ به همین دلیل ما قسمت «خدای را» در پرانتز آوردیم.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹

۴. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰

قسم دوم در اورادی که در هفته مکرر می‌شود

قسم سوم اورادی که هر ماهی مکرر می‌شود

قسم چهارم در آنچه هر سالی مکرر می‌شود

قسم پنجم در آنچه به حادثها مکرر می‌شود

«و در این جمله جز نماز و دعا چیزی دیگر نیاریم» و در آنچه داریم طریق اختیار و اختصار سپریم و از چشم به سیاهه قناعت کنیم و از سیاهه به روشنایی که وقت تنگ است و همّتها قاصر. و امید چنان است که شخصی که فایده ازو گیرد یا به آن عمل کند دعای خیر دریغ ندارد که در بارگاه حضرت الهی هیچ بخل و منعی نیست. و این کتاب را نزهة *الزاهد* و *نهزة العابد*[1] لقب دادیم، چه چشم دل زاهد حقیقی بدو روشن شود و جان عابد بدو خرم گردد و او را فرصتگاه غارت[2] غنیمت حقّ داند. پس در میدان طلب گوی سعادت زند چندان که تواند.

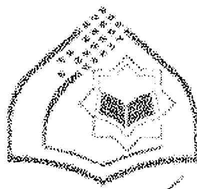
و مٰا تَوْفيقِي إِلاّٰ بِاللّٰهِ عَلَيهِ تَوَكَّلْتُ و إِلَيْهِ أُنِيبُ.[3]

---

۱. در باره نام کتاب و اختلاف در آن به مقدمه رجوع فرمایید.

۲. غارت در «م» نیامده.

۳. هود: ۸۸



قسم اوّل

در بیان نمازهای شبانه روزی، مقدّمات و تعقیبات آن

بدان که از ائمّة الصادقین علیهم‌السلام روایت آمده است که، اول نمازی که خدای تعالی واجب گردانیده است، نماز پشین است و نماز پشین ازین نام نهادند که حق تعالی فرمود: أَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوكِ ٱلشَّمْسِ إِلىٰ غَسَقِ ٱللَّيْلِ[1]، و دلوک زوال آفتاب بود. پس خدای تعالی در شبان روزی پنج نماز فریضه گردانید، دو به روز که آن نماز پشین است و پسین و دیگر دو به شب و آن نماز شام و خفتن است. و نماز بامداد را جدا کرد از برای آن که فرشتگان روز و فرشتگان شب بدان نماز حاضر آیند وَ قُرْآنَ ٱلْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ ٱلْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً.

چون این بدانستی باید «که پس از زوال، نماز پشین را فرا سازی و» پیش از زوال به قیلوله مشغول شوی تا به نماز شب برتوانی خاست که در قیلوله ترا یاری بود بر نماز شب، چنان که در سحر خوردن یاری بود بر روزهٔ روز.[2] و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که، نیم روز بخسبید که شیطان نیم روز نخسبد. و جهد کن که پیش از زوال بیدار شوی و وضوی نماز کنی و به مسجد آیی و منتظر زوال همی باشی.

فصل اول در استنجا

چون به آبخانه وارد شوی، پای چپ فرا پیش نه و بگو:

---

۱. اسراء: ۷۸

۲. التهذیب، ج ۴، ص ۱۹۹

بِسْمِ ٱللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ ٱلرِّجْسِ ٱلنَّجَسِ ٱلْخَبِيثِ ٱلْمُخْبِثِ ٱلشَّيْطٰانِ ٱلرَّجِيمِ.

و سر برهنه در آنجا مشو و در حال غایط سخن مگوی و مسواک مکن و طعام و شراب مخور و روی فرا آفتاب و ماه مکن و روی فرا باد مکن ببول. و بر تو واجب بود که روی و پشت فرا قبله نکنی و در استنجا میان کلوخ و آب جمع کن و اگر بر یکی اقتصار کنی اولی[1] آن بود که بر آب اقتصار کنی. فامّا مخرج بول[2] جز به آب نشاید و در حال استنجای بگوی:

اَللّٰهُمَّ حَصِّنْ فَرْجِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي «وَ أَعِفَّهُ» وَ حَرِّمْنِي عَلَى ٱلنّٰارِ وَ وَفِّقْنِي لِمٰا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ يٰا ذَاٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ.

و چون بول کنی، «از مقعد تا زیر قضیب[3] سه بار مسح کن و همچنین از» زیر قضیب تا بُنِ قضیب، سه بار بمال «و سر قضیب را سه بار بفشار» و در آن حال چنان ساز که کسی تو را نبیند. و بول مکن بر زمین سخت و در آب روان و استاده. و حَدَث مکن به درِ سراها و پیرامن آن و در جایی که مردم در آن لعنت کنند. و بول بر هوا مَیَنداز.

و چون از استنجا فارغ شوی برخیز و دست به شکم فرود آر و بگوی:

أَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَمٰاطَ عَنِّي ٱلْأَذٰى وَ هَنَّأَنِي طَعٰامِي وَ شَرٰابِي وَ عٰافٰانِي مِنَ ٱلْبَلْوٰى.

و چون بیرون همی آیی، پای راست فراپیش نه و بگوی:

أَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي رَزَقَنِي مَا ٱغْتَذَيْتُ بِهِ وَ عَرَّفَنِي لَذَّتَهُ وَ أَبْقىٰ فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ وَ أَخْرَجَ عَنِّي أَذٰاهُ يٰا لَهٰا نِعْمَةً يٰا لَهٰا نِعْمَةً يٰا لَهٰا نِعْمَةً. لاٰيَقْدِرُ

---

۱. در «م»: وقتی که متعدی نباشد.

۲. در «م»: و موضع استنجا وقتی که متعدی باشد.

۳. آلت رجولیت

اَلْقادِرُونَ قَدْرَها.

فصل دوم در وضو

و چون وضو خواهی کرد، مسواک بکار دار که روایت کرده از أئمه علیهم السلام که نماز با مسواک فاضلترست از هفتاد نماز بی مسواک. و مکروه بود در گرماوه مسواک کردن که ازو وبای دندان پدید آید و «چون بنشینی از برای وضو» جای آب بر دست راست نِه و پیش از آن که دست در آب کنی، دست بشوی از خواب یا از بول یکبار و از غایط دو بار.

و چون نگری به آب بگوی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي جَعَلَ اَلْمٰاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجِسًا.

پس کفی از آب برگیر به دست راست و نیّت برداشتن حَدَث کن یا مباح بودن نماز و آب به سه بار در دهن بر و بجنبان و نیّت را از روی شستن بازپَس میفکن که آن گه وضو درست نباشد.

و چون آب در دهن کنی بریز و بگوی:

اَللّٰهُمَّ لَقِّنِي حُجَّتِي يَوْمَ أَلْقاكَ وَ أَطْلِقْ لِسانِي بِذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ[1].

پس سه کف دیگر آب به سه بار در بینی کن و بگوی:

اَللّٰهُمَّ لاٰتُحَرِّمْنِي طَيِّبٰاتِ اَلْجِنٰانِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشُمُّ رِيحَهٰا وَ رَوْحَهٰا وَ رَيْحٰانَهٰا.

و این هر دو سنّت بود در وضو و غسل جنابت.

پس کفی دیگر آب برگیر «و نیّت کن که وضو می‌کنم برای روا بودن نماز برای آن

---

۱. و شکرک در «د» نیست.

که واجب‌است تقرُّب به خدا» و بشوی روی از رستنگاه موی سر تا آنجا که آب روی به شیب نهد، از موی سر تا زنخدان[1] به درازنای بشوی و چندان که انگشت سترگ و میانین بر وی بگردد به پهنا بشوی؛ کم از این نشاید و بیش از این واجب نباشد.

و نزدیک روی شستن بگوی:

اَللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ ٱلْوُجُوهُ وَ لاٰتُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ ٱلْوُجُوهُ.

و روی شستن یکبار فرض بود و دوم بار سنّت و زیاده از دو بار رنجی باشد که از او فایده نباشد. پس دست راست بشوی بدست چپ از وارن[2] تا سر انگشتان «به یک کف آب» و بگوی:

اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي كِتٰابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي ٱلْجِنٰانِ بِيَسٰارِي وَحٰاسِبْنِي حِسٰابًا يَسِيرًا وَ ٱجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ إِلىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا.

و دستها شستن یکبار فریضه بود و دوم بار سنّت و زیادت از این نشاید. و مستحبّ بود مرد را که در دست شستن، ابتدا به پشت ساعد کند و زن به شکم ساعد. پس دست چپ بشو از «وارن تا سر انگشتان» و بگوی:

اَللّٰهُمَّ لاٰتُعْطِنِي كِتٰابِي بِشِمٰالِي وَ لاٰ مِنْ وَرٰاءِ ظَهْرِي وَ لاٰتَجْعَلْهٰا مَغْلُولَةً إِلىٰ عُنُقِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعٰاتِ ٱلنِّيرٰانِ.

پس بدان نَمی که بر دستِتَست پیش سر را مسح کن به سه انگشت بهم باز نهاده بسای و بگوی:

اَللّٰهُمَّ غَشِّنِي رَحْمَتَكَ وَ بَرَكٰاتِكَ وَ عَفْوَكَ.

پس هر دو پای را مسح کن، چنان که دست بر سر انگشتان پای نهی و بر او

---

۱. قسمتی از صورت که زیر دهان باشد، چانه.

بسایی تا بلندی پشت پای و بگوی:

اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى اَلصِّرٰاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ اَلْأَقْدٰامُ وَ اَجْعَلْ سَعْيِي فِيمٰا يُرْضِيكَ عَنِّي يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ اَلْإِكْرٰامِ.

و چون از وضو فارغ شوی بگوی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْنِي مِنَ اَلتَّوّٰابِينَ وَ اَجْعَلْنِي مِنَ اَلْمُتَطَهِّرِينَ وَ اَجْعَلْنِي مِنْ عِبٰادِكَ اَلصّٰالِحِينَ اَلَّذِينَ لاٰ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاٰ هُمْ يَحْزَنُونَ.

روایت کرده‌اند از امیرالمؤمنین صلوات الله علیه که وی همچنین وضو کردی، آنگه گفتی پسر خود را محمد بن حنفیه که ای محمد! هر که چنین وضو کند و این دعاها بخواند خدای تعالی از هر قطره‌ای آب که از وی بچکد فرشته‌ای بیافریند تا وی را تقدیس و تسبیح و تکبیر می‌گوید و خدای تعالی ثواب آن را برای آن بنده می‌نویسد تا روز قیامت.

و آن سرور علیه السلام چون وضو کردی بگفتی:

بِسْمِ اَللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ خَيْرُ اَلْأَسْمٰاءِ لِلّٰهِ وَ أَكْبَرُ اَلْأَسْمٰاءِ لِلّٰهِ وَ قٰاهِرُ مَنْ فِي اَلسَّمٰاءِ وَ قٰاهِرُ مَنْ فِي اَلْأَرْضِ، اَلْحمدُلِلّٰهِ اَلَّذِي جَعَلَ مِنَ اَلْمٰاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ وَ أحيا قَلْبِي بِالْإِيمٰانِ، اَللّٰهُمَّ «تُبْ عَلَيَّ وَ» طَهِّرْنِي وَ اَقْضِ لِي بِالْحُسْنىٰ وَ أَرِنِي كُلَّ اَلَّذِي أُحِبُّ وَ اَفْتَحْ لِي بِالْخَيْرٰاتِ مِنْ عِنْدِكَ يٰا سَمِيعَ اَلدُّعاء.

و رسول الله، امیرالمؤمنین را ـ صلوات الله علیهما ـ گفت: یا علی هر چیز را زکاتی هست، و زکات وضو آن است که چون ازو فارغ شوی بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمٰامَ اَلْوُضُوءِ وَ تَمٰامَ اَلصَّلوٰةِ وَ تَمٰامَ رِضْوٰانِكَ وَ تَمٰامَ

مَغْفِرَتِكَ «وَ ٱلْجَنَّة».[۱]

چون این را بگویی خدای تعالی تو را نیکوییها بدهد به عدد هر که وضو ساخته بود و نماز کرده بود. «و چون خواهی که پای بشویی پاکیزگی را، پیش از وضوی بشوی یا پس از وضو، چون از وضو فارغ شده باشی.» و در وضو و غسل آب بسیار مریز بی‌حاجت و وسوسه را، آنگه شیطان بر تو خندد و استهزا کند.

فصل سوم در غسل

چون تو را جَنابت رسد از احتلام یا از مباشرت، در مسجد مشو مگر به راه گذَری. و چیزی را مسح منمای که برو نام خدای تعالی نبشته بود یا نام پیغمبران و امامان، اگرچه کاغذ بود یا نگین یا غیر آن. و دست فرا نوشتهٔ قرآن مکن و چهار سورهٔ عزایم نخوان.

و چون خواهی که غسل کنی نخست بول کن، و اگر نیاید جهد کن از زیر انثیین تا سر قضیب سه بار بمال چنان که گفته شد تا اگر چیزی از منی باقی مانده بود بیرون آید، و اگر بر تن تو نجاستی بود زایل کن. پس سه بار دست بشوی از وارن تا سر انگشتان پیش از آن که در جای آب نهی و سه بار آب در دهن گیر و بجنبان و سه بار در بینی کن «سنّت و فضیلت را. و آنگه نیت کن که غسل می‌کنم برای روا بودن نماز برای آن که واجبست تقرّب بخدا.» پس آب را بر سر ریز و موی‌ها جدا کن تا آب به بُنِ[۲] آن برسد و سر و ریش و گردن بشوی تا اصل کتف. و انگشت در گوش کن و اندرون و بیرون گوش بشوی، آنگه جانب راست بشوی از اصل گردن تا زیر قدم راست. آنگه جانب چپ بشوی همچنین و دست بر همه تن بمال تا آب به همه برسد. و غسل به صاعی آب تمامترین بود و به کم از آن نیز شاید «و چون ضرورت بود و آب کم بود چون روغن در همه تن بمالد کفایت کند.»

---

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۱

۲. در «م»: بین.

و چون غسل کنی پاک شَوِی نماز را[۱]. و در حال غسل بگوی:

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ اَشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ أجْرِ عَلیٰ لِسانِي مِدْحَتَكَ وَ اَلثَّناءَ عَلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفاءً وَ نُورًا، إنَّكَ عَلیٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

فصل چهارم در تیمّم

چون آب نیابی با آن که طلب کنی، یا آلتی نداری که بدو رسی یا بهای آن نداری که بخری یا ترسی بر تن یا بر مال بکارداشتن آن، صبر کن تا آخر وقت فریضه، پس قصد خاک پاک کن «و نیّت کن که تیمم می‌کنم بدل از وضو برای روا بودن نماز، برای آن که واجب است تقرّب به خدا» و هر دو دست بر خاک زن و انگشتان گشاده. آنگه دست برآر و بیفشان و به هر دو دست روی خود را مسح کن از رستنگاه موی سر تا سر بینی و به کف دست چپ، پشت دست راست را مسح کن از بند دست تا سر انگشتان و به کف دست راست، پشت دست چپ را مسح کِش از بند دست تا سر انگشتان، و نیّت مباح خواستن نماز کن نه برداشتن حدث، و نیّت را پیوسته دار بر زدن دستها بر زمین به ابتدای مسح روی.[۲] و اگر تیمم بدل از غسل بود دو بار دست بر زمین زن یکبار برای روی و یکبار از برای دو دست. «و کیفیت بنگردد».[۳]

فصل پنجم در آماده شدن بر نماز

چون از طهارت فارغ شوی، به مسجد شو که از صادق عليه السلام روایت است که، هر که به مسجد رود پای بر هیچ تر و خشکی ننهد الّا آن که از برای وی تسبیح گوید تا

---

۱. در «م»: پاک شوی از جهت نماز.

۲. در «م» آمده: و نیّت به ابتداء مسح روی، مقارن کن.

۳. داخل گیومه در «م» نیست. یعنی از نظر ترتیب و کیفیت تفاوتی میان تیمّم بدل از وضو یا غسل نیست.

به زمین هفتم.[1] و در تورات نبشته‌اند که، بشارت ده آنان را که به شب تاریکی به مسجد روند به نور رخشان روز قیامت.

و چون در مسجد شوی دو رکعت نماز کن تحیّت مسجد را «و خدای را یاد کن در آن که منتظر زوال آفتاب باشی. و چون در مسجد خواهی رفت» «قبل از نشستن» پای راست فراپیش نه و بگوی:

بِسْمِ ٱللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ مِنَ ٱللّٰهِ وَ إِلَى ٱللّٰهِ وَ خَيْرُ ٱلْأَسْمٰاءِ كُلُّهٰا لِلّٰهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱللّٰهِ لاٰحَوْلَ و لاٰقُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لِي أَبْوٰابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ وَ أَغْلِقْ عَنِّي أَبْوٰابَ مَعْصِيَتِكَ وَ ٱجْعَلْنِي مِنْ زُوّٰارِكَ وَ عُمّٰارِ مَسٰاجِدِكَ وَ مِمَّنْ يُنٰاجِيكَ بِاللَّيْلِ وَ ٱلنَّهٰارِ وَ مِنَ ٱلَّذِينَ هُمْ فِي صَلٰوتِهِمْ خٰاشِعُونَ وَ ٱدْحَرْ عَنِّي ٱلشَّيْطٰانَ ٱلرَّجِيمَ وَ جُنُودَ إِبْلِيسَ أَجْمَعِينَ.

و چون رو فرا قبله کنی بگوی:

ٱللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ رِضٰاكَ طَلَبْتُ وَ ثَوٰابَكَ ٱبْتَغَيْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَٱفْتَحْ مَسٰامِعَ قَلْبِي بِذِكْرِكَ وَ ثَبِّتْنِي عَلٰى دِينِكَ وَ لاٰتُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْوَهّٰابُ.

و چون آفتاب بگردد بگوی:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ «مُعَظَّمًا مُقَدَّسًا مُوَقَّرًا كَبِيرًا» وَسُبْحٰانَ ٱللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي ٱلْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ ٱلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا.

---

۱. التهذيب، ج ۳، ص ۲۵۵؛ كتاب من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۷۰۱

و از ادعیهٔ سرّ[۱] است: یا محمد هر که از امّت تو که رحمت من خواهد و خشنودی من و برکات من و مهربانی من و قبول من و ولایت و اجابت من، گو بگوی چون آفتاب بگردد:

اَللّٰهُمَّ رَبَّنا لَكَ اَلْحَمْدُ كُلُّهُ جُمْلَتُهُ وَ تَفْسِيرُهُ كَما اَسْتَحْمَدْتَ بِهِ إِلىٰ أَهْلِهِ اَلَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ لَهُ وَ أَلْهَمْتَهُمْ ذٰلِكَ لَكَ اَلْحَمْدُ كُلُّهُ، اَللّٰهُمَّ رَبَّنا لَكَ اَلْحَمْدُ كَما جَعَلْتَ اَلْحَمْدَ رِضاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيتَ عَنْهُ لِيَشْكُرَ[۲] ما بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ رَبَّنا لَكَ اَلْحَمْدُ كُلُّهُ، كَما رَضِيتَ بِهِ لِنَفْسِكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ عَلىٰ عِبادِكَ حَمْدًا مَرْغُوبًا فِيهِ عِنْدَ أَهْلِ اَلْخَوْفِ مِنْكَ لِمَهابَتِكَ وَ مَرْهُوبًا عِنْدَ أَهْلِ اَلْعِزَّةِ بِكَ لِسَطَواتِكَ وَ مَشْكُورًا عِنْدَ أَهْلِ اَلْإِنْعامِ مِنْكَ لِإِنْعامِكَ فَسُبْحانَكَ رَبَّنا مُتَكَبِّرًا فِي مَنْزِلَةٍ تَدَهْدَهَتْ أَبْصارُ اَلنّاظِرِينَ وَ تَحَيَّرَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ بُلُوغِ عِلْمِ جَلالِها تَبارَكْتَ فِي مَنازِلِكَ اَلْعُلىٰ كُلِّها وَ تَقَدَّسْتَ فِي اَلْآلاءِ اَلَّتِي أَنْتَ فِيها يا أَهْلَ اَلْكِبْرِياءِ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ الْكَبِيرُ لِلْفَناءِ خَلَقْتَنا وَ أَنْتَ اَلْكائِنُ لِلْبَقاءِ فَلا تَفْنىٰ وَ لا تَبْقىٰ وَ أَنْتَ اَلْعالِمُ بِنا وَ نَحْنُ أَهْلُ اَلْعِزَّةِ بِكَ وَ اَلْغَفْلَةِ عَنْ شَأْنِكَ وَ أَنْتَ اَلَّذِي لا تَغْفُلُ وَ لا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لا نَوْمٌ بِحَقِّكَ يا سَيِّدِي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنِي مِنْ تَحْوِيلِ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي اَلدِّينِ وَ اَلدُّنْيا «فِي أَيّامِ اَلدُّنْيا» يا كَرِيمُ.[۳]

چون وی این دعا بگوید کفایت کنم وی را آنچه بندگان صالح خود را کفایت کنم. و بگوی:

---

۱. ادعیهٔ سر عنوان چند دعاست که برخی از آن دعاها در مصباح المتهجّد شیخ طوسی آمده است. کتابی نیز با همین عنوان از فضل الله راوندی (م ۵۴۸) که نسخه‌ای از آن به شمارهٔ ۴۹۹ در کتابخانهٔ آیة الله مرعشی و شرحی از آن در کتابخانهٔ دانشگاه (فهرست مشکاة، ج ۱، ص ۱۳۰) موجود است. دربارهٔ آن نک: ذریعه ذیل مورد.

۲. در «د»: لنشکر

۳. نک: مصباح المتهجد، ص ۳۱

لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ مُعَظَّمًا وَ مُقَدَّسًا وَ مُوَقَّرًا كَبِيرًا. أَللّٰهُ أَكْبَرُ أَهْلَ ٱلْكِبْرِياءِ وَ الْحَمْدِ وَ ٱلْمَجْدِ وَ ٱلثَّناءِ وَ ٱلتَّقْدِيسِ وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. أَللّٰهُ أَكْبَرُ لا شَرِيكَ لَهُ فِي تَكْبِيرِي إِيّاهُ مُخْلِصًا لَهُ ٱلدِّينَ. وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلْكَبِيرِ ٱلْمُتَعالِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ وَ أَعُوذُ بِاللّٰهِ ٱلْعَظِيمِ مِنْ طَوارِقِ ٱلْجِنِّ وَ وَساوِسِهِمْ وَ خَيْلِهِمْ وَ كَيْدِهِمْ وَ مَكْرِهِمْ. بِاسْمِكَ ٱللّٰهُمَّ لا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ ٱلْعِزَّةُ وَ ٱلسُّلْطانُ وَ ٱلْجَلالُ وَ الْإِكْرامُ. صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱهْدِنِي فِي سَبِيلِ ٱلْإِسْلامِ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ.[۱]

و چون روی به قبله کنی بگوی:

سُبْحانَ ٱللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِينا أَوْ أَخْطَأْنا رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَيْنا إِصْرًا كَما حَمَلْتَهُ عَلَى ٱلَّذِينَ مِنْ قَبْلِنا. رَبَّنا وَلا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنا بِهِ وَ ٱعْفُ عَنّا وَ ٱغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا أَنْتَ مَوْلانا فَانْصُرْنا عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْكافِرِينَ. يَسْأَلُهُ مَنْ فِي ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَٱجْعَلْ حاجَتِي مِنْ شَأْنِكَ وَٱقْضِ فِي شَأْنِكَ حاجَتِي وَ حاجَتِي إِلَيْكَ ٱلْعِتْقُ مِنَ ٱلنّارِ وَ ٱلْإِقْبالُ بِوَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ إِلَيَّ وَ ٱلرِّضا عَنِّي يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِين. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ ﷺ وَ عَلِيًّا خَلِيفَتَكَ عَلٰى جَمِيعِ ٱلْأَنامِ وَ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ أُمَّ ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْكِرامِ وَ ٱلْأَئِمَّةَ مِنْ ذُرِّيَّةِ ٱلنَّبِيِّ وَ ٱلْإِمامِ بَيْنَ يَدَيْ حاجَتِي وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِهِمْ. فَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي ٱلدُّنْيا وَ ٱلْآخِرَةِ مِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ وَٱجْعَلْ صَلَواتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورَةً وَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَ دُعائِي بِهِمْ مُسْتَجابًا وَ رِزْقِي بِهِمْ

---

۱. نک: مصباح المتهجد، ص ۳۲

مَبسُوطًا وَ اَنظُرْ إِلَيَّ فِي هٰذِهِ اَلسّاعَةِ بِوَجْهِكَ اَلْكَرِيمِ نَظْرَةً أَسْتَكْمِلُ بِها اَلْكَرامَةَ عِنْدَكَ وَ لاٰتَصْرِفْها عَنّي أَبَداً بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ.

و مستحب بود إِنّا أَنْزَلْناه ده بار خواندن پس از زوال و پس از هشت رکعت بیست و یکبار. و چون آواز مؤذّن شنوی به جواب او مشغول شو، چون وی بگوید: اَللّٰهُ أَكْبر تو نیز همچنان بگو.

چون وی گوید: أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ و أَشْهدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُول اللّٰه، تو نیز بگوی:

وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَ أَشْهدُ أَنَّ مُحَمَّداً رسُولُ اَللّٰه اِكْفِنِي[1] بِها عَنْ كُلِّ مَنْ أَبىٰ وَ جَحَدَ وَ أُعِينُ[2] بِها مَنْ أَقَرَّ وَ شَهِدَ.

و روایت کرده‌اند که چون مؤذن بگوید: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رسُولُ اَللّٰه، بگوی:

صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اَلطّاهِرِينَ. اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْ عَمَلِي بِرًّا وَ مَوَدَّةَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي قَلْبِي مُسْتَقِرًّا وَ أَدِرَّ عَلَيَّ الرِّزْقَ دَرًّا.

و چون بگوید: حَيَّ عَلَى اَلصَّلٰوةِ، حَيَّ عَلَى اَلْفَلاٰحِ، تو بگو:

لاٰحَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ.

و چون بگوید: حَيَّ عَلىٰ خَيْرِالْعَمَلِ، تو بگوی:

مَرْحَبًا بِالْقائِلِينَ عَدْلاً وَ بِالصَّلٰوةِ مَرْحَبًا وَ أَهْلاً.

فصل ششم در نافلهٔ نماز پشین [ظهر]

پس هشت رکعت نماز زوال بکن و آن را نماز وابین گویند. هفت تکبیر بگوی با دعاهایی که با اذان بود، چنان که پس از این گفته آید. و جهد کن تا پس از زوال جز

۱. در «م» : أَكْفِنِي. در من لایحضره الفقیه (۱ / ۲۸۸) : أكتفی بهما ...
۲. در «م» : أَعِنّي

به نماز مشغول نشوی که از صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که وی گفت: چون آفتاب بگردد درهای آسمان بگشایند تا عمل بندگان بدانجا رسد و حاجتهای بزرگ روا کنند، پس نخواهیم که در صحیفه بنویسد یا عملی به آسمان شود پیش از عمل ما. و همان سرور گفت که، اوّل وقت خشنودی خدای بود و آخر وقت عفو خدای بود و عفو جز از گناه نبود. و گفت: فضل اوّل وقت بر آخر چون فضل آخرتست بر دنیا.[۱]

و روایت کرده‌اند که مستحبّ بود قل یا أیّها الکافرون خواندن در هفت موضع: در اوّل رکعت از زوال و در اوّل رکعت از نوافل نماز شام و در اوّل رکعت از نماز شب و در اوّل رکعت از سنّت نماز بامداد و در دو رکعت طواف و در دو رکعت احرام و در اوّل رکعت از نماز بامداد چون به بامداد رسیده بود.[۲]

و در روایتی دیگر آمده است که درین موضع در رکعت اوّل قل هو الله أحد خواند و در دوم قل یا أیّها الکافرون.[۳] و روایت کرده‌اند که در رکعت اوّل از نوافل زوال اَلحَمْد و قل هو الله أحد خواند و در آخر سه بار بگوید: کذلك اَللّٰه ربّي. پس دو آیه از سورة البقره بر خواند: وَ إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ واحدٌ تا آنجا که لقوم یعقلون[۴] و در رکعت دوم اَلحَمْد و قل هو اللّٰه أحد خواند چنانچه گفته شد و آیةالکرسي تا بدانجا که العلي‌العظیم و در رکعت سوم پس از اَلحمد، قل هو الله أحد خواند و سه آیت از آیةالکرسی تا بدانجا که هم فیها خالدون؛ و در چهارم پس از اَلحمد، قل هو الله أحد و سه آیت از آخر سورة البقره: لِلّٰهِ مٰا فِي السَّمٰوٰاتِ وَ مٰا فِي الْأَرْضِ تا آخر سوره؛ و در پنجم اَلحَمْد و قل هو الله أحد و إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمٰوٰات تا بدانجا که إِنَّكَ لاٰتُخْلِفُ ٱلْمِیعٰادَ[۵]؛ و در ششمْ رکعت، اَلْحَمْدُ و قل هو الله أحد و آیة اَلسخره و آن سه آیت است از سورهٔ اعراف: إِنَّ رَبَّكُمُ اَللّٰهُ تا آنجا که إِنَّ رَحْمَةَ اَللّٰهِ قَرِیبٌ مِنَ اَلْمُحْسِنِینَ[۶]؛ و در هفتم اَلحَمد و قل هو اَللّٰه

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۴؛ التهذیب، ج ۲، ص ۴۰
۲. نک: الکافی، ج ۳، ص ۳۱۶
۳. التهذیب، ج ۲، ص ۷۳
۴. بقره: ۱۶۳ و ۱۶۴
۵. نک: مصباح المتهجد، ص ۱۵۲
۶. اعراف: ۵۴ ـ ۵۶

و آیاتی از سورهٔ انعام وَ جَعَلُوا لِلّٰهِ شُرَكٰاءَ ٱلْجِنَّ تا آنجا که وَ هُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ؛[1] و در هشتم اَلحَمد و قل هو ٱللّٰه أحد و آخر سورة الحشر لَوْ أَنْزَلْنٰا هٰذَا ٱلْقُرْانَ عَلٰى جَبَلٍ تا آخر سوره.

و روایتی دیگر آمده است که مستحب بود که در هر رکعتی اَلحَمد و إنّا أنْزلناه و قل هو الله أحد و آية الكرسي خواند و چون هر دو رکعت می‌کند، تسبیح زهرا عليها السلام می‌گوید و پس از آن این دعا بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي ضَعِيفٌ فَقَوِّ فِي رِضٰاكَ ضَعْفِي وَ خُذْ إِلَى ٱلْخَيْرِ بِنٰاصِيَتِي وَٱجْعَلِ ٱلْإِيمٰانَ مُنْتَهٰى رِضٰايَ وَ بٰارِكْ لِي فِيمٰا قَسَمْتَ لِي وَ بَلِّغْنِي بِرَحْمَتِكَ كُلَّ ٱلَّذِي أَرْجُو مِنْكَ وَٱجْعَلْ لِي وُدًّا وَ سُرُورًا لِلْمُؤْمِنِينَ وَ عَهْدًا عِنْدَكَ.

و روایت کرده‌اند که پس از رکعت دوم، بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضٰاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نَقِمَتِكَ وَ أَعُوذُ بِمَغْفِرَتِكَ مِنْ عَذٰابِكَ وَ أَعُوذُ بِرَأْفَتِكَ مِنْ غَضَبِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ لاٰأَبْلُغُ مِدْحَتَكَ وَ لاٰثَنٰاءً عَلَيْكَ أَنْتَ كَمٰا أَثْنَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ أَنْ تَجْعَلَ حَيٰاتِي زِيٰادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ وَ وَفٰاتِي رٰاحَةً مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ تَسُدَّ فٰاقَتِي بِهُدٰاكَ وَ تَوْفِيقِكَ وَ تُقَوِّيَ ضَعْفِي فِي طٰاعَتِكَ وَ تَرْزُقَنِي ٱلرّٰاحَةَ وَ ٱلْكَرٰامَةَ وَ قُرَّةَ ٱلْعَيْنِ وَ ٱللَّذَّةَ وَ بَرْدَ ٱلْعَيْشِ مِنْ بَعْدِ ٱلْمَوْتِ وَ نَفِّسْ عَنِّي ٱلْكُرْبَةَ يَوْمَ ٱلْمَشْهَدِ ٱلْعَظِيمِ وَ ٱرْحَمْنِي يَوْمَ أَلْقٰاكَ فَرْداً. هٰذِهِ نَفْسِي سِلْمٌ لَكَ مُعْتَرِفٌ بِذَنْبِي مُقِرٌّ بِالظُّلْمِ عَلٰى نَفْسِي عٰارِفٌ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ فَبِوَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ أَسْأَلُكَ لَمّٰا صَفَحْتَ عَنِّي مٰا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَ عَصَمْتَنِي فِيمٰا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي صَلِّ

۱. انعام: ۱۰۰ ـ ۱۰۳

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

و حاجت بخواه پس از رکعت چهارم و بگوی:

اَللّٰهُمَّ مُقَلِّبَ اَلْقُلُوبِ وَ اَلْأَبْصٰارِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى دِينِكَ وَ دِينِ نَبِيِّكَ وَ لاٰتُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ اَلْوَهّٰابُ وَ أَجِرْنِي مِنَ اَلنّٰارِ بِرَحْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَجْعَلْنِي سَعِيدًا فَإِنَّكَ تَمْحُو مٰا تَشٰآءُ وَ تُثْبِتُ مٰا تَشٰآءُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ اَلْكِتٰابِ.

و پس از رکعت ششم بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ «وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ» وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلاٰئِكَتِكَ اَلْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيٰاءِكَ اَلْمُرْسَلِينَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْغِنٰاءُ عَنِّي وَ بِيَ اَلْفٰاقَةُ إِلَيْكَ، أَنْتَ اَلْغَنِيُّ وَ أَنَا اَلْفَقِيرُ، أَقَلْتَنِي عَثْرَتِي وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي فَاقْضِ يٰا اَللّٰهُ حٰاجَتِي وَ لاٰتُعَذِّبْنِي بِقَبِيحِ مٰا تَعْلَمُ مِنِّي فَإِنَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ يَسَعُنِي.

و پس از رکعت هشتم بگوی:

يٰا أَوَّلَ اَلاوَّلِينَ وَ يٰا اٰخِرَ اَلْاٰخِرِينَ، يٰا ذَاٰالْقُوَّةِ اَلْمَتِينِ، يٰا رٰازِقَ اَلْمَسٰاكِينِ، يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَلطَّيِّبِينَ وَ اَغْفِرْ لِي جِدِّي وَ هَزْلِي وَ خَطَآئِي وَ عَمْدِي وَ إِسْرٰافِي عَلٰى نَفْسِي وَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ اَعْصِمْنِي مِنِ اَقْتِرٰافِ مِثْلِهِ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس سجده کن و بگوی:

يٰا أَهْلَ اَلتَّقْوٰى وَ أَهْلَ اَلْمَغْفِرَةِ، يٰا أَللّٰهُ يٰا بَرُّ يٰا رَحِيمُ، أَنْتَ أَبَرُّ بِي مِنْ أَبِي

وَ أُمّي وَ مِنْ جَميعِ الْخَلائِقِ أَجْمَعينَ، اِقْلِبْني بِقَضاءِ حَوآئِجي مُجاباً دُعـآئي مَرْحُوماً صَوْتي، قَدْ كشفْتَ أَنْواعَ الْبَلآءِ عَنّي.

فصل هفتم در نماز پشین

آنگه به فریضهٔ پشین مشغول شو و چون به نماز برخیزی خاطر خود را حاضر کن و دل فارغ گردان از اندیشه‌ها و از خدای خود شرم دارکه پیش وی بِایستی با دل پر اندیشه و سینهٔ پر وسوسه. و بدان که خدای تعالی نماز تو که[1] قبول کند به قدر فروتنی و شکستگی تو قبول کند. قال الله تـعالی: وَ الَّـذِينَ هُـمْ فِي صَـلٰوتِهِمْ خٰاشِعُونَ. وَ إِنَّهٰا لَكَبِيرَةٌ إِلاّٰ عَلَى الْخٰاشِعِينَ. و از صادق علیه السلام روایت است که چون بنده درِ نماز گشاید، خدای عزّوجل روی بدو آرد و فرشته را برو موکّل کند که قرآن از دهن وی فراگیرد، اگر بنده روی از نماز بگرداند، خدای تعالی روی از وی بگرداند و وی را با آن فرشته گزارد و اگر رو به کلی بر نماز دارد خدای تعالی روی کریم خود بدو آرد تا که آن نماز بردارند تمام و اگر سهوی افتد یا غفلتی بدو درآید، یا به چیزی دیگر بجز از نماز مشغول شود، از نماز بردارند به قدر آنچه روی بدو آورده بـود، و دل غافل را هیچ ندهند. و مراد به روی حقّ تعالی عنایت و رضای وی است. پس باندیش[2] که پیش که ایستاده و باکه راز می‌گویی و چنان پرست وی راکه گویی او را همی بینی که اگر تو او را نبینی او ترا همی بیند.

و چون بانگ نمازگویی، باید که روی فراقبله داری و در میان آن سخن نگویی و برپای ایستاده باشی و آخر فصلهای آن را بر ننهی[3] بلکه بر آن وقف کنی و تأکید این سنّتها در قامت زیادت بود.

---

۱. در «د» : گاهی. شاید در متن هم گه باشد.
۲. در «م» : ببین.
۳. در «م» : حرکت ندهی.

چون بانگ نماز بگویی، سجده کن و بگوی:

لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ سَجَدْتُ لَكَ خٰاشِعًا خاضِعًا ذَليلاً فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ و اٰلِ مُحَمَّدٍ و اَغْفِرْلِي وَاَرْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ اَلتَّوّٰابُ الرَّحِيمُ.

و روایت است که در این سجده بگوید که:

اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْ قَلْبِي بٰارًّا وَ رِزْقِي دٰارًّا وَاَجْعَلْ لِي عِنْدَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيهِ وَ اٰلِهِ مُسْتَقَرًّا وَ قَرٰارًا.

و در خبر آمده است که دعا میان بانگ نماز و قامت[1] رد نکنند. آنگه از سجده باز نشیند و بگوید:

سُبْحٰانَ مَنْ لاٰتَبِيدُ[2] مَعٰالِمُهُ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰيَنْسٰى مَنْ ذَكَرَهُ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰيَخِيبُ سٰائِلُهُ، سُبْحٰانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حٰاجِبٌ يُغْشٰى وَ لاٰبَوّٰابٌ يُرشٰى وَ لاٰتَرْجُمٰانٌ يُنٰاجٰى، سُبْحٰانَ مَنِ اَخْتٰارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ اَلْأَسْمٰاءِ، سُبْحٰانَ مَنْ فَلَقَ اَلْبَحْرَ لِمُوسٰى، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰيَزْدٰادُ عَلٰى كَثْرَةِ اَلْعَطٰاءِ إِلاّٰ كَرَمًا وَ جُودًا، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ هٰكَذٰا وَ لاٰ هٰكَذا غَيْرُهُ.[3]

آنگه قامت بگوید، پس بگوید:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ اَلدَّعْوَةِ اَلتّٰامَّةِ وَ اَلصَّلٰوةِ اَلْقٰائِمَةِ بَلِّغْ مُحَمَّدًا صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ اَلدَّرجَةَ وَ اَلْوَسِيلَةَ وَ اَلْفَضْلَ وَ اَلْفَضِيلَةَ. بِاللّٰهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللّٰهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اَللّٰهِ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ أَتَوَجَّهُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِى اَلدُّنْيٰا وَ اَلْاٰخِرَةِ وَ مِنَ اَلْمُقَرَّبِينَ «اَلَّذِينَ لاٰ خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لاٰ هُمْ يَحْزَنُونَ»

---

۱. در «م»: اذان و اقامت.　　۲. در «م»: لایبتدئ

۳. نک: مصباح المتهجد، ص ۲۹ ــ ۳۰

پس بگوی:

يا مُحْسِنُ قَدْ أَتاكَ ٱلْمُسِيءُ وَ قَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجاوَزَ عَنِ ٱلْمُسِيءِ وَ أَنْتَ ٱلْمُحْسِنُ وَ أَنَا ٱلْمُسِيءُ، فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَجاوَزْ عَنْ قَبِيحِ ما تَعْلَمُ مِنّي «بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.»

آنگه درِ نماز بگشایی به هفت تکبیر، با هر تکبیر دستها بر می‌آر تا نرمهٔ گوش در برابر روی انگشتها بهم باز نهاده مگر انگشت سترگ[1]، آن را از دیگر انگشتها جدا دار و بگوی اَللّٰهُ أَكْبَر، پس دستها فروگذار بر ران و در مقابل زانو و همچنین تکبیر دیگر بگوی، پس بگوی:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ سُبْحانَكَ وَ بِحَمْدِكَ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لا يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلاّ أَنْتَ.

آنگه دو تکبیر دیگر بگوی چنانچه گفته شد و بگوی:

لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ وَ ٱلْخَيْرُ فِي يَدَيْكَ وَ ٱلشَّرُّ لَيْسَ إِلَيْكَ وَ ٱلْمَهْدِيُّ مَنْ هَدَيْتَ عَبْدُكَ وَ ٱبْنُ عَبْدَيْكَ بَيْنَ يَدَيْكَ مِنْكَ وَ بِكَ وَ لَكَ وَ إِلَيْكَ لا مَلْجَأَ وَ لا مَنْجا وَ لا مَفَرَّ مِنْكَ إِلاّ إِلَيْكَ، سُبْحانَكَ وَ حَنانَيْكَ، سُبْحانَكَ وَ تَعالَيْتَ، سُبْحانَكَ رَبَّ ٱلْبَيْتِ ٱلْحَرامِ.[2]

پس دو تکبیر دیگر بگوی و «در عقب تکبیر اول بگوی:

رَبِّ ٱجْعَلْنِي مُقِيمَ ٱلصَّلٰوةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنا وَ تَقَبَّلْ دُعاء، رَبَّنا ٱغْفِرْ لِي وَ لِوالِدَيَّ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسابُ.

و در عقب تکبیر ثانی» بگوی:

---

۱. در «د»: مهین

۲. نک: مصباح المتهجد، ص ۳۶

وَجَّهتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضَ عَلٰى مِلَّةِ إِبْرٰاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ مِنْهٰاجِ عَلِيٍّ، حَنِيفًا مُسْلِمًا وَ مٰا أَنَـا مِـنَ ٱلْمُشْرِكِينَ. إِنَّ صَـلٰوتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيٰايَ وَ مَمٰاتِي لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعٰالَمِينَ، لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ بِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ. أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ ٱلشَّيْطٰانِ ٱلرَّجِيمِ، بِسْمِ ٱللّٰـهِ ٱلرَّحْمٰـنِ ٱلرَّحِيمِ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ تا آخر سوره.

و از این هفت تکبیر یکی فریضه است و آن تکبیر احرام است و باقی سنّت. و فریضه آن است که بدو نیّتِ در نماز شدن کنی و اَوْلی آن است که آن تکبیرِ باز پسین بود[1] و روا بود که نخستین بود.

و واجب بود که نیّت با تکبیر واجب بهم بود، پس با تکبیر بازپسین نیّت کن به دل، بِأندیش که فریضهٔ نماز پَشین می‌کنم خدای تعالی را و چون برپای باشی، پایها بهم نزدیک دار چندان که میان آن مقدار سه انگشت گشاده بود تا بِدَستی[2] و همهٔ سر انگشتان پای را فرا قبله دار و از قبله بِمَگردان. و باید که چون برپای باشی در سجده گاه نگری و ازراست و چپ مَنِگر و دل به نماز مشغول دارکه از نماز تو قبول نکنند مگر آن که به دل بازان باشی[3] تا بهتر بود[4] که از نماز بنده چهار یکی یا سه یکی قبول کنند. و نماز چنان کن که گویی وداع همی کنی و پس از آن نماز دیگر در نخواهی یافت. و با موی و روی و اعضای خود بازی مکن و ترک از انگشتان بر میار و به همه فنج[5] و آسا[6] بر مآر و تورّک[7] مکن، چنانچه دو دست بر سرونها نهی از ملالت نماز و دستها بر هم مَنِه بلکه هر دو دست بر پیش ران نه در برابر زانو.

---

۱. نک: مصباح المتهجد، ص ۳۶

۲. در «د»: شبری.

۳. در «م»: مگر آن که با حضور دل باشی.

۴. در «م»: گاه بود.

۵. فنجیدن: خمیازه کشیدن، حالتی که در خمار خواب به انسان دست می‌دهد.(دهخدا ذیل مورد)

۶. آسا: گشاده شدن طبیعی دهان آدمی است به صورتی خاص از غلبهٔ خواب یا ملال. دهان دره.

۷. مؤلف خود تورّک را در جملهٔ بعدی توضیح داده است و آن نهادن دو دست بر سرینها از ملالت نماز است.

و پشت بر دیوار منه مگر که بیمار باشی. و آب از دهن و بینی مَیَنداز که هر که آب دهن نگاه دارد در نماز بزرگ داشت خدای را، تا وقت مرگ وی را تندرستی بود. و پا در پیش دیگر مَنِهْ و راست بایست که پیغمبر ﷺ فرمود: هر که پشت راست نکرد وی را نماز نیست.

و الحمد و سوره با او برخوان و بر آهستگی خوان و حروف را به جای خود بنه و تشدیدها را نگاه‌دار و جهد کن که تا میان ض و ظ فرق کنی و در نماز پَشین و دیگر پوشیده خوان و در نماز بامداد و شام و خفتن در دو رکعت نخستین بلند بخوان. و در پشین و دیگر و شام، سورتهای کوتاه خوان چون القدر و قل یا أیها الکافرون و إذا زلزلت و العادیات و أَلْهیکُم و مانند آن. و در نماز خفتن از سورتها از سبع[1] مفصَّل، چون: الفجر و الأعلی و إذاالسماء انْفطرت و مانند آن. و در نماز بامداد از سورتهای مِهین مفصَّل چون المزَّمّل و المدَّثّر و سورهٔ نوح و الحشر و عمَّ یتسآءلون و مانند آن. و فاضلترین سورتی که خوانی پس از الحمد در فریضه انا أنزلناه است و توحید و قل یا أیهاالکافرون. و سورتی دراز مخوان که اگر بخواندن مشغول شوی وقت نماز برود[2] و میان الحَمْد و سوره جدا کن بخاموشی اندک و همچنین میان سوره و تکبیر رکوع. و میان دو سوره زیادت بر الحمد مکن[3] در فریضه و در نافله شاید. و چون در فریضه والضُّحی خوانی الم نشرح با او جمع کن که آن هر دو یک سوره‌اند و همچنین سورةالفیل و لایلاف.

و در فریضه سوره از چهار سورهٔ عزایم مخوان: الم تنزیل، حم السجده، و النجم و اقرء. و اگر در نافله از این سورتها یکی خوانی سجده کن و بگوی:

إلٰهي اٰمَنّا بِما کَفَرُوا وَ عَرَفْنا مِنْكَ ما أَنْكَرُوا وَ أَجَبْناكَ إلیٰ ما دُعُوا، إلٰهي فَالعفوَ اَلْعَفْوَ.

---

۱. در «م» : از سورهای میانه‌دار سبع

۲. در «د» : فوت شود.

۳. در «م» : میان دو سوره جمع مکن.

و در روایتی دیگر آمده است که بگوید در سجده:

لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ حَقًّا حَقًّا، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ إِيمانًا وَ تَصْدِيقًا، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يا ربِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا لا مُسْتَنْكِفًا وَ لا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خائِفٌ مُسْتَجِيرٌ.

پس سر برآر و تکبیر بگوی و سوره تمام بخوان و اگر سجده در آخر سوره بود، از سجده برخیز و الحمد بخوان پس رکوع کن.

و مستحب بود در نماز پشین و دیگر «نیز بسم الله الرّحمن الرّحیم را به جهر خواندن و در نماز پشین و دیگر»[1] از روز آدینه سورة الجمعه و المنافقون خواندن.

چون از قرائت فارغ شوی دستها برآر و تکبیر رکوع بگوی، آنگه رکوع کن، هر دو کف دست را از سر زانوها پر کن، انگشتان گشاده و خم از زانوها بِبَر و پشت راست گردان و گردن و سر کشیده دار و وارن[2] را به پهلو باز مَنِه و چشمْ خوابانیده دار یا در میان دو قدم می‌نگر و در رکوع بگوی:

اَللّٰهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ خَشَعْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي خَشَعَ لَكَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ لَحْمِي وَ دَمِي وَ مُخِّي وَ عِظامِي وَ عَصَبِي وَ ما أَقَلَّتِ الأَرْضُ مِنِّي[3] سُبْحانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ.

سه بار و پنج بار فاضلتر بود و کمال در هفت بار بود.

و از امیرالمؤمنین ـ صلوات الله علیه ـ پرسیده‌اند که معنی گردن کشیده داشتن در رکوع چیست؟ گفت: تأویلش آنست که ایمان می‌آورم به خدای و اگر

---

۱. نماز دیگر اصطلاحا به نماز عصر گفته می‌شود. این کاربرد در کتاب معتقدالامامیة نیز رایج است.

۲. در «م»: آرنج

۳. در مصباح (ص ۳۷): وَ ما أَقَلَّتْهُ قَدَمايَ.

همهٔ گردنم بزنند.[۱]

آنگه سر از رکوع برآور و راست بایست چنان که هر عضوی از تو با جای خود شود و بگوی:

سَمِعَ ٱللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعَالَمِینَ أَهْلِ ٱلْجُودِ وَ ٱلْجَبَرُوتِ وَ ٱلْکِبْرِیٰاءِ وَ ٱلْعَظَمَةِ

به آواز بلند گوی اگر امام باشی و پوشیده گوی اگر مقتدی باشی. آنگه دست برآر به تکبیر سجود و چون تکبیر کردی به سجود شو، مثال آنکه اشتر باریکْ میان فروخسپد شکمش به زمین نرسد، برهفت استخوان خود سجده کن، پیشانی و دو دست و دو سر زانو و دو سر انگشت سترگ از هر دو پای و بینی نیز بر زمین نِه سنّت را.

و چون به سجود خواهی شد، نخست دست بر زمین نه و ابتدا زانو بر زمین منه الاّ در حال ضرورت. و صادق ؑ را از علّت آن پرسیدند. گفت: زیرا که مفتاح نماز به دو دست است.[۲] و در حال سجود دستها گسترانیده دار و هر دو دست در پیش زانو بنه برابر روی، انگشتها بهم باز نهاده. امیرالمؤمنین ؑ را پرسیدند که، معنی سجدهٔ پشین چیست؟ گفت: تأویلش آن است که ازو آفریدی ما را یعنی از زمین، و تأویل سر برآوردن از سجود آنست که ازو بیرون آری ما را و سجدهٔ دوم یعنی باز به او رد کنی ما را و سر برآوردن ازو یعنی دیگر باره ازو بیرون آری ما را.

و در حال سجود هیچ عضوی را بر دیگری منه و ارش دستها را بر زمین مگستران و بر ران منه «و شکم بر ران باز منه» و همچنین ران به ساق منه و در حال سجود درکنار بینی می‌نگر و در سجود بگوی:

اَللّٰهُمَّ لَکَ سَجَدْتُ وَ بِکَ اٰمَنْتُ وَ لَکَ أَسْلَمْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ أَنْتَ رَبِّي

---

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۱

۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۱۲

سَجَدَ لَكَ وَجْهِي وَ قَلْبِي وَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ جَمِيعُ جَوارِحِي، سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ تَبارَكَ اَللّٰهُ أَحْسَنُ اَلْخالِقِينَ، سُبْحانَ رَبِّيَ اَلْأَعْلىٰ وَ بِحَمْدِهِ.[۱]

یکبار یا سه بار، و پنج بار فاضلتر بود و کمال در هفت بار بود.

پس سر از سجود بردار و دو دست به تکبیر بردار و متمکّن بر زمین نشین، ران چپ به زمین نهاده و ران راست برداشته، پشت پای راست بر کف پای چپ نهاده و در کنار همی نگر و بگوی:

اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي وَ اَرْحَمْنِي وَ اَدْفَعْ عَنِّي وَ اَجْبُرْنِي[۲] وَ اَهْدِنِي إِنِّي لِمٰا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ.

و روایت کرده‌اند که بگوید:

أَسْتَغْفِرُاللّٰهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

پس دستها برآر به تکبیر و سجدهٔ دوم همچون اوّل بکن و همان تسبیح بگوی، پس سر برآر ازو با تکبیر و متمکّن بر زمین نشین. چون راست بنشینی به رکعت دوم برخیز و بگوی:

بِحَوْلِ اَللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ أَقُومُ وَ أَقْعُدُ «وَ أَرْكَعُ وَ أَسْجُدُ».

چون راست بإسْتادی، الحمد و سوره برخوان و با هر یکی بسم اللـه الرّحمن الرّحیم بگوی، و مستحبّ بود که در رکعت اوّل إنا أنزلناه خوانی و در دوم قلْ هو اللّه نماز کننده ایشان را وسیلت سازد به خدای تعالی. و در دوم رکعت سورهٔ توحید خوانی، زیراکه دعا بر اثر او مستجاب بود، و بر اثر او دعای قنوت خواهد بود. چون از قراءت فارغ شوی، دستها به تکبیر برآر بر روی ، آنگه کف دست سوی آسمان کن

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۸

۲. و أجزني

و دعای قنوت بگوی. و قنوت مستحب است در همهٔ نمازها«الاّ در شفع» و در فریضه‌ها تأکید استحبابش زیاد است.

و فاضلترین چیزی که در قنوت بگویی، کلمات فَرَج است و کلمات فَرَج این

لاٰاِله إلاّ اَللّٰهُ اَلْحَلِيمُ اَلْكَرِيمُ، لاٰ إِلٰهَ إلاّ اَللّٰهُ اَلْعَلِيُّ اَلْعَظِيمُ، سُبْحٰانَ اَللّٰهِ رَبِّ اَلسَّمٰوٰاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ اَلْأَرَضِينَ اَلسَّبْعِ وَ مٰا فِيهِنَّ وَ مٰا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ اَلْعَرْشِ اَلْعَظِيمِ وَ سَلاٰمٌ عَلَى اَلْمُرْسَلِينَ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عٰافِنِي وَاَعْفُ عَنِّيوَ آتِنِي فِي اَلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ فِي اَلْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنٰا بِرَحْمَتِكَ عَذٰابَ اَلنّٰارِ.

و پس از آن دعایی که خواهی بخوان. و کمترین دعا که در قنوت کفایت بود آن است که بگوید:

رَبِّ اَغْفِرْ وَ اَرْحَمْ وَ تَجٰاوَزْ عَمّٰا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ اَلْأَعَزُّ اَلْأَجَلُّ اَلْأَكْرَمُ.

و اگر خواهی بگوی:

سُبْحٰانَ مَنْ دٰانَتْ لَهُ اَلسَّمٰوٰاتُ وَ اَلْأَرْضُ بِالْعُبُودِيَّةِ.

و روا بود که بر سه تسبیح اقتصار کنی. پس «تسبیح رکوع بگوی و» رکوع و سجود کن همچنان که گفته شد و بر سرون[1] نشین چنانچه صفت کرده شد. و دستها بر ران نه، انگشتان بهم باز نهاده و سر انگشتان نزدیک سر زانو آورده و در حال تشهّد درکنار می‌نگر و بگوی:

بِسْمِ اَللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ اَلْأَسْمٰاءُ اَلْحُسْنٰى كُلُّهٰا لِلّٰهِ، أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ

---

۱. نشیمنگاه.

إلاّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ «بِالْهُدٰى و دِينِ اَلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى اَلدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ اَلْمُشْرِكُونَ. اَلتَّحِيّاتُ لِلّٰهِ وَ اَلصَّلَوٰاتُ اَلطَّيِّبٰاتُ اَلطّٰاهِرٰاتُ الزّٰاكِيٰاتُ اَلْغٰادِيٰاتُ اَلرّٰائِحٰاتُ اَلنّٰاعِمٰاتُ اَلسّٰابِغٰاتُ اَلتّٰامّٰاتُ اَلْحَسَنٰاتُ لِلّٰهِ مٰا طٰابَ وَ طَهُرَ وَ زَكٰى وَ نَمىٰ و خَلُصَ، وَ مٰا خَبُثَ فَلِغَيْرِاللّٰهِ. أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ» بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السّٰاعَةِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ رَبِّي نِعْمَ اَلرَّبُّ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا نِعْمَ اَلرَّسُولُ أُرْسِلَ «وَ أَشْهَدُ أَنَّ ما عَلَى الرَّسُولِ إِلاّٰ اَلبَلاغُ اَلْمُبِينُ» وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلنّٰارَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلسّٰاعَةَ آتِيَةٌ لاٰ رَيْبَ فِيهٰا وَ أَنَّ اَللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي اَلْقُبُورِ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي هَدٰانٰا لِهٰذٰا وَ مٰا كُنّٰا لِنَهْتَدِيَ لَوْلاٰ أَنْ هَدٰانٰا اَللّٰهُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بٰارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اِرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ وَ بٰارَكْتَ وَ رَحِمْتَ وَ تَحَنَّنْتَ عَلٰى إِبْرٰاهِيمَ وَ آلِ إِبْرٰاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لَنٰا وَ لِإِخْوٰانِنَا اَلَّذِينَ سَبَقُونٰا بِالْإِيمٰانِ وَ لاٰتَجْعَلْ فِي قُلُوبِنٰا غِلاًّ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنٰا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَامْنُنْ عَلَيَّ بالْجَنَّةِ وَ عٰافِنِي مِنَ اَلنّٰارِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ محمَّدٍ وَ اَغْفِرْ لِي وَ لِوٰالِدَيَّ وَ لِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ اَلْمُؤْمِنٰاتِ وَ لاٰتَزِدِ الظّٰالِمِينَ إِلاّٰ تَبارًا.«[۱] اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ محمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ شَفٰاعَتَهُ وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ.

---

۱. در «س» ذکر فوق به اختصار آمده و این چند سطر که داخل گیومه آمده در «م» و «د» نیامده است.

پس برخیز و دو رکعت دیگر با الحمدِ تنها و اگر خواهی با تسبیحات اربعه و استغفار با او ضمّ کرده بجای آر و رکوع و سجود و تسبیح رکوع و سجود بلانقصان بگوی و تشهّد را به موجبی که گفته شد بخوان و چون صلوات بر محمّد و آل دادی، پس بگوی:

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ أَیُّهَا ٱلنَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلیٰ جَمیعِ أَنْبِیاءِ اللّٰهِ وَ مَلائِکَتِهِ وَ رُسُلِهِ. اَلسَّلامُ عَلَی ٱلأَئِمَّةِ ٱلْهادِینَ ٱلْمَهْدِیّینَ. اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلیٰ عِبادِ اللّٰهِ ٱلصّالِحِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَکاتُهُ.

اگر امام باشی یا تنها نماز می‌کنی به سوی قبله سلام ده، چنان‌که بگوشهٔ چشم به سوی راست اشارت کنی و اگر مقتدی باشی از راست و چپ سلام ده. اگر سوی چپ تو کسی بود و اگر نه از سوی راست کفایت بود.

و جهد کن که نماز فریضه جز به جماعت نکنی که خدای تعالی به جماعت فرموده است، همچنان که به نماز فرموده است، آنجا که گفت: أَقِیمُوا ٱلصَّلٰوةَ وَ آتُوا الزَّکٰوةَ وَ ارْکَعُوا مَعَ ٱلرّٰاکِعِینَ.

و نماز به جماعت فاضلتر بود از نماز تنها به بیست و پنج درجه در بهشت و نماز به جماعت بیست و پنج نماز بود تنها،[1] پس اگر چنین سودی را سهل فراگیری چه فایدهٔ بود ترا در فضل و علم تو، و آن را سهل شمردن جز از سست یقینی نبود. پیغمبر ﷺ گفت: هر که پنج وقت نماز به جماعت کند برو ظنّ همه خیری برید.[2]

و شروط انعقاد جماعت، یا واجب بود یا سنّت. واجب، بانگ نماز و قامت است و اگر دو کس حاضر بود یا زیادت. و آن که امام مؤمن و عدل بود، معنی عدالت آن است که نماز به وقت بگزارد و مجاهر به فسق نباشد و قاری‌ترینِ

---

۱ . در نسخهٔ «م» یک صفحه اضافه دارد که گویا به متن افزوده شده است.

۲ . کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱ ، ص ۳۷۶ ؛ الکافی ، ج ۳، ص ۳۷۱

جماعت باشد. و اگر در قراءت یکسان باشند فقیه‌ترین و اگر در فقه یکسان باشند کسی که پیشتر هجرت کرده باشد و اگر در آن متساوی باشند کسی که به زاد[۱] مهتر بود. اگر یکسان باشند کسی که نیکو روی‌تر بود.

و آن که میان مقتدی و امام یا صف حایلی نباشد و اگر امام مرد بود، اگر زنان باشند در آن رخصت داده‌اند.

و آن که جای امام بلندتر نبود از جای مقتدی بدان مقدار که آن را در حساب دارند، چون دکانی یا سقفی.[۲] و امّا سنّت است که مقتدی از راست امام بایستد اگر مردی بود و اگر جماعتی باشند از پس او. و آن که میان دو صف چندان بود که گوسفندی بتوان خُفت. و آن که مقتدی تنها نباشد بلکه در صف آید تا دیگری را برابر خود برد. و آن که صفها آکنده بود.

چون کسی را یافتی که صلاحیّت جماعت دارد و به او اقتدا کردی در نماز با وی قرآن مخوان در دو رکعت نخستین «و اگر نمازی بود که درو به آواز خوانند تو خاموش می‌باش» و اگر نمازی بود که درو آهسته خوانند، تو با خود خدای را تسبیحی و تحمیدی می‌گوی.

در فعلهای نماز بر امام پیشی مگیر و باز پس نیز مَایست و به رکوع مشو مگر آن که وی تمام پشت دو تا کند و به سجود مشو تا پیشانی وی به زمین رسد.

و چون قامت بگفتند سخن حرام شد بر امام و بر جماعت مگر آن که به جماعت تعلّق دارد از امام فراپیش کردن یا صف راست کردن. و چون تو امام باشی در دعای قنوت و تعقیب و غیر آن تنها خاصّهٔ خود را دعا مکن بلکه چنین گوی که:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنا وَ اَرْحَمْنا وَ اَهْدِنا

و امثال این. و باقر علیه‌السلام گفت: چون از نماز بازگردی از جانب راست باز گرد.

---

۱. در «م»: به سال، به زاد یعنی به سال تولد.

۲. در «م» آمده: جای امام بلندتر نبود از جای مقتدی.

فصل هشتم در تعقیبات نمازهای فریضه

چون سلام دهی پس فریضه‌ها، دستها، برابر روی برآر چنانچه کفها، به سوی قبله دار و سه تکبیر بگوی، آنگه بگوی:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ إِلٰهًا وٰاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ إِلٰهًا وٰاحِدًا وَ نَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ. لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَ لاٰنَعْبُدُ إِلاّٰ إِيّٰاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ اَلدِّين و لَوْ كَرِهَ اَلْمُشْرِكُونَ.[۱] لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ رَبُّنٰا وَ رَبُّ آبٰائِنَا اَلْأَوَّلِينَ. لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ وَحْدهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ[۲] اَلْأَحْزٰابَ وَحْدَهُ فَلَهُ اَلْمُلْكُ وَ لَهُ اَلْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لاٰيَمُوتُ بِيَدِهِ اَلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ اَهْدِنِي لِمٰا اَخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ اَلْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشٰاءُ إِلٰى صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

آنگه بگوی:[۳]

أَسْتَغْفِرُ اَللّٰهَ اَلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ هُوَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ ذُوالْجَلاٰلِ وَ اَلْإِكْرٰامِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.[۴]

پس بگوی:

اَللّٰهُمَّ اَهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ اَنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكٰاتِكَ. سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَغْفِرْلِي ذُنُوبِي كُلَّهٰا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لاٰيَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهٰا جَمِيعًا إِلاّٰ أَنْتَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَحٰاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ أَعُوذُبِكَ مِن كُلِّ سُوءٍ[۵] أَحٰاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عٰافِيَتَكَ فِي أُمُورِي كُلِّهٰا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ اَلدُّنْيٰا وَ

---

۱. در «م»: الکافرون.
۲. در «م» خ ل: غَلَبَ.
۳. در «م»: آنگه سه بار گویی.
۴. مصباح المتهجد، ص ۵۰
۵. خ. ل: شر.

عَذابِ اَلْاٰخِرَةِ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِكَ اَلْكَرِيمِ وَ عِزَّتِكَ اَلَّتِي لاٰتُرامُ وَ قُدْرَتِكَ اَلَّتِي لاٰيَمْتَنِعُ مِنْهٰا شَيْءٌ مِنْ شَرِّ الدُّنْيٰا وَ اَلْاٰخِرَةِ وَ مِنْ شَرِّ اَلْأَوْجٰاعِ كُلِّهٰا«وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دٰآبَّةٍ أَنْتَ اٰخِذٌ بِنٰاصِيَتِهٰا إِنَّ رَبِّي عَلٰى صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ». لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ. تَوَكَّلْتُ عَلَى اَلْحَيِّ الَّذِي لاٰيَمُوتُ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي اَلْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ اَلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا.[1]

آنگه تسبیح فاطمهٔ زهرا عليها السلام بگوی و آن سی و چهار بار اللّٰه أکْبر بود و سی و سه بار اَلْحَمْدُ لِلّٰه و سی و سه بار سُبْحٰانَ اَللّٰهِ. ابتدا به تکبیر کن، پس به تحمید، پس به تسبیح.

و روایت کرده‌اند از صادق عليه السلام که گفت: تسبیح فاطمه عليها السلام در هر روزی پی هر نمازی دوستتر دارم از هزار رکعت نماز در هر روزی.[2]

و هم او گفت عليه السلام: هر که آن صد تسبیح فاطمه عليها السلام پس از فریضه بگوید، پس از آن بگوید: لا إله إلّاالله او را بیامرزند.[3]

و گفت: هر که تسبیح فاطمه عليها السلام بگوید و پس از آن بگوید:

لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ اَللّٰهُ، إِنَّ اللّٰهَ وَ مَلاٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى اَلنَّبِيِّ يٰا أَيُّهَا اَلَّذِينَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيماً، لَبَّيْكَ اللّٰهُمَّ «رَبَّنٰا» لَبَّيكَ وَ سَعْدَيْكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ عَلَيْه وَ عَلَيهِمُ اَلسَّلاٰمُ وَ رَحْمَةُ اَللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلتَّسْلِيمَ مِنّٰا لَهُمْ وَ اَلْإِيْتِمٰامَ بِهِمْ وَ اَلتَّصْدِيقَ لَهُمْ، رَبَّنٰا اٰمَنّٰا بِكَ وَ صَدَّقْنٰا رَسُولَكَ وَ سَلَّمْنٰا تَسْلِيماً. رَبَّنٰا اٰمَنّٰا بِمٰا أَنْزَلْتَ وَ اَتَّبَعْنَا اَلرَّسُولَ وَ اٰلَ اَلرَّسُولِ فَاكْتُبْنٰا مَعَ اَلشّٰاهِدِينَ.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۵۰.
۲. الکافی ج ۳، ص ۳۴۳.
۳. الکافی، ج ۳، ص ۳۴۲.

خدای تعالی همه گناهان وی بیامرزد و او را هم از آن روز و ساعت تا دیگر سال عافیت دهد از درویشی و دیوانگی و جذام و پیسی و مرگِ ناگهان بدو و از هر بلایی که از آسمان به زمین آید.

پس گوید:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَلسَّلاٰمُ وَ مِنْكَ اَلسَّلاٰمُ وَ لَكَ اَلسَّلاٰمُ وَ إِلَيْكَ اَلسَّلاٰمُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ اَلسَّلاٰمُ تَبارَكْتَ رَبَّنا وَ تَعالَيْتَ يا ذاالْجَلاٰلِ وَ اَلْإِكْرام، اَلسَّلاٰمُ عَلٰى رَسُولِ اَللّٰه، اَلسَّلاٰمُ عَلٰى نَبِيِّ اللّٰهِ، اَلسَّلاٰمُ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ خاتَمِ‌النَّبِيّينَ، اَلسَّلاٰمُ عَلَى اَلْأَئِمَّةِ اَلْهادِينَ اَلْمَهْدِيّينَ.

آنگه یک یک نام امامان ﷺ را بگوید. پس بگوید:

اَلسَّلاٰمُ عَلٰى جَبْرَئِيلَ وَ مِيكائِيلَ وَ إِسْرافِيلَ وَ عِزْرائِيلَ مَلَكِ اَلْمَوْتِ وَ حَمَلَةِ اَلْعَرْشِ، اَلسَّلاٰمُ عَلٰى رِضْوانَ خازِنِ اَلْجِنانِ، اَلسَّلاٰمُ عَلٰى مالِكٍ خازِنِ اَلنّيرانِ، اَلسَّلاٰمُ عَلٰى آدَمَ وَ مُحَمَّدٍ وَ مَنْ بَيْنَهُما مِنَ اَلْأَنْبِياءِ وَ اَلْأَوْصِياءِ وَ اَلشُّهَداءِ وَ اَلصُّلَحاءِ، اَلسَّلاٰمُ عَلَيْنا وَ عَلٰى عِبادِ اَللّٰهِ اَلصّالِحِينَ.

و بگوی:

رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَ بِالْاسْلاٰمِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيهِ و آلِهِ نَبِيًّا وَ بِعَلِيٍّ إِمامًا وَ الْحَسَنِ وَ اَلْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسٰى وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ اَلْحَسَنِ وَ الْحُجَّةِ أَئِمَّةً. اَللّٰهُمَّ وَلِيَّكَ اَلْحُجَّةَ فَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ اَمْدُدْ فِي عُمْرِهِ وَ اَجْعَلْهُ اَلْقائِمَ بِأَمْرِكَ اَلْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ وَ أَرِهِ ما تُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ وَفِي ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهْلِهِ وَ مالِهِ وَ وَلَدِهِ وَ فِي شِيعَتِهِ وَ عَدُوِّهِ وَ

أَرِهِمْ مِنْهُ مٰا يَحْذَرُونَ وَ أَرِهِ فيهِمْ مٰا تُحِبُّ وَ تَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ وَاشْفِ صُدُورَنٰا وَ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ.

اميرالمؤمنين عليه السلام گفت: هر كه خواهد از دنيا بشود ازگناهان خالص شده همچو زرى كه درو هيچ تيرگى و غشّى نبود و هيچ كس او را به مظلمه نجويد،گو پس پنج نماز فريضه نسبت خداى تعالى مى‌گوى دوازده بار، و آن قل هو الله است. آنگـه دست برآر و بگوى:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطّٰاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبٰارَكِ وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطٰانِكَ الْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ يٰا وٰاهِبَ الْعَطٰايٰا وَ يٰا مُطْلِقَ الْأُسٰارىٰ وَ يٰا فَكّٰاكَ الرِّقٰابِ مِنَ النّٰارِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النّٰارِ وَ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيٰا سٰالِمًا وَ تُدْخِلَنِيَ الْجَنَّةَ آمِنًا وَ أَنْ تَجْعَلَ دُعٰائِي أَوَّلَهُ فَلاٰحًا وَ أَوْسَطَهُ نَجٰاحًا وَ آخِرَهُ صَلاٰحًا إِنَّكَ أَنْتَ عَلاّٰمُ الْغُيُوبِ.[1]

اميرالمؤمنين عليه السلام گفت: اين دعا از سرّهايى است كه پيغمبر صلى الله عليه و آله در من آموخت و مرا فرمود كه حسن و حسين را عليهما السلام درآموزم و پيغمبر صلى الله عليه و آله چون از نماز فارغ شدى بگفتى كه:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْلِي مٰا قَدَّمْتُ وَ مٰا أَخَّرْتُ وَ مٰا أَسْرَرْتُ وَ مٰا أَعْلَنْتُ وَإِسْرٰافِي عَلٰى نَفْسِي وَ مٰا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْمُقَدِّمُ وَ أَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ بِعِلْمِكَ الْغَيْبَ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ مٰا عَلِمْتَ الْحَيٰوةَ خَيْرًا لِي فَأَحْيِنِي وَ تَوَفَّنِي إِذٰا عَلِمْتَ الْوَفٰاةَ خَيْرًا لِي. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي السِّرِّ وَ الْعَلاٰنِيَةِ وَ كَلِمَتَكَ الْحَقَّ فِي الْغَضَبِ وَ الرِّضٰا وَ الْقَصْدَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۵۷.

فِي ٱلْفَقْرِ وَ ٱلْغِنىٰ وَ أَسْأَلُكَ نَعِيماً لاٰيَنْفَدُ وَ قُرَّةَ عَيْنٍ لاٰتَنْقَطِعُ وَ أَسْأَلُكَ ٱلرِّضٰا بِالْقَضٰاءِ وَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ ٱلْمَوْتِ وَ لَذَّةَ ٱلنَّظَرِ إِلىٰ وَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ وَ شَوْقًا إِلىٰ لِقٰائِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرّٰاءَ مُضِرَّةٍ وَ لاٰ فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ. ٱللّٰهُمَّ زَيِّنّٰا بِزِينَةِ ٱلْإِيمٰانِ وَاجْعَلْنٰا هُدٰاةً مُهْتَدِينَ. ٱللّٰهُمَّ ٱهْدِنٰا فِيمَنْ هَدَيْتَ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَزِيمَةَ ٱلرَّشٰادِ وَ الثَّبٰاتَ فِي ٱلْأَمْرِ وَ ٱلرُّشْدِ. وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ حُسْنَ عٰافِيَتِكَ وَ أَدٰاءَ حَقِّكَ وَ أَسْأَلُكَ يٰا رَبِّ قَلْبًا سَلِيمًا وَ لِسٰانًا صٰادِقًا وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمٰا تَعْلَمُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مٰا تَعْلَمُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مٰا تَعْلَمُ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَ لاٰنَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلاّٰمُ ٱلْغُيُوبِ.

صادق ﷺ گفت: هر که این کلمات بگوید نزدیک هر نماز فریضه، وی را نگاه دارند در نفس او و در سرای او و در مال او و فرزند او، و کلمات این است:

أُجِيرُ نَفْسِي وَ مٰالِي وَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ دٰارِي وَ كُلَّ مٰا هُوَ مِنِّي بِاللّٰهِ ٱلْوٰاحِدِ ٱلأَحَدِ ٱلصَّمَدِ ٱلَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ أُجِيرُ نَفْسِي وَ مٰالِي وَ وُلْدِي وَ كُلَّ مٰا هُوَ مِنِّي بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مٰا خَلَقَ تا آخر. و بِرَبِّ ٱلنّٰاسِ تا آخر. و بِاللّٰهِ ٱلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ تا آخر آية الكرسى.

دعای یوسف ﷺ که جبرییل ﷺ درو آموخت، چون در زندان بود و گفت در پی هر نماز فریضه بگوی:

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مٰا أَرْجُو وَ مِنْ خَيْرِ مٰا لاٰأَرْجُو وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مٰا أَحْذَرُ وَ مِنْ شَرِّ مٰا لاٰأَحْذَرُ.

و ٱلْحَمْدُ برخوان و آية الكرسي و شَهِدَاللّٰهُ و آية ٱلملك و آية ٱلسخرة.[1] و سه بار

---

۱ . ان ربكم الله الذى خلق السموات و الارض فى ستة أيام ....

بگوی:

سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ

و سه بار بگوی:

ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَ ارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لاأَحْتَسِبُ.

و محاسن خود را به دست راست گیر و دست چپ بگستران از سوی آسمان و بگوی:

يا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّارِ.

و چهل بار بگوی:

سُبْحانَ ٱللّٰهِ و ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ.

و بگوی:

يا أَسْمَعَ ٱلسّامِعِينَ وَ يا أَبْصَرَ ٱلنّاظِرِينَ وَ يا أَسْرَعَ ٱلْحاسِبِينَ وَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ وَ يا أَحْكَمَ ٱلْحاكِمِينَ وَ يا صَرِيخَ ٱلْمَكْرُوبِينَ وَ يا مُجِيبَ دَعْوَةِ ٱلْمُضْطَرِّينَ، أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ رَبُّ ٱلْعالَمِينَ. وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْعَظِيمُ. وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحِيمُ و أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ مالِكُ يَوْمِ الدِّينِ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ ٱلْخَلْقِ و إِلَيْكَ يَعُودُ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَ لا تَزالُ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ مالِكُ ٱلْخَيْرِ وَ ٱلشَّرِّ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِله إِلاَّ أَنْتَ خالِقُ ٱلْجَنَّةِ وَ ٱلنّارِ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ ٱلأَحَدُ ٱلصَّمَدُ لَمْ تَلِدْ و لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ

لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ عٰالِمُ اَلْغَيْبِ وَ اَلشَّهٰادَةِ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحِيمُ وَ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلْمَلِكُ اَلقدُّوسُ اَلسَّلاٰمُ اَلْمُؤْمِنُ اَلْمُهَيْمِنُ اَلْعَزِيزُ اَلْجَبّٰارُ اَلْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰانَ اَللّٰهِ عَمّٰا يُشْرِكُونَ وَ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلْخٰالِقُ اَلْبٰارِئُ اَلْمُصَوِّرُ لَكَ اَلْأَسْمٰاءُ اَلْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَكَ مٰا فِي اَلسَّمٰوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ أَنْتَ اَللّٰهُ اَلْعَزِيزُ اَلْحَكِيمُ وَ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلْكَبِيرُ اَلْمُتَعٰالِ وَ اَلْكِبْرِيٰاءُ رِدٰاؤُكَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَغْفِرْلِي مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لاٰتُغٰادِرُ لِي ذَنْبًا وَ لاٰأَرْتَكِبُ بَعْدَهٰا مُحَرَّمًا وَ عٰافِنِي مُعٰافٰاةً لاٰتَبْتَلِينِي بَعْدَهٰا أَبَدًا وَ اَهْدِنِي هُدًى لاٰأَضِلُّ بَعْدَهٰا أَبَدًا وَ عَلِّمْنِي مٰا يَنْفَعُنِي بِمٰا عَلَّمْتَنِي وَاَجْعَلْهُ حُجَّةً لِي لاٰ عَلَيَّ وَ اَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ صَبًّا صَبًّا كَفٰافًا كَفٰافًا وَ رَضِّنِي بِهِ يٰا رَبّٰاهُ يٰا اَللّٰهُ وَ تُبْ عَلَيَّ يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنِي مِنَ اَلنّٰارِ ذٰاتِ السَّعِيرِ وَ اَبْسُطْ فِي سَعَةِ رِزْقِكَ عَلَيَّ وَ اَهْدِنِي بِهُدٰاكَ وَ أَغْنِنِي بِغِنٰاكَ وَ أَرْضِنِي بِقَضٰائِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيٰائِكَ اَلْمُخْلِصِينَ وَ أَبْلِغْ مُحَمَّدًا صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سَلاٰمًا وَ اَهْدِنِي لِمٰا اَخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ اَلْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشٰاءُ إِلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ اَعْصِمْنِي مِنَ اَلْمَعٰاصِي كُلِّهٰا وَ مِنَ اَلشَّيْطٰانِ اَلرَّجِيمِ، آمِينَ رَبَّ اَلعٰالَمِينَ.

و روایت کرده که، هر که پس از هر نماز فریضه این دعا بگوید، خدای تعالی در گور، روح با وی رد کند و روزی می‌یابد و عیش خوش و شادکام زیَد تا روز قیامت.

و سه بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اَلْخَيْرِ رِضْوٰانَكَ وَ اَلْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شرِّ اَلشَّرِّ سَخَطِكَ و اَلنّٰارِ.

روایت است که هر که پس هر نمازی به دست راست محاسن خود بگیرد و دست چپ گشاده سوی آسمان این دعا بخواند، خدای تعالی وی را بیامرزد و ازو راضی شود إن شاءالله تعالی. و دعا این است:

یاذاالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْنِي وَ أَجِرْنِي مِنَ النّارِ، سه بار.

پس دست از محاسن بدار و شکم[1] هر دو دست بسوی آسمان بردار و بگوی:

يا عَزِيزُ يا كَرِيمُ يا غَفُورُ يا رَحِيمُ. سه بار.

پس دستها برگردان و پشت دستها سوی آسمان کن و بگوی:

يا عَزِيزُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَجِرْنِي مِنَ الْعَذابِ الْأَلِيمِ.

پس دستها فرو گذار و بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ فَقِّهْنِي فِي الدِّينِ وَ حَبِّبْنِي إِلَى الْمُسلِمِينَ وَ اجْعَلْ لِي لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَ ارْزُقْنِي هَيْبَةَ الْمُتَّقِينَ يا أَللّٰهُ يا أَللّٰهُ يا أَللّٰهُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَسْتَعْمِلَنِي بِما عَرَّفْتَنِي مِنْ حَقِّكَ وَ أَنْ تَبْسُطَ عَلَيَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ.

و بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اَللّٰهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصّادِقَ الْمُصَدَّقَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قالَ إِنَّكَ قُلْتَ ما تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَنَا أَكْرَهُ مَساءَتَهُ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْفَرَجَ وَ الْعافِيَةَ وَ النَّصْرَ وَ لا تَسُؤْنِي

---

۱. مقصود کف دست است.

فِي نَفْسِي وَ لاٰ أَحَدٍ مِنْ أَحِبَّتِي.

و اگر خواهی نام دوستان یک یک بگوی و اگر خواهی همه را فراگیر. روایتست از صادق علیه السلام که هرکه این دعا دایم خواند پس هر فریضه، چندان بزید که از زندگانی سیر برآید.

و مستحبّ است که پس از نماز بگوید، پیش از آن که زانوها از جای بگرداند:

أَشْهَدُ أَنْ لاٰإِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ إِلٰهًا وٰاحِدًا أَحدًا صَمَدًا «فَرْدًا وِتْرًا» لَمْ يَتَّخِذْ صٰاحِبَةً و لا وَلَدًا. ده بار.

و این دعا بخواند مرویّ از صاحب الزّمان علیه السلام:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ ٱلْأَصْوٰاتُ وَ لَكَ عَنَتِ ٱلْوُجُوهُ وَ لَكَ خَضَعَتِ ٱلرِّقٰابُ وَ إِلَيْكَ ٱلتَّحٰاكُمُ فِي ٱلْأَعْمٰالِ يٰا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ يٰا خَيْرَ مَنْ أَعْطىٰ «يٰاصٰادِقَ ٱلْوَعْدِ» يٰا مَنْ لاٰيُخْلِفُ ٱلْمِيعٰادَ يٰا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعٰاءِ وَ وَعَدَ بِالْإِجٰابَةِ يٰا مَنْ قٰالَ: أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ، يٰا مَنْ قٰالَ: وَ إِذٰا سَأَلَكَ عِبٰادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ ٱلدّٰاعِ إِذٰا دَعٰانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ. يٰا مَنْ قٰالَ: يٰا عِبٰادِيَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ لاٰتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ ٱللّٰهِ إِنَّ ٱللّٰهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ. لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ هٰا أَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ ٱلْمُسْرِفُ عَلىٰ نَفْسِي وَ أَنْتَ ٱلْقٰائِلُ: يٰا عِبٰادِيَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ لاٰتَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ ٱللّٰهِ إِنَّ ٱللّٰهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱغْفِرْلِي.

پس آنچه خواهی بخواه.

و امام موسی کاظم علیه السلام پس از فریضه این دعا بخواندی:

اَللّٰهُمَّ بِبِرِّكَ ٱلْقَدِيمِ وَ رَأْفَتِكَ بِتَرْبِيَتِكَ ٱللَّطِيفَةِ وَ شَفَقَتِكَ بِصَنْعَتِكَ ٱلْمُحْكَمَةِ

وَ قُدْرَتِكَ بِسِتْرِكَ اَلْجَمِيلِ وَ عِلْمِكَ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَحْيِ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ وَ اَجْعَلْ ذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَ عُيُوبَنَا مَسْتُورَةً وَ فَرَائِضَنَا مَشْكُورَةً وَ نَوَافِلَنَا مَبْرُورَةً وَ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ نُفُوسَنَا بِطَاعَتِكَ مَسْرُورَةً وَ عُقُولَنَا عَلىٰ تَوْحِيدِكَ مَجْبُورَةً وَ أَرْوَاحَنَا عَلىٰ دِينِكَ مَفْطُورَةً وَ جَوَارِحَنَا عَلىٰ خِدْمَتِكَ مَقْهُورَةً وَأَسْمَاءَنَا فِي خَوَاصِّكَ مَشْهُورَةً وَ حَوَائِجَنَا لَدَيْكَ مَيْسُورَةً وَ أَرْزَاقَنَا مِنْ خَزَائِنِكَ مَدْرُورَةً، أَنْتَ اَللّٰهُ اَلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلْقَادِرُ، لَقَدْ فَازَ مَنْ وَالاٰكَ وَ سَعِدَ مَنْ نَاجَاكَ وَ عَزَّ مَنْ دَعَاكَ[1] وَ ظَفِرَ مَنْ رَجَاكَ وَ غَنِمَ مَنْ قَصَدَكَ وَ رَبِحَ مَنْ تَاجَرَكَ.[2]

دعای دیگر:

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ. حَسْبِيَ اَللّٰهُ لِدِينِي وَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ لِدُنْيَايَ وَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ لِآخِرَتِي وَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ لِمَا أَهَمَّنِي وَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ لِمَنْ بَغىٰ عَلَيَّ وَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ عِنْدَ اَلْمَوْتِ وَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ عِنْدَ مُسَائَلَةِ اَلْقَبْرِ وَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ عِنْدَ اَلْمِيزَانِ وَ حَسْبِيَ اَللّٰهِ عِنْدَ اَلصِّرَاطِ وَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ اَلْعَرْشِ اَلْعَظِيمِ.

و سه بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنِي اَلْجَنَّةَ وَ حَرِّمْنِي عَلَى اَلنَّارِ وَ زَوِّجْنِي مِنَ اَلْحُورِ اَلعِينِ.

و سه بار بگوی:

يَا مَنْ لاٰيَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ، يَا مَنْ لاٰيُغَلِّطُهُ اَلْمَسَائِلُ وَ لاٰيُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ اَلْمُلِحِّينَ، أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَ حَلاوَةَ رَحْمَتِكَ.

---

۱. در «م»: ناداك

۲. مصباح المتهجد، ص ۵۹

ابوجعفر محمّد بن علیّ الباقر علیه السلام گفت: دعا پس از فریضه فاضلترست از نماز سنّت.[۱] روایت کرد امیرالمؤمنین از پیغمبر ـ صلوات الله علیهما ـ که هر که نماز فریضه بگزارد از برای خدای تعالی، وی را در اَثَر آن دعا مستجاب بوَد. و باقر علیه السلام گفت: هیچ بنده دست بنگستراند بخدای تعالی الّا که خدای تعالی شرم دارد که دست وی تهی بازگرداند تا که از فضل و رحمت خود آنچه خواهد بر او بدهد. پس چون یکی از شما دعا کند باید که دست باز نگرداند تا به سر و روی خود فرومالد. و در خبر دیگر: و به روی سینه.

و صادق علیه السلام گفت: در پی هر فریضه آن دو موجب فرامش مکنید. زراره گفت: آن چیست؟ گفت: از خدای بهشت خواهی و به او بازداشت خواهی از آتش دوزخ.[۲]

فصل نهم در تعقیب نماز پشین

روایتست که امیرالمؤمنین علیه السلام در عقب هر یکی از پنج فریضه دعای جداگانه خوانده است و در عقب نماز پشین این دعا خوانده است:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُبِكَ أَنْ تُحْسُنَ فِي رَأْيِ الْعَيْنِ عَلانِيَتِي وَ تَقْبَحَ فِيمٰا أُعْلِنُ بِهِ سَرِيرَتِي مُحٰافِظًا عَلٰى رِئٰاءِ النّٰاسِ بِتَصنُّعٍ أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلٰى غَيْرِهِ مِنِّي، فَإِنِّي أُبْدِي لِغَيْرِكَ أَحْسَنَ عَمَلِي وَ أُفْضِي إِلَيْكَ بِأَسْوَءِ عَمَلِي تَقَرُّبًا إِلَى الْمَخْلُوقِينَ بِحَسَنٰاتِي وَ فِرٰارًا إِلَيْكَ بِسَيِّئٰاتِي كَأَنَّ الثَّوٰابَ لَيْسَ مِنْكَ وَ كَأَنَّ الْعِقٰابَ لَيْسَ إِلَيْكَ فَتَنٰالُنِي مَقْتُكَ وَ يَحُلُّ عَلَيَّ غَضَبُكَ. إِلٰهِي قَدْ عَلِمْتَ حٰاجَتِي فَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَ نَظَرتُ إِلَيْكَ نَظَرَ الْعَبِيدِ إِلٰى أَرْبٰابِهٰا فَاغْفِرْلِيَ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ فَإِنَّكَ عَظِيمٌ. فَإِنَّمٰا لٰايَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلاَّ الْعَظِيمُ، رَبِّ لٰاتَخْذُلْنِي وَ

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۴۲؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۴

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۴۳؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۰۸.

لاتَمْكُرْ بِي وَ لاتَسْتَدْرِجْني وَ لاتَكِلْني إلى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ، أَسْأَلُكَ رِضْوانَكَ وَ ٱلْجَنَّةَ وَ ما قَرَّبَ إِلَيْها مِنْ قَوْلٍ وَ عَمَلٍ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ مِنَ ٱلنَّارِ وَ ما قَرَّبَ إِلَيْها مِنْ قَوْلٍ وَ عَمَلٍ.

زين العابدين عليه السلام اين دعا را در عقب فرايض خواندى خاصّه نماز پشين:

اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَ إِيّاكَ دَعَوْتُ وَ فِي صَلَواتِي ما قَدْ عَلِمْتَ مِنَ ٱلنُّقْصانِ وَ ٱلْعَجَلَةِ وَ السَّهْوِ وَ ٱلْغَفْلَةِ وَ ٱلْكَسَلِ وَ ٱلْفَتْرَةِ وَ ٱلنِّسيانِ وَ ٱلْمُدافَعَةِ وَ ٱلرِّياءِ وَ ٱلسُّمْعَةِ وَ ٱلرَّيْبِ وَ ٱلشَّكِّ وَ ٱلرَّيْبَةِ وَ ٱلْفِكْرَةِ وَ ٱلْمَشْغَلَةِ عَنْ إِقامَةِ كَمالِ فَرْضِكَ فَأَنَا أَسْأَلُكَ إِلٰهِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَنْ تُحَوِّلَ نُقْصانَها تَمامًا وَ عَجَلَتِي فِيها تَثْبِيتًا وَ مَكْثًا وَ سَهْوِي تَيَقُّظًا وَ غَفْلَتِي مُواظَبَةً وَ كَسَلِي نَشاطًا وَ فَتْرَتِي تَقْوِيَةً وَ نِسْيانِي مُحافَظَةً وَ مُدافَعَتِي مُرابَطَةً وَ رِئائِي إِخْلاصًا وَ سُمْعَتِي تَسَتُّرًا وَ شَكِّي ثَباتًا وَ رَيْبِي يَقِينًا وَ فِكْرَتِي خُشُوعًا[1] فَإِنِّي لَكَ صَلَّيْتُ وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ إِيّاكَ قَصَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَ إِيّاكَ أَدْعُو فَاجْعَلْ لِي فِي صَلٰوتِي وَ دُعائِي رَحْمَةً وَ بَرَكَةً تُكَفِّرُ بِها سَيِّئاتِي وَ تَرْفَعُ بِها دَرَجاتِي وَ تُضاعِفُ بِها حَسَناتِي وَ تُكْرِمُ بِها مَقامِي وَ تُنِيرُ فِيها وَجْهِي وَ تَحُطُّ بِها وِزْرِي.

اَللّٰهُمَّ اَحْطُطْ بِها عَنِّي ثِقْلِي[2] وَاَجْعَلْ ماعِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمّا يَنْقَطِعُ عَنِّي وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي قَضٰى عَنِّي فَرِيضَةً ٱلَّتِي كانَتْ عَلَى ٱلْمُؤْمِنِينَ كِتابًا مَوْقُوتًا وَ اَلصَّلٰوةُ عَلَى ٱلنَّبِيِّ مَنْ صَلاّها هُدِمَتْ ذُنُوبُهُ وَاَسْتُجِيبَ دُعاؤُهُ و أُعْطِيَ أُمْنِيَّتَهُ وَ بُسِطَ لَهُ فِي رِزْقِهِ وَ أُعِينَ عَلٰى عَدُوِّهِ و عُدَّ مِنْ رُفَقاءِ نَبِيِّهِ فِي

---

۱. مصباح: وَ رَيْبِي ثَباتًا وَ فِكْرِي خُشُوعًا وَ شَكِّي يَقِينًا و تَشاغُلِي فَراغًا وَ لِحاظِي خُشُوعًا

۲ . در مصباح (ص ۸۱) : اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ احْطُطْ بِها وِزْرِي.

اَلْجِنانِ اَلْعُلٰى. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ فِي اَلْأَوَّلِينَ وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ فِي اَلْمَلَإِ اَلأَعْلٰى. اَللّٰهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا اَلْوسِيلَةَ وَ اَلشَّرَفَ وَ اَلْفَضِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ اَلرَّفِيعَةَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي اٰمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ و لَمْ أَرَهُ فَلاٰ تَحْرِمْنِي يَوْمَ اَلْقِيامَةِ رُؤْيَتَهُ وَ اَرْزُقْنِي مُحَبَّتَهُ وَ تَوَفَّنِي عَلٰى مِلَّتِهِ وَ اَسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سائِغًا هَنِيئًا لاٰ أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ كَما اٰمَنْتُ بِمُحمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ لَمْ أَرَهُمْ فَلاتَحْرِمْنِي يَوْمَ اَلْقِيامَةِ رُؤْيَتَهمْ وَ عَرِّفْنِي فِي اَلْجِنَانِ وُجُوهَهُمْ وَ بَلِّغْ رُوحَهُمْ وَ جَسَدَهُمْ مِنِّي اَلسَّلاٰمَ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَلطّاهِرِينَ.

آنگه آن دعایی که مختصّ است به نماز پشین بخواند:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ اَلْعَظِيمُ اَلْحَلِيمُ[1]. «لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ رَبُّ اَلْعَرْشِ اَلْعَظِيمِ» اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ اَلْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ اَلسَّلاٰمَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَ اَلْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ اَلنَّجاةَ مِنَ اَلنّارِ. اَللّٰهُمَّ لاتَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلاَّ غَفَرْتَهُ وَ لاٰ هَمًّا إِلاَّ فَرَّجْتَهُ «وَ لا كَرْبًا إِلاَّ كَشَفْتَهُ» وَ لاٰ سُقْمًا إِلاَّ شَفَيْتَهُ وَ لا عَيْبًا إِلاَّ سَتَرْتَهُ وَ لا رِزْقًا إِلاَّ بَسَطْتَهُ «وَ لاٰ دَيْنًا إِلاَّ قَضَيْتَهُ» وَ لاٰ خَوْفًا إِلاَّ اٰمَنْتَهُ وَ لاٰ سُوءً إِلاَّ صَرَفْتَهُ وَ لاٰ حاجَةً لَكَ رِضًا وَ لِيَ فِيها صَلاٰحٌ إِلاَّ قَضَيْتَها لِي يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ.

و بگوی:

يا سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ وَ يا جامِعَ كُلِّ فَوْتٍ وَ يا بارِئَ اَلنُّفُوسِ بَعْدَ اَلْمَوْتِ، يا باعِثُ يا وارِثُ يا سَيِّدَ اَلسّادَةِ يا إِلٰهَ اَلاٰلِهَةِ يا جَبّارَ اَلْجَبابِرَةِ يا مالِكَ اَلدُّنْيا وَ اَلاٰخِرَةِ يا رَبَّ الأَرْبابِ يا مَلِكَ[2] اَلْمُلُوكِ يا بَطّاشُ يا ذَاالْبَطْشِ

---

[1]. در «م»: الْعليُّ الْعظيم، لاٰ إله الاّ اللهُ العزيز الحكيم.

[2]. در «م»: مالك

ٱلشَّدِيدِ يٰا فَعّٰالٌ لِمٰا يُرِيدُ يٰا مُحْصِيَ عَدَدِ ٱلْأَنْفاسِ وَ نَقْلِ ٱلْأَقْدامِ يٰا مَنِ ٱلسِّرُّ عِنْدَهُ عَلاٰنِيَةٌ يٰا مُبْدِئُ يٰا مُعِيدُ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلىٰ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ بِحَقِّهِمُ ٱلَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلىٰ نَفْسِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ ٱلسّٰاعَةَ ٱلسّٰاعَةَ بِفَكٰاكِ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّٰارِ وَ أَنْجِزْ لِوَلِيِّكَ ابْنِ[1] وَلِيِّكَ ٱلدّٰاعِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ وَ أَمِينِكَ فِي[2] خَلْقِكَ «وَ عَيْنِكَ فِي عِبٰادِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ» صَلَوٰاتُكَ وَ بَرَكٰاتُكَ عَلَيْهِ وَعْدَهُ. ٱللّٰهُمَّ أَيِّدْهُ بِنَصْرِكَ وَ ٱنْتَصِرْ لَهُ وَ قَوِّ أَصْحٰابَهُ وَ صَبِّرْهُمْ وَ ٱفْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰانًا نَصِيرًا وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ و أَمْكِنْهُ مِنْ أَعْدٰائِكَ وَ أَعْدٰاءِ رَسُولِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.

و سه بار بگوى:

يٰا أَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيثُ.

و بگوى:

ٱللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَ أَنْتَ رَجٰائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ أَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَ عُدَّةٌ فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهٰا وَ ٱكْشِفْ هَمِّي وَ فَرِّجْ غَمِّي وَ أَغْنِنِي بِحَلاٰلِكَ عَنْ حَرٰامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوٰاكَ وَ عٰافِنِي فِي أُمُورِي كُلِّهٰا وَ عٰافِنِي مِنْ خِزْيِ ٱلدُّنْيٰا وَ عَذٰابِ ٱلْآخِرَةِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وِ مِنْ شَرِّ غَيْرِي وَ مِنْ شَرِّ ٱلسُّلْطٰانِ وَ ٱلشَّيْطٰانِ وَ فَسَقَةِ ٱلْجِنِّ وَ ٱلْإِنْسِ وَ فَسَقَةِ ٱلْعَرَبِ وَ ٱلعَجَمِ وَ رُكُوبِ ٱلْمَحٰارِمِ كُلِّهٰا وَ مِنْ نَصْبِ عَدٰاوَةٍ لِأَوْلِيٰاءِ اللّٰهِ. أُجِيرُ نَفْسِي بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ.

---

۱. در «م»: و ابن ۲. در «م»: على

و سه بار بگوی:

أَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْعَلِيَّ الْأَعْلَى الْجَلِيلَ الْعَظِيمَ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مالِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَ جَمِيعَ ما رَزَقَنِي رَبِّي وَ جَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ. أَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ الْمَرْهُوبَ الْمَخُوفَ الْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مالِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوانِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَ جَمِيعَ ما رَزَقَنِي رَبِّي وَ جَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ.[1]

و سه بار بگوی:

أُعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مالِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوانِيَ الْمُؤْمِنِينَ فِي دِينِي وَ ما رَزَقَنِي رَبِّي وَ خَواتِيمَ عَمَلِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللّٰهِ الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ و «بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «بِرَبِّ النَّاسِ» تا آخر.[2]

پس بگوی:

حَسْبِيَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. ما شاءَ اللّٰهُ كانَ وَ ما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ. أَشْهَدُ وَ أَعْلَمُ أَنَّ اللّٰهَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. وَ أَنَّ اللّٰهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ أَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ.[3]

و بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بَراءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنا بَراءَتَنا

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۵۶

۲. مصباح المتهجد، ص ۵۶ ـ ۵۷

۳. مصباح المتهجد، ص ۵۷

مِنَ ٱلنّارِ وَ فِي جَهَنَّمَ فَلاٰتَجْعَلْنا وَ فِي عَذابِكَ وَ هَوانِكَ فَلاٰتَبْتَلِنا وَ مِنَ ٱلضَّرِيعِ وَٱلزَّقُّومِ فَلاٰتُطْعِمْنا وَ مَعَ ٱلشَّياطِينِ فِي ٱلنّارِ فَلاٰتَجْمَعْنا وَ عَلىٰ وُجُوهِنا فِي ٱلنّارِ فَلاٰتَكُبَّنا وَ مِنْ ثِيابِ النّارِ وَ سَرابِيلِ ٱلْقَطِرانِ فَلاٰتُلْبِسْنا وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ يَوْمَ ٱلْقِيامَةِ فَنَجِّنا وَ بِرَحْمَتِكَ فِي عِبادِكَ ٱلصّالِحِينَ فَأَدْخِلْنا وَ فِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنا وَ مِنْ كَأْسٍ مَعِينٍ وَ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنا وَ مِنَ ٱلْحُورِ ٱلْعِينِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنا وَ مِنَ ٱلْوِلْدانِ ٱلْمُخَلَّدِينَ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَأَخْدِمْنا وَ مِنْ ثِمارِ ٱلْجَنَّةِ وَ لَحْمِ ٱلطَّيْرِ فَأَطْعِمْنا وَ مِنْ ثِيابِ ٱلْحَرِيرِ وَ ٱلسُّنْدُسِ وَ الْإِسْتَبْرَقِ فَأَلْبِسْنا وَ لَيْلَةَ ٱلْقَدْرِ فَارْحَمْنا وَ حَجَّ بَيْتِكَ ٱلْحَرامِ فَارْزُقْنا وَ سَدِّدْنا وَ قَرِّبْنا إِلَيْكَ زُلْفىٰ وَ صالِحَ ٱلدُّعاءِ وَ ٱلْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنا يا خالِقَنا ٱسْمَعْ وَٱسْتَجِبْ لَنا وَ إِذا جَمَعْتَ ٱلْأَوَّلِينَ وَ ٱلْآخِرِينَ «يَوْمَ ٱلْقِيامَةِ» فَارْحَمْنا يا رَبِّ عَزَّ جارُكَ وَ جَلَّ ثَناؤُكَ وَ لاٰإِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ.[1]

و ده بار بگوی:

بِاللّٰهِ أَعْتَصِمُ وَ بِاللّٰهِ أَثِقُ وَ عَلَى ٱللّٰهِ أَتَوَكَّلُ». ٱللّٰهُمَّ إِنْ عَظُمَتْ ذُنُوبِي فَأَنْتَ أَعْظَمُ وَ إِنْ كَبُرَ تَفْرِيطِي فَأَنْتَ أَكْبَرُ وَ إِنْ دامَ بُخْلِي فَأَنْتَ أَجْوَدُ. ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ عَظِيمَ ذُنُوبِي بِعَظِيمِ عَفْوِكَ وَ كَبِيرَ[2] تَفْرِيطِي بِظاهِرِ كَرَمِكَ وَ ٱقْمَعْ بُخْلِي بِفَضْلِ جُودِكَ. ٱللّٰهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.

و صادق عليه السلام گفت که، مستحبّ بوَد این دعا را گفتن در چهار موضع: در وِتر و پس از نماز بامداد و پس از نماز پشین و پس از نماز پسین.[3]

---

۱. در «م»: وَ لاٰإِلٰهَ غيرك. مصباح المتهجد، ص ۶۲

۲. در «د»: كثير

۳. در «م»: نماز شام.

فصل دهم در سجدهٔ شکر در پس تعقیبات

چون از تعقیب فارغ شدی، سجدهٔ شکر کن، بخلاف سجدهٔ نماز، خویشتن بر زمین فکن و هر دو ساعد و سینه بر زمین نه. صادق ﷺ گفت: نمازکننده پس از فریضه، سجده از برای آن کند تا شکر کند خدای را بر آن که بر وی منّت نهاد و توفیق داد تا فرض وی بگزارد و کمترین چیزی درو آن است که سه بار بگوید:

شکرًا لِلّه.[۱]

و صادق ﷺ گفت که، سجدهٔ شکر واجب است بر هر مسلمانی که بدان نماز خود تمام کند و خدای تعالی بر آن راضی شود و فرشتگان از آن تعجّب کنند و بنده چون نماز کند پس سجدهٔ شکر خدای تعالی حجاب برگیرد میان آن بنده و فرشتگان و گوید: ای فرشتگان من، بنگرید بندهٔ مرا فرض من بگزارد و عهد من تمام کرد، پس سجدهٔ کرد مرا، شکر نعمتی که به وی دادهام.[۲] از رضا ﷺ روایت کردهاند که در سجدهٔ شکر صد بار بگوی:

شُکرًا شُکرًا عفوًا عفوًا.[۳]

و اگر خواهی بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجٰائِي فَاكْفِنِي مٰا أَهَمَّنِي وَ مٰا لاٰيُهِمُّنِي وَ مٰا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي عَزَّ جٰارُكَ وَ جَلَّ ثَنٰاءُكَ وَ لاٰ إِلٰهَ غيرُكَ. صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ محمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُم.

آنگه روی راست بر زمین نه و بگوی:

إِرْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي مِنَ النّٰاسِ وَ أُنْسِي بِكَ يٰا كَرِيمُ يٰا كَرِيمُ يٰا كَرِيمُ.

---

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۳
۲. التهذیب، ج ۲، ص ۱۱۰
۳. در «م»: شکرًا لِله شکرًا لِله یا عَفْوًا عفوًا.

و بگوی:

بُؤْتُ إِلَيْكَ بِذَنْبِي عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي فَإِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ غَيْرُكَ مَوْلاٰيَ.

و آنگه روی چپ به زمین نه و بگوی:

اِرْحَمْ مَنْ أَسٰاءَ وَ ٱقْتَرَفَ وَ ٱسْتَكٰانَ وَ ٱعْتَرَفَ سه بار.

و نیز بگوی:

لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ رَبِّي حَقًّا حَقًّا سَجَدْتُ لَكَ يٰا رَبِّ تَعَبُّدًا وَ رِقًّا، اَللّٰهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضٰاعِفْهُ لِي يٰا كَرِيمُ يٰا كَرِيمُ.

آنگه پیشانی بر زمین نه و صد بار بگوی: شُكْرًا. و مستحبّ بوَد که در سجود بگویی:

يٰا خَيْرَ مَنْ رُفِعَتْ إِلَيْهِ أَيْدِي ٱلسّٰائِلِينَ يٰا أَكْرَمَ مَنْ مُدَّتْ إِلَيْهِ أَعْنٰاقُ ٱلرّٰاغِبِينَ يٰا أَكْرَمَ الأَكْرَمِين يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ٱلطَّيِّبِينَ ٱلطّٰاهِرِينَ وَ ٱلطُفْ بِي بِلُطْفِكَ ٱلْخَفِيِّ فِي شَأْنِي كُلِّهِ.

و مستحبّ بوَد که بگویی:

سَجَدَ لَكَ يٰا ربِّ طٰالِبٌ مِنْ ثَوابِكَ سَجَدَ لَكَ يٰا رَبِّ هٰارِبٌ مِنْ عِقٰابِكَ، سَجَدَ لَكَ يٰا رَبِّ خٰائِفٌ مِنْ سَخَطِكَ يٰا أَللّٰهُ يٰا رَبّٰاهُ.

تا که نفس بریده شود. آنگه حاجت خواهی، چون سر از سجده برآری بگوی:

اَللّٰهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ محمَّدٍ ٱلسَّعٰادَةَ فِي ٱلرُّشْدِ وَ إِيمٰانَ ٱلْيُسْرِ وَ فَضِيلَةً فِي ٱلنِّعَمِ وَ هَنٰاءَةً فِي ٱلعِلْمِ حَتّٰى تُشَرِّفَهُم عَلٰى كُلِّ شَرِيفٍ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلِيِّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصٰاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ وَ مُنْتَهٰى كُلِّ رَغْبَةٍ لَمْ يَخْذُلْنِي عِنْدَ كُلِّ شَدِيدَةٍ وَ

لَمْ يَفْضَحْنِي بِسُوءِ سَرِيرَةٍ فَلِسَيِّدِي اَلْحَمْدُ كَثِيرًا.[۱]

پس بگوی:

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ، كَمٰا خَلَقْتَنِي وَ لَمْ أَكُ شَيْئًا مذْكُورًا، رَبِّ أَعِنِّي عَلىٰ أَحْوٰالِ الدُّنْيا وَ بَوائِقِ اَلدَّهْرِ وَ نَكَبٰاتِ اَلزَّمٰانِ وَ كُرُبٰاتِ اَلْاٰخِرَةِ وَ مُصِيبٰاتِ اَللَّيٰالِي وَ اَلْأَيّٰامِ وَ اكْفِنِي شَرَّ مٰا يَعْمَلُ اَلظّٰالِمُونَ فِي اَلْأَرْضِ فِي سَفَرِي فَاصْحَبْنِي وَ فِي أَهْلِي فَاخْلُفْنِي وَ فِيمٰا رَزَقْتَنِي فَبٰارِكْ لِي وَ فِي نَفْسِي لَكَ فَذَلِّلْنِي وَ فِي أَعْيُنِ اَلنّٰاسِ فَعَظِّمْنِي وَ إِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي وَ بِذُنُوبِي فَلاٰتفْضَحْنِي وَبِعَمَلِي فَلاٰتُبْسِلْنِي وَ بِسَرِيرَتِي فَلاٰتُخْزِنِي وَ مِنْ شَرِّ اَلْجِنِّ وَ اَلْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَ لِمَحٰاسِنِ اَلْأَخْلاٰقِ فَوَفِّقْنِي وَ مِنْ مَسٰاوِئِ اَلْأَخْلاٰقِ فَجَنِّبْنِي، إِلىٰ مَنْ تَكِلُنِي يٰا رَبَّ اَلْمُسْتَضْعَفِينَ وَ أَنْتَ رَبِّي إِلىٰ عَدُوٍّ مَلَّكْتَهُ أَمْرِي أَمْ إِلىٰ بَعِيدٍ فَيَتَهَجَّمُنِي فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ يٰا رَبِّ فَلاٰ أُبٰالِي غَيْرَ أَنَّ عٰافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي وَ أَحَبُّ إِلَيَّ أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ اَلسَّمٰوٰاتُ وَ اَلْأَرَضُونَ وَ كُشِفَتْ بِهِ اَلظُّلْمَةُ وَ صَلُحَ عَلَيْهِ أَمْرُ اَلْأَوَّلِينَ وَ اَلْاٰخِرِينَ مِنْ أَنْ يَحُلَّ عَلَيَّ غَضَبُكَ أَوْ تُنْزِلَ[۲] بِي سَخَطَكَ لَكَ اَلْحَمْدُ حَتّٰى تَرْضىٰ و بَعْدَ الرِّضٰا وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِكَ.[۳]

صادق ﷺ گفت: چون تو را اندیشه بود، دست بر موضع سجود بسای و بر روی فرود آر از جانب چپ تا جانب راست و بگوی:

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ عٰالِمُ اَلْغَيْبِ وَ الشَّهٰادَةِ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحِيمُ. اَللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّيَ الْهَمَّ وَ اَلْحُزْنَ.«سه بار»

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۷

۲. در مصباح : ينزل

۳. مصباح المتهجد، ص ۶۷ ــ ۶۸

فصل یازدهم در نافلهٔ نماز پسین[1]

آنگه به سنّت[2] نماز دیگر مشغول شو بر آن ترتیب که در نماز پشین برفت و پس از دو رکعت نخستین بگوی:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ اَلْعَلِيُّ اَلْعَظِيمُ اَلْحَلِيمُ اَلْكَرِيمُ اَلْخالِقُ اَلرّٰازِقُ اَلْمُحْيِي اَلْمُمِيتُ اَلْمُبْدِئُ اَلْبَدِيعُ، لَكَ اَلْحَمْدُ وَ لَكَ اَلْكَرَمُ وَ لَكَ اَلْمَنُّ وَ لَكَ اَلْجُودُ وَ لَكَ اَلْأَمْرُ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ. يا واحِدُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَلَمْ يتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لاٰ وَلَدًا، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

و حاجت بخواه و آنگه بگوی:

يٰا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي يٰا صٰاحِبِي فِي شِدَّتِي يٰا مُونِسِي فِي وَحْدَتِي يٰا وَلِيَّ نِعْمَتِي يٰا إِلٰهِي وَ إِلٰهَ اٰبٰآئِي إِبْرٰاهِيمَ وَ إِسْمٰاعِيلَ وَ إِسْحٰاقَ وَ يَعْقُوبَ وَاَلْأَسْباطِ وَ رَبَّ مُوسٰى وَ عِيسٰى وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اَلسَّلاٰمُ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ و اٰلِهِ.

و حاجت بخواه. و پس از چهارم رکعت بگوی:

اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَلسَّمٰوٰاتِ اَلسَّبْعِ وَ رَبَّ اَلْأَرَضِينَ اَلسَّبْعِ وَ مٰا فِيهِنَّ وَ مٰا بَيْنَهُنَّ وَ رَبَّ اَلْعَرْشِ اَلْعَظِيمِ وَ رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكٰائِيلَ وَ إِسْرافِيلَ وَ رَبَّ اَلسَّبْعِ اَلْمَثٰانِي وَ اَلْقُرْاٰنِ اَلْعَظِيمِ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ اَلنَّبِيِّينَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ، وَ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اَلأَعْظَمِ اَلَّذِي بِهِ تَقُومُ اَلسَّمٰاءُ وَ بِهِ تَقُومُ اَلْأَرْضُ وَ بِهِ تُحْيِي اَلْمَوْتٰى وَ تَرْزُقُ اَلْأَحْيٰاءَ وَ تُفَرِّقُ بَيْنَ اَلْجَمِيعِ وَ تَجْمَعُ بَيْنَ اَلْمُتَفَرِّقِ

---

۱. از آن با عنوان «نماز دیگر» هم یاد می‌شود که مقصود نماز ظهر است.

۲. مقصود نوافل است.

وَ بِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ ٱلرِّمٰالِ وَ وَرَقَ ٱلْأَشْجٰارِ وَ وَزْنَ ٱلْجِبٰالِ وَ كَيْلَ ٱلْبِحٰارِ وَ عَدَدَ ٱلنُّجُومِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

و حاجت بخواه و در طلب اِلحاح کن که این دعای الحاح است.[1] و پس از رکعت ششم بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ عَبْدُكَ ذُوالنُّونِ «إِذْ ذَهَبَ مُغٰاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادٰى فِي ٱلظُّلُمٰاتِ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ سُبْحٰانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ ٱلظّٰالِمِينَ فَاسْتَجَبْنٰا لَهُ وَ نَجَّيْنٰاهُ مِنَ ٱلْغَمِّ و كذلك نُنْجِي ٱلْمُؤْمِنِينَ»[2] فَإِنَّهُ دَعٰاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ سَأَلَكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ «وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمٰا فَرَّجْتَ عَنْهُ» وَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمٰا ٱسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ عَبْدُكَ أَيُّوبُ إِذْ مَسَّهُ ٱلضُّرُّ فَنٰادٰاكَ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّٰاحِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ كَشَفْتَ مٰا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ اٰتَيْتَهُ أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ فَإِنَّهُ دَعٰاكَ وَ هوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ سَأَلَكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَسْأَلُكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمٰا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمٰا ٱسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَنَا أَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ يُوسُفُ إِذْ فَرَّقْتَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَهْلِهِ إِذْ هُوَ فِي ٱلسِّجْنِ فَإِنَّهُ دَعٰاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ سَأَلَكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمٰا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي كَمٰا ٱسْتَجَبْتَ لَهُ وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ و اٰلِهِ.

---

۱ . در مصباح (۶۹) آمده: فانه دعاء النّجاح.

۲ . انبياء : ۸۷

و حاجت بخواه.[۱] و پس از رکعت هشتم بگوی:

یا مَنْ أَظْهَرَ ٱلْجَمِیلَ و سَتَرَ ٱلْقَبِیحَ، یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالْجَرِیرَةِ وَ لَمْ یَهْتِكِ ٱلسِّتْرَ یا عَظِیمَ ٱلْعَفْوِ یا حَسَنَ ٱلتَّجاوُزِ یا باسِطَ ٱلْیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ یا صاحِبَ كُلِّ حاجَةٍ یا واسِعَ ٱلْمَغْفِرَةِ یا مُفَرِّجَ كُلِّ كُرْبَةٍ یا مُقِیلَ ٱلْعَثَراتِ یا كَرِیمَ ٱلصَّفْحِ یا عَظِیمَ ٱلْمَنِّ یا مُبْتَدِئًا بِالنِّعَمِ قَبْلَ ٱسْتِحْقاقِها یا رَبّاهُ یا سَیِّداهُ «یا أَمَلاهُ» یا غایَةَ رَغْبَتاهُ أَسْأَلُكَ یا رَبِّ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَةَ وَ ٱلْحَسَنِ وَٱلْحُسَیْنِ وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسٰی وَ عَلِیٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ ٱلْحَسَنِ وَ ٱلْحُجَّةِ ٱلْقائِمِ ٱلْمَهْدِیِّ، ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْهادِیَةِ عَلَیْهِمُ ٱلسَّلامُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ یا أَللّٰهُ أَنْ لاتُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنّارِ «وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي ما أَنتَ أَهْلُهُ[۲]»

و حاجت بخواه.[۳]

فصل دوازدهم در تعقیبات نماز پسین

آنگه نماز فریضهٔ پسین و اوراد خاصّ آن بکن، هم بر ترتیب نماز پشین، و تعقیب خاصّ وی این است. کاظم﷣ پس از نماز دیگر بگفتی:

أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ ٱلْأَوَّلُ وَ ٱلْآخِرُ وَ ٱلظّاهِرُ وَ ٱلْباطِنُ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ إِلَیْكَ زِیادَةُ ٱلْأَشْیاءِ وَنُقْصانُها أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ خَلَقْتَ خَلْقَكَ بِغَیْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَیْرِكَ وَ لا حاجَةٍ إِلَیْهِمْ، أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ مِنْكَ ٱلْمَشِیَّةُ وَ إِلَیْكَ ٱلْبَدْءُ[۴] أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ قَبْلَ ٱلْقَبْلِ وَ خالِقُ ٱلْقَبْلِ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ بَعْدَ ٱلْبَعْدِ وَ خالِقُ ٱلْبَعدِ أَنتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۰

۲. داخل گیومه از مصباح افزوده شد.

۳. مصباح المتهجد، ص ۷۰

۴. در مصباح: البداء

إِلاّ أَنْتَ تَمْحُو ما تَشاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ[۱] أُمُّ ٱلْكِتابِ. أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ غايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَ وارِثُهُ، أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ لا يَعْزُبُ عَنْكَ ٱلدَّقيقُ وَ لاَ ٱلْجَليلُ أَنْتَ اللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ لا تَخْفىٰ عَلَيْكَ ٱللُّغاتُ وَ لا تَتَشابَهُ عَلَيْكَ ٱلْأَصْواتُ كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ في شَأْنٍ لا يَشْغَلُكَ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عالِمُ ٱلْغَيْبِ وَ «الشَّهادَةِ» وَ ما أَخْفىٰ، دَيّانُ ٱلدِّينِ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ باعِثُ مَنْ فِي ٱلْقُبُورِ مُحْيِي ٱلْعِظامِ وَ هِيَ رَميمٌ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلْمَكْنُونِ ٱلْمَخْزونِ الْحَيِّ ٱلْقَيُّومِ ٱلَّذي لا يَخيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ ٱلْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدائِكَ وَ أَنْجِزْ لَهُ ما وَعَدْتَهُ ياذَاٱلْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ.[۲]

آنگه بگوی:

تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ عَظُمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَجْهُكَ أَكْرَمُ ٱلْوُجُوهِ وَ جاهُكَ خَيْرُ ٱلْجاهِ وَ عَطِيَّتُكَ أَعْظَمُ ٱلْعَطايا لا يُجازي بِآلائِكَ أَحَدٌ وَ لا يَبْلُغُ مِدْحَتَكَ قَوْلُ قائِلٍ.[۳]

آنگه بگوی:

ٱللّٰهُمَّ مُدَّ لي فِي أَيْسَرِ ٱلْعافِيَةِ وَٱجْعَلْني في زُمْرَةِ ٱلنَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي ٱلْعاجِلَةِ وَ ٱلْآجِلَةِ وَ بَلِّغْ بِيَ ٱلْغايَةَ وَ ٱصْرِفْ عَنِّي ٱلْعاهاتِ وَ ٱلْآفاتِ وَ ٱقْضِ لي بِالْحُسْنىٰ في أُمُوري كُلِّها وَ ٱعْزِمْ لي بِالرَّشادِ وَ لا تَكِلْني إِلىٰ نَفْسي أَبَدًا ياذَاٱلْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ. ٱللّٰهُمَّ مُدَّ لي فِي ٱلسَّعَةِ وَ

---

۱. در «م»: عندك
۲. مصباح المتهجد، ص ۷۴
۳. مصباح المتهجد، ص ۷۴

اَلدَّعَةِ وَ جَنِّبْنِي مٰا حَرَّمْتَهُ عَلَيَّ وَ وَجِّهْ إِلَيَّ بِالْعافِيَةِ وَ اَلسَّلاٰمَةِ وَ اَلْبَرَكَةِ وَ لاٰتُشْمِتْ بِيَ اَلْأَعْداءَ وَ فَرِّجْ عَنِّي اَلْكُرَبَ وَ أَتِمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ أَصْلِحْ لِيَ اَلْحَرْثَ فِي اَلْإِصْلاٰحِ لِأَمْرِ دُنْيايَ وَ اٰخِرَتِي وَاَجْعَلْنِي سٰالِمًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ مُعٰافًا مِنَ اَلضَّرُورَةِ فِي مُنْتَهَى اَلشُّكْرِ وَ اَلْعافِيَةِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ.[1]

و بگوی:

أَسْتَغْفِرُ اَللّٰهَ اَلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحِيمُ ذُوالْجَلاٰلِ وَ اَلْإِكْرامِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خٰاضِعٍ فَقِيرٍ بٰائِسٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ مُسْتَجِيرٍ لاٰيَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَ لاٰ ضَرًّا وَ لاٰ مَوْتًا وَ لاٰ حَياةً وَ لاٰ نُشُورًا.[2]

پس بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لاٰتَقْنَعُ وَ مِنْ بَطْنٍ لاٰيَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لاٰيَخْشَعُ وَ مِنْ عِلْمٍ لاٰيَنْفَعُ «وَ مِنْ صَلٰوةٍ لاٰ تُرْفَع» وَ مِنْ دُعٰاءٍ لاٰيُسْمَعُ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اَلْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ وَ اَلْفَرَجَ بَعْدَ اَلْكَرْبِ و اَلرَّخاءَ بَعْدَ اَلشِّدَّةِ. اَللّٰهُمَّ مٰا بِنٰا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.[3]

و پس از نماز خاصّه روز آدینه صلوات فرست بر محمد و آلش علیهم السلام و بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَلْأَوْصِياءِ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ وَ بٰارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكٰاتِكَ وَ اَلسَّلاٰمُ عَلَيْهِمْ وَ عَلٰى أَزْواجِهِمْ وَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۴ ــ ۷۵

۲. مصباح المتهجد، ص ۷۵

۳. مصباح المتهجد، ص ۷۵

أَجْسادِهِمْ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.

از ابوجعفر محمّد بن عليّ الباقر عليه السلام روایت است که هر که این بگوید پسِ نماز دیگر، خدای تعالی وی را صد هزار حسنه بنویسد و صد هزار سیّئهٔ او محو کند. و همچنین هفتاد بار آمرزش خواه که از صادق عليه السلام روایت است که هر که پس از نماز دیگر هفتاد بار استغفار خواهد، خدای تعالی هفتصد گناه وی بیامرزد.

و صادق عليه السلام گفت: رسول الله صلى الله عليه وآله گفت: چون نماز دیگر بکنی، هفتاد بار آمرزش خواه از خدای تعالی تا هفتاد ساله گناه تو بیامرزد و اگر ترا هفتاد سال نبود پدرت را بیامرزد و اگر پدرت را نبود، مادرت را بیامرزد و اگر مادرت را نبود خویشانت را بیامرزد. و امام محمّد تقی عليه السلام گفت که، هر که إِنّا أَنزلناه بخواند پسِ نماز دیگر ده بار، بر آن عمل جملهٔ خلایق که آن روز کرده باشند بگذرد.

و از پیغمبر صلى الله عليه وآله روایت است که وی گفت که، خدای تعالی گفت: ای فرزند آدم! مرا یاد کن پس از نماز بامداد یک ساعت وپس از نماز دیگر یک ساعت تا هر مهم که تو را باشد کفایت کنم. آنگه سجدهٔ شکر کن بر آن هیئت که گذشت و چون از سجده برآیی دست به موضع سجود بسای و به روی فرو آر از جانب چپ گیر و به پیشانی برآر تا به جانب راست سه بار و در هر بار بگو:

اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ عالِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهادَةِ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحِيمُ، اَللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي ٱلْحُزْنَ وَٱلْهَمَّ وَ ٱلْغِيَرَ ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ.

اگر علّتی دارد هفت بار به موضع سجده بساید و بدان علّت فرو دارد هفت بار همی گوید:

يا مَنْ كَبَسَ ٱلْأَرْضَ عَلَى ٱلْماءِ وَ سَدَّ ٱلْهَوآءَ بِالسَّمآءِ وَٱخْتارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ ٱلْأَسْماءِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَعافِنِي مِنْ كَذا وَكَذا.

وباید که بازپسین دعای تو این بود:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَأَقْبَلْتُ بِدُعٰآئِي عَلَيْكَ رٰاجِيًا إِجٰابَتَكَ طٰامِعًا فِي مَغْفِرَتِكَ طٰالِبًا مٰا وَأَيْتَ بِهِ عَلٰى نَفْسِكَ مُتَنَجِّزًا مٰا وَعَدَكَ إِذْ تَقُولُ: اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقْبِلْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ اسْتَجِبْ دُعٰائِي يٰا إِلٰهَ الْعٰالَمِينَ.[1]

و چون خواهی که از مسجد بیرون آیی بگوی:

اَللّٰهُمَّ دَعَوْتَنِي فَأَجَبْتُ دَعْوَتَكَ وَ صَلَّيْتُ مَكْتُوبَتَكَ وَانْتَشَرْتُ فِي أَرْضِكَ كَمٰا أَمَرْتَنِي فَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَمَلَ بِطٰاعَتِكَ وَ اجْتِنٰابَ مَعْصِيَتِكَ وَالْكِفٰافَ مِنْ رِزْقِكَ بِرَحْمَتِكَ.

و چون از جای نماز برخواستی هر نمازی که بود بگوی:

سُبْحٰانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّٰا يَصِفُونَ وَ سَلاٰمٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ.

که از امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایتست که هر که خواهد که از برای وی پیمانه تمامترین پیمایند، پس آخر سخن وی این آیت باد که او را به هر مسلمانی حسنه بود.

و چون از مسجد بیرون آیی پای چپ فراپیش نه و بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لَنٰا بٰابَ[2] فَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

فصل سیزدهم در دعاهای شبانگاه و بامداد

چون شبانگاه نزدیک آید بگوی:

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۹

۲. خ ل: أبواب.

يٰامَنْ خَتَمَ ٱلنُّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ٱخْتِمْ لِي فِي يَوْمِي هٰذٰا بِخَيْرٍ وَ شَهْرِي بِخَيْرٍ وَ سَنَتِي بِخَيْرٍ وَ عُمْرِي بِخَيْرٍ.

اَللّٰهُمَّ مُقَلِّبَ ٱلْقُلُوبِ وَ ٱلْأَبْصٰارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى دِينِكَ وَ دِينِ نَبِيِّكَ وَلاٰ تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْوَهّٰابُ وَ أَجِرْنِي مِنَ ٱلنّٰارِ بِرَحْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ ٱنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ ٱلْكِتٰابِ شَقِيًّا[۱] فَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ سَعِيدًا فَإِنَّكَ تَمْحُو مٰا تَشٰاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ ٱلْكِتٰابِ.[۲]

و ده بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنَّهُ مٰا أَصْبَحَ وَ أَمْسٰى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَ عٰافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيٰا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لاٰ شَرِيكَ لَكَ، لَكَ ٱلْحَمْدُ وَ لَكَ ٱلشُّكْرُ بِهٰا عَلَيَّ حَتّٰى تَرْضٰى وَ بَعْدَ ٱلرِّضٰا.

و همچنین هر بامداد ده بار بگوی که نوح ﷺ این می گفت که وی را بندهٔ شکور نام نهاده‌اند. چنین روایتست از صادق ﷺ ده بار بگوی پیش از آنکه آفتاب فرو شود و پیش از آنکه آفتاب برمی آید:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ ٱلْمُلْكُ وَ لَهُ ٱلْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لاٰيَمُوتُ بِيَدِهِ ٱلْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

که آن کفّارت گناهان بوَد که آن روز کرده باشد.

و روایتست از صادق ﷺ که، هر بامداد و شبانگاه دست بر سر نه و به روی فرود آر و محاسن خود بگیر و بگوی:

أَحَطْتُ عَلٰى نَفْسِي وَ أَهْلِي وَمٰالِي وَ وَلَدِي مِنْ غٰائِبٍ وَ شٰاهِدٍ بِاللّٰهِ ٱلَّذِي

---

۱. در «م»: شقيا محزونا.

۲. مصباح المتهجد، ص ۸۳

لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ عٰالِمُ ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهٰادَةِ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحِيمُ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ لاٰتَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَ لاٰ نَوْمٌ لَهُ مٰا فِيالسَّمٰوٰاتِ وَمٰا فِيالْأَرْضِ تا آخر آيه.[1]

از صادق عليه السلام روايتست كه هر كه در شبانگاه بگويد:

أَسْتَوْدِعُ ٱللّٰهَ ٱلْعَلِيَّ ٱلْأَعْلَى ٱلْجَلِيلَ ٱلْعَظِيمَ دِينِي وَ نَفْسِي «وَ أَهْلِي وَ مٰالِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوٰانِيَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ جَمِيعَ ما رَزَقَنِي رَبِّي وَ جَمِيعَ» مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ. أَسْتَوْدِعُ ٱللّٰهَ ٱلْمَرْهُوبَ ٱلْمَخُوفَ ٱلْمُتَضَعْضِعَ لِعَظَمَتِهِ كُلُّ شَيْءٍ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مٰالِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوٰانِيَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ جَمِيعَ مٰا رَزَقَنِي رَبِّي وَ جَمِيعَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ. سه بار،

پرى از پرهاى جبرئيل عليه السلام ازگرد وى در آيد.

و از ابوالحسن عليه السلام روايتست كه چون آفتاب فرو مى‌شود بگوى:

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي ٱلْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ ٱلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا، ٱلَّذِي يَصِفُ وَ لاٰيُوصَفُ وَ يَعْلَمُ وَلاٰيُعْلَمُ، يَعْلَمُ خٰائِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَمٰا تُخْفِي ٱلصُّدُورُ. أَعُوذُ بِوَجْهِ ٱللّٰهِ ٱلْكَرِيمِ وَٱسْمِ ٱللّٰهِ ٱلْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مٰا ذَرَأَ وَبَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مٰا تَحْتَ ٱلثَّرىٰ وَ مِنْ شَرِّ مٰا ظَهَرَ وَ مٰا بَطَنَ وَ مِنْ شَرِّ أَبِيمُرَّةَ وَ مٰا وَلَدَ وَ مِنْ شَرِّ مٰا وَصَفْتُ وَمٰالَمْ أَصِفْ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعٰالَمِينَ.

وگفت: اين امانى است از دزد و شيطان و فرزندانش.[2]

و از زين العابدين عليه السلام روايت است كه، هر كه اين كلمات بگويد در شبانگاه وى را بيامرزند هر فحش كه در آن روزگفته بود و هشت درِ بهشت از براى وى بازگشايند و گويند از هر كدام كه خواهى در رو، و كلمات اينست:

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۴

۲. المحاسن ، ص ۳۶۹

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ و أَشْهَدُ أَنَّ الدِّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ أَنَّ اَلْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَ أَنَّ اَلْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ أَنَّ اَلْكِتٰابَ كَمٰا أَنْزَلَ وَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ. ذَكَرَ اَللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ حَيَّا اَللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلاٰمِ.

روایتست از صادق علیه السلام دراین آیت که اُذْكُرُوا اَللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً[1] یعنی خدای را بسیار یاد کنید. در بامداد و شبانگاه وی را تسبیح گویید. صادق علیه السلام گفت: هر که بگوید:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ لَهُ اَلْمُلْكُ وَلَهُ اَلْحَمْدُ.

راوی گوید: من گفتم: بیده الخیر، گفت: خیر به دست اوست، لیکن تو چنین گوئی که من گفتم. آنگه گفت: هر که این ده بار بگوید بامداد و شبانگاه ده بار او از آن بود که ذَكَرَ اَللّٰهَ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً.

و از سرّ آل محمّدست درود فرستادن بر محمّد و آل محمّد علیهم السلام بدین عبارت:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي اَلْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي اَلْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي اَلْمَلاَءِ اَلْأَعْلٰى وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ فِي «النَّبِيِّينَ» اَلْمُرْسَلِينَ. اَللّٰهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا اَلْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَ اَلْفَضِيلَةَ وَ اَلدَّرَجَةَ اَلْكَبِيرَةَ الرَّفِيعَةَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَلاٰتَحْرِمْنِي يَوْمَ اَلْقِيٰامَةِ رُؤْيَتَهُ وَ اُرْزُقْنِي صُحْبَتَهُ وَ تَوَفَّنِي عَلٰى مِلَّتِهِ وَاسْقِنِي مِنْ حَوْضِهِ مَشْرَبًا رَوِيًّا سٰائِغًا هَنِيئًا لاٰ أَظْمَأُ بَعْدَهُ أَبَدًا إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ كَمٰا آمَنْتُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ أَرَهُ فَعَرِّفْنِي فِي اَلْجِنٰانِ وَجْهَهُ. اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

---

۱. احزاب : ۴۲

مُحَمَّدٍ مِنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلاٰمًا.

«شبانگاه سه بار بگويد و» بامداد سه بار.

روايتست از عليّ بن محمّد التقى[1] عليه السلام كه، چون بامداد سه بار اين دعا بخواند و شبانگاه سه بار در حصنى باشد از هر چه ترسد و در امنى باشد از هر چه حذر كند. اگر شبانگاه بود گويد: أَمْسَيْتُ و اگر بامداد بود گويد:

أَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمٰامِكَ اَلْمَنِيعِ اَلَّذي لاٰيُطٰاوَلُ وَ لاٰيُحٰاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غٰاشِمٍ وَ طٰارِقٍ مِنْ سٰائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مٰا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ اَلصّٰامِتِ وَ اَلنّٰاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبٰاسٍ سٰابِغَةٍ وَ هِيَ وَلاٰءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قٰاصِدٍ لِي إِلىٰ أَذِيَّةٍ بِجِدٰارٍ حَصِينٍ اَلْإِخْلاٰصِ فِي اَلْإِعْتِرٰافِ بِحَقِّهِمْ وَ اَلتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ مُوقِنًا أَنَّ اَلْحَقَّ لَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ مَعَهُمْ وَ مِنْهُمْ وَ بِهِمْ أُوٰالِي مَنْ وٰالَوا «وَ أُعٰادِي مَنْ عٰادَوا» وَأُجٰانِبُ مَنْ جٰانَبُوا، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِذْنِي اَللّٰهُمَّ مِنْ شَرِّ كُلِّ مٰا أَتَّقِيهِ يٰا عَظِيمُ حَجَزْتُ اَلْأَعٰادِيَ عَنِّي بِبَدِيعِ اَلسَّمٰوٰاتِ وَاَلْأَرْضِ إِنّٰا جَعَلْنٰا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنٰاهُمْ فَهُمْ لاٰيُبْصِرُونَ.

و روايت كرده‌اند كه اميرالمؤمنين عليه السلام آن شب كه بر بستر رسول صلى الله عليه و آله بخفت، اين دعا بخواند و از دعاهايى كه معروف است به ادعيهٔ سرّ[2] اينست: يامحمّد! بگو كسانى را كه به من تقرّب جويند بدانيد «دانستن از روى يقين» كه اين سخن فاضلترين همه چيزهائيست كه شما بدان تقرّب خواهيد جست به من پس از فريضه‌ها «در صباح و شبانگاه»:

اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ لَمْ يُمْسِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ أَنْتَ إِلَيْهِ أَحْسَنُ صَنِيعًا وَلاٰ لَهُ أَدْوَمُ

---

۱. كذا در اصل.

۲. پيش از اين در باره ادعيه سرّ سخن گفتيم.

كَرٰامَةً وَ لاٰ عَلَيْهِ أَبْيَنُ فَضْلاً وَ لاٰبِهِ أَشَدُّ تَرَفُّقًا وَ لاٰ مِنْ وَرٰائِهِ أَشَدُّ حِيٰاطَةً وَ لاٰ عَلَيْهِ أَشَدُّ تَعَطُّفًا مِنْكَ عَلَيَّ وَإِنْ كٰانَ جَمِيعُ ٱلْمَخْلُوقِينَ يُعَدِّدُونَ مِنْ ذٰلِكَ مِثْلَ تَعْدِيدِي فَاشْهَدْ لِي يٰاكٰافِيَ ٱلشَّهٰادَةِ فَإِنِّي أُشْهِدُكَ بِنِيَّةِ صِدْقٍ بِأَنَّ لَكَ ٱلْفَضْلَ وَٱلطَّوْلَ فِي إِنْعٰامِكَ عَلَيَّ مَعَ قِلَّةِ شُكْرِي لَكَ فِيهٰا يٰافٰاعِلَ كُلِّ إِرٰادَةٍ «صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ» طَوِّقْنِي أَمٰانًا مِنْ حُلُولِ ٱلسَّخَطِ لِقِلَّةِ الشُّكْرِ وَ أَوْجِبْ لِي زِيٰادَةً مِنْ إِتْمٰامِ ٱلنِّعْمَةِ بِسَعَةِ ٱلْمَغْفِرَةِ وَ أَنْظِرْنِي[1] خَيْرَكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ لاٰتُقٰايِسْنِي بِسُوٓءِ سَرِيرَتِي وَٱمْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضٰاكَ وَٱجْعَلْ مٰا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ فِي دِينِكَ لَكَ خٰالِصًا وَ لاٰتَجْعَلْهُ لِلُزُومِ شُبْهَةٍ أَوْ فَخْرٍ وَ[2] رِيٰاءٍ يٰاكَرِيمُ[3].

وی چون این بگوید اهل آسمانها او را دوست دارند و او را بندهٔ شکور خوانند خدای را.

یامحمّد! هرکه از امت تو نگاه‌داشت، یعنی حفظ و یاری من خواهد، گو بگوی بامداد و شبانگاه و در وقت خفتن:

اٰمَنْتُ بِرَبِّي وَهُوَ ٱللّٰهُ ٱلَّذِي لآٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ إِلٰهُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُنْتَهٰى كُلِّ عِلْمٍ وَ وٰارِثُهُ وَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَ أُشْهِدُ ٱللّٰهَ عَلٰى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَٱلذِّلَّةِ وَ الصَّغٰارِ وَأَعْتَرِفُ بِحُسْنِ صَنٰائِعِ ٱللّٰهِ إِلَيَّ وَ أَبُوءُ عَلٰى نَفْسِي بِقِلَّةِ ٱلشُّكْرِ وَ أَسْأَلُ ٱللّٰهَ فِي يَوْمِي هٰذٰا وَ لَيْلَتِي هٰذِهِ بِحَقِّ كُلِّ مَنْ يَرٰى لَهُ عَلَيْهِ حَقًّا وَبِحَقِّ مٰا يَرٰاهُ مِنِّي لَهُ رِضًا وَ إِيمٰانًا وَ إِخْلاٰصًا وَ رِزْقًا وٰاسِعًا وَ إِيقٰانًا بِلاٰشَكٍّ وَ لاٰارْتِيٰابٍ حَسْبِي إِلٰهِي مِنْ كُلِّ مَنْ هُوَ دُونَهُ وَاللّٰهُ وَكِيلِي مِنْ كُلِّ مَنْ سِوٰاهُ اٰمَنْتُ بِسِرِّ عِلْمِ ٱللّٰهِ وَ عَلاٰنِيَتِهِ وَ أَعُوذُ بِمٰا فِي عِلْمِ ٱللّٰهِ ُّٰ آهٍ مِنْ كُلِّ سُوٓءٍ

---

۱ . در مصباح : المغفرة لنظري و أمطرني
۲. در مصباح: أوْ
۳ . مصباح المتهجد، ص ۹۶

سُبْحانَ ٱلْعالِمِ بِما خَلَقَ ٱللَّطِيفُ فِيهِ ٱلْمُحْصِي لَهُ ٱلْقادِرُ عَلَيْهِ ما شاءَ ٱللّٰهُ لا قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ وَ إِلَيْهِ ٱلْمَصِيرُ.[۱]

چون وی بگوید وی را در خلق خویش جاهی پدید آرم و دلهای ایشان بدو مهربان گردانم ودین وی برو نگاه دارم.

یامحمّد! هرکه خواهد از امّت تو که میان دعای او و میان من هیچ حائلی نبود و به هرکار که خواهد بزرگ یا خُرد در نهان و آشکار وی را اجابت کنم. بگوید:

یااَللّٰهُ ٱلْمانِعُ قُدْرَتُهُ[۲] خَلْقَهُ وَ ٱلْمالِكُ بِها سُلْطانَهُ وَ ٱلْمُتَسَلِّطُ بِما فِي يَدَيْهِ كُلُّ مَرْجُوٍّ دُونَكَ يَخِيبُ رَجاءُ راجِيهِ وَ راجِيكَ مَسْرُورٌ لايَخِيبُ. أَسْأَلُكَ بِكُلِّ ما هُوَ لَكَ رِضًا وَ بِكُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ فِيهِ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ تُحِبُّ أَنْ تُذْكَرَ بِهِ وَ بِكَ يا اَللّٰهُ فَلَيْسَ يَعْدِلُكَ شَيْءٌ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَحْفَظَنِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي بِحِفْظِكَ وَ أَنْ تَقْضِيَ حاجَتِي.

و حاجت بگوید.[۳] چون وی این بگوید حاجت وی روا کنم پیش از آن که از جای خود بشود. آنگه بگوی:

اَللّٰهُمَّ ما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَ عَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي تَعْلَمُ فِيهِ صَلاحَ أَمْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيايَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَٱفْعَلْهُ بِي يا لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ بِحَقِّ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ فِي عافِيَةٍ، سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ وَٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.[۴]

یا محمّد! هرکه خواهد که امان یابد از امت تو از بلیّت من و اجابت کنم دعای وی را گو بگوی چون آواز بانگ نماز شنود نماز شام را:

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۹۵ - ۹۶

۲. در ادعیة السر راوندی (برگ ۴۸) : بقدرته

۳. مصباح المتهجد ، ص ۹۶

۴. مصباح المتهجد، ص ۹۷

يامُسَلِّطَ نِقَمِهِ[۱] عَلىٰ أَعْدائِهِ بِالْخِذْلانِ لَهُمْ فِي اَلدُّنْيا وَ اَلْعَذابِ لَهُمْ فِي اَلْآخِرَةِ، يا مُوسِعَ فَضْلِهِ عَلىٰ أَوْلِيائِهِ بِعِصْمَتِهِ إِيّاهُمْ فِي اَلدُّنْيا وَ عائِدَتِهِ فِي اَلْآخِرَةِ وَ يا شَدِيدَ اَلنَّكالِ بِالْإِنْتِقامِ مِمَّنْ عَصاهُ بِأَحْسَنِ الْمُجازاتِ بِالثَّوابِ لِمَنْ أَطاعَهُ وَ بارِئَ اَلْجَنَّةِ وَ اَلنّارِ وَ مُلْزِمَ أَهْلِها[۲] أَعْمالَهُما[۳] وَ اَلعالِمَ بِمَنْ يَصِيرُ إِلىٰ جَنَّتِهِ وَ نارِهِ، يا هادِي يامُفْضِلُ ياكافِي يامُعافِي اَهْدِنِي بِهُداكَ وَ عافِنِي بِمُعافاتِكَ مِنْ سُكْنىٰ جَهَنَّمَ مَعَ اَلشَّياطِينِ فَارْحَمْنِي فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي كُنْتُ مِنَ الْخاسِرِينَ فَأَعِذْنِي مِنَ اَلْخُسْرانِ بِدُخُولِ اَلنّارِ وَ حِرْمانِ اَلْجَنَّةِ بِحَقِّ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ، يا ذَاالطَّوْلِ اَلْعَظِيمِ.

چون وی این بگوید حقّ تعالی رحمت خود «در آن مقام» درو پوشاند.

فصل چهاردهم در فریضهٔ نماز شام [مغرب] و نوافل آن

چون آفتاب فرو شود بانگ نماز بگوی نماز شام را، وپس از آن بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبالِ لَيْلِكَ وَإِدْبارِ نَهارِكَ وَ حُضُورِ صَلَواتِكَ وَأَصْواتِ دُعاتِكَ وَ تَسْبِيحِ مَلاَئِكَتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ على مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ اَلتَّوّابُ اَلرَّحِيمُ.

پس بگوی:

يامَنْ لَيْسَ مَعَهُ رَبٌّ يُدْعىٰ وَيامَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلٰهٌ يُخْشىٰ يا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقىٰ يا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتىٰ يا مَنْ لَيْسَ لَهُ حاجِبٌ يُرْشىٰ يا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوّابٌ يُغْشىٰ يا مَنْ لايَزْدادُ عَلىٰ كَثْرَةِ اَلسُّؤالِ إِلاّ كَرَمًا وَ جُودًا وَ

---

۱. در «م»: نِقْمَتِهِ. ۲. در «د»: أهلها

۳. در «د»: أعمالها. در ادعیة السر راوندی (۴۹۹مرعشی): و ملزم أهلهما عملهما

عَلٰى كَثْرَةِ ٱلذُّنُوبِ إِلاَّ عَفْوًا وَ صَفْحًا ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

و حاجت بخواه. آنگه قامت بگوی و دعایی که پس از آن گفته شد و سه رکعت فریضهٔ شام بکن، بر آن هیئت که شرح داده شد و اگر شب آدینه بود در رکعت اوّل پس از **الحمد** سورت جمعه خوان و در دوم رکعت **قل هو اللّٰه** و در سوم **الحمد** یا تسبیح که گفته شد. چون سلام دهی تعقیب اندکی گوی و تسبیح زهرا عليها السلام بگوی آنگه بگوی:

إِنَّ ٱللّٰهَ وَمَلاٰئِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ يٰاۤأَيُّهَا ٱلَّذِينَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ «وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ» وَ ذُرِّيَّتِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

پس بگوی:

بِسْمِ اللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ هفت بار. پس بگوی: **ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي يَفْعَلُ مٰا يَشٰاۤءُ وَ لاٰ يَفْعَلُ مٰا يَشٰاۤءُ غَيْرُهُ** سه بار.

صادق عليه السلام گفت: هر که بگوید این را، او را خیر بسیار دهند. پس بگوی:

سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ ٱغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهٰا جَمِيعًا فَإِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ كُلَّهٰا جَمِيعًا إِلاَّ أَنْتَ.

و فاضلتر آنست که سجدهٔ شکر پس از نوافل کنی.

روایتست از صادق عليه السلام که، نهی کرده است از سخن گفتن میان نماز شام و نافلهٔ نماز شام.[1] «و چهار رکعت سنّت نماز شام [است]» و نافلهٔ نماز شام ترك مکن در سفر و در حَضَر و اگر فوت شود، قضا بکن هرگاه که توانی و همچنین سیزده رکعت نماز شب. روایت است که در اوّل رکعت از نماز نافلهٔ شام پس از **الحمد للّٰه** سه بار **قل**

---

۱. الکافی، ج ۳، ص ۴۴۳

هو اللّه أحد خواند و در دوم رکعت انا انزلناه. و روایتی دیگرست که در اوّل قل یا أیّها الکافرون خواند و در دوم قل هو اللّه. پس از این دو رکعت بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَرٰى وَلاٰتُرٰى وَ أَنْتَ بِالْمَنْظَرِالْأَعْلٰى وَأَنَّ إِلَيْكَ اَلرُّجْعٰى وَاَلْمُنْتَهٰى وَ أَنَّ لَكَ اَلْمَمٰاتَ وَالْمَحْيٰا وَ أَنَّ لَكَ اَلْآخِرَةَ وَ اَلْأُولٰى. اَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰى وَ أَنْ نَأْتِيَ مٰا عَنْهُ تَنهٰى. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ اَلْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَ أَسْتَعِيذُ بِكَ مِنَ اَلنّٰارِ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْأَلُكَ مِنَ اَلْحُورِ اَلْعِينِ بِعِزَّتِكَ وَاَجْعَلْ أَوْسَعَ اَلرِّزْقِ عِنْدَكِبَرِ سِنِّي وَ أَحْسَنَ عَمَلِي عِنْدَ اَقْتِرٰابِ أَجَلِي وَ أَطِلْ فِي طٰاعَتِكَ وَ مٰا يُقَرِّبُ مِنْكَ وَيُحْظِي عِنْدَكَ وَيُزْلِفُ لَدَيْكَ عُمْرِي وَ أَحْسِنْ فِي جَمِيعِ أَحْوٰالِي وَأُمُورِي وَ مَعُونَتِي وَ لاٰتَكِلْنِي إِلٰى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ بِقَضٰاءِ جَمِيعِ حَوٰائِجِي فِي اَلدُّنْيٰا وَ اَلْآخِرَةِ وَاَبْدَأْ بِوٰالِدَيَّ وَوَلَدِي وَ جَمِيعِ إِخْوٰانِيَ اَلْمُؤْمِنِينَ فِي جَمِيعِ مٰا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي بِرَحْمَتِكَ يٰاأَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.[1]

و در رکعت سیوم برخوان پس از الحمد چهار آیت از اوّل البقرة و از میان سورت تا آنجا که وإلهکم إلهٌ واحدٌ تا بدانجا که لقوم یعقلون. آنگه پانزده بار قل هو اللّه خوان و در رکعت چهارم آیةالکرسی وآخر سورت بقره. آنگه پانزده‌بار قل هواللّه أحد.

و امام علیّ النقی عليه‌السلام در رکعت سیوم پس از الحمد اوّل سورت الحدید خواندی تا آنجا که بذات الصدور و در چهارم آخر الحشر «از لو انزلنا تا آخر». و مستحبّ است که در سجدهٔ بازپسین از رکعت چهارم بگویی هر شبی خاصّه شب آدینه:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ اَلْكَرِيمِ وَاَسْمِكَ اَلْعَظِيمِ وَ مُلْكِكَ اَلْقَدِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِيَ اَلْعَظِيمَ «إِنَّهُ لاٰيَغْفِرُ اَلْعَظِيمَ»

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۹۹

إِلاَّ ٱلْعَظِيمُ هفت‌بار.

پس از این دو رکعت بگوی:

اَللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ ٱللَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ ٱلشَّمْسِ وَ ٱلْقَمَرِ وَ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْغِنٰى وَٱلْفَقْرِ وَ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ ٱلْخِذْلاٰنِ وَٱلنَّصْرِ وَ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ ٱلْمَوْتِ وَٱلْحَيٰوةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ ٱلصِّحَّةِ وَٱلسُّقْمِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ ٱلْخَيْرِ وَٱلشَّرِّ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ ٱلْجَنَّةِ وَٱلنَّارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ ٱلدُّنْيا والْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَبٰارِكْ لِي فِي دِينِي وَدُنْيٰايَ وَاٰخِرَتِي وَبٰارِكْ لِي فِي أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ «جَمِيعِ إِخْوٰانِي» وَ جَمِيعِ مٰا خَوَّلْتَنِي وَ رَزَقْتَنِي وَأَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَ مَنْ أَحْدَثْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ مَعْرِفَةً مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱجْعَلْ مَيْلَهُ إِلَيَّ وَ مَحَبَّتَهُ لِي وَٱجْعَلْ مُنْقَلَبَنٰا جَمِيعًا إِلىٰ خَيْرٍ دٰائِمٍ وَ نَعِيمٍ لاٰ يَزُولُ.[1]

آنگه بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَٱلْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَٱلْإِخْلاٰصَ فِي عَمَلِي وَٱلسَّلاٰمَةَ فِي نَفْسِي وَٱلسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ ٱلشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مٰا أَبْقَيْتَنِي.

و بگوی:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ شَرِّفْ بُنْيٰانَنٰا وَ ثَقِّلْ مِيزٰانَنٰا وَ أَفْلِجْ حُجَّتَنٰا وَ ٱسْتُرْ عَوْرَتَنٰا وَ طَهِّرْ قُلُوبَنٰا وَ أَحْسِنْ أَخْلاٰقَنٰا وَ أَدِرْ أَرْزٰاقَنٰا وَ ٱحْفَظْ أَمٰانٰاتِنٰا وَ تَقَبَّلْ مِنْ مُحْسِنِنٰا وَ تَجٰاوَزْ عَنْ مُسِيئِنٰا وَ أَصْلِحْ ذٰاتَ بَيْنِنٰا وَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۹۹ - ۱۰۰

اَرْفَعْ دَرَجاتِنا وَ حَصِّنْ فُرُوجَنا وَ احْفَظْ دِينَنا وَ لاتَجْعَلْ فِيهِ مُصابَنا. اَللّٰهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ جَنّاتٍ وَ أَنْهارًا وَ نَعِيماً دائِمًا مُبارَكًا وَ صُحْبَةَ الْأَبْرارِ وَ مُرافَقَتَهُمْ وَ لاتَحْرِمْنا ذٰلِكَ. اَللّٰهُمَّ أَخْرِجْنا مِنَ الدُّنْيا سالِمِينَ فِي دِينِنا وَ أَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ امِنِينَ بِرَحْمَتِكَ، وَ أَصْلِحْ لَنا أَبْدانَنا بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[۱]

و بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اقْصُرْ أَمَلِي عَنْ غايَةِ أَجَلِي وَ اشْغَلْ قَلْبِي بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الدُّنْيا وَ أَعِنِّي عَلٰى ما وَظَّفْتَ عَلَيَّ مِنْ طاعَتِكَ وَ كَلَّفْتَنِيهِ مِنْ رِعايَةِ حَقِّكَ وَ أَسْأَلُكَ فَواتِحَ الْخَيْرِ وَ خَواتِمَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ أَنْواعِهِ خَفِيِّهِ وَ مُعْلَنِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ عَمَلِي وَ ضاعِفْهُ لِي وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُسارِعُ فِي الْخَيْراتِ وَيَدْعُوكَ رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ اجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخاشِعِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ وَ ادْرَءْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَ شَرَّ كُلِّ ذِي‌شَرٍّ.

اَللّٰهُمَّ أَيُّما أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَرادَنِي أَوْ أَحَدًا مِنْ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ «إِخْوانِي وَ أَهْل» حُزانَتِي بِسُوءٍ فَإِنِّي أَدْرَءُ بِكَ فِي نَحْرِهِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَ أَسْتَعِينُ بِكَ عَلَيْهِ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وآله وَ خُذْهُ عَنِّي‌مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ وَ امْنَعْنِي مِنْ أَنْ يَصِلَ إِلَيَّ مِنْهُ سُوءٌ أَبَدًا. بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ

---

۱ . مصباح المتهجد، ص ۱۰۲

حَسْبُهُ إِنَّ ٱللّٰهَ بالِغٌ أَمْرَهُ[1] قَدْ جَعَلَ ٱللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَٱجْعَلْنِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ إِخْوانِي فِي كَنَفِكَ وَ حِفْظِكَ وَ حِرْزِكَ وَ حِياطَتِكَ وَ جِوارِكَ وَ أَمْنِكَ وَ أَمانِكَ و عِـياذِكَ «وَ مَنْعِكَ. عَزَّ جارُكَ» وَ جَلَّ ثَناؤُكَ وَٱمْتَنَعَ عائِذُكَ وَلا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنِي وَ إِيّاهُمْ فِي حِفْظِكَ وَ عِنايَتِكَ وَ وَدائِعِكَ ٱلَّتِي لاتَضِيعُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطانِ وَ ٱلسُّلْطانِ إِنَّكَ أَشَدُّ بَأْسًا وَ أَشَدُّ تَنْكِيلاً.

اَللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتَ مُنْزِلاً بَأْسًا مِنْ بَأْسِكَ أَوْ نَقِمَةً مِنْ نَقِماتِكَ بَياتًا وَ هُمْ نائِمُونَ أَوْ ضُحًى وَ هُمْ يَلْعَبُونَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَـمَّدٍ وَٱجْـعَلْنِي وَأَهْـلِي وَوَلَدِي وَإِخْوانِي فِي دِينِي فِي مَنْعِكَ وَكَنَفِكَ وَ دِرْعِكَ ٱلْحَصِينَةِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْـهِكَ ٱلْمُشْرِقِ ٱلْحَـيِّ ٱلْـقَيُّومِ ٱلْـباقِي ٱلْكَـرِيمِ وَأَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ ٱلْقُدُّوسِ ٱلَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ ٱلسَّمٰواتُ وَٱلْأَرَضُونَ وَ صَلُحَ عَلَيْهِ أَمْرُ ٱلْأَوَّلِينَ وَٱلْآخِرِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَـمَّدٍ وَ أَنْ تُصْلِحَ لِي شَأْنِي كُلَّهُ وَتُعْطِيَنِي مِنَ ٱلْخَيْرِ كُلِّهِ وَتَـصْرِفَ عَـنِّي الشَّرَّ كُـلَّهُ وَتَقْضِيَ لِي حَوائِجِي كُلَّها وَتَسْتَجِيبَ لِي دُعائِي وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ طَوْلًا مِنْكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ ٱلنّارِ وَتُزَوِّجَنِي مِنَ ٱلْحُورِ ٱلْعِينِ وَ ٱبْدَأْ بِوالِدَيَّ وَإِخْـوانِيَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِناتِ فِي جَمِيعِ ما سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي بِرَحْمَتِكَ يااَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.[2]

و ده بار بگوی:

ماشاءَ ٱللّٰهُ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ وَ أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ.

آنگه بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ ٱلنَّجاةَ مِنَ ٱلنّارِ وَ

---

۱. در مصباح: بالغٌ أمرِهِ. ۲. مصباح المتهجد، ص ۱۰۰ ـ ۱۰۲

مِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ ٱلْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَٱلرِّضْوانِ فِي دٰارِ ٱلسَّلاٰمِ وَجِوٰارِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ. اَللّٰهُمَّ مٰا بِنٰا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.[1]

آنگه سجدهٔ شکر کن و آنچه گذشت بگوی و اگر خواهی بگوی:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ إِلاّٰ بَدَّلْتَ سَيِّئٰاتِي حَسَنٰاتٍ وَحٰاسِبْنِي حِسٰابًا يَسِيرًا.

آنگه رخ راست بر زمین نه و بگوی:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ لَمّٰا كَفَيْتَنِي مَؤُنَةَ ٱلدُّنْيا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ.

آنگه رخ چپ بر زمین نه و بگوی:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ لَمّٰا غَفَرْتَ لِيَ ٱلْكَثِيرَ[2] مِنَ ٱلذُّنُوبِ وَ الْقَلِيلَ وَ قَبِلْتَ مِنْ عَمَلِيَ ٱلْيَسِيرَ.

آنگه پیشانی بر زمین نه و بگوی:

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ لَمّٰا أَدْخَلْتَنِي ٱلْجَنَّةَ وَ جَعَلْتَنِي مِنْ سُكّٰانِهٰا وَ لَمّٰا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَفَعٰاتِ ٱلنّٰارِ بِرَحْمَتِكَ.

آنگه دست به موضع سجود بسای و بگوی:

سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ ٱلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ عٰالِمُ ٱلْغَيْبِ وَ ٱلشَّهٰادَةِ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحِيمُ. اَللّٰهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي ٱلْهَمَّ وَ ٱلْحَزَنَ.[3]

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۰۲

۲. در «د»: الکبیر.

۳. مصباح المتهجد، ص ۱۰۶

و سجدهٔ شکر در این نماز به جهت آن با پس سنّت افتاد که روایت کرده‌اند از صادقان علیهم‌السلام که پیغمبر علیه‌السلام را بشارت دادند به ولادت حسن علیه‌السلام و او در آخر تسبیح نماز شام بود، پیش از دعا، وی در وقت برخاست پیش از آن که سخن گفتی یا کار دیگر کردی و دو رکعت نماز کرد شکر خدای بر سلامت فاطمه علیهاالسلام و ولادت حسن علیه‌السلام . آنگه پس از آن دو رکعت دعا بگفت و سجدهٔ شکر کرد و پس از سنّت بود تا آنگه که ولادت حسین وی را بشارت دادند در آن حال که دو رکعت پس نماز شام گزارده بود وتسبیح گفته برخاست بی‌سجود و دو رکعت نماز بگزارد شکر خدای را. پس تعقیب بخواند و سجده کرد. پس سنّت او گشت که هیچ کس سخن نگوید میان فریضه و سنّت نماز شام، و تعقیب فریضه را بجز تسبیح با پس از سنّت افکند.

فصل پانزدهم در نماز میان نماز شام و خفتن

پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: نافله کنید در ساعت غفلت و اگر هم دو رکعت سبک بود که آن دو رکعت سرای کرامت را میراث گذارد. «گفتند یا رسول الله ساعت غفلت کدام است؟ گفت: میان نماز شام و خفتن.»[1]

صادق علیه‌السلام گفت: هر که میان نماز شام و خفتن دو رکعت نماز کند، در رکعت اوّل الحمد و ذاالنون إذ ذهب تا آنجا که وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِين و در دوم رکعت الحمد و عِنْدَهُ مَفَاتِحُ ٱلْغَيْبِ تاآخر آیت. چون از قراءت فارغ شود، «یعنی در رکعت دوم» دست به قنوت بردارد وبگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ اَلَّتِي لاٰيَعْلَمُهٰا إِلاّٰ أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

---

۱. متن عربی حدیث چنین است: تنفلوا فی ساعة الغفلة و لو برکعتین خفیفتین فانهما یورثان دار الکرامة. قیل: یا رسول الله! و ما ساعة الغفلة؟ قال: مابین المغرب و العشاء. التهذیب، ج ۲ ، ص ۲۴۳

و حاجت بخواهد وبگوید:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَٱلْقادِرُ عَلٰى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ لَمّٰا قَضَيْتَها لِي،

وحاجت بخواه.[1]

صادق عليه السلام روايت كرد از پدرانش از اميرالمؤمنين عليه السلام از رسول صلوات اللّه عليه كه گفت: وصيت كنم شما را به دو ركعت نماز ميان شام و خفتن. در اوّل ركعت الحمد بخوانی يكبار و سيزده بار اذا زلزلت و در دوم ركعت الحمد خوانی يكبار و قل هو اللّه أحد پانزده بار. هر كه در ماهی اين نماز بكند از متقيان باشد و آنكه در هر سالی بكند از محسنان باشد و آنكه هر آدينه بكند از مخلصان باشد و آنكه هر شبی بكند در جای من از بهشت مرا زحمت دهد وثواب وی جز خدای تعالی بِنَتواند شمرد.[2]

روايت كرده‌اند كه هر كه ده ركعت نماز بكند، چون از سنت نماز شام فارغ شود پيش از آنكه سخن گويد، در هر ركعتی يكبار الحمد خواند و يكبار قل هو اللّه همچنان بُوَد كه ده بنده آزاد كرده بود.[3]

روايت كرده‌اند كه هر كه در آن وقت چهار ركعت نماز كند، در هر ركعتی يكبار الحمد خواند و پنجاه بار قل هو اللّه أحد را، از نماز باز نگردد مگر ميان او و خدای تعالی هيچ گناه نبود الّاكه خدای تعالی آن را بيامرزد.[4]

و دو ركعت نماز كند و در ركعت اول الحمد خوانَد و ده آيت از اول سورةالبقرة و آية ٱلسخرة و آيت و إلهكم إله واحد تا آنجاكه لقوم يعقلون و قل هو اللّه أحد پانزده بار و در دوم ركعت الحمد و آية الكرسي وآخر سورة البقرة من قوله: للّه مافي السموات و مافي ٱلارض تا آخر و قل هو اللّه أحد پانزده بار ودعای كه خواهد بگويد. آنكه

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۰۷

۲. مصباح المتهجد، ص ۱۰۷

۳. مصباح المتهجد، ص ۱۰۸

۴. مصباح المتهجد، ص ۱۰۸

بگوید:

اَللّٰهُمَّ مُقَلِّبَ اَلْقُلُوبِ وَاَلْأَبْصٰارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى دِينِكَ وَ دِينِ نَبِيِّكَ وَ لاٰتُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ اَلْوَهّٰابُ وَأَجِرْنِي مِنَ اَلنّٰارِ بِرَحْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي «وَ أَوْسِعْ عَلَّي فِي رِزْقِي» وَ اَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكٰاتِكَ وَ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ اَلْكِتٰابِ شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا فَإِنَّكَ تَمْحُو مٰا تَشٰاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ اَلْكِتٰابِ.

و ده بار بگوی:

أَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ مِنَ اَلنّٰارِ.

و ده بار بگوی:

أَسْأَلُ اَللّٰهَ اَلْجَنَّةَ.

و ده بار بگوی:

أَسْأَلُ اَللّٰهَ اَلْحُورَ اَلْعِينَ.[1]

فصل شانزدهم در فريضهٔ خفتن و تعقيبات آن

چون سرخی از جانب مغرب بشود نماز خفتن بگزارد چهار رکعت هم بر آن هيئت که در نماز پيشين و ديگر گفته شد الّا آنکه در دو رکعت نخستين اينجا قراءت بلند خواند. و چون شب آدينه بود در رکعت اول پس آلحمد، الجمعة خواند و در دوم سبّحِ اسْمَ ربِّك و از دعاها که خاصّ به عقب اين نماز دارد اينست:

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۰۸

اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَلسَّمٰوٰاتِ اَلسَّبْعِ وَمٰا أَظَلَّتْ وَرَبَّ اَلْأَرَضِينَ اَلسَّبْعِ وَ مٰا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيٰاطِينِ وَ مٰا أَضَلَّتْ وَ رَبَّ اَلرِّيٰاحِ وَ مٰا ذَرَتْ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَ إِلٰهَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ اَللّٰهُ اَلْمُقْتَدِرُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ أَنْتَ اَللّٰهُ اَلْأَوَّلُ فَلاٰ شَيْءَ قَبْلَكَ وَأَنْتَ اللّٰهُ اَلْآخِرُ فَلاٰ شَيْءَ بَعْدَكَ وَأَنْتَ اَلظّٰاهِرُ فَلاٰ شَيْءَ فَوْقَكَ وَ أَنْتَ اَلْبٰاطِنُ فَلاٰ شَيْءَ دُونَكَ وَ رَبَّ جَبْرَئِيلَ وَ مِيكٰائِيلَ وَإِسْرٰافِيلَ وَ إِلٰهَ إِبْرٰاهِيمَ وَ إِسْمٰعِيلَ وَ إِسْحٰاقَ وَ يَعْقُوبَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَوَلاّٰنِي بِرَحْمَتِكَ وَ لاٰتُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ مِمَّنْ لاٰ طٰاقَةَ لِي بِهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَحَبَّبُ إِلَيْكَ فَحَبِّبْنِي وَ فِي اَلنّٰاسِ فَعَزِّزْنِي وَ مِنْ شَرِّ شَيٰاطِينِ اَلْجِنِّ وَ الْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي يٰارَبَّ اَلْعٰالَمِينَ وَصَلَّى اَللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ و آلِهِ.[۱]

و هفت بار انا أنزلناه برخوان و این دعا نیز بگوی:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لاٰتُؤْمِنّٰا مَكْرَكَ وَ لاٰتُنْسِنٰا ذِكْرَكَ وَ لاٰتَكْشِفْ عَنّٰا سِتْرَكَ وَ لاٰتَحْرِمْنٰا فَضْلَكَ وَ لاٰتُحِلَّ عَلَيْنٰا غَضَبَكَ وَ لاٰتُبٰاعِدْنٰا مِنْ جِوٰارِكَ وَ لاٰتَنْقُصْنٰا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لاٰتَنْزِعْ مِنّٰا بَرَكَتَكَ وَ لاٰتَمْنَعْنٰا عٰافِيَتَكَ وَ أَصْلِحْ لَنٰا مٰا أَعْطَيْتَنٰا وَ زِدْنٰا مِنْ فَضْلِكَ اَلْمُبٰارَكِ اَلطَّيِّبِ اَلْحَسَنِ اَلْجَمِيلِ وَ لاٰتُغَيِّرْ مٰا بِنٰا مِنْ نِعْمَتِكَ وَ لاٰتُؤْيِسْنٰا مِنْ رَوْحِكَ وَ لاٰتُهِنّٰا بَعْدَ كَرٰامَتِكَ وَ لاٰتُضِلَّنٰا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنٰا وَ هَبْ لَنٰا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ اَلْوَهّٰابُ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ قُلُوبَنٰا سٰالِمَةً وَ أَرْوٰاحَنٰا طَيِّبَةً وَ أَزْوٰاجَنٰا مُطَهَّرَةً وَ أَلْسِنَتَنٰا صٰادِقَةً وَإِيمٰانَنٰا دٰائِمًا وَ يَقِينَنٰا صٰادِقًا وَ تِجٰارَتَنٰا لاٰتَبُورُ. اَللّٰهُمَّ «رَبَّنٰا» آتِنٰا فِي

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۰۹ ــ ۱۱۰

ٱلدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي ٱلْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنٰا «بِرَحْمَتِكَ» عَذٰابَ ٱلنّٰارِ.[۱]

و الحمد و قل هو اللّه أحد و هر دو قل أعوذُ هر يكى ده بار برخوان و ده بار بگوى:

سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ وَٱلْحَمْدُ لِلّٰه وَلاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَٱللّٰهُ أَكْبَر.

و ده بار بگوى:

ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

و بگوى:

ٱللّٰهُمَّ ٱفْتَحْ لِي أَبْوٰابَ رَحْمَتِكَ وَ أَسبِغْ[۲] **عَلَيَّ مِنْ حَلاٰلِ رِزْقِكَ وَ مَتِّعْنِي بِالْعٰافِيَةِ أَبَدًا مٰا أَبْقَيْتَنِي فِي سَمْعِي وَبَصَرِي وَ جَمِيعِ جَوٰارِحِ بَدَنِي.**[۳] **ٱللّٰهُمَّ مٰا بِنٰا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.**[۴]

و بگوى در طلب روزى:

ٱللّٰهُمَّ إِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي وَ إِنَّمٰا أَطْلُبُهُ بِخَطَرٰاتٍ تَخْطُرُ عَلىٰ قَلْبِي فَأَجُولُ فِي طَلَبِهِ ٱلْبُلْدٰانَ وَ أَنَا فِيمٰا أَنَا طٰالِبٌ كَالْحَيْرٰانِ لاٰ أَدْرِي أَفِي سَهْلٍ هُوَ أَمْ فِي جَبَلٍ أَمْ فِي أَرْضٍ أَمْ فِي سَمٰاءٍ أَمْ فِي بَرٍّ أَمْ فِي بَحْرٍ وَ عَلىٰ يَدَيْ مَنْ وَ مِنْ قِبَلِ مَنْ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ عِلْمَهُ عِنْدَكَ وَ أَنَّ أَسْبٰابَهُ بِيَدِكَ وَأَنْتَ ٱلَّذِي تَقْسِمُهُ بِلُطْفِكَ وَ تُسَبِّبُهُ بِرَحْمَتِكَ ٱللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱجْعَلْ يٰا رَبِّ رِزْقَكَ لِي وٰاسِعًا وَ مَطْلَبَهُ سَهْلاً وَ مَأْخَذَهُ قَرِيبًا وَ لاٰتُعَنِّنِي بِطَلَبِ مٰا لَمْ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقًا فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عَذٰابِي وَ أَنَا فَقِيرٌ إِلىٰ رَحْمَتِكَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۱۰

۲. در «م»: أسبق.

۳. در «م»: جوارحي

۴. مصباح المتهجد، ص ۱۱۱

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ جُدْ عَلٰى عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.[۱]

و صادق علیه السلام چون از فریضهٔ نماز خفتن فارغ شدی بگفتی:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ لَكَ عَدُوًّا لاٰ يَأْلُونِي خَبٰالاً بَصِيرًا بِعُيُوبِي حَرِيصًا عَلٰى غَيِّي بَلْ أَتٰى هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لاٰ أَرٰاهُمْ. اَللّٰهُمَّ فَأَعِذْ أَنْفُسَنٰا وَ أَهٰالِينٰا وَ أَوْلاٰدَنٰا وَ مٰا أُغْلِقَتْ عَلَيْهِ أَبْوٰابُنٰا وَ[۲] أَحٰاطَتْ بِهِ دُورُنٰا مِنْهُ وَ مِنْ شَرِّهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرِهِ. اَللّٰهُمَّ حَرِّمْنٰا عَلَيْهِ كَمٰا حَرَّمْتَ عَلَيْهِ اَلْجَنَّةَ وَ بٰاعِدْ بَيْنَنٰا وَ بَيْنَهُ كَمٰا بٰاعَدْتَ بَيْنَ اَلسَّمٰاءِ وَالْأَرْضِ وَ أَبْعَدَ مِنْ ذٰلِكَ.[۳] اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِذْنٰا مِنْهُ وَ جَمِيعَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ فِي اَلدُّنْيٰا وَالْآخِرَةِ وَ فِي اَلْمَحْيٰا وَ اَلْمَمٰاتِ يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.

آنگه سجدهٔ شکر کن و آن دعا که برفت بگو و اگر خواهی بگو:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ اَنْقَطَعَ اَلرَّجٰاءُ إِلاّٰ مِنْكَ مِنْكَ مِنْكَ يٰا أَحَدَ مَنْ لاٰ أَحَدَ لَهُ يٰا أَحَدَ مَنْ لاٰ أَحَدَ لَهُ يٰا أَحَدَ مَنْ لاٰ أَحَدَ لَهُ غَيْرُكَ. يٰا مَنْ لاٰ يَزِيدُهُ كَثْرَةُ اَلْعَطٰاءِ[۴] إِلاّٰ كَرَمًا وَ جُودًا. يٰا مَنْ لاٰ يَزْدٰادُ عَلٰى كَثْرَةِ اَلعطٰاءِ إِلاّٰ كَرَمًا وَ جُودًا يٰا مَنْ لاٰ يَزِيدُهُ كَثْرَةُ اَلْعَطٰاءِ[۵] إِلاّٰ كَرَمًا وَ جُودًا.[۶]

و سه بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ.

و حاجت بخواه. آنگه رخ راست بر زمین نه و هم‌چنان بگوی. آنگه رخ چپ بر زمین نه و همان بگوی. آنگه پیشانی بر زمین نه و همان بگوی.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۰۹

۲. در «د»: أو

۳. مصباح المتهجد، ص ۱۱۵

۴. در مصباح: الدعاء

۵. در «د»: الدعاء

۶. مصباح المتهجد، ص ۱۱۳ ــ ۱۱۴

آنگه دو رکعت وُتَیره نشسته بکن که آن را به یک رکعت برپای شمارند و مستحبّ بود در اول آن هفت تکبیر گفتن که گفته شد و مستحب بود درین دو رکعت صد آیت از قرآن خواندن. و روایت کرده‌اند که الواقعة و الاخلاص خواند یا الملك و الاخلاص ودر عقب این نماز بگوی:

أَمْسَيْنا وَ أَمْسَى ٱلْمُلْكُ[1] وَٱلْعَظَمَةُ وَٱلْكِبْرِياءُ وَٱلْجَبَرُوتُ وَٱلْعِلْمُ وَ ٱلْحِلْمُ وَ ٱلْجَلالُ وَ ٱلْبَهاءُ وَ ٱلتَّقْدِيسُ وَ ٱلتَّعْظِيمُ وَ ٱلتَّسْبِيحُ وَ ٱلتَّكْبِيرُ وَ ٱلتَّهْلِيلُ وَ ٱلتَّحْمِيدُ وَٱلسَّماحُ وَ ٱلْجُودُ وَ ٱلْكَرَمُ وَ ٱلْمَجْدُ وَ ٱلْمَنُّ وَٱلْخَيْرُ وَ ٱلْفَضْلُ وَ ٱلسَّعَةُ وَ ٱلطَّوْلُ وَ ٱلْحَوْلُ وَ ٱلسُّلْطانُ وَ ٱلْقُوَّةُ «وَ ٱلْعِزَّةُ» وَ ٱلْقُدْرَةُ وَٱلرَّتْقُ وَ ٱلْفَتْقُ وَ ٱللَّيْلُ وَ ٱلنَّهارُ وَ ٱلظُّلُماتُ وَ ٱلنُّورُ وَ ٱلدُّنْيا وَ ٱلْآخِرَةُ وَ ٱلْخَلْقُ جَمِيعًا وَ ٱلْأَمْرُ كُلُّهُ وَ ما سَمَّيْتُ وَ ما لَمْ أُسَمِّ وَ ما عَلِمْتُ وَ ما لَمْ أَعْلَمْ وَ ما كانَ وَ ما هُوَ كائِنٌ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهارِ وَ جاءَ بِاللَّيْلِ وَنَحْنُ فِي نِعْمَةٍ مِنْهُ وَعافِيَةٍ وَ فَضْلٍ عَظِيمٍ.[2] اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي لَهُ ما سَكَنَ فِي ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهارِ وَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي يُولِجُ ٱللَّيْلَ فِي ٱلنَّهارِ وَ يُولِجُ ٱلنَّهارَ فِي ٱللَّيْلِ وَ يُخْرِجُ ٱلْحَيَّ مِنَ ٱلْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ ٱلْمَيِّتَ مِنَ ٱلْحَيِّ وَ يَرْزُقُ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذاتِ ٱلصُّدُورِ. اَللّٰهُمَّ بِكَ نُمْسِي وَ بِكَ نُصْبِحُ وَ بِكَ نَحْيِي وَ بِكَ نَمُوتُ وَ إِلَيْكَ ٱلْمَصِيرُ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَذِلَّ أَوْ أُذَلَّ أَوْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ عَلَيَّ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ. يا مُصَرِّفَ ٱلْقُلُوبِ وَ ٱلْأَبْصارِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلٰى طاعَتِكَ وَ طاعَةِ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ٱلسَّلامُ. اَللّٰهُمَّ لاتُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ

---

۱. در مصباح: الحمد

۲. عظیم در «د» نیامده.

هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهّابُ. اَللّٰهُمَّ إِنَّ لَكَ[1] عَدُوًّا لايَأْلُونِي خَبالاً.[2]

وپیش ازین برفت.

فصل هفدهم در دعاها و اعمالِ وقت خفتن

مستحب بوَد پس از نماز خفتن دو رکعت نماز کند. در رکعت اول الحمد خوانَد و آیة الکرسي و قل یاأیّها الکافرون و در دوم الحمد و سیزده بار قل هو اللّـه أحـد. و چون سلام دهی دست بردار و بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يامَنْ لاتَراهُ اَلْعُيُونُ وَ لاتُخالِطُهُ اَلظُّنُونُ وَ لايَصِفُهُ اَلْواصِفُونَ «يا مَنْ لاتُغَيِّرُهُ اَلدُّهُورُ» وَ لاتُبْلِيهِ اَلْأَزْمِنَةُ وَ لاتُحِيلُهُ اَلْأُمُورُ، يا مَنْ لايَذُوقُ اَلْمَوْتَ وَ لايَخافُ اَلْفَوْتَ يا مَنْ لاتَضُرُّهُ اَلذُّنُوبُ وَ لاتَنْقُصُهُ اَلْمَغْفِرَةُ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ هَبْ لِي ما لايَنْقُصُكَ[3] و اَغْفِرْ لِي ما لايَضُرُّكَ.

و حاجت بخواه.[4]

روایت کرده‌اند از پیغمبر ﷺ که در آن وقت چهار رکعت نماز کن، در رکعت اول الحمد بخوان و قل یاأیّها الکافرون و در دوم رکعت الحمد و قل هو اللّه و در سوم الحمد و الم تنزیل و در چهارم الحمد و تبارك الّذي بیده ٱلملك. و جهد کن تا پیش از خفتن چیزی از قرآن بخوانی و آن را ختم عمل خود کنی، و در خبر آمده است که هر که صد آیت از قرآن بخواند پیش از آنکه بخسبد او را از غافلان ننویسند. و چون چراغ پیش تو آرند بگوی:

---

۱. در «د»: لي

۲. مصباح المتهجد، ص ۱۱۴ ـ ۱۱۵

۳. در «م»: لاينفعك

۴. مصباح المتهجد، ص ۱۱۹

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لَنا نُورًا نَمْشي بِهِ فِي النّاسِ وَ لاٰتَحْرِمْنا نُورَكَ يَوْمَ نَلْقاكَ وَ اجْعَلْ لَنا نُورًا إِنَّكَ نُورٌ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ.

و چون چراغ کُشته شود، بگوی:

اَللّٰهُمَّ أَخْرِجْنا مِنَ الظُّلُماٰتِ إِلَى النُّورِ.

و چون با خوابگاه شوی بگوی:

أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِجَلاٰلِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِجَماٰلِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِسُلْطاٰنِ اللّٰهِ «وَ أَعُوذُ بِكَماٰلِ اللّٰهِ» وَ أَعُوذُ بِجَبَرُوتِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِمَلَكُوتِ اللّٰهِ وَأَعُوذُ بِدَفْعِ اللّٰهِ «وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ» وَ أَعُوذُ بِمُلْكِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ الْهاٰمَّةِ وَ السّاٰمَّةِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دٰاۤبَّةٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ أَنْتَ رَبِّي اٰخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِراٰطٍ مُسْتَقيمٍ.[1]

و چنان سازکه بر وضو بخسبی. صادق علیه السلام گفت: هر که وضو کند، پس با بستر خود شود، آن شب بستر وی همچون مسجدش بود و اگر آنرا فراموش کنی تا آنکه بخواهی خفت، از جامهٔ خود تیمّم کن. چون چنین کنی همیشه در نماز باشی تا که خدای تعالی را یاد همی کنی.[2]

آنگه بر دست راست بخسب و روی به قبله هم بر آن صفت که مرده را در لحد نهند و با خود مقرّرکن که خواب مناسب مرگ است و تواند بود که خدای تعالی در آن شب روح تو قبض کند، پس آنرا ساخته باش و از همه گناهان توبه کن.

آنگه دست راست در زیر سر نه و بگوی :

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۲۰

۲. الکافی، ج ۳، ص ۴۶۸

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ. بِسْمِ ٱللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ فِي سَبِيلِ ٱللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ ٱللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ «و لَجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ رَهْبَةً وَ رَغْبَةً إِلَيْكَ لاٰ مَلْجَأَ وَ لاٰ مَنْجىٰ وَ لاٰ مَفَرَّ» مِنْكَ إِلاّٰ إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكُلِّ كِتابٍ أَنْزَلْتَهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلْتَهُ.

آنگه قل هو اللّه أحد برخوان سه بار و هر دو قل أعُوذُ برخوان و قل يا أيّها الكافرون و آية الكرسي و شهد اللّه و آية السخرة وآخر سورة التوبة و پانزده[1] بار إنّا أنزلناه.

آنگه تسبيح فاطمهٔ زهرا عليها السلام بگوی که هر که اين کند نفس و مالش و اهلش در حفظ خدای تعالی بود.[2]

و روايت است از اميرالمؤمنين عليه السلام که هر گاه يکی از شما خواهد که خواب کند، پس بنهد دست راست خود را در زير رخ راست خود و بگويد:

بِسْمِ ٱللّٰهِ وَضَعْتُ حَسْبِيَ ٱللّٰهُ عَلىٰ مِلَّةِ إِبْراهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ وِلاٰيَةِ[3] مَنِ ٱفْتَرَضَ ٱللّٰهُ طاعَتَهُ ما شاءَ ٱللّٰهُ كانَ وَ ما لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ.

پس کسی که بگويد اين را نزد خواب کردن محفوظ ماند از دزد فريب دهنده و فرود آمدن خانه و استغفار کند از برای او فرشتگان.

و از أحدِ صادقين عليهما السلام روايتست که گفتند: بايد که مرد به نزديک خفتن ازين دعا دست بِنَدارد:

أُعِيذُ نَفْسِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ مالِي بِكَلِماتِ ٱللّٰهِ ٱلتّامَّةِ[4] «مِنْ كُلِّ

---

۱. در «م»: يازده.

۲. مصباح المتهجد، ص ۱۲۰

۳. در اصل: ولايته

۴. در «م»: التامات

شَيطانٍ وَ هامَّةٍ وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لامَّةٍ»[۱]

که جبرئیل علیه السلام امام حسین را علیه السلام بدین تعویذ کرده است.

و صادق علیه السلام گفت که، هر که سه بار بگوید چون بخواهد خفت:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذي عَلا فَقَهَرَ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذي بَطَنَ فَخَبَرَ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذي يُحْيِي اَلْمَوْتىٰ وَيُميتُ اَلْأَحْياءَ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.

از گناهان بدر آید همچنان که روزی از مادر زاده بود.

صادق علیه السلام گفت: چون یکی از شما باخوابگاه شود گو بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنْ حَبَسْتَ نَفْسي عِنْدَكَ فَاحْبِسْها في مَحَلِّ رِضْوانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَإِنْ رَدَدْتَها إِلىٰ بَدَني فَارْدُدْها مُؤْمِنَةً عارِفَةً بِحَقِّ أَوْلِيائِكَ حَتّىٰ تَتَوَفّاها عَلىٰ ذٰلِكَ.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: هر که أَلْهٰكُمُ التكاثر برخواند چون بخواهد خفت، او را از فتنهٔ گور نگاه دارند و هر که از دزدان ترسد، گو بخوان چون بخواهد خفت قُلِ ادْعُوا اَللّٰهَ أَوِ ادْعُوا اَلرَّحْمٰنَ تا آخر سورت بني اسرائيل، و هر که در خواب همی ترسد گو بخوان چون بخواهد خفت هر دو قل أعُوذُ و آية الكرسي و هر که از بی‌خوابی ترسد گو بگوی در آن وقت:

سُبْحانَ اَللّٰهِ ذِي الشَّأْنِ، دائِمِ اَلسُّلْطانِ عَظيمِ اَلْبُرْهانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ في شَأْنٍ.

آنگه بگوی:

يا مُشْبِعَ اَلْبُطُونِ اَلْجائِعَةِ وَ يا كاسِيَ اَلْجُنُوبِ اَلْعارِيَةِ وَ يا مُسَكِّنَ اَلْعُرُوقِ اَلضّارِبَةِ وَ يا مُنَوِّمَ اَلْعُيُونِ اَلسّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِيَ اَلضّارِبَةَ وَ اَئْذَنْ لِعَيْني

---

۱. در «د» آمده است: مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيطانٍ لامَّةٍ

نَوْمًا عاجِلاً.

و هر که از احتلام ترسد گو بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلْإِحْتِلاٰمِ وَ مِنْ سُوءِ اَلْإِحْتِلاٰمِ[۱] وَ مِنْ أَنْ يَتَلاٰعَبَ بِيَ الشَّيْطانُ فِي اَلْيَقَظَةِ وَ اَلْمَنامِ.[۲]

و هر که از خرابی بنا ترسد گو بگوی چون بخواهد خفت:

إِنَّ اَللّٰهَ يُمْسِكُ اَلسَّمٰوٰاتِ وَ اَلْأَرْضَ أَنْ تَزُولاٰ وَ لَئِنْ زٰالَتٰا إِنْ أَمْسَكَهُمٰا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كٰانَ حَلِيماً غَفُورًا.

و از برای طلب روزی بگوی در آن وقت:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَلْأَوَّلُ فَلاٰ شَيْءَ قَبْلَكَ وَ أَنْتَ اَلْآخِرُ فَلاٰ شَيْءَ بَعْدَكَ وَأَنْتَ اَلظّٰاهِرُ فَلاٰ شَيْءَ فَوْقَكَ وَ أَنْتَ اَلْباطِنُ فَلاٰ شَيْءَ دُونَكَ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَلسَّمٰوٰاتِ اَلسَّبْعِ وَ رَبَّ اَلْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ رَبَّ اَلتَّوْرٰيةِ وَ اَلْإِنْجِيلِ وَ اَلزَّبُورِ وَ اَلْقُرْآنِ اَلْعَظِيمِ. أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دٰابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِهٰا إِنَّكَ عَلٰى صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ.[۳]

و آنچه در وقت خواب گویند:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ اَلْمُلْكُ وَ لَهُ اَلْحَمْدُ «يُحْيِي وَ يُمِيتُ» وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و هر که خواهد که مرده را در خواب بیند بگوید:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ اَلَّذِي لاٰيُوصَفُ وَ اَلْإِيمٰانُ يُعْرَفُ مِنْهُ مِنْكَ بَدَتِ

---

۱. در مصباح: وَ مِنْ شَرِّ الْأَحْلاٰمِ.

۲. مصباح المتهجد، ص ۱۲۲

۳. مصباح المتهجد، ص ۱۲۲

اَلْأَشْياءُ وَ إِلَيْكَ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا كُنْتَ مَلْجَأَهُ وَ مَنْجَاهُ وَ مَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ يَكُنْ لَهُ مَلْجَأً وَ لاٰ مَنْجىٰ مِنْكَ إِلاَّ إِلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ بِـلاٰإِلٰـهَ إِلاَّ أَنْتَ وَ أَسْأَلُكَ بِبِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ وَ بِحَقِّ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَيِّدِ اَلنَّبِيِّينَ وَ بِحَقِّ عَلِيٍّ سَيِّدِ اَلْوَصِيِّينَ وَ بِحَقِّ فٰاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسٰاءِ اَلْعٰالَمِينَ وَ بِحَقِّ اَلْحَسَنِ وَ اَلْحُسَيْنِ اَلَّذَيْنِ جَعَلْتَهُمٰا سَيِّدَيْ شَبٰابِ أَهْلِ اَلْجَنَّةِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اَلسَّلاٰمُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُرِيَنِي مَيِّتِي فِي اَلْحٰالِ اَلَّتِي هُوَ فِيهٰا.[1]

و از باقر ؑ روایتست که هر که این کلمات بگوید من ضامنم که وی را کژدم زیان نرساند و هیچ چیز دیگر تا دیگر روز بامداد:

أَعُوذُ بِكَلِمٰاتِ اَللّٰهِ اَلتّٰامّٰاتِ اَلَّتِي لاٰيُجٰاوِزُهُنَّ بِرٌّ وَ لاٰفٰاجِرٌ مِنْ شَرِّ مٰا ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دٰابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنٰاصِيَتِهٰا إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

و چون خواهی که بیدار شوی برای نماز شب بخوان چون بخواهی خفت:

قُلْ إِنَّمٰا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحىٰ إِلَيَّ أَنَّمٰا إِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وٰاحِدٌ تا آخر سورت[2]، پس بگوی:

اَللّٰهُمَّ لاٰتُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ لاٰتُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَ لاٰتَجْعَلْنِي مِنَ اَلْغٰافِلِينَ وَ أَنْبِهْنِي لِأَحَبِّ اَلسّٰاعٰاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهٰا فَـتَسْتَجِيبُ لِي وَ أَسْأَلُكَ فَـتُعْطِيَنِي وَ أَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرُ لِي إِنَّهُ لاٰيَغْفِرُ اَلذُّنُوبَ إِلاَّ أَنْتَ يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.[3]

و روایت کند ابوقتاده حارث بن ربعی که من شنیدم از رسول ﷺ که گفت: رؤیای صالحه از جانب خدای تعالی است، پس هرگاه که دید یکی از شما در

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۲۲ ـ ۱۲۳

۲. کهف: ۱۱۰

۳. مصباح المتهجد، ص ۱۲۳

خواب آنچه می خواهد، پس نگوید آن را مگر به کسی که او را دوست می‌دارد و هرگاه دید رؤیای مکروهه، پس نقل کند از جانب چپ خود سه بار و پناه جوید به خدای تعالی از شر شیطان و از شر این خواب و حدیث نکند به این خواب کسی را، پس آن مضرّت نرساند او را.[۱]

و دیگر آن حضرت فرموده که، رؤیای حسنه از مرد صالح جزوی است از چهل و شش جزو از نبوّت و این مرویست از اهل البیت علیهم السلام[۲] و هر که خوابی مکروه ببیند گو از آن پهلو برگرد و بگوی:

إِنَّمَا ٱلنَّجْوىٰ مِنَ ٱلشَّيْطانِ لِيَحْزُنَ ٱلَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ[۳] تا آخر آیت،

پس بگوی:

أَعُوذُ بِاللّٰهِ وَ بِمٰا عٰاذَتْ بِهِ مَلاٰئِكَةُ ٱللّٰهِ ٱلْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيٰاؤُهُ ٱلْمُرْسَلُونَ وَ ٱلْأَئِمَّةُ ٱلرّٰاشِدُونَ ٱلْمَهْدِيُّونَ وَ عِبٰادُهُ ٱلصّٰالِحُونَ وَ مِنْ شَرِّ مٰا رَأَيْتُ وَ مِنْ شَرِّ رُؤْيٰايَ أَنْ تَضُرَّنِي فِي دِينِي أَوْ دُنْيٰايَ وَ مِنَ ٱلشَّيْطٰانِ ٱلرَّجِيمِ.[۴]

و هرگه بیدار شوی و بر بستر همی گردی همی گوی:

لاٰإِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ رَبِّ ٱلنَّبِيِّينَ وَ إِلٰهِ ٱلْمُرْسَلِينَ. سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ رَبِّ ٱلسَّمٰوٰاتِ ٱلسَّبْعِ «وَ رَبِّ ٱلْأَرَضِينَ السَّبْعِ» وَ مٰا فِيهِنَّ وَ مٰا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ وَ سَلاٰمٌ عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ.

و چون بیدار شوی بگوی:

ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَحْيٰانِي بَعْدَ مٰا أَمٰاتَنِي وَ إِلَيْهِ ٱلنُّشُورُ. ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي رَدَّ

---

۱. بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۷۴

۲. داخل گیومه در «د» نیامده است.

۳. مجادله: ۱۰

۴. مصباح المتهجد، ص ۱۲۷

عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَ أَعْبُدَهُ.[۱]

و صادق ﷺ: چون آخر شب برخاستی آواز بلند برداشتی چنانکه أهل سرای بشنیدندی و بگفتی:

اَللّٰهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ اَلْمُطَّلَعِ وَ وَسِّعْ عَلَيَّ اَلْمَضْجَعَ وَاُرْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ اَلْمَوْتِ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ اَلْمَوْتِ.

و وی گفت ﷺ که، بنده چون به شب برخیزد و خواب وی را از چپ و راست برد و سرش در پیش همی‌افتد، خدای تعالی فرماید تا درهای آسمان بگشایند، پس فرشتگان راگوید: بندهٔ من بنگرید که برو چه می‌رسد در تقرب جستن بچیزی که برو فریضه نگردانیده‌ام. یکی از سه خصلت از من امید همی دارد، یا گناهی که بیامرزم یا توبه‌ای که تازه گردانم یا روزی زیاده کنم. گواه باشید ای فرشتگان من که این جمله جمع کردم از برای وی. و چون به آسمان نگری بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ لاٰ يُوٰارِي مِنْكَ لَيْلٌ سٰاجٍ وَ لاٰ سَمٰاءٌ ذٰاتُ أَبْرٰاجٍ وَلاٰ أَرْضٌ ذٰاتُ مِهٰادٍ وَ لاٰ بَحْرٌ لُجِّيٌّ تُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ اَلْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ «تُدْلِجُ الرَّحْمَةَ عَلَى مَنْ تَشٰاءُ مِنْ خَلْقِكَ» تَعْلَمُ خٰائِنَةَ اَلْأَعْيُنِ وَ مٰا تُخْفِي اَلصُّدُورُ غٰارَتِ النُّجُومُ وَ نٰامَتِ اَلْعُيُونُ وَ أَنْتَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ لاٰ تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لاٰ نَوْمٌ. سُبْحٰانَ اَللّٰهِ رَبِّ الْعٰالَمِينَ وَ إِلٰهِ اَلْمُرْسَلِينَ وَ خٰالِقِ اَلنَّبِيِّينَ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي وَ اَرْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ اَلتَّوّٰابُ اَلرَّحِيمُ.[۲]

و بگوی:

إِنَّ فِي خَلْقِ اَلسَّمٰوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ تا آنجا که إِنَّكَ لاٰ تُخْلِفُ اَلْمِيعٰادَ.[۳]

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۲۷

۲. مصباح المتهجد، ص ۱۲۸ ـ ۱۲۹

۳. مصباح المتهجد، ص ۱۵۲

و بگوی:

يٰا نُورَ ٱلنُّورِ يٰا مُدَبِّرَ ٱلْأُمُورِ يٰا مَنْ يَلِي ٱلتَّدْبِيرَ وَ يُمْضِي ٱلْمَقٰادِيرَ أَمْضِ مَقٰادِيرَ يَوْمِي هٰذٰا إِلَى ٱلسَّلاٰمَةِ وَ ٱلْعٰافِيَةِ[1] يٰا مَنْ بَنَى ٱلسَّمٰاءَ بِأَيْدٍ وَ جَعَلَهٰا سَقْفًا مَرْفُوعًا. يٰا وٰاسِعَ ٱلْمَغْفِرَةِ يٰا بٰاسِطَ ٱلْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يٰا مَنْ فَرَشَ ٱلْأَرْضَ وَ جَعَلَهٰا مِهٰادًا يٰا مَنْ خَلَقَ ٱلزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَ ٱلْأُنْثىٰ اِجْعَلْنِي مِنَ ٱلذّٰاكِرِينَ لَكَ وَ ٱلْخٰاشِعِينَ فِيكَ.[2] اَللّٰهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكٰاتِ السَّمٰاءِ وَ اَفْتَحْ لِي أَبْوٰابَ رَحْمَتِكَ وَ أَغْلِقْ عَنِّي أَبْوٰابَ نَقِمَتِكَ وَعٰافِنِي مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ سُكّٰانِ الْهَوٰاءِ وَ سُكّٰانِ ٱلْأَرْضِ إِنَّكَ كَرِيمٌ وَهّٰابٌ سُبْحٰانَكَ مٰا أَعْظَمَ[3] مُلْكَكَ وَ أَقْهَرَ سُلْطٰانَكَ وَأَغْلَبَ جُنْدَكَ وَسُبْحٰانَكَ وَ بِحَمْدِكَ مٰا أَعَزَّ خَلْقَكَ وَ مٰا أَغْفَلَهُمْ عَنْ عَظِيمِ اٰيٰاتِكَ سُبْحٰانَكَ وَ مٰا أَوْسَعَ خَزٰائِنَكَ[4] سُبْحٰانَكَ وَ بِحَمْدِكَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اَجْعَلْنِي مِنَ الذّٰاكِرِينَ وَ لاٰ تَجْعَلْنِي مِنَ ٱلْغٰافِلِينَ.[5]

چون آواز خروس شنوی بگوی:

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ ٱلْمَلاٰئِكَةِ وَ ٱلرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ. «سُبْحٰانَكَ» لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي «ذُنُوبِي» إِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلاّٰ أَنْتَ يٰاكَرِيمُ فَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ ٱلتَّوّٰابُ ٱلرَّحِيمُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَنٰامَنِي[6] فِي عُرُوقٍ سٰاكِنَةٍ وَ رَدَّ إِلَيَّ مَوْلاٰيَ نَفْسِي بَعْدَ مَوْتِهٰا وَ لَمْ يُمِتْهٰا

---

۱. در مصباح میان جملهٔ قبل و بعد از این آمده: و يستحب ايضاً أن يقول اذا نظر الى السماء..

۲. در مصباح: الخائفين منك

۳. در «د»: اکرم.

۴. در «د»: آنٰاتِكَ وَ كَثِيرِ خَزٰائِنِكَ.

۵. مصباح المتهجد، ص ۱۲۹ ـ ۱۳۰.

۶. در مصباح: أباتني

فِي مَنَامِهَا وَٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي يُمْسِكُ ٱلسَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى ٱلْأَرْضِ إِلاَّ بِإِذْنِهِ «وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِى يُمْسِكُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضَ أَنْ تَزُولاٰ» وَ لَئِنْ زٰالَتٰا إِنْ أَمْسَكَهُمٰا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كٰانَ حَلِيمـاً غَفُورًا.

و بگوى:

«اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي لَمْ يُرِنِي[1] فِي مَنٰامِي وَ قِيٰامِي سُوءً»، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي يُمِيتُ ٱلْأَحْيٰاءَ وَيُحْيِي ٱلْمَوْتىٰ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي يَتَوَفَّى ٱلْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهٰا وَ ٱلَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنٰامِهٰا فَيُمْسِكُ ٱلَّتِي قَضىٰ عَلَيْهَا ٱلْمَوْتَ وَيُرْسِلُ ٱلْأُخْرىٰ إِلىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيٰاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُون.[2] اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَبٰاتَنِي فِي عٰافِيَةٍ وَ صَبَّحَنِي عَلَيْهٰا، سٰاكِنَةً عُرُوقِي هٰادِيًا قَلْبِي سٰالِمًا بَدَنِي سَوِيًّا خَلْقِي حَسَنَةً صُورَتِي لَمْ يُصِبْنِي قٰارِعَةٌ وَ لَمْ يُنْزِلْ بِي بَلِيَّةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لِي سِتْرًا وَ لَمْ يَقْطَعْ عَنِّي رِزْقًا وَ لَمْ يُسَلِّطْ عَلَيَّ عَدُوًّا وَ قَدْ أَحْسَنَ بِي وَ أَحْسَنَ إِلَيَّ إِذْ دَفَعَ عَنِّي أَنْوٰاعَ ٱلْبَلاٰءِ كُلَّهٰا وَ عٰافٰانِي مِنْ جُمَلِهٰا. لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ رَبِّ ٱلنَّبِيِّينَ وَ إِلٰهِ ٱلْمُرْسَلِينَ وَ سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ رَبِّ ٱلسَّمٰوٰاتِ ٱلسَّبْعِ وَ مٰا فِيهِنَّ وَ هُوَ رَبُّ ٱلْعَرْشِ ٱلْعَظِيمِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعٰالَمِينَ.[3]

آنگه مسواک بکاردار و وضو کن و چون فارغ شوى بگوى:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعٰالَمِينَ اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي مِنَ ٱلتَّوّٰابِينَ وَ ٱجْعَلْنِي مِنَ ٱلْمُتَطَهِّرِينَ «وَ ٱجْعَلْنِي مِنْ عِبٰادِكَ ٱلصّٰالِحِينَ».

---

۱. در «د»: لَمْ يَرَنِي ۲. زمر : ۴۲

۳. مصباح المتهجد، ص ۱۲۷ ــ ۱۲۸، در مصباح پس از «ربِّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ» آمده: وَ رَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ

وبگوی:

بِسْمِ اَللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّ اَلْخَيْرٰاتِ وَ يَعْمَلُ بِهٰا وَ يُعِينُ عَلَيْهٰا وَ يُسٰارِعُ إِلَى اَلْخَيْرِ وَ يَعْمَلُ بِهِ وَ يُعِينُ عَلَيْهِ وَ أَعِنِّي عَلٰى طٰاعَتِكَ وَ طٰاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلشَّرِّ وَ مَنْ عَمِلَ بِهِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ اَلنّٰارِ. «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَمْيٰانَ اَلْقَلْبِ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ ﷺ . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي جَعَلَ رِزْقِي بِيَدِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْهُ فِي أَيْدِي النّٰاسِ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي سَتَرَ عُيُوبِي وَ لَمْ يَفْضَحْنِي بَيْنَ اَلْخَلاٰئِقِ.»[۱]

فصل هیجدهم در نوافل شب و دعاهای آن

زین العابدین علیه السلام در میان شب چون دیگران بخفتندی، این دعا بگفتی:

إِلٰهِي غٰارَتْ نُجُومُ سَمٰآئِكَ[۲] وَنٰامَتْ عُيُونُ أَنٰامِكَ وَ هَدَأَتْ أَصْوٰاتُ عِبٰادِكَ وَأَنْعٰامِكَ وَ غَلَّقَتِ اَلْمُلُوكُ عَلَيْهٰا أَبْوٰابَهٰا وَ طٰافَ عَلَيْهٰا حُرّٰاسُهٰا وَ اَحْتَجَبُوا عَمَّنْ يَسْأَلُهُمْ حٰاجَةً أَوْ يَنْتَجِعُ مِنْهُمْ فٰائِدَةً وَ أَنْتَ يٰا إِلٰهِي حَيٌّ قَيُّومٌ لاٰ تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَ لاٰ نَوْمٌ وَ لاٰ يَشْغَلُكَ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ، أَبْوٰابُ سَمٰآئِكَ لِمَنْ دَعٰاكَ مُفَتَّحٰاتٌ وَ خَزٰائِنُكَ غَيْرُ مُغَلَّقٰاتٍ وَ أَبْوٰابُ رَحْمَتِكَ غَيْرُ مَحْجُوبٰاتٍ وَفَوٰائِدُكَ لِمَنْ سٰالَكَهٰا غَيْرُ مَحْظُورٰاتٍ بَلْ هِيَ مَبْذُولاٰتٌ وَ أَنْتَ إِلٰهِيَ الْكَرِيمُ اَلَّذِي لاٰ تَرُدُّ سٰائِلاً مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ سَأَلَكَ فَلاٰ تَحْتَجِبُ عَنْ أَحَدٍ مِنْهُمْ أَرٰادَكَ، لاٰ وَعِزَّتِكَ وَ جَلاٰلِكَ لاٰ تُخْتَزَلُ حَوٰائِجُهُمْ دُونَكَ وَ لاٰ يَقْضِيهٰا أَحَدٌ غَيْرُكَ.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۳۰

۲. در مصباح (۱۳۲): سَمٰوٰاتِكَ

اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ تَرانِي وَ وُقُوفِي وَ ذُلَّ مَقامِي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَعْلَمُ سَرِيرَتِي وَ تَطَّلِعُ عَلىٰ مٰافِي قَلْبِي وَ مٰا تُصْلِحُ[1] بِهِ أَمْرَ اٰخِرَتِي وَ دُنْيايَ. اَللّٰهُمَّ إِنْ ذَكَرْتُ اَلْمَوْتَ وَ هَوْلَ اَلْمُطَّلَعِ وَ اَلْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيْكَ نَغَّصَنِي مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَأَغَصَّنِي بِرِيقِي وَ أَقْلَقَنِي عَنْ وِسادِي وَ مَنَعَنِي رُقادِي وَكَيْفَ يَنامُ مَنْ يَخافُ بَياتَ مَلَكِ اَلْمَوْتِ فِي طَوارِقِ اَللَّيْلِ وَطَوارِقِ اَلنَّهارِ بَلْ[2] يَنامُ اَلْعاقِلُ وَ مَلَكُ اَلْمَوْتِ لاٰ يَنامُ لاٰ بِاللَّيْلِ وَ لاٰ بِالنَّهارِ يَطْلُبُ قَبْضَ رُوحِي بِالْبَياتِ أَوْ فِي اٰناءِ اَلسّاعاتِ.

آنگه سجده کردی و روی بر خاک نهادی و همی گفتی:

أَسْأَلُكَ اَلرَّوْحَ وَاَلرّاحَةَ عِنْدَ اَلْمَوْتِ وَاَلْعَفْوَ عَنِّي حِينَ أَلْقاكَ.[3]

و زین العابدین علیه السلام پیش از نماز شب دو رکعت سبک[4] بگزاردی، در اول قل هو اللّه خواندی و در دوم قل یاأیها الکافرون و دستها به تکبیر برداشتی و بگفتی:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَلْمَلِكُ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ ذُوالْعِزِّ اَلشّامِخِ وَاَلسُّلْطانِ اَلْباذِخِ وَ اَلْمَجْدِ اَلْفاضِلِ أَنْتَ اَلْمَلِكُ اَلْقاهِرُ اَلْكَبِيرُ اَلْقادِرُ اَلْغَنِيُّ اَلْفاخِرُ يَنامُ اَلْعِبادُ وَ لاٰتَنامُ وَ لاٰتَغْفُلُ وَ لاٰتَسْأَمُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلْمُحْسِنِ اَلْمُجْمِلِ اَلْمُنْعِمِ اَلْمُفْضِلِ ذِي اَلْجَلالِ وَ اَلْإِكْرامِ وَ ذِي اَلْفَضائِلِ[5] اَلْعِظامِ وَ اَلنِّعَمِ اَلْجِسامِ وَ صاحِبِ كُلِّ حَسَنَةٍ وَ وَلِيِّ كُلِّ نِعْمَةٍ لَمْ يَخْذُلْنِي[6] عِنْدَ كُلِّ شِدَّةٍ وَ لَمْ يَفْضَحْنِي[7] بِسُوءِ سَرِيرَةٍ وَ لَمْ يُسْلِمْنِي بِجَرِيرَةٍ وَ لَمْ يُخْزِنِي فِي مَوْطِنٍ وَ مَنْ هُوَ لَنا أَهْلَ اَلْبَيْتِ عُدَّةٌ وَ رِدْءٌ عِنْدَ كُلِّ عَسِيرٍ وَ يَسِيرٍ حَسَنُ اَلْبَلاٰءِ كَرِيمُ اَلثَّناءِ عَظِيمُ اَلْعَفْوِ

---

۱. در «د»: يَصْلُحُ
۲. در «م»: بل كيف
۳. مصباح المنهجد، ص ۱۳۳
۴. ركعتين خفيفتين. مصباح المنهجّد ص ۱۳۴
۵. در «م» و مصباح: فواضل
۶. در «د»: يخذل.
۷. در «د»: يفضح.

عَنّا أَمْسَيْنا لا يُغْنِينا أَحَدٌ إِنْ حَرَمْتَنا وَ لا يَمْنَعُنا مِنْكَ أَحَدٌ إِنْ أَرَدْتَنا فَلا تَحْرِمْنا فَضْلَكَ لِقِلَّةِ شُكْرِنا وَ لا تُعَذِّبْنا لِكَثْرَةِ ذُنُوبِنا وَ ما قَدَّمَتْ أَيْدِينا سُبْحانَ ذِي الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ سُبْحانَ ذِي الْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ سُبْحانَ الْحَيِّ الَّذِي لا يَمُوتُ[1].

آنگه قراءت خواندی و رکوع کردی، پس به رکعت دوم برخاستی و الحمدلِلّه و سورتی برخواندی و چون از قراءت فارغ شدی، دستها بگسترانیدی و بگفتی:

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتْ أَيْدِي السّائِلِينَ وَ مُدَّتْ أَعْناقُ الْمُجْتَهِدِينَ وَنُقِلَتْ أَقْدامُ الْخائِفِينَ وَشَخَصَتْ أَبْصارُ الْعابِدِينَ وَ أَفْضَتْ قُلُوبُ الْمُتَّقِينَ وَطُلِبَتِ الْحَوائِجُ يا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ مُعِينَ الْمَغْلُوبِينَ وَ مُنَفِّسَ كُرُباتِ الْمَكْرُوبِينَ وَ إِلٰهَ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبَّ النَّبِيِّينَ وَالْمَلائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَمَفْزَعَهُمْ عِنْدَ الْأَهْوالِ وَالشَّدائِدِ الْعِظامِ أَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِما اسْتَعْمَلْتَ بِهِ مَنْ قامَ بِأَمْرِكَ وَ عانَدَ عَدُوَّكَ وَ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ وَ صَبَرَ عَلَى الْأَخْذِ بِكِتابِكَ مُحِبًّا لِأَهْلِ طاعَتِكَ مُبْغِضًا لِأَهْلِ مَعْصِيَتِكَ مُجاهِدًا فِيكَ حَقَّ جِهادِكَ لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةُ لائِمٍ ثُمَّ ثَبَّتَّهُ بِما مَنَنْتَ عَلَيْهِ فَإِنَّمَا الْخَيْرُ بِيَدِكَ وَ أَنْتَ تَجْزِي بِهِ مَنْ رَضِيتَ عَنْهُ فَفَسَحْتَ لَهُ فِي قَبْرِهِ ثُمَّ بَعَثْتَهُ مُبْيَضًّا وَجْهُهُ قَدْ أَمَنْتَهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَهَوْلِ يَوْمِ الْقِيامَةِ.

آنگه به رکوع شدی و چون سلام بدادی سه تکبیر کردی آنگه گفتی:

اَللّٰهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَ عافِنِي فِيمَنْ عافَيْتَ وَ تَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ وَبارِكْ لِي فِيما أَعْطَيْتَ وَ قِنِي شَرَّ ما قَضَيْتَ إِنَّكَ تَقْضِي وَ لا يُقْضى عَلَيْكَ إِنَّهُ لا يَذِلُّ مَنْ والَيْتَ وَ لا يَعِزُّ مَنْ عادَيْتَ تَبارَكْتَ وَ تَعالَيْتَ سُبْحانَكَ يا

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۱۳۴

رَبَّ ٱلْبَيْتِ ٱلْحَرامِ. ٱللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَرىٰ وَ لاٰتُرىٰ وَ أَنتَ بِالْمَنْظَرِ ٱلْأَعْلىٰ وَ إِنَّ بِيَدِكَ ٱلْمَماتَ وَ ٱلْمَحْيىٰ وَ إِنَّ إِلَيْكَ ٱلْمُنْتَهىٰ وَٱلرُّجْعىٰ وَ إِنّا نَعُوذُ بِكَ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزىٰ. ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ذِي ٱلْمُلْكِ وَٱلْمَلَكُوتِ، ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ذِيالْعِزَّةِ وَ الْجَبَرُوتِ، ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلْحَيِّ ٱلَّذِي لاٰيَمُوتُ، ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلْعَزِيزِ ٱلْجَبّٰارِ ٱلْحَلِيمِ ٱلْغَفّٰارِ الْواحِدِ ٱلْقَهّٰارِ ٱلْكَبِيرِ ٱلْمُتَعالِ سُبْحانَ ٱللّٰهِ ٱلْعَظِيمِ وَ سُبْحانَ ٱللّٰهِ ٱلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لاٰ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي ٱلْمُلْكِ وَ لاٰ مِثْلٌ وَ لاٰ شِبْهٌ وَ لاٰعِدْلٌ يا اللّٰهُ يا رَحْمٰنُ «يا رَحِيمُ»

رَبَّنا لاٰتُؤاخِذْنا إِنْ نَسِينا أَوْ أَخْطَأْنا[1] تا آخر سورت.

رَبَّنا لاٰ تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْوَهّابُ.[2]

رَبَّنا اصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذابَها كانَ غَرامًا إِنَّها ساءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقامًا.[3] رَبَّنا هَبْ لَنا مِنْ أَزْواجِنا وَ ذُرِّيّاتِنا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَٱجْعَلْنا لِلْمُتَّقِينَ إِمامًا.[4]

ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلىٰ مَلاٰئِكَتِكَ ٱلْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِيائِكَ ٱلصِّدِّيقِينَ وَ أُولِي ٱلْعَزْمِ مِنَ ٱلْمُرْسَلِينَ ٱلَّذِينَ أُوذُوا فِي جَنْبِكَ وَجاهَدُوا فِيكَ حَقَّ جِهادِكَ وَ قامُوا بِأَمْرِكَ وَ وَحَّدُوكَ وَ عَبَدُوكَ حَتّىٰ أَتاهُمُ ٱلْيَقِينُ. ٱللّٰهُمَّ عَذِّبِ ٱلْكَفَرَةَ ٱلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ كِتابِكَ[5] وَ يُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ وَ ٱجْعَلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَ عَذابَكَ وَ ٱغْفِرْ لَنا وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ ٱلْمُؤْمِناتِ وَ أَوْزِعْهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ ٱلَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ إِلٰهَ ٱلْحَقِّ آمِين. ٱللّٰهُمَّ ٱرْحَمْ عِبادَكَ ٱلصّالِحِينَ مِنْ أَهْلِ ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرَضِينَ يا رَبَّ ٱلْعالَمِينَ

---

۱. بقره: ۲۸۶ ۲. آل عمران: ۸ ۳. فرقان: ۶۵، ۶۶

۴. فرقان: ۷۴ ۵. در «م»: سَبِيلِ اللّٰهِ

سُبْحَانَ اَللّٰهِ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَر.

ده بار بگفتی و سجود کردی.[1]

و از پیغمبر ﷺ روایتست که گفت: هیچ بنده مؤمن نبوَد که شبی برخیزد و دو رکعت نماز کند و در سجود «جهد کند و» چهل کس را دعا کند از اصحاب خویش و «نام ایشان و» نام پدران ایشان ببرد الاّ و نخواهد از خدای تعالی چیزی، ندهد او را. و اگر حاجتی داری به خدای تعالی، میان شب برخیز و غسل کن و جامهٔ پاکیزه‌ترین درپوش و سبوی نو پر آب فراگیر و ده بار إنّا أنزلنا بخوان، پس از آن آبْ گِرد برگِرد آنجاکه نماز خواهی کرد بزن، پس دو رکعت نماز کن در هر رکعتی الحمد و إنّا أنزلنا خوان پس حاجت بخواه که سزاوار بوَد به اجابت کردن ان شاء اللّه تعالی.

و صادق را ﷺ پرسیدند که، روایت می کنند از پیغمبر ﷺ که، در شب ساعتی است که بندهٔ مؤمن درو دعا نکند الاّ اجابت کنند وی را. گفتند که، آن کدام ساعتست؟ گفت: آن نیم شب است تا آن وقت که از شب سه یکی مانده بود. گفتند: آن در یک شب است از شبها یا در هر شبی؟ گفت: در هر شبی.

مردی أمیر المؤمنین را ﷺ گفت: مرا از نماز شب محروم کرده‌اند. امیر المؤمنین ﷺ گفت: تو مردی‌ای که گناهان تو بند برنهاده است تُرا. و صادق ﷺ گفت: بر شما باد به نماز شب که آن سنّت پیغمبر شماست و عادت صالحان است که پیش از شما بوده‌اند و آن درد را از تن دور گرداند «و گفت ﷺ : نماز شب روی سفید گرداند» و بوی خوش گرداند. نمازِ شب، روزی جمع کند و گفت از شیعهٔ ما نیست کسی که نماز شب نکند یعنی از خالص بهین شیعهٔ ما نیست.

و مردی با او شکایت کرد بسیاری از درویشی. تا خواست که از گرسنگی شکایت کند صادق ﷺ گفت: به شب نماز کنی؟ گفت: کنم. صادق ﷺ روی به اصحاب کرد و گفت: دروغ می گوید، هر که به شب نماز کند به روز گرسنه نباشد «به درستی که حق تعالی نماز شب را ضامن روزی کرده است» و گفت: خانه‌هایی که

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۳۴ ـ ۱۳۶

درو به شب نماز کنند و قرآن خوانند، اهل آسمان را می‌درخشند همچون ستارگان اهل زمین را.

امیر المؤمنین ﷺ گفت: خدای تعالی چون خواهد که اهل زمین را عذاب فرستد بگوید: اگر نه آنستی که جماعتی‌اند که بایکدیگر دوستی می‌کنند از برای بزرگ داشتن من و مسجدهای مرا آبادان دارند و در وقت سحر آمرزش می خواهند من عذاب فرو فرستادمی.

بدان که چون نیمی از شب بگذشت وقت نماز شب در آمد و از نیمهٔ شب تا برآمدن صبح صادق که در آفاق آسمان پراکنده شود در میان این دو وقت هر گه که نماز شب کنی شاید. و مسافر را رخصت داده‌اند که در اول شب آن نماز بکند و اگر به روز قضا کند از آن فاضلتر بود.

و آن یازده رکعت است هشت پیش از «شفع و وتر، هر دو رکعت به تشهّد و سلام و سه» شفع و وتر به دو تشهّد و سلام.

صادق ﷺ گفت: چون خواهی که بنماز شب برخیزی بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ ٱلرَّحْمَةِ وَ اٰلِهِ وَ أُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي فَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي ٱلدُّنْيَا وَ ٱلْاٰخِرَةِ وَ مِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ، اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي بِهِمْ وَ لَاتُعَذِّبْنِي بِهِمْ وَ ارْزُقْنِي بِهِمْ وَ لَاتَحْرِمْنِي بِهِمْ وَ اقْضِ بِهِمْ حَوَائِجِي لِلْاٰخِرَةِ وَ ٱلدُّنْيَا إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ «وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ.»

و آنگه هفت تکبیر و سه دعا بگو و دو رکعت بگزار. در اول رکعت پس از الحمد، قل هو اللّه أحد خوان و در دوم قل یاأیّها الکافرون. روایتست که هر که در دو رکعت پیشین از نماز شب، در هر رکعتی الحمد یک بار و سی بار قل هو اللّه أحد بخواند از نماز بازگردد و میان وی و خدای تعالی هیچ گناه نبوَد الاّ که خدای تعالی آنرا بیامرزد.

و در شش رکعت دیگر آنچه خواهی از سورتها می خوان و اگر وقت فراخ بود مستحبّ بود که درو سورتهای دراز خوانی چون الانعام و الکهف و الأنبیاء و یس.[۱]

و چون به آیتی بگذری که نام بهشت در آن بوَد، بِایستی و از خدای تعالی بهشت در خواهی و چون به آیتی بگذری که درو ذکر دوزخ بود بِایستی و از خدای تعالی از آن بازداشت خواهی. و درو قرآن به ترتیل خوانی و همچنین به آواز بلند خوان در جملهٔ نمازها که شب کنی فریضه و سنّت. و روایتست از باقر علیه السلام که گفت: پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت: هر که در شب دو آیت[۲] از قرآن بخواند او را از غافلان ننویسند و هر که پنجاه آیت برخواند از ذاکرانش نویسند «و هر که صد آیت خواند از زاهدانش نویسند» و هر که دویست آیت برخواند از خاشعانش نویسند «و هر که سیصد آیت برخواند از قانتانش نویسند» و هر که پانصد آیت خواند از مجتهدانش نویسند و هر که هزار آیت برخوانَد او را قنطاری از مزد نویسند و قنطاری پنج هزار مثقال زر بود و مثقالی بیست و چهار قیراط بوَد و کهین[۳] ازو چون کوه اُحد بود و مِهینش پری آسمان بود و زمین.

واز ائمهٔ هدی علیهم السلام روایتست که، هر که از نماز شب غافل شود گو ده رکعت نماز کُن به ده سورت، در اول رکعت پس از الحمد، الم تنزیل الکتاب خوان و در دوم یس و در سوم الرحمن و در چهارم اقتربت الساعة و در پنجم الواقعة ودر ششم تبارك الّذي و در هفتم والمرسلات و در هشتم عمَّ یتساءلون و در نهم إذا الشمس کوّرت و در دهم والفجر. چون این بکند از نماز شب غافل نبوده باشد.[۴]

و اگر دشمنی داری که ترا می‌رنجاند بگوی در سجدهٔ بازپسین از دو رکعت نخستین از نماز شب پس از تمجید و حمد خدای تعالی:

---

۱. در «م» در اینجا آمده : بطریق أهل البیت : روایت شده که هر کس بدل نماز شب یا هر نافله نماز جعفر طیار بگزارد ثواب هر دو رکعت را در می‌یابد واین نماز در عمل روز جمعه ذکر خواهد شد ان شاء اللّه.

۲. در «م» : ده آیت

۳. در «م» : کهترین

۴. مصباح المتهجد، ص ۱۳۸ ـ ۱۳۹

اَللّٰهُمَّ إِنَّ فُلاٰنَ بْنَ فُلاٰنٍ قَدْ شَهَرَنِي وَ نَوَّهَ بِي وَ أَغٰاظَنِي وَ عَرَّضَنِي لِلْمَكٰارِهِ. اَللّٰهُمَّ فَاصْرِفْهُ عَنِّي بِسُقْمٍ عٰاجِلٍ يَشْغَلُهُ عَنِّي. اَللّٰهُمَّ وَ قَرِّبْ أَجَلَهُ وَ اقْطَعْ أَثَرَهُ وَعَجِّلْ ذٰلِكَ يٰارَبِّ السّٰاعَةَ السّٰاعَةَ. فَإِنَّهُ أَغٰاظَنِي وَ أَحْزَنَنِي.[۱]

واگر عافیت خواهی درین سجده بگوی:

يٰا عَلِيُّ يٰا عَظِيمُ يٰارَحْمٰنُ يٰارَحِيمُ يٰاسَمِيعَ الدَّعَوٰاتِ يٰامُعْطِيَ الْخَيْرٰاتِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيٰا وَالْاٰخِرَةِ مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ وَاصْرِفْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيٰا وَ الْاٰخِرَةِ مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَذْهِبْ عَنِّي هٰذَا الْوَجَعَ.[۲]

و دردی که داری بگوی و در دعا اِلحاح کن که خدای تعالی عافیت دهد به زودی ان شاء اللّه تعالی.

و پس از دو رکعت نخستین از نماز شب این دعا بگوی و همچنین پس از هر دو رکعتی ازو:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لاٰيَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ «اللّٰه» نُورُ السَّمٰوٰاتِ و الْأَرْضِ فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ قَيّٰامُ السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرْض فَلَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ رَبُّ السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مٰا فِيهِنَّ وَ مٰا بَيْنَهُنَّ «وَ مٰا تَحْتَهُنَّ» فَلَكَ الْحَمْدُ اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْحَقُّ وَ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النّٰارُ حَقٌّ وَ السّٰاعَةُ اٰتِيَةٌ[۳] لاٰ رَيْبَ فِيهٰا وَ أَنْتَ[۴] بٰاعِثُ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۳۹ (با اندکی تفاوت)

۲. مصباح المتهجد، ص ۱۳۹

۳. در «د» : و الساعة حقّ

۴. در «د» : انك

مَنْ فِي ٱلْقُبُورِ. ٱللّٰهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ بِكَ خاصَمْتُ وَ إِلَيْكَ يا رَبِّ حاكَمْتُ.

ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ٱلْأَئِمَّةِ ٱلْمَرْضِيِّينَ وَ ٱبْدَأْ بِهِمْ فِي كُلِّ خَيْرٍ وَٱخْتِمْ بِهِمْ كُلَّ الْخَيْرِ وَ أَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ ٱلْجِنِّ وَ ٱلْإِنْسِ مِنَ ٱلْأَوَّلِينَ وَ ٱلْاٰخِرِينَ.

وَ ٱغْفِرْ لَنا ما قَدَّمْنا وَ ما أَخَّرْنا وَ ما أَسْرَرْنا وَ ما أَعْلَنّا وَ ٱقْضِ كُلَّ حاجَةٍ هِيَ لَنا بِأَيْسَرِ ٱلتَّيْسِيرِ وَ أَسْهَلِ ٱلتَّسْهِيلِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِيَةٍ إِنَّكَ أَنْتَ ٱللّٰهُ رَبُّنا لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلىٰ إِخْوَتِهِ مِنْ جَمِيعِ ٱلنَّبِيِّينَ وَ ٱلْمُرْسَلِينَ وَصَلِّ عَلىٰ «مَلاٰئِكَتِكَ ٱلْمُقَرَّبِينَ وَ ٱخْصُصْ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِ» مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ ٱلصَّلٰوةِ وَ ٱلتَّحِيَّةِ وَ ٱلتَّسْلِيمِ وَ ٱجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَ ٱرْزُقْنِي حَلالاً طَيِّبًا واسِعًا مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لاأَحْتَسِبُ مِمّا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ يَكُونُ ما شِئْتَ كَما شِئْتَ.[1]

آنگه تسبیح فاطمهٔ زهراﷺ بگوی در پس هر دو رکعتی و سجدهٔ شکر می‌کن و در سجده می‌گوی:

یا اللّه ــ ده بار ــ «ٱللّٰهُمَّ» صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ ٱغْفِرْ لِي وَ ٱرْحَمْنِي وَ ثَبِّتْنِي عَلىٰ دِينِكَ وَ دِينِ نَبِيِّكَ وَ لاتُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْوَهّابُ.[2] «یا دعای دیگر که خواهی.»

و در رکعت سیوم و چهارم المزمل خوان و عم یتساءلون و در پنجم و ششم یس

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۴۰ ــ ۱۴۱

۲. مصباح المتهجد، ص ۱۴۲

و الدخان يا الواقعة و المدثر و در هفتم سورة الملك و در هشتم هل أتى و در آخرْ سجده از اين دو ركعت بگوى از براى طلب روزى:

يٰاخَيْرَ مَدْعُوٍّ يٰاخَيْرَ مَسْؤُولٍ يٰا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطىٰ يٰا خَيْرَ مُرْتَجىٰ أُرْزُقْنى وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ سَبِّبْ لِي رِزْقًا وٰاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

و اگر خواهى كه دشمنى را دعا خوانى هم درين سجده بگوى:

يٰا عَلِيُّ يٰاعَظِيمُ يٰارَحْمٰنُ يٰارَحِيمُ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ ٱلدُّنْيٰا وَ مِنْ خَيْرِ أَهْلِهٰا «وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ٱلدُّنْيٰا وَ شَرِّ أَهْلِهٰا.» ٱللّٰهُمَّ ٱقْرِضْ أَجَلَ فُلاٰنِ بْـنِ فُلاٰنٍ وَٱبْتُرْ عُمْرَهُ وَعَجِّلْ بِهِ.

و در دعا اِلحاح كن كه خداى تعالى كفايت كند كارت را ان شاء اللّه تعالى. واز رضا عليه السلام روايتست كه پس از هشتم ركعت بگوى:

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عٰاذَ بِكَ وَ لَجَأَ إِلىٰ «حَرَمِكَ وَ» عِزِّكَ وَٱسْتَظَلَّ بِفَيْئِكَ وَ ٱعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ وَ لَمْ يَثِقْ إِلاّٰ بِكَ، يٰا جَـزِيلَ ٱلْـعَطٰايٰا يـٰا مُـطْلِقَ ٱلْأُسٰارىٰ يٰا مَنْ سَمّٰى نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ وَهّٰابًا أَدْعُوكَ رَغَبًا وَ رَهَبًا وَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ إِلْحٰاحًا وَ إِلْحٰافًا وَ تَضَرُّعًا وَ تَمَلُّقًا «وَ قٰائِمًا» وَ قٰاعِدًا وَ رٰاكِعًا وَ سٰاجِدًا وَ رٰاكِبًا وَمٰاشِيًا وَ ذٰاهِبًا وَ جٰائِيًا وَ فِي كُـلِّ حٰـالاٰتِي وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

حاجت بخواه «و سجدهٔ شكر كن»[2].

آنگه دو ركعت شفع بكن، در هر ركعتى پس از الحمد، قل هو اللّه أحد خـوان. و در روايتست كه در اوّل ركعت قل أعُوذُ بربّ الفلق خوان و در دوم قل أعُوذُ بربّ

---

۱ . مصباح المتهجد، ص ۱۴۷

۲ . مصباح المتهجد، ص ۱۵۰ ــ ۱۵۱

الناس. و روایتست که پیغمبر ﷺ در رکعت اوّل الهکم خواندی و إنّا أنزلناه و إذا زلزلت و در دوم والعصر و إذا جاء نصرالله و إنّا أعطيناك و در وتر قل یا أیّهاالکافرون و تبّت و قل هو اللّه أحد. و روایتست که در اوّل الحمد و الملك و در دوم الحمد و هل أتی.

و از صادق ﷺ روایتست که، امیر المؤمنین ﷺ وتر بِه نُه سورت کردی. و پس از شفع این دعا بگوی:

إِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَ قَصَدَكَ فِيهِ الْقَاصِدُونَ وَ أَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ الطَّالِبُونَ وَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَ جَوَائِزُ وَ عَطَايَا وَ مَوَاهِبُ تَمُنُّ بِهَا عَلَىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ وَ هَا أَنَا ذَا عَبْدُكَ الْفَقِيرُ إِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَ مَعْرُوفَكَ فَإِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلَىٰ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ عُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ. «وَ عُدْ[1] عَلَيَّ بِفَضْلِكَ «وَمَعْرُوفِكَ»[2] وَ كَرَمِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ اسْتَجِبْ لِي كَمَا وَعَدْتَنِي إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ.[3]

آنگه یک رکعت وتر کن، در ابتدای آن هفت تکبیر که گفته شد بگوی. پس الحمد برخوان و قل هو اللّه سه بار و هر دو قل أعوذُ.

وصادق ﷺ گفت که، پدرم ﷺ در هر سه رکعت قل هو اللّه أحد خواندی و چون از خواندن فارغ شدی بگفتی: كَذٰلِكَ اللّٰهُ رَبِّي. و گفت: پدرم ﷺ گفت که، قل هو اللّه در برابر سِهِ یکی از قرآنست و دوست داشتی که آن را جمع کند در وتر تا

---

۱ . در مصباح : جُد ۲ . داخل گیومه از مصباح. ۳ . مصباح المتهجد، ص ۱۵۲

همهٔ قرآن بوَد.

و روایتست که هرکه در وتر قل أعُوذُ و قل هو اللّه خواند وی راگویند: بشارت باد ترا ای بندهٔ خدای که وتر ترا قبول کرده‌اند. آنگه دستها به تکبیر بردار و قنوت کن و دستها بگستران کفهای آن سوی آسمان و حمد و ثنای گوی خدای تعالی را و درود فرست بر محمد و آلش، و آمرزش خواه از خدای تعالی چندان که توانی که پیغمبر ﷺ گفت: هر که از شما قنوت وی درازتر بود درِ دنیا، مدت راحتش درازتر بود روز قیامت در موقف.

و صادق علیه‌السلام گفت هر که پیاپی در وتر هفتاد بار بگوید کـه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ آمرزش خدای تعالی وی را شود « و از صادق علیه‌السلام روایتست که، قنوت در وتر استغفارست و در فریضه دعا».

و روایتست که، هر که چهل برادر مؤمن را یا زیادت دعا کند دعای وی اجابت کنند. و امام زین العابدین علیه‌السلام گفتی در وتر سیصد بار العفو. و جهد کن تا آب از چشمت بیاید که باقر علیه‌السلام گفت: چون چشم پر آب شود خدای تعالی صاحب آن را بر آتش حرام گرداند و چون بر روی برود هرگز گَرْد مذلّت آن روی را نبیند و قطرهٔ اشک دریاهای آتش را بنشاند و اگر در امّتی یک مرد بگرید بر آن امّت رحمت کنند و ابراهیم خلیل اللّه علیه‌السلام گفت: خدایا چه بود جزای کسی که روی خود تر کند به اشک از ترس تو؟ گفت: جزای وی آمرزش و خشنودی من بود.

دعای قنوت وتر مروی از صادق یا باقرعلیهماالسلام است:[1]

لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. اللّٰهُمَّ أَنْتَ اللّٰهُ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْتَ اللّٰهُ

۱. در «م» آمده است: حضرت شیخ صدوق رَحِمه اللّه در کتاب من لایحضره الفقیه از باقر واز صادق علیهماالسلام روایت کرد این دعا که در وتر باید خواند.

زَيْنُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ جَمٰالُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ عِمٰادُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ قِوٰامُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ صَرِيخُ ٱلْمُسْتَصْرِخِينَ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ غِيٰاثُ ٱلْمُسْتَغِيثِينَ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ ٱلْمُفَرِّجُ عَنِ ٱلْمَكْرُوبِينَ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ ٱلْمُرَوِّحُ عَنِ ٱلْمَغْمُومِينَ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ مُجِيبُ دَعْوَةِ ٱلْمُضْطَرِّينَ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ إِلٰهُ ٱلْعٰالَمِينَ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحِيمُ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ كٰاشِفُ ٱلسُّوءِ وَ أَنْتَ ٱللّٰهُ مُنْزِلُ كُلِّ حٰاجَةٍ. يٰا اللّٰهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلاّٰ حِلْمُكَ وَ لاٰيُنْجِي مِنْ عِقٰابِكَ إِلاّٰ رَحْمَتُكَ وَ لاٰيُنْجِي مِنْكَ إِلاّٰ ٱلتَّضَرُّعُ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي يٰا إِلٰهِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً تُغْنِينِي بِهٰا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوٰاكَ بِالْقُدْرَةِ ٱلَّتِي بِهٰا أَحْيَيْتَ جَمِيعَ مٰا فِي الْبِلاٰدِ وَبِهٰا تَنْشُرُ مَيِّتَ ٱلْعِبٰادِ وَ لاٰتُهْلِكْنِي «يٰا رَبِّ» غَمًّا حَتّٰى تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَ تُعَرِّفَنِي ٱلْإِجٰابَةَ فِي دُعٰآئِي وَٱرْزُقْنِي طَعْمَ ٱلْعٰافِيَةِ إِلٰى مُنْتَهٰى أَجَلِي وَأَقِلْنِي عَثْرَتِي وَلاٰتُشْمِتْ بِي عَدُوِّي وَ لاٰتُمَكِّنْهُ مِنْ رَقَبَتِي.

اَللّٰهُمَّ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَاالَّذِي يَضَعُنِي وَ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَاالَّذِي يَرْفَعُنِي وَ إِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا ٱلَّذِي يَحُولُ بَيْنَكَ وَبَيْنِي وَ يَتَعَرَّضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي وَ قَدْ عَلِمْتُ يٰاإِلٰهِي أَنْ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ وَ لاٰ فِي نَقِمَتِكَ عَجَلَةٌ وَ إِنَّمٰا يَعْجَلُ مَنْ يَخٰافُ ٱلْفَوْتَ وَ إِنَّمٰا يَحْتٰاجُ إِلَى الظُّلْمِ ٱلضَّعِيفُ وَ قَدْ تَعٰالَيْتَ عَنْ ذٰلِكَ «عُلُوًّا كَبِيرًا» يٰا إِلٰهِي فَلاٰتَجْعَلْنِي لِلْبَلاٰءِ غَرَضًا وَ لاٰ لِنَقِمَتِكَ نَصَبًا وَ مَهِّلْنِي وَ نَفِّسْنِي وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ لاٰتُتْبِعْنِي بِبَلاٰءٍ عَلٰى أَثَرِ بَلاٰءٍ فَقَدْ تَرٰى ضَعْفِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي أَسْتَعِيذُ بِكَ ٱللَّيْلَةَ فَأَعِذْنِي وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ ٱلنّٰارِ فَأَجِرْنِي وَأَسْأَلُكَ ٱلْجَنَّةَ فَلاٰتَحْرِمْنِي.

و باقر علیه‌السلام گفت در وتر این بگوی:

اَللّٰهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ اَلْحَمْدُ رَبَّنٰا «وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ فلكَ اَلْحَمْدُ رَبَّنٰا» وَ عَظُمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ[1] فَلَكَ اَلْحَمْدُ رَبَّنٰا. وَجْهُكَ أَكْرَمُ اَلْوُجُوهِ وَ جِهَتُكَ خَيْرُ اَلْجِهٰاتِ وَ عَطِيَّتُكَ أَفْضَلُ اَلْعَطِيّٰاتِ وَ أَهْنَأُهٰا تُطٰاعُ رَبَّنٰا فَتَشْكُرُ وَ تُعْصىٰ رَبَّنٰا فَتَغْفِرُ تُجِيبُ اَلْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ اَلضُّرَّ وَ تَشْفِي اَلسَّقِيمَ وَتُنْجِي مِنَ اَلْكَرْبِ اَلْعَظِيمِ لاٰيَجْزِي بِـآلاٰئِكَ أَحَدٌ وَ لاٰيُحْصِى نَعْمٰاءَكَ قَوْلُ قٰائِلٍ.

اَللّٰهُمَّ رُفِعَتِ اَلْأَيْدِي وَ نُقِلَتِ اَلْأَقْدٰامُ وَ مُدَّتِ اَلْأَعْنٰاقُ وَ دُعِيتَ بِالْأَلْسُنِ وَ تُحُوكِمَ إِلَيْكَ فِي اَلْأَعْمٰالِ. رَبَّنٰا اَغْفِرْ لَنٰا وَ اَرْحَمْنٰا وَ اَفْتَحْ بَيْنَنٰا وَ بَيْنَ خَلْقِكَ بِالْحَقِّ وَ أَنْتَ خَيْرُ الْفٰاتِحِينَ. اَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ إِمٰامِنٰا عَنّٰا وَ شِدَّةَ اَلزَّمٰانِ عَلَيْنٰا وَ وُقُوعَ اَلْفِتَنِ وَ تَظٰاهُرَ اَلْأَعْدٰاءِ وَ كَثْرَةَ عَدَدِهِمْ وَ قِلَّةَ عَدَدِنٰا فَأَفْرِجْ يٰارَبِّ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ إِمٰامِ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ إِلٰهَ اَلْحَقِّ يٰا رَبَّ اَلْعٰالَمِينَ.

امیر المؤمنین علیه السلام در قنوت وتر این دعا بگفتی:

اَللّٰهُمَّ خَلَقْتَنِي بِتَقْدِيرٍ وَتَدْبِيرٍ وَ تَبْصِيرٍ بِغَيْرِ تَقْصِيرٍ وَ أَخْرَجْتَنِي مِن ظُلُمٰاتٍ ثَلاٰثٍ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ أُحٰاوِلُ اَلدُّنْيٰا ثُمَّ أُزٰاوِلُهٰا ثُمَّ أُزٰايِلُهٰا وَ آتَيْتَنِي فِيهَا اَلْكَلأَ وَاَلْمَرْعىٰ وَبَصَّرْتَنِي فِيهَا اَلْهُدىٰ فَنِعْمَ اَلرَّبُّ أَنْتَ وَ نِعْمَ اَلْمَوْلىٰ فَيٰا مَنْ كَرَّمَنِي وَ نَعَّمَنِي وَ شَرَّفَنِي أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلزَّقُّومِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلْحَمِيمِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقِيلٍ فِي اَلنّٰارِ بَيْنَ أَطْبٰاقِ اَلنّٰارِ فِي ظِلاٰلِ اَلنّٰارِ يَوْمَ اَلنّٰارِ يٰا رَبَّ اَلنّٰارِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَقِيلاً فِي اَلْجَنَّةِ بَيْنَ أَنْهٰارِهٰا وَ أَشْجٰارِهٰا وَ ثِمٰارِهٰا وَ

---

۱. در «م»: و اعظم حلمك فغفرت

رَيْحانِها وَ خَدَمِها وَ أَزْواجِها. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوانَكَ وَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَ النّارِ هٰذا مَقامُ الْعائِذِ بِكَ مِنَ النّارِ. سه بار.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ خَوْفَكَ فِي جَسَدِي كُلِّهِ وَ اجْعَلْ قَلْبِي أَشَدَّ مَخافَةً لَكَ مِمّا هُوَ وَ اجْعَلْ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ حَظًّا وَ نَصِيبًا مِنْ عَمَلٍ بِطاعَتِكَ وَ اتِّباعِ مَرْضاتِكَ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ مُنْتَهىٰ غايَتِي وَ رَجائِي وَ مَسْأَلَتِي وَ طَلِبَتِي أَسْأَلُكَ يا إِلٰهِي كَمالَ الْإِيمانِ وَ تَمامَ الْيَقِينِ وَ صِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ يا سَيِّدِي اجْعَلْ إِحْسانِي مُضاعَفًا وَ مُناجاتِي[1] تَضَرُّعًا وَ دُعائِي مُسْتَجابًا وَ عَمَلِي مَقْبُولاً وَ سَعْيِي مَشْكُورًا وَ ذَنْبِي مَغْفُورًا وَ لَقِّنِي مِنْ لَدُنْكَ نَضْرَةً وَ سُرُورًا وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

وبگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ مَظالِمَ كَثِيرَةٍ لِعِبادِكَ عِنْدِي فَأَيُّما عَبْدٍ مِنْ عَبِيدِكَ كانَتْ لَهُ قِبَلِي مَظْلَمَةٌ ظَلَمْتُها إِيّاهُ فِي بَدَنِهِ أَوْ عِرْضِهِ أَوْ مالِهِ ما لا أَسْتَطِيعُ أَداءَ ذٰلِكَ إِلَيْهِ وَ لا يُحَلِّلُها[2] مِنْهُ فَأَرْضِهِ عَنِّي بِما شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ وَ أَنّىٰ شِئْتَ وَ هَبْها لِي وَ ما تَصْنَعُ[3] بِعَذابِي يا رَبِّ وَ قَدْ وَسِعَتْ رَحْمَتُكَ كُلَّ شَيْءٍ وَ ما عَلَيْكَ يا رَبِّ أَنْ تُكْرِمَنِي بِرَحْمَتِكَ وَ لا تُهِينَنِي بِعَذابِكَ وَ ما يَنْقُصُكَ يا رَبِّ أَنْ تَفْعَلَ بِي ما سَأَلْتُكَ وَ أَنْتَ واجِدٌ لِكُلِّ خَيْرٍ اَللّٰهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفارِي إِيّاكَ مَعَ إِصْرارِي لَلُؤْمٌ وَ إِنَّ تَرْكِيَ

---

۱. در «م»: صَلَواتي ۲. در «د»: و لا تَحِلُّ لها ۳. در «د»: و ما تَضَعُ

اَلْإِسْتِغْفار[1] لَك مَعَ سَعَةِ رَحْمَتِكَ لَعجزٌ. اَللّٰهُمَّ كَمْ تَتَحَبَّبُ إِلَيَّ وَ أَنْتَ عَنّي غَنِيٌّ وَكَمْ أَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَأَنَا إِلَيْكَ فَقِيرٌ سُبْحانَ مَـنْ إِذٰا وَعَـدَ وَفٰى وَ إِذٰا تَوَعَّدَ عَفا.

وبگوی در وتر و پس هر فریضه نیز:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ اَلْعَظِيمِ اَلْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بِكُلِّ حَقٍّ لِمُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُدْخِلَ عَلٰى مُحِبِّي مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ حَيْثُ أَصْبَحُوا وَ أَمْسَوْا فِي مَشارِقِ اَلْأَرْضِ وَ مَغارِبِها مِنْ بَرَكَةِ دُعٰآئِي ما تَقَرُّ بِـهِ أَعْـيُنُهُمْ. اَللّٰـهُمَّ اَحْـفَظِ اَلْغائِبِينَ مِنْهُمْ وَ رُدَّهُـمْ سالِمِينَ وَ نَـفِّسْ عَـنِ اَلْـمَغْمُومِينَ وَ فَـرِّجْ عَـنِ اَلْمَكْرُوبِينَ وَ اَشْفِ اَلسُّقَماءَ وَ أَدْخِلْ عَلَى اَلْأَمْواتِ مِنْهُمْ مِنْ بَرَكَةِ دُعٰآئِي ما تَقَرُّ بِهِ أَعْيُنُهُمْ. مَوْلاٰيَ اَمْحُ عَنْهُمُ اَلسَّيِّئاتِ وَ ضاعِفْ لَهُمُ اَلْحَسَناتِ مَعَ رَوْحٍ وَ رَيْحانٍ وَ جَنَّةِ نَعِيمٍ وَ أَدْخِلْنِي وَ إِيّاهُمْ فِي مُسْتَقَرٍّ «مِنْ رَحْمَتِكَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بِحَقِّكَ يا كَرِيمُ».

و سبّ کن ظالمان اهل بیت را و بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ أَمِينِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ حَـبِيبِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ حافِظِ سِرِّكَ وَ مُبَلِّغِ رِسالاٰتِكَ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلٰى أَحَدٍ مِنْ أَنْبِيآءِكَ وَ رُسُلِكَ وَ صَلِّ عَلٰى أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ وَ وَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ وَ عَلَى اَلصِّدِّيقَةِ اَلطّاهِرَةِ اَلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ اَلْعالَمِينَ وَ صَلِّ عَلٰى سِبْطَيِ اَلرَّحْمَةِ وَإِمامَيِ اَلْهُدٰى اَلْحَسَنِ وَ اَلْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبابِ أَهْلِ اَلْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلٰى أَئِمَّةِ اَلْمُسْلِمِينَ حُجَجِكَ عَلٰى عِـبادِكَ اَلصّـالِحِينَ وَ أُمَـناءِكَ فِي

---

۱. در «د» : و انّ ترکنی الاستغفار لك

بِلادِكَ، عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعابِدِينِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكاظِمِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضا وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّكِيِّ صَلَوةً كَثِيرَةً دائِمَةً. اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقائِمِ الْحُجَّةِ الْإِمامِ الْمُنْتَظَرِ أُحْفُفْهُ بِمَلائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَيِّدْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ يارَبَّ الْعالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ انْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطانًا نَصِيرًا. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصارِهِ وَ أَعْوانِهِ وَ الذّابِّينَ عَنْهُ إِلٰهَ الْحَقِّ رَبَّ الْعالَمِينَ.

وبگوی:

اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ شَمِلَنا زَيْغُ الْفِتَنِ وَ اسْتَوْلَتْ عَلَيْنا عَشْوَةُ الْحَيْرَةِ وَ قارَعَنا الذُّلُّ وَالصَّغارُ وَ حَكَمَ عَلَيْنا غَيْرُ الْمَأْمُونِ عَلى[1] دِينِكَ وَابْتَزَّ أُمُورَنا مَعادِنُ الْأُبَنِ مِمَّنْ عَطَّلَ حُكْمَكَ وَ سَعى فِي إِتْلافِ عِبادِكَ وَ إِفْسادِ بِلادِكَ.

اَللّٰهُمَّ وَ قَدِ اسْتَحْصَدَ زَرْعُ الْباطِلِ وَ بَلَغَ نِهايَتَهُ وَ اسْتَحْكَمَ عُودُهُ وَ اسْتَجْمَعَ طَرِيدُهُ وَ خَذْرَفَ وَلِيدُهُ وَ بَسَقَ بِطُولِهِ وَ ضَرَبَ بِجِرانِهِ.

اَللّٰهُمَّ فَأَتِحْ لَهُ مِنَ الْحَقِّ يَدًا حاصِدَةً تَصْرَعُ قائِمَهُ وَ تَهْشِمُ سُوقَهُ وَتَجُذُّ سَنامَهُ وَتَجْدَعُ مَراغِمَهُ لِيَظْهَرَ الْحَقُّ بِحُسْنِ صُورَتِهِ وَيَسْتَخْفِيَ الْباطِلُ بِقُبْحِ حِلْيَتِهِ.

اَللّٰهُمَّ وَ لاتَدَعْ لِلْجَوْرِ دِعامَةً إِلاَّ قَصَمْتَها وَلا جُنَّةً إِلاَّ هَتَكْتَها[2] وَ لاكَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلاَّ فَرَّقْتَها وَ لاخَضْراءَ إِلاَّ أَبَدْتَها وَ لا قائِمَةً إِلاَّ خَفَضْتَها. اَللّٰهُمَّ أَرِنا أَنْصارَهُ عَبادِيدَ بَعْدَ الْأُلْفَةِ وَ شَتّى بَعْدَ اجْتِماعِ الْكَلِمَةِ وَ مُقْنِعِي الرُّؤُوسِ

---

۱. در مصباح: المأمونين فيه

۲. در برخی نسخ مصباح: أَهْلَكْتَها.

بَعْدَ ٱلظُّهُورِ عَلَى ٱلأُمَّةِ.

اَللّٰهُمَّ وَ أَسْفِرْ لَنا عَنْ نَهارِ ٱلْعَدْلِ وَ أَرِناهُ سَرْمَدًا لا لَيْلَ فِيهِ وَ أَهْطِلْ عَلَيْنا ناشِئَةً وَ أَدِلْ لَهُ مِمَّنْ ناواهُ وَ أَصْبِحْ بِهِ فِي غَسَقِ ٱلظُّلْمَةِ وَ بُهَمِ ٱلْحَيْرَةِ. اَللّٰهُمَّ وَ أَحْيِ بِهِ ٱلْقُلُوبَ ٱلْمَيْتَةَ وَٱجْمَعْ بِهِ ٱلأَهْواءَ ٱلْمُخْتَلِفَةَ وَ أَقِمْ بِهِ ٱلْحُدُودَ ٱلْمُعَطَّلَةَ وَ ٱلأَحْكامَ ٱلْمُهْمَلَةَ وَ أَشْبِعْ بِهِ ٱلْخِماصَ ٱلسّاغِبَةَ وَ أَرِحْ بِهِ أَبْدانَ ٱللاّغِبَةِ. اَللّٰهُمَّ وَ ٱجْعَلْنا سَبَبًا مِنْ أَسْبابِهِ وَ أَكْرِمْنا بِنُصْرَتِهِ وَ نَضِّرْ وُجُوهَنا بِتَحْلِيَتِهِ وَ لاتُشْمِتْ بِنا حاسِدِي ٱلنِّعَمِ.[1]

آنگه بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَغْنِنِي بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ وَ أَعِذْنِي مِنَ ٱلْفَقْرِ. اَللّٰهُمَّ أَعِنِّي عَلٰى دِينِي وَ دُنْيايَ وَعَلٰى آخِرَتِي بِتَقْوايَ وَأَشْهِدْنِي فِيما غِبْتُ عَنْهُ وَ لاتَكِلْنِي فِيما شَهِدْتُ إِلٰى نَفْسِي يا مَنْ لاتَضُرُّهُ ٱلذُّنُوبُ وَ لاتَنْقُصُهُ ٱلْمَغْفِرَةُ اِغْفِرْ لِي ما لايَضُرُّكَ وَ أَعْطِنِي ما لايَنْقُصُكَ.

آنگه صد بار بگوی:

أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

و زین العابدین ﷺ در آخر دعای وتر بگفتی:

رَبِّ أَسَأْتُ وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ بِئْسَ ما صَنَعْتُ وَ هٰذِهِ رَقَبَتِي خاضِعَةً لَكَ لِما أَتَيْتُ وَ هٰذِهِ يَدِي جَذًّا بِما صَنَعْتُ وَها أَنَا ذا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ ٱلرِّضا مِنْ نَفْسِي حَتّٰى تَرْضٰى، لَكَ ٱلْعُتْبٰى لاأَعُودُ لاأَعُودُ لاأَعُودُ.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۵۸ ـ ۱۵۹. بخشهایی از این دعا که در مصباح آمده در اینجا نیامده است. به علاوه مضمون برخی جملات با آنچه در آنجا آمده متفاوت است.

و بگوی دیگر:

فَإِنْ عُدْتُ فَعُدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ.

آنگه سیصد بار بگوی:

اَلعفو اَلعفو اَلعفو.

آنگه به رکوع شو و چون از رکوع برآیی بگوی:

هٰذٰا مَقٰامُ مَنْ حَسَنٰاتُهُ نِعْمَةٌ مِنْكَ وَ سَيِّئٰاتُهُ بِعَمَلِهِ وَ شُكْرُهُ قَلِيلٌ وَ ذَنْبُهُ عَظِيمٌ وَ لَيْسَ لِذٰلِكَ إِلاّٰ دَفْعُكَ وَ رَحْمَتُكَ إِلٰهِي طُمُوحُ اَلْآمٰالِ قَدْ خٰابَتْ إِلاّٰ لَدَيْكَ وَ مَعٰاكِفُ اَلْهِمَمِ قَدْ تَعَطَّلَتْ إِلاّٰ عَلَيْكَ وَ مَذٰاهِبُ اَلْعُقُولِ قَدْ سُدَّتْ[1] إِلاّٰ إِلَيْكَ فَأَنْتَ اَلرَّجٰاءُ وَأَنْتَ اَلْمُلْتَجىٰ يٰا أَكْرَمَ مَقْصُودٍ وَ يٰا أَجْوَدَ مَسْؤُولٍ هَرَبْتُ إِلَيْكَ بِنَفْسِي يٰا مَلْجَأَ اَلْهٰارِبِينَ بِأَثْقٰالِ اَلذُّنُوبِ أَحْمِلُهٰا عَلىٰ ظَهْرِي لاٰ أَجِدُ لِي إِلَيْكَ شٰافِعًا سِوىٰ مَعْرِفَتِي إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ لَجَأَ إِلَـيْهِ اَلْمُضْطَرُّونَ وَ أَمَّلَ مٰا لَدَيْهِ اَلرّٰاغِبُونَ. يٰا مَنْ فَتَقَ اَلْعُقُولَ بِمَعْرِفَتِهِ وَ أَطْلَقَ الْأَلْسُنَ بِحَمْدِهِ وَ جَعَلَ مَا اَمْتَنَّ بِهِ عَلىٰ عِبٰادِهِ فِي كَفٰاءٍ لِتَأْدِيَةِ حَقِّهِ، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لاٰ تَجْعَلْ لِلشَّيْطٰانِ عَلىٰ عَقْلِي سَبِيلاً وَ لاٰ لِلْبٰاطِلِ عَلىٰ عَمَلِي دَلِيلاً اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي مُحْكَمِ كِتٰابِكَ اَلْمُنْزَلِ عَلىٰ لِسٰانِ نَبِيِّكَ اَلْمُرْسَلِ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: كٰانُوا قَلِيلاً مِنَ اَللَّيْلِ مٰا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحٰارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ. طٰالَ هُجُوعِي وَ قَلَّ قِيٰامِي وَ هٰذَا اَلسَّحَرُ وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ لِذُنُوبِي اَسْتِغْفٰارَ مَنْ لاٰ يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَ لاٰ ضَرًّا وَ لاٰ مَوْتًا وَ لاٰ حَيٰاةً وَ لاٰ نُشُورًا.

و در نخستین سجده از این دو سجده بگوی پس از دعای سجود که:

---

۱. در «د»: سَمَتْ

يٰا رَبِّ إِنَّهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَك إِلاّٰ حِلْمُكَ تاآخر دعا.

و در دوم سجده بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي مِنَ النّٰاسِ «وَ أُنْسِي بِكَ» وَ إِنٰابَتِي إِلَيْكَ «فَإِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ يٰا ذَاالْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَ الْجُودِ وَ النَّعْمٰاءِ» وَ أَعْتِقْني مِنَ النّٰارِ.

و چون سلام نماز بدهی، تسبیح زهرا علیها السلام بگوی و بگوی:

سُبْحٰانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ.

پس بگوی:

يٰا حَيُّ يٰاقَيُّومُ يٰا بَرُّ يٰارَحِيمُ يٰاغَنِيُّ يٰاكَرِيمُ ارْزُقْنِي مِنَ التِّجٰارَةِ أَعْظَمَهٰا فَضْلاً وَ أَوْسَعَهٰا رِزْقًا وَ خَيْرَهٰا لِي عٰاقِبَةً فَإِنَّهُ لاٰخَيْرَ فِيمٰا لاٰ عٰاقِبَةَ لَهُ.

وسه بار بگوی:

اَلْحَمْدُ لِرَبِّ الصَّبٰاحِ اَلْحَمْدُ لِفٰالِقِ الْإِصْبٰاحِ[۱] اَلْحَمْدُ لِنٰاشِرِ الْأَرْوٰاحِ.

آنگه دعای حزین بخوان:

أُنٰاجِيكَ يٰا مَوْجُودًا فِي كُلِّ مَكٰانٍ لَعَلَّكَ تَسْمَعُ نِدٰآئِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي وَ قَلَّ حَيٰآئِي مَوْلاٰيَ يٰامَوْلاٰيَ أَيَّ الْأَهْوٰالِ أَتَذَكَّرُ وَ أَيَّهٰا أَنْسىٰ وَلَوْ لَمْ يَكُنْ إِلاَّ الْمَوْتُ لَكَفىٰ، كَيْفَ وَ مٰا بَعْدَ الْمَوْتِ أَعْظَمُ وَ أَدْهىٰ، مَوْلاٰيَ يٰامَوْلاٰيَ حَتّٰى مَتىٰ وَ إِلىٰ مَتىٰ أَقُولُ لَكَ الْعُتْبىٰ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرىٰ ثُمَّ لاٰتَجِدُ عِنْدِي صِدْقًا وَ لاٰ وَفٰاءً فَيٰاغَوْثٰاهُ ثُمَّ وٰاغَوْثٰاهُ بِكَ يٰا اللّٰهُ مِنْ هَوًى قَدْ غَلَبَنِي وَ مِنْ عَدُوٍّ قَدِ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۶۳

اَسْتَكْلَبَ عَلَيَّ وَ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَزَيَّنَتْ لِي «بِغُرُورِهَا لِي» وَ مِنْ نَفْسٍ أَمَّارَةٍ بِالسُّوءِ إِلاَّ مَا رَحِمَ رَبِّي مَوْلاَيَ يَامَوْلاَيَ إِنْ كُنْتَ رَحِمْتَ مِثْلِي فَارْحَمْنِي وَ إِنْ كُنْتَ قَبِلْتَ مِثْلِي فَاقْبَلْنِي يَا قَابِلَ اَلسَّحَرَةِ اَقْبَلْنِي يَامَنْ لَمْ أَزَلْ أَتَعَرَّفُ مِنْهُ اَلْحُسْنَى يَامَنْ يُغَذِّينِي بِالنِّعَمِ صَبَاحًا وَ مَسَاءً اَرْحَمْنِي يَوْمَ اٰتِيكَ فَرْدًا شَاخِصًا إِلَيْكَ بَصَرِي مُقَلِّدًا عَمَلِي قَدْ تَبَرَّأَ جَمِيعُ اَلْخَلْقِ مِنِّي نَعَمْ وَ أَبِي وَ أُمِّي وَ مَنْ كَانَ لَهُ كَدِّي وَ سَعْيِي فَإِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي فَمَنْ يَرْحَمُنِي وَمَنْ يُؤْنِسُ فِي اَلْقَبْرِ وَحْشَتِي وَمَنْ يُنْطِقُ لِسَانِي إِذَا خَلَوْتُ بِعَمَلِي وَ سَأَلْتَنِي عَمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَإِنْ قُلْتُ نَعَمْ فَأَيْنَ اَلْمَهْرَبُ مِنْ عَدْلِكَ وَ إِنْ قُلْتُ لَمْ أَفْعَلْ قُلْتَ أَلَمْ أَكُنِ اَلشَّاهِدَ عَلَيْكَ فَعَفْوَكَ فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ يَامَوْلاَيَ قَبْلَ «أَنْ تَلْبِسَ اَلْأَبْدَانُ» سَرَابِيلَ اَلْقَطِرَانِ عَفْوَكَ عَفْوَكَ يَامَوْلاَيَ قَبْلَ أَنْ تُغَلَّ اَلْأَيْدِي إِلَى اَلْأَعْنَاقِ يَاأَرْحَمَ اَلرَّاحِمِينَ وَ يَا خَيْرَ اَلْغَافِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ أَجْمَعِينَ.[1]

وبگوی:

إِلٰهِي هَجَعَتِ اَلْعُيُونُ وَأُغْمِضَتِ اَلْجُفُونُ وَ غَرَبَتِ اَلْكَوَاكِبُ وَ دَجَتِ اَلْغَيَاهِبُ وَ غُلِّقَتْ دُونَ اَلْمُلُوكِ اَلْأَبْوَابُ وَ حَالَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ اَلطُّرَّاقِ اَلْحُرَّاسُ وَاَلْحُجَّابُ وَ عَمَرَ اَلْمَحَارِيبَ اَلْمُتَهَجِّدُونَ وَ قَامَ لَكَ اَلْمُخْبِتُونَ وَاَمْتَنَعَ مِنَ اَلتَّهْجَاعِ اَلْخَائِفُونَ وَ دَعَاكَ اَلْمُضْطَرُّونَ وَ نَامَ اَلْغَافِلُونَ وَ أَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لاَيُلِمُّ بِكَ اَلْهُجُوعُ وَ كَيْفَ وَ أَنْتَ خَلَقْتَهُ وَ عَلَى اَلْجُفُونِ سَلَّطْتَهُ لَقَدْ مَالَ إِلَى اَلْخُسْرَانِ وَ اٰبَ بِالْحِرْمَانِ وَ تَعَرَّضَ لِلْخِذْلاَنِ مَنْ صَرَفَ عَنْكَ حَاجَتَهُ وَ وَجَّهَ لِغَيْرِكَ طَلِبَتَهُ وَ أَيْنَ مِنْهُ فِي هٰذَا اَلْوَقْتِ اَلَّذِي تَرْتَجِيهِ وَ كَيْفَ وَ أَنَّى لَهُ بِالْوُصُولِ إِلَى مَا أَمَّلَهُ لِيَجْتَدِبَهُ[2]. خَالَ وَاَللّٰهِ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ لَيْلِ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۶۳ ـ ۱۶۴

۲. لِيَجْتَدِبَهُ = لِيَجْتَذِبَهُ = فَيَجْتَذِبَهُ

دَيْجُورٍ وَ أَبْوابٍ وَ سُتُورٍ وَ حَصَلَ عَلٰى ظُنُونٍ كَواذِبَ وَ مَطامِعَ غَيْرِ صَوادِقَ وَ هَجَعَ عَنْ حاجَتِهِ اَلَّذِي أَمَّلَهُ وَ تَناساها اَلَّذِي سَأَلَهُ أَفْتَراهُ اَلْمَغْرُورَ لَمْ يَدْرِ أَنَّهُ لاٰ مانِعَ لِمٰا أَعْطَيْتَ وَ لاٰ مُعْطِيَ لِمٰا مَنَعْتَ وَ لاٰ رازِقَ لِمَنْ حَرَمْتَ وَ لاٰ ناصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ أَوَ تَراهُ ظَنَّ أَنَّ اَلَّذِي عَدَلَ عَنْكَ إِلَيْهِ وَ عَوَّلَ مِنْ دُونِكَ عَلَيْهِ يَمْلِكُ لَهُ أَوْ لِنَفْسِهِ نَفْعًا أَوْ ضَرًّا خَسِرَ وَ اَللّٰهِ خُسْرانًا مُبِينًا يَسْتَرْزِقُ مَنْ يَسْتَرْزِقُكَ وَ يَسْأَلُ مَنْ يَسْأَلُكَ وَ يَمْتاحُ مَنْ لاٰ يَمِيحُهُ إِلاّٰ بِمَشِيَّتِكَ وَ لاٰ يُعْطِيهِ إِلاّٰ مِمّٰا وَهَبْتَ لَهُ مِنْ نِعْمَتِكَ وَ فازَ وَ اَللّٰهِ عَبْدٌ هَداهُ اَلْإِسْتِبْصارُ وَ صَحَّتْ لَهُ اَلْأَفْكارُ وَ أَرْشَدَهُ اَلْإِعْتِبارُ وَ أَحْسَنَ لِنَفْسِهِ اَلْإِخْتِيارَ فَقامَ إِلَيْكَ بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ وَ نَفْسٍ مُطْمَئِنَّةٍ بِكَ واثِقَةٍ فَناجاكَ بِحاجَتِهِ مُتَذَلِّلاً وَ ناداكَ مُتَضَرِّعًا وَ اَعْتَمَدَ عَلَيْكَ فِي إِجابَتِهِ مُتَوَكِّلاً وَ اَبْتَهَلَ يَدْعُوكَ وَ قَدْ رَقَدَ اَلسّائِلُ وَ اَلْمَسْؤُولُ وَ أُرْخِيَتْ لِلَّيْلِ سُدُولٌ وَ هَدَأَتِ اَلْأَصْواتُ وَطَرَقَ عُيُونَ عِبادِكَ اَلسُّباتُ فَلاٰ يَراهُ غَيْرُكَ وَ لاٰ يَدْعُو إِلاّٰ لَكَ وَ لاٰ يَسْمَعُ نَجْواهُ إِلاّٰ أَنْتَ وَ لاٰ يَلْتَمِسُ طَلِبَتَهُ إِلاّٰ مِنْ عِنْدِكَ وَ لاٰ يَطْلُبُ إِلاّٰ ما عَوَّدْتَهُ مِنْ رِفْدِكَ باتَ بَيْنَ يَدَيْكَ لِمَضْجَعِهِ هاجِرًا وَ عَنِ اَلْغَمْضِ[1] نافِرًا وَ مِنَ اَلْفِراشِ بَعِيدًا وَ عَنِ اَلْكَرىٰ يَصُدُّ صُدُودًا أَخْلَصَ لَكَ قَلْبَهُ وَ ذَهَلَ مِنْ خَشْيَتِكَ لُبُّهُ يَخْشَعُ لَكَ وَ يَخْضَعُ وَ يَسْجُدُ لَكَ وَ يَرْكَعُ وَ يَأْمُلُ مَنْ لاٰ تَخِيبُ فِيهِ اَلْآمالُ وَ يَرْجُو مَوْلاٰهُ اَلَّذِي هُوَ لِمٰا يَشاءُ فَعّالٌ وَ مُوقِنٌ أَنَّهُ لَيْسَ يَقْضِي غَيْرُكَ حاجَتَهُ وَ لاٰ يُنْجِحُ سِواكَ طَلِبَتَهُ فَذاكَ وَ اَللّٰهِ اَلْفائِزُ بِالنَّجاحِ اَلْآخِذُ بِأَزِمَّةِ اَلْفَلاحِ اَلْمُكْتَسِبُ أَوْفَرَ اَلْأَرْباحِ سُبْحانَكَ ياذَاالْقُوَّةِ اَلْقَوِيَّةِ وَ اَلْقِدَمِ[2] اَلْأَزَلِيَّةِ دَلَّتِ اَلسَّماءُ عَلٰى مَدائِحِكَ وَ أَبانَتْ عَنْ عَجائِبِ

---

۱. در «د»: الغموض. ۲. در «م»: و القدرة

صُنْعِكَ زَيَّنْتَها لِلنّاظِرِينَ بِأَحْسَنِ زِينَةٍ وَ حَلَّيْتَها بِأَحْسَنِ حِلْيَةٍ وَمَهَّدْتَ الْأَرْضَ فَفَرَشْتَها وَ أَطْلَعْتَ النَّباتَ وَ أَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِراتِ ماءً ثَجّاجًا لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَ نَباتًا وَ جَنّاتٍ أَلْفافًا فَأَنْتَ رَبُّ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ الْفَلَكِ الدَّوّارِ وَ الشُّمُوسِ وَ الْأَقْمارِ وَ الْبَرارِي وَ الْقِفارِ وَ الْجَداوِلِ «وَ الْأَنْهارِ» وَ الْبِحارِ وَ الْغُيُومِ وَ الْأَمْطارِ وَ الْبادِينَ وَ الْحُضّارِ وَ كُلِّ مايَكْمُنُ[1] لَيْلاً وَ يَظْهَرُ بِنَهارٍ وَ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ بِمِقْدارٍ سُبْحانَكَ يا رَبَّ الْفَلَكِ الدَّوّارِ وَ مُخْرِجَ الثِّمارِ وَ رَبَّ الْمَلَكُوتِ وَ الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ وَ خالِقَ الْخَلْقِ وَ قاسِمَ الرِّزْقِ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهارِ وَ يُكَوِّرُ النَّهارَ عَلَى اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفّارُ.

إِلٰهِي أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَ كَثُرَتْ عُيُوبُهُ وَ قَلَّتْ حَسَناتُهُ وَ عَظُمَتْ سَيِّئاتُهُ وَ كَبُرَتْ[2] زَلّاتُهُ وَ واقِفٌ بَيْنَ يَدَيْكَ نادِمٌ عَلىٰ ما قَدَّمْتُ مُشْفِقٌ بِما أَسْلَفْتُ طَوِيلُ الْأَسىٰ عَلىٰ مافَرَّطْتُ، ما لِي مِنْكَ خَفِيرٌ وَ لا عَلَيْكَ مُجِيرٌ وَ لا مِنْ عَذابِكَ نَصِيرٌ فَإِنَّما أَسْأَلُكَ سُؤالَ وَجِلٍ بِما قَدَّمَ مُقِرٌّ بِمَا اجْتَرَمَ وَ أَنْتَ مَوْلاهُ وَ أَحَقُّ مَنْ رَجاهُ وَ قَدْ عَوَّدْتَنِي الْعَفْوَ وَ الصَّفْحَ فَأَجْرِنِي عَلىٰ جَمِيلِ عَوائِدِكَ عِنْدِي يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّم.[3]

آنگه بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْقُوَّةَ فِي طاعَتِكَ وَ الضَّعْفَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَالْهَرَبَ إِلَيْكَ مِنْكَ وَ التَّقَرُّبَ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضىٰ وَ التَّحَرِّيَ لِكُلِّ مايُرْضِيكَ عَنِّي فِي

---

۱. در «م»: تخفي بالليل ۲. در مصباح: كَثُرَتْ

۳. مصباح المتهجد، ص ۱۹۲ ـ ۱۹۴

«إِسْخاطِكَ» وَإِسْخاطِ خَلْقِكَ اَلْتِماسًا لِرِضاكَ رَبِّ مَنْ أَرْجُوهُ إِذا لَمْ تَرْحَمْنِي وَ مَنْ يَعُودُ عَلَيَّ إِنْ رَفَضْتَنِي أَوْ مَنْ يَنْفَعُنِي عَفْوُهُ إِنْ عاقَبْتَنِي أَوْ مَنْ آمُلُ عَطاياهُ إِنْ حَرَمْتَنِي أَوْ مَنْ يَمْلِكُ كَرامَتِي إِنْ أَهَنْتَنِي أَوْ مَنْ يَضُرُّنِي هَوانُهُ إِنْ أَكْرَمْتَنِي رَبِّ ما أَسْوَءَ فِعْلِي وَ أَقْبَحَ عَمَلِي وَ أَقْسىٰ قَلْبِي وَ أَطْوَلَ أَمَلِي وَ أَقْصَرَ أَجَلِي وَ أَجْرَأَنِي عَلىٰ عِصْيانِ مَنْ خَلَقَنِي رَبِّ ما أَحْسَنَ بَلاءَكَ عِنْدِي وَ أَظْهَرَ نَعْمائَكَ عَلَيَّ كَثُرَتْ مِنْكَ عَلَيَّ اَلنِّعَمُ فَما أُحْصِيها وَ قَلَّ مِنِّي اَلشُّكْرُ فِيما أَوْلَيْتَنِيهِ فَبَطِرْتُ بِالنِّعَمِ وَ تَعَرَّضْتُ لِلنِّقَمِ وَ سَهَوْتُ عَنِ اَلذِّكْرِ وَ رَكِبْتُ اَلْجَهْلَ بَعْدَ اَلْعِلْمِ وَ جُزْتُ مِنَ اَلْعَدْلِ إِلَى اَلظُّلْمِ وَ جاوَزْتُ اَلْبِرَّ إِلَى اَلْإِثْمِ وَ صِرْتُ إِلَى اَللَّهْوِ مِنَ اَلْخَوْفِ وَاَلْحُزْنِ رَبِّ ما أَصْغَرَ حَسَناتِي وَأَقَلَّها فِي كَثْرَةِ ذُنُوبِي وَ ما أَكْثَرَ ذُنُوبِي وَ أَعْظَمَها عَلىٰ صِغَرِ خَلْقِي وَ ضَعْفِ عَمَلِي يارَبِّ ما أَطْوَلَ أَمَلِي وَ أَقْصَرَ أَجَلِي فِي بُعْدِ أَمَلِي وَ ما أَقْبَحَ سَرِيرَتِي فِي عَلانِيَتِي رَبِّ لا حُجَّةَ لِي إِنِ اَحْتَجَجْتُ وَ لا عُذْرَ لِي إِنِ اعْتَذَرْتُ وَ لا شُكْرَ عِنْدِي إِنِ اَبْتَلَيْتُ وَ وَلَّيْتُ إِنْ لَمْ تُعِنِّي عَلىٰ شُكْرِ ما أَوْلَيْتُ وَ ما أَخَفَّ مِيزانِي غَدًا إِنْ لَمْ تُرَجِّحْهُ وَ أَزَلَّ لِسانِي إِنْ لَمْ تُثَبِّتْهُ وَ ما أَشَدَّ سَوادَ وَجْهِي إِنْ لَمْ تُبَيِّضْهُ.

رَبِّ كَيْفَ لِي بِذُنُوبِيَ اَلَّتِي سَلَفَتْ مِنِّي قَدْ هُدَّ لَها أَرْكانِي رَبِّ كَيْفَ لِي طَلَبُ شَهَواتِ الدُّنْيا وَ أَبْكِي عَلىٰ حَمِيمٍ فِيها وَ لاأَبْكِي وَ تَشْتَدُّ حَسَراتِي لِعِصْيانِي وَ تَفْرِيطِي رَبِّ دَعَتْنِي دَواعِي اَلدُّنْيا فَأَجَبْتُها سَرِيعًا وَ رَكَنْتُ إِلَيْها طائِعًا[1] وَ دَعَتْنِي دَواعِي اَلْآخِرَةِ فَتَثَبَّطْتُ عَنْها وَأَبْطَأْتُ فِي اَلْإِجابَةِ وَاَلْمُسارَعَةِ إِلَيْها كَما سارَعْتُ إِلىٰ دَواعِي اَلدُّنْيا وَ حُطامِها اَلْهامِدِ وَ

---

۱. در «د»: و كنت اليها طامعا

نَسيمِهَا ٱلْبائِدِ وَ شَرابِهَا ٱلذّاهِبِ رَبِّ خَوَّفْتَني وَ شَوَّقْتَني وَ ٱحْتَجَجْتَ عَلَيَّ وَ كَفَلْتَ بِرِزْقِي فَأَمِنْتُ خَوْفَكَ وَ تَثَبَّطْتُ عَنْ تَشْوِيقِكَ وَ لَمْ أَتَّكِلْ عَلى ضَمانِكَ وَ تَهاوَنْتُ بِاحْتِجاجِكَ. اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ أَمْنِي مِنْكَ فِي هٰذِهِ ٱلدُّنْيا خَوْفًا وَحَوِّلْ تَثَبُّطِي تَشَوُّقًا[1] وَ تَهاوُنِي بِحُجَّتِكَ فَرَقًا مِنْكَ ثُمَّ رَضِّنِي بِما قَسَمْتَ لِي مِنْ رِزْقِكَ يا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلْعَظِيمِ رِضاكَ عِنْدَ ٱلسَّخْطَةِ وَ ٱلْفُرْجَةَ عِنْدَ ٱلْكُرْبَةِ وَ ٱلنُّورَ عِنْدَ ٱلظُّلْمَةِ وَ ٱلْبَصِيرَةَ عِنْدَ شِدَّةِ ٱلْغَفْلَةِ رَبِّ ٱجْعَلْ جُنَّتِي مِنَ ٱلْخَطايا حَصِينَةً وَ دَرَجاتِي فِي ٱلْجِنانِ رَفِيعَةً وَ أَعْمالِي كُلَّها مُتَقَبَّلَةً وَ حَسَناتِي مُضاعَفَةً زاكِيَةً أَعُوذُ بِكَ مِنَ ٱلْفِتَنِ كُلِّها ما ظَهَرَ مِنْها وَما بَطَنَ وَ مِنْ شَرِّ ٱلْمَطْعَمِ وَ ٱلْمَشْرَبِ وَ مِنْ شَرِّ ما أَعْلَمُ وَ مِنْ شَرِّ ما لا أَعْلَمُ وَ أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَشْتَرِيَ ٱلْجَهْلَ بِالْعِلْمِ أَوِ ٱلْجَفاءَ بِالْحِلْمِ أَوِ ٱلْجَوْرَ بِالْعَدْلِ أَوِ ٱلْقَطِيعَةَ بِالْبِرِّ أَوِ ٱلْجَزَعَ بِالصَّبْرِ أَوِ ٱلضَّلالَةَ بِالْهُدىٰ أَوِ ٱلْكُفْرَ بِالْإِيمانِ.

و باقر ﷺ پس از نماز شب بگفتی:

لا إِلٰهَ إِلَّا ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ ٱلْمُلْكُ وَ لَهُ ٱلْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ ٱلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ يا رَبِّ أَنْتَ نُورُ ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ قِوامُ ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ جَمالُ ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ زَيْنُ ٱلسَّمٰواتِ و ٱلْأَرْضِ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ صَرِيخُ ٱلْمُسْتَصْرِخِينَ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ غِياثُ ٱلْمُسْتَغِيثِينَ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ ٱلْمُضْطَرِّينَ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ ٱلرَّحْمٰنُ «فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ ٱلرَّحِيمُ» فَلَكَ ٱلْحَمْدُ اَللّٰهُمَّ بِكَ يُنْزَلُ كُلُّ حاجَةٍ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ بِكَ إِلٰهِي

---

۱. در «م»: شوقًا

أَنْزَلْتُ حاجَتِيَ اَللَّيْلَةَ فَاقْضِها يا قاضِيَ حَوائِجِ اَلسّائِلِينَ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَلْحَقُّ وَ قَوْلُكَ اَلْحَقُّ وَ وَعْدُكَ اَلْحَقُّ وَ أَنْتَ اَلْمَلِيكُ اَلْحَقُّ أَشْهَدُ أَنَّ لِقاءَكَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلنّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلسّاعَةَ حَقٌّ آتِيَةٌ لاٰ رَيْبَ فِيها وَ أَنَّ اَللّٰهَ يَبْعَثُ[1] مَنْ فِي اَلْقُبُورِ اَللّٰهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ بِكَ خاصَمْتُ وَ إِلَيْكَ حاكَمْتُ فَاغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ وَ ما أَخَّرْتُ وَ ما أَسْرَرْتُ وَ ما أَعْلَنْتُ أَنْتَ اَلْحَقُّ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ.[2]

آنگه سجدهٔ شکر کن و با اخلاص بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ تَضَرُّعِي إِلَيْكَ وَ وَحْشَتِي[3] مِنَ اَلنّاسِ وَ أُنْسِي إِلَيْكَ وَ بِكَ ياكَرِيمُ ياكائِناً قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ وَ يا كائِناً بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ لاٰتَفْضَحْنِي فَإِنَّكَ بِي عالِمٌ وَ لاٰتُعَذِّبْنِي فَإِنَّكَ عَلَيَّ قادِرٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ كَرْبِ اَلْمَوْتِ وَ مِنْ سُوءِ اَلْمَرْجِعِ فِي اَلْقُبُورِ وَ مِنَ اَلنَّدامَةِ يَوْمَ اَلْقِيامَةِ أَسْأَلُكَ عِيشَةً هَنِيئَةً وَ مِيتَةً سَوِيَّةً و مُنْقَلَباً كَرِيماً غَيْرَ مُخْزٍ وَ لاٰ فاضِحٍ. اَللّٰهُمَّ مَغْفِرَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِي وَ رَحْمَتُكَ أَرْجىٰ عِنْدِي مِنْ عَمَلِي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَغْفِرْ لِي يا حَيّاً لاٰيَمُوتُ.

آنگه اندکی آواز بردار و بگوی:

لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ اَللّٰهُ حَقّاً حَقّاً. سَجَدْتُ لَكَ يا رَبِّ تَعَبُّداً وَ رِقّاً يا عَظِيمُ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضاعِفْهُ لِي وَ اَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ جُرْمِي وَ تَقَبَّلْ عَمَلِي يا كَرِيمُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَخِيبَ أَوْ أَحْمِلَ

---

١. در «د» : و أنك تبعث ٢. در «د» و مصباح: أَنْتَ اَلْحَيُّ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ.
٣. در مصباح : و يأسي

ظُلْماً اَللّٰهُمَّ وَما قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَ عَجَزَتْ عَنْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ أَمْرٍ تَعْلَمُ فِيهِ صَلاٰحَ أَمْرِ دُنْيايَ وَ اٰخِرَتِي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ آفْعَلْهُ بِي يٰا لاٰإِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ بِحَقِّ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ بِرَحْمَتِكَ فِي عٰافِيَةٍ. اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْـحَمْدَةُ إِنْ أَطَعْتُكَ وَ لَكَ اَلْحُجَّةُ إِنْ عَصَيْتُكَ لاٰ صُنْعَ لِي وَ لاٰ لِغَيْرِي فِي إِحْسٰانٍ مِنْكَ حٰالَ اَلْحَسَنَةِ يٰا وَلِيَّ اَلْإِحْسٰانِ يٰاكَرِيمُ صَلِّ على مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ صِلْ بِجَمِيعِ مٰا سَأَلْتُكَ «وَسَأَلَكَ» مَنْ بِمَشٰارِقِ اَلْأَرْضِ وَ مَغٰارِبِهٰا مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَ اَلْمُؤْمِنٰاتِ وَ آبْدَأْ بِهِمْ وَ ثَنِّ بِي بِرَحْمَتِكَ يٰارَبَّ اَلْعٰالَمِينَ.

فصل نوزدهم

آنگه دو رکعت سنّت نماز بامداد بکن و وقتش از برآمدن صبح اوّل بود تا آنگه که آفاق آسمان سرخ شود، پس اگر پس از برآمدن سرخی، آن دو رکعت نکرده باشد آن را با پس فریضه گذارد و درین دو رکعت پس از الحمد در اول قل یاأیّها الکافرون خواند و در دوم قل هو اللّه أحد و هر چند که به صبح نزدیکتر بود فاضلتر بود.

چون سلام بدهی برجانب راست بِخُسب و رخ راست بر دست راست نِه و بگوی:

إِسْتَمْسَكْتُ بِعُرْوَةِ اَللّٰهِ اَلْوُثْقىٰ اَلَّتِي لاَانْفِصٰامَ لَهٰا وَآعْتَصَمْتُ[1] بِحَبْلِ اَللّٰهِ اَلْمَتِينِ وَ أَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ اَلْعَرَبِ وَ اَلْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ اَلْجِنِّ وَ اَلْإِنْسِ رَبِّيَ اَللّٰهُ رَبِّيَ اَللّٰهُ رَبِّيَ اَللّٰهُ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اَللّٰهِ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اَللّٰهِ أَطْلُبُ حٰاجَتِي مِنَ اَللّٰهِ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اَللّٰهِ لاٰحَوْلَ وَلاٰقُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اَللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اَللّٰهَ بٰالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اَللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا حَسْبِيَ اَللّٰهُ وَ نِعْمَ اَلْوَكِيلُ وَ نِعْمَ اَلْمَوْلىٰ «وَ نِعْمَ

---

۱ . در «د» : بالعروة الوثقى و اعتصمت ..

اَلنَّصِيرُ».

اَللّٰهُمَّ مَنْ أَصْبَحَ وَ لَهُ حاجَةٌ إلیٰ مَخْلُوقٍ فَإِنَّ حاجَتِي وَ رَغْبَتِي إلَيْكَ وَحْدَكَ لاشَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ لِرَبِّ اَلصَّباحِ «اَلْحَمْدُ لِفالِقِ اَلْإِصْباحِ» اَلْحَمْدُ لِناشِرِ اَلْأَرْواحِ اَلْحَمْدُ لِقاسِمِ اَلْمَعاشِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ جاعِلِ اَللَّيْلِ سَكَنًا وَاَلشَّمْسِ وَاَلْقَمَرِ حُسْبانًا ذٰلِكَ تَقْدِيرُ اَلْعَزِيزِ اَلْعَلِيمِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفِي بَصَرِي نُورًا وَ عَلیٰ لِسانِي نُورًا وَ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ نُورًا وَ مِنْ خَلْفِي نُورًا وَ عَنْ يَمِينِي نُورًا وَ عَنْ شِمالِي نُورًا وَ مِنْ فَوْقِي نُورًا وَ مِنْ تَحْتِي نُورًا وَ عَظِّمْ لِيَ اَلنُّورَ وَ اَجْعَلْ لِي نُورًا أَمْشِي بِهِ فِي اَلنّاسِ وَ لاتَحْرِمْنِي نُورَكَ يَوْمَ أَلْقاكَ.

و آية الكرسي برخوان و هر دو قل أعوذ و إِنَّ فِي خَلْقِ اَلسَّمٰواتِ وَ اَلْأَرْض تا آنجا که إِنَّك لاتُخلفُ اَلْميعاد.[1]

آنگه راست بازنشين و تسبيح زهرا عليها السلام بگوى و صد بار بر محمد و آلش درود فرست.[2]

روايت است هر كه صدبار بر محمد و آلش درود فرستد ميان سنّت و فريضهٔ نماز بامداد، خداى تعالى روى وى ازگرمى آتش نگاه دارد و هر كه صدبار بگويد:

سُبْحانَ رَبِّيَ اَلْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ اَللّٰهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

خداى تعالى وى را بيامرزد و خانه‌اى از براى او در بهشت بنا كند و هر كه بيست و يكبار بخواند قل هو اللّٰه أحد، «خداى تعالى خانه‌اى براى او در بهشت بنا كند. و هر كه چهل بار خواند» خداى تعالى وى را بيامرزد. وبگوى:

اَللّٰهُمَّ اَفْتَحْ لِي بابَ اَلْأَمْرِ اَلَّذِي فِيهِ اَلْيُسْرُ وَ اَلْعافِيَةُ اَللّٰهُمَّ هَيِّءْ لِي سَبِيلَهُ

---

۱. آل عمران: ۱۹۰ ــ ۱۹۴

۲. مصباح المتهجد، ص ۱۷۹ ــ ۱۸۰

وَ بَصِّرْنِي مَخْرَجَهُ. اَللّٰهُمَّ وَ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ مَقْدُرَةً بِسُوءٍ فَخُذْهُ عَنِّي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمٰالِهِ وَ مِنْ تَحْتِ قَدَمَيْهِ وَ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَ اكْفِنِيهِ بِمٰا شِئْتَ «مِنْ حَيْثُ شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ.»[1]

وهفت بار بگوی:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

وسجده کن و بگوی درو:

يٰا خَيْرَ الْمَسْؤُولِينَ وَ يٰا أَجْوَدَ الْمُعْطِينَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ ارْزُقْنِي وَ ارْزُقْ عِيٰالِي مِنْ فَضْلِكَ إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ.

و اگر صبح صادق برآید و نماز شب نکرده باشی، سنّت و فریضهٔ بامداد بگزار آنگه نماز شب را قضا کن و اگر صبح نزدیک بود دو رکعت نماز شفع[2] بکن و پس از آنْ وتر کن آنگه سنّت وفریضهٔ بامداد بگزار، آنگه هشت رکعت نماز قضا کن. و اگر صبح برآید و چهار رکعت از نماز شب گزارده باشی آن را سبک فراگیر، «آنگه فریضه بگزار و اگر پس از آن که وتر کرده باشی بیادت آمد که از نماز شب دو رکعت نکرده‌ای آن دو رکعت قضا کن و وتر را بکن، فضلیت را» آنگه به مسجد شو که نماز فریضه در مسجد و در جماعت فاضلتر بود خاصّه نماز صبح، و نماز سنّت در خانه فاضلتر بود خاصّه نماز شب.

فصل بیستم در نماز صبح و دعاهای وی

چون صبح صادق بینی سر بسوی آسمان بردار و بگوی:

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۱۸۰

۲. در «د» : نماز شب

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبُّنٰا وَ وَلِيُّنٰا وَ صٰاحِبُنٰا فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ تَفَضَّلْ عَلَيْنٰا بِمٰا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَنْقِذْنٰا مِمّٰا نَحْنُ أَهْلُهُ اَللّٰهُمَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ اَلصّٰالِحٰاتُ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتْمِمْهٰا عَلَيْنٰا.

آنگه سه بار بگوی:

عٰائِذًا بِاللّٰهِ مِنَ اَلنّٰارِ.

و سه بار بگوی:

يٰا فٰالِقَهُ مِنْ حَيْثُ لاٰ أَرٰى وَ مُخْرِجَهُ مِنْ حَيْثُ أَرٰى فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِنٰا هٰذٰا صَلاٰحًا وَ أَوْسَطَهُ فَلاٰحًا وَ اٰخِرَهُ نَجٰاحًا.

پس بگوی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فٰالِقِ اَلْإِصْبٰاحِ سُبْحٰانَ اَللّٰهِ رَبِّ اَلْمَسٰآءِ وَ اَلصَّبٰاحِ اَللّٰهُمَّ أَصْبِحْ اٰلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَةٍ وَ عٰافِيَةٍ وَ سُرُورٍ وَ قُرَّةِ عَيْنٍ وَ رِزْقٍ وٰاسِعٍ «وَ صَبِّحْنِي وَ أَهْلِي بِبَرَكَةٍ وَ عٰافِيَةٍ وَ سُرُورٍ وَ قُرَّةِ عَيْنٍ وَ رِزْقٍ وٰاسِعٍ» اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تُنْزِلُ فِي اَللَّيْلِ وَ اَلنَّهٰارِ مٰا تَشٰآءُ فَأَنْزِلْ عَلَيَّ وَ عَلٰى أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَرَكَةِ اَلسَّمٰوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ رِزْقًا وٰاسِعًا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ.

پس از بانگ نماز بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبٰالِ نَهٰارِكَ وَ إِدْبٰارِ لَيْلِكَ وَ حُضُورِ صَلَوٰاتِكَ وَ أَصْوٰاتِ دُعٰاتِكَ وَ حُضُورِ[1] مَلاٰئِكَتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ اَلتَّوّٰابُ الرَّحِيمُ. «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ اَلْمَلاٰئِكَةِ وَ

---

۱. در «د»: و تسبيح

ٱلرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ».[۱]

آنگه دو رکعت نماز بکن بر ترتیبی که برفت و قراءت درو بلند بخوان و چون روز دوشنبه یا پنجشنبه بود در اوّل رکعت پس از الحمد، هل أتی خوان ودر دوم هل أتيك و اگر روز آدینه بود در اول الحمد خوان و سورة الجمعة[۲] و در دوم قل هو الله أحد یا اذا جاءك ٱلمنافقون قالوا نشهد إنّك و در قنوت پس از کلمات فرج بگوی:

يا اَللّٰهُ اَلَّذِي لَيسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ اَلسَّمِيعُ اَلْبَصِيرُ[۳] أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَهُمْ. اَللّٰهُمَّ مَنْ كانَ أَصْبَحَ وَ ثِقَتُهُ وَ رَجاءُهُ غَيْرُكَ فَأَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجآئِي فِي اَلْأُمُورِ كُلِّها يا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ وَ يا أَرْحَمَ مَنِ اَسْتُرْحِمَ اِرْحَمْ ضَعْفِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَاَمْنُنْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ طَوْلاً مِنْكَ وَ فُكَّ رَقَبَتِي مِنَ اَلنّارِ وَ عافِنِي فِي نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّها بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ.

و از تعقیباتی که خاص است بدین نماز، آنست که سه بار یا چهار بار بگویی پیش از آنکه سخن گویی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ[۴] مِلأَ اَلْمِيزانِ وَ مُنْتَهىٰ «الْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ» اَلرِّضا وَ زِنَةَ اَلْعَرْشِ وَ سُبْحانَ اَللّٰهِ مِلأَ اَلْمِيزانِ وَ مُنْتَهىٰ اَلْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ اَلرِّضا وَ زِنَةَ اَلْعَرْشِ وَ اَللّٰهُ أَكْبَرُ مِلأَ اَلْمِيزانِ وَ مُنْتَهىٰ اَلْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ اَلرِّضا وَ زِنَةَ اَلْعَرْشِ وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ مِلأَ اَلْمِيزانِ وَمُنْتَهىٰ اَلْعِلْمِ وَ مَبْلَغَ الرِّضا وَ زِنَةَ اَلْعَرْشَ.

آنگه بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ اَلْعَبْدِ اَلذَّلِيلِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ

---

۱. داخل گیومه در «د» نیامده است. مصباح المتهجد، ص ۱۹۸ ـ ۱۹۹

۲. در «د» : کهف ۳. در «د» : العلیم. ۴. در «م» : سُبْحانَ اللّٰهِ

أَنْ تَغْفِرَ لَنٰا ذُنُوبَنٰا وَ تَقْضِيَ لَنٰا حَوٰائِجَنٰا فِي ٱلدُّنْيٰا وَ ٱلْآخِرَةِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عٰافِيَةٍ.

و سه بار بگوی:

سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ كُلَّمٰا سَبَّحَ ٱللّٰهَ شَيْءٌ وَ كَمٰا يُحِبُّ ٱللّٰهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمٰا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلاٰلِهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمٰا حَمِدَ ٱللّٰهَ شَيْءٌ وَ كَمٰا يُحِبُّ ٱللّٰهُ أَنْ يُحْمَدَ وَ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمٰا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلاٰلِهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ ٱللّٰهُ كُلَّمٰا هَلَّلَ ٱللّٰهَ شَيْءٌ وَ كَمٰا يُحِبُّ ٱللّٰهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمٰا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلاٰلِهِ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ كُلَّمٰا كَبَّرَ ٱللّٰهَ شَيْءٌ وَ كَمٰا يُحِبُّ ٱللّٰهُ أَنْ يُكَبَّرَ وَ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ كَمٰا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلاٰلِهِ وَ سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ و ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ ٱللّٰه وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ عَدَدَ[1] كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهٰا عَلَيَّ وَ عَلٰى كُلِّ أَحَدٍ «مِنْ خَلْقِهِ» مِمَّنْ كٰانَ أَوْ يَكُونُ إِلٰى يَوْمِ ٱلْقِيٰامَةِ.

آنگه بگوی:

سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَ مِثْلَهُ وَ مِدٰادَ كَلِمٰاتِهِ وَ مِثْلَهُ وَ «عَدَدَ خَلْقِهِ وَ مِثْلَهُ مِلأَ سَمٰوٰاتِهِ وَ مِثْلَهُ وَ» مِلأَ أَرْضِهِ وَ مِثْلَهُ وَ عَدَدَ مٰا أَحْصٰى كِتٰابُهُ وَ مِثْلَهُ وَ عَدَدَ ذٰلِكَ أَضْعٰافًا وَ أَضْعٰافَهُ أَضْعٰافًا مُضٰاعَفَةً لاٰ يُحْصِي تَضٰاعِيفَهٰا أَحَدٌ غَيْرُهُ وَ مِثْلَهُ.

از امام محمّد باقر عليه السلام روايتست كه، هر كه اين دعا پس از نماز بامداد بخواند هيچ حاجتى نخواهد الاّكه ميسّر شود و خداى تعالى مهمّ وى كفايت كند:

---

۱. در «د»: على

بِسْمِ اَللّٰهِ وَصَلَّى اَللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ أُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اَللّٰهِ إِنَّ اَللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبٰادِ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ سُبْحٰانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ اَلظّٰالِمِينَ. حَسْبُنَا اَللّٰهُ وَ نِعْمَ اَلْوَكِيلُ مٰا شٰاءَ اَللّٰهُ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ. مٰا شٰاءَ اَللّٰهُ لاٰ مٰا شٰاءَ اَلنّٰاسُ. مٰا شٰاءَ اَللّٰهُ وَ إِنْ كَرِهَ اَلنّٰاسُ. حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ اَلْمَرْبُوبِينَ. حَسْبِيَ اَلْخٰالِقُ مِنَ اَلْمَخْلُوقِينَ. حَسْبِيَ اَلرّٰازِقُ مِنَ اَلْمَرْزُوقِينَ. حَسْبِيَ اللّٰهُ اَلَّذِي لَمْ يَزَلْ. حَسْبِي حَسْبِي مَنْ كٰانَ مُنْذُ كُنْتُ. حَسْبِي حَسْبِيَ اَللّٰهُ اَلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ. عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ اَلْعَرْشِ اَلْعَظِيمِ.

و از ائمّه علیهم السلام روایتست که هر که این کلمات بگوید پس از نماز بامداد، و در آن روز بمیرد، در بهشت شود، ان شاء الله، و هر که پس از نماز شام بگوید و در آن شب بمیرد به بهشت شود، ان شاء الله:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَكَفىٰ بِكَ شَهِيدًا وَأُشْهِدُ مَلاٰئِكَتَكَ اَلْمُقَرَّبِينَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ اَلْمُكَرَّمِينَ وَ أَوْلِيٰائَكَ اَلْمُصْطَفَيْنَ أَنَّكَ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحِيمُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ اَلْحُجَّةَ بْنَ اَلْحَسَنِ إِمٰامِي وَ وَلِيِّي وَ أَنَّ رَسُولَ اَللّٰهِ وَ أَمِيرَالْمُؤْمِنِينَ وَ فٰاطِمَةَ وَ اَلْحَسَنَ وَ اَلْحُسَيْنَ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسىٰ وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ اَلْخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِ أَئِمَّتِي وَ أَوْلِيٰائِي عَلىٰ ذٰلِكَ أَحْيىٰ وَ عَلىٰ ذٰلِكَ أَمُوتُ وَ عَلىٰ ذٰلِكَ أُبْعَثُ إِنْ شٰآءَ اَللّٰهُ يَوْمَ اَلْقِيٰامَةِ وَ إِنِّي أَبْرَءُ إِلَيْكَ مِنَ اَلْجِبْتِ وَ اَلطّٰاغُوتِ وَ اَللاّٰتِ وَ اَلْعُزّٰى وَ مَنٰاةَ اَلثّٰالِثَةِ اَلْأُخْرىٰ.[۱]

از پس این دعا بگوی که مروی از صادق علیه السلام است:

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ أَحْمَدُكَ وَ أَسْتَعِينُكَ أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ أَصْبَحْتُ عَلىٰ

---

۱ . نک: مصباح المتهجد، ص ۲۳۸ ـ ۲۳۹

عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ أُومِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوفِي بِعَهْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ، أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَصْبَحْتُ عَلٰى فِطْرَةِ الْإِسْلاٰمِ وَ كَلِمَةِ الْإِخْلاٰصِ وَ مِلَّةِ إِبْرٰاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ عَلٰى ذٰلِكَ أَحْيٰى وَ عَلَيْهِ أَمُوتُ إِنْ شٰاءَ اللّٰهُ أَبْتَغِي بِذٰلِكَ رِضْوٰانَكَ وَاتِّبٰاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ عَلٰى ذٰلِكَ أَحْيٰى وَ عَلَيْهِ أَمُوتُ إِلَيْكَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي.

اَللّٰهُمَّ أَحْيِنِي مٰا أَحْيَيْتَنِي عَلٰى ذٰلِكَ وَ أَمِتْنِي إِذٰا أَمَتَّنِي عَلٰى ذٰلِكَ وَ ابْعَثْنِي إِذٰا بَعَثْتَنِي عَلٰى ذٰلِكَ اٰلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَئِمَّتِي لَيْسَ لِي أَئِمَّةٌ غَيْرُهُمْ بِهِمْ اٰتَمُّ وَ إِيّٰاهُمْ أُوٰالِي وَ بِهِمْ أَقْتَدِي فَاجْعَلْهُمْ أَوْلِيٰائِي فِي الدُّنْيٰا وَ الْاٰخِرَةِ وَ اجْعَلْنِي أُوٰالِي وَلِيَّهُمْ وَ أُعٰادِي عَدُوَّهُمْ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُمْ أَئِمَّتِي فِي الْاٰخِرَةِ وَ أَلْحِقْنِي بِهِمْ.

پس بگوى:

اَللّٰهُمَّ أَحْيِنِي عَلٰى مٰا أَحْيَيْتَ عَلَيْهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طٰالِبٍ عليه السلام وَ أَمِتْنِي عَلٰى مٰا مٰاتَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طٰالِبٍ عليه السلام.

پس بگوى :

يٰا اللّٰهُ يٰا لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعٰالِ وَ الْكِبْرِيٰاءُ رِدٰاءُكَ أَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِجُودِكَ الَّذِي أَنْتَ أَهْلُهُ يٰا اللّٰهُ «أَسْأَلُكَ» بِرَحْمَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهٰا أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ جَزِيلِ مٰا أَعْطَيْتَ أَوْلِيٰاءَكَ مٰا اٰمَنُ بِهِ مِنْ عِقٰابِكَ وَ أَسْتَوْجِبُ بِهِ كَرٰامَتَكَ فَإِنَّ فِي عَطٰائِكَ خَلَفًا مِنْ مَنْعِ غَيْرِكَ وَ لَيْسَ فِي مَنْعِكَ خَلَفٌ مِنْ عَطٰاءِ غَيْرِكَ. يٰا

سامِعَ كُلِّ صَوْتٍ يا جامِعَ كُلِّ فَوْتٍ ياباريَ ٱلنُّفُوسِ بَعْدَ ٱلْمَوْتِ يا مَنْ لاتَتَشابَهُ عَلَيْهِ ٱلْأَصْواتُ وَ لاتَغْشاهُ ٱلظُّلُماتُ يا مَنْ لايَشْغَلُهُ شَيْءٌ عَنْ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَ تُعْطِيَنِي سُؤْلِي فِي دُنْيايَ وَ آخِرَتِي يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

[دعای عهد]

و بگوی دعای عهد:

اَللّٰهُمَّ فاطِرَ ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ عالِمَ ٱلْغَيْبِ وَ ٱلشَّهادَةِ ٱلرَّحْمٰنُ ٱلرَّحِيمُ. إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دارِ ٱلدُّنْيا أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ ٱلسّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَ أَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي ٱلْقُبُورِ وَ أَنَّ ٱلْحِسابَ حَقٌّ وَ أَنَّ ٱلْجَنَّةَ حَقٌّ وَ ما وُعِدَ فِيها مِنَ ٱلنِّعَمِ[1] مِنَ ٱلْمَأْكَلِ وَ ٱلْمَشْرَبِ وَ ٱلنِّكاحِ «حَقٌّ وَ ما وَعَدَ فِيها مِنَ ٱلنَّعِيمِ» «وَ أَنَّ ٱلنّارَ حَقٌّ» وَ أَنَّ ٱلْإِيمانَ حَقٌّ كَما وَصَفْتَ وَ أَنَّ ٱلْإِسْلامَ حَقٌّ كَما شَرَعْتَ وَ أَنَّ ٱلْقَوْلَ كَما قُلْتَ وَ أَنَّ ٱلْقُرْآنَ كَما أَنْزَلْتَ وَ أَنَّكَ أَنْتَ ٱللّٰهُ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبِينُ وَ إِنِّي أَعْهَدُ إِلَيْكَ فِي دارِ ٱلدُّنْيا أَنِّي رَضِيتُ بِاللّٰهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلامِ دِينًا وَ بِالْقُرْآنِ كِتابًا وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ نَبِيًّا وَ بِعَلِيٍّ وَلِيًّا وَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ أَئِمَّتِي اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَ رَجائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَ عُدَّتِي عِنْدَ ٱلْأُمُورِ ٱلَّتِي تَنْزِلُ بِي وَ أَنْتَ وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَ إِلٰهِي وَ إِلٰهُ آبائِي صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ لاتَكِلْنِي إِلى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَ آنِسْ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَ ٱجْعَلْ لِي

---

۱ . در «د» : النعيم.

عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ أَلْقاكَ مَنْشُورًا.

[دعای درخواست روزی]

وبگوی طلب روزی را:

تَوَكَّلْتُ عَلَى ٱلْحَيِّ ٱلَّذِي لايَمُوتُ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي ٱلْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ ٱلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ ٱلْبُؤْسِ وَ ٱلْفَقْرِ وَ مِنْ غَلَبَةِ ٱلدَّيْنِ وَأَعِنِّي عَلٰى أَداءِ حَقِّكَ إِلَيْكَ وَ إِلَى ٱلنّاسِ يا قاضِيَ ٱلْحاجاتِ يا مُنَفِّسَ ٱلْكُرُباتِ يا وَلِيَّ ٱلرَّغَباتِ يامُعْطِيَ ٱلسُّؤْلاتِ يا كافِيَ ٱلْمُهِمّاتِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱكْفِنِي هَمِّي وَ ٱقْضِ لِي دَيْنِي. اَللّٰهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَ أَغْنِنِي بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِواكَ.

وبگوی هم درین معنی:

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تُنْزِلُ فِي ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهارِ ما شِئْتَ فَأَنْزِلْ عَلَيَّ وَ عَلٰى إِخْوانِي وَأَهْلِي و أَهْلِ حُزانَتِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوانِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ رِزْقِكَ ٱلْواسِعِ ما تَجْعَلُهُ قِوامًا لِدِينِي وَ دُنْيايَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ٱلْواسِعِ ٱلْفاضِلِ ٱلْمُفْضِلِ رِزْقًا واسِعًا حَلالاً طَيِّبًا بَلاغًا لِلْاٰخِرَةِ وَ ٱلدُّنْيا هَنِيئًا مَرِيئًا صَبًّا صَبًّا مِنْ غَيْرِ مَنٍّ مِنْ أَحَدٍ إِلاَّ سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ وَ طَيِّبًا مِنْ رِزْقِكَ وَ حَلالاً مِنْ وُسْعِكَ تُغْنِينِي بِهِ عَنْ خَلْقِكَ مِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ يَدِكَ ٱلْمَلْىٰ أَسْأَلُ وَ مِنْ خَيْرِكَ أَسْأَلُ يا مَنْ بِيَدِهِ ٱلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ نَفْحَةً مِنْ نَفَحاتِ رِزْقِكَ تَجْعَلُها عَوْنًا لِي فِي نَفْسِي وَ دُنْيايَ وَ اٰخِرَتِي. اَللّٰهُمَّ

اَفْتَحْ لِي وَ لِأَهْلِ بَيْتِي بابَ رَحْمَتِكَ وَ رِزْقًا مِنْ عِنْدِكَ.
اَللّٰهُمَّ لاٰ تَحْظُرْ عَلَيَّ رِزْقِي وَ لاٰ تَجْعَلْنِي مُحارِفًا وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَخافُ مَقامَكَ وَ يَخافُ وَعيدَكَ وَ يَرْجُو لِقاءَكَ وَ يَرْجُو أَيّامَكَ وَ اجْعَلْنِي أَتُوبُ إِلَيْكَ تَوْبَةً نَصُوحًا وَ ارْزُقْنِي عَمَلاً مُتَقَبَّلاً وَ عَمَلاً نَجِيحًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا وَ تِجارَةً لَنْ تَبُورَ.

و بگوی:

اَللّٰهُمَّ اهْدِنا مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيْنا مِنْ فَضْلِكَ وَ اسْدُدْ فَقْرَنا بِقُدْرَتِكَ وَ انْشُرْ عَلَيْنا رَحْمَتَكَ وَ اكْفُفْ وُجُوهَنا بِحَوْلِكَ وَ طَوْلِكَ وَ تَغَمَّدْ ظُلْمَنا بِعَفْوِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ الْعِصْمَةَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ النَّجاةَ مِنَ النّارِ.
اَللّٰهُمَّ لاٰ تَدَعْ لَنا ذَنْبًا إِلاّ غَفَرْتَهُ وَ لاٰ هَمًّا إِلاّ فَرَّجْتَهُ وَ لاٰ حاجَةً إِلاّ قَضَيْتَها اَللّٰهُمَّ إِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ ما سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهارِ. اَللّٰهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِحِلْمِكَ وَ فَقْرِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِغِناكَ وَ وَجْهِي الْبالِي الْفانِي أَصْبَحَ مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْباقِي الدّائِمِ الَّذِي لاٰ يَفْنىٰ. عَزَّ جارُكَ وَ جَلَّ ثَناؤُكَ وَ لاٰ إِلٰهَ غَيْرُكَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

آنگه الحمد بر خوان و هر دو قل أعوذُ و قل هو الله هریکی ده بار و بگوی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ ده بار.

و ده بار درود بر پیغمبر و آلش فرست و بگوی:

اَللّٰهُمَّ اذْكُرْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ لاٰ تَذْكُرْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَ ارْزُقْنِي رَهْبَةً مِنْكَ أَبْلُغُ بِها أَقْصىٰ رِضْوانِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي بِطاعَتِكَ بِما أَسْتَحِقُّ بِهِ جَنَّتَكَ وَ قَدِيمَ

غُفْرانِكَ. اَللّٰهُمَّ اَجْعَلْ كَدّي في طاعَتِكَ وَ رَغْبَتِي في خِدْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ ما بِنا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ لاَ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ وَحْدَكَ لا شَرِيكَ لَكَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.

و بگوی دستها برداشته مروی از صادق عليه السلام :

أَصْبَحْنا وَ أَصْبَحَ اَلْمُلْكُ لِلّٰهِ، اَللّٰهُمَّ إِنّا عَبِيدُكَ وَ أَبْناءُ عَبِيدِكَ. اَللّٰهُمَّ اَحْفَظْنا مِنْ حَيْثُ نَحْتَفِظُ وَ مِنْ حَيْثُ لانَحْتَفِظُ. اَللّٰهُمَّ اَحْرُسْنا مِنْ حَيْثُ نَحْتَرِسُ وَ مِنْ حَيْثُ لانَحْتَرِسُ، اَللّٰهُمَّ اَسْتُرْنا مِنْ حَيْثُ نَسْتَتِرُ وَ مِنْ حَيْثُ لانَسْتَتِرُ. اَللّٰهُمَّ اَسْتُرْنا بِالْغِنىٰ وَ اَلْعافِيَةِ، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا اَلْعافِيَةَ وَ اَرْزُقْنا اَلشُّكْرَ عَلَيْها.

و روایتست از باقر عليه السلام که هر که روزی یکبار بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِعَدَدِ كُلِّ شَيْءٍ يَعْلَمُهُ مِائَتَيْ أَلْفِ ضِعْفٍ وَ اَللّٰهُ أَكْبَرُ بِعَدَدِ كُلِّ شَيْءٍ يَعْلَمُهُ مِائَتَيْ أَلْفِ ضِعْفٍ وَ سُبْحانَ اَللّٰهِ بِعَدَدِ كُلِّ شَيْءٍ يَعْلَمُهُ مِائَتَيْ أَلْفِ ضِعْفٍ «وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ بِعَدَدِ كُلِّ شَيْءٍ يَعْلَمُهُ مِائَتَيْ أَلْفِ ضِعْفٍ» وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كِلِّ شَيْءٍ يَعْلَمُهُ مِائَتَيْ أَلْفِ ضِعْفٍ.

جملهٔ فرشتگان که در هفت آسمانند آنرا بنویسند تا آنکه که گویندهٔ آن را از گور برانگیزند همه به نزدیك او آیند و او را برگیرند و شادکام می‌برند تا که به بهشت فردوس بنهند، امن از حساب و ترس و هولها ان شاء الله تعالی.

و بگوی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لايَنْسىٰ مَنْ ذَكَرَهُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لايُخَيِّبُ مَنْ دَعاهُ، «اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لايَقْطَعُ رَجاءَ مَنْ رَجاهُ» . اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لايَذِلُّ مَنْ والاهُ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي يَجْزِي بِالْإِحْسانِ إِحْسانًا وَ بِالصَّبْرِ نَجاةً وَ اَلْحَمْدُ

لِلّٰهِ اَلَّذِي هُوَ ثِقَتُنٰا حِينَ تَنْقَطِعُ اَلْحِيَلُ عَنّٰا وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي هُوَ رَجٰاؤُنٰا حِينَ يَسُوءُ ظَنُّنٰا بِأَعْمٰالِنٰا وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفٰاهُ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي يَغْدُو عَلَيْنٰا وَ يَرُوحُ بِنِعْمَتِهِ وَ نَظَلُّ فِيهٰا وَ نَبِيتُ بِرَحْمَتِهِ سٰاكِنِينَ وَ نُصْبِحُ بِرَحْمَتِهِ مُعٰافِينَ فَلَهُ اَلْحَمْدُ وَ اَلْمَنُّ وَ اَلْفَضْلُ كَثِيرًا، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي خَلَقَنِي فَأَحْسَنَ خَلْقِي وَ صَوَّرَنِي فَأَحْسَنَ صُورَتِي وَ أَدَّبَنِي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي وَ عَلَّمَنِي فَأَحْسَنَ تَعْلِيمِي وَبَصَّرَنِي دِينَهُ وَ أَسْبَغَ عَلَيَّ نِعَمَهُ وَ بَسَطَ عَلَيَّ رِزْقَهُ وَ كَفٰانِيَ اَلْمُهِمّٰاتِ فَلَهُ اَلْحَمْدُ عَلٰى كُلِّ حٰالٍ كَثِيرًا وَ لَهُ اَلْمَنُّ فٰاضِلاً وَ بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصّٰالِحٰاتُ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ خٰالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْدًا لاٰ نِهٰايَةَ لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْدًا لاٰ أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْدًا لاٰ أَجْرَ لِقٰائِلِهِ دُونَ رِضٰاكَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ وَ إِلَيْكَ اَلْمُشْتَكٰى وَ أَنْتَ اَلْمُسْتَعٰانُ اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ كَمٰا أَنْتَ أَهْلُهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِمَحٰامِدِهِ كُلِّهٰا عَلٰى نَعْمٰائِهِ كُلِّهٰا حَتّٰى يَنْتَهِيَ اَلْحَمْدُ إِلٰى مٰا تُحِبُّ رَبَّنٰا وَ تَرْضٰى، اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ كَمٰا تَقُولُ وَ فَوْقَ مٰايَقُولُ اَلْقٰائِلُونَ وَ كَمٰا يُحِبُّ رَبُّنٰا أَنْ يُحْمَدَ[1].

آنگه بگوی:

أُعِيذُ نَفْسِي وَ مٰالِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ مٰا رَزَقَنِي رَبِّي وَ كُلَّ مٰا يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللّٰهِ اَلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ تا آخر آیت.

آنگه آیت سَخره برخوان و آن سه آیت‌است از سورهٔ اعراف: إِنَّ رَبَّكُمُ اَللّٰهُ اَلَّذِي تا آنجا که إِنَّ رَحْمَةَ اَللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ اَلْمُحْسِنِينَ،[2] و دو آیت آخر کهف: قُلْ لَوْ كٰانَ اَلْبَحْرُ مِدٰادًا

---

۱. در «د» : نحمده. مصباح المتهجد، ص ۲۰۲

۲. اعراف : ۵۴، ۵۶

تا آخر و سه[1] آیت از اوّل وَالصّافّاتِ صَفًّا و از آخر آن: سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ تا آخر و سه آیت از الرحمن از آنجا که يامَعْشَرَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنْسِ[2] تا آخر آیت و آخر الحشر: لَوْ أَنْزَلْنا هٰذَا ٱلْقُرْآنَ عَلىٰ جَبَلٍ تا آخر سورت.

پس بگوی:

أُعِيذُ نَفْسِي وَ مالِي وَ وَلَدِي وَ ما رَزَقَنِي رَبِّي وَ كُلَّ ما يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِاللّٰهِ ٱلْواحِدِ ٱلصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ وَ بِرَبِّ ٱلْفَلَقِ تا آخر و بِرَبِّ ٱلنّاسِ تا آخر.[3]

آنگه بگوی:

أُعِيذُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مالِي وَ وَلَدِي وَ ما رَزَقَنِي رَبِّي وَ كُلَّ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِعِزَّةِ ٱللّٰهِ وَ بِعَظَمَةِ ٱللّٰهِ وَ قُدْرَةِ ٱللّٰهِ وَ جَلالِ ٱللّٰهِ وَ كَمالِ ٱللّٰهِ وَ سُلْطانِ ٱللّٰهِ وَ غُفْرانِ ٱللّٰهِ وَ مَنِّ ٱللّٰهِ وَ عَفْوِ ٱللّٰهِ وَ حِلْمِ ٱللّٰهِ وَ جَمْعِ ٱللّٰهِ وَ رَسُولِ ٱللّٰهِ وَ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ ٱللّٰهِ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْ شَرِّ ٱلسّامَّةِ وَٱلْهامَّةِ وَ ٱلْعامَّةِ وَٱللّامَّةِ وَ مِنْ شَرِّ طَوارِقِ ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبِّي أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ.
أُعِيذُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ وَلَدِي وَ مَنْ يَعْنِينِي أَمْرُهُ بِكَلِماتِ ٱللّٰهِ ٱلتّامّاتِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطانٍ وَ هامَّةٍ وَ كُلِّ عَيْنٍ لامَّةٍ.[4]

و روایتست از صادق علیه‌السلام که گفت: پدرم علیه‌السلام چون از دعای بامداد فارغ شدی بگفتی:

يا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ ٱلْوَرِيدِ يا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ يا مَنْ

---

۱. در «د»: سه ۲. الرحمن: ۳۳ ۳. مصباح المتهجد، ص ۲۰۴
۴. مصباح المتهجد، ص ۲۰۴ _ ۲۰۵

هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ يا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ يا أَجْوَدَ مَنْ سُئِلَ يا أَوْسَعَ مَنْ أَعْطىٰ يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ يا أَفْضَلَ مُرْتَجىٰ يـا أَسْمَـعَ ٱلسّامِعِينَ وَ يا أَبْصَرَ ٱلنّاظِرِينَ وَ يا أَسْرَعَ ٱلْحاسِبِينَ وَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ وَ يا أَحْكَمَ ٱلْحاكِمِينَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَوْسِعْ عَـلَيَّ فِي رِزْقِي وَٱمْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَٱنْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَٱجْعَلْنِي مِمَّـنْ تَـنْتَصِرُ بِـهِ لِدِينِكَ وَ لا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي ٱللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَكَفَّلْتَ بِرِزْقِي وَ رِزْقِ كُلِّ دابَّةٍ أَوْسِعْ عَلَيَّ وَ عَلىٰ عِيالِي مِنْ رِزْقِكَ ٱلْواسِعِ ٱلْحَلالِ وَ ٱكْفِنا مِـنَ ٱلْـفَقْرِ مَرْحَبًا بِالْحافِظِينَ.

پس بگوی:

وَ حَيّاكُمَا ٱللّٰهُ مِنْ كاتِبَيْنِ ٱكْتُبا بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ رَحِمَكُمَا ٱللّٰهُ إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَـمَّدًا عَـبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ ٱلْإِسْـلامَ كَـما وَصَـفَ وَ أَنَّ ٱلدِّيـنَ كَـما شَرَعَ وَ أَنَّ ٱلْكِتابَ كَما أَنْزَلَ وَ أَنَّ ٱلْقَوْلَ كَما حَدَّثَ وَ أَنَّ ٱللّٰهَ هُوَ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبِينُ. ٱللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَنِّي أَفْضَلَ ٱلتَّحِيَّةِ وَ أَفْضَلَ ٱلسَّلامِ أَصْبَحْتُ لِرَبِّي حامِدًا وَ رَبِّي مَحْمُودٌ وَ أَصْبَحْتُ لا أُشْرِكُ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَ لا أَدْعُو مَعَ ٱللّٰهِ أَحَدًا وَ لا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيًّا أَصْبَحْتُ عَبْدًا مَمْلُوكًا لا أَمْلِكُ إِلاَّ ما مَلَّكَنِي رَبِّي أَصْبَحْتُ لا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَسُوقَ إِلىٰ نَفْسِي خَـيْرَ مـا أَرْجُـوهُ وَ لا أَنْ أَصْرِفَ عَنْها شَرَّ ما أَحْذَرُ أَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي أَصْبَحْتُ فَقِيرًا لا أَحَدَ أَفْقَرُ مِنِّي بِاللّٰهِ أُصْبِحُ وَ بِاللّٰهِ أُمْسِي وَ بِاللّٰهِ أَحْيىٰ وَ بِاللّٰهِ أَمُوتُ وَ إِلَيْهِ ٱلنُّشُورُ.

و پیغمبر ﷺ پس از نماز بامداد بگفتی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلْهَمِّ وَ اَلْحُزْنِ وَ اَلْعَجْزِ وَ اَلْكَسَلِ وَ اَلْبُخْلِ وَ اَلْجُبْنِ وَ ضَلَعِ اَلدَّيْنِ وَ غَلَبَةِ اَلدَّجّالِ وَ بَوارِ اَلْأَيّامِ وَ اَلْغَفْلَةِ وَ اَلذِّلَّةِ «وَ اَلْفَتْرَةِ» وَ اَلْقَسْوَةِ «وَ اَلْعَيْلَةِ» وَ اَلْمَسْكَنَةِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لاٰتَشْبَعُ وَ مِنْ قَلْبٍ لاٰيَخْشَعُ وَ مِنْ دُعٰاءٍ لاٰيُسْمَعُ وَ مِنْ صَلٰوةٍ لاٰتُرْفَعُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَمْرَأَةٍ تُشَيِّبُنِي قَبْلَ أَوٰانِ مَشِيبِي وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ عَلَيَّ عَذٰابًا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ مٰالٍ يَكُونُ عَلَيَّ عذابًا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ صٰاحِبِ خَدِيعَةٍ إِنْ رَأٰى حَسَنَةً دَفَنَهٰا وَ إِنْ رَأٰى سَيِّئَةً أَفْشٰاهٰا. اَللّٰهُمَّ لاٰتَجْعَلْ لِفٰاجِرٍ عِنْدِي يَدًا وَ لاٰ مِنَّةً.

و روایتست از صادق عليه السلام كه در استخاره گفت: چون نماز بامداد بكردى دستها برابر روى بردار و بگوى:

اَللّٰهُمَّ تَعْلَمُ وَ لاٰأَعْلَمُ وَ أَنْتَ عَلاّٰمُ اَلْغُيُوبِ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ خِرْ لِي فِي جَمِيعِ مٰا عَزَمْتُ بِهِ مِنْ أُمُورِي خِيٰارَ بَرَكَةٍ وَ عٰافِيَةٍ.

آنگه سجده كن و درو صد بار بگوى:

أَسْتَخِيرُ اَللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ أَسْتَقْدِرُ اَللّٰهَ فِي عٰافِيَةٍ بِقُدْرَتِهِ.

پس كارى دارى بكن كه آن خيرت بود ترا در هر حال.

و از ادعيهٔ سرّ است: گفت: يا محمّد! هر كه خواهد كه سنت و فريضهٔ وى قبول كنند گو بگوى پس هر نماز فريضه يا سنّت:

يٰا شٰارِعًا لِمَلاٰئِكَتِهِ اَلدِّينَ اَلْقَيِّمَ دِينًا رٰاضِيًا بِهِ مِنْهُمْ لِنَفْسِهِ عِبٰادَةً وَ يٰا خٰالِقًا سَوِيَّ اَلْخَلِيقَةِ مِنْ خَلْقِهِ لِلْإِبْتِلاٰء[1] بِدِينِهِ وَ يٰامُسْتَخِصًّا مِنْ خَلْقِهِ لِدِينِهِ رُسُلاً إِلٰى مَنْ دُونَهُمْ وَ يٰا مُجٰازِيَ أَهْلِ اَلدِّينِ بِمٰا عَمِلُوا فِي اَلدِّينِ

---

۱. در «م»: للابتداء

وَٱجْعَلْنِي بِحَقِّ ٱسْمِكَ ٱلَّذِي كُلُّ شَيْءٍ مِنَ ٱلْخَيْرَاتِ مَنْسُوبٌ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ دِينِكَ ٱلْمُؤْثِرِينَ بِهِ بِإِلْزامِهِمْ حُبَّهُ[1] وَ تَفْرِيقِكَ قُلُوبَهُمْ لِلرَّغْبَةِ فِي أَداءِ حَقِّكَ فِيهِ إِلَيْكَ لاتَجْعَلْ بِحَقِّ ٱسْمِكَ ٱلَّذِي فِيهِ تَفْصِيلُ ٱلْأُمُورِ كُلِّها شَيْئًا سِوٰى دِينِكَ عِنْدِي أَثِيرًا وَ لا إِلَيَّ أَشَدَّ تَحَبُّبًا وَ لا بِي لاصِقًا «وَ لا أَنَا إِلَيْهِ مُنْقَطِعًا» و ٱغْلِبْ بالِي وَ هَوايَ وَ سَرِيرَتِي وَ عَلانِيَتِي وَٱسْفَع بِناصِيَتِي إِلى كُلِّ ما تَراهُ لَكَ رِضًا «مِنْ طاعَتِكَ» فِي ٱلدِّينِ.[2]

چون وی این بگوید فریضه‌ها و سنّتها قبول کنم و وی را از عُجب داران[3] نگاه دارم و طاعت خود به وی دوست گردانم. یا محمد هر که خواهد از امّت تو که نماز وی بردارند مضاعف گردانیده، گو بگوی پس از فریضهٔ آخر همه چیزها دست بردارنده:

یا مُبْدِئَ ٱلْأَسْرارِ وَ مُبَيِّنَ ٱلْكِتْمانِ وَ شارِعَ ٱلْأَحْكامِ وَ ذارِئَ ٱلْأَنْعامِ وَ خالِقَ ٱلْأَنامِ وَ فارِضَ ٱلطّاعَةِ وَ مُلْزِمَ ٱلدِّينِ وَ مُوجِبَ ٱلتَّعَبُّدِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ تَزْكِيَةِ كُلِّ صَلَواتٍ زَكَّيْتَها «وَ بِحَقِّ مَنْ زَكَّيْتَها لَهُ» وَ بِحَقِّ مَنْ زَكَّيْتَها بِهِ أَنْ تَجْعَلَ صَلَواتِي هٰذِهِ زاكِيَةً مُتَقَبَّلَةً بِتَقَبُّلِكَ لَها وَ تَصْيِيرِكَ بِها دِينِي زاكِيًا وَ إِلْهامِكَ قَلْبِي حُسْنَ ٱلْمُحافَظَةِ عَلَيْها حَتّٰى تَجْعَلَنِي مِنْ أَهْلِهَا ٱلَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ بِالْخُشُوعِ فِيها أَنْتَ وَلِيُّ ٱلْحَمْدِ كُلِّهِ فَلا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ «فَلَكَ ٱلتَّهْلِيلُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَهْلِيلٍ» فَلَكَ ٱلْحَمْدُ كُلُّهُ بِكُلِّ حَمْدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ وَأَنْتَ وَلِيُّ ٱلتَّوْحِيدِ كُلِّهِ فَلا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ فَلَكَ ٱلتَّوْحِيدُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَوْحِيدٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ فَلَكَ ٱلتَّهْلِيلُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَهْلِيلٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ وأَنْتَ وَلِيُّ ٱلتَّسْبِيحِ كُلِّهِ فَلا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ فَلَكَ ٱلتَّسْبِيحُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَسْبِيحٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ وَأَنْتَ وَلِيُّ ٱلتَّكْبِيرِ

---

۱. در «م»: جنة تحمُّلَه
۲. مصباح المتهجّد، ص ۲۳۵، ۲۳۶
۳. شاید: عُجْب در آن!

كُلِّهِ فَلاَ إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ فَلَكَ ٱلتَّكْبِيرُ كُلُّهُ بِكُلِّ تَكْبِيرٍ أَنْتَ لَهُ وَلِيٌّ؛ رَبِّ عُدْ عَلَيَّ فِي صَلَوَاتِي هٰذِهِ بِرَفْعِكَهَا زَاكِيَةً مُتَقَبَّلَةً إِنَّكَ أَنْتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ.[۱]

چون این بگوید نماز وی بردارم مضاعف گردانیده در لوح محفوظ.

یا محمّد! هر که خواهد از امّت تو که هیچ کس را بر وی سلطنتی نبود و من وی را از شرّها کفایت کنم گو بگو:

يَا قَابِضًا عَلَى ٱلْمُلْكِ لِمَا دُونَهُ وَ مَانِعًا مِنْ دُونِهِ نَيْلَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ مُلْكِهِ يَا مُعِينَ[۲] **أَهْلِ التَّقْوٰى بِإِمَاطَتِهِ ٱلْأَذٰى فِي جَمِيعِ ٱلْأُمُورِ عَنْهُمْ لاَ تَجْعَلْ وِلاَيَتِي فِي ٱلدِّينِ وَٱلدُّنْيَا إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ وَٱسْفَعْ بِنَوَاصِي أَهْلِ ٱلْخَيْرِ كُلِّهِمْ إِلَيَّ حَتَّى أَنَالَ مِنْ خَيْرِهِمْ خَيْرَهُ وَ كُنْ لِي عَلَيْهِمْ فِي ذٰلِكَ مُعِينًا**[۳] **وَ خُذْ لِي بِنَوَاصِي أَهْلِ ٱلشَّرِّ كُلِّهِمْ وَ كُنْ لِي مِنْهُمْ فِي ذٰلِكَ حَافِظًا وَ عَنِّي مُدَافِعًا وَ لِي مَانِعًا حَتَّى أَكُونَ آمِنًا بِأَمَانِكَ لِي بِوَلاَيَتِكَ لِي مِنْ شَرِّ مَنْ لاَ يُؤْمَنُ شَرُّهُ إِلاَّ بِأَمَانِكَ يَا أَرْحَمَ ٱلرَّاحِمِينَ.**[۴]

یا محمد! هر که خواهد از امّت تو که هیچ فتنه بدو نرسد نه در دین و نه در دنیا و دل وی را از طاعت و فرمان‌برداری خود زائل نگردانم گو بگوی:

يَا مُزِيلَ قُلُوبِ ٱلْمَخْلُوقِينَ مِنْ هَوَاهُمْ إِلَى هَوَاهُ وَ يَا قَاهِرَ أَفْئِدَةِ ٱلْعِبَادِ لِإِمْضَاءِ قَضَائِهِ وَ نَفَاذِ قَدَرِهِ «أَتَيْتَ لِي مِنْ قَضَائِكَ» وَ قَدَرِكَ فِي عَمَلِي وَ بَدَنِي وَ وَلَدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي فِي لَوْحِ ٱلْمَحْفُوظِ عِنْدَكَ بِحِفْظِكَ خَيْرَ قَضَاءٍ وَ خَيْرَ قَدَرٍ قَدَّرْتَهُ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ يَا حَفِيظُ ٱلْحَافِظُ بِحِفْظِهِ إِحْفَظْنِي بِالْحِفْظِ ٱلَّذِي جَعَلْتَ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ مَحْفُوظًا وَ صَيِّرْ شُؤُونِي كُلَّهَا بِمَشِيَّتِكَ فِي

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۳۶

۲. در مصباح: مغنی

۳. در مصباح: مثیمًا

۴. این بند از ادعیه سر در «د» نیامده است. مصباح المتهجد، ص ۲۳۷، ۲۳۸

اَلطّاعَةِ مِنّي لَكَ مُؤاتِيَةً وَ حَبِّبْ حُبَّ ما تُحِبُّ مِنْ مُحِبّيكَ إِلَيَّ فِي ٱلدّينِ وَ الدُّنْيا أَحْيِني عَلى ذٰلِكَ فِي ٱلدُّنْيا وَ تَوَفَّني عَلَيْهِ فِي ٱلْاٰخِرَةِ وَ ٱجْعَلْني مِنْ أَهْلِهِ عَلى كُلِّ حالٍ أَحْبَبْتُ ذٰلِكَ أَوْ كَرِهْتُ يا رَحيمُ.

آنگه قل هو الله أحد برخوان صد بار یا ده بار و بگوی:

أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ رَبّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ. و بگوی: أَسْأَلُ ٱللّٰهَ ٱلْعافِيَةَ. و بگوی: أَسْتَجيرُ بِاللّٰهِ مِنَ ٱلنّارِ. و بگوی: أَسْأَلُ ٱللّٰهَ ٱلْجَنَّةَ. و بگوی: أَسْأَلُ ٱللّٰهَ ٱلْحُورَ ٱلْعينَ. و بگوی: لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ ٱلْمَلِكُ ٱلْحَقُّ ٱلْمُبينُ. و بگوی: سُبْحانَ اللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ. و بگوی: ما شاءَ ٱللّٰهُ كانَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظيمِ. و بگوی: اَللّٰهُمَّ قَدْ رَضيتُ بِقَضائِكَ وَ سَلَّمْتُ لِأَمْرِكَ، اَللّٰهُمَّ ٱقْضِ لي بِالْحُسْنىٰ وَ ٱكْفِني ما أَهَمَّني. و بگوی: اَللّٰهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ في رِزْقي وَ ٱمْدُدْ لي في عُمْري وَ ٱغْفِرْ لي ذَنْبي وَ ٱجْعَلْني مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدينِكَ.[1] و بگوی: بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحيمِ ما شاءَ ٱللّٰهُ كانَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظيمِ. هر یک را صد بار یا ده بار.

و بگوی پانزده[2] بار:

لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ حَقًّا حَقًّا، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ إيمانًا وَ صِدْقًا، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقًّا.

و بگوی چندان که توانی:

سُبْحانَ ٱللّٰهِ ٱلْعَظيمِ وَ بِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ وَ أَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ ٱلْعَظيمِ که آن

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۰۸، ۲۰۹

۲. در «م»: یازده

روزی را جمع کند.

ونزدیك بر آمدن آفتاب و فروشدن ده بار بگوی:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ، لَهُ اَلْمُلْكُ وَ لَهُ اَلْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لاٰيَمُوتُ بِيَدِهِ اَلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس بگوی ده بار نزد طلوع آفتاب و نزد غروب نیز:

أَعُوذُ بِاللّٰهِ اَلسَّمِيعِ اَلْعَلِيمِ «مِنَ الشَّيْطٰانِ اَلرَّجِيمِ وَ» مِنْ هَمَزٰاتِ اَلشَّيٰاطِينِ وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ أَنْ يَحْضُرُونِ إِنَّ اَللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ اَلْعَلِيمِ.

ده بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ مٰا أَصْبَحَتْ بِي مِنْ نِعْمَةٍ أَوْ عٰافِيَةٍ فِي دِينٍ أَوْ دُنْيٰا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لاٰشَرِيكَ لَكَ، لَكَ اَلْحَمْدُ وَ لَكَ اَلشُّكْر بِهٰا عَلَيَّ حَتّٰى تَرْضٰى وَ بَعْدَ اَلرِّضٰا.

ده بار إِنّا أنزلناه و ده بار آية الكرسی برخوان و ده بار:

لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ باللّه تَوَكَّلْتُ عَلَى اَلْحَيِّ اَلَّذِي لاٰيَمُوتُ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا و لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي اَلْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ اَلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

که آن بیماری و درویشی را ببرد. و ده بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ يَسِّرْ لَنٰا مٰا نَخٰافُ عُسْرَتَهُ وَ سَهِّلْ لَنٰا مٰا نَخٰافُ حُزُونَتَهُ وَ نَفِّسْ عَنّٰا مٰا نَخٰافُ كُرْبَتَهُ وَ اَكْشِفْ عَنّٰا مٰا نَخٰافُ غَمَّهُ وَ اَصْرِفْ عَنّٰا مٰا نَخٰافُ بَلِيَّتَهُ يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.

و ده بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ لاٰتَنْزَعْ مِنِّي صٰالِحًا أَعْطَيْتَنِيهِ أَبَدًا وَ لاٰتَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اَسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ

أَبَدًا وَ لا تُشْمِتْ بِي عَدُوًّا وَ لا حاسِدًا أَبَدًا وَ لا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا.

و ده بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ اَقْذِفْ فِي قُلُوبِ اَلعِبادِ مَحَبَّتِي وَ ضَمِّنِ السَّمٰواتِ وَ الْأَرَضِينَ رِزْقِي وَ أَلْقِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِ أَعْدائِكَ مِنِّي وَ اَنْشُرْ رَحْمَتَكَ لِي وَ أَتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ وَ اَجْعَلْها مَوْصُولَةً بِكَرامَتِكَ إِيّايَ وَ أَوْزِعْنِي شُكْرَكَ وَ لا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ أَوْجِبْ لِيَ اَلْمَزِيدَ مِنْ لَدُنْكَ وَ لا تَجْعَلْنِي مِنَ اَلغافِلِينَ.

و ده بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ بارِكْ لِي فِيما أَعْطَيْتَنِي وَ بارِكْ لِي فِيما رَزَقْتَنِي وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَاَجْعَلْ لِيَ اَلْمَزِيدَ مِنْ كَرامَتِكَ.

و ده بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَلْأَوْصِياءِ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَ بارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ وَ اَلسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلىٰ أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اَللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.

و ده بار بگوی:

لا إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ أَحَدًا صَمَدًا لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ إِلٰهًا واحِدًا لَمْ يَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لا وَلَدًا.

پس بگوی:

يا مُقَلِّبَ اَلْقُلُوبِ وَ اَلْأَبْصارِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلىٰ دِينِكَ وَ لا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ اَلْوَهّابُ وَ أَجِرْنِي مِنَ اَلنّارِ

بِرَحْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ اَمْدُدْ لِي فِي عُمْرِي وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَ اَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَ إِنْ كُنْتُ فِي أُمِّ اَلْكِتَابِ شَقِيًّا فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ[1] أُمُّ اَلْكِتَابِ.

پس بگو:

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعَالَمِينَ تَبَارَكَ اَللّٰهُ أَحْسَنُ اَلْخَالِقِينَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ.

پس بگو:

اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي اَلَّذِي أُحِبُّ وَ اَجْعَلْهُ خَيْرًا لِي، اَللّٰهُمَّ مَا نَسِيتُ فَلاٰ أَنْسىٰ ذِكْرَكَ وَ مَا فَقَدْتُ فَلاٰ أَفْقِدُ عَوْنَكَ وَ مَا يَغِيبُ عَنِّي مِنْ شَيْءٍ فَلاٰ يَغِبْ عَنِّي حِفْظُكَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ فُجٰاَةِ نِقْمَتِكَ وَ زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَ مِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَ مِنْ جَمِيعِ سَخَطِكَ وَ غَضَبِكَ.

آنگه سجدهٔ شکر کن و بگو:

يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا حَيُّ حِينَ لاٰ حَيَّ يَا فَرْدُ يَا مُتَفَرِّدًا بِالْوَحْدَانِيَّةِ يَا مَنْ لاٰ تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ اَلْأَصْوَاتُ يَا مَنْ لاٰ يَخْفىٰ عَلَيْهِ اَللُّغَاتُ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثىٰ وَ مَا تَغِيضُ اَلْأَرْحَامُ وَ مَا تَزْدَادُ. يَا مَنْ يَعْلَمُ خَائِنَةَ اَلْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي اَلصُّدُورُ وَ يَا مَنْ هُوَ أَعْلَمُ بِسَرِيرَتِي مِنِّي بِهَا يَا مَالِكَ اَلْأَشْيَاءِ قَبْلَ تَكْوِينِهَا أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اَلْمَكْنُونِ اَلْمَخْزُونِ اَلْحَيِّ اَلْقَيُّومِ اَلَّذِي هُوَ نُورٌ مِنْ نُورٍ. أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ اَلسَّاطِعِ فِي اَلظُّلُمَاتِ وَسُلْطَانِكَ اَلْغَالِبِ وَ مُلْكِكَ اَلْقَاهِرِ لِمَنْ دُونَكَ وَبِقُدْرَتِكَ اَلَّتِي بِهَا يَذِلُّ كُلُّ شَيْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ اَلَّتِي وَسِعَتْ

---

۱. در مصباح: وَ عِنْدَكَ

كُلَّ شَيْءٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ أَنْ تُعِيذَنِي مِنْ جَمِيعِ مُضِلّاتِ الْفِتَنِ وَ مِنْ شَرِّ ما يَخافُهُ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ.

و چون از مسجد بیرون آیی بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ مَا افْتَرَضْتَ وَ فَعَلْتُ ما إِلَيْهِ نَدَبْتَ وَ دَعَوْتُ كَما أَمَرْتَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْجِزْ لِي ما ضَمِنْتَ وَ اسْتَجِبْ لِي كَما وَعَدْتَ سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْتَحْ لِي أَبْوابَ رَحْمَتِكَ وَ فَضْلِكَ وَ أَغْلِقْ عَنِّي أَبْوابَ مَعْصِيَتِكَ وَ سَخَطِكَ.

و روایت کرده‌اند از پیغمبر ﷺ که گفت: هر که در مصلّی بنشیند پس از نماز بامداد تا که آفتاب برآید، خدای تعالی وی را از آتش دوزخ بپوشاند. و صادق علیه السلام گفت: خواب بامداد شوم است، روزی را بِراند و رنگ را زرد کند و زشت گرداند و از حال بگرداند و آن خواب مشؤومان بود و خدای تعالی روزی‌ها از وقت برآمدن صبح تا وقت برآمدن آفتاب قسمت کند، از آن خفتن حذر کنید. و امام رضا علیه السلام گفت: در این آیه فَالْمُقَسِّماتِ أَمْرًا فرشتگانی باشند که روزی فرزند آدم قسمت می‌کنند از برآمدن صبح تا وقت بر آمدن آفتاب، هر که در میان این دو وقت بخسبد از روزی خود خفته باشد.

فصل بیست و یکم در دعای عشرات

روایتست از باقر علیه السلام از پدرش از جدش از امیرالمؤمنین علیهم السلام که پسر خود حسن را علیه السلام گفت: چون این دعا بخوانی هزار هزار فرشته بدو مشغول شوند. هر فرشته را

هزار هزار دبیر تیز قلم باشند و موکّل کنند بر استغفار خواستن از برای تو. و هزار هزار فرشته را هر فرشته را قوت هزار هزار سخن‌گوی تیز زبان بدهند و از برای تو در سرای سلام خانه بنا کنند که تو درو از همسایگان خداوند خود باشی. و از برای تو در فردوس هزار هزار خانه بنا کنند درو صد کوشک، و در آنجا همسایهٔ جدّ خود باشی، برای تو در جنّات عدن هزار هزار شهر بنا کنند و تو را ازگور برانگیزند و با تو بود کتابی سخن‌گوی، همی گوید ای فلان! اینک به تو هیچ راه نیست فزع و ترس را و نه لرزهٔ صراط را و نه عذاب دوزخ را و نه عذاب گور را، و هیچ دعایی نگویی الّا که هم در روز اجابت کنند و آن دعا مستجاب شود در هر نوع که بود و جز شهید نمیری و تا زنده باشی نیک بخت باشی و هرگز ترس و درویشی به تو نرسد و نه بلا و نه دیوانگی. و بنویسند برای تو هر روزی به عدد هر پری و آدمی به هر نفسی هزار هزار حسنه، و سیّئه محو کنند؛ و بردارند برای تو هزار هزار درجه و آمرزش خواهند برای تو حاملان عرش و کرّوبیان تا پیش حضرت ربّ العزّه باشی. و هیچ نخواهی از برای خود و غیر خود در کار دنیا و آخرت الّا که آن را روا کند خدای تعالی و مخوان این دعا را الّا بر وضو و روی فرا قبله. روایت است از رسول خدا ﷺ که هیچ فرشتهٔ مقرّب و پیغمبر مرسل و بندهٔ صالح دعا نکند فاضلتر از این دعا و دعا این است:

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ وَ بِهِ اَلْمُتَوَثَّقُ

مَرْحَبًا بِمَلاٰئِكَةِ اَللّٰهِ اَلْمُقَرَّبِينَ وَ أَنْبِياءِ اَللّٰهِ اَلْمُرْسَلِينَ وَ أَئِمَّةِ اَلْهُدىٰ أَجْمَعِينَ وَ سُلاٰلَةِ رَسُولِ اَللّٰهِ اَلطَّيِّبِينَ اَلطّاهِرِينَ، مَرْحَبًا بِالْمُوَكَّلِينَ بِي مِنَ اَلرُّقَباءِ وَ اَلْحَفَظَةِ مِنَ اَلنَّوْمِ وَ اَلْيَقَظَةِ اَسْتِظْهارًا مِنَ اَللّٰهِ تَعالىٰ عَلَيَّ بِالْحُجَّةِ عَلىٰ مٰانَهَجَ لِي مِنْ سَهِلِ اَلنَّجاةِ وَ طَرِيقِ اَلْحُجَّةِ[1] مِنْ غَيْرِ حاجَةٍ بِهِ إِلىٰ إِحْصاءِ اَلْمُحْصِينَ وَ مَعْرِفَةِ اَلْعادِّينَ لِسابِقِ عِلْمِهِ وَ كافَّةِ خَلْقِهِ بِاللَّفْظِ اَلْمَلْفُوظِ وَ

---

۱. در «م»: المحجّة

اَللَّحظِ اَلْمَلحُوظِ فِي اَللَّوحِ اَلْمَحفُوظِ وَ اَلْكِتابِ اَلْمَكْنُونِ وَ الْإِمامِ اَلْمُبِينِ اَلَّذِي لايُغادِرُ صَغِيرَةً وَ لاكَبِيرَةً إِلاَّ أَحْصاها لايَمَسُّهُ إِلاَّ اَلْمُطَهَّرُونَ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ اَلْعالَمِينَ. «أُكْتُبا مِنِّي رَحِمَكُمَا اَللّٰهُ» شَهادَةَ مَنْ أَخْلَصَ الْقَوْلَ وَ أَحْكَمَ اَلْفِعْلَ وَ أَحْرَزَ[1] اَلْفَضْلَ وَ اَخْتارَ اَلْحَظَّ وَ اَعْتَزَلَ اَلشَّكَّ وَ عَرَفَ اَلْحَقَّ وَ أَنْكَرَ اَلْباطِلَ وَ قَبِلَ اَلصَّوابَ وَ صَدَّقَ اَلْكِتابَ وَ خالَفَ اَلْيَقِينَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى وَ دِينِ اَلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى اَلدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ اَلْمُشْرِكُونَ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلْمَوْتَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلْبَعْثَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلْحِسابَ حَقٌّ وَ اَلْمِيزانَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلْجَنَّةَ و اَلنّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ اَلسّاعَةَ اٰتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها وَ أَنَّ اَللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي اَلْقُبُورِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ صَلَواتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيايَ وَ مَماتِي لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ لا شَرِيكَ لَهُ وَ بِذٰلِكَ أُمِرْتُ وَ أَنَا أَوَّلُ اَلْمُسْلِمِينَ.

بِسْمِ اَللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ سُبْحانَ اَللّٰهِ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَ اَللّٰهُ أَكْبَرُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ سُبْحانَ اَللّٰهِ اٰناءَ اَللَّيْلِ وَ أَطْرافَ اَلنَّهارِ. سُبْحانَ اَللّٰهِ بِالْغُدُوِّ وَ اَلْاٰصالِ سُبْحانَ اَللّٰهِ بِالْعَشِيِّ وَ اَلْإِبْكارِ سُبْحانَ اَللّٰهِ حِينَ تُمْسُونَ وَ حِينَ تُصْبِحُونَ. وَ لَهُ اَلْحَمْدُ فِي اَلسَّمٰواتِ وَ اَلْأَرْضِ وَ عَشِيًّا وَ حِينَ تُظْهِرُونَ. يُخْرِجُ اَلْحَيَّ مِنَ اَلْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ اَلْمَيِّتَ مِنَ اَلْحَيِّ وَ يُحْيِي اَلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها وَ كَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ. سُبْحانَ رَبِّكَ رَبِّ اَلْعِزَّةِ عَمّا يَصِفُونَ وَ سَلامٌ عَلَى اَلْمُرْسَلِينَ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ اَلْعالَمِينَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ. سُبْحانَ اَللّٰهِ

---

۱. در «م»: وَ أَكْرَمَ

ٱلْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ كَمٰا يُحِبُّ رَبِّي وَ يَرْضىٰ وَ يَنْبَغِي لِعِزِّ سُلْطٰانِهِ وَ جَلاٰلِ وَجْهِهِ. سُبْحٰانَ ذِي‌ٱلْمُلْكِ وَ ٱلْمَلَكُوتِ. سُبْحٰانَ ذِي‌ٱلْعِزَّةِ و ٱلْجَبَرُوتِ، سُبْحٰانَ ذِي‌ٱلْكِبْرِيٰاءِ وَ ٱلْعَظَمَةِ ٱلْمَلِكِ ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ ٱلْمُهَيْمِنِ ٱلْقُدُّوسِ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ ٱلْمَلِكِ ٱلَّذِي لاٰ يَمُوتُ. سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ ٱلْمَلِكِ ٱلْحَيِّ ٱلْقُدُّوسِ، سُبْحٰانَ ٱلْقٰائِمِ ٱلدّٰائِمِ. سُبْحٰانَ ٱلدّٰائِمِ ٱلْقٰائِمِ. سُبْحٰانَ رَبِّيَ ٱلْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ، سُبْحٰانَ رَبِّيَ ٱلْأَعْلىٰ وَ بِحَمْدِهِ. «سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ» سُبْحٰانَهُ وَ تَعٰالىٰ، سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّنٰا وَ رَبُّ ٱلْمَلاٰئِكَةِ وَ ٱلرُّوحِ. سُبْحٰانَ ٱلدّٰائِمِ غَيْرِ ٱلْغٰافِلِ. سُبْحٰانَ ٱلْعٰالِمِ بِغَيْرِ تَعْلِيمٍ. سُبْحٰانَ خٰالِقِ مٰا يُرىٰ وَ مٰا لاٰ يُرىٰ، سُبْحٰانَ ٱلَّذِي لاٰ تُدْرِكُهُ ٱلْأَبْصٰارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ ٱلْأَبْصٰارَ وَ هُوَ ٱللَّطِيفُ ٱلْخَبِيرُ.

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ فِي نِعْمَةٍ وَ خَيْرٍ وَ بَرَكَةٍ وَ عٰافِيَةٍ. فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ أَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ فَضْلَكَ وَ كَرٰامَتَكَ وَ خَيْرَكَ وَ بَرَكٰاتَكَ وَ عٰافِيَتَكَ بِنَجٰاةٍ مِنَ ٱلنّٰارِ وَ ٱرْزُقْنِي شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ عٰافِيَتَكَ وَ فَضْلَكَ وَ كَرٰامَتَكَ أَبَدًا مٰا أَبْقَيْتَنِي. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي بِنُورِكَ ٱهْتَدَيْتُ وَ بِفَضْلِكَ ٱسْتَغْنَيْتُ وَ بِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ.

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُشْهِدُكَ وَ كَفىٰ بِكَ شَهِيدًا وَ أُشْهِدُ مَلاٰئِكَتَكَ وَ أَنْبِيٰاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ سُكّٰانَ سَمٰوٰاتِكَ وَ أَرْضِيكَ وَ جَمِيعَ خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ وَحْدَكَ لاٰ شَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ أَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُحْيِي وَ تُمِيتُ وَ تُمِيتُ وَ تُحْيِي وَ أَنْتَ حَيٌّ لاٰ تَمُوتُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ ٱلْجَنَّةَ حَقٌّ وَ أَنَّ ٱلنّٰارَ حَقٌّ وَ أَنَّ ٱلسّٰاعَةَ اٰتِيَةٌ لاٰ رَيْبَ فِيهٰا وَ أَنَّ ٱللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي ٱلْقُبُورِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ ٱلدِّينَ كَمٰا شَرَعْتَ وَ أَنَّ ٱلْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفْتَ وَ ٱلْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثْتَ وَ

اَلْكِتابَ كَما أَنْزَلْتَ وَ أَنَّكَ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ. وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَنَّ اٰدَمَ وَ إِدْرِيسَ وَ نُوحًا وَ هُودًا وَ صٰالِحًا وَ شُعَيْبًا وَ إِبْرٰاهِيمَ وَ لُوطًا وَ إِسْمٰاعِيلَ وَ أَيُّوبَ وَ اَلْيَسَعَ وَ ذَا الْكِفْلِ وَ دٰاوُدَ وَ سُلَيْمٰانَ وَ زَكَرِيّٰا وَ يَحْيٰى وَ إِسْحٰاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ اَلْأَسْبٰاطَ وَ يُونُسَ وَ مُوسٰى وَ هٰارُونَ وَ عِيسٰى وَ مُحَمَّدًا صَلَوٰاتُ اَللّٰهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَنْبِيٰاؤُكَ وَ رُسُلُكَ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي‌طالِبٍ أَمِيرُ اَلْمُؤْمِنِينَ حَقًّا وَ أَنَّ اَلْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ وُلْدِهِ اَلْحَسَنُ وَ اَلْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ اَلْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بن عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسٰى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ اَلْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ اَلْإِمٰامُ مِنْ وَلَدِ اَلْحَسَنِ اَلْخَلَفُ اَلصّٰالِحُ اَلصّٰادِقُ وَ اَلْحُجَّةُ اَلْقٰائِمُ بْنُ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اَلْأَئِمَّةُ الْقٰادَةُ اَلْهُدٰاةُ اَلْمَهْدِيُّونَ غَيْرُ اَلضّٰالِينَ وَ لاَالْمُضِلِّينَ وَ أَنَّهُمْ أَوْلِيٰاءُكَ اَلْمُصْطَفَوْنَ وَ حِزْبُكَ الْغٰالِبُونَ وَ صَفْوَتُكَ وَ خِيَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ نُجَبٰاؤُكَ اَلَّذِينَ اَنْتَجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ وَ اَمْتَحَنْتَهُمْ لِوَلاٰيَتِكَ وَ اَخْتَصَصْتَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ وَ اَصْطَفَيْتَهُمْ عَلٰى عِبٰادِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ مِنَ اَلْعٰالَمِينَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ اَلسَّلاٰمُ وَ رَحْمَةُ اَللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ اَكْتُبْ لِي هٰذِهِ اَلشَّهٰادَةَ عِنْدَكَ حَتّٰى تُلَقِّنِيهٰا يَوْمَ اَلْقِيامَةِ وَ أَنْتَ عَنِّي رٰاضٍ إِنَّكَ عَلٰى مٰا تَشٰاءُ قَدِيرٌ. اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ أَوَّلُهُ وَ لاٰيَنْفَدُ اٰخِرُهُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْدًا يَضَعُ لَهُ اَلسَّمٰاءُ كَنَفَيْهٰا وَ تُسَبِّحُ لَهُ اَلْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهٰا.

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْدًا أَشْرَقَتْ بِهِ أَرْضُكَ وَ اَنْفَتَحَتْ أَبْوٰابُ سَمٰوٰاتِكَ وَ اَهْتَزَّ لَهُ عَرْشُكَ كَأَفْضَلِ مٰا حَمِدَكَ بِهِ اَلْحٰامِدُونَ وَ فَوْقَ مٰا يَحْمَدُكَ بِهِ

عِبادُكَ ٱلْمُؤْمِنُونَ. اَللّٰهُمَّ إِنّي أَصْبَحْتُ مِنْكَ في نِعْمَةٍ وَ عافِيَةٍ فَأَتْمِمْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ عافِيَتَكَ وَ ٱرْزُقْني شُكْرَكَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَصْعَدُ وَ لا يَنْفَدُ يَزِيدُ وَ لا يَبِيدُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ حَمْدًا سَرْمَدًا مَدَدًا لاَانْقِطاعَ لَهُ وَ لا نَفادَ لَهُ أَبَدًا وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ حَمْدًا يَنْبَغِي لَكَ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ حَمْدًا يَنْتَهِي إِلَيْكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ وَ مَعِي وَ فِيَّ وَ قَبْلِي وَ بَعْدِي وَ أَمامِي وَ فَوْقِي وَ تَحْتِي وَ وَرائِي وَ لَدَيَّ وَ إِذا أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ وَ إِذا ما مُتُّ وَ أُقْبِرْتُ وَ بَقِيتُ فَرْدًا وَحِيدًا ثُمَّ فَنَيْتُ «وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ إِذا نُشِرْتُ وَ بُعِثْتُ» يا مَوْلايَ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ وَ ٱلشُّكْرُ بِجَمِيعِ مَحامِدِكَ كُلِّها عَلىٰ جَمِيعِ نَعْمائِكَ كُلِّها عَدَدَ ما أَحْصىٰ كِتابُكَ حَتّىٰ يَنْتَهِيَ ٱلْحَمْدُ إِلىٰ ما تُحِبُّ رَبَّنا وَ تَرْضىٰ. اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ كُلِّ عِرْقٍ ساكِنٍ وَ ضارِبٍ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ كُلِّ أَكْلَةٍ وَ شِرْبَةٍ وَ بَطْشَةٍ وَ قَبْضَةٍ وَ بَسْطَةٍ وَ حَرَكَةٍ وَ نَوْمَةٍ وَ يَقْظَةٍ وَ لَحْظَةٍ وَ طَرْفَةٍ وَ نَفَسٍ وَ عَلىٰ مَوْضِعِ كُلِّ شَعْرَةٍ وَ عَلىٰ كُلِّ حالٍ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ كُلُّه وَ لَكَ ٱلْمَنُّ[1] كُلُّهُ وَ بِيَدِكَ ٱلْخَيْرُ كُلُّهُ وَ لَكَ ٱلْجُودُ كُلُّهُ وَ لَكَ ٱلْمَجْدُ كُلُّهُ وَ لَكَ ٱلْفَخْرُ كُلُّهُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ ٱلْأَمْرُ كُلُّهُ عَلانِيَتُهُ وَ سِرُّهُ «أَنْتَ مُنْتَهىٰ رَغْبَةِ ٱلرّاغِبِينَ كُلِّهِمْ» وَ أَنْتَ مُنْتَهَى ٱلشَّأْنِ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ خالِدًا مَعَ خُلُودِكَ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ حَمْدًا لامُنْتَهىٰ لَهُ دُونَ عِلْمِكَ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ حَمْدًا لا أَمَدَ لَهُ دُونَ مَشِيَّتِكَ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ حَمْدًا لا أَجْرَ لِقائِلِهِ إِلاّ رِضاكَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ باعِثَ ٱلْحَمْدِ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ وارِثَ ٱلْحَمْدِ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ بَدِيعَ

---

۱. در «د»: الملك

اَلْحَمْدِ وَ لَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهَى الْحَمْدِ وَ لَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ وَ لَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِيَ الْحَمْدِ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَلِيَّ الْحَمْدِ وَ لَكَ الْحَمْدُ قَدِيمَ الْحَمْدِ وَ لَكَ الْحَمْدُ صادِقَ الْوَعْدِ وَفِيَّ الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَدِيمَ الْمَجْدِ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعَ الدَّرَجاتِ مُجِيبَ الدَّعَواتِ مُنْزِلَ الْآياتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمٰواتٍ عَظِيمَ الْبَرَكاتِ مُخْرِجَ النُّورِ مِنَ الظُّلُماتِ وَ مُخْرِجَ مَنْ فِي الظُّلُماتِ إِلَى النُّورِ وَ مُبَدِّلَ السَّيِّئاتِ حَسَناتٍ وَ جاعِلَ الْحَسَناتِ دَرَجاتٍ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ غافِرَ الذَّنْبِ قابِلَ التَّوْبِ شَدِيدَ الْعِقابِ ذِيالطَّوْلِ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ. اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذا يَغْشٰى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهارِ إِذا تَجَلّٰى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْمَلَأِ الْأَعْلٰى وَ لَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولٰى وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَ مَلَكٍ فِي السَّماءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ نَزَلَتْ «مِنَ السَّماءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ تَنْزِلُ» إِلٰى يَوْمِ الْقِيامَةِ وَ لَكَ الْاَسْماءُ الْحُسْنٰى وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ وَ الْمَأْوٰى.

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ مَلَكٍ فِي السَّمٰواتِ وَ الْأَرَضِينَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ قَطْرَةٍ فِي الْبِحارِ وَ الْعُيُونِ وَ الْأَوْدِيَةِ وَ الْأَنْهارِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ كُلِّ وَرَقٍ فِي الشَّجَرِ وَ النَّباتِ وَ عَدَدَ الرَّمْلِ وَ الْحَصٰى وَ النَّوٰى وَ الثَّرٰى وَ الشَّعْرِ وَ الْوَبَرِ وَ الشَّفْعِ وَ الْوِتْرِ وَ عَدَدَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الْبَهائِمِ وَ الْوُحُوشِ وَ الطَّيْرِ وَ السِّباعِ وَ الْهَوامِّ وَ الْأَنْعامِ وَ عَدَدَ كُلِّ رَطْبٍ وَ يابِسٍ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما جَوْفَ الْأَرَضِينَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ ما عَلٰى ظَهْرِها وَ لَكَ الْحَمْدُ زِنَةَ ذٰلِكَ كُلِّهِ وَ لَكَ الْحَمْدُ مِكْيالَ ذٰلِكَ كُلِّهِ وَ أَضْعافَ ذٰلِكَ كُلِّهِ حَتّٰى يَبْلُغَ ذٰلِكَ كُلُّهُ أَضْعافَ ما حَمِدَكَ بِهِ الْحامِدُونَ وَ سَبَّحَكَ بِهِ الْمُسَبِّحُونَ وَ هَلَّلَكَ بِهِ الْمُهَلِّلُونَ وَ كَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ وَ مَجَّدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ وَ اسْتَغْفَرَكَ بِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ وَ دَعاكَ بِهِ الدّاعُونَ وَ سَأَلَكَ بِهِ

اَلسّائِلُونَ وَ لَكَ اَلْحَمْدُ عَدَدَ ما أَحْصٰى كِتابُكَ وَ أَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ لَكَ اَلْحَمْدُ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا دائِمًا مُبارَكًا فِيهِ أَبَدًا كَما تُحِبُّ رَبَّنا وَ تَرْضٰى وَ كَما يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَ عِزِّ جَلالِكَ وَ مِثْلَ ذٰلِكَ كُلَّهُ وَ أَضْعافَهُ. أَسْتَغْفِرُ اَللّٰهَ اَلَّذِي لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ وَ أَسْأَلُهُ اَلتَّوْبَةَ وَ أَرْجُو رَحْمَتَهُ وَ أَخْشٰى عَذابَهُ وَ أَطْمَئِنُّ إِلٰى ما دَعا إِلَيْهِ وَ سَكَنَ قَلْبِي إِلَيْهِ وَ إِنَّهُ لا يُعَذِّبُ اَلْمُسْتَغْفِرِينَ وَ لا يَقْطَعُ رَجاءَ اَلْمُؤْمِنِينَ. أَسْتَغْفِرُ اَللّٰهَ الَّذِي لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ وَ أَسْأَلُهُ اَلتَّوْبَةَ عَنْ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ مِنْ كُلِّ خَطِيئَةٍ اِرْتَكَبْتُها وَ مِنْ كُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُها.

پس ده بار بگوی:

لا إِلٰهَ إِلاّ اَللّٰه وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ. لَهُ اَلْمُلْكُ وَ لَهُ اَلْحَمْدُ وَ هُوَ اَللَّطِيفُ اَلْخَبِيرُ.

و بگوی:

لا إِلٰهَ إِلاّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ. لَهُ اَلْمُلْكُ وَ لَهُ اَلْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَيُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ اَلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و بگوی:

سُبْحانَ اَللّٰهِ وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا إِلٰهَ إِلاّ اَللّٰهُ وَ اَللّٰهُ أَكْبَرُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

و بگوی:

أَسْتَغْفِرُ اَللّٰه اَلَّذِي لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

و بگوی:

يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ.

و بگوی:

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لَنٰا ذُنُوبَنٰا وَ وَسِّعْ عَلَيْنٰا أَرْزٰاقَنٰا وَ طَيِّبْ لَنٰا كَسْبَنٰا وَ أَنْفِعْنٰا بِمٰا قَسَمْتَ لَنٰا لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و بگوی:

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُوالْجَلاٰلِ وَ الْإِكْرٰامِ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ.

و بگوی: **يٰا أَللّٰهُ**. و بگوی: **لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰه**. و بگوی: **تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰه**. و بگوی: **حَسْبِيَ اللّٰهُ** و بگوی: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ**. و بگوی: **مٰا شٰاءَ اللّٰه**. و بگوی: **يٰا رَحْمٰنُ**. و بگوی: **يٰا رَحِيمُ**. و بگوی: **يٰا اللّٰه، لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ**. و بگوی: **يٰا بَدِيعَ السَّمٰوٰاتِ وَ الْأَرْضِ**. و بگوی: **يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ الْإِكْرٰامِ**. و بگوی: **يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ**. و بگوی: **يٰا كَرِيمُ**. و بگوی: **يٰا سَيِّدٰاهُ**. و بگوی: **يٰا رَجٰاآهُ**. و بگوی: **يٰا غِيٰاثٰاهُ**. و بگوی: **يٰا رَبّٰاهُ**. و بگوی: **يٰا حَيُّ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ يٰا مَنّٰانُ**. و بگوی: **يٰا لاٰإِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ يٰا مَنّٰانُ**. و بگوی: **بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ**. و بگوی: **أَسْأَلُ اللّٰهَ الْجَنَّةَ**. و بگوی: **أَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ مِنَ النّٰارِ**. و بگوی: **لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ**. و بگوی: **صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ**. و بگوی: **شُكْرًا** و بگوی: **يٰا رَؤُوفُ يٰارَحِيمُ**. و بگوی: **يٰا رَبِّي يٰا سَيِّدِي**. و بگوی: **يٰا حَنّٰانُ يٰا مَنّٰانُ**. و بگوی: **لَعَنَ اللّٰهُ ظٰالِمِي اٰلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ**. و بگوی: **اَللّٰهُمَّ افْعَلْ بِي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ**. و بگوی: **آمِينَ**. و بگوی: **اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ**.

و ده بار بگوی:

اَللّٰهُمَّ اصْنَعْ بي ما أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لاٰتَصْنَعْ بِي ما أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ اَلتَّقْوىٰ وَ أَهْلُ اَلْمَغْفِرَةِ وَ أَنَا أَهْلُ اَلذُّنُوبِ وَ اَلْخَطٰايا فَارْحَمْني يٰامَوْلاٰي وَ أَنْتَ أَرْحَمُ اَلرّاحِمينَ.

و بگوی:

لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اَلْحَيِّ اَلَّذي لاٰيَمُوتُ وَاَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِي اَلْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ اَلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبيرًا.

هر يك از اين كلمات را ده بار بگويد.

دعای دیگر بامداد

امام علیّ نقی عليه السلام گفت: هیچ کس نخواند این دعا را هر بامداد الّا که وی در آن روز هفتاد حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت رواکند و من هر بامدادی بگویم و از شیطان و سلطان نترسم و دعا اینست:

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحيمِ يٰا كَبيرَ كُلِّ كَبيرٍ يٰا مَنْ لاٰ شَريكَ لَهُ وَ لاٰ وَزيرَ، يٰاخالِقَ اَلشَّمْسِ وَ اَلْقَمَرِ اَلْمُنيرِ، يٰا عِصْمَةَ اَلْخائِفِ اَلْمُسْتَجيرِ، يٰا مُطْلِقَ اَلْمُكَبَّلِ اَلْأَسيرِ، يٰا رٰازِقَ الطِّفْلِ اَلصَّغيرِ، يٰا جٰابِرَ اَلْعَظْمِ اَلْكَسيرِ، يٰا رٰاحِمَ اَلشَّيْخِ اَلْكَبيرِ، يٰا نُورَ اَلنُّورِ يٰا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يٰا بٰاعِثَ مَنْ فِي اَلْقُبُورِ، يٰا شٰافِيَ اَلصُّدُورِ، يٰا جٰاعِلَ اَلظِّلِّ وَ اَلْحَرُورِ يٰا عٰالِمًا بِذٰاتِ الصُّدُورِ، يٰا مُنْزِلَ اَلْكِتٰابِ وَ اَلنُّورِ وَ اَلْفُرْقٰانِ وَ اَلزَّبُورِ، يٰامَنْ يُسَبِّحُ لَهُ اَلْمَلاٰئِكَةُ بِالْأَبْكٰارِ وَ اَلظُّهُورِ يٰا دٰائِمَ اَلثَّبٰاتِ يٰا مُخْرِجَ اَلنَّبٰاتِ بِالْغُدُوِّ وَ اَلْاٰصٰالِ، يٰا مُحْيِيَ

اَلْأَمْواتِ يا مُنْشِئَ اَلْعِظامِ اَلدّارِساتِ، يا سامِعَ اَلصَّوْتِ يا سابِقَ اَلْفَوْتِ يا كاسِيَ اَلْعِظامِ اَلْبالِيَةِ بَعْدَ اَلْمَوْتِ يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ شُغْلٌ عَنْ شُغْلٍ، يا مَنْ لا يَتَغَيَّرُ مِنْ حالٍ إِلىٰ حالٍ، يا مَنْ لا يَحْتاجُ إِلىٰ تَجَشُّمِ حَرَكَةٍ وَ لاَ اَنْتِقالٍ، يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، يا مَنْ لا يُحِيطُ بِهِ مَوْضِعٌ وَ لا مَكانٌ، يا مَنْ يَرُدُّ بِأَلْطَفِ اَلصَّدَقَةِ وَ اَلدُّعاءِ عَنْ أَعْنانِ اَلسَّماءِ ما حَتَمَ وَ أَبْرَمَ مِنْ سُوءِ اَلْقَضاءِ، يا مَنْ يَجْعَلُ اَلشِّفاءَ فِيما يَشاءُ مِنَ اَلْأَشْياءِ، يا مَنْ يُمْسِكُ اَلرَّمَقَ مِنَ اَلْمُدْنَفِ اَلْعَمِيدِ بِما قَلَّ مِنَ اَلْغِذاءِ، يا مَنْ يُزِيلُ بِأَدْنَى اَلدَّواءِ ما غَلُظَ مِنَ اَلدّاءِ، يا مَنْ إِذا وَعَدَ وَفا وَ إِذا تَوَعَّدَ عَفا، يا مَنْ يَمْلِكُ حَوائِجَ اَلسّائِلِينَ، يا مَنْ يَعْلَمُ ما فِي ضَمِيرِ الصّامِتِينَ، يا عَظِيمَ اَلْخَطَرِ يا كَرِيمَ اَلظَّفَرِ يا مَنْ لَهُ وَجْهٌ لا يَبْلىٰ، يا مَنْ لَهُ مُلْكٌ لا يَفْنىٰ يا مَنْ لَهُ نُورٌ لا يُطْفَأُ يا مَنْ فَوْقَ كُلِّ شَيْءٍ عَرْشُهُ، يا مَنْ فِي اَلْبَرِّ وَ اَلْبَحْرِ سُلْطانُهُ يا مَنْ فِي جَهَنَّمَ سَخَطُهُ، يا مَنْ فِي اَلْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ، يا مَنْ مَواعِيدُهُ صادِقَةٌ، يا مَنْ أَيادِيهِ فاضِلَةٌ، يا مَنْ رَحْمَتُهُ واسِعَةٌ، يا غِياثَ اَلْمُسْتَغِيثِينَ، يا مُجِيبَ دَعْوَةِ اَلْمُضْطَرِّينَ، يا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ وَ خَلْقُهُ بِالْمَنْزِلِ[1] اَلْأَدْنىٰ، يا رَبَّ اَلْأَرْواحِ اَلْفانِيَةِ، يا رَبَّ اَلْأَجْسادِ اَلْبالِيَةِ، يا أَبْصَرَ اَلنّاظِرِينَ، يا أَسْمَعَ اَلسّامِعِينَ يا أَسْرَعَ اَلْحاسِبِينَ يا أَحْكَمَ اَلْحاكِمِينَ، يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

يا واهِبَ اَلْعَطايا يا مُطْلِقَ اَلْأُسارىٰ يا رَبَّ اَلْعِزَّةِ يا أَهْلَ اَلتَّقْوىٰ وَ أَهْلَ اَلْمَغْفِرَةِ يا مَنْ لا يُدْرَكُ أَمَدُهُ يا مَنْ لا يُحْصىٰ عَدَدُهُ يا مَنْ لا يَنْقَطِعُ مَدَدُهُ أَشْهَدُ وَ اَلشَّهادَةُ لِي رِفْعَةٌ وَ عُدَّةٌ وَ هِيَ مِنِّي سَمْعٌ وَ طاعَةٌ وَ بِها أَرْجُو اَلْمَفازَةَ يَوْمَ اَلْحَسْرَةِ وَ اَلنَّدامَةِ إِنَّكَ أَنْتَ اَللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ وَحْدَكَ

---

۱. در «د»: بِالْمَنْظَرِ

لاشَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ أَنَّهُ قَدْ بَلَّغَ عَنْكَ وَ أَدّٰى مٰا كٰانَ وٰاجِبًا عَلَيْهِ لَكَ وَ أَنَّكَ تُعْطِي دٰائِمًا وَ تَـرْزُقُ وَ تُعْطِي وَ تَمْنَعُ وَ تَرْفَعُ وَ تَضَعُ وَ تُغْنِي وَ تُفْقِرُ وَ تَخْذُلُ وَ تَنْصُرُ وَ تَعْفُو وَ تَرْحَمُ وَ تَصْفَحُ وَ تَجٰاوَزُ عَمّٰا تَعْلَمُ وَ لاٰتَجُورُ وَ لاٰتَـظْلِمُ وَ أَنَّكَ تَـقْبِضُ وَ تَبْسُطُ وَ تَمْحُو وَ تُثْبِتُ وَ تُبْدِئُ وَ تُعِيدُ وَ تُحْيِي وَ تُمِيتُ وَ أَنْتَ حَـيٌّ لاٰتَمُوتُ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ انْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكٰاتِكَ فَطٰالَ مٰا عَوَّدْتَنِي الْحَسَنَ الْجَمِيلَ وَ أَعْطَيْتَنِي الْكَثِيرَ الْجَزِيلَ وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ الْقَبِيحَ.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجِي وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ ارْحَمْ عَبْرَتِي وَ ارْدُدْنِي إِلىٰ أَفْضَلِ عٰادَتِكَ عِنْدِي وَاسْتَقْبِلْ بِي صِحَّةً مِنْ سُقْمِي وَ سَعَةً مِنْ عُدْمِي وَ سَلاٰمَةً شٰامِلَةً فِي بَدَنِي وَ بَصِيرَةً نٰافِذَةً فِي دِينِي وَ مَهِّدْنِي وَ أَعِنِّي عَلَى اسْتِغْفٰارِكَ وَ اسْتِقٰالَتِكَ قَبْلَ أَنْ يَفْنَى الْأَجَلُ وَ يَنْقَطِعَ الْعَمَلُ وَ أَعِنِّي عَلَى الْمَوْتِ وَ كُرْبَتِهِ وَ عَلَى الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ وَ عَلَى الْمِيزٰانِ وَ خِفَّتِهِ وَ عَلَى الصِّرٰاطِ وَ زَلَّتِهِ وَ عَلىٰ يَوْمِ الْقِيامَةِ وَ رَوْعَتِهِ وَ أَسْأَلُكَ نَجٰاحَ الْعَمَلِ قَبْلَ انْقِطٰاعِ الْأَجَلِ وَ قُوَّةً فِي سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ اسْتِعْمٰالاً لِصٰالِحِ مٰا عَلَّمْتَنِي وَ فَهَّمْتَنِي فَإِنَّكَ أَنْتَ الرَّبُّ الْجَلِيلُ وَ أَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ وَ شَتّٰانَ مٰا بَـيْنَنٰا يٰا حَنّٰانُ يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَالْإِكْرٰامِ وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ صَلِّ عَلىٰ مَنْ بِهِ فَهَّمْتَنٰا وَ هُوَ أَقْرَبُ وَسٰائِلِنٰا إِلَيْكَ رَبَّنٰا مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ الطّٰاهِرِينَ.

وچون خواهی که به کاری بیرون شوی به روزی که بر حذر بوده باشی درو، پیش از بیرون شدن الحمد بخوان و هر دو قل أعوذُ و قل هو الله و آية الكرسي و إنّا أنزلناه و پنج آیت از آخر آل عمران آنگه بگوی:

اَللّٰهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصّٰائِلُ وَ بِقُدْرَتِكَ يَـطُولُ الطّٰـائِلُ وَ لاٰ حَـوْلَ لِكُـلِّ

ذِي حَوْلٍ إِلاَّ بِكَ وَ لاٰ قُوَّةَ يَخْتٰارُهٰا ذُو قُوَّةٍ إِلاَّ مِنْكَ، أَسْأَلُكَ بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عِتْرَتِهِ وَ سُلاٰلَتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ اَلسَّلاٰمُ صَلِّ عَلَيْهِمْ وَ اَكْفِنِي شَرَّ هٰذَا اَلْيَوْمِ وَ ضَرَّهُ وَ اَرْزُقْنِي خَيْرَهُ وَ يُمْنَهُ وَ بَرَكٰاتِهِ... وَ اَقْضِ لِي فِي مُتَصَرَّفٰاتِي بِحُسْنِ اَلْعٰاقِبَةِ وَ بُلُوغِ اَلْمَحَبَّةِ وَ اَلظَّفَرِ بِالْأُمْنِيَّةِ وَ كِفٰايَةِ اَلطّٰاغِيَةِ اَلْمُغْوِيَةِ[1] وَ كُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلىٰ أَذِيَّةٍ حَتّٰى أَكُونَ فِي جُنَّةٍ وَ عِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلاٰءٍ وَ نِقْمَةٍ وَ أَبْدِلْنِي مِنَ اَلْمَخٰاوِفِ فِيهِ أَمْنًا وَ مِنَ اَلْعَوٰائِقِ فِيهِ يُسْرًا حَتّٰى لاٰ يَصُدَّنِي صٰادٌّ عَنِ اَلْمُرٰادِ وَ لاٰ يَحُلَّ بِي طٰارِقٌ مِنْ أَذَى اَلْعِبٰادِ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ اَلْأُمُورُ إِلَيْكَ يَصِيرُ يٰا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ اَلسَّمِيعُ اَلْبَصِيرُ.

[دعای فرج]

و هم درین معنی بگوی هر بامداد و در عقب فریضه‌ها نیز اگر خواهی بگوی که دعای فرج است:

لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أُفَرِّجُ بِهٰا كُلَّ كُرْبَةٍ وَ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَحُلُّ بِهٰا كُلَّ عُقْدَةٍ» وَ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَجْلُو بِهٰا كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَفْتَحُ بِهٰا كُلَّ بٰابٍ وَلاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَسْتَعِينُ بِهٰا عَلىٰ كُلِّ شِدَّةٍ وَ مُصِيبَةٍ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَعْتَصِمُ بِهٰا عَلىٰ كُلِّ أَمْرٍ يَنْزِلُ بِي وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَعْتَصِمُ بِهٰا مِنْ كُلِّ مَحْذُورٍ أُحٰاذِرُ «وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَسْتَعِينُ بِهٰا» وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ أَسْتَوْجِبُ بِهَا اَلْعَفْوَ وَ اَلْعٰافِيَةَ وَ اَلرِّضٰا مِنَ اَللّٰهِ، وَ لاٰ حَوْلَ

---

۱. در «د»: القوية

وَ لا قُوَّةَ إلاّ بِاللّٰهِ تَفَرَّقَ أَعْدٰاءُ اللّٰهِ وَ غَلَبَتْ حُجَّةُ ٱللّٰهِ وَ بَقِيَ وَجْهُ ٱللّٰهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلاّ بِاللّٰهِ. ٱللّٰهُمَّ رَبَّ ٱلْأَرْوٰاحِ الْفٰانِيَةِ وَ رَبَّ ٱلْأَجْسٰادِ ٱلْبٰالِيَةِ وَ رَبَّ ٱلشُّعُورِ ٱلْمُتَمَعِّطَةِ[1] وَ رَبَّ ٱلْجُلُودِ ٱلْمُمَزَّقَةِ وَ رَبَّ الْعِظٰامِ ٱلنَّخِرَةِ وَ رَبَّ ٱلسّٰاعَةِ ٱلْقٰائِمَةِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرَجًا وَ مِنْ كُلِّ غَمٍّ مَخْرَجًا فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ ٱفْعَلْ بِي ذٰلِكَ بِخَفِيِّ لُطْفِكَ يا ذَاٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ آمِينَ رَبَّ ٱلْعٰالَمِينَ.

---

۱. در «م»: المَشْمَطَة

قسم دوم

در اورادی که در هفته مکرّر می شود (دعاهای هفته)

آدینه

دعاهای و اعمال شب آدینه

پیغمبر ﷺ[1] گفت: هرکه شب آدینه میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز کند، در هر رکعتی الحمد لله خواند و قل هو الله چهل بار، من به صراط بدو رسم و دست او گیرم و هرکه من به صراط بدو رسم و دست او گیرم حساب و ترازوی وی را کفایت کنم.

وگفت ﷺ : هرکه شب آدینه میان نماز شام و خفتن بیست رکعت نماز کند و در هر رکعتی الحمد خواند و قل هو الله أحد ده بار، خدای تعالی وی را نگاه دارد در اهل او و مال او و دین و دنیا و آخرتش.

و گفت : هر که شب آدینه دو رکعت نماز کند الحمد یک بار و إذا زلزلت پانزده بار، چون فارغ شود بگوید:

---

۱ . در اصل علیه السلام است

يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ الْإِكْرٰام،

خدای تعالی ایمن گرداند او را از عذاب قبر و اهوال روز قیامت.

و گفت ﷺ : هر که شب آدینه یا روز آدینه یا شب پنجشنبه یا شب دوشنبه یا روز دوشنبه چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی هفت بار الحمد خواند و یکبار إنّا أنزلناه به دو سلام، چون فارغ شود صد بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ و صد بار بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جِبْرَئِيل

خدای تعالی وی را هفتاد هزار کوشک بدهد در بهشت و در هر کوشکی هفتاد هزار سرای و در هر سرای هفتاد هزار خانه بدهد و در هر خانه هفتاد هزار کنیزک و شرّ اهل آسمان را از وی باز دارد و اهل زمین و شرّ پری و آدمی ازو باز دارد و عذاب گور از وی باز دارد و از جای برنخیزد تا که خدای تعالی به نظر رحمت بدو نگرد و مکافاتش بهشت کند و وی را و پدر و مادر وی را بیامرزد و دعایش اجابت کند و حاجتش روا کند.

و امیرالمؤمنین ؑ گفت که، پیغمبر ﷺ فرمود: هر که شب آدینه چهار رکعت نماز کند به دو سلام میان ایشان جدا کند، در هر رکعتی یکبار الحمد خواند و یکبار سورة الجمعة و هر دو قل أعوذُ هر یکی ده بار و قل هو الله ده بار و آیة الكرسي یکبار و قل یا أيّها الكافرون یکبار و در هر رکعتی هفتاد بار استغفار خواهد و هفتاد بار بر پیغمبر ﷺ صلوات فرستد و هفتاد بار بگوید:

سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ و اللّٰهُ أَكْبَرُ و لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

هر گناهی که کرده بوَد و خواهد کرد خدای تعالی وی را بیامرزد.

و گفت ﷺ : هرکه شب آدینه یا روز آدینه چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی پنجاه بار قل هو الله أحد خواند گناهان وی بیامرزد و اگر چه مقدار کف دریا بود.

و گفت ﷺ : هرکه شب آدینه چهار رکعت نماز کند و در هر رکعتی دویست و

پنجاه بار قل هو الله بخواند بِنَمیرد تا که بهشت ببیند یا از برای وی ببینند.

وگفت ﷺ : هر که شب آدینه دو رکعت نماز کند در هر رکعتی پنجاه بار قل هو الله بخواند و در آخر نماز بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ٱلنَّبِيِّ ٱلْعَرَبِيِّ هر گناه که پیش از آن و پس از آن کرده بوَد خدای تعالی بیامرزد.

وگفت ﷺ : هرکه شب آدینه یازده رکعت نماز کند به یک سلام، در هر رکعتی الحمد خواند و هر دو قل أعُوذُ هر یکی یکبار، چون از نماز فارغ شود سجده کند و در سجده هفت بار بگوید:

لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰه ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظيم،

روز قیامت از هر در بهشت که خواهد در شود.[1]

از فاضلترین عملها در شب آدینه قرآن خواندن است و از آن جمله که خاص است در آن شب و ترغیب در خواندن آن فرموده‌اند سورت بنی اسرائیل است و الکهف و هر سه طس و سجده و لقمان و یس و حم السجده و حم الدخان و الواقعه است.

و در شب آدینه این دعا بخواندی:

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْني أَخْشٰاكَ حَتّٰى كَأَنّي أَرٰاكَ وَ أَسْعِدْني بِتَقْوٰاكَ وَ لاٰتُشْقِني بِمَعٰاصيكَ وَ خِرْ لي في قَضٰآئِكَ وَ بٰارِكْ لي في قَدَرِكَ حَتّٰى لاٰأُحِبَّ تَعْجيلَ مٰا أَخَّرْتَ وَ لاٰ تَأْخيرَ مٰا عَجَّلْتَ وَ ٱجْعَلْ غِنٰايَ في نَفْسي وَ مَتِّعْني بِسَمْعي وَ بَصَري وَ ٱجْعَلْهُمٰا ٱلْوٰارِثَيْنِ مِنّي وَ ٱنْصُرْني عَلىٰ مَنْ ظَلَمَني وَ أَرِني فيهِ قُدْرَتَكَ يٰا رَبِّ وَ أَقْرِرْ بِذٰلِكَ عَيْني.

اَللّٰهُمَّ أَعِنّي عَلىٰ هَوْلِ يَوْمِ ٱلْقِيٰامَةِ وَ أَخْرِجْني مِنَ ٱلدُّنْيٰا سٰالِمًا وَ أَدْخِلْنِي ٱلْجَنَّةَ اٰمِنًا وَ زَوِّجْني مِنَ ٱلْحُورِ ٱلْعينِ وَ ٱكْفِني مَؤُنَتي وَ مَؤُنَةَ عِيٰالي وَ مَؤُنَةَ

---

[1] . مصباح المتهجد، ص ۲۵۹ ـ ۲۶۱

اَلنّاسِ أَجْمَعِينَ وَ أَدْخِلْنِي فِي عِبادِكَ الصّالِحِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنْ تُعَذِّبْنِي «فَأَهْلٌ لِذٰلِكَ أَنَا وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي فَأَهْلٌ لِذٰلِكَ أَنْتَ وَ كَيْفَ تُعَذِّبُنِي» يا سَيِّدِي وَ حُبُّكَ فِي قَلْبِي أَمٰا وَ عِزَّتِكَ لَئِنْ فَعَلْتَ ذٰلِكَ بِي لَتَجْمَعَنَّ بَيْنِي وَ بَيْنَ قَوْمٍ طالَ ما عادَيْتُهُمْ فِيكَ. اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ أَوْلِيائِكَ الطّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلامُ ارْزُقْنا صِدْقَ الْحَدِيثِ وَ أَداءَ الْأَمانَةِ وَ الْمُحافَظَةَ عَلَى الصَّلَواتِ. اَللّٰهُمَّ إِنّا أَحَقُّ خَلْقِكَ أَنْ تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِنا. اَللّٰهُمَّ افْعَلْهُ بِنا بِرَحْمَتِكَ. اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ ظَنِّي إِلَيْكَ صاعِدًا وَ لا تُطْمِعَنَّ فِيَّ عَدُوًّا وَ لا حاسِدًا وَ احْفَظْنِي قائِمًا وَ قاعِدًا وَ يَقْظانَ وَ راقِدًا. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي وَ اهْدِنِي سَبِيلَكَ الْأَقْوَمَ وَ قِنِي حَرَّ جَهَنَّمَ وَ حَرِيقَهَا الْمُضْرَمَ وَ احْطُطْ عَنِّي الْمَغْرَمَ وَ الْمَأْثَمَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ خِيارِ الْعالَمِ. اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِي بِما لا طاقَةَ لِي بِهِ وَ لا صَبْرَ لِي عَلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.

و در شب آدینه و روز آدینه این دعا بگوی هفت بار:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ أَمَتِكَ فِي قَبْضَتِكَ وَ ناصِيَتِي بِيَدِكَ أَمْسَيْتُ عَلىٰ عَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ أَعُوذُ بِرِضاكَ مِنْ شَرِّ ما صَنَعْتُ أَبُوءُ بِعَمَلِي وَ أَبُوءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلاّ أَنْتَ.

صادق ؈ گفت: چون شب آدینه نماز شب خواهی کردن در رکعت اول پس از الحمد، قل هو الله خوان و در دوم قل یاأیها الکافرون و در سوم الم سجده و در چهارم المدثر و در پنجم حم السجده و در ششم الملك و در هفتم یس و در هشتم الواقعة، آنگه وتر بکن به هر دو قل أعوذُ و قل هو الله و در دعای وتر شب آدینه این دعا

درفزای که:[1]

اَللّٰهُمَّ هٰذا مَكانُ ٱلْبائِسِ ٱلْفَقيرِ، مَكانُ ٱلْمُسْتَغيثِ ٱلْمُسْتَجيرِ، مَكانُ ٱلْهالِكِ ٱلْغَريقِ، مَكانُ ٱلْوَجِلِ ٱلْمُشْفِقِ، مَكانُ مَنْ يُقِرُّ بِخَطيئَتِهِ وَ يَعْتَرِفُ بِذُنُوبِهِ وَ يَتُوبُ إِلىٰ رَبِّهِ. اَللّٰهُمَّ قَدْ تَرىٰ مَكاني وَ لا يَخْفىٰ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْري يا ذَاالْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ تَلِي التَّدْبيرَ وَ تُمْضِي ٱلْمَقاديرَ سُؤالَ مَنْ أَساءَ وَ ٱقْتَرَفَ وَ ٱسْتَكانَ وَ ٱعْتَرَفَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لي ما مَضىٰ في عِلْمِكَ مِنْ ذُنُوبي وَ شَهِدَتْ بِهِ حَفَظَتُكَ وَ حَفِظَتْهُ مَلائِكَتُكَ وَ لَمْ يَغِبْ عَنْهُ عِلْمُكَ قَدْ أَحْسَنْتَ فِيهِ ٱلْبَلاءَ. فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْ تَتَجاوَزَ عَنْ سَيِّئاتي في أَصْحابِ ٱلْجَنَّةِ وَعْدَ ٱلصِّدْقِ ٱلَّذي كانُوا يُوعَدُونَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّد أَئِمَّةِ ٱلْمُؤْمِنينَ[2] اَللّٰهُمَّ إِنّي أَسْأَلُكَ سُؤالَ مَنِ ٱشْتَدَّتْ فاقَتُهُ وَ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ سُؤالَ مَنْ لا يَجِدُ لِفاقَتِهِ مُسَدِّدًا وَ لا لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا غَيْرَكَ يا ذَاالْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ.

اَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ بِالْيَقينِ قَلْبي وَ ٱقْبِضْ عَلَى ٱلصِّدْقِ إِلَيْكَ لِساني وَ ٱقْطَعْ مِنَ ٱلدُّنْيا حَوائِجي شَوْقًا إِلىٰ لِقائِكَ في صِدْقِ ٱلْمُتَوَكِّلينَ عَلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ كِتابٍ قَدْ سَبَقَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ جَلَّ ثَناؤُكَ وَ أَسْتَجيرُ بِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ مَكْرُوهًا أَسْتَحِقُّ بِهِ عُقُوبَةَ ٱلْآخِرَةِ وَ أَسْأَلُكَ عِلْمَ ٱلْخائِفينَ وَ إِنابَةَ ٱلْمُخْبِتينَ وَ يَقينَ ٱلْمُتَوَكِّلينَ وَ تَوَكُّلَ ٱلْمُوقِنينَ بِكَ وَ خَوْفَ ٱلْعامِلينَ وَ إِخْباتَ ٱلْمُنيبينَ وَ شُكْرَ ٱلصّابِرينَ وَ صَبْرَ ٱلشّاكِرينَ وَ ٱللَّحاقَ بِالْأَحْياءِ ٱلْمَرْزُوقينَ آمينَ آمينَ رَبَّ ٱلْعالَمينَ.

يا أَوَّلَ ٱلْأَوَّلينَ وَ يا آخِرَ ٱلْآخِرينَ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا اَللّٰهُ يا رَحيمُ صَلِّ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۷۱

۲. در مصباح: المعصومين

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُوجِبُ النِّقَمَ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُورِثُ النَّدَمَ وَ اغْفِرْلِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الْقِسَمَ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلاٰءَ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدٰاءَ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ غَيْثَ السَّمآءِ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُظْلِمُ الْهَوٰاءَ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تَكْشِفُ الْغِطٰآءَ.

و مستحبّ بوَد پس از سنّت نماز بامداد از روز آدینه صد بار بگوید:

سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ وَ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

و چون صبح برآید بگوید:

أَصْبَحْتُ فِي ذِمَّةِ اللّٰهِ وَ ذِمَّةِ مَلاٰئِكَتِهِ وَ ذِمَمِ أَنْبِيٰآئِهِ وَ رُسُلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ وَ ذِمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ ذِمَمِ الْأَوْصِيٰآءِ مِنْ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ، اٰمَنْتُ بِسِرِّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلاٰنِيَتِهِمْ وَ ظٰاهِرِهِمْ وَ بٰاطِنِهِمْ وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمْ فِي عِلْمِ اللّٰهِ وَ طٰاعَتِهِ كَمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ.

روایت کرده‌اند از امیر المؤمنین ﷺ که، هر که شب آدینه بمیرد وی را برائتی نویسند از فشاردن گور و هر که روز آدینه بمیرد وی را برائتی نویسند از آتش دوزخ.

و صادق ﷺ گفت: صدقه در شب آدینه و روز آدینه بهزار بود و هزار نیکوئی بر آن نویسند و هزار بدی محو کنند و هزار درجه بردارند و کسی که بر محمد و آلش درود فرستد در شب آدینه نورش می‌دَرَفْشد در آسمان‌ها تا روز قیامت و فرشتگان در آسمان‌ها از برای وی آمرزش می‌خواهند تا روز قیامت و آن فرشته که موکل بر روضهٔ مصطفی است ﷺ وی را آمرزش می‌خواهد تا روز قیامت.

اعمال روز آدینه

صادق ﷺ گفت: خدای تعالی روز جمعه را فضل نهاد بر روزهای دیگر و

بهشت را بیارانید روز آدینه از برای کسی که به جمعه آید و شما به بهشت می‌شتابید به قدر آنکه به جمعه می‌شتابید و درهای آسمان بگشایند از برای عملهای روز آدینه و از فاضلترین عملها در روز آدینه، درود فرستادنست بر محمد و آلش، و اگر تواند هزار بار درود فرستد که در آن فضل بسیارست و بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

یا بگوید:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوٰاتِكَ وَصَلَوٰاتِ مَلاٰئِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

و مستحبّ است که درو سورت النساء و هود و الکهف و الصافات و الرحمن برخواند و هر باری که می‌خواند فَبِأَيِّ اٰلاٰءِ رَبِّكُمٰا تُكَذِّبٰانِ می‌گوید: لاٰبِشَيْءٍ مِنْ اٰلاٰئِكَ رَبِّ أُكَذِّبُ.

[دعای ختم قرآن]

و مستحبّ است که هر آدینه ختم قرآن کند و امیرالمؤمنین علیه‌السلام چون قرآن ختم کردی بگفتی:

اَللّٰهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْاٰنِ صَدْرِي وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْاٰنِ بَدَنِي وَ نَوِّرْ بِالْقُرْاٰنِ بَصَرِي وَ أَطْلِقْ بِالْقُرْاٰنِ لِسٰانِي وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ مٰا أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّهُ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِكَ.

و پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت که، فاضلترین عبادات امت من قرآن خواندنست.

و صادق علیه‌السلام چون در مُصْحف نگریستی از برای قرآن خواندن این دعا بگفتی:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هٰذٰا كِتٰابُكَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلٰى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ فِيهِ حُكْمُكَ وَ شَرٰائِعُ

دِينِكَ وَ كَلِمَاتُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ رَسُولِكَ، أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ وَ جَعَلْتَهُ عَهْدًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ وَ حَبْلاً فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ عِبَادِكَ. اَللَّهُمَّ إِنِّي نَشَرْتُ عَهْدَكَ وَ كِتَابَكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ عِبَادَةً وَ قِرَاءَتِي فِيهِ فِكْرًا وَ ذِكْرِي[1] اعْتِبَارًا وَ اجْعَلْنِي مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ وَ اجْتَنَبَ مَعَاصِيَكَ وَ لاَتَطْبَعْ عِنْدَ قِرَاءَتِي كِتَابَكَ عَلَى قَلْبِي وَ لاَعَلَى سَمْعِي وَ لاَتَجْعَلْ عَلَى بَصَرِي غِشَاوَةً وَ لاَتَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لاَيُتَدَبَّرُ فِيهَا وَ اجْعَلْنِي أَتَدَبَّرُ آيَاتِهِ وَ أَحْكَامَهُ آخِذًا بِشَرَائِعِ دِينِكَ وَ لاَتَجْعَلْ نَظَرِي فِيهِ غَفْلَةً وَ لاَقِرَاءَتِي هَذْرَمَةً فَإِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

آنگه بگوید:

يَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ يَا مَنْ هُوَ الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ، يَا مَنْ هُوَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ، لَكَ الْحَمْدُ مِنِّي وَ لَكَ الشُّكْرُ إِذْ هَدَيْتَنِي لِلإِيمَانِ وَ عَلَّمْتَنِي الْقُرْآنَ وَ مَنَنْتَ عَلَيَّ بِمَا وَهَبْتَهُ لِي مِنَ الْعِلْمِ بِتَنْزِيلِهِ وَ تَأْوِيلِهِ. اَللَّهُمَّ فَانْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ زِدْنِي عِلْمًا بِمَا يَنْفَعُنِي وَ وَفِّقْنِي لِمَا يُقَرِّبُنِي مِنْ رِضَاكَ وَ يُبَاعِدُنِي مِنْ سَخَطِكَ. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ.

وچون از خواندن فارغ شود بگوید:

اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الشُّكْرُ عَلَى مَا يَسَّرْتَهُ لِي مِنْ تِلاَوَةِ كِتَابِكَ الْعَزِيزِ الَّذِي لاَيَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لاَ مِنْ خَلْفِهِ «تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» أَشْهَدُ أَنَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

۱. در «د» : فكري

لِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُنْذِرِينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَعَلْتَهُ بِبَدِيعِ نَظْمِهِ وَ مُعْجِزِ تَأْلِيفِهِ وَ عَجِيبِ أَخْبارِهِ بُرْهانًا لِرَسُولِكَ دالاًّ عَلٰى خُلُقِهِ[۱] مُخْبِرًا عَنْ صِدْقِهِ لَوِ ٱجْتَمَعَتِ ٱلْإِنْسُ وَ ٱلْجِنُّ عَلٰى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هٰذَا ٱلْقُرْآنِ لَمْ يُمْكِنْهُمْ ذٰلِكَ وَلَوْ كانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا. أَشْهَدُ أَنَّكَ جَمَعْتَ فِيهِ جَوامِعَ ٱلْحِكْمَةِ وَ مَعالِمَ ٱلرُّشْدِ وَ شَرائِعَ ٱلْهُدٰى وَ أَقَمْتَ بِهِ عَلٰى عِبادِكَ ٱلْحُجَّةَ وَ أَزَحْتَ بِهِ كُلَّ عِلَّةٍ وَ سَدَدْتَ بِهِ مِنْهُمْ كُلَّ خَلَّةٍ وَ أَزَلْتَ بِهِ عَنْهُمْ كُلَّ شُبْهَةٍ وَ جَعَلْتَهُ نُورًا مَنْ تَبِعَهُ هَداهُ وَ مَنِ ٱعْتَصَمَ بِهِ نَجّاهُ.

اَللّٰهُمَّ كَما عَلَّمْتَنِيهِ وَ مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ رَحْمَةً مِنْكَ وَ طَوْلاً وَ إِحْسانًا وَ فَضْلاً فَوَفِّقْنِي لِرِعايَةِ حَقِّهِ وَ إِقامَةِ ما أَمَرْتَ فِيهِ مِنَ ٱلصَّوابِ وَ ٱسْتِحْقاقِ ما وَعَدْتَ عَلَيْهِ مِنَ ٱلثَّوابِ. اَللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَتَقَبَّلَ مِنِّي ما وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ ذِكْرِكَ وَ تِلاوَةِ كِتابِكَ وَ تُوجِبَ لِي ثَوابَهُ وَ لا تَرُدَّهُ عَلَيَّ وَ لا تَحْرِمْنِي أَجْرَهُ بِما جَنَيْتُهُ عَلٰى نَفْسِي مِنْ ذُنُوبٍ قَدْ فَرَّحَتْنِي وَ لَوْلا سَتْرُكَ لَفَضَحَتْنِي. اَللّٰهُمَّ ٱغْفِرْها كَما سَتَرْتَها وَ كَما حَلُمْتَ عَنِّي حِينَ واقَعْتُها فَلَمْ تُعاجِلْنِي بِالْعِقابِ عَلَيْها فَلا تُؤاخِذْنِي بِها فِي ٱلْمَعادِ وَ لا تُعَذِّبْنِي مِنْ أَجْلِها يَوْمَ ٱلتَّنادِ وَ ٱمْحُها عَنِّي وَ ٱغْفِرْها لِي فَإِنِّي تائِبٌ إِلَيْكَ مِنْها مَعَ ٱلنَّدامَةِ عَلَيْها تَوْبَةً أَسْأَلُكَ أَنْ تُثَبِّتَنِي عَلَيْها وَ تُعِينَنِي عَلٰى تَصْحِيحِها وَ إِصْلاحِها[۲] وَ أَتَمَسَّكُ بِحُقُوقِها إِلٰى أَنْ تَتَوَفّانِي عَلَيْها مَعْفُوًّا عَنِّي مَغْفُورًا لِي بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

[غسل روز آدینه و آماده شدن برای رفتن به مسجد مِهین]

و سنّتِ لازمست غسل در روز آدینه پس از صبح، و هر که در روز آدینه غسل کند در پاکی بود تا دیگر آدینه. و بامداد موی لب فراگیر و ناخن بچین که باقر ﷺ

---

۱. در «م»: خَلْقِهِ ۲. در «د»: اخلاصها.

گفت: هر که در آدینه موی لب و ناخن فرا گیرد و بگوید:

بِسْمِ اَللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلىٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِين،

به هر تار موی یا ناخن که از وی بیفتد خدای تعالی وی را ثواب بنده آزاد کردن بنویسد و هرگز بیمار نشود مگر بیماری مرگ. و غسل هر چند به زوال نزدیکتر بود فاضلتر بود، پس از زوال قضا بود.

و در حال غسل بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ اَلتَّوّٰابِينَ وَ اَجْعَلْنِي مِنَ اَلْمُتَطَهِّرِينَ.

و جامهٔ پاکترین و نیکوترین در پوشد و بوی خوش بکار دارد و به مسجد مهین[۱] شود به آرام و آهستگی که امیرالمؤمنین ﷺ گفت: نماز در مسجد مهین به صد نماز بود.

و چون روی به مسجد آرد بگوید:

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هٰذَا اَلْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوِ اَسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ إِلىٰ مَخْلُوقٍ رَجٰاءَ رِفْدِهِ وَ نَوٰافِلِهِ وَ فَوٰاضِلِهِ وَ عَطٰايٰاهُ فَإِلَيْكَ يٰا سَيِّدِي تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِيَتِي وَ إِعْدٰادِي وَ اَسْتِعْدٰادِي رَجٰاءَ رِفْدِكَ وَ جُودِكَ وَ نَوٰافِلِكَ وَ فَوٰاضِلِكَ وَ عَطٰايٰاكَ وَ قَدْ غَدَوْتُ إِلىٰ عِيدٍ مِنْ أَعْيٰادِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ لَمْ أَفِدْ إِلَيْكَ اَلْيَوْمَ بِعَمَلٍ صٰالِحٍ أَثِقُ بِهِ «قَدَّمْتُهُ» وَ لاٰ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمَخْلُوقٍ أَمَّلْتُهُ وَ لٰكِنِّي أَتَيْتُكَ خٰاضِعًا مُقِرًّا بِذَنْبِي وَ إِسٰاءَتِي إِلىٰ نَفْسِي فَيٰاعَظِيمُ يٰا

---

۱. در «م»: مسجد جمعه.

عَظِيمُ اِغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ الْعِظامَ إِلاَّ أَنْتَ.[۱]

چون در مسجد شود بگوید:

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ لِي بابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ وَ أَغْلِقْ عَنِّي بابَ سَخَطِكَ وَ بابَ كُلِّ مَعْصِيَةٍ هِيَ لَكَ. اَللّٰهُمَّ أَعْطِنِي فِي مَقامِي هٰذا جَمِيعَ ما أَعْطَيْتَ أَوْلِياءَكَ مِنَ الْخَيْرِ وَ اصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ ما صَرَفْتَهُ عَنْهُمْ مِنَ الْأَسْواءِ وَ الْمَكارِهِ رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا إِنْ نَسِينا أَوْ أَخْطَأْنا تاآخر سورت. اَللّٰهُمَّ افْتَحْ مَسامِعَ قَلْبِي لِذِكْرِكَ وَ انْصُرْنِي نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ثَبِّتْنِي عَلىٰ أَمْرِهِمْ وَصِلْ ما بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ وَ احْفَظْهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِمْ وَ امْنَعْهُمْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِمْ بِسُوءٍ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي زائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلىٰ كُلِّ مَأْتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتاهُ وَ زارَهُ وَ أَنْتَ أَكْرَمُ مَأْتِيٍّ وَ خَيْرُ مَزُورٍ وَ خَيْرُ مَنْ طُلِبَتْ إِلَيْهِ الْحاجاتُ فَأَسْأَلُكَ يااَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِحَقِّ الْوِلايَةِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ وَ تَمُنَّ عَلَيَّ بِفَكاكِ رَقَبَتِي مِنَ النّارِ.

و چون در مصلّی بایستد روی به قبله بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ إِلَيْكَ مُحَمَّدًا نَبِيَّكَ نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ بَيْتِهِ الْأَوْصِياءَ الْمَرْضِيِّينَ بَيْنَ يَدَيْ حَوائِجِي وَ أَتَوَجَّهُ بِهِمْ إِلَيْكَ فَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَ دُعائِي بِهِمْ مُسْتَجابًا وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَ رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا وَ انْظُرْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةً أَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ وَالْإِيمانَ ثُمَّ لا تَصْرِفْهُ إِلاَّ بِمَغْفِرَتِكَ وَ تَوْبَتِكَ. رَبَّنا لا تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنا وَ هَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۸۶

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْوَهّابُ.
اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ رِضاكَ طَلَبْتُ وَ ثَوابَكَ ٱبْتَغَيْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ. اَللّٰهُمَّ أَقْبِلْ إِلَيَّ بِوَجْهِكَ وَ أُقْبِلُ إِلَيْكَ بِقَلْبِي. اَللّٰهُمَّ أَعِنِّي عَلٰى ذِكْرِكَ وَ شُكْرِكَ وَ حُسْنِ عِبادَتِكَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُناجِيهِ. اَللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلٰى ما هَدَيْتَنِي وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلٰى كُلِّ بَلاءٍ حَسَنٍ أَبْلَيْتَنِي. اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ صَلَواتِي وَ دُعائِي وَ ٱغْفِرْ لِي وَ ٱرْحَمْنِي وَ تُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ ٱلتَّوّابُ ٱلرَّحِيمُ.[۱]

[زيارت پيغمبر صلی الله علیه وآله در روز جمعه]

صادق علیه السلام گفت: هر كه خواهد كه زيارت كند پيغمبر را و اميرالمؤمنين را و فاطمه و حسن و حسين و امامان ديگر را علیهم السلام در روز آدينه، بايد كه دو جامۀ پاک درپوشد و به صحرا شود يا بر بام سراى و چهار ركعت نماز كند به دو سلام و آنچه خواهد از قرآن بخواند. چون سلام بدهد برخيزد روى به قبله و بگويد:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ. اَلسَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱلْمُرْسَلُ وَ ٱلْوَصِيُّ ٱلْمُرْتَضٰى وَ ٱلسَّيِّدَةُ ٱلْكُبْرٰى وَ ٱلسَّيِّدَةُ ٱلزَّهْراءُ وَ ٱلسِّبْطانِ ٱلْمُنْتَجَبانِ وَ ٱلْأَوْلادُ وَ ٱلْأَعْلامُ وَ ٱلْأُمَناءُ ٱلْمُنْتَجَبُونَ[۲] جِئْتُ ٱنْقِطاعًا إِلَيْكُمْ وَ إِلٰى آبائِكُمْ وَ وَلَدِكُمْ ٱلْخَلَفِ عَلٰى بَرَكَةِ[۳] ٱلْحَقِّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يَحْكُمَ ٱللّٰهُ لِدِينِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي لَمِنَ ٱلْقائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِكُمْ لا أُنْكِرُ ٱللّٰهَ قُدْرَةً وَ لا أَزْعَمُ إِلاّ ماشاءَ ٱللّٰهُ سُبْحانَ ٱللّٰهِ ذِي ٱلْمُلْكِ وَ ٱلْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ لِلّٰهِ بِأَسْمائِهِ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۸۸
۲. در مصباح: اَلْمُنْتَجَبُونَ ٱلْمُسْتَخْزَنُون
۳. در «د» : تركة

جَميعُ خَلْقِهِ وَ اَلسَّلامُ عَلىٰ أَرْواحِكُمْ وَ أَجْسادِكُمْ وَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اَللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.[۱]

[زيارت امام حسين عليه السلام در روز جمعه]

و مستحبّ بوَد كه درو امام حسين بن على بن أبى‌طالب را عليهما السلام زيارت كند، غسل كند و بر بام سراى شود يا به صحراى خالى و به سلام اشارت كند به امام حسين عليه السلام، و بگويد:

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَ اَبْنَ مَوْلايَ وَ سَيِّدي وَ اَبْنَ سَيِّدي اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ يا قَتيلَ اَبْنَ اَلْقَتيلِ وَ اَلشَّهيدَ اَبْنَ اَلشَّهيدِ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اَللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ، أَنَا زائِرُكَ يَابْنَ رَسُولِ اَللّٰه بِقَلْبي وَ لِساني وَ جَوارِحي وَ إِنْ لَمْ أَزُرْكَ بِنَفْسي وَ اَلْمُشاهَدَةِ لِقُبَّتِكَ، اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اَللّٰه وَ وارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اَللّٰهِ وَ وارِثَ إِبْراهيمَ خَليلِ اَللّٰهِ وَ وارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اَللّٰهِ وَ وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اَللّٰهِ وَوارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اَللّٰهِ وَ نَبِيِّهِ وَ رَسُولِهِ وَ وارِثَ عَلِيٍّ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَ وارِثَ اَلْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَصِيِّ أَميرِ اَلْمُؤْمِنينَ، لَعَنَ اَللّٰهُ قاتِليكَ وَ جَدَّدَ عَلَيْهِمُ اَلْعَذابَ فِي هٰذِهِ اَلسّاعَةِ وَ فِي كُلِّ ساعَةٍ، أَنَا يا سَيِّدي مُتَقَرِّبٌ إِلَى اَللّٰهِ وَ إِلىٰ جَدِّكَ رَسُولِ اَللّٰهِ وَ إِلىٰ أَبيكَ أَميرِالْمُؤْمِنينَ وَ إِلىٰ أَخيكَ اَلْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ يامَوْلايَ عَلَيْكَ سَلامُ اَللّٰهِ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكاتُهُ بِزِيارَتي لَكَ بِقَلْبي وَ لِساني وَ بِجَميعِ جَوارِحي فَكُنْ يا سَيِّدي شَفيعي لِقَبُولِ ذٰلِكَ مِنّي وَ أَنا بِالْبَراءَةِ مِنْ أَعْدائِكَ وَ اَللَّعْنَةِ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ بِذٰلِكَ إِلَى اَللّٰهِ تَعالىٰ وَ إِلَيْكُمْ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۸۹

أَجْمَعِينَ، فَعَلَيْكَ صَلَوٰاتُ ٱللّٰهِ وَ رِضْوٰانُهُ وَ رَحْمَتُهُ.[۱]

آنگه اندکی با جانب پایین گردد و روی فرا قبر علی بن الحسین کند که وی در پایین پای حسین است ﷺ و هم چنان بر وی سلام فرستد و دعای و حاجتی که خواهد بگوید؛ آنگه چهار رکعت نماز زیارت بکند یا شش رکعت یا هشت رکعت «و کمینه دو رکعت است» و هشت رکعت فاضلتر بود. آنگه روی فرا قبر امام حسین ﷺ کند و بگوید:

أَنَا مُوَدِّعُكَ يٰا مَوْلاٰيَ وَ ٱبْنَ مَوْلاٰيَ وَ سَيِّدِي وَ ٱبْنَ سَيِّدِي وَ مُوَدِّعُكَ يٰا سَيِّدِي وَ ٱبْنَ سَيِّدِي يٰا عَلِيَّ بْنَ ٱلْحُسَيْنِ وَ مُوَدِّعُكُمْ يٰا سٰادَتِي يٰا مَعْشَرَ ٱلشُّهَدٰاءِ فَعَلَيْكُمْ سَلاٰمُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ وَ رِضْوٰانُهُ.[۲]

نماز پیغمبر ﷺ

دو رکعت بوَد در هر رکعتی پس از الحمد، إنّا أنزلناه بخواند پانزده بار و همچنین در هر یک از رکوع و راست شدن و هر دو سجده. و چون بنشیند و در رکوع برآید همچندان و در سجود همچندان و چون از سجود برآید همچندان و در سجود دوم همچندان و چون از سجود برآید همچندان. چون سلام بدهد تعقیبی که خواهد بگوید و بازگردد و میان وی و خدای تعالی هیچ گناه نبود الّاکه خدای تعالی آن را بیامرزد و پس از نماز بگوید:

لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ رَبُّنٰا وَ رَبُّ آبٰائِنَا ٱلْأَوَّلِينَ تاآنجاکه وَ هُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

آنگه بگوید:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ نُورُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ قَيّٰامُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ مَنْ فِيهِنَّ فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ ٱلْحَقُّ وَ وَعْدُكَ ٱلْحَقُّ وَ قَوْلُكَ حَقٌّ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۸۹ ـ ۲۹۰

۲. مصباح المتهجد، ص ۲۹۰

وَ إِنْجازُكَ حَقٌّ وَ اَلْجَنَّةُ حَقٌّ وَ اَلنّارُ حَقٌّ. اَللّٰهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ بِكَ خاصَمْتُ وَ إِلَيْكَ حاكَمْتُ يا رَبِّ يا رَبِّ يـا رَبِّ، اِغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ وَ أَخَّرْتُ و أَسْرَرْتُ وَ أَعْلَنْتُ وَ أَنْتَ إِلٰهِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَارْحَمْني وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ كَرِيمٌ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ.[۱]

نماز امیرالمؤمنین علی ؑ

صادق ؑ گفت: هرکه نماز امیرالمؤمنین ؑ بگزارد ازگناه خود بیرون آید مثل آن روزی که از مادر زاده بوَد و حاجتهایش رواکند و آن چهار رکعت بوَد بدو سلام. در هر رکعتی پس از الحمد پنجاه بار قل هو الله خواند، چون از آن فارغ شود بگوید:

سُبْحانَ مَنْ لاٰتَبِيدُ مَعالِمُهُ، سُبْحانَ مَنْ لاٰ تَنْقُصُ خَزائِنُهُ، سُبْحانَ مَنْ لاَاضْمِحْلاٰلَ لِفَخْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لاٰ يُشارِكُ أَحَدٌ فِي أَمْرِهِ، سُبْحانَ مَنْ لاٰيَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، سُبْحانَ مَنْ لاَانْقِطاعَ لِمُدَّتِهِ سُبْحانَ مَنْ لاٰ إِلٰهَ غَيْرُهُ.

پس بگوید:

يا مَنْ عَفا عَنِ السَّيِّئاتِ وَ لَمْ يُجازِ بِها، اِرْحَمْ عَبْدَكَ يا اَللّٰهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يا سَيِّداهُ أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يا رَبّاهُ، إِلٰهِي بِكَيْنُونَتِكَ يا أَمَلاهُ يا رَحْماناهُ يا غِياثاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ لاٰحِيلَةَ لَهُ يا مُنْتَهىٰ رَغْبَتاهُ يا مُجْرِي الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ لاٰ حِيلَةَ لِي وَ لاٰ غِنىً بِي عَنْ نَفْسِي وَ لاٰ أَسْتَطِيعُ لَها ضَرًّا وَ لاٰ نَفْعًا وَ لاٰ أَجِدُ مَنْ أُصانِعُهُ تَقَطَّعَتْ أَسْبابُ الْخَدائِعِ عَنِّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنِّي، أَفْرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هٰذَا الْمَقامَ ياإِلٰهِي

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۹۱. در «س» از بعد از جملهٔ «خدای تعالی ... بیامرزد» تا اینجا نیامده است.

بِعِلْمِكَ كانَ هٰذا كُلُّهُ فَكَيْفَ أَنْتَ صانِعٌ وَ لَيْتَ شِعْري كَيْفَ تَقُولُ لِدُعائي! أَتَقُولُ نَعَمْ أَمْ تَقُولُ لا؟ فَإِنْ قُلْتَ لا، فَيا وَيْلَتي يا وَيْلي وَ يا وَيْلي يا عَوْلي يا عَوْلي يا شِقْوَتي يا شِقْوَتي يا ذُلّي يا ذُلّي يا ذُلّي يا ذُلّي إِلىٰ مَنْ وَ مِمَّنْ أَوْ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ ماذا أَوْ إِلىٰ أَيِّ شَيْءٍ أَلْجَأُ وَ مَنْ أَرْجُو مَنْ يَجُودُ عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حينَ تَرْفُضُني يا واسِعَ ٱلْمَغْفِرَةِ. وَ إِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَما أَظُنُّ بِكَ وَ ٱلرَّجاءُ لَكَ فَطُوبىٰ لي أَنَا ٱلسَّعيدُ وَ أَنَا ٱلْمَسْعُودُ وَ طُوبىٰ لي وَ أَنَا ٱلْمَرْحُومُ يا مُتَرَحِّمُ، يا مُتَرَئِّفُ يا مُتَعَطِّفُ يا مُتَحَنِّنُ يا مُتَمَلِّكُ يا مُقْسِطُ، لا عَمَلَ لي مَعَ نَجاحِ حاجَتي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ ٱلَّذي جَعَلْتَهُ في مَكْنُونِ غَيْبِكَ وَ ٱسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلىٰ شَيْءٍ سِواكَ. أَسْأَلُكَ بِهِ وَ بِكَ وَ بِكَ وَ بِهِ فَإِنَّهُ أَجَلُّ وَ أَشْرَفُ أَسْمائِكَ لا شَيْءَ لي غَيْرُ هٰذا وَ لا أَجِدُ أَعْوَدَ عَلَيَّ مِنْكَ يا كَيْنُونُ يا مُكَوِّنُ يا مَنْ عَرَّفَني نَفْسَهُ يا مَنْ أَمَرَني بِطاعَتِهِ يا مَنْ نَهاني عَنْ مَعْصِيَتِهِ يا مَدْعُوُّ يا مَسْؤُولُ يا مَطْلُوبًا إِلَيْهِ رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ ٱلَّتي أَوْصَيْتَني وَ لَمْ أُطِعْكَ وَ لَوْ أَطَعْتُكَ فيما أَمَرْتَني لَكَفَيْتَني ما قُمْتُ إِلَيْكَ فيهِ وَ أَنَا مَعَ مَعْصِيَتي لَكَ راجٍ فَلا تَحُلْ بَيْني وَ بَيْنَ ما رَجَوْتُ يا مُتَرَحِّمُ لي أَعِذْني مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفي وَ مِنْ فَوْقي وَ مِنْ تَحْتي وَ مِنْ كُلِّ جِهاتِ ٱلْإِحاطَةِ بي اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدي وَبِعَلِيٍّ وَلِيّي وَ بِالْأَئِمَّةِ ٱلرّاشِدينَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ ٱجْعَلْ عَلَيْنا رِضْوانَكَ وَ رَأْفَتَكَ وَ رَحْمَتَكَ وَ أَوْسِعْ عَلَيْنا مِنْ رِزْقِكَ وَ ٱقْضِ عَنَّا ٱلدَّيْنَ وَ جَميعَ حَوائِجِنا يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ.[1]

و صادق عليه‌السلام گفت: هركه اين نماز بكند و اين دعا بخواند بازگردد و ميان وى

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۲۹۲ ـ ۲۹۳

و خدای تعالی هیچ گناه نبود الاّکه خدای تعالی آن را بیامرزد.

نماز فاطمه عليها

دو رکعت بود در اول پس از الحمد صد بار إنّا أنزلناه خواند و در رکعت دوم صد بار قل هو الله أحد. چون سلام بدهد تسبیح فاطمهٔ زهراعليها بگوید، پس بگوید:

سُبْحانَ ذِي‌الْعِزِّ اَلشّامِخِ اَلْمُنيفِ. سُبْحانَ ذِي‌الْجَلالِ اَلْباذِخِ اَلْعَظيمِ، سُبْحانَ ذِي‌الْمُلْكِ اَلْفاخِرِ اَلْقَديمِ، سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ اَلْبَهْجَةَ وَ اَلْجَمالَ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّى بِالنُّورِ وَ اَلْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ يَرى أثَرَ اَلنَّمْلِ فِي اَلصَّفا، سُبْحانَ مَنْ يَرى وَقْعَ اَلطَّيْرِ فِي اَلْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هٰكَذا لا هٰكَذا غَيْرُهُ.[1]

و روایت کرده‌اند کسی که این نماز بکند و ازین تسبیح «بخواند، چون» فارغ شود، باید که هر دو سر زانو و هر دو ساعد برهنه کند و مواضع سجده را برهنه کند و بر زمین نهد، چنانکه هیچ در میان نبود و دعا کند و حاجتی که دارد خواهد از خدای تعالی و درین سجده بگوید:

يا مَنْ لَيْسَ غَيْرُهُ رَبٌّ يُدْعىٰ وَ يا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إلٰهٌ يُخْشىٰ، يا مَنْ لَيْسَ لَهُ مَلِكٌ يُتَّقىٰ، يا مَنْ لَيْسَ لَهُ حاجِبٌ يُرْشىٰ، يا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوّابٌ يُغْشىٰ، يا مَنْ لا يَزْدادُ عَلىٰ كَثْرَةِ اَلسُّؤالِ إلاّ كَرَمًا وَ جُودًا وَ عَلىٰ كَثْرَةِ اَلذُّنُوبِ إلاّ عَفْوًا وَ صَفْحًا، صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ و اَفْعَلْ بِي كَذا وَ كَذا.

نماز جعفر الطّیار عليه السلام

صادق عليه السلام گفت: چون جعفر بن ابي طالب عليه السلام از سفر[2] باز آمد، پیغمبر صلی الله علیه و آله وی را گفت: ای جعفر چیزی بَخْشم تو را؟ گفت: بلی یا رسول الله. گفت: چهار رکعت

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۰۱

۲. در «س» : سفر حبشه.

نماز کن به دو سلام. که هر گَهْ که این نماز بکنی بیامرزند ترا آنچه میان آن دو نماز بود. اگر توانی هر روزی و اگر نه هر دو روز و یا هر آدینه یا هر ماهی یا هر سالی، که هر دو بار که این نماز کنی هرچه میان آن دو کرده باشی بیامرزد. گفت: چگونه کنم؟ گفت: چون از قرائت فارغ شوی، پانزده بار بگوی:

سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰه وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ

و در رکوع ده بار و چون از رکوع برآیی ده بار و در سجود ده بار و چون از سجود برآیی ده بار و در سجود دوم ده بار و چون باز نشینی ده بار چنانکه در هر رکعتی هفتاد و پنج بار بود و در هر رکعتی **قل هو الله احد** خوانی و **قل یا أیها الکافرون** در یک روایت؛ و در روایت دیگر هست که در رکعت اول **اذا زلزلت** خوانی و در دوم **والعادیات** و در سوم **اذا جاء نصر الله** و در چهارم **قل هو الله** و عمل برین روایتست.

و روایتست از صادق علیه السلام که، اگر کسی را شتابی بود، جایز است که نماز جعفر مجرَّد بکند یعنی بی‌تسبیح و پس از آن تسبیح بگوید و کار خود می‌کند. ابو بصیر از صادق علیه السلام روایت کرد که، نماز جعفر هرگه خواهی از شب یا روز بکن و اگر خواهی آن را از حساب نافلهٔ شب گیر یا از حساب نافلهٔ روز که آن هم بجای نافله بایستد و هم به نماز جعفر. و در سجدهٔ بازپسین از رکعت چهارم پس از تسبیح بگوید:

سُبْحٰانَ مَنْ لَبِسَ ٱلْعِزَّ وَ ٱلْوَقٰارَ، سُبْحٰانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰ يَنْبَغِي ٱلتَّسْبِيحُ إِلاّٰ لَهُ، سُبْحٰانَ مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، سُبْحٰانَ ذِي ٱلْمَنِّ وَ ٱلنِّعَمِ، سُبْحٰانَ ذِي ٱلْقُدْرَةِ وَ ٱلْكَرَمِ، سُبْحٰانَ ذِي ٱلْعِزَّةِ وَ ٱلْفَضْلِ، سُبْحٰانَ ذِي ٱلْقُوَّةِ وَ ٱلطَّوْلِ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعٰاقِدِ ٱلْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى ٱلرَّحْمَةِ مِنْ كِتٰابِكَ وَ بِاسْمِكَ ٱلْأَعْظَمِ وَ كَلِمٰاتِكَ ٱلتّٰامَّةِ ٱلَّتِي تَمَّتْ صِدْقًا وَ عَدْلاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ «وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذٰا وَ

كَذٰا».[۱]

و حاجتی که دارد بخواهد.

مفضّل بن عمر گفت: صادق ؑ را دیدم که نماز جعفر بکرد و دو دست برداشت بدین دعا که یٰا رَبِّ یٰا رَبِّ تا که نفس بریده شد. یا رَبّٰاه تا که نفس بریده شد. ربِّ هم چنین، یا اَللّٰهُ هم چنین، یٰا حَيُّ هم چنین، یا رَحِیمُ هم چنین، یا رَحمٰنُ هفت بار، یا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِین هفت بار، آنگه بگفت:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَفْتَتِحُ ٱلْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَ أَنْطِقُ بِالثَّنٰاءِ عَلَيْكَ وَ أُمَجِّدُكَ وَ لاٰ غٰايَةَ لِمَدْحِكَ وَ أُثْنِي عَلَيْكَ وَ مَنْ يَبْلُغُ غٰايَةَ ثَنٰآئِكَ وَ أَمَدَ مَجْدِكَ وَ أَنّٰى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَ أَيُّ زَمَنٍ لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحًا بِفَضْلِكَ وَ مَوْصُوفًا بِمَجْدِكَ عَوّٰادًا عَلَى ٱلْمُذْنِبِينَ بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكّٰانُ أَرْضِكَ عَنْ طٰاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفًا بِجُودِكَ جَوّٰادًا بِفَضْلِكَ عَوّٰادًا بِكَرَمِكَ يٰا لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ٱلْمَنّٰانُ ذُو ٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ.

و گفت: ای مفضل! چون ترا حاجتی و مهمّی بوَد این نماز بکن و این دعا بخوان و حاجت بخواه تا خدای تعالی حاجت تو روا کند ان شاء الله تعالی.[۲]

دعای دیگر در عقب این نماز بگوی:

يٰا نُورِي فِي كُلِّ ظُلْمَةٍ وَ يٰا أُنْسِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ وَ يٰا ثِقَتِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ يٰا رَجٰائِي فِي كُلِّ كُرْبَةٍ وَ يٰا دَلِيلِي فِي ٱلضَّلاٰلَةِ إِذٰا ٱنْقَطَعَتْ دَلاٰلَةُ ٱلْأَدِلاّٰءِ فَإِنَّ دَلاٰلَتَكَ لاٰ تَنْقَطِعُ عِنْدَ كُلِّ خَيْرٍ وَ لاٰ يَضِلُّ مَنْ هَدَيْتَ. أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَأَسْبَغْتَ وَ رَزَقْتَنِي فَوَفَّرْتَ وَ عَوَّدْتَنِي فَأَحْسَنْتَ وَ أَعْطَيْتَنِي فَأَجْزَلْتَ بِلاٰ ٱسْتِحْقٰاقٍ مِنِّي لِذٰلِكَ بِفِعْلٍ وَ لٰكِنِ ٱبْتِدٰاءً مِنْكَ بِكَرَمِكَ وَ جُودِكَ فَأَنْفَقْتُ رِزْقَكَ فِي

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۰۵ (داخل گیومه از مصباح افزوده شد).

۲. مصباح المتهجد، ص ۳۱۲

مَعاصِيكَ وَ تَقَوَّيْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلىٰ سَخَطِكَ وَ أَفْنَيْتُ عُمْرِي فِيما لاتُحِبُّ فَلَمْ تَمْنَعْكَ جُرْأَتِي عَلَيْكَ وَ رُكُوبِي مانَهَيْتَنِي عَنْهُ وَ دُخُولِي فِيما حَرَّمْتَ عَلَيَّ أَنْ عُدْتَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ وَ أَظْهَرْتَ مِنِّي ٱلْجَمِيلَ وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ٱلْقَبِيحَ وَ لَمْ يَمْنَعْنِي عَوْدُكَ عَلَيَّ بِفَضْلِكَ أَنْ عُدْتُ فِي مَعاصِيكَ فَأَنْتَ ٱلْعَوّادُ بِالْفَضْلِ وَ أَنَا ٱلْعَوّادُ بِالْمَعاصِي فَيا أَكْرَمَ مَنْ أُقِرَّ لَهُ بِذَنْبٍ وَ أَعَزَّ مَنْ خُضِعَ لَهُ بِذُلٍّ لِكَرَمِكَ أَقْرَرْتُ بِذَنْبِي وَ لِعِزِّكَ خَضَعْتُ بِذُلِّي فَما أَنْتَ صانِعٌ فِي كَرَمِكَ بِإِقْرارِي بِذَنْبِي وَ عِزِّكَ فِي خُضُوعِي بِذُلِّي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ٱفْعَلْ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.[۱]

نماز کامله

پیغمبر ﷺ گفت: هر که روز آدینه پیش از نماز«پیشین» چهار رکعت نماز کند، بخواند در هر رکعتی الحمد ده‌بار و هر دو قل أعُوذُ و قل هو الله و قل یاأيّها الکافرون و آیة الکرسي و إنّا أنزلناه ـ این در یک روایت آمده ـ شهد الله هر یکی ده بار، چون فارغ شود آمرزش خواهد از خدای‌تعالی،

أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ صد بار بگوید و صد بار بگوید: سُبْحانَ ٱللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ. و صد بار بگوید: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

خدای تعالی شرّ اهل آسمان و شرّ اهل زمین از وی باز دارد.[۲]

نماز دیگر

گفت پیغمبر ﷺ : هر که روز آدینه چهار رکعت نماز بکند بدو سلام، در هر

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۱۴

۲. مصباح المتهجد، ص ۳۱۶

رکعتی هفت بار الحمد بخواند و یکبار إِنّا أَنزلناه، چون فارغ شود صد بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ و صد بار بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جِبْرَئِيل

خدای تعالی وی را هفتاد کوشک بدهد در بهشت.

و گفت ﷺ: هر که روز آدینه دو رکعت نماز بکند، در اول پس از الحمد، آیة الکرسي خواند صد بار و در دوم قل هو الله صد بار، چون سلام باز دهد بگوید:

يٰا نُورَ اَلنُّورِ يٰآ اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ، اِغْفِرْ لِي وَ اَفْتَحْ لِي أَبْوٰابَ رَحْمَتِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِدُخُولِ اَلْجَنَّةِ وَ أَعْتِقْنِي مِنَ اَلنّٰارِ

هفت بار،

خدای‌تعالی وی را بیامرزد هفتاد مغفرت، به یکی از آن کار دنیا و آخرت او نیکو شود و به شصت ونه وی را در بهشت درجه‌ها بود و ثواب آن جز خدای تعالی نداند.

نماز اعرابی

به روایت زید بن ثابت، اعرابی پیش رسول ﷺ آمد و گفت: پدر ومادر من فدای تو باد یا رسول الله. ما در بادیه می‌باشیم و هر آدینه نزدیک تو نمی‌توانیم آمد. مرا کاری بیاموزکه بدان فضل نماز جمعه حاصل شود تا قوم خود را بدان خبر دهم. رسول ﷺ گفت: چون آفتاب بالا گیرد دو رکعت نماز بگزار در اول رکعت پس از الحمد، قل أَعُوذُ برب اَلفلق هفت بار بخوان و در دوم قل أعوذ برب اَلناس هفت بار و چون سلام دهی هفت بار آیة الکرسي بخوان. آنگه هشت رکعت نماز بکن به دو سلام، در هر رکعتی پس از الحمد، اذا جاء نصر اَلله بخوان یکبار و بیست و پنج بار قل هو الله احد خوان. چون از نماز فارغ شوی بگوی:

سُبْحٰانَ اَللّٰهِ رَبِّ اَلْعَرْشِ اَلْكَرِيمِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ

هفتاد بار،

بدان خدای که مرا پیغمبری داد که هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای نبود که این نماز بکند روز آدینه چنان که من گفتم الاّ که من ضامنم او را به بهشت و از جای خود بر نخیزد تا که گناه وی و پدر و مادر وی بیامرزند.[۱]

و گفت ﷺ : هر که خواهد که فضل روز آدینه دریابد گو نماز کن پیش از پشین، چهار رکعت، در هر رکعتی پس از الحمد، آیة الکرسي و قل هو الله هر یکی پانزده بار بخواند. چون فارغ شود هفتاد بار استغفار کند و پنجاه بار[۲] بگوید:

لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ و پنجاه[۳] بار: لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ و پنجاه بار صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ ٱلأُمِّيِّ وَ آلِهِ

از جای برنخیزد تا که خدای تعالی وی را از آتش دوزخ آزاد کند.[۴]

و گفت ﷺ : هر که روز آدینه پیش از فریضه چهار رکعت نماز کند به دو سلام، در اول الحمد یکبار و سَبِّحِ ٱسْمَ رَبِّكَ ٱلأَعْلَى یکبار خواند و قل هو الله پانزده بار و در دوم الحمد یکبار و اذا زلزلت یکبار و قل هو الله أحد پانزده بار و در سوم الحمد لله یکبار و أَلْهَٰكُمُ ٱلتَّكاثر یکبار و قل هو الله پانزده بار و در چهارم الحمد یکبار و اذا جاء یکبار و قل هو الله أحد پانزده بار. چون فارغ شود دست بردارد و حاجت بخواهد.[۵]

و گفت ﷺ : هر که روز آدینه پس از نماز دیگر دو رکعت نماز بکند، در اول الحمد بخواند و آیة ٱلكرسي یکبار و قل أعُوذُ برب ٱلفلق بیست و پنج بار در دوم الحمد لله یکبار و قل هو الله أحد یکبار و قل أعُوذُ برب ٱلناس بیست و پنج بار. چون فارغ شود پنج بار بگوید:

لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ،

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۱۷
۲. در مصباح پانزده بار آمده.
۳. در «م» چهار بار. در مصباح پنجاه بار آمده.
۴. مصباح المتهجد، ص ۳۱۶
۵. مصباح المتهجد، ص ۳۱۷

از دنیا بِنَشود تا که خدای‌تعالی در خواب بهشت فرا وی نماید و جای خویش درو ببیند.[۱]

و امیرالمؤمنین ﷺ گفت: اگر توانی که روز آدینه ده رکعت نماز بکنی به رکوع و سجود تمام و پس از هر دو رکعت صد بار بگوی:

سُبْحانَ اَللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ، بکن.[۲]

صادق ﷺ گفت: هر که سورت ابراهیم و سورت حجر بخواند در دو رکعت نماز در روز آدینه، هرگز وی را درویشی و دیوانگی و بلا نرسد.[۳]

دعای روز آدینه

مرویست از امام موسی کاظم ﷺ:

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اَللّٰهِ اَلْجَدِيدِ وَ بِكُمٰا مِنْ كٰاتِبَيْنِ وَ شٰاهِدَيْنِ اُكْتُبٰا بِسْمِ اَللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لاٰإِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ أَنَّ اَلْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَ اَلدِّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ أَنَّ اَلْكِتٰابَ كَمٰا أَنْزَلَ وَ اَلْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ وَ صَلَوٰاتُ اَللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ وَ شَرٰائِفُ تَحِيّٰاتِهِ وَ سَلاٰمُهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ. أَصْبَحْتُ فِي أَمٰانِ اَللّٰهِ اَلَّذِي لاٰيُسْتَبٰاحُ وَ فِي ذِمَّةِ اَللّٰهِ اَلَّتِي لاٰتُخْفَرُ وَ فِي جِوٰارِ اَللّٰهِ اَلَّذِي لاٰيُضٰامُ وَ كَنَفِهِ اَلَّذِي لاٰيُرٰامُ وَ جٰارُ اَللّٰهِ اٰمِنٌ مَحْفُوظٌ مٰا شٰاءَ اَللّٰهُ كُلُّ نِعْمَةٍ فَمِنَ اَللّٰهِ. مٰا شٰاءَ اَللّٰهُ لاٰيَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلاَّ اَللّٰهُ. مٰا شٰاءَ اَللّٰهُ نِعْمَ اَلْقٰادِرُ اَللّٰهُ. مٰا شٰاءَ اَللّٰهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اَللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ. لَهُ اَلْمُلْكُ وَ لَهُ اَلْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ «وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي» وَ هُوَ حَيٌّ لاٰيَمُوتُ بِيَدِهِ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۱۸

۲. مصباح المتهجد، ص ۳۲۰

۳. مصباح المتهجد، ص ۳۱۹

ٱلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ يَحْبِسُ رِزْقِي أَوْ يَحْجُبُ عَنِّي مَسْأَلَتِي أَوْ يَقْصُرُ بِي عَنْ بُلُوغِ مَسْأَلَتِي أَوْ يَصُدُّ بِوَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ عَنِّي. ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِي وَ ٱرْزُقْنِي وَ ٱرْحَمْنِي وَ ٱجْبُرْنِي وَ عَافِنِي وَٱعْفُ عَنِّي وَٱرْفَعْنِي وَ ٱهْدِنِي وَٱنْصُرْنِي وَ أَلْقِ فِي قَلْبِيَ ٱلصَّبْرَ وَ ٱلنَّصْرَ يَا مَالِكَ ٱلْمُلْكِ فَإِنَّهُ لَايَمْلِكُ ذٰلِكَ غَيْرُكَ.

ٱللّٰهُمَّ وَ مَا كَتَبْتَ عَلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَوَفِّقْنِي وَٱهْدِنِي لَهُ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِهِ كُلِّهِ وَ أَعِنِّي وَ ثَبِّتْنِي عَلَيْهِ وَٱجْعَلْهُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ غَيْرِهِ وَ آثَرَ عِنْدِي مِمَّا سِوَاهُ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضْوَانَكَ وَٱلْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ سَخَطِكَ وَٱلنَّارِ وَ أَسْأَلُكَ ٱلنَّصِيبَ ٱلْأَوْفَرَ فِي جَنَّاتِ ٱلنَّعِيمِ. ٱللّٰهُمَّ طَهِّرْ لِسَانِي مِنَ ٱلْكِذْبِ وَ قَلْبِي مِنَ ٱلنِّفَاقِ وَ عَمَلِي مِنَ ٱلرِّيَاءِ وَ بَصَرِي مِنَ ٱلْخِيَانَةِ فَإِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي ٱلصُّدُورُ.

ٱللّٰهُمَّ إِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ مَحْرُومًا مُقَتَّرًا عَلَيَّ رِزْقِي فَامْحُ مِنْ أُمِّ ٱلْكِتَابِ حِرْمَانِي وَ تَقْتِيرَ رِزْقِي وَ ٱكْتُبْنِي عِنْدَكَ مَرْزُوقًا مُوَفَّقًا لِلْخَيْرَاتِ فَإِنَّكَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ يَمْحُو ٱللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ ٱلْكِتَابِ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

تسبیح روز آدینه

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ ٱلْعِزَّ وَ تَأَزَّرَ بِهِ، سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَ تَكَرَّمَ بِهِ، سُبْحَانَ مَنْ لَايَنْبَغِي ٱلتَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ، سُبْحَانَ ذِي ٱلطَّوْلِ وَ ٱلْفَضْلِ، سُبْحَانَ ذِي ٱلْمَنِّ وَ ٱلنِّعَمِ، سُبْحَانَ ذِي ٱلْقُدْرَةِ وَ ٱلْكَرَمِ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ ٱلْعِزِّ مِنْ

عَرْشِكَ وَ مُنْتَهَى ٱلرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَ بِاسْمِكَ ٱلْأَعْظَمِ وَ ذِكْرِكَ ٱلْأَعْلىٰ وَ بِكَلِماٰتِكَ ٱلتّامَّةِ وَ تَمَّتْ كَلِماٰتُكَ صِدْقًا وَ عَدْلاً لامُبَدِّلَ لِكَلِماٰتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْكَرِيمُ. يا ذَاٱلْجَلالِ وَٱلْإِكْرامِ أَسْأَلُكَ بِما لا يَعْدِلُهُ شَيْءٌ مِنْ مَسٰائِلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ لِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَ أَنْ تُوَسِّعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِيَةٍ. سُبْحانَ ٱلْحَيِّ ٱلْحَكِيمِ، سُبْحانَ ٱلْحَكِيمِ ٱلْكَرِيمِ، سُبْحانَ ٱلْباعِثِ الْوارِثِ، سُبْحانَ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ، سُبْحانَ ٱللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ، ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيْتَ وَ بارَكْتَ عَلىٰ إِبْراهِيمَ وَ آلِ إِبْراهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

وِردِ روز آدینه

و هر روزی را از هفته وِردی است از امیرالمؤمنین علی صلوات الله علیه که وی هر روز می‌خواند و می‌گفت: هر که این اوراد به ترتیب بخواند و برین مواظبه نماید عمرش دراز بود و نعمتش دائم بماند و دشمن را بر وی دست نبود و تندرست بود و روز قیامت از گور برخیزد، جبرئیل؈ بر سر وی ایستاده بود و بُراقی از نور با وی و آلات او از یاقوت. او را می‌برد به بهشت بی حساب.

و امام رضا؈ گفت: هر که این وردها برین ترتیب می‌خواند هر روزی، روز قیامت برخیزد و بر سر وی جبرئیل بود؈ و با وی براقی بوَد وی را می‌برد تا بهشت بی حساب و هر که اندر عمر خود یکبار بخواند هیچ کس از بَدانِ پری و آدمی نتواند که بدی به وی رساند و هر که آن در سالی یکبار بخواند خدای تعالی وی را بر دشمن ظفر دهد و هر که آن در ماهی یکبار بخواند نعمتش دائم بماند و عزّش زیاده شود و خدای تعالی وی را در دل بندگان خود دوست گرداند و دعای وی اجابت کند.

ٱللّٰهُ أَكْبَرُ أَهْلَ ٱلْكِبْرِياءِ وَٱلْعَظَمَةِ وَ مُنْتَهَى ٱلْجَبَرُوتِ وَ ٱلْعِزَّةِ وَ وَلِيَّ

ٱلْغَيْثِ وَ ٱلرَّحْمَةِ مالِكَ ٱلدُّنْيا وَ ٱلْآخِرَةِ رَبَّ ٱلْأَرْبابِ وَ إِلٰهَ ٱلْآلِهَةِ وَ جَبّارَ ٱلْجَبابِرَةِ وَ مُبْدِئَ ٱلْخَفِيّاتِ وَ مُعْلِنَ ٱلسَّرائِرِ عَظِيمَ ٱلْمَلَكُوتِ شَدِيدَ ٱلْجَبَرُوتِ لَطِيفًا لِما يَشاءُ. أَكْبَرُ أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَ آخِرُهُ «بَدِيعُ كُلِّ شَيْءٍ وَ مُنْتَهاهُ» لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ خَشَعَتْ لَهُ ٱلْأَصْواتُ وَ حارَتْ دُونَهُ ٱلْأَبْصارُ وَ فاضَتْ إِلَيْهِ ٱلْقُلُوبُ لايَقْضِي فِي ٱلْأُمُورِ إِلاّ هُوَ وَ لايُدَبِّرُ مَقادِيرَها غَيْرُهُ وَ لايَتِمُّ شَيْءٌ دُونَهُ ٱلْقادِرُ ٱلْحَلِيمُ ٱللَّطِيفُ ٱلْجَلِيلُ سُبْحانَهُ جَلَّ وَ عَلا ما أَعْظَمَ شَأْنَهُ وَ أَشَدَّ جَبَرُوتَهُ وَ يُسَبِّحُ ٱلْخَلْقُ كُلُّهُمْ لَهُ وَ يُشْفِقُونَ مِنْهُ وَ يَتَضَرَّعُونَ إِلَيْهِ، أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ أَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ نُورِ ٱلنُّورِ مُدَبِّرِ ٱلْأُمُورِ ٱلْعَظِيمِ شَأْنًا ٱلْعَلِيِّ مَكانًا. ٱلْعَزِيزِ سُلْطانًا. ٱلْمُنِيرِ بُرْهانًا وَ هُوَ يُجِيرُ وَ لايُجارُ عَلَيْهِ ٱلَّذِي لا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَ لا رادَّ لِقَضائِهِ.

ٱللّٰهُمَّ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلىٰ حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَ عَلىٰ عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ حَمْدًا يَمْلَأُ ما خَلَقْتَ وَ يَبْلُغُ حَيْثُ أَرَدْتَ حَمْدًا يَكُونُ أَرْضَى ٱلْحَمْدِ لَكَ وَ أَحَبَّهُ إِلَيْكَ وَ أَقْرَبَهُ مِنْكَ وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَدَدَ ٱلْقَطْرِ وَ ٱلْمَطَرِ وَ وَرَقِ ٱلْأَشْجارِ وَ أَنْفاسِ ٱلْخَلْقِ، خَشَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِاسْمِكَ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِمُلْكِكَ، لايَهْتَدِي ٱلْقُلُوبُ لِصِفَتِكَ قَدْ ضَلَّتِ ٱلْأَوْهامُ فِيكَ وَ كَلَّتِ ٱلْأَلْسُنُ عَنْكَ وَ ٱنْتَهَتِ ٱلْعُقُولُ دُونَكَ، تَعالَيْتَ بِقُدْرَتِكَ وَ عَلَوْتَ بِسُلْطانِكَ وَ قَهَرْتَ فَوْقَ عِبادِكَ لايَنْقُصُ مِنْ سُلْطانِكَ مَنْ عَصاكَ، وَ لايَزِيدُ فِي مُلْكِكَ مَنْ أَطاعَكَ.

ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱغْفِرْ لِي وَ لِوالِدَيَّ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسابُ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ خَطِيئَةٍ. ٱللّٰهُمَّ أَسْأَلُكَ حَلاوَةَ ٱلْعَمَلِ وَ حَلاوَةَ ٱلْإِيمانِ بِكَ وَ لَذاذَةَ ٱلشَّوْقِ إِلَيْكَ وَ ٱلرّاحَةَ فِي أَمْرِكَ وَ شَرَفَ ٱلشَّهادَةِ وَ ٱلسَّعادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ أَنْ تَجْعَلَ ذٰلِكَ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِيَةٍ. ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ أَصْلِحْ لِي عُيُوبِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ حَصِّنْ لِي

فَرَجي وَ احْفَظْ لي أَمانَتي إِنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ.
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ خَيْرَ عُمْري آخِرَهُ وَ اخْتِمْ لي عَمَلي بِأَحْسَنِهِ وَاجْعَلْ خَيْرَ أَيّامي يَوْمَ أَلْقاكَ وَاخْتِمْ يَوْمي هٰذا بِخَيْرٍ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبينَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ.

عوذهٔ روز آدینه

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحيمِ، أُعيذُ نَفْسي بِرَبِّ الْمَشارِقِ وَالْمَغارِبِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْطانٍ مارِدٍ قائِمٍ أَوْ قاعِدٍ أَوْ ماكِرٍ أَوْ مُعانِدٍ وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ ماءً طَهُورًا وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّماءِ ماءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَ يُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطانِ وَ لِيَرْبِطَ عَلىٰ قُلُوبِكُمْ وَ يُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدامَ أُرْكُضْ بِرِجْلِكَ هٰذا مُغْتَسَلٌ بارِدٌ وَ شَرابٌ اَلْآنَ خَفَّفَ اللّٰهُ عَنْكُمْ «وَ عَلِمَ أَنَّ فيكُمْ ضَعْفًا» ذٰلِكَ تَخْفيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ يُريدُ اللّٰهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ فَسَيَكْفيكَهُمُ اللّٰهُ وَ هُوَ السَّميعُ الْعَليمُ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ اللّٰهُ غالِبٌ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

صادق علیه السلام گفت: چون نماز بامداد بکنی روز آدینه، بگوی:

اَللّٰهُمَّ ما قُلْتُ فِي جُمْعَتي هٰذِهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ حَلَفْتُ فيها مِنْ حَلْفٍ أَوْ نَذَرْتُ فيها مِنْ نَذْرٍ فَمَشِيَّتُكَ بَيْنَ يَدَيْ ذٰلِكَ كُلِّهِ ما شِئْتَ مِنْهُ أَنْ يَكُونَ كانَ وَ ما لَمْ تَشأْ مِنْهُ لَمْ يَكُنْ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لي وَ تَجاوَزْ عَنّي. اَللّٰهُمَّ مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ فَعَلَيْهِ صَلَواتي وَ مَنْ لَعَنْتَ فَلَعْنَتي عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

گفت: هر که این بگوید هر آدینه، کفّارتی بود وی را تا دیگر آدینه.
و نیز صادق علیه السلام گفتی در روز آدینه:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ اَلسَّعَةَ وَ اَلدَّعَةَ وَ اَلْمَغْفِرَةَ وَ اَلرَّحْمَةَ وَ اَلْأَمْنَ وَ اَلصِّحَّةَ وَ اَلْيَقِينَ وَ اَلْعِصْمَةَ وَ اَلْعَفْوَ وَ اَلْعَافِيَةَ وَ اَلْقُنُوعَ وَ اَلشُّكْرَ وَ اَلْقَصْدَ وَ اَلصَّبْرَ وَ اَلْحِلْمَ وَ اَلْبِرَّ «وَ اَلتَّقْوٰى» وَ التَّوْفِيقَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا لِلْاٰخِرَةِ وَ اَلدُّنْيَا وَ اَعْمُمْ بِذٰلِكَ يَا رَبِّ أَهْلَ بَيْتِي وَ قَرَابَتِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ يَا رَبِّ وَ مَنْ أَحْبَبْتُهُ وَ أَحَبَّنِي وَ وَلَدْتُهُ وَ وَلَدَنِي مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَ اَلْمُؤْمِنَاتِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اَلصَّبْرَ عَلٰى طَاعَتِكَ وَ اَلصَّبْرَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ اَلصَّبْرَ لِحُكْمِكَ وَ الصِّدْقَ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ حَقَائِقَ اَلْإِيمَانِ وَ اَلشُّكْرَ لِنِعْمَتِكَ وَ اَلنَّظَرَ إِلٰى وَجْهِكَ اَلْكَرِيمِ فَإِنَّ بِنِعْمَتِكَ تَتِمُّ اَلصَّالِحَاتُ يَا أَرْحَمَ اَلرَّاحِمِينَ.

نوافل روز آدینه

و آن بیست رکعت بود به چهار رکعت زیاده از روزهای دیگر، شش رکعت بکند آنگاه که آفتاب گسترده شود و شش رکعت آنگاه که آفتاب بالا گیرد و شش رکعت پیش از آنکه قرص آفتاب بگردد و دو رکعت آنگاه که آفتاب همی گردد. روایتست از باقر علیه السلام که، شش رکعت بکند پیش از آنکه آفتاب برآید و شش رکعت پیش از آنکه آفتاب بگردد و دو رکعت پس از آنکه آفتاب بگردد و شش رکعت پس از آنکه نماز جمعه کرده بود. و روایت اول معروف‌تراست. «و اگر کسی بر دوم عمل کند باکی نبود.» زین العابدین علیه السلام پس از هر دو رکعتی دعایی خواندی:

دعای پس از دو رکعت اول

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ مَنْ عَاذَ بِكَ وَ لَجَأَ إِلٰى عِزِّكَ وَ اَعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ

وَلَمْ يَثِقْ إِلاّٰ بِكَ يٰا وٰاهِبَ ٱلْعَطٰايٰا، يٰا مَنْ سَمّٰى نَفْسَهُ مِنْ جُودِهِ ٱلْوَهّٰابَ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ٱلْمَرْضِيّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ وَ بٰارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكٰاتِكَ وَ ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلٰى أَرْوٰاحِهِمْ وَ أَجْسٰادِهِمْ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَٱجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَٱرْزُقْنِي حَلاٰلاً طَيِّبًا بِمٰا شِئْتَ وَ أَنّٰى شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لاٰيَكُونُ إِلاّٰ مٰا شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ كَمٰا شِئْتَ. ٱللّٰهُمَّ إِنَّ قَلْبِي يَرْجُوكَ لِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَ نَفْسِي تَخٰافُكَ لِشِدَّةِ عِقٰابِكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُؤْمِنَنِي مَكْرَكَ وَ تُعٰافِيَنِي مِنْ سَخَطِكَ وَ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْلِيٰاءِ طٰاعَتِكَ وَ تَفَضَّلَ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَتَسُرَّنِي[1] بِسَعَةِ فَضْلِكَ عَنِ ٱلتَّذَلُّلِ لِعِبٰادِكَ وَ تَرْحَمَنِي مِنْ خَيْبَةِ الرَّدِّ وَ سَفْعِ نٰارِ ٱلْحِرْمٰانِ.

دعای دوم

ٱللّٰهُمَّ كَمٰا عَصَيْتُكَ وَٱجْتَرَأْتُ عَلَيْكَ فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِمٰا تُبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِمٰا وَأَيْتُ بِهِ عَلٰى نَفْسِي وَ لَمْ أَفِ بِهِ وَأَسْتَغْفِرُكَ لِلْمَعٰاصِي ٱلَّتِي قَوِيتُ عَلَيْهٰا بِنِعْمَتِكَ وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ مٰا خٰالَطَنِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَإِنَّكَ أَنْتَ أَنْتَ وَ أَنَا أَنَا. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ عَظِّمِ ٱلنُّورَ فِي قَلْبِي وَ صَغِّرِ ٱلدُّنْيٰا فِي عَيْنِي وَ ٱحْبِسْ لِسٰانِي بِذِكْرِكَ عَنِ ٱلنُّطْقِ بِمٰا لاٰيُرْضِيكَ وَٱحْرُسْ نَفْسِي مِنَ ٱلشَّهَوٰاتِ وَٱكْفِنِي طَلَبَ مٰا قَدَّرْتَ لِي عِنْدَكَ حَتّٰى أَسْتَغْنِيَ بِهِ عَمّٰا فِي أَيْدِي عِبٰادِكَ[2].

---

۱. در «د»: تَسْتُرَنِي

۲. در «م»: النّاس

دعای سوم

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ وَ أَسْأَلُكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ ذُوالنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغٰاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنٰادىٰ فِي الظُّلُمٰاتِ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ سُبْحٰانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظّٰالِمِينَ فَإِنَّهُ دَعٰاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ سَأَلَكَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ فَأَفْرِجْ لِي كَمٰا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَدْعُوكَ اَللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ أَيُّوبُ إِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ فَنٰادىٰ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرّٰاحِمِينَ فَفَرَّجْتَ عَنْهُ فَإِنَّهُ دَعٰاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ سَأَلَكَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ فَأَفْرِجْ عَنِّي كَمٰا فَرَّجْتَ عَنْهُ. وَ أَنَا أَدْعُوكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ إِذْ فَرَّقْتَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَهْلِهِ إِذْ هُوَ فِي السِّجْنِ فَفَرَّجْتَ عَنْهُ فَإِنَّهُ دَعٰاكَ وَ هُوَ عَبْدُكَ وَ أَنَا أَدْعُوكَ وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ سَأَلَكَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا اسْتَجَبْتَ لَهُ وَ فَرِّجْ عَنِّي كَمٰا فَرَّجْتَ عَنْهُ وَ أَدْعُوكَ اَللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِمٰا دَعٰاكَ بِهِ النَّبِيُّونَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُمْ فَإِنَّهُمْ دَعَوْكَ وَ هُمْ عَبِيدُكَ وَ سَأَلُوكَ وَ أَنَا أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ وَ أَنْ تُبٰارِكَ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكٰاتِكَ وَ أَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كَمٰا فَرَّجْتَ عَنْ أَنْبِيٰاءِكَ وَ رُسُلِكَ وَ عِبٰادِكَ الصّٰالِحِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَغْنِنِي بِالْيَقِينِ وَ أَعِزَّنِي بِالتَّوَكُّلِ وَ اكْفِنِي رَوْعٰاتِ الْقُنُوطِ وَ افْسَحْ لِي فِي انْتِظٰارِ جَمِيلِ الصُّنْعِ وَ افْتَحْ لِي بٰابَ الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ وَ الْخَشْيَةِ مِنْكَ وَ الْوَجَلِ مِنَ الذُّنُوبِ وَ حَبِّبْ إِلَيَّ الدُّعٰاءَ وَ صِلْهُ مِنْكَ بِالْإِجٰابَةِ.

آنگه سجده کند و در سجود بگوید:

سَجَدَ وَجْهِي الْبٰالِي الْفٰانِي لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ الدّٰائِمِ الْبٰاقِي سَجَدَ وَجْهِي مُتَعَفِّرًا بِالتُّرٰابِ لِخٰالِقِهِ وَ حُقَّ لَهُ أَنْ يَسْجُدَ. سَجَدَ وَجْهِي لِمَنْ خَلَقَهُ وَ

صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ تَبارَكَ ٱللّٰهُ أَحْسَنُ ٱلْخالِقِينَ. «سَجَدَ وَجْهِي ٱلذَّلِيلُ الْحَقِيرُ لِوَجْهِكَ ٱلْعَزِيزِ ٱلْكَرِيمِ ٱلْجَلِيلِ».

دعای چهارم

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لاشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّ ٱلدِّينَ كَما شَرَعَ وَ ٱلْإِسْلامَ كَما وَصَفَ وَ ٱلْقَوْلَ كَما حَدَّثَ ذِكْرَ ٱللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِخَيْرٍ وَ حَيّاهُمْ بِالسَّلامِ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ. ٱللّٰهُمَّ ٱرْدُدْ عَلٰى جَمِيعِ خَلْقِكَ مَظالِمَهُمُ ٱلَّتِي قِبَلِي صَغِيرَها وَ كَبِيرَها فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِيَةٍ وَ ما لَمْ تَبْلُغْهُ قُوَّتِي وَلَمْ تَسَعْهُ ذاتُ يَدِي وَ لَمْ يَقْوَ عَلَيْهِ بَدَنِي فَأَدِّهِ عَنِّي مِنْ جَزِيلِ ما عِنْدَكَ مِنْ فَضْلِكَ حَتّٰى لاتُخَلِّفَ عَلَيَّ شيئًا مِنْهُ تَنْقُصُهُ مِنْ حَسَناتِي يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ٱلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَ بارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ وَ ٱلسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلٰى أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَ ٱرْزُقْنِي حَلالاً طَيِّبًا واسِعًا مِمّا شِئْتَ وَ أَنّٰى شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لايَكُونُ إِلاّ ما شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ كَما شِئْتَ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱسْتَعْمِلْنِي بِما عَلَّمْتَنِي وَ مَتِّعْنِي بِما رَزَقْتَنِي وَ بارِكْ لِي فِيما أَعْطَيْتَنِي وَ أَسْبِغْ نِعَمَكَ عَلَيَّ وَ هَبْ لِي شُكْرًا تَرْضٰى بِهِ عَنِّي وَ حَمْدًا عَلٰى ما أَلْهَمْتَنِي وَ أَقْبِلْ بِقَلْبِي إِلٰى ما يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَ ٱشْغَلْنِي عَمّا يُباعِدُنِي عَنْكَ وَ أَلْهِمْنِي خَوْفَ عِقابِكَ وَ ٱزْجُرْنِي عَنِ ٱلْمُنٰى لِمَنازِلِ ٱلْمُتَّقِينَ بِما يُسْخِطُكَ مِنَ ٱلْعَمَلِ وَ هَبْ لِيَ ٱلْجِدَّ فِي طاعَتِكَ.

دعای پنجم

يا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ يا مَنْ آمَنُ عُقُوبَتَهُ عِنْدَ كُلِّ عَثْرَةٍ وَ يا مَنْ يُعْطِي اَلْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ وَ يا مَنْ أَعْطَى اَلْكَثِيرَ بِلاٰقَلِيلٍ وَ يا مَنْ أَعْطى مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً وَ يا مَنْ أَعْطى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَ كَرَمًا، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيّاكَ مِنْ جَمِيعَ خَيْرِ[1] اَلدُّنْيا وَ اَلْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ما أَعْطَيْتَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ راغِبٌ وَ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَوْصِياءِ اَلْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَ بارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ وَ اَلسَّلامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلى أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اَللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَاَرْزُقْنِي حَلالاً طَيِّبًا واسِعًا مِمّا شِئْتَ وَ أَنّى شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لايَكُونُ إِلاّ ما شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ كَما شِئْتَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَجْعَلْ لِي قَلْبًا طاهِرًا وَ لِسانًا صادِقًا وَ نَفْسًا سامِيَةً إِلى نَعِيمِ اَلْجَنَّةِ وَاَجْعَلْنِي بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ عَزِيزًا وَ بِما أَتَوَقَّعُهُ مِنْكَ غَنِيًّا وَ بِما رَزَقْتَنِي قانِعًا راضِيًا وَعَلى رَجائِكَ مُعْتَمِدًا وَ إِلَيْكَ فِي حَوائِجِي قاصِدًا حَتّى لاأَعْتَمِدَ إِلاّ عَلَيْكَ وَ لا أَثِقَ فِيهِ إِلاّ بِكَ.

دعای ششم

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ سَرِيرَتِي فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاَقْبَلْ يا سَيِّدِي وَ

---

۱. در «م»: جَمِيعَ سُؤْلِي مِنْ جَمِيعِ

مَوْلايَ مَعْذِرَتِي وَ تَعْلَمُ حاجَتِي فصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَ تَعْلَمُ ما فِي نَفْسِي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، اَللّٰهُمَّ وَ مَنْ أَرادَنِي بِسُوءٍ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَاصْرِفْهُ عَنِّي وَ اكْفِنِي كَيْدَ عَدُوِّي فَإِنَّ عَدُوِّي عَدُوُّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَدُوُّ آلِ مُحَمَّدٍ عَدُوُّ مُحَمَّدٍ وَ عَدُوُّ مُحَمَّدٍ عَدُوُّكَ فَأَعْطِنِي سُؤْلِي يامَوْلايَ فِي عَدُوِّي عاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ يامُعْطِيَ الرَّغائِبِ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي رَغْبَتِي فِيما سَأَلْتُكَ فِي عَدُوِّكَ يا ذَاالْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، يا إِلٰهِي إِلٰهًا واحِدًا لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطّاهِرِينَ وَ أَرِنِي الرَّخاءَ وَ السُّرُورَ عاجِلاً غَيْرَ آجِلٍ وَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَ بارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ وَ السَّلامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ عَلىٰ أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَارْزُقْنِي حَلالاً طَيِّبًا واسِعًا مِمّا شِئْتَ وَ أَنّىٰ شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ فَإِنَّهُ لايَكُونُ إِلاّٰ ما شِئْتَ حَيْثُ شِئْتَ كَما شِئْتَ. إِلٰهِي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ عَظُمَ عَلَيْها إِسْرافِي وَ طالَ فِي مَعاصِيكَ انْهِماكِي وَ تَكاثَفَتْ ذُنُوبِي وَ تَظاهَرَتْ عُيُوبِي وَ طالَ بِكَ اغْتِرارِي وَ دامَ لِلشَّهَواتِ اتِّباعِي فَأَنَا الْخائِبُ إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَ أَنَا الْهالِكُ إِنْ لَمْ تَعْفُ عَنِّي فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي وَ تَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتِي وَ أَعْطِنِي سُؤْلِي وَاكْفِنِي ما أَهَمَّنِي وَ لاتَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي فَتَعْجِزَ عَنِّي وَ أَنْقِذْنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ خَطايايَ وَ أَسْعِدْنِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ ياسَيِّدِي.

دعای هفتم

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اٰنَسُ اَلْاٰنِسِينَ لِأَوِدّٰائِكَ[1] وَ أَحْضَرُهُمْ لِكِفٰايَةِ اَلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ تُشٰاهِدُهُمْ فِي ضَمٰائِرِهِمْ وَ تَطَّلِعُ عَلٰي سَرٰائِرِهِمْ وَ تُحِيطُ بِمَبٰالِغِ بَصٰائِرِهِمْ وَ سِرّي لَكَ اَللّٰهُمَّ مَكْشُوفٌ وَأَنَا إِلَيْكَ مَلْهُوفٌ فَإِذٰا أَوْحَشَتْنِي اَلْغُرْبَةُ اٰنَسَنِي ذِكْرُكَ وَ إِذٰا صُبَّتْ عَلَيَّ اَلْهُمُومُ لَجَأْتُ إِلَى الْإِسْتِجٰارَةِ بِكَ عِلْمًا بِأَنَّ أَزِمَّةَ اَلْأُمُورِ بِيَدِكَ وَ مَصْدَرَهٰا عَنْ قَضٰائِكَ خٰاضِعًا لِحُكْمِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنْ عَمِيتُ عَنْ مَسْأَلَتِكَ أَوْ فَحِمْتُ عَنْهٰا فَدُلَّنِي عَلٰى مَصٰالِحِي وَ خُذْ بِقَلْبِي إِلٰى مَرٰاشِدِي فَلَيْسَ ذٰلِكَ بِبِدْعٍ من كِفٰايٰاتِكَ وَ لاٰ بِنُكْرٍ مِنْ هِدٰايٰاتِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَمَرْتَ بِدُعٰائِكَ وَ ضَمِنْتَ اَلْإِجٰابَةَ لِعِبٰادِكَ وَ لَنْ يَخِيبَ مَنْ فَزِعَ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ وَ قَصَدَ إِلَيْكَ بِحٰاجَتِهِ وَ لَنْ تَرْجِعَ يَدُ طٰالِبَةٌ صِفْرًا مِنْ عَطٰايٰاكَ وَ لاٰ خٰالِيَةً مِنْ نِحَلِ هِبٰاتِكَ وَ أَيُّ رٰاحِلٍ أَمَّكَ فَلَمْ يَجِدْكَ أَوْ وٰافِدٍ وَفَدَ إِلَيْكَ فَاقْتَطَعَتْهُ عَوٰائِقُ اَلرَّدِّ دُونَكَ بَلْ أَيُّ مُسْتَجِيرٍ بِفَضْلِكَ لَمْ يَنَلْ مِنْ فَيْضِ جُودِكَ وَ أَيُّ مُسْتَنْبِطٍ لِمَزِيدِكَ أَكْدٰى دُونَ اَسْتِمٰاحَةِ عَطِيَّتِكَ. اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِحٰاجَتِي وَ قَرَعَتْ بٰابَ فَضْلِكَ يَدُ مَسْأَلَتِي وَ نٰاجٰاكَ بِخُشُوعِ الْإِسْتِكٰانَةِ قَلْبِي وَ عَلِمْتُ مٰا يَحْدُثُ مِنْ طَلِبَتِي قَبْلَ أَنْ يَخْطُرَ بِبٰالِي أَوْ يَقَعَ فِي صَدْرِي فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَصِلِ اَللّٰهُمَّ دُعٰائِي بِإِجٰابَتِكَ وَاَشْفَعْ مَسْأَلَتِي إِيّٰاكَ بِنُجْحِ حَوٰائِجِي يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ.

دعای هشتم

يٰا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَ اٰمَنُ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ عَثْرَةٍ، يٰا مَنْ يُعْطِي اَلْكَثِيرَ

---

۱. در «م»: لِأَوْلِيٰائِكَ

بِالْقَلِيلِ وَ يا مَنْ أَعْطى مَنْ سَأَلَهُ تَحَنُّنًا مِنْهُ وَ رَحْمَةً، يا مَنْ أَعْطى مَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَ كَرَمًا، صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي بِمَسْأَلَتِي إِيّاكَ جَمِيعَ سُؤْلِي مِنْ جَمِيعِ خَيْرِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ فَإِنَّهُ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ما أَعْطَيْتَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ يا ذَاالْمَنِّ وَ لايُمَنُّ عَلَيْهِ يا ذَاالْجُودِ وَ الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ وَ النِّعَمِ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي سُؤْلِي وَ اكْفِنِي جَمِيعَ الْمُهِمِّ مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ.

دعای نهم

يا ذَاالْمَنِّ لا مَنَّ عَلَيْكَ، يا ذَاالطَّوْلِ لاإِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ، يا أَمانَ الْخائِفِينَ وَ ظَهْرَ اللاّجِئِينَ وَ يا جارَ الْمُسْتَجِيرِينَ إِنْ كانَ فِي أُمِّ الْكِتابِ عِنْدَكَ أَنِّي شَقِيٌّ أَوْ مَحْرُومٌ أَوْ مُقَتَّرٌ عَلَيَّ فِي رِزْقِي فَامْحُ مِنْ أُمِّ الْكِتابِ شَقائِي وَ حِرْمانِي وَ اكْتُبْنِي عِنْدَكَ سَعِيدًا مُوَفَّقًا لِلْخَيْرِ مُوَسَّعًا فِي رِزْقِي فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتابِكَ الْمُنْزَلِ عَلى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ الِهِ يَمْحُو اللّٰهُ ما يَشاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتابِ وَ قُلْتَ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَأَنَا شَيْءٌ فَلْتَسَعْنِي بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ مُنَّ عَلَيَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ وَ الرِّضا بِقَدَرِكَ حَتّى لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ما أَخَّرْتَ وَ لا تَأْخِيرَ ما عَجَّلْتَ يا رَبَّ الْعالَمِينَ.

و چون آفتاب بگردد روز آدینه این دعای بگوی مروی است از رضا ؏ :

لاإِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ سُبْحانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا، يا سابِغَ النِّعَمِ يا دافِعَ النِّقَمِ يا بارِئَ النَّسَمِ يا عَلِيَّ الْهِمَمِ يا مُغْشِيَ الظُّلَمِ يا

ذَاالْجُودِ وَ ٱلْكَرَمِ يٰا كٰاشِفَ ٱلضُّرِّ وَ ٱلْأَلَمِ يٰا مُونِسَ ٱلْمُسْتَوْحِشِينَ فِي ٱلظُّلَمِ، يٰا عٰالِمًا لاٰ يُعَلَّمُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱفْعَلْ بِي مٰا أَنْتَ أَهْلُهُ. يٰا مَنِ ٱسْمُهُ دَوٰاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفٰاءٌ وَ طٰاعَتُهُ غِنٰاءٌ اِرْحَمْ مَنْ رَأْسُ مٰالِهِ ٱلرَّجٰاءُ وَ سِلاٰحُهُ ٱلْبُكٰاءُ سُبْحٰانَكَ لاٰإِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ يٰا حَنّٰانُ يٰا مَنّٰانُ «يٰا بَدِيعَ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ» يٰا ذَاٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ[1]

آنگه دو رکعت نماز زوال بکن و بگوی:

سُبْحٰانَ رَبِّيَ ٱلْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ صد بار.

و صادق ﷺ گفت که، زین العابدین ﷺ پس از نماز زوال بگفتی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ ٱلنُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ ٱلرِّسٰالَةِ وَ مُخْتَلَفِ ٱلْمَلاٰئِكَةِ وَ مَعْدِنِ ٱلْعِلْمِ وَ أَهْلِ بَيْتِ ٱلْوَحْيِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ٱلْفُلْكِ ٱلْجٰارِيَةِ فِي ٱللُّجَجِ ٱلْغٰامِرَةِ يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَهٰا وَ يَغْرَقُ مَنْ تَرَكَهٰا، ٱلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مٰارِقٌ وَ ٱلْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زٰاهِقٌ وَ ٱللاّٰزِمُ لَهُمْ لاٰحِقٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ٱلْكَهْفِ ٱلْحَصِينِ وَ غِيٰاثِ ٱلْمُضْطَرِّينَ وَ مَلْجَإِ ٱلْهٰارِبِينَ وَ مَنْجَا ٱلْخٰائِفِينَ وَ عِصْمَةِ ٱلْمُعْتَصِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلوٰةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضىً وَ لِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ أَدٰاءً وَ قَضٰاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَ قُوَّةٍ يٰا رَبَّ ٱلْعٰالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ ٱلَّذِينَ ٱوْجَبْتَ حَقَّهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ وَ فَرَضْتَ طٰاعَتَهُمْ وَ وِلاٰيَتَهُمْ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱعْمُرْ قَلْبِي بِطٰاعَتِكَ وَ لاٰ تُخْزِهِ بِمَعْصِيَتِكَ وَ ٱرْزُقْنِي مُوٰاسٰاةَ مَنْ قَتَّرْتَ[2] عَلَيْهِ رِزْقَكَ بِمٰا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ. ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلىٰ كُلِّ نِعْمَةٍ وَ أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ لاٰ حَوْلَ وَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۶۰

۲. در «م» : قَدَّرْتَ

لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ.

آنگه سجدهٔ شکر کن و بگوی:

يٰا أَهْلَ ٱلتَّقْوىٰ وَ أَهْلَ ٱلْمَغْفِرَةِ أَنْتَ خَيْرٌ لِي مِنْ أَبِي وَ أُمِّي وَ مِنَ ٱلنّٰاسِ أَجْمَعِينَ بِي إِلَيْكَ حٰاجَةٌ وَ فَقْرٌ وَ فٰاقَةٌ وَ أَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذٰابِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ أَنْ تَقْلِبَنِي بِقَضٰاءِ حٰاجَتِي وَ تَسْتَجِيبَ لِي دُعٰائِي وَ تَرْحَمَ صَوْتِي وَ تَكُفَّ أَنْوٰاعَ ٱلْبَلاٰءِ عَنِّي بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.

و هفتاد بار بگوی:

أَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ مِنَ ٱلنّٰارِ.

و چون سر از سجده برآری بگوی:

يٰا شٰارِعًا لِمَلاٰئِكَتِهِ دِينَ ٱلْقَيِّمَةِ دِينًا رٰاضِيًا بِهِ تا آخر و در تعقیب نماز بامداد برفت[1].

و باقر ﷺ گفت: از آنگه که آفتاب بگردد تا که یک ساعت بگذرد آن وقت را نگاه دارکه پیغمبر ﷺ گفت: هیچ چیز نخواهد بنده در آن ساعت الّاکه خدای تعالی وی را بدهد و چون آفتاب بگردید دو رکعت نماز زوال نکرده باشی، ابتدا به فریضه بکن و دو رکعت باز پس دار، چنین روایتست از صادق ﷺ .

و در قنوت جمعه پس از آن کلمات فرج بگوی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمٰا أَمَرْتَنٰا بِالْإِيمٰانِ بِهِ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنٰا مِمَّنِ اخْتَرْتَ لِدِينِكَ وَ خَلَقْتَ لِجَنَّتِكَ. اَللّٰهُمَّ لاٰ تُزِغْ قُلُوبَنٰا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنٰا وَ هَبْ لَنٰا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْوَهّٰابُ.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۶۳

و اگر خواهی بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِي وَ لِوالِدَيَّ وَ أَهْلِ بَيْتِي وَ إِخْوانِي فِيكَ اَلْيَقِينَ وَ اَلْعَفْوَ وَ اَلْعافِيَةَ وَ اَلْمُعافاتَ وَ اَلرَّحْمَةَ فِي اَلدُّنْيا و اَلْآخِرَةِ.

و این دعا نیز بگوی که مروی از رضا ؑ است:

اَللّٰهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمٰا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِياءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ وَ أَيِّدْهُ بِرُوحِ اَلْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اَسْلُكْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْبُدُكَ لايُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لاتَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلٰى وَلِيِّكَ سُلْطانًا وَ اَئْذَنْ لَهُ فِي جِهادِ عَدُوِّكَ و عَدُوِّهِ وَ اَجْعَلْنِي مِنْ أَنْصارِهِ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.[1]

و باقر ؑ گفت که، در قنوت جمعه بگوی:

اَللّٰهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ[2] تا آخر و در قنوت وتر گفته شد و پس از آن هفتاد بار بگوی: أَسْتَغْفِرُ اَللّٰهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

و صادق ؑ گفت: هر که روز آدینه چون سلام بدهد هفت بار الحمد بخواند و هر دو قل أعوذُ و قل هو الله أحد هر یکی هفت بار و قل یاأیها الکافرون هفت بار و آخر براءة لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ تا آخر و آخر الحشر و پنج آیت از آخر آل عمران: إِنَّ فِي خَلْقِ اَلسَّمٰواتِ و تا آنجا که إِنَّكَ لاتُخْلِفُ اَلْمِيعادَ[3] کفایت کنند وی را آنچه میان آن آدینه بود تا آدینهٔ دیگر.[4] و در روایت دیگرست آیة الکرسي و آیة السخرة تا آنجا که من المحسنین. آنگه دست بدعا بردارد و بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي تَعَمَّدْتُ إِلَيْكَ لِحاجَتِي وَ أَنْزَلْتُ بِكَ اَلْيَوْمَ فَقْرِي وَ مَسْكَنَتِي وَ أَنَا

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۶۷
۲. مصباح المتهجد، ص ۳۶۶
۳. مصباح المتهجد، ص ۱۵۲
۴. مصباح المتهجد، ص ۳۶۸

لِمَغْفِرَتِكَ أَرْجى مِنّي لِعَمَلي وَ لَمَغْفِرَتُكَ وَ رَحْمَتُكَ أَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبي فَتَوَلَّ قَضاءَ كُلِّ حاجَةٍ هِيَ لي بِقُدْرَتِكَ عَلَيْها وَ تَيْسيرِ ذٰلِكَ عَلَيْكَ وَ لِفَقْري إِلَيْكَ فَإِنّي لَمْ أُصِبْ قَطُّ خَيْرًا إِلاّ مِنْكَ وَ لَمْ يَصْرِفْ عَنّي أَحَدٌ سُوءً قَطُّ غَيْرُكَ وَ لَسْتُ أَرْجُو لِآخِرَتي وَ دُنْيايَ سِواكَ وَ لا لِيَوْمِ فَقْري وَ تَفَرُّدي مِنَ النّاسِ في حُفْرَتي غَيْرُكَ، فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِ لي حَوائِجي مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْني مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتي حَشْوُها بَرَكَةٌ وَ عُمّارُها الْمَلائِكَةُ مَعَ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَبينا إِبْراهيمَ عليه السلام

و صادق عليه السلام گفت: هر که پس از نماز بامداد یا نماز پشین بگوید:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَواتِكَ وَ صَلَواتِ مَلائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ

گناه سالی بر وی ننویسند. و هر که پس از این دو نماز بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

نمیرد تا که قائم را عليه السلام دریابد و پیغمبر صلى الله عليه وآله گفت: هر که روز آدینه از پس نماز صد بار قل هو الله بخواند و صد بار بر پیغمبر درود فرستد و هفتاد بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ اكْفِني بِحَلالِكَ عَنْ حَرامِكَ وَ أَغْنِني بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِواكَ

خدای تعالی وی را صد حاجت روا کند، هشتاد از حاجتهای آن جهان و بیست از حاجتهای دنیا.[۱]

و روایت کرده‌اند که پیغمبر صلى الله عليه وآله گفت: هر که روز آدینه پس از نمازپشین دو رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و هفت بار قل هو الله بخواند و چون فارغ شود بگوید:

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۶۸

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ الَّتِي حَشْوُهَا الْبَرَكَةُ وَ عُمّارُهَا الْمَلائِكَةُ مَعَ نَبِيِّنا مُحَمَّدٍ وَ أَبِينا إِبْراهِيمَ عَلَيْهِمَا السَّلامُ

هیچ فتنه و بلا بدو نرسد تا دیگر آدینه و خدای تعالی جمع کند میان وی و میان محمد و ابراهیم ﷺ.

و جمع میان نماز پشین و دیگر فاضلتر بوَد در روز آدینه به خلاف روزهای دیگر و اگر نافله‌ای پیش از زوال نکرده باشد باپس نماز دیگر افکند و در روز آدینه پس از نماز دیگر هر که صدبار إنّا أنزلناه بخواند خدای‌تعالی هزار تحفه از رحمت خویش به وی فرستد. و هزار بار صلوات فرستد بر پیغمبر و آلش علیه و علیهم السلام واگر نتواند صد بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

و هفت بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الأَوْصِياءِ الْمَرْضِيّينَ بِأَفْضَلِ صَلَواتِكَ وَ بارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكاتِكَ وَ السَّلامُ عَلَيْهِمْ وَ عَلىٰ أَرْواحِهِمْ وَ أَجْسادِهِمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.

روایت کرده‌اند که این را صد بار بگوید. «آنگه هفتاد بار بگوید:»

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

و چون آخر روز بود در دعا کردن جهد نماید. و روایت کرده‌اند که ساعتی که درو دعا اجابت کنند از روز آدینه، آن وقتست که قرص آفتاب نیمی غایب شده باشد. و روایت کرده‌اند که پیغمبرﷺ فرموده‌اند که در ساعت اجابت دعا از روز آدینه این باید گفت:

سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا بَديعَ السَّمٰواتِ وَ الأَرْضِ يا

ذَاالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ.

دعای سمات

مستحب است که در آخر ساعت از روز آدینه این دعا بخواند. باقر گفت عليه السلام: اگر مردمان بدانند آنچه ما دانیم از سؤالها[1] که درین دعاست از بزرگی کار آن به نزدیک خدای تعالی و زودی اجابت خدای تعالی خوانندهٔ آن را با آنکه ذخیره نهاده است خدای تعالی از ثواب نیکو به سبب این دعا با یکدیگر به شمشیر جنگ کنند و اگر سوگند خورم که نام بزرگ خدای تعالی درو است سوگند راست خورده‌ام و این از علم نهانیست و از دعاهای پوشیده که مستجاب بود نزدیک خدای تعالی پس بدان نفع گیرید و ازکسی که اهل آن نباشد پنهان دارید و اهل آن نباشد مثل کودکان و سفیهان و منافقان که حق ما به ظلم برده باشند. بدیشان مدهید که این از سرّ مخزون و علم مکنون خدایست جلّ جلاله، و دعا اینست که شمّه‌ای از فضیلت او شنیدی:

بسم اللّه الرَّحمن الرَّحیم اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي إِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلٰى مَغٰالِقِ أَبْوٰابِ السَّمٰاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ وَ إِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلٰى مَضٰائِقِ أَبْوٰابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَ إِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلٰى الْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتْ وَ إِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوٰاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ وَ إِذٰا دُعِيتَ بِهِ عَلٰى كَشْفِ الْبَأْسٰاءِ وَ الضَّرّٰاءِ انْكَشَفَتْ وَ بِجَلاٰلِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَ أَعَزِّ الْوُجُوهِ الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَ خَضَعَتْ لَهُ الرِّقٰابُ وَ خَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوٰاتُ وَ وَجِلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ مَخٰافَتِكَ وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي تُمْسِكُ السَّمٰاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَي الْأَرْضِ إِلاّٰ

---

۱. در «م» : سرّها. در متن عربی حدیث (بحار ۸۷ / ۹۶) آمده: لو یعلم الناس ما نعلمه من علم هذه المسائل

بِإِذْنِكَ وَ تُمْسِكُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضَ أَنْ تَزُولاٰ وَ بِمَشِيَّتِكَ الَّـتِي دٰانَ لَهـا ٱلْعٰالَمُونَ وَ بِكَلِمَتِكَ ٱلَّتِي خَلَقْتَ بِهَا ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضَ وَ بِحِكْمَتِكَ ٱلَّتِي صَنَعْتَ بِهَا ٱلْعَجٰائِبَ وَ خَلَقتَ بِهَا ٱلظُّلْمَةَ وَ جَعَلْتَهٰا لَيْلاً وَ جَعَلْتَ ٱللَّيْلَ سَكَنًا وَ خَلَقْتَ بِهَا ٱلنُّورَ وَ جَعَلْتَهُ نَهٰارًا وَ جَعَلْتَ ٱلنَّهٰارَ نُشُورًا مُبْصِرًا وَ خَلَقْتَ بِهَا ٱلشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيٰاءً وَ خَلَقْتَ بِهَا ٱلْقَمَرَ وَ جَعَلْتَ ٱلْقَمَرَ نُورًا وَ خَلَقتَ بِهَا ٱلْكَوٰاكِبَ وَ جَعَلْتَهٰا نُجُومًا وَ بُرُوجًا وَ مَصٰابِيحَ وَ زِينَةً وَ رُجُومًا وَ جَعَلْتَ لَهٰا مَشٰارِقَ وَ مَغٰارِبَ وَ جَـعَلْتَ لَهـا مَـطٰالِعَ وَ مَجٰارِيَ وَ جَعَلْتَ لَهٰا فَلَكًا وَ مَسٰابِحَ وَ قَدَّرْتَهٰا فِي ٱلسَّمٰاءِ مَنٰازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهٰا وَ صَوَّرْتَهٰا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهٰا وَ أَحْـصَيْتَهٰا بِأَسْمٰائِكَ إِحْـصٰاءً وَ دَبَّرْتَهٰا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيرًا وَ أَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهٰا وَ سَخَّرْتَهٰا بِسُلْطٰانِ ٱللَّـيْلِ وَ سُلْطٰانِ ٱلنَّهٰارِ وَٱلسّٰاعٰاتِ وَ عَدَدَ ٱلسِّنِينَ وَ ٱلْحِسٰابِ وَ جَـعَلْتَ رُؤْيَـتَهٰا لِجَمِيعِ ٱلنّٰاسِ مَرْئًى وٰاحِدًا وَ أَسْأَلُكَ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَـلَّمْتَ بِـهِ عَـبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرٰانَ عَـلَيْهِ ٱلسَّـلاٰمُ فِي ٱلْمُـقَدَّسِينَ فَـوْقَ إِحْسٰـاسِ ٱلْكَرُّوبِينَ فَوْقَ غَمٰائِمِ[1] ٱلنُّورِ فَوْقَ تٰابُوتِ ٱلشَّهٰادَةِ فِي عَمُودِ ٱلنّٰـارِ وَ فِي طُورِ سَيْنٰاءَ وَ فِي جَبَلِ حُورِيثَ فِي ٱلْوٰادِ ٱلْمُقَدَّسِ فِي ٱلْبُقْعَةِ ٱلْمُبٰارَكَةِ مِـنْ جٰانِبِ ٱلطُّورِ ٱلْأَيْمَنِ مِنَ ٱلشَّجَرَةِ وَ فِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيٰاتٍ بَيِّنٰاتٍ وَ يَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِيإِسْرٰائِيلَ ٱلْبَحْرَ وَ فِي ٱلْمُنْبَجِسٰاتِ ٱلَّتِي صَنَعْتَ بِهَا ٱلْعَجٰائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ وَ عَقَدْتَ مٰاءَ ٱلْبَحْرِ فِي قَلْبِ ٱلْغَمْرِ كَـالْحِجٰارَةِ وَ جٰـاوَزْتَ بِبَنِيإِسْرٰائِيلَ ٱلْبَحْرَ وَ تَمَّتْ كَلِمَتُكَ ٱلْحُسْنىٰ عَلَيْهِمْ بِمٰا صَـبَرُوا وَ أَوْرَثْـتَهُمْ مَشٰارِقَ ٱلْأَرْضِ وَ مَغٰارِبَهَا ٱلَّتِي بٰارَكْتَ فِيهٰا لِلْعٰالَمِينَ وَ أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ

---

١. در «د» : دعائم

وَجُنُودَهُ وَ مَرَاكِبَهُ فِي ٱلْيَمِّ وَ بِاسْمِكَ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَعَزِّ ٱلْأَجَلِّ ٱلْأَكْرَمِ وَ بِمَجْدِكَ ٱلَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمِكَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَ لِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ ٱلْخَيْفِ وَ لِإِسْحٰقَ صَفِيِّكَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ فِي بِئْرِ شِيَعٍ وَ لِيَعْقُوبَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ فِي بَيْتِ إِيلَ وَ أَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ وَ لِإِسْحٰقَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ بِحَلْفِكَ وَ لِيَعْقُوبَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ بِشَهَادَتِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَ لِلدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ وَ بِمَجْدِكَ ٱلَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ ٱلرُّمَّانِ وَ بِآيَاتِكَ ٱلَّذِي وَقَعَتْ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ ٱلْعِزَّةِ وَ ٱلْغَلَبَةِ بِآيَاتٍ عَزِيزَةٍ وَ بِسُلْطَانِ ٱلْقُوَّةِ وَ بِعِزَّةِ ٱلْقُدْرَةِ وَ بِشَأْنِ ٱلْكَلِمَةِ ٱلتَّامَّةِ وَ بِكَلِمَاتِكَ ٱلَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ ٱلسَّمٰوَاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ أَهْلِ ٱلدُّنْيَا وَ ٱلْآخِرَةِ وَ بِرَحْمَتِكَ ٱلَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ بِاسْتِطَاعَتِكَ ٱلَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى ٱلْعَالَمِينَ وَ بِنُورِكَ ٱلَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سَيْنَاءَ وَ بِعِلْمِكَ وَ جَلَالِكَ وَ كِبْرِيَائِكَ وَ عِزِّكَ وَ جَبَرُوتِكَ ٱلَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا ٱلْأَرْضُ وَ ٱنْخَفَضَتْ لَهَا ٱلسَّمٰوَاتُ وَ ٱنْزَجَرَ لَهَا ٱلْعُمْقُ ٱلْأَكْبَرُ وَ رَكَدَتْ لَهَا ٱلْبِحَارُ وَ ٱلْأَنْهَارُ وَ خَضَعَتْ لَهَا ٱلْجِبَالُ وَ سَكَنَتْ لَهَا ٱلْأَرْضُ بِمَنَاكِبِهَا وَ ٱسْتَسْلَمَتْ لَهَا ٱلْخَلَائِقُ كُلُّهَا وَ خَفَقَتْ لَهَا ٱلرِّيَاحُ فِي جَرَيَانِهَا وَ خَمَدَتْ لَهَا ٱلنِّيرَانُ فِي أَوْطَانِهَا وَ بِسُلْطَانِكَ ٱلَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ ٱلْغَلَبَةُ دَهْرَ ٱلدُّهُورِ وَ حُمِدْتَ بِهِ فِي ٱلسَّمٰوَاتِ وَ ٱلْأَرَضِينَ وَ بِكَلِمَتِكَ كَلِمَةِ ٱلصِّدْقِ ٱلَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينَا آدَمَ وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ وَ أَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ ٱلَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ ٱلَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا وَ بِمَجْدِكَ ٱلَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عَلَيْهِ ٱلسَّلَامُ وَ بِطَلْعَتِكَ فِي سَاعِيرَ وَ ظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَوَاتِ ٱلْمُقَدَّسِينَ

وَ جُنُودِ ٱلْمَلائِكَةِ ٱلصّافّينَ وَ خُشُوعِ ٱلْمَلائِكَةِ ٱلْمُسَبِّحِينَ وَ بِبَرَكاتِكَ ٱلَّتِي بارَكْتَ عَلىٰ إِبْراهِيمَ خَلِيلِكَ فِي أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بارَكْتَ لِإِسْحٰقَ صَفِيِّكَ فِي أُمَّةِ عِيسىٰ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ وَ بارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرائِيلِكَ فِي أُمَّةِ مُوسىٰ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ وَ بارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي عِتْرَتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ.

اَللّٰهُمَّ وَ كَما غِبْنا عَنْ ذٰلِكَ وَ لَمْ نَشْهَدْهُ وَ آمَنّا بِهِ وَ لَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَ عَدْلاً أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُبارِكَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَرَحَّمَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ وَ بارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلىٰ إِبْراهِيمَ وَ آلِ إِبْراهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَعّالٌ لِما يُرِيدُ وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.[۱]

«يا أَللّٰهُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا بَدِيعَ ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ يا ذَاالْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هٰذَا ٱلدُّعاءِ وَ بِحَقِّ هٰذِهِ ٱلْأَسْماءِ ٱلَّتِي لايَعْلَمُ تَفْسِيرَها وَ لايَعْلَمُ باطِنَها غَيْرُكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي ما أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لاتَفْعَلَ بِي ما أَنَا أَهْلُهُ وَ ٱنْتَقِمْ لِي مِنْ فُلانٍ وَ ٱغْفِرْ لِي ذُنُوبِي ما تَقَدَّمَ مِنْها وَ ما تَأَخَّرَ مِنْها وَ وَسِّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلالِ رِزْقِكَ وَ ٱكْفِنِي مَؤُنَةَ إِنْسانِ سَوْءٍ وَ جارِ سَوْءٍ وَ قَرِينِ سَوْءٍ وَ سُلْطانِ سَوْءٍ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِالْإِجابَةِ جَدِيرٌ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ آمِينَ رَبَّ ٱلْعالَمِينَ.»

آنگه چیزی که خواهی بخواه.

نماز هدیه

از جمله اوراد هفته‌است و آن چنان بود که روز آدینه هشت رکعت نماز بکند

---

۱. مصباح المتهجّد، ص ۴۱۶ ـ ۴۲۰

چهار هدیه فرستد به روح رسول‌الله ﷺ و چهار به‌فاطمه ؑ. و روز شنبه چهار رکعت هدیه فرستد به امیرالمؤمنین ؑ و روز یکشنبه چهار هدیه فرستد به حسن ؑ و همچنین تا روز پنجشنبه چهار رکعت هدیه فرستد به صادق ؑ و در روز آدینه چنانکه رفت چهار رکعت هدیهٔ مصطفی ﷺ و چهار رکعت هدیهٔ فاطمه ؑ و روز شنبه چهار رکعت هدیه فرستد به کاظم ؑ و همچنین تا روز پنجشنبه چهار رکعت هدیه فرستد به صاحب الزمان ؑ و پس هر دو رکعت از آن بگوید:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ السَّلاٰمُ وَ مِنْكَ اَلسَّلاٰمُ وَ إِلَيْكَ يَعُودُ اَلسَّلاٰمُ حَيِّنٰا رَبَّنٰا مِنْكَ بِالسَّلاٰمِ. اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ الرَّكَعٰاتُ هَدِيَّةٌ مِنّي إِلىٰ وَلِيِّكَ فُلاٰنٍ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْهُ إِيّٰاهٰا فَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجٰائِي فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ فِيهِ.

و دعایی که خواهی بگوی.[۱]

فصل در نمازهای هفته

شنبه

رسول الله ﷺ گفت: هر که شب شنبه هشت رکعت نماز کند، در هر رکعتی الحمد خواند و إنا أعطيناك اَلكوثر یکبار و قل هو الله هفت بار، چون فارغ شود هفتاد بار استغفار کند، هم چنان بود که حجّ کرده بود و هزار مرد از دست کافران باز خریده و آزاد کرده و خدای تعالی گناهان وی بیامرزد و اگر چه مثل کف دریا باشد. و فرمود ﷺ: هر که شب شنبه چهار رکعت نماز کند، در هر رکعتی الحمد یکبار بخواند و آية الكرسي سه بار و قل هو الله یکبار، چون سلام باز دهد آية الكرسي سه بار بخواند، خدای تعالی وی و پدر و مادر وی را بیامرزد و هم چنان بود که محمّد

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۲۲ . باید بجای کلمهٔ «فلان» نام امامی که نمازها به ایشان اهدا شده یاد شود.

مصطفی ﷺ وی را شفاعت کرده بود. و گفت ﷺ: هر که روز شنبه چهار رکعت نماز کند، در هر رکعتی الحمد خواند و قل یا أیّها الکافرون سه بار، چون فارغ شود آیة الکرسي یکبار بخواند، خدای تعالی وی را به عدد هر مرد جهودی و زن جهودی عبادت سالی بنویسد.

دعای روز شنبه از دعای کاظم علیه السلام

مَرْحبًا بِخَلْقِ اَللّٰهِ اَلْجَدِيدِ وَ بِكُمٰا مِنْ كٰاتِبَيْنِ وَ شٰاهِدَيْنِ اَكْتُبٰا بِسْمِ اَللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَ اَلدِّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ أَنَّ اَلْكِتٰابَ كَمٰا أَنْزَلَ وَ اَلْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ وَ صَلَوٰاتُ اَللّٰهِ وَ سَلاٰمُهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

أَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ فِي أَمٰانِكَ وَ أَسْلَمْتُ إِلَيْكَ نَفْسِي وَ وَجَّهْتُ إِلَيْكَ وَجْهِي وَ فَوَّضْتُ إِلَيْكَ أَمْرِي وَ أَلْجَأْتُ إِلَيْكَ ظَهْرِي رَهْبَةً مِنْكَ وَ رَغْبَةً إِلَيْكَ لاٰ مَلْجَأَ وَ لاٰ مَنْجٰا مِنْكَ إِلاّٰ إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتٰابِكَ اَلَّذِي أَنْزَلْتَ وَ رَسُولِكَ اَلَّذِي أَرْسَلْتَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ إِلَيْكَ فَارْزُقْنِي بِغَيْرِ حِسٰابٍ إِنَّكَ تَرْزُقُ مَنْ تَشٰاءُ بِغَيْرِ حِسٰابٍ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ اَلطَّيِّبٰاتِ مِنَ اَلرِّزْقِ وَ تَرْكَ اَلْمُنْكَرٰاتِ وَ حُبَّ اَلْمَسٰاكِينِ وَ أَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَرٰامَتِكَ اَلَّتِي أَنْتَ أَهْلُهٰا أَنْ تَتَجٰاوَزَ عَنْ سُوءِ مٰا عِنْدِي بِحُسْنِ مٰا عِنْدَكَ وَ أَنْ تُعْطِيَنِي مِنْ جَزِيلِ عَطٰائِكَ أَفْضَلَ مٰا أَعْطَيْتَهُ أَحَدًا مِنْ عِبٰادِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مٰالٍ يَكُونُ عَلَيَّ فِتْنَةً وَ مِنْ وَلَدٍ يَكُونُ لِي عَدُوًّا. اَللّٰهُمَّ قَدْ تَرٰى مَكٰانِي وَ تَسْمَعُ دُعٰائِي وَ كَلاٰمِي وَ تَعْلَمُ حٰاجَتِي، أَسْأَلُكَ بِجَمِيعِ أَسْمٰائِكَ اَلْحُسْنٰى أَنْ تَقْضِيَ لِي كُلَّ حٰاجَةٍ مِنْ حَوٰائِجِ اَلدُّنْيٰا وَ اَلْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ

إِنِّي أَدْعُوكَ دُعٰاءَ عَبْدٍ ضَعُفَتْ قُوَّتُهُ وَ ٱشْتَدَّتْ فٰاقَتُهُ وَ عَظُمَ جُرْمُهُ وَ قَلَّ عَدَدُهُ وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ دُعٰاءَ مَنْ لاٰ يَجِدُ لِفٰاقَتِهِ سٰادًّا غَيْرَكَ وَ لاٰ لِضَعْفِهِ مُقَوِّيًا سِوٰاكَ أَسْأَلُكَ جَوٰامِعَ ٱلْخَيْرِ وَ خَوٰاتِمَهُ وَ سَوٰابِقَهُ وَ فَوٰائِدَهُ وَ جَمِيعَ ذٰلِكَ بِدَوٰامِ فَضْلِكَ وَ إِحْسٰانِكَ وَ مَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ فَارْحَمْنِي وَ أَعْتِقْنِي مِنَ ٱلنّٰارِ. يٰا مَنْ كَبَسَ ٱلْأَرْضَ عَلَى ٱلْمٰاءِ وَيٰا مَنْ سَمَكَ ٱلْهَوٰاءَ بِالسَّمٰاءِ وَ يٰا وٰاحِدًا قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَ يٰا وٰاحِدًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ يٰا مَنْ لاٰ يَعْلَمُ وَ لاٰ يَدْرِي كَيْفَ هُوَ إِلاّٰ هُوَ وَ يٰا مَنْ لاٰ يَقْدِرُ قُدْرَتَهُ إِلاّٰ هُوَ وَ يٰا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ وَ يٰا مَنْ لاٰ يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ وَ يٰا غَوْثَ ٱلْمُسْتَغِيثِينَ وَ يٰا صَرِيخَ ٱلْمَكْرُوبِينَ يٰا مُجِيبَ دَعْوَةِ ٱلْمُضْطَرِّينَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ وَ يٰا رَحْمٰنَ ٱلدُّنْيٰا وَ ٱلْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمٰا، رَبِّ ٱرْحَمْنِي رَحْمَةً لاٰ تُضِلُّنِي وَ لاٰ تُشْقِينِي بَعْدَهٰا أَبَدًا إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ ٱلنَّبِيِّ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ.

تسبیح روز شنبه

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ، سُبْحٰانَ ٱلْإِلٰهِ ٱلْحَقِّ، سُبْحٰانَ ٱلْقٰابِضِ ٱلْبٰاسِطِ، سُبْحٰانَ ٱلضّٰارِّ ٱلنّٰافِعِ، سُبْحٰانَ ٱلْقٰاضِي بِالْحَقِّ سُبْحٰانَهُ وَ بِحَمْدِهِ، سُبْحٰانَ ٱلْعَلِيِّ ٱلْأَعْلٰى، سُبْحٰانَ مَنْ عَلاٰ فِي ٱلْهَوٰاءِ سُبْحٰانَهُ وَتَعٰالٰى، سُبْحٰانَ ٱلْحَسَنِ ٱلْجَمِيلِ، سُبْحٰانَ ٱلرَّؤُوفِ ٱلرَّحِيمِ، سُبْحٰانَ ٱلْغَنِيِّ ٱلْحَمِيدِ، سُبْحٰانَ ٱلْخٰالِقِ ٱلْبٰارِئِ، سُبْحٰانَ ٱلرَّفِيعِ ٱلْأَعْلٰى، سُبْحٰانَ ٱلْعَظِيمِ ٱلْأَعْظَمِ، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ كَذٰا وَ لاٰ هٰكَذٰا غَيْرُهُ سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبِّيَ ٱلْحَيِّ ٱلْحَلِيمِ، سُبْحٰانَ ٱلْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ دٰائِمٌ لاٰ يَسْهُو، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ قٰائِمٌ لاٰ يَلْهُو، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ غَنِيٌّ لاٰ يَفْتَقِرُ، سُبْحٰانَ مَنْ تَوٰاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، سُبْحٰانَ مَنْ ذَلَّ

كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، سُبْحانَ مَنِ اسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِمُلْكِهِ، سُبْحانَ مَنِ انْقادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَزِمَّتِها.

ورد روز شنبه

از اميرالمؤمنين عليه‌السلام مرويست:

اَللّٰهُمَّ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ رَبُّ السَّمٰواتِ السَّبْعِ وَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَ آخِرُهُ وَخالِقُ الْخَلْقِ وَ رازِقُهُمْ فاطِرُ السَّمٰواتِ وَ الْأَرْضِ جاعِلُ الْمَلائِكَةِ رُسُلاً أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنىٰ وَ ثُلاثَ وَ رُباعَ وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ إِمامِ الدِّينِ وَ قائِدِ الْخَيْرِ وَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْزِ عَنِّي والِدَيَّ بِما كانَ مِنْهُما مِنْ رَحْمَتِهِما إِيّايَ وَ حِرْصِهِما عَلىٰ هُدايَ أَفْضَلَ ما جَزَيْتَ والِدَيْنِ عَنْ وَلَدِهِما.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ تَشَتُّتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ شَرِّ ما يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ وَ إِنْ حَدَثَ قَبْلَ دُعائِي وَ لَمْ يُصِبْنِي بَعْدُ، فَادْفَعْهُ عَنِّي وَ اجْعَلْنِي مِنْ طُلَقائِكَ مِنَ النّارِ. اَللّٰهُمَّ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنا وَ بِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنا وَ بِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنا وَ أَمْسَيْنا اِجْمَعْ عَلَى الْهُدىٰ أَمْرَنا وَ اجْعَلِ التَّقْوىٰ زادَنا وَ الْجَنَّةَ مَآبَنا وَ هَبْ لَنا رِضاكَ عَنّا وَ الْمُعافاةَ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ الْعَمَلَ بِطاعَتِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَ السَّلامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ النَّجاةَ مِنَ النّارِ. اَللّٰهُمَّ لا تَدَعْ لَنا ذَنْباً إِلاّٰ غَفَرْتَهُ وَ لا هَمّاً إِلاّٰ فَرَّجْتَهُ وَ لا

دَيْنًا إِلاّٰ أَدَّيْتَهُ وَ لاٰ حاجَةً إِلاّٰ قَضَيْتَها. اَللّٰهُمَّ ما كانَ مِنْ خَيْرٍ أَنْتَ قاسِمُهُ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ مُعْطِيهِ أَحَدًا مِنْ عِبادِكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيهِ يا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِي ما قَدَّمْتُ وَ ما أَخَّرْتُ وَ ما أَعْلَنْتُ وَ ما أَسْرَرْتُ وَ ما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَإِنَّكَ أَنْتَ اَلْمُقَدِّمُ وَ أَنْتَ اَلْمُؤَخِّرُ وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعاقِدِ اَلْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ مَبْلَغِ اَلرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَ اَسْمِكَ اَلْعَظِيمِ اَلْأَعْظَمِ وَ ذِكْرِكَ اَلْأَعْلىٰ وَ كَلِماتِكَ التّٰامّٰاتِ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً مِنْ فَوْقِ عَرْشِكَ اَلْعَظِيمِ بِوَجْهِكَ اَلْكَرِيمِ اَلْحَسَنِ اَلْجَمِيلِ تَغْفِرُ بِها ذُنُوبِي وَ تَجْعَلُنِي مِنْ عُتَقٰائِكَ وَ طُلَقٰائِكَ مِنَ اَلنّٰارِ يا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.

عوذهٔ روز شنبه

بسم اَللّٰه اَلرَّحمن اَلرَّحيم لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَلْمَلاٰئِكَةِ وَالرُّوحِ وَ اَلنَّبِيِّينَ وَ اَلْمُرْسَلِينَ وَ قاهِرَ مَنْ فِي اَلسَّمٰواتِ وَ اَلْأَرَضِينَ كُفَّ عَنِّي بَأْسَ الْأَشْرارِ وَ أَعْمِ أَبْصارَهُمْ وَ قُلُوبَهُمْ وَاَجْعَلْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ حِجابًا إِنَّكَ رَبُّنا وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اَللّٰهِ تَوَكُّلَ عائِذٍ بِهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دٰابَّةٍ رَبِّي أَنْتَ اٰخِذٌ بِناصِيَتِها وَ مِنْ شَرِّ ما سَكَنَ فِي اَللَّيْلِ وَ اَلنَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ.

يكشنبه

رسول الله ﷺ گفت: هر كه شب يكشنبه چهار ركعت نماز كند در هر ركعتى الحمد خواند و آية الكرسي و سبّح آسْم ربّك آلْأعلى و قل هو الله أحد، هر يكى يكبار،

روز قیامت همی آید و رویش همچو ماه شب چهارده و خدای تعالی وی را برعقلش برخورداری دهد تا آنکه بمیرد.

وگفت ﷺ: هرکه شب یکشنبه شش رکعت نمازکند در هر رکعتی الحمد خواند یکبار، و قل هو الله هفت بار. و گفت ﷺ: هرکه روز یکشنبه چهار رکعت نمازکند، در هر رکعتی پس از الحمد، آمن الرسول بما أنزل خواند تا آخر خدای تعالی به هر مرد ترسا و زن ترسا عبادت هزار ساله بنویسد برای او.

دعای روز یکشنبه

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اَللّٰهِ اَلْجَدِيدِ وَ بِكُمَا مِنْ كَاتِبَيْنِ وَ شَاهِدَيْنِ اَكْتُبَا بِسْمِ اَللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَ أَنَّ اَلدِّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ أَنَّ اَلْكِتٰابَ كَمٰا أَنْزَلَ وَ اَلْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ.

حَيَّا اَللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلاٰمِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ عَلىٰ آلِهِ. أَصْبَحْتُ وَ أَصْبَحَ اَلْمُلْكُ وَ اَلْكِبْرِيٰاءُ وَ اَلْعَظَمَةُ وَ اَلْخَلْقُ وَ اَلْأَمْرُ وَ اَللَّيْلُ وَ اَلنَّهٰارُ وَ مٰا يَكُونُ فِيهِمٰا لِلّٰهِ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ هٰذَا اَلنَّهٰارِ صَلاٰحًا وَ أَوْسَطَهُ نَجٰاحًا وَ آخِرَهُ فَلاٰحًا وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اَلدُّنْيٰا وَ اَلْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ لاٰتَدَعْ لِي ذَنْبًا إِلاّٰ غَفَرْتَهُ وَ لاٰ هَمًّا إِلاّٰ فَرَّجْتَهُ وَ لاٰ دَيْنًا إِلاّٰ قَضَيْتَهُ وَ لاٰ غٰائِبًا إِلاّٰ حَفِظْتَهُ وَ أَدَّيْتَهُ[1] وَ لاٰ مَرِيضًا إِلاّٰ شَفَيْتَهُ وَ عٰافَيْتَهُ وَ لاٰ حٰاجَةً مِنْ حَوٰائِجِ اَلدُّنْيٰا وَ اَلْآخِرَةِ لَكَ فِيهٰا رِضىً وَ لِيَ فِيهٰا صَلاٰحٌ إِلاّٰ قَضَيْتَهٰا.

اَللّٰهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ وَ عَظُمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ وَ بَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْطَيْتَ

---

۱. در «م»: رددته

فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَجْهُكَ خَيْرُ ٱلْوُجُوهِ وَ عَطِيَّتُكَ أَنْفَعُ ٱلْعَطِيَّةِ.[۱] فَلَكَ ٱلْحَمْدُ تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ وَ تُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ وَ تَكْشِفُ ٱلضُّرَّ وَ تَشْفِي ٱلسَّقِيمَ وَ تُنْجِي مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ. لاٰيُجْزِي بِآلاٰءِكَ أَحَدٌ وَ لاٰيُحْصِي نَعْمَاءَكَ أَحَدٌ، رَحْمَتُكَ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ أَنَا شَيْءٌ فَارْحَمْنِي وَ مِنَ ٱلْخَيْرَاتِ فَارْزُقْنِي، تَقَبَّلْ صَلَوَاتِي وَٱسْمَعْ دُعَائِي وَ لاٰتُعْرِضْ عَنِّي يٰامَوْلاٰيَ حِينَ أَدْعُوكَ وَ لاٰتَحْرِمْنِي يَا إِلٰهِي حِينَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَجْلِ خَطَايَايَ وَ لاٰتَحْرِمْنِي لِقَاءَكَ وَ ٱجْعَلْ مَحَبَّتِي وَ إِرَادَتِي مَحَبَّتَكَ وَ إِرَادَتَكَ وَ ٱكْفِنِي هَوْلَ ٱلْمُطَّلَعِ.

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لاٰيَرْتَدُّ وَ نَعِيماً لاٰيَنْفَدُ وَ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي أَعْلَى جَنَّتِكَ جَنَّةِ ٱلْخُلْدِ. ٱللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ ٱلْعَفَافَ وَٱلتُّقَى وَٱلْعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى وَٱلرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَٱلنَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ ٱلْكَرِيمِ. ٱللّٰهُمَّ لَقِّنِي حُجَّتِي عِنْدَ ٱلْمَمَاتِ وَ لاٰتُرِنِي أَعْمَالِي حَسَرَاتٍ. ٱللّٰهُمَّ ٱكْفِنِي طَلَبَ مَا لَمْ تُقَدِّرْ لِي مِنْ رِزْقٍ وَ مَا قَسَمْتَ لِي مِنْ قِسْمٍ فَأْتِنِي بِهِ فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ.

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَوْبَةً نَصُوحًا تَقْبَلُهَا مِنِّي، تُبْقِي عَلَيَّ بَرَكَتَهَا وَ تَغْفِرُ بِهَا مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي وَ تَعْصِمُنِي بِهَا فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي يَا أَهْلَ ٱلتَّقْوَى وَ أَهْلَ ٱلْمَغْفِرَةِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

تسبیح روز یکشنبه

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ سُبْحَانَ مَنْ مَلَأَ ٱلدَّهْرَ قُدْسُهُ، سُبْحَانَ مَنْ يَغْشَى ٱلْأَبَدَ نُورُهُ، سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ كُلَّ شَيْءٍ ضَوْءُهُ، سُبْحَانَ مَنْ يُدَانُ بِدِينِهِ كُلُّ دِينٍ وَ لاٰيُدَانُ بِغَيْرِ دِينِهِ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ بِقُدْرَتِهِ كُلَّ قَدَرٍ وَ لاٰيَقْدِرُ

---

۱. در «د»: العطایا

أَحَدٌ قَدْرَهُ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰيُوصَفُ عِلْمُهُ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰيَعْتَدِي عَلٰى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰيُؤٰاخِذُ أَهْلَ ٱلْأَرْضِ بِأَلْوٰانِ الْعَذٰابِ، سُبْحٰانَ ٱلرَّؤُوفِ ٱلرَّحِيمِ، سُبْحٰانَ مَنْ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلٰى خَزٰائِنِ ٱلْقُلُوبِ، سُبْحٰانَ مَنْ يُحْصِي عَدَدَ ٱلذُّنُوبِ، سُبْحٰانَ مَنْ لاٰتَخْفٰى عَلَيْهِ خٰافِيَةٌ فِي ٱلْأَرْضِ وَ لاٰ فِي ٱلسَّمٰاءِ، سُبْحٰانَ رَبِّيَ ٱلْوَدُودِ، سُبْحٰانَ ٱلْفَرْدِ ٱلْوِتْرِ، سُبْحٰانَ ٱلْعَظِيمِ ٱلْأَعْظَمِ.

ورد روز يكشنبه

سُبْحٰانَكَ ٱللّٰهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ وَ جَلَّ ثَنٰاؤُكَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمٰاؤُكَ وَ حَسُنَ بَلاٰؤُكَ وَ عَظُمَ شَأْنُكَ وَ لاٰ إِلٰهَ غَيْرُكَ، لَكَ ٱلْحَمْدُ قَدْرَ عَظَمَتِكَ وَ سَعَةَ حِلْمِكَ وَ مُنْتَهٰى عِلْمِكَ وَ رِضٰا نَفْسِكَ، أَنْتَ أَهْلُ ٱلْحَمْدِ وَ أَحَقُّ بِالْحَمْدِ وَ أَوْلٰى بِهِ لَيْسَ لِلْحَمْدِ دُونَكَ مُقْضِيٌ وَ لاٰ إِلٰى غَيْرِكَ مُنْتَهى وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ عَلٰى نَعْمٰائِكَ كُلِّهٰا مٰا مَضٰى مِنْهٰا وَ مٰا بَقِيَ وَ مٰا رُئِيَ مِنْهٰا وَ مٰا خَفِيَ وَ مٰا ذُكِرَ مِنْهٰا وَ مٰانُسِيَ وَ مٰا شُكِرَ وَ مٰا كُفِرَ، وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ فِي ٱللَّيْلِ إِذٰا يَغْشٰى وَ فِي ٱلنَّهٰارِ إِذٰا تَجَلّٰى وَ لَكَ ٱلْحَمْدُ فِي ٱلْآخِرَةِ وَ ٱلْأُولٰى، سُبْحٰانَ ٱلَّذِي فِي ٱلسَّمٰاءِ عَرْشُهُ، سُبْحٰانَ ٱلَّذِي فِي ٱلْأَرْضِ قُدْرَتُهُ، سُبْحٰانَ ٱلَّذِي فِي ٱلْبَرِّ وَ ٱلْبَحْرِ سَبِيلُهُ.

ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لاٰتُشْمِتْ بِي أَعْدٰائِي وَ لاٰتُمَكِّنْهُمْ مِنِّي وَٱقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِّي وَ ٱحْفَظْنِي وَ ٱحْفَظْ عَلَيَّ دِينِي. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ كَثِيرًا مِنْ عِبٰادِكَ فَعَوِّضْهُمْ مِنْ مَظٰالِمِهِمْ بِرِضٰاهُمْ ثُمَّ ٱغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ وَ بٰارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلٰى إِبْرٰاهِيمَ وَ آلِ إِبْرٰاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ٱلْهُدٰى وَ ٱلتُّقٰى وَ ٱلْعِفَّةَ وَ ٱلْغِنٰى وَ ٱلْعَمَلَ بِمٰا تُحِبُّ وَ

تَرْضى. اَللّٰهُمَّ بارِكْ لَنا فِي دِينِنَا اَلَّذِي فِيهِ عِصْمَتُنا وَ فِي دُنْيانَا اَلَّتِي فِيها بَلاغُنا وَ فِي آخِرَتِنَا اَلَّتِي إِلَيْها مَصِيرُنا وَ اجْعَلْ حَياتَنا زِيادَةً لَنا فِي كُلِّ خَيْرٍ وَ نَجِّنا مِنَ اَلنّارِ وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ.

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنا طَيِّبًا وَ اسْتَعْمِلْنا صالِحًا وَ تَوَفَّنا مُسْلِمِينَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عافِيَتِكَ وَ مِنْ فُجاءَةِ نِقْمَتِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ اَلشَّقاءِ وَ مِنْ سُوءِ الْقَضاءِ وَ مِنْ شَرِّ ما سَبَقَ بِهِ اَلْكِتابُ.

اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنا بِتَرْكِ مَعْصِيَتِكَ أَبَدًا ما أَبْقَيْتَنا وَاحْرُسْنا مِنْ تَكَلُّفِ ما لايَعْنِينا وَ أَعْطِنا قُوَّةً وَ نَشاطًا فِي سَبِيلِكَ.

اَللّٰهُمَّ بَسَطْتَ اَلرِّزْقَ وَ أَمَرْتَ بِالْإِبْتِغاءِ مِنْ فَضْلِكَ فَنَسْأَلُكَ أَنْ تُوَسِّعَ عَلَيْنا مِنْ رِزْقِكَ ما تَسُدُّ بِهِ فاقَتَنا وَتَسْتُرُ بِهِ عَوْرَتَنا وَ تَصِلُ بِهِ أَرْحامَنا وَ تَكُفُّ بِهِ جَوارِحَنا عَنِ الْحَرامِ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ اَلنُّورَ فِي بَصَرِي وَ اَلْبَصِيرَةَ فِي قَلْبِي وَ اَلصِّحَّةَ فِي جِسْمِي وَ اَلْإِخْلاصَ فِي عَمَلِي وَ اَلسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ ذِكْرَكَ عَلٰى لِسانِي وَ اَلشُّكْرَ لَكَ بِاللَّيْلِ وَ اَلنَّهارِ أَبَدًا ما أَبْقَيْتَنِي مِنْ شَأْنِي إِنَّكَ أَرْحَمُ الرّاحِمِينَ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ اَلنَّبِيِّ وَ آلِهِ اَلْأَخْيارِ.

عوذهٔ روز یکشنبه

الحمد و هر دو قل أعُوذُ و قل هو الله أحد بخواند آنگه بگوید:

أُعِيذُ نَفْسِي بِاللّٰهِ اَلَّذِي لا إِلٰهَ إِلاّ هُوَ نُورُ اَلسَّمٰواتِ وَ اَلْأَرْضِ اَلَّذِي خَلَقَ اَلسَّمٰواتِ وَ اَلْأَرْضَ بِالْحَقِّ لَهُ اَلْحَمْدُ وَ لَهُ اَلْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي اَلصُّورِ عالِمُ اَلْغَيْبِ وَ اَلشَّهادَةِ وَ هُوَ اَلْحَكِيمُ اَلْخَبِيرُ اَلَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمٰواتٍ طِباقًا وَ مِنَ اَلْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ اَلْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اَللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَ أَنَّ ٱللّٰهَ قَدْ أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ أَحْصىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي‌شَرٍّ وَ مِنَ ٱلْجِنَّةِ وَ ٱلْبَشَرِ وَ مِنْ شَرِّ ما يَصْعَدُ بِاللَّيْلِ وَ ٱلنَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ طَوارِقِ ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهارِ وَ مِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ ٱلْحَمّاماتِ ٱلْخَرابٰاتِ[۱] وَ ٱلْأَوْدِيَةَ وَ ٱلصَّحارِيَ وَ ٱلْأَشْجارَ وَ ٱلْأَنْهارَ وَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ إِخْوانِي وَ جَمِيعَ قَرٰابٰاتِي بِاللّٰهِ مٰالِكِ ٱلْمُلْكِ تُؤْتِي ٱلْمُلْكَ مَنْ تَشٰاءُ تا آخر آیت وَ مُنْزِلِ ٱلتَّوْراةِ وَ ٱلْإِنْجِيلِ وَ ٱلزَّبُورِ وَ ٱلْفُرْقانِ ٱلْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ كُلِّ طاغٍ وَ باغٍ وَ سُلْطانٍ وَ شَيْطانٍ وَ ساحِرٍ وَ كاهِنٍ وَ ناطِقٍ وَ مُتَحَرِّكٍ وَ ساكِنٍ نَسْتَجِيرُ بِاللّٰهِ حِرْزِنا وَ ناصِرِنا وَ مُونِسِنا مِنْ كُلِّ شَرٍّ وَ هُوَ يَدْفَعُ عَنّا لا شَرِيكَ لَهُ وَ لا مُعِينَ وَ لا مُعِزَّ لِمَنْ أَذَلَّ وَ لا مُذِلَّ لِمَنْ أَعَزَّ وَ هُوَ ٱلْواحِدُ ٱلْقَهّارُ وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ ٱلنَّبِيِّ وَ آلِهِ الطّاهِرِينَ.

دوشنبه

رسول الله ﷺ گفت: هر که شب دوشنبه دو رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد بخواند و پانزده بار قل هو الله أحد و هر دو قل أعوذُ هر یکی پانزده بار و چون سلام بدهد پانزده بار آیة الكرسي بخواند و پانزده بار استغفار کند، خدای تعالی نام وی از اصحاب بهشت گرداند و اگرچه از اصحاب دوزخ بوَد و گناههاي آشکارای وی بیامرزد و به هر آیتی که خوانده بود وی را حَجّی و عمره بنویسند و همچنان بوَد که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل آزاد کرده بود و اگر در میان آن هفته بمیرد شهید میرد.

و گفت ﷺ : هر که شب دوشنبه دوازده رکعت نماز کند در هر رکعتی یکبار الحمد و آیة الكرسي و چون فارغ شود دوازده بار قل هو الله خواند و دوازده بار آمرزش خواهد «و دوازده بار صلوات بر پیغمبر و آل فرستد» روز قیامت منادی ندا کند که کجاست فلان بن فلان، گو برخیز و ثواب خود از خدای تعالی فرا گیر.

---

۱. در مصباح (ص ۴۵۰): الحمّامات و الخرابات.

روایت است از پیغمبر ﷺ که هر که روز دوشنبه چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی هفت بار فاتحه و یکبار إنّا أنزلناه و فاصله کند میان ایشان به دو سلام، چون فارغ شود صد بار بر پیغمبر و آل او صلوات فرستد و صد بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ جِبْرَئِيلَ،

خدای تعالی، او را هفتاد هزار کوشک دهد.[1]

و گفت ﷺ : هرکه روز دوشنبه، چون آفتاب بالا گیرد دو رکعت نماز کند، بخواند در هر رکعتی الحمد و آية الكرسي و قل هو الله و هر دو قل أعُوذُ، هر یکی یکبار، چون فارغ شود ده بار آمرزش خواهد و ده بار بر پیغمبر ﷺ درود فرستد خدای تعالی همه گناهان وی را بیامرزد.

دعای روز دوشنبه

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اَللّٰهِ اَلْجَدِيدِ وَ بِكُمٰا مِنْ كٰاتِبَيْنِ وَ شٰاهِدَيْنِ اُكْتُبٰا بِسْمِ اَللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَأَنَّ اَلدِّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ أَنَّ اَلْكِتٰابَ كَمٰا أَنْزَلَ وَ اَلْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ.

حَيَّا اَللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلاٰمِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ عَلىٰ آلِهِ. اَللّٰهُمَّ مٰا أَصْبَحْتُ فِيهِ مِنْ عٰافِيَةٍ فِي دِينِي وَ دُنْيٰايَ فَأَنْتَ اَلَّذِي أَعْطَيْتَنِي وَ رَزَقْتَنِي وَ وَفَّقْتَنِي لَهُ وَ سَتَرْتَنِي فَلاٰ حَمْدَ لِي يٰا إِلٰهِي فِيمٰا كٰانَ مِنِّي مِنْ خَيْرٍ وَ لاٰ عُذْرَ لِي فِيمٰا كٰانَ مِنِّي مِنْ شَرٍّ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَّكِلَ عَلىٰ مٰا لاٰ حَمْدَ لِي فِيهِ أَوْ مٰا لاٰ عُذْرَ لِي مِنْهُ. اَللّٰهُمَّ إِنَّهُ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ لِي عَلىٰ جَمِيعِ ذٰلِكَ إِلاّٰ بِكَ يٰا مَنْ بَلَّغَ أَهْلَ اَلْخَيْرِ اَلْخَيْرَ وَ أَعٰانَهُمْ عَلَيْهِ

---

۱. این روایت در «م» نیامده است.

بَلِّغْنِي ٱلْخَيْرَ وَ أَعِنِّي عَلَيْهِ.

ٱللّٰهُمَّ أَحْسِنْ عاقِبَتِي فِي ٱلْأُمُورِ كُلِّها وَ أَجِرْنِي مِنْ مَواقِفِ ٱلْخِزْيِ فِي ٱلدُّنْيا وَٱلْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مُوجِباتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ أَسْأَلُكَ ٱلْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَٱلسَّلامَةَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ[1] وَ أَسْأَلُكَ ٱلْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَ ٱلنَّجاةَ مِنَ ٱلنّارِ. ٱللّٰهُمَّ رَضِّنِي بِقَضائِكَ حَتّىٰ لا أُحِبَّ تَعْجِيلَ ما أَخَّرْتَ وَ لا تَأْخِيرَ ما عَجَّلْتَ عَلَيَّ.

ٱللّٰهُمَّ أَعْطِنِي ما أَحْبَبْتَ وَٱجْعَلْهُ خَيْرًا لِي. ٱللّٰهُمَّ ما أَنْسَيْتَنِي فَلا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ ما أَحْبَبْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلا أُحِبُّ مَعْصِيَتَكَ. ٱللّٰهُمَّ ٱمْكُرْ لِي وَ لا تَمْكُرْ عَلَيَّ وَ أَعِنِّي وَ لا تُعِنْ عَلَيَّ وَٱنْصُرْنِي وَ لا تَنْصُرْ عَلَيَّ وَٱهْدِنِي وَ يَسِّرْ لِيَ ٱلْهُدىٰ وَ أَعِنِّي عَلىٰ مَنْ ظَلَمَنِي حَتّىٰ أَبْلُغَ مِنْهُ ثارِي. ٱللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي لَكَ شاكِرًا لَكَ ذاكِرًا لَكَ مُحِبًّا لَكَ راهِبًا وَٱخْتِمْ لِي مِنْكَ بِخَيْرٍ.

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ ٱلْغَيْبَ وَ بِقُدْرَتِكَ عَلَى ٱلْخَلْقِ أَجْمَعِينَ أَنْ تُحْيِيَنِي ما كانَتِ ٱلْحَياةُ خَيْرًا لِي وَ أَنْ تَتَوَفّانِي إِذا كانَتِ ٱلْوَفاةُ خَيْرًا لِي وَ أَسْأَلُكَ خَشْيَتَكَ فِي ٱلسِّرِّ وَ ٱلْعَلانِيَةِ وَ ٱلْعَدْلَ فِي ٱلرِّضا وَ ٱلْغَضَبِ وَ ٱلْقَصْدَ فِي ٱلْغِنىٰ وَ ٱلْفَقْرِ وَ أَنْ تُحَبِّبَ إِلَيَّ لِقائَكَ فِي غَيْرِ ضَرّاءَ مُضِرَّةٍ وَ لا فِتْنَةٍ مُضِلَّةٍ وَٱخْتِمْ لِي بِما خَتَمْتَ بِهِ لِعِبادِكَ ٱلصّالِحِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

تسبیح روز دوشنبه

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ سُبْحانَ ٱلْحَنّانِ ٱلْمَنّانِ ٱلْجَوادِ، سُبْحانَ ٱلْكَرِيمِ

---

۱. در «د»: إثم.

اَلْأَكْرَمِ، سُبْحانَ الْبَصيرِ الْعَليمِ، سُبْحانَ السَّميعِ الْواسِعِ، سُبْحانَ اللّٰهِ عَلىٰ إِقْبالِ اللَّيْلِ وَ إِدْبارِ النَّهارِ، سُبْحانَ اللّٰهِ عَلىٰ إِدْبارِ اللَّيْلِ و إِقْبالِ النَّهارِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ فِي آناءِ اللَّيْلِ وَ آناءِ النَّهارِ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ الْعَظَمَةُ وَ الْكِبْرِياءُ مَعَ كُلِّ نَفَسٍ وَ كُلِّ طَرْفَةٍ وَ كُلِّ لَمْحَةٍ سَبَقَ فِي عِلْمِهِ، سُبْحانَكَ عَدَدَ ذٰلِكَ، سُبْحانَكَ زِنَةَ ذٰلِكَ، سُبْحانَكَ وَ ما أَحْصىٰ كِتابُكَ، سُبْحانَكَ زِنَةَ عَرْشِكَ، سُبْحانَكَ سُبْحانَكَ سُبْحانَ رَبِّنا ذِي الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ، سُبْحانَ رَبِّنا تَسْبيحًا كَما يَنْبَغي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلالِهِ، سُبْحانَ رَبِّنا تَسْبيحًا مُقَدَّسًا مُبارَكًا كَذٰلِكَ تَعالىٰ رَبُّنا، سُبْحانَ الْحَيِّ الْحَليمِ، سُبْحانَ الَّذي كَتَبَ عَلىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ، سُبْحانَ الَّذي خَلَقَ آدَمَ وَ أَخْرَجَنا مِنْ صُلْبِهِ، سُبْحانَ الَّذي يُحْيِي الْأَمْواتَ وَ يُميتُ الْأَحْياءَ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ رَحيمٌ لا يَعْجَلُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ قَريبٌ لا يَغْفُلُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ جَوادٌ لا يَبْخَلُ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ حَليمٌ لا يَجْهَلُ، سُبْحانَ مَنْ جَلَّ ثَناؤُهُ وَ لَهُ الْمِدْحَةُ الْبالِغَةُ فِي جَميعِ ما يُثْنىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَجْدِ، سُبْحانَ اللّٰهِ الْحَكيمِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطّاهِرينَ.

وِرْد روز دوشنبه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذي افْتَخَرَ بِعُلُوِّهِ وَ عَلا بِفَخْرِهِ وَ اعْتَزَّ بِعِزَّتِهِ وَ قَهَرَ عِبادَهُ وَ اكْتَفىٰ فِي مُلْكِهِ وَ أَنارَ فِي الظُّلْمَةِ بِنُورِهِ وَ عَلِمَ السِّرَّ وَ الْعَلانِيَةَ، رَبَّنا لَكَ الْحَمْدُ وَ النَّعْماءُ وَ الْعِزَّةُ وَ الْعَظَمَةُ وَ الْكِبْرِياءُ وَ الْقُدْرَةُ وَ الْمَجْدُ وَ الْغِنىٰ، بَديعُ السَّمٰواتِ وَ الْأَرْضِ ذُوالْبَطْشِ الشَّديدِ وَ الْقُوَّةِ الْمَتينِ الدّائِمُ الْباعِثُ الْوارِثُ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْمُتَفَضِّلُ النّافِعُ الرّافِعُ الرَّؤُوفُ الرَّحيمُ،

أَحاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا رَبُّ ٱلْأَرْبابِ وَ سَيِّدُ ٱلسّاداتِ وَ إِلٰهُ ٱلْاٰلِهَةِ وَ جَبّارُ ٱلْجَبابِرَةِ وَ مالِكُ ٱلْمُلُوكِ. لا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلْخالِقُ ٱلْبارِئُ ٱلْمُصَوِّرُ لَهُ ٱلْأَسْماءُ ٱلْحُسْنىٰ يُسَبِّحُ لَهُ ما فِي ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ فِي ٱلْأَوَّلِينَ وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ فِي ٱلْاٰخِرِينَ وَ اٰتِهِ كَرامَتَهُ وَ تَقَبَّلْ شَفاعَتَهُ فِي أُمَّتِهِ وَ عَظِّمْ بُرْهانَهُ وَ شَرِّفْ بُنْيانَهُ وَ ثَقِّلْ مِيزانَهُ وَ أَوْرِدْنا حَوْضَهُ وَ ٱسْقِنا بِكَأْسِهِ إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُمَّ ٱقْبِضْ عَنِّي أَيْدِيَ ٱلْخَوَنَةِ وَ مَكْرَ ٱلْماكِرِينَ وَ جَوْرَ ٱلْجائِرِينَ فَإِنِّي أَصْبَحْتُ مُحْتَرِزًا بِكَ لاأَمْلِكُ خَيْرَ ما أَرْجُو وَ لا أَسْتَطِيعُ دَفْعَ ما أُحاذِرُ أَصْبَحْتُ مُرْتَهِنًا بِعَمَلِي وَ أَصْبَحَ الْأَمْرُ بِيَدَيْ غَيْرِي. يا فارِجَ ٱلْهُمُومِ وَ يا كاشِفَ ٱلْغُمُومِ وَيا مُجِيبَ دَعْوَةِ ٱلْمُضْطَرِّينَ لا تُعَذِّبْنِي بِكَثْرَةِ ذُنُوبِي وَٱعْفُ عَمّا تَعْلَمُ مِنِّي فَإِنَّكَ تَعْلَمُ مِنِّي ذُنُوبًا كَثِيرَةً، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي وَ إِنْ تَغْفِرْ لِي فأَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَٱخْتِمْ لِي أَجَلِي بِخَيْرٍ وَٱجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي اٰخِرَهُ وَ بارِكْ لِي فِي ٱلْقَضاءِ وَٱرْزُقْنِي ٱلتَّوْبَةَ قَبْلَ ٱلْحَسْرَةِ وَ لاتَذَرْنِي فِي غَفْلَةٍ وَ لاتَأْخُذْنِي عَلىٰ غِرَّةٍ وَ لاتَجْعَلْ عاقِبَةَ أَمْرِي خُسْرًا وَٱرْزُقْنِي قَوْلَ ٱلتَّوّابِينَ وَ أَعْمالَهُمْ وَ تَوْبَةَ ٱلْأَنْبِياءِ وَ صِدْقَهُمْ وَ نَجاةَ ٱلْمُجاهِدِينَ وَ ثَوابَهُمْ وَ شُكْرَ ٱلْمُصْطَفَيْنَ وَ نُصْحَهُمْ وَ عَمَلَ ٱلذّاكِرِينَ وَ يَقِينَهُمْ وَٱرْزُقْنِي مِنْ خَشْيَتِكَ ما يَحْجُزُنِي عَنْ مَعاصِيكَ وَ مِنْ طاعَتِكَ ما يُبَلِّغُنِي مَرْضاتَكَ يا ذَاٱلْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسأَلُكَ بِجَمِيعِ أَسْمائِكَ وَ أَحَبِّها وَ أَجَلِّها إِلَيْكَ وَ بِاسْمِكَ ٱلْعَظِيمِ وَ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ يا ذَاٱلْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ وَ لاتَكِلْنا إِلىٰ أَنْفُسِنا طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ

لاٰتُشْمِتْ بِنٰا عَدُوًّا وَ لاٰ حٰاسِداً أَبَدًا مٰا أَبْقَيْتَنٰا وَ لاٰتَنْزِعْ عَنّٰا صٰالِحَ مٰا أَعْطَيْتَنٰا إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ سَلَّمَ.

عوذهٔ روز دوشنبه

اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَسْتَوَى اَلرَّبُّ عَلَى اَلْعَرْشِ وَ قٰامَتِ اَلسَّمٰوٰاتُ وَ اَلْأَرْضُ بِحُكْمِهِ وَ مُدَّتِ اَلْبُحُورُ بِأَمْرِهِ وَ سُيِّرَتِ اَلْجِبٰالُ بِإِذْنِهِ، اَلَّذِي دٰانَتْ لَهُ اَلْجِبٰالُ وَ هِيَ طٰائِعَةٌ وَ نُصِبَتْ لَهُ اَلْأَجْسٰادُ وَ هِيَ بٰالِيَةٌ. وَ قَدِ اَحْتَجَبْتُ مِنْ ظُلْمِ كُلِّ بٰاغٍ وَ اَحْتَجَبْتُ بِالَّذِي جَعَلَ فِي اَلسَّمٰاءِ بُرُوجًا وَ جَعَلَ فِيهٰا سِرٰاجًا وَ قَمَرًا مُنِيرًا وَ زَيَّنَهٰا لِلنّٰاظِرِينَ وَ حَفِظَهٰا مِنْ كُلِّ شَيْطٰانٍ رَجِيمٍ وَ جَعَلَ فِي اَلْأَرْضِ أَوْتٰادًا أَنْ يُوصَلَ إِلَيَّ أَوْ إِلىٰ أَحَدٍ مِنْ إِخْوٰانِي وَ أَخَوٰاتِي بِسُوءٍ أَوْ بِفٰاحِشَةٍ أَوْ بِكَيْدٍ حٰم حٰم حٰم تَنْزِيلٌ مِنَ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَلطّٰاهِرِينَ.

سه شنبه

رسول الله ﷺ گفت: هر که شب سه شنبه دو رکعت نماز کند، در هر رکعتی الحمد یکبار خواند و آية الكرسي و قل هو الله أحد و شهد الله هر یکی یکبار، هر چه از خدای تعالی خواهد بدهد.

و گفت ﷺ : هر که شب سه شنبه چهار رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد خواند و قل یاأیّها الکافرون چهار بار و قل هو الله احد ده بار و چون سلام دهد هفت بار بگوید:

يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ يٰا ذَااَلْجَلاٰلِ وَاَلْإِكْرٰامِ يٰا وَهّٰابُ يٰا تَوّٰابُ

منادی در زیر عرش ندا دهد که ای بندهٔ خدای، عمل از سر گیر که هر گناه که

کردی بیامرزیدند.

و گفت ﷺ: هر که روز سه شنبه، پس از نیم روز، بیست رکعت نماز کند در هر رکعتی الحمد خواند یکبار و آیة الکرسي و قل هو الله احد سه بار، تا هفتاد روز هیچ گناه ننویسند بر وی.

و گفت ﷺ: هر که درین روز دو رکعت نماز کند، در هر رکعتی یکبار الحمد خواند و التین والزیتون و قل هو الله أحد و هر دو قل أعُوذُ هر یکی یکبار، خدای تعالی به هر قطره آب که از آسمان ببارد وی را درجه‌ای بنویسد وبه هر دیو و پری وی را شهری از زر بنا کند و ثواب آدم و موسی و هٰرون و ایوب علیهم السلام بدهد وی را و هشت درِ بهشت از برای وی بگشایند تا از هرکدام در که خواهد در آید.

دعای روز سه شنبه

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اَللّٰهِ اَلْجَدِيدِ وَ بِكُمٰا مِنْ كٰاتِبَيْنِ وَ شٰاهِدَيْنِ اَكْتُبٰا بِسْمِ اَللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَأَنَّ اَلدِّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ أَنَّ اَلْكِتٰابَ كَمٰا أَنْزَلَ وَ اَلْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ.

حَيَّا اَللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلاٰمِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ عَلٰى اٰلِهِ.

أَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ أَسْأَلُكَ اَلْعَفْوَ وَ اَلْعٰافِيَةَ فِي دِينِي وَ دُنْيٰايَ وَ اٰخِرَتِي وَ أَهْلِي وَ مٰالِي وَ وَلَدِي. اَللّٰهُمَّ اَسْتُرْ عَوْرٰاتِي وَ أَجِبْ دَعَوٰاتِي وَ اَحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمٰالِي. اَللّٰهُمَّ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا اَلَّذِي يَضَعُنِي وَ إِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَااَلَّذِي يَرْفَعُنِي. اَللّٰهُمَّ لاٰتَجْعَلْنِي لِلْبَلاٰءِ غَرَضًا وَ لاٰ لِلْفِتْنَةِ نَصْبًا وَ لاٰتُتْبِعْنِي بِبَلاٰءٍ عَلٰى أَثَرِ بَلاٰءٍ، فَقَدْ تَرٰى ضَعْفِي وَ تَضَرُّعِي، أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ غَضَبِكَ فَأَعِذْنِي وَ أَسْتَجِيرُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ عَذٰابِكَ

فَأَجِرْنِي وَ أَسْتَنْصِرُكَ عَلىٰ عَدُوِّي فَانْصُرْنِي وَ أَسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِنِّي وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فَاكْفِنِي وَ أَسْتَهْدِيكَ فَاهْدِنِي وَ أَسْتَعْصِمُكَ فَاعْصِمْنِي وَ أَسْتَغْفِرُكَ فَاغْفِرْ لِي وَ أَسْتَرْحِمُكَ فَارْحَمْنِي وَ أَسْتَرْزِقُكَ فَارْزُقْنِي. سُبْحانَكَ رَبَّنا مَنْ ذا يَعْلَمُ ما أَنْتَ فَلا يَخافُكَ وَ مَنْ يَعْرِفُ قُدْرَتَكَ فَلا يَهابُكَ. سُبْحانَكَ رَبَّنا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيماناً دائِماً وَ قَلْباً خاشِعاً وَ عِلْماً نافِعاً وَ يَقِيناً صادِقاً وَ أَسْأَلُكَ دِيناً قَيِّماً وَ أَسْأَلُكَ رِزْقاً واسِعاً.

اَللّٰهُمَّ لا تَقْطَعْ رَجاءَنا وَ لا تُخَيِّبْ دُعاءَنا وَ لا تَجْهَدْ بَلاءَنا وَأَسْأَلُكَ اَلْعَفْوَ وَ اَلْعافِيَةَ وَ اَلشُّكْرَ عَلَى اَلْعافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ اَلْغِنىٰ عَنِ اَلنّاسِ أَجْمَعِينَ. يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ وَ يا مُنْتَهىٰ هِمَّةِ اَلرّاغِبِينَ وَ اَلْمُفَرِّجَ عَنِ اَلْمَهْمُومِينَ[1] وَ يا مَنْ إِذا أَرادَ شَيْئاً فَحَسْبُهُ أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ كُلَّ شَيْءٍ لَكَ وَ كُلَّ شَيْءٍ بِيَدِكَ وَ كُلَّ شَيْءٍ إِلَيْكَ يَصِيرُ وَ أَنْتَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ لا مانِعَ لِما أَعْطَيْتَ وَ لا مُعْطِيَ لِما مَنَعْتَ وَ لا مُيَسِّرَ لِما عَسَّرْتَ وَ لا مُعَسِّرَ لِما يَسَّرْتَ وَ لا مُعَقِّبَ لِما حَكَمْتَ وَ لا يَنْفَعُ ذَا اَلْجَدِّ مِنْكَ اَلْجَدُّ وَ لا قُوَّةَ إِلاّ بِكَ. ما شِئْتَ كانَ وَ ما لَمْ تَشَأْ لَمْ يَكُنْ.

اَللّٰهُمَّ فَما قَصُرَ عَنْهُ عِلْمِي وَ رَأْيِي وَ لَمْ تَبْلُغْهُ مَسْأَلَتِي مِنْ خَيْرٍ وَعَدْتَهُ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ وَ خَيْرٍ أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَداً مِنْ خَلْقِكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فِيهِ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

تسبیح روز سه شنبه

بِسمِ اَللّٰهِ اَلرَّحمنِ اَلرَّحِيمِ «سُبْحانَ مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دانٍ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ فِي

---

۱. در «د» : المَكْرُوبِين

دُنُوِّهِ عالٍ» سُبْحانَ مَنْ هُوَ فِي إِشْراقِهِ مُنِيرٌ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ فِي سُلْطانِهِ قَوِيٌّ، سُبْحانَ ٱلْحَلِيمِ ٱلْجَمِيلِ، سُبْحانَ ٱلْغَنِيِّ ٱلْحَمِيدِ، سُبْحانَ ٱللّٰهِ ٱلْواسِعِ ٱلْعَلِيِّ، سُبْحانَ ٱللّٰهِ وَتَعالٰى، سُبْحانَ مَنْ يَكْشِفُ ٱلضُّرَّ وَ هُوَ ٱلدّائِمُ ٱلصَّمَدُ ٱلْفَرْدُ ٱلْقَدِيمُ، سُبْحانَ ٱلْحَيِّ ٱلرَّفِيعِ، سُبْحانَ ٱلْحَيِّ ٱلْقَيُّومِ، سُبْحانَ ٱلدّائِمِ ٱلْباقِي ٱلَّذِي لايَزُولُ، سُبْحانَ ٱلَّذِي لاتَنْقُصُ خَزائِنُهُ، سُبْحانَ الَّذِي لايَنْفَدُ ما عِنْدَهُ، سُبْحانَ مَنْ لاتَبِيدُ مَعالِمُه، «سُبْحانَ مَنْ لايَنْسىٰ مَنْ ذَكَرَهُ،» سُبْحانَ مَنْ لايُشاوِرُ فِي أَمْرِهِ أَحَدًا، سُبْحانَ مَنْ لا إِلٰهَ غَيْرُهُ، سُبْحانَ ٱللّٰهِ ٱلْعَظِيمِ، سُبْحانَ ٱللّٰهِ وَ بِحَمْدِهِ، سُبْحانَ ذِي ٱلْعِزِّ ٱلشّامِخِ ٱلْمُبِينِ، سُبْحانَ ذِيٱلْجَلالِ ٱلْباذِخِ ٱلْعَظِيمِ، سُبْحانَ ذِي ٱلْمُلْكِ ٱلْفاخِرِ ٱلْقَدِيمِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دانٍ وَ فِي دُنُوِّهِ عالٍ وَ فِي إِشْراقِهِ مُنِيرٌ وَ فِي سُلْطانِهِ قَوِيٌّ وَ فِي مُلْكِهِ دائِمٌ وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرِينَ.[1]

ورد روز سه شنبه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعالَمِينَ حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا مُبارَكًا كَما يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلالِهِ الَّذِي لايَصِفُهُ ٱلْأَلْسُنُ وَ لاتَهْتَدِي ٱلْقُلُوبُ لِكُنْهِ عَظَمَتِهِ وَ لايَبْلُغُ ٱلْأَوْهامُ شُكْرَهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلْخَلْقَ بِعِلْمِهِ وَ قَدَّرَ ٱلْأُمُورَ بِقُدْرَتِهِ وَٱسْتَعْبَدَ ٱلْأَرْبابَ بِعِزَّتِهِ وَ سادَ ٱلْعُظَماءَ بِجُودِهِ وَ عَلاَ ٱلسّادَةَ بِمَجْدِهِ وَٱصْطَفَى ٱلْكِبْرِياءَ وَٱلنُّورَ وَ ٱلْجَلالَ وَ ٱلضِّياءَ وَ ٱلْمَجْدَ وَ ٱلْعُلُوَّ وَ ٱلْكَرَمَ لِنَفْسِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي خَضَعَتِ ٱلْأَلْسُنُ لِمَجْدِهِ وَ خَشَعَتِ ٱلْأَصْواتُ لِهَيْبَتِهِ وَ عَنَتِ ٱلْوُجُوهُ لِجَلالَتِهِ وَ وَجِلَتِ ٱلْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۴۸۷ ـ ۴۸۸

يَعْلَمُ وَهْمَ ٱلْأَنْفُسِ وَ وَسْواسَ ٱلصُّدُورِ وَ نِيّاتِ ٱلْقُلُوبِ وَ خائِنَةَ ٱلْأَعْيُنِ وَ ما تُخْفِي ٱلصُّدُورُ. ٱللّٰهُمَّ إِنَّكَ أَذِنْتَ لِي فِي ٱلدُّعاءِ وَ وَعَدْتَنِي ٱلْإِجابَةَ فَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ كَرْبٍ، أَنْتَ غِياثُ كُلِّ مَكْرُوبٍ ٱكْشِفْ عَنِّي ٱلضُّرَّ وَ فَرِّجْ عَنِّي ٱلْحُزْنَ فَقَدْ وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱجْزِ عَنِّي وٰالِدَيَّ بِما كانَ مِنْ رَحْمَتِهِما إِيّايَ وَ حِرْصِهِما عَلىٰ هُدايَ وَ جازِهِما أَفْضَلَ ما جَزَيْتَ وٰالِدَيْنِ عَنْ وَلَدِهِما وَ ٱجْزِهِما بِالْإِحْسانِ إِحْسانًا وَ بِالسَّيِّئاتِ غُفْرانًا.

ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَ ٱغْفِرْ حَوْبَتِي وَ ٱسْتُرْ عَوْرَتِي وَ ٱجْبُرْ فاقَتِي وَ بارِكْ لِي فِيما اٰتَيْتَنِي وَ ٱجْعَلِ ٱلْأَنْبِياءَ شُفَعائِي. ٱللّٰهُمَّ لَقِّنِي فِي قَبْرِي ثَباتَ ٱلْمَنْطِقِ وَ قُرَّةَ ٱلْعَيْنِ وَ ٱلسَّعَةَ وَ ٱلرَّحْمَةَ فِي ٱلْمَوْتِ وَ فِيما بَعْدُ.

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِكَ وَ مَلائِكَتَكَ وَ رُسُلَكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ ٱللّٰهُ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ. ٱللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ أَوَّلَ يَوْمِي هٰذا صَلاحًا وَ أَوْسَطَهُ نَجاحًا وَ اٰخِرَهُ فَلاحًا. ٱللّٰهُمَّ لا تَذَرْنِي فِي غَفْلَةٍ وَ لا تَأْخُذْنِي عَلىٰ غِرَّةٍ وَ لا تَجْعَلْنِي مِنَ ٱلْغافِلِينَ وَ لا تَكِلْنِي إِلىٰ نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱجْعَلْ خَيْرَ عُمْرِي اٰخِرَهُ وَ ٱخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَ ٱجْعَلْ خَيْرَ أَيّامِي يَوْمَ أَلْقاكَ يا أَرْحَمَ ٱلرّاحِمِينَ.

عوذهٔ روز سه‌شنبه

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّيَ ٱلْكَرِيمِ ٱلْأَكْبَرِ مِمّا يَخْفىٰ وَ يَظْهَرُ مِنْ شَرِّ كُلِّ أُنْثىٰ وَ ذَكَرٍ وَ مِنْ شَرِّ ما رَأَتِ ٱلشَّمْسُ وَ ٱلْقَمَرُ قُدُّوسٌ

قُدُّوسٌ رَبُّ ٱلْمَلاٰئِكَةِ وَ ٱلرُّوحِ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا ٱلْجِنُّ إِنْ كُنْتُمْ سٰامِعِينَ مُطِيعِينَ وَ أَدْعُوكُمْ أَيُّهَا ٱلْإِنْسُ وَ ٱلْجِنُّ بِالَّذِي دٰانَتْ لَهُ ٱلْخَلاٰئِقُ أَجْمَعُونَ خَتَمْتُ بِعِزَّةِ ٱللّٰهِ رَبِّ ٱلْعٰالَمِينَ وَ بِجِبْرَئِيلَ وَ مِيكٰائِيلَ وَ إِسْرٰافِيلَ وَ خٰاتَمِ سُلَيْمٰانَ بْنِ دٰاوُدَ وَ خٰاتَمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.

چهارشنبه

رسول ﷺ گفت: هر که شب چهارشنبه دو رکعت نماز کند، در هر رکعتی الحمد خواند و آية الكرسي و قل هو الله و إنّا أنزلناه، هر یکی یکبار، خدای تعالی بیامرزد هر گناهی که وی کرده باشد.

و گفت ﷺ: هر که درین شب شش رکعت نماز کند، در هر رکعتی الحمد خواند و قُلِ ٱللّٰهُمَّ مٰالِكَ ٱلْمُلْكِ تا بغير حساب،[1] چون فارغ شود هفت بار بگوید:

جَزَى ٱللّٰهُ مُحَمَّدًا صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ عنّا مٰا هُوَ أَهْلُهُ

خدای تعالی گناه شصت سالهٔ وی بیامرزد و ثواب شصت صدّیق بدهد وی را و برائتی از آتش بنویسد وی را.

و گفت ﷺ: هر که روز چهارشنبه دوازده رکعت نماز کند، در هر رکعتی پس از الحمد، قل هو الله احد و هر دو قل أعُوذُ هر یکی سه بار بخواند، منادی از زیر عرش ندا کند که ای بندهٔ من کار از سر گیر که هر چه کرده‌ای خدای تعالی بیامرزید.

و گفت ﷺ: هر که درین روز دو رکعت نماز کند، در هر رکعتی پس از الحمد، اذا زلزلت یکبار و قل هو الله سه بار بخواند، خدای تعالی از وی بردارد تاریکی گور و تاریکی روز قیامت و وی را هزار نور بدهد و عبادت هزار ساله بنویسد و به هر آیتی شهری بدهد وی را و رویش سفید گرداند و کتابش بدست راست دهد.

---

۱. آل عمران: ۲۶، ۲۷

دعای روز چهارشنبه

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اللّٰهِ الْجَدِيدِ وَ بِكُمٰا مِنْ كٰاتِبَيْنِ وَ شٰاهِدَيْنِ اُكْتُبٰا بِسْمِ اللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ الْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَ أَنَّ الدِّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ أَنَّ الْكِتٰابَ كَمٰا أَنْزَلَ وَ الْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ أَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ.

حَيَّا اللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلاٰمِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ عَلٰى اٰلِهِ.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَفْضَلِ عِبٰادِكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ نُورٍ تَهْتَدِي بِهِ أَوْ رِزْقٍ تَبْسُطُهُ أَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ أَوْ بَلاٰءٍ تَصْرِفُهُ أَوْ شَرٍّ تَدْفَعُهُ أَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهٰا أَوْ مُصِيبَةٍ تَصْرِفُهٰا. اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي مٰا قَدْ سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَ اعْصِمْنِي فِيمٰا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَ ارْزُقْنِي عَمَلاً تَرْضٰى بِهِ عَنِّي. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِكَ أَوِ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْاٰنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَ شِفٰاءَ صَدْرِي وَ نُورَ بَصَرِي وَ ذَهٰابَ حُزْنِي وَ هَمِّي فَإِنَّهُ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِكَ. اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْأَرْوٰاحِ الْفٰانِيَةِ وَ رَبَّ الْأَجْسٰادِ الْبٰالِيَةِ أَسْأَلُكَ بِطٰاعَةِ الْأَرْوٰاحِ الْبٰالِغَةِ إِلٰى عُرُوقِهٰا[1] وَ بِطٰاعَةِ الْقُبُورِ الْمُنْشَقَّةِ عَنْ أَهْلِهٰا وَ بِدَعْوَتِكَ الصّٰادِقَةِ وَ أَخْذِكَ الْحَقَّ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْخَلاٰئِقِ فَلاٰيَنْطِقُونَ مِنْ مَخٰافَتِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَكَ وَ يَخٰافُونَ عَذٰابَكَ. أَسْأَلُكَ النُّورَ فِي بَصَرِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلاٰصَ فِي عَمَلِي وَ ذِكْرَكَ عَلٰى لِسٰانِي أَبَدًا مٰا أَبْقَيْتَنِي. اَللّٰهُمَّ مٰا فَتَحْتَ لِي مِنْ بٰابِ طٰاعَةٍ فَلاٰتُغْلِقْهُ عَنِّي أَبَدًا وَ مٰا

---

۱. در «م»: عروجها.

أَغْلَقْتَ عَنِّي مِنْ بابِ مَعْصِيَةٍ فَلاتَفْتَحْهُ عَلَيَّ أَبَدًا.
اَللّٰهُمَّ ٱرْزُقْنِي حَلاوَةَ ٱلْإِيمانِ وَ طَعْمَ ٱلْمَغْفِرَةِ وَ لَذَّةَ ٱلْإِسْلامِ وَ بَرْدَ ٱلْعَيْشِ بَعْدَ ٱلْمَوْتِ إِنَّهُ لايَمْلِكُ ذٰلِكَ غَيْرُكَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَذِلَّ أَوْ أُذَلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَو أَجْهَلَ أَو يُجْهَلَ عَلَيَّ أَوْ أَجُورَ أَوْ يُجارَ عَلَيَّ أَخْرِجْنِي مِنَ ٱلدُّنْيا مَغْفُورًا لِي ذَنْبِي مَقْبُولاً عَمَلِي وَ أَعْطِنِي كِتابِي بِيَمِينِي وَٱحْشُرْنِي فِي زُمْرَةِ نَبِيِّي مُحَمَّدٍ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

تسبيح روز چهارشنبه

سُبْحانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ ٱلْأَنْعامُ بِأَصْواتِها يَقُولُونَ سُبُّوحًا قُدُّوسًا، سُبْحانَ ٱلْمَلِكِ ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ، سُبْحانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ ٱلْبِحارُ بِأَمْواجِها، سُبْحانَ رَبِّنا وَ بِحَمْدِهِ، سُبْحانَ مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ مَلائِكَةُ ٱلسَّمٰواتِ بِأَصْواتِها، سُبْحانَ ٱللّٰهِ ٱلْمَحْمُودِ فِي كُلِّ مَقالِهِ، سُبْحانَ ٱلَّذِي يُسَبِّحُ لَهُ ٱلْكُرْسِيُّ وَ ما حَوْلَهُ وَ ما تَحْتَهُ، سُبْحانَ ٱلْمَلِكِ ٱلْجَبّارِ ٱلَّذِي وَسِعَ[1] كُرْسِيُّهُ ٱلسَّمٰواتِ ٱلسَّبْعَ وَ ٱلْأَرَضِينَ ٱلسَّبْعَ، سُبْحانَ ٱللّٰهِ بِعَدَدِ ما سَبَّحَهُ ٱلْمُسَبِّحُونَ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ بِعَدَدِ ما حَمِدَهُ ٱلْحامِدُونَ وَ لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ بِعَدَدِ ما هَلَّلَهُ ٱلْمُهَلِّلُونَ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ بِعَدَدِ ما كَبَّرَهُ ٱلْمُكَبِّرُونَ وَ أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ بِعَدَدِ ما ٱسْتَغْفَرَهُ ٱلْمُسْتَغْفِرُونَ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ «وَ بِعَدَدِ ما مَجَّدَهُ ٱلْمُمَجِّدُونَ» وَ بِعَدَدِ ما قالَهُ ٱلْقائِلُونَ وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ ما صَلَّى عَلَيْهِ ٱلْمُصَلُّونَ.
سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ تُسَبِّحُ لَكَ ٱلدَّوابُّ فِي مَراعِيها وَ ٱلْوُحُوشُ فِي

---

۱. در «د» : ملاء.

مَظانِّها وَ اَلسِّباعُ فِي فَلَواتِها وَ اَلطَّيْرُ فِي وُكُورِها. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ تُسَبِّحُ لَكَ اَلْبِحارُ بِأَمْواجِها وَ اَلْحِيتانُ فِي مِياهِها وَ اَلْمِياهُ عَلىٰ مَجارِيها وَ اَلْهَوامُّ فِي أَماكِنِها.

سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ اَلْجَوادُ اَلَّذِي لا يَبْخَلُ، اَلْغَنِيُّ اَلَّذِي لا يَعْدَمُ، اَلْجَدِيدُ اَلَّذِي لا يَبْلىٰ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلْباقِي اَلَّذِي تَسَرْبَلَ بِالْبَقاءِ اَلدّائِمِ اَلَّذِي لا يَفْنىٰ، اَلْعَزِيزُ اَلَّذِي لا يَذِلُّ، اَلْمَلِكُ اَلَّذِي لا يَزُولُ. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ اَلْقائِمُ اَلَّذِي لا يَعْيىٰ، اَلدّائِمُ اَلَّذِي لا يَبِيدُ، اَلْعَلِيمُ اَلَّذِي لا يَرْتابُ، اَلْبَصِيرُ اَلَّذِي لا يَضِلُّ، اَلْحَلِيمُ اَلَّذِي لا يَجْهَلُ، سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ اَلْحَكِيمُ اَلَّذِي لا يَحِيفُ، اَلرَّقِيبُ اَلَّذِي لا يَسْهُو، اَلْمُحِيطُ اَلَّذِي لا يَلْهُو، اَلشّاهِدُ اَلَّذِي لا يَغِيبُ. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّ أَنْتَ اَلْقَوِيُّ اَلَّذِي لا يُرامُ، اَلْعَزِيزُ اَلَّذِي لا يُضامُ، اَلسُّلْطانُ اَلَّذِي لا يُغْلَبُ، اَلْمُدْرِكُ اَلَّذِي لا يُدْرَكُ، اَلطّالِبُ اَلَّذِي لا يَعْجِزُ[1].

ورد روز چهارشنبه

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي اَصْطَنَعَ عِنْدَنا أَنْ نَحْمَدَهُ وَ نَشْكُرَهُ وَ أَنْ نَعْبُدَهُ حَمْداً كَثِيراً دائِماً دائِباً واصِلاً مُتَتابِعاً نامِياً صاعِداً لا يَنْقَطِعُ أَوَّلُهُ وَ لا يَفْنىٰ آخِرُهُ وَ لا يُبِيدُهُ شَيْءٌ وَ لا يَنْقَطِعُ مِنْهُ شَيْءٌ حَمْداً كَثِيراً كَما هُوَ أَهْلُهُ. اَللّٰهُمَّ اَسْتُرْنِي فِي اَلْعَوْراتِ وَ اَصْرِفْ عَنِّي اَلْمَكْرُوهاتِ وَ فَرِّجْ عَنِّي اَلْكُرُباتِ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بارِكْ لِي فِي اَلْمَوْتِ إِذا جاءَ وَ اَجْعَلِ اَلْمَوْتَ خَيْرَ غائِبٍ نَنْتَظِرُهُ وَ اَجْعَلْ ما بَعْدَ اَلْمَوْتِ خَيْراً مِمّا قَبْلَهُ.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۴۷۸ ـ ۴۷۹

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَجْعَلْنا فائِزينَ بِالْجَنَّةِ مُعافَينَ مِنَ اَلنّارِ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمينَ.

اَللّٰهُمَّ اَسْتَجِبْ دُعائِي وَ أَعْطِنِي سُؤْلِي وَ اَرْحَمْ تَضَرُّعِي وَ اَقْبَلْ شَكْواي وَ اَرْزُقْنِي اَلَّذِي رَغِبْتُ فِيهِ مِنَ اَلْجَنَّةِ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي هٰذِهِ اَلْغَداةِ مِنْ عُتَقائِكَ وَ طُلَقائِكَ وَ مُحَرَّرِيكَ مِنَ اَلنّارِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ يا قُدُّوسُ يا قُدُّوسُ، يا أَوَّلَ اَلْأَوَّلِينَ وَ يا اٰخِرَ اَلْاٰخِرِينَ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ اَغْفِرْ لِيَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تُغَيِّرُ اَلنِّعَمَ واغْفِرْ لِيَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تُنْزِلُ اَلنِّقَمَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تَحْبِسُ اَلْقِسَمَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تُورِثُ اَلنَّدَمَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تَهْتِكُ اَلْعِصَمَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تُنْزِلُ اَلْبَلاءَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تُعَجِّلُ اَلْفَناءَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تَمْنَعُ اَلدُّعاءَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تَقْطَعُ اَلرَّجاءَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تَمْنَعُ غَيْثَ اَلسَّماءِ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تُظْلِمُ اَلْهَواءَ وَ اَلذُّنُوبَ اَلَّتِي تَكْشِفُ اَلغِطاءَ.

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي جَلَّلَنا[1] عافِيَتَهُ وَ جاءَ بِالشَّمْسِ مِنْ مَطْلَعِها اَلْمَشْرِقِ وَ لَمْ يُطْلِعْها مِنَ اَلْمَغْرِبِ وَ لَمْ نَسْجُدْ لَها وَ اَلشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَها ذٰلِكَ تَقْدِيرُ اَلْعَزِيزِ العَلِيمِ.

عوذهٔ روز چهارشنبه

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي بِاللّٰهِ اَلْأَكْبَرِ اَلْأَكْبَرِ رَبِّ اَلسَّمٰواتِ اَلْقائِماتِ بِلاعَمَدٍ وَ بِاللّٰهِ خالِقِها فِي يَوْمَيْنِ وَ قَدَّرَ فِيها أَقْواتَها وَ جَعَلَ فِيها جِبالاً وَ أَوْتادًا وَ فِجاجًا سُبُلاً وَ أَنْشَأَ اَلسَّحابَ وَ أَجْرَى اَلْفُلْكَ

---

۱. در «د» : جعلنا.

وَ سَخَّرَ ٱلْبَحْرَيْنِ وَ جَعَلَ فِي ٱلْأَرْضِ رَوٰاسِيَ وَ أَنْهٰارًا وَ فِي أَرْبَعَةِ أَيّٰامٍ سَوٰاءً لِلسّٰائِلِينَ مِنْ شَرِّ مٰا يَكُونُ فِي ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهٰارِ وَ تُعْقَدُ عَلَيْهِ ٱلْقُلُوبُ «وَ تَرٰاهُ ٱلْعُيُونُ» وَ مِنْ شَرِّ ٱلْجِنِّ وَ ٱلْإِنْسِ كَفٰانَا ٱللّٰهُ كَفٰانَا ٱللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ ٱللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ ٱللّٰهِ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ.

پنجشنبه

رسول ﷺ گفت: هر که شب پنجشنبه میان نماز شام و خفتن دو رکعت نماز کند، در هر رکعتی یکبار الحمد بخواند و آیة الکرسي پنج بار و قل یا أیّها الکافرون و قل هو الله أحد و هر دو قل أعُوذُ هر یکی پنج بار، چون فارغ شود پانزده بار[1] آمرزش خواهد از خدای تعالی و ثواب آن به پدر و مادر خود دهد، وی حق ایشان گزارده بود.

وگفت ﷺ : هر که شب پنجشنبه شش رکعت نماز کند، در هر رکعتی یکبار الحمد خواند و آیة الکرسي و قل یا أیّها الکافرون هر یکی یکبار و قل هو الله أحد سه بار، و چون فارغ شود آیة ٱلکرسي سه بار بخواند، اگر وی را نزدیک خدایْ، بدبخت نوشته باشند، خدای تعالی فرشته بفرستد تا بدبختی وی را محو کند و به جای آن نیکبختی بنویسد و این قول کسی است که همیشه بوده است و همیشه باشد يَمْحُو ٱللّٰهُ مٰا يَشٰاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ ٱلْكِتٰابِ.

وگفت ﷺ : هر که روز پنجشنبه میان نماز پیشین و دیگر، دو رکعت نماز کند، در اول رکعت پس از الحمد، آیة الکرسي صد بار بخواند و در دوم قل هو الله أحد صد بار، چون فارغ شود از خدای تعالی آمرزش خواهد صد بار، بر پیغمبر درود فرستد صد بار و از جای برنخیزد تا که خدای تعالی وی را بیامرزد البته. و مستحب است که روز پنجشنبه در نماز صبح سورة هل أتی علی الإنسان بخواند و هم چنین در روز

---

۱. در «د» : یازده بار

دوشنبه.

و گفت ﷺ: هر که درین روز دو رکعت نماز کند، در هر رکعتی پس از الحمد، اذا جاء نصر الله خواند پنج بار و انا أعطيناك پنج بار، و هم درین روز پس از نماز دیگر قل هو الله بخواند چهل بار، خدای تعالیٰ وی را روز قیامت مثل آنچه در بهشت و دوزخ است بدهد و شهری در بهشت بدهد وی را و هشتاد زن سیاه چشم فراخ چشم بدهد وی را، و به عدد هر فرشته عبادت یکساله بنویسد وی را و ثواب هزار شهید بدهد وی را به هر آیتی. و مستحب بود روزه داشتن روز پنجشنبه در اول و در آخر ماه و روز چهارشنبه در دههٔ میانی.

و مستحبّ بود در روز پنجشنبه سورة المائدة خواندن و زیارت شهدا و گور مؤمنان و هزار بار بر رسول ﷺ درود فرستادن و إنّا أنزلناه هزار بار خواندن. و مستحب بود که بگوید این درود را:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ أَهْلِكْ عَدُوَّهُمْ مِنَ اَلْجِنِّ وَاَلْإِنْسِ مِنَ اَلْأَوَّلِينَ وَاَلْآخِرِينَ.

« و مستحبّ بود که هر که را حاجتی به خدای تعالی باشد باید که طلب کند آن را در بامداد پنجشنبه به درستی که پیغمبر ﷺ فرمود:

اَللّٰهُمَّ بٰارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهٰا

یعنی بار خدایا برکت بر امت من ده در صبح پنجشنبه. و چون توجه کند به حاجت خود فاتحه بخواند و هر دو قل أعوذ و سورهٔ اخلاص و سورهٔ قدر و آیةالكرسي و پنج آیت در آخر آیةالكرسي و آن این است: **إِنَّ فِي خَلْقِ اَلسَّمٰوٰاتِ وَ اَلْأَرْضِ** تا **لاٰتُخْلِفُ الْمِيعٰادَ**.[1] پس بگوید:

مَوْلاٰيَ اَنْقَطَعَ اَلرَّجٰاءُ إِلاّٰ مِنْكَ وَ خٰابَتِ اَلْآمٰالُ إِلاّٰ فِيكَ أَسْأَلُكَ إِلٰهِي بِحَقِّ

---

۱. آل عمران: ۱۹۰ ـ ۱۹۴

مَنْ حَقُّه واجِبٌ عَلَيْكَ مِمَّنْ جَعَلْتَ لَهُ اَلْحَقَّ عِنْدَكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقْضِيَ حاجَتِي.

و مستحبّ بود طلب علم در روز پنجشنبه و در روز دوشنبه.

و مستحبّ بود که آخر روز پنجشنبه بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اَللّٰهَ اَلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ اَلْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ تَوْبَةَ عَبْدٍ ذَلِيلٍ خاضِعٍ مِسْكِينٍ مُسْتَكِينٍ لاٰيَسْتَطِيعُ لِنَفْسِهِ صَرْفًا وَ لاٰ عَدْلاً وَ لاٰ نَفْعًا وَ لاٰ ضَرًّا وَ لاٰ حَياةً وَ لاٰ مَوْتًا وَ لاٰ نُشُورًا وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ اَلطَّيِّبِينَ اَلطّاهِرِينَ اَلْأَخْيارِ اَلْأَبْرارِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً.

و مستحب بود در آخر روز پنجشنبه خواندن این دعا که مروی است از امام موسی کاظم علیه‌السلام :

اَللّٰهُمَّ ياخالِقَ نُورِ اَلنَّبِيِّينَ وَ مُودِعَ نُورِ اَلصُّوَرِ لِلْعالَمِينَ وَ دَيّانَ حَقائِقِ يَوْمِ الدِّينِ وَ اَلْمالِكَ لِحُكْمِ اَلْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ اَلْمُسَبِّحِينَ وَ اَلْعالِمَ بِكُلِّ تَكْوِينٍ، أَشْهَدُ بِعِزَّتِكَ فِي اَلْأَرْضِ وَ اَلسَّماءِ وَ حِجابِكَ اَلْمَنِيعِ عَلىٰ أَهْلِ اَلطُّغْيانِ، يا خالِقَ رُوحِي وَ مُقَدِّرَ قُوتِي وَ اَلْعالِمَ بِسِرِّي وَ جَهْرِي لَكَ سُجُودِي وَ عُبُودِي وَ لِعَدُوِّكَ عُنُودِي يا مَعْبُودِي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ وَحْدَكَ لاٰشَرِيكَ لَكَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ وَ إِلَيْكَ أُنِيبُ وَ أَنْتَ حَسْبِي وَ نِعْمَ اَلْوَكِيلُ.

دعای روز پنجشنبه

مَرْحَبًا بِخَلْقِ اَللّٰهِ اَلْجَدِيدِ وَ بِكُما مِنْ كاتِبَيْنِ وَ شاهِدَيْنِ اُكْتُبا بِسْمِ اَللّٰهِ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰشَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

وَ رَسُولُهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَلْإِسْلاٰمَ كَمٰا وَصَفَ وَ أَنَّ اَلدِّينَ كَمٰا شَرَعَ وَ أَنَّ اَلْكِتٰابَ كَمٰا أَنْزَلَ وَ اَلْقَوْلَ كَمٰا حَدَّثَ وَ أَنَّ اَللّٰهَ هُوَ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ. حَيَّا اَللّٰهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ بِالسَّلاٰمِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ وَ عَلىٰ آلِهِ.

أَصْبَحْتُ أَعُوذُ بِوَجْهِ اَللّٰهِ اَلْكَرِيمِ وَ اِسْمِ اَللّٰهِ اَلْعَظِيمِ وَ كَلِمَتِهِ اَلتّٰامَّةِ مِنْ شَرِّ اَلسّٰامَّةِ وَ اَلْهٰامَّةِ وَ اَلْعَيْنِ اَللاّٰمَّةِ وَ مِنْ شَرِّ مٰا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دٰابَّةٍ رَبِّي أَنْتَ آخِذٌ بِنٰاصِيَتِهٰا إِنَّ رَبِّي عَلىٰ صِرٰاطٍ مُسْتَقِيمٍ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ فَأَعِذْنِي وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ فِي جَمِيعِ أُمُورِي فَاحْفَظْنِي مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ لاٰ تَكِلْنِي فِي حَوٰائِجِي إِلىٰ عَبْدٍ مِنْ عِبٰادِكَ فَيَخْذُلَنِي أَنْتَ مَوْلاٰيَ وَ سَيِّدِي فَلاٰ تُخَيِّبْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ زَوٰالِ نِعْمَتِكَ وَ حُلُولِ نِقْمَتِكَ وَ تَحْوِيلِ عٰافِيَتِكَ اِسْتَعَنْتُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِ خَلْقِهِ وَ قُوَّتِهِمْ وَ أَعُوذُ بِرَبِّ اَلْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مٰا خَلَقَ حَسْبِيَ اَللّٰهُ وَ نِعْمَ اَلْوَكِيلُ. اَللّٰهُمَّ أَعِزَّنِي بِطٰاعَتِكَ وَ أَذِلَّ أَعْدٰائِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ اقْصِمْهُمْ يٰا قٰاصِمَ كُلِّ جَبّٰارٍ عَنِيدٍ. يٰا مَنْ لاٰ يَخِيبُ مَنْ دَعٰاهُ وَ يٰا مَنْ إِذٰا تَوَكَّلَ اَلْعَبْدُ عَلَيْهِ كَفٰاهُ اِكْفِنِي كُلَّ مُهِمٍّ مِنْ أَمْرِ اَلدُّنْيٰا وَ اَلْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عَمَلَ اَلْخٰائِفِينَ وَ خَوْفَ اَلْعٰامِلِينَ وَ خُشُوعَ اَلْعٰابِدِينَ وَ عِبٰادَةَ اَلْمُتَّقِينَ وَ إِخْبٰاتَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَ إِنٰابَةَ اَلْمُخْبِتِينَ وَ تَوَكُّلَ اَلْمُوقِنِينَ وَ يُسْرَ اَلْمُتَوَكِّلِينَ وَ أَلْحِقْنٰا بِالْأَحْيٰاءِ اَلْمَرْزُوقِينَ وَ أَدْخِلْنَا اَلْجَنَّةَ وَ أَعْتِقْنٰا مِنَ اَلنّٰارِ وَ أَصْلِحْ لَنٰا شَأْنَنٰا كُلَّهُ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمٰانًا صٰادِقًا، يٰا مَنْ يَمْلِكُ حَوٰائِجَ اَلسّٰائِلِينَ وَ يَعْلَمُ ضَمِيرَ اَلصّٰامِتِينَ، إِنَّكَ بِكُلِّ خَيْرٍ عَلِيمٌ غَيْرُ مُعَلَّمٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تَقْضِيَ لِي حَوٰائِجِي وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَ لِوٰالِدَيَّ وَ لِجَمِيعِ اَلْمُؤْمِنِينَ وَ اَلْمُؤْمِنٰاتِ وَ اَلْمُسْلِمِينَ وَ

اَلْمُسْلِماتِ اَلْأَحْياءِ مِنْهُمْ وَ اَلْأَمْواتِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.

تسبیح روز پنجشنبه

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلْواسِعُ اَلَّذِي لا يَضِيقُ، اَلْبَصِيرُ اَلَّذِي لا يَضِلُّ، اَلنُّورُ اَلَّذِي لا يَخْمَدُ، سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ، اَلْحَيُّ اَلَّذِي لا يَمُوتُ، اَلْقَيُّومُ الَّذِي لا يَهِنُ، اَلصَّمَدُ اَلَّذِي لا يَطْعَمُ، سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَعْظَمَ شَأْنَكَ وَ أَعَزَّ سُلْطانَكَ وَ أَعْلىٰ مَكانَكَ وَ أَشْمَخَ مُلْكَكَ، سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَبَرَّكَ وَ أَرْحَمَكَ وَ أَحْلَمَكَ وَ أَعْظَمَكَ وَ أَعْلَمَكَ وَ أَسْمَحَكَ وَ أَجَلَّكَ وَ أَكْرَمَكَ وَ أَعَزَّكَ وَ أَعْلاكَ وَ أَقْواكَ وَ أَسْمَعَكَ وَ أَبْصَرَكَ.

سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَكْرَمَ عَفْوَكَ وَ أَعْظَمَ تَجاوُزَكَ. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَوْسَعَ رَحْمَتَكَ وَ أَكْبَرَ فَضْلَكَ. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَنْعَمَ آلاءَكَ وَ أَسْبَغَ نَعْماءَكَ. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَفْضَلَ ثَوابَكَ وَ أَجْزَلَ عَطاءَكَ. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَوْسَعَ حُجَّتَكَ وَ أَوْضَحَ بُرْهانَكَ، سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَشَدَّ أَخْذَكَ وَ أَوْجَعَ عِقابَكَ. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ما أَشَدَّ مَكْرَكَ وَ أَمْتَنَ كَيْدَكَ سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ تُسَبِّحُ لَكَ اَلسَّمٰواتُ اَلسَّبْعُ وَ اَلْأَرَضُونَ اَلسَّبْعُ.

سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ اَلْقَرِيبُ فِي عُلُوِّكَ اَلْمُتَعالِي فِي دُنُوِّكَ اَلْمُتَدانِي دُونَ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ خَلْقِكَ. سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ، اَلْقَدِيمُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ اَلدّائِمُ مَعَ كُلِّ شَيْءٍ وَ اَلْباقِي بَعْدَ فَناءِ كُلِّ شَيْءٍ، سُبْحانَكَ لا إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ، تَصاغَرَ كُلُّ شَيْءٍ لِجَبَرُوتِكَ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِكَ وَ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِمُلْكِكَ

وَ ٱسْتَسْلَمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ وَ ٱنْقٰادَ كُلُّ شَيْءٍ لِسُلْطٰانِكَ، سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ مَلَكْتَ ٱلْمُلُوكَ بِعَظَمَتِكَ وَ قَهَرْتَ ٱلْجَبٰابِرَةَ بِقُدْرَتِكَ وَ ذَلَّلْتَ ٱلْعُظَمٰاءَ بِعِزَّتِكَ، سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ تَسْبِيحًا يَفْضُلُ عَلٰى تَسْبِيحِ ٱلْمُسَبِّحِينَ كُلِّهِمْ مِنْ أَوَّلِ ٱلدَّهْرِ إِلٰى اٰخِرِهِ وَ مِلْءَ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرَضِينَ وَ مِلْءَ مٰا خَلَقْتَهُ وَ مِلْءَ مٰا قَدَّرْتَهُ.

سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ تُسَبِّحُ لَكَ ٱلسَّمٰوٰاتُ بِأَقْطٰارِهٰا وَ ٱلشَّمْسُ فِي مَجٰارِيهٰا وَ ٱلْقَمَرُ فِي مَنٰازِلِهِ وَ ٱلنُّجُومُ فِي سَيَرٰانِهٰا وَ ٱلْفَلَكُ فِي مَعٰارِجِهِ، سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ يُسَبِّحُ لَكَ ٱلنَّهٰارُ بِضَوْءِهِ وَ ٱللَّيْلُ بِدُجٰاهُ وَ ٱلنُّورُ بِشُعٰاعِهِ وَ ٱلظُّلْمَةُ بِغُمُوضِهٰا، سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ تُسَبِّحُ لَكَ ٱلرِّيٰاحُ فِي مَهَبِّهٰا وَ ٱلسَّحٰابُ بِأَمْطٰارِهٰا وَ ٱلْبَرْقُ بِأَخْطٰافِهِ وَ ٱلرَّعْدُ بِأَرْزٰامِهِ، سُبْحٰانَكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ تُسَبِّحُ لَكَ ٱلْأَرْضُ بِأَقْوٰاتِهٰا وَ ٱلْجِبٰالُ بِأَطْوٰارِهٰا وَ ٱلْأَشْجٰارُ بِأَوْرٰاقِهٰا وَ ٱلْمَرٰاعِى فِي مَنٰابِتِهٰا، سُبْحٰانَكَ وَ بِحَمْدِكَ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ وَحْدَكَ لاٰشَرِيكَ لَكَ عَدَدَ مٰا يُسَبِّحُكَ مِنْ شَيْءٍ وَ كَمٰا تُحِبُّ يٰا رَبِّ تُحْمَدُ وَ كَمٰا يَنْبَغِي لِعَظَمَتِكَ وَ كِبْرِيٰائِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهِ مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ وَ اٰلِهِ أَجْمَعِينَ.

ورد روز پنجشنبه

اَللّٰهُمَّ رَبَّنٰا لَكَ ٱلْحَمْدُ كُلُّهُ وَ لَكَ ٱلْخَلْقُ كُلُّهُ وَ بِيَدِكَ ٱلْخَيْرُ كُلُّهُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ ٱلْأَمْرُ كُلُّهُ عَلاٰنِيَتُهُ وَ سِرُّهُ، سُبْحٰانَ ذِي ٱلْمُلْكِ وَ ٱلْمَلَكُوتِ، سُبْحٰانَ ذِي ٱلْعِزَّةِ وَ ٱلْجَبَرُوتِ، سُبْحٰانَ ٱلْحَيِّ ٱلَّذِي لاٰيَمُوتُ، سُبْحٰانَ ٱلْبٰاعِثِ ٱلْوٰارِثِ، سُبْحٰانَ ٱلْعَظِيمِ ٱلْأَعْظَمِ تَبٰارَكَ ٱللّٰهُ أَحْسَنُ ٱلْخٰالِقِينَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلْكَسَلِ وَ اَلْجَهْلِ وَ سُوءِ اَلْقَوْلِ وَ سُوءِ اَلْعَمَلِ وَ أَعُوذ بِكَ مِنْ فَقْرٍ يُذِلُّنِي وَ مِنْ مَسْكَنَةٍ تُشِيبُنِي وَ مِنْ فَاقَةٍ تَضُرُّنِي وَ مِنْ غِنًى تُطْغِينِي وَ مِنْ حِرْصٍ يُغْوِينِي وَ مِنْ هَوًى يُرْدِينِي وَمِنْ سُقْمٍ يُلْهِينِي وَ مِنْ حَيٰوةٍ تُشْقِينِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلْكُفْرِ بَعْدَ اَلْإِيمٰانِ وَ مِنَ اَلضَّلاٰلَةِ بَعْدَ اَلْهُدٰى وَ مِنَ اَلْهَوٰانِ بَعْدَ اَلْكَرٰامَةِ وَ مِنَ اَلذُّلِّ بَعْدَ اَلْعِزِّ وَ مِنَ اَلْخِلاٰفِ بَعْدَ اَلْأُلْفَةِ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ اَلْأَوَّلُ فَلاٰ شَيْءَ قَبْلَكَ وَأَنْتَ اَلْآخِرُ فَلاٰ شَيْءَ بَعْدَكَ وَ أَنْتَ اَلظّٰاهِرُ فَلاٰ شَيْءَ فَوْقَكَ وَ أَنْتَ اَلْبٰاطِنُ فَلاٰ شَيْءَ دُونَكَ وَ أَنْتَ اَلْقٰائِمُ فَوْقَ عِبٰادِكَ وَ اَلْبٰاقِي بَعْدَ خَلْقِكَ. سُبْحٰانَكَ وَ تَعٰالَيْتَ عُلُوًّا كَبِيرًا.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ صَفِيِّكَ وَ خَلِيلِكَ وَ نَجِيِّكَ كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ عَلٰى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَاجْمَعْ بَيْنَنٰا وَ بَيْنَهُمْ «فِي اَلْخَيْرٰات» فِي دٰارِالسَّلاٰمِ وَاغْفِرْ لِي وَ لِوٰالِدَيَّ وَ مَعٰارِفِي وَ جَمِيعِ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اَلْمَسْأَلَةِ وَ خَيْرَ اَلدُّعٰاءِ وَ خَيْرَ اَلنَّجٰاة وَ خَيْرَ اَلْمَحْيٰا وَ خَيْرَ اَلْمَمٰاتِ وَ خَيْرَ اَلدُّنْيٰا وَ خَيْرَ اَلْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَلطَّيِّبِينَ وَ بٰارِكْ لَنٰا فِي أَنْفُسِنٰا وَ أَعْمٰالِنٰا[1] وَ مَعٰايِشِنٰا وَ أَرْزٰاقِنٰا وَ أَسْمٰاعِنٰا وَ أَبْصٰارِنٰا وَ أَجْسٰادِنٰا وَ أَعْضٰائِنٰا وَ أَرْكٰانِنٰا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لاٰ تَدَعْ لَنٰا ذَنْبًا إِلاّٰ غَفَرْتَهُ وَ لاٰ سُوءً إِلاّٰ صَرَفْتَهُ وَ لاٰ عَيْبًا إِلاّٰ أَصْلَحْتَهُ وَ لاٰ كَرْبًا إِلاّٰ نَفَّسْتَهُ وَ لاٰ دَيْنًا إِلاّٰ أَدَّيْتَهُ وَ لاٰ عَوْرَةً إِلاّٰ سَتَرْتَهٰا وَ لاٰ حٰاجَةً إِلاّٰ قَضَيْتَهٰا بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.

---

۱. در «د» : أحوالنا.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ خَلِّصْنا مِنْ شَرِّ اَلدُّنْيا وَ اَلْاٰخِرَة وَ مِنْ شَرِّ اَلْأَعْداءِ فَإِنَّهُ لاٰ حَوْلَ وَلاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِكَ وَ لاٰ يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ يُخَلِّصُنِي غَيْرُكَ فَاغْفِرْ لِي بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ وَ عَظَمَتِكَ وَ سُلْطانِكَ يا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ اَلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَلطَّيِّبِينَ اَلْأَخْيارِ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ.

عوذهٔ روز پنجشنبه

أُعِيذُ نَفْسِي بِقُدْرَةِ اَللّٰهِ وَ عِزَّةِ اَللّٰهِ وَ عَظَمَةِ اَللّٰهِ وَ سُلْطانِ اَللّٰهِ وَ جَلاٰلِ اَللّٰهِ وَ كَمٰالِ اَللّٰهِ وَ بِجَمْعِ اَللّٰهِ وَ رَسُولِ اَللّٰهِ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ اَلطَّيِّبِينَ وَ وُلاٰةِ أَمْرِ اَللّٰهِ وَ مِنْ شَرِّ مٰا أَخٰافُ وَ أَحْذَرُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اَللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ اَلْأَخْيارِ اَلطّٰاهِرِينَ اَلْأَبْرارِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيماً وَ حَسْبُنَا اَللّٰهُ وَ نِعْمَ اَلْوَكِيلُ.

قسم سوم

در اورادی که در سر ماهها مکرر می شود

امیرالمؤمنین علی علیه السلام گفت: چون ماه نو بینید از جای فراتر مَشوید و بگویید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هٰذَا ٱلشَّهْرِ وَ نُورَهُ وَ نَصْرَهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ طَهُورَهُ وَ رِزْقَهُ وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ مٰا فِيهِ وَ خَيْرَ مٰا بَعْدَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مٰا فِيهِ وَ شَرِّ مٰا بَعْدَهُ. اَللّٰهُمَّ أَدْخِلْهُ عَلَيْنٰا بِالْأَمْنِ وَ ٱلْإِيمٰانِ وَ ٱلسَّلاٰمَةِ وَ ٱلْإِسْلاٰمِ وَ ٱلْبَرَكَةِ وَ ٱلتَّقْوىٰ وَ ٱلتَّوْفِيقِ لِمٰا تُحِبُّ وَ تَرْضىٰ.

و امام زین العابدین علیه السلام چون ماه نو بدیدی بگفتی:

أَيُّهَا ٱلْخَلْقُ ٱلْمُطِيعُ ٱلدّٰائِبُ ٱلسَّرِيعُ ٱلْمُتَرَدِّدُ فِي مَنٰازِلِ ٱلتَّقْدِيرِ ٱلْمُتَصَرِّفُ فِي فَلَكِ ٱلتَّدْبِيرِ آمَنْتُ بِمَنْ نَوَّرَ بِكَ ٱلظُّلَمَ وَ أَوْضَحَ بِكَ ٱلْبُهَمَ وَ جَعَلَكَ آيَةً مِنْ آيٰاتِ مُلْكِهِ وَ عَلاٰمَةً مِنْ عَلاٰمٰاتِ سُلْطٰانِهِ وَ ٱمْتَهَنَكَ بِالزِّيٰادَةِ وَ ٱلنُّقْصٰانِ وَ ٱلطُّلُوعِ وَ ٱلْأُفُولِ وَ ٱلْإِنٰارَةِ وَ ٱلْكُسُوفِ فِي كُلِّ ذٰلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ وَ إِلىٰ إِرٰادَتِهِ سَرِيعٌ، سُبْحٰانَهُ مٰا أَعْجَبَ مٰا دَبَّرَ فِي أَمْرِكَ وَ أَلْطَفَ مٰا صَنَعَ فِي شَأْنِكَ وَ جَعَلَكَ مِفْتٰاحَ شَهْرٍ حٰادِثٍ لِأَمْرٍ حٰادِثٍ فَأَسْئَلُ ٱللّٰهَ رَبِّي

وَ رَبَّكَ وَ خالِقِي وَ خالِقَكَ وَ مُقَدِّرِي وَ مُقَدِّرَكَ وَ مُصَوِّرِي وَ مُصَوِّرَكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ يَجْعَلَكَ اللّٰهُ هِلالَ بَرَكَةٍ لاٰتَمْحَقُهَا اَلْأَيّامُ وَ طَهارَةٍ لاٰ تُدَنِّسُها اَلْآثامُ، هِلالَ أَمْنٍ مِنَ اَلْآفاتِ وَسَلامَةٍ مِنَ اَلسَّيِّئاتِ، هِلالَ سَعْدٍ لاٰ نَحْسَ فِيهِ وَ يُمْنٍ لاٰ نَكَدَ مَعَهُ وَ يُسْرٍ لاٰيُمازِجُهُ عُسْرٌ وَ خَيْرٍ لاٰ يَشُوبُهُ شَرٌّ، هِلالَ أَمْنٍ وَ إِيمانٍ وَ نِعْمَةٍ وَ إِحْسانٍ وَ سَلامَةٍ وَ إِسْلامٍ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ اِجْعَلْنا مِنْ أَرْضى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَ أَزْكى مَنْ نَظَرَ إِلَيْكَ وَ أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ وَ وَفِّقْنا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ وَ اَعْصِمْنا فِيهِ مِنَ اَلْحَوْبَةِ وَ اَحْفَظْنا مِنْ مُباشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ وَ أَوْزِعْنا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَ أَلْبِسْنا فِيهِ جُنَنَ اَلْعافِيَةِ وَ أَتْمِمْ عَلَيْنا بِاسْتِكْمالِ طاعَتِكَ فِيهِ اَلْمِنَّةَ وَ أَكْمِلْ تَوْفِيقَنا لِأَداءِ فَرائِضِكَ بِأَسْبَغِ اَلْقُوَّةِ اَلْكَرِيمَةِ وَ اَخْصُصْنا بِأَعْظَمِ اَلْمِنَّةِ اَلْجَسِيمَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ اَلْمَنّانُ اَلْحَمِيدُ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ اَلْعَلِيِّ اَلْعَظِيمِ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلى مُحَمَّدٍ خاتَمِ اَلنَّبِيِّينَ وَ الِهِ اَلطّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ.

روايت كرده‌اند كه امام محمد تقى عليه السلام چون ماه نو بديدى در نخستين روز ازو دو ركعت نمازگزاردى، در اوّل ركعت الحمد خواندى يكبار و قل هو اللّه أحد سى بار عدد هر روزى را تا آخر آن ماه و در دوم ركعت الحمد يكبار خواندى و إنّا أنزلناه هم چنان سى بار و آن قدر كه ميسّر شدى صدقه دادى و بدان سلامت ماه بخريدى.

قسم چهارم

در آنچه به سال مکرر می شود

و آن بردو نوع است:

نوع اول آنچه یکبار بوَد بی‌اختصاص به ماهی معیَّن چون عمل نوروز.

نوع دوم آنچه در سال در یک ماه یا در روزی چند معدود مکرر می‌شود، در یک روز از یک ماه یا از سال باید کرد.

اما نوع اول که عمل نوروز فُرس است.

[نوروز فُرس]

امام جعفر صادق علیه السلام گفت: چون روز نوروز در آید غسل کن و جامهٔ پاک‌ترین در پوش و بوی خوش بکار دار و روزه فراگیر و پس از نماز پیشین و دیگر، چهار رکعت نماز کن به دو سلام. پس از الحمد در اول رکعت، ده بار إنّا أنزلناه بخوان و در دوم ده بار قل یاأیها الکافرون و در سوم ده بار قل هو الله أحد و در چهارم ده بار هر دو قل أعُوذُ. و چون فارغ شوی سجدهٔ شکر کن و این دعا بخوان تا تو را گناه شصت ساله بیامرزد. و دعا این است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَلْأَوْصِيٰاءِ الْمَرْضِيّينَ وَ صَلِّ عَلٰى جَمِيعِ

أَنْبِياءِكَ وَ رُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ وَ بٰارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكٰاتِكَ وَ صَلِّ عَلٰى أَرْوٰاحِهِمْ وَ أَجْسٰادِهِمْ. اَللّٰهُمَّ بٰارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بٰارِكْ لَنا فِي يَوْمِنا هٰذَا اَلَّذِي فَضَّلْتَهُ وَ كَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ عَظَّمْتَ خَطَرَهُ. اَللّٰهُمَّ بٰارِكْ لِي فِيما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتّٰى لاٰ أَشْكُرَ أَحَدًا غَيْرَكَ وَ وَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يا ذَا اَلْجَلاٰلِ و اَلْإِكْرٰامِ. اَللّٰهُمَّ ما غٰابَ عَنِّي فَلاٰيَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَ حِفْظُكَ وَ ما فَقَدْتُ مِنْ شَيْءٍ فَلاٰ تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتّٰى لاٰ أَتَكَلَّفَ ما لا أَحْتٰاجُ إِلَيْهِ يا ذَاالْجَلاٰلِ وَ اَلْإِكْرٰامِ وَ يا ذَاالْجَلاٰلِ وَ اَلْإِكْرٰامِ بسیار بگویید.

و چون ذکر عبادت سال بیان کنیم بر ترتیب انواع دیگر بتفصیل در آنجا درج آید. و این نه جای آن‌است. و ابتداء به سه ماه کنیم که معظّم‌تر است و عبادت در آن بیشتر.

رجب

امیرالمؤمنین علیه‌السلام این ماه را روزه داشتی و گفتی: رجب ماه منست و شعبان ماه رسول خداست «و ماه رمضان ماه خدای است جلّ جلاله». و صادق علیه‌السلام گفت: رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله گفت: هر که از رجب سه روز روزه دارد خدای تعالی وی را به هر روزی روزهٔ سالی بنویسد و هر که هفت روز روزه دارد، هفت درِ دوزخ ازو دربندند و هر که هشت روز روزه دارد هشت درِ بهشت از برای او بگشایند و هر که پانزده روز روزه دارد خدای تعالی حساب وی آسان کند و هر که همهٔ ماه رجب روزه دارد خدای تعالی وی را خشنود کند و خشنودی خود بنویسد و از هر که خشنود باشد وی را عذاب نبود.

صادق علیه‌السلام گفت که هر که اوّل روز از رجب روزه بدارد آتش از وی دور شود مقدار یك ساله راه. و گفت علیه‌السلام :هر که ایام بیض از رجب روزه دارد سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم، خدای تعالی وی را به هر روزی روزهٔ سالی بنویسد و روز قیامت در جای آمنان ایستد.

و صادق علیه السلام گفت: امیر المؤمنین علی علیه السلام به شگفت آوردی که در چهار شب از سال خود را از عبادت فارغ گردانیدی، یعنی احیا کردی، اولْ شبِ رجب و شب نیمهٔ شعبان و شب عید فطر و شب عید اضحی.

و در اول شب از رجب این دعا برخوان که روایتست از امام محمد تقی علیه السلام :

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَلِيكٌ وَ أَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ مُقْتَدِرٌ وَ أَنَّكَ مَا تَشٰاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُنْ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ نَبِيِّ اَلرَّحْمَةِ، يٰا مُحَمَّدُ يٰا رَسُولَ اَللّٰهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اَللّٰهِ رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيُنْجِحَ لِي بِكَ طَلِبَتِي. اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَ اَلْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَنْجِحْ لِي طَلِبَتِي و حاجت بخواه.[1]

صادق علیه السلام گفت: هر که اول روز از رجب امام حسین علیه السلام را زیارت کند خدای تعالی وی را بیامرزد البته. و غرّهٔ رجب سنهٔ سبع و خمسین مولد باقر علیه السلام بود روز آدینه. و مستحب بوَد که هر روز از رجب این دعا بخواند:

يٰا مَنْ يَمْلِكُ حَوٰائِجَ اَلسّٰائِلِينَ وَ يَعْلَمُ ضَمِيرَ اَلصّٰامِتِينَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ سَمْعٌ حٰاضِرٌ وَ جَوٰابٌ عَتِيدٌ. اَللّٰهُمَّ وَ مَوٰاعِيدُكَ اَلصّٰادِقَةُ وَ أَيٰادِيكَ اَلْفٰاضِلَةُ وَ رَحْمَتُكَ اَلْوٰاسِعَةُ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَقْضِيَ حَوٰائِجِي فِي اَلدُّنْيٰا وَ اَلْاٰخِرَةِ.[2]

و نیز روایت است از صادق علیه السلام که گفت: هر روزی از رجب این دعا بخواند:

خٰابَ اَلْوٰافِدُونَ عَلٰى غَيْرِكَ وَ خَسِرَ اَلْمُتَعَرِّضُونَ إِلاّٰ لَكَ وَ ضٰاعَ اَلْمُلِمُّونَ[3] **إِلاّٰ بِكَ وَ أَجْدَبَ اَلْمُنْتَجِعُونَ إِلاّٰ مَنِ اَنْتَجَعَ فَضْلَكَ. بٰابُكَ مَفْتُوحٌ لِلرّٰاغِبِينَ**

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۹۸

۲. مصباح المتهجد، ص ۸۰۱

۳. در اصل: الملحون

وَ خَيْرُكَ مَبْذُولٌ لِلطَّالِبِينَ وَ فَضْلُكَ مُباحٌ لِلسَّائِلِينَ وَ نَيْلُكَ مُتاحٌ لِلْآمِلِينَ وَ رِفْدُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ وَ حِلْمُكَ مُتَعَرِّضٌ لِمَنْ عاداكَ[۱]. عادَتُكَ الْإِحْسانُ إِلَى الْمُسِيئِينَ وَ سُنَّتُكَ الْإِبْقاءُ عَلَى الْمُعْتَدِينَ. اَللّٰهُمَّ فَاهْدِنِي هُدَى الْمُهْتَدِينَ وَ ارْزُقْنِي اجْتِهادَ الْمُجْتَهِدِينَ وَ لا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغافِلِينَ الْمُبْعَدِينَ[۲] وَ اغْفِرْ لِي يَوْمَ الدِّينِ.

و این نیز روایتست از صادق علیه السلام که برخواند:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرَ الشّاكِرِينَ لَكَ وَ عَمَلَ الْخائِفِينَ مِنْكَ وَ يَقِينَ الْعابِدِينَ لَكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ. اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَ أَنَا عَبْدُكَ الذَّلِيلُ الْبائِسُ الْفَقِيرُ أَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَ أَنَا عَبْدُكَ الذَّلِيلُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَامْنُنْ بِغِناكَ عَلىٰ فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلىٰ جَهْلِي وَ بِقُوَّتِكَ عَلىٰ ضَعْفِي يا قَوِيُّ يا عَزِيزُ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِياءِ الْمَرْضِيِّينَ وَ اكْفِنِي ما أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[۳]

و بگوی:

اَللّٰهُمَّ يا ذَا الْمِنَنِ السّابِغَةِ[۴] وَ الْآلاءِ الْوازِعَةِ وَ الرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ وَ الْقُدْرَةِ الْجامِعَةِ وَ النِّعَمِ الْجَسِيمَةِ وَ الْمَواهِبِ الْعَظِيمَةِ وَ الْأَيادِي الْجَمِيلَةِ وَ الْعَطايَا الْجَزِيلَةِ. يا مَنْ لا يُنْعَتُ بِتَمْثِيلٍ وَ لا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ وَ لا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ يا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقَ وَ أَلْهَمَ فَأَنْطَقَ وَ ابْتَدَعَ فَشَرَعَ وَ عَلا فَارْتَفَعَ وَ قَدَّرَ فَأَحْسَنَ وَ صَوَّرَ فَأَتْقَنَ وَ احْتَجَّ فَأَبْلَغَ وَ أَنْعَمَ فَأَسْبَغَ وَ أَعْطىٰ فَأَجْزَلَ وَ

---

۱. در «د» : ناواك. ۲. در اصل : المعتدين ۳. مصباح المتهجد، ص ۸۰۲
۴. در «م» : الْمُتَتابِعَةِ

مَنَحَ فَأَفْضَلَ. يا مَنْ سَما فِي ٱلعِزِّ فَفاتَ نَواظِرَ[1] ٱلأَبْصارِ وَ دَنا فِي اللُّطْفِ فَجازَ هَواجِسَ ٱلأَفْكارِ. يا مَنْ تَوَحَّدَ بِالمُلْكِ فَلا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطانِهِ وَ تَفَرَّدَ بِالآلاءِ وَٱلكِبْرِياءِ فَلا ضِدَّ لَهُ فِي جَبَرُوتِ شَأْنِهِ. يا مَنْ حارَتْ فِي كِبْرِياءِ هَيْبَتِهِ دَقائِقُ لَطائِفِ ٱلأَوْهامِ وَٱنْحَسَرَتْ دُونَ إِدْراكِ عَظَمَتِهِ خَطائِفُ أَبْصارِ ٱلأَنامِ. يا مَنْ عَنَتِ ٱلوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ وَ خَضَعَتِ ٱلرِّقابُ لِعَظَمَتِهِ وَ وَجِلَتِ ٱلقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ أَسْأَلُكَ بِهٰذِهِ ٱلمِدْحَةِ ٱلَّتِي لاتَنْبَغِي إِلاَّ لَكَ وَ بِما وَأَيْتَ بِهِ عَلٰى نَفْسِكَ لِداعِيكَ مِنَ ٱلمُؤْمِنِينَ وَ بِما ضَمِنْتَ ٱلإِجابَةَ فِيهِ عَلٰى نَفْسِكَ لِلدّاعِينَ. يا أَسْمَعَ ٱلسّامِعِينَ وَ يا أَبْصَرَ ٱلنّاظِرِينَ وَ يا أَسْرَعَ ٱلحاسِبِينَ يا ذَاٱلقُوَّةِ ٱلمَتِينِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ وَ عَلٰى أَهْلِ بَيْتِهِ وَٱقْسِمْ لِي فِي شَهْرِنا هٰذا خَيْرَ ما قَسَمْتَ وَٱحْتِمْ لِي فِي قَضائِكَ خَيْرَ ما حَتَمْتَ وَٱخْتِمْ لِي بِالسَّعادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتَ وَ أَحْيِنِي ما أَحْيَيْتَنِي مَوْفُورًا وَ أَمِتْنِي مَسْرُورًا و مَغْفُورًا وَ تَوَلَّ أَنْتَ نَجاتِي مِنْ مُساءَلَةِ ٱلبَرْزَخِ وَٱدْرَأْ عَنِّي مُنْكَرًا وَ نَكِيرًا وَ أَرِ عَيْنِي مُبَشِّرًا وَ بَشِيرًا وَٱجْعَلْ لِي إِلٰى رِضْوانِكَ وَ جِنانِكَ مَصِيرًا وَ عَيْشًا قَرِيرًا وَ مُلْكًا كَبِيرًا وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ كَثِيرًا.[2]

و بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ٱلثّانِي وَٱبْنِهِ عَلِيِّ بن مُحَمَّدٍ ٱلمُنْتَجَبِ وَ أَتَقَرَّبُ بِهِما إِلَيْكَ خَيْرَ ٱلقُرَبِ. يا مَنْ إِلَيْهِ ٱلمَعْرُوفُ طُلِبَ وَ فِيما لَدَيْهِ رُغِبَ وَ أَسْأَلُكَ سُؤالَ مُعْتَرِفٍ[3] مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَ

---

۱. در مصباح: خواطر.
۲. مصباح المتهجد، ص ۸۰۲
۳. در «د»: مُقْتَرِفٍ

أَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى ٱلْخَطَايَا دُؤُوبُهُ وَ مِنَ ٱلرَّزَايَا خُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ ٱلتَّوْبَةَ وَ حُسْنَ ٱلْأَوْبَةِ وَ ٱلنُّزُوعَ عَنِ ٱلْحَوْبَةِ وَ مِنَ ٱلنَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِهِ وَ ٱلعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ فَأَنْتَ مَوْلاَيَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَ ثِقَتِهِ. ٱللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ ٱلشَّرِيفَةِ وَ وَسَائِلِكَ ٱلْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هٰذَا ٱلشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَ نِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَ نَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةٍ إِلَىٰ نُزُولِ ٱلْحَافِرَةِ وَ مَحَلِّ ٱلْآخِرَةِ «وَ مَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ».

و پیغمبرﷺ چون رجب درآمدی می‌گفتی:

ٱللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ بَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ.

و پیغمبرﷺ گفت: هر که ماه رجب روزه نتواند داشت، هر روزی صد بار بگوید:

سُبْحَانَ ٱلْإِلٰهِ ٱلْجَلِيلِ، سُبْحَانَ مَنْ لاَ يَنْبَغِي ٱلتَّسْبِيحُ إِلاَّ لَهُ، سُبْحَانَ ٱلْأَعَزِّ ٱلْأَكْرَمِ، سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ ٱلعِزَّ وَ هُوَ لَهُ أَهْلٌ.

ثواب روزهٔ آن ماه بیابد.

نماز سلمان

از معظم عبادات ماه رجب است و آن سی رکعت بود، در اول ماه ده رکعت بکند، در هر رکعتی پس از الحمد سه بار قل هو الله أحد خواند و سه بار قل یاأیّها الکافرون چون سلام بدهد دست بر دارد و بگوید:

لاَ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِيكَ لَهُ، لَهُ ٱلْمُلْكُ وَ لَهُ ٱلْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لاَ يَمُوتُ بِيَدِهِ ٱلْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ٱللّٰهُمَّ لاَ مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَ لاَ مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَ لاَ يَنْفَعُ ذَا ٱلْجَدِّ مِنْكَ ٱلْجَدُّ.

و دست بر روی فرود آورد. و در میان ماه همچنان ده رکعت دیگر بکند الّا آنکه چون بگوید:

وَهُوَ عَلیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

بگوید:

إِلٰهًا واحِدًا أَحَدًا صَمَدًا فَرْدًا وِتْرًا لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لاٰ وَلَدًا.

و در آخر ماه همچنان ده رکعت نماز بکند و بگوید:

وَ صَلَّی ٱللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ٱلطَّیِّبِینَ ٱلطّٰاهِرِینَ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِیِّ ٱلْعَظِیمِ.با دعای مذکور.

سلمان رحمه الله گفت که، پیغمبر ﷺ فرمود که، هیچ مؤمن و مؤمنه نبود که این نماز بکند در ماه رجب الّاکه خدای تعالی بیامرزد هر گناه که وی کرده بود در حال خردی و بزرگی و وی را ثواب آن کس بدهند که جملهٔ آن ماه روزه داشته بود و او را نزدیك خدای تعالی از نماز کنندگان نویسند تا دیگر سال و در هر روزی بردارند از برای وی عمل شهیدی از شهدای بدر و به روزهٔ هر روزی عبادت سالی بنویسند وی را و هزار درجه بردارند و اگر همهٔ ماه روزه دارد، خدای تعالی وی را توفیق دهد و از آتش دوزخ نجات دهد و بهشت واجب گرداند وی را. ای سلمان مرا بدین خبر داد جبرئیل ؏ و گفت: ای محمد! این نماز نشانی است میان شما و میان منافقان که منافق این نماز نکند.

و چون این نماز بکنی و این دعا بخوانی دست بر رو فروآور و حاجتی که داری بخواه که دعای تو اجابت کند و خدای تعالی میان تو و دوزخ هفت خندق پدید کند، هر خندقی مقدار آنچه میان آسمان و زمین است و به هر رکعتی هزار هزار رکعت بنویسد وی را و برائتی از آتش بنویسد و جوازی بر صراط.

[اعمال اول شب آدینه از رجب]

و اول شب آدینه از رجب میان نماز شام و خفتن دوازده رکعت نماز کند،[۱] هر دو رکعت به یک سلام، در هر رکعتی پس از الحمد سه بار إنّا أنزلناه بخواند و دوازده بار قل هو الله. چون فارغ شود هفتاد بار بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى ٱلنَّبِيِّ ٱلْأُمِّيِّ ٱلطَّاهِرِ الزَّكِيِّ وَ عَلٰى اٰلِهِ.

پس سجود کند و در سجود هفتاد بار بگوید:

سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ ٱلْمَلاٰئِكَةِ وَ ٱلرُّوحِ.

پس سر از سجده بردارد و هفتاد بار بگوید:

رَبِّ ٱغْفِرْ وَ ٱرْحَمْ وَ تَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ ٱلْعَلِيُّ ٱلْأَكْرَمُ ٱلْأَعْظَمُ.

آنگه سجدهٔ دیگر کند و همان تسبیح که در اول گفت بگوید همچندان. آنگه حاجتها بخواهد که آن‌را رواکنند وگناهان وی را بیامرزند و اگر چه از حدّ بیرون بود.

[اعمال شب نیمهٔ رجب]

صادق علیه السلام گفت که، شب نیمهٔ رجب دوازده رکعت نماز کن، و در شب مبعث و روز آن که بیست و هفتم است. در هر رکعتی الحمد و سورتی بخوان. چون فارغ شوی الحمد و هر دو قل أعُوذُ و قل هو الله و آیة الكرسي هر یکی چهار بار بخوان. آنگه چهار بار بگوی:

سُبْحٰانَ ٱللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ آنگه بگوی: اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لاٰ أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ مٰا شٰاءَ ٱللّٰهُ لاٰ قُوَّةَ إِلاَّ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ.

و در روایت دیگر است که پس از این نماز الحمد و هر دو قل أعوذ و قل هو الله

---

۱. در حاشیه نسخهٔ «د» نوشته شده: صلاة لیلة الرغائب.

أحد و قل يا أيّها الكافرون هر يكى هفت بار بخواند و پس از آن بگويد:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي اَلْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ اَلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا

و پس از آن بگويد:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ[1] عِزِّكَ عَلٰى أَرْكَانِ عَرْشِكَ وَ مُنْتَهٰى رَحْمَتِكَ مِنْ كِتَابِكَ وَ بِاسْمِكَ اَلْأَعْظَمِ اَلْأَعْظَمِ اَلْأَعْظَمِ وَ ذِكْرِكَ اَلْأَعْلٰى اَلْأَعْلٰى اَلْأَعْلٰى وَ كَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ مَا كَانَ أَوْفٰى بِعَهْدِكَ وَ أَقْضٰى بِحَقِّكَ وَ أَرْضٰى لِنَفْسِكَ وَ خَيْرًا لِي فِي اَلْمَعَادِ عِنْدَكَ وَ اَلْمَعَادِ إِلَيْكَ أَنْ تُعْطِيَنِي اَلسَّاعَةَ اَلسَّاعَةَ.

و حاجت بخواهد. و درين شب غسل كند و در نيمهٔ رجب نيز غسل كند كه مستحبّ بود. و زيارت حسين عليه السلام كند و ايام بيض روزه دارد، سيزدهم وچهاردهم وپانزدهم، و روز پانزدهم نزديک زوال غسل كند و نماز پيشين و ديگر بكند، در موضع خالى كه به كارى و يا به كسبى مشغول نباشد و چون از نماز فارغ شود روى به قبله مى‌دارد و صد بار الحمد بخواند و صد بار قل هو الله أحد و ده بار آية ٱلكرسي، آنگه سورة الانعام بخواند و سبحان الذي و الكهف و لقمان و يس و والصافات و حم السجده و حم عسق و حم الدخان و إنّا فتحنا و إذا وقعت و تبارك ٱلذى بيده ٱلملك و نون و ٱلقلم و إذا السماء ٱنشقت تا آخر قرآن.

[دعاى استفتاح يا دعاى امّ داود]

آنگه دعاى استفتاح بخواند روى به قبله و آنرا دعاى امّداود نيز خوانند و نسبتش با فاطمه دختر عبدالله بن ابراهيم و سببش آن بود كه أبوالدوانيق، داود

---

۱. در «د» : بِمُعْقَدِ

پسر فاطمه را به عراق دربند و زندان کرده بود. این زن با صادق ﷺ در آن معنی مشاورت کرد و ماه رجب نزدیك بود و صادق ﷺ وی را بخواندن این سورتها و این دعا درین روز فرمود. چون این بکرد بسی برنیامد که پسرش باز آمد باپنجاه هزار درم و خبر داد که در شب نیمهٔ رجب خدم ابوالدوانیق بیامدند و مرا از زندان پیش وی بردند و در من بسیار عذر خواست و پنجاه هزار درم فرمود و گفت به سلامت بازگرد. صادق ﷺ گفت که، اگر این دعا در روز عرفه عید یا در روز آدینه خوانند شاید، «هنوز از دعا فارغ نشود که تا بیامرزد خدای تعالی او را» و اگر در هر ماهی ایام بیض را روزه دارد و این دعا بخواند، «به طریقی که وصف کرده شده،» شاید[1]، و امید اجابت بود و گفت ﷺ که درهای آسمان بگشایند و خوانندهٔ این دعا را بهشت واجب شود و دعا این است:

صَدَقَ اَللّٰهُ اَلْعَظِيمُ اَلَّذي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ ذُو اَلْجَلاٰلِ وَ اَلْإِكْرٰامِ اَلرَّحْمٰنُ اَلرَّحيمُ الْحَكيمُ اَلْكَريمُ اَلَّذي لَيسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ اَلسَّميعُ اَلْعَليمُ اَلْبَصيرُ اَللَّطيفُ الْخَبيرُ شَهِدَ اَللّٰهُ أَنَّهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ وَ اَلْمَلاٰئِكَةُ وَ أُولُوا اَلْعِلْمِ قٰائِمًا بِالْقِسْطِ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ الْعَزيزُ اَلْحَكيمُ. إِنَّ اَلدِّينَ عِنْدَ اَللّٰهِ اَلْإِسْلاٰمُ وَ بَلَّغَتْ رُسُلُهُ اَلْكِرٰامُ وَ أَنَا عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشّاهِدينَ.

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ وَ لَكَ اَلْمَجْدُ وَ لَكَ اَلْعِزُّ وَ لَكَ اَلْفَخْرُ وَ لَكَ اَلْقَهْرُ وَ لَكَ اَلنِّعْمَةُ وَ لَكَ الْعَظَمَةُ وَ لَكَ اَلرَّحْمَةُ وَ لَكَ اَلْمَهٰابَةُ وَ لَكَ اَلسُّلْطٰانُ وَ لَكَ اَلْبَهٰاءُ وَ لَكَ اَلْاِمْتِنٰانُ وَ لَكَ التَّسْبيحُ وَ لَكَ اَلتَّقْديسُ وَ لَكَ اَلتَّهْليلُ وَ لَكَ اَلتَّكْبيرُ وَ لَكَ مٰا يُرىٰ وَ لَكَ مٰا لاٰ يُرىٰ وَ لَكَ مٰا فَوْقَ اَلسَّمٰوٰاتِ اَلْعُلٰى وَ لَكَ مٰا تَحْتَ اَلثَّرٰى وَ لَكَ اَلْأَرَضُونَ اَلسُّفْلٰى وَ لَكَ الْاٰخِرَةُ وَ اَلْأُولىٰ وَ لَكَ مٰا تَرْضٰى بِهِ مِنَ اَلثَّنٰاءِ وَ اَلْحَمْدِ وَ اَلشُّكْرِ وَ اَلنَّعْمٰاءِ.

---

۱. شایسته است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَبْرَئِيلَ أَمِينِكَ عَلٰى وَحْيِكَ وَ اَلْقَوِيِّ عَلٰى أَمْرِكَ وَ اَلْمُطَاعِ فِي سَمٰوَاتِكَ وَ مَحَالِّ كَرَامَاتِكَ، «اَلْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ» وَ اَلنَّاصِرِ لِأَنْبِيَائِكَ اَلْمُدَمِّرِ لِأَعْدَائِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مِيكَائِيلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَ اَلْمَخْلُوقِ لِرَأْفَتِكَ وَ اَلْمُسْتَغْفِرِ اَلْمُعِينِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى إِسْرَافِيلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَ صَاحِبِ اَلصُّورِ اَلْمُنْتَظِرِ لِأَمْرِكَ اَلْوَجِلِ اَلْمُشْفِقِ مِنْ خِيفَتِكَ. «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عِزْرَائِيلَ قَابِضِ أَرْوَاحِ جَمِيعِ خَلْقِكَ.» اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حَمَلَةِ عَرْشِكَ اَلطَّاهِرِينَ وَ عَلٰى مَلاَئِكَةِ اَلذِّكْرِ أَهْلِ اَلتَّأْمِينِ[1] عَلٰى دُعَاءِ اَلْمُؤْمِنِينَ وَ صَلِّ عَلَى السَّفَرَةِ اَلْكِرَامِ اَلْبَرَرَةِ اَلطَّيِّبِينَ وَ عَلٰى مَلاَئِكَتِكَ اَلْكِرَامِ اَلْكَاتِبِينَ وَ عَلٰى مَلاَئِكَةِ الْجِنَانِ وَ خَزَنَةِ اَلنِّيرَانِ وَ مَلَكِ اَلْمَوْتِ وَ اَلْأَعْوَانِ يَا ذَاالْجَلاَلِ وَ اَلْإِكْرَامِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى أَبِينَا آدَمَ بَدِيعِ فِطْرَتِكَ اَلَّذِي أَكْرَمْتَهُ[2] بِسُجُودِ مَلاَئِكَتِكَ وَ أَسْكَنْتَهُ[3] جَنَّتَكَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى أُمِّنَا حَوَّاءَ اَلْمُطَهَّرَةِ عَنِ اَلرِّجْسِ اَلْمُصَفَّاةِ مِنَ اَلدَّنَسِ اَلْمُفَضَّلَةِ مِنَ الْإِنْسِ اَلْمُتَرَدِّدَةِ بَيْنَ مَحَالِّ اَلْقُدْسِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى هَابِيلَ وَ شَيْثٍ وَ إِدْرِيسَ وَ نُوحٍ وَ هُودٍ وَ صَالِحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ اَلْأَسْبَاطِ وَ لُوطٍ وَ شُعَيْبٍ وَ أَيُّوبَ وَ مُوسٰى وَ هَارُونَ وَ يُوشَعَ وَ مِيشَا وَ اَلْخِضْرِ وَ ذِي‌الْقَرْنَيْنِ وَ يُونُسَ وَ إِلْيَاسَ وَ اَلْيَسَعَ وَ ذِي‌اَلْكِفْلِ وَ طَالُوتَ وَ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ وَ زَكَرِيَّا وَ شَعْيَا وَ يَحْيٰى وَ تُورَخَ وَ دَانِيَالَ وَ مَتّٰى وَ إِرْمِيَا وَ حَيْقُوقَ وَ عُزَيْرٍ وَ عِيسٰى وَ شَمْعُونَ وَ جِرْجِيسَ وَ صَفْوَانَ وَ اَلْحَوَارِيِّينَ وَ اَلْأَتْبَاعِ وَ خَالِدٍ وَ حَنْظَلَةَ وَ لُقْمَانَ.

---

۱. در «م» : مَلاٰئِكَتِكَ الذّاكِرينَ المتأمّين

۲. در «م» : كَرَّمْتَهُ.

۳. در «د» : أَبَحْتَهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ وَ بٰارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمٰا صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ وَ بٰارَكْتَ عَلٰى إِبْرٰاهِيمَ وَ اٰلِ إِبْرٰاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَلْأَنْبِيٰاءِ وَ اَلْأَوْصِيٰاءِ وَ اَلسُّعَدٰاءِ وَ اَلشُّهَدٰاءِ وَ أَئِمَّةِ اَلْهُدٰى. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَلْأَبْدٰالِ وَ اَلْأَوْتٰادِ وَ السُّيّٰاحِ وَ اَلْعُبّٰادِ وَ اَلْمُخْلِصِينَ وَ اَلزُّهّٰادِ وَ أَهْلِ اَلْجِدِّ وَ اَلْإِجْتِهٰادِ وَ اَخْصُصْ مُحَمَّدًا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ وَ أَجْزَلِ كَرٰامٰاتِكَ وَ بَلِّغْ رُوحَهُ وَ جَسَدَهُ مِنِّي تَحِيَّةً وَ سَلاٰمًا وَ زِدْهُ فَضْلاً وَ شَرَفًا وَ كَرَمًا حَتّٰى تُبَلِّغَهُ أَعْلٰى دَرَجٰاتِ أَهْلِ اَلشَّرَفِ مِنَ اَلنَّبِيّينَ وَ اَلْمُرْسَلِينَ وَ اَلْأَفٰاضِلِ اَلْمُقَرَّبِينَ.

اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلٰى مَنْ سَمَّيْتُ وَ مَنْ لَمْ أُسَمِّ مِنْ مَلاٰئِكَتِكَ وَ أَنْبِيٰائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ أَهْلِ طٰاعَتِكَ وَ أَوْصِلْ صَلَوٰاتِي إِلَيْهِمْ وَ إِلٰى أَرْوٰاحِهِمْ وَ اَجْعَلْهُمْ إِخْوٰانِي فِيكَ وَ أَعْوٰانِي عَلٰى دُعٰائِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيْكَ وَ بِكَرَمِكَ إِلٰى كَرَمِكَ وَ بِجُودِكَ إِلٰى جُودِكَ وَ بِرَحْمَتِكَ إِلٰى رَحْمَتِكَ وَ بِأَهْلِ طٰاعَتِكَ إِلَيْكَ وَ أَسْأَلُكَ اَللّٰهُمَّ بِكُلِّ مٰا سَأَلَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْهُمْ مِنْ مَسْأَلَةٍ شَرِيفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَ بِمٰا دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجٰابَةٍ غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ يٰا حَلِيمُ يٰا كَرِيمُ يٰا عَظِيمُ يٰا عَلِيمُ يٰا جَلِيلُ يٰا مُنِيلُ يٰا جَمِيلُ يٰا كَفِيلُ يٰا وَكِيلُ يٰا مُقِيل يٰا مُجِيرُ يٰا مُنِيرُ يٰا مُبِينُ يٰا خَبِيرُ يٰا مَنِيعُ يٰا مُدِيلُ يٰا مُحِيلُ يٰا كَبِيرُ يٰا قَدِيرُ يٰا بَصِيرُ يٰا شَكُورُ يٰا بَرُّ يٰا طُهْرُ يٰا طٰاهِرُ يٰا قٰادِرُ يٰا قٰاهِرُ يٰا ظٰاهِرُ يٰا بٰاطِنُ يٰا سٰاتِرُ يٰا مُحِيطُ يٰا مُقْتَدِرُ يٰا حَفِيظُ يٰا مُتَجَبِّرُ يٰا قَرِيبُ يٰا وَدُودُ يٰا حَمِيدُ يٰا مَجِيدُ يٰا مُبْدِئُ يٰا مُعِيدُ يٰا شَهِيدُ يٰا مُحْسِنُ يٰا مُنْعِمُ يٰا مُفْضِلُ يٰا مُجْمِلُ يٰا قٰابِضُ يٰا بٰاسِطُ يٰا هٰادِي يٰا مُرْسِلُ يٰا مُرْشِدُ يٰا مُسَدِّدُ يٰا مُعْطِي يٰا وَفِيُّ يٰا مٰانِعُ يٰا دٰافِعُ يٰا رٰافِعُ يٰا بٰاقِي يٰا وٰاقِي يٰا خَلاّٰقُ يٰا وَهّٰابُ يٰا تَوّٰابُ يٰا فَتّٰاحُ يٰا نَفّٰاحُ يٰا مُرْتٰاحُ يٰا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتٰاحٍ يٰا نَفّٰاعُ

يا رَؤُوفُ يا عَطُوفُ يا كافِي يا شافِي يا مُعافِي يا مُكافِي يا مُهَيْمِنُ يا عَزِيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ يا أَحَدُ يا صَمَدُ يا نُورُ يا مُدَبِّرُ يا فَرْدُ يا وِتْرُ يا قُدُّوسُ يا ناصِرُ يا مُونِسُ يا باعِثُ يا وارِثُ يا عالِمُ يا حاكِمُ يا بادِي يا مُتَعالِي يا مُصَوِّرُ يا مُسَلِّمُ يا مُتَحَبِّبُ يا قائِمُ يا دائِمُ يا عالِمُ يا حَكِيمُ يا جَوادُ يا بارِئُ يا بارُّ يا سارُّ يا عَدْلُ يا فاصِلُ يا دَيّانُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا سَمِيعُ يا بَدِيعُ يا خَفِيرُ يا مُعِينُ يا ناشِرُ يا غافِرُ يا قَدِيمُ يا مُسَهِّلُ يا مُيَسِّرُ يا مُمِيتُ يا مُحْيِي يا نافِعُ يا رازِقُ يا مُقْتَدِرُ[1] يا مُسَبِّبُ يا مُغِيثُ يا مُغْنِي يا مُقْنِي يا خالِقُ يا واجِدُ يا واحِدُ يا حاضِرُ يا جابِرُ يا حافِظُ يا شَدِيدُ يا غِياثُ يا عائِدُ يا قابِضُ يا مَنْ عَلا فَاسْتَعْلىٰ فَكانَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلىٰ، يا مَنْ قَرُبَ فَدَنىٰ وَ بَعُدَ فَنادىٰ وَ عَلِمَ ٱلسِّرَّ وَ أَخْفىٰ يا مَنْ إِلَيْهِ ٱلتَّدْبِيرُ وَ لَهُ ٱلْمَقادِيرُ وَ يا مَنِ ٱلْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ، يا مَنْ هُوَ عَلىٰ ما يَشاءُ قَدِيرٌ يا مُرْسِلَ الرِّياحِ يا فالِقَ ٱلْإِصْباحِ يا باعِثَ ٱلْأَرْواحِ يا ذَاٱلْجُودِ وَٱلسَّماحِ يا رادَّ ما قَدْ فاتَ يا ناشِرَ ٱلْأَمْواتِ يا جامِعَ ٱلشَّتاتِ يا رازِقَ مَنْ يَشاءُ بِغَيْرِ حِسابٍ وَ يا فاعِلَ ما يَشاءُ كَيْفَ يَشاءُ، يا ذَاٱلْجَلالِ وَ ٱلْإِكْرامِ يا حَيُّ يا قَيُّومُ، يا حَيُّ حِينَ لا حَيَّ يا حَيُّ يا مُحْيِي ٱلْمَوْتىٰ، يا حَيُّ لا إِلٰهَ إِلّا أَنْتَ بَدِيعُ ٱلسَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ يا إِلٰهِي وَ سَيِّدِي صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَٱرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ بارِكْ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيْتَ وَ بارَكْتَ وَ رَحِمْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلىٰ إِبْراهِيمَ وَ آلِ إِبْراهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

وَ ٱرْحَمْ ذُلِّي وَ فاقَتِي وَ فَقْرِي وَ تَفَرُّدِي وَ ٱنْفِرادِي وَ وَحْدَتِي وَ خُضُوعِي

---

۱. در مصباح: مُقَدِّرُ

بَيْنَ يَدَيْكَ وَ اعْتِمادي عَلَيْكَ وَ تَضَرُّعي إِلَيْكَ، أَدْعُوكَ دُعاءَ الْخاضِعِ الذَّليلِ الْخاشِعِ الْخائِفِ الْمُشْفِقِ الْبائِسِ الْمَهينِ الْحَقيرِ الْجائِعِ الْفَقيرِ الْعائِذِ الْمُسْتَجيرِ الْمُقِرِّ بِذَنْبِهِ الْمُسْتَغْفِرِ مِنْهُ الْمُسْتَكينِ لِرَبِّهِ دُعاءَ مَنْ أَسْلَمَتْهُ ثِقَتُهُ وَ رَفَضَتْهُ أَحِبَّتُهُ وَ عَظُمَتْ فَجيعَتُهُ دُعاءَ حَرِقٍ حَزينٍ مِسْكينٍ ضَعيفٍ مَهينٍ بائِسٍ مُسْتَكينٍ بِكَ مُسْتَجيرٍ.

اَللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ مَليكٌ وَ أَنَّكَ ما تَشاءُ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ وَ أَنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ وَ أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هٰذَا الشَّهْرِ الْحَرامِ وَ الْبَيْتِ الْحَرامِ وَ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَ الرُّكْنِ وَ الْمَقامِ وَ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ وَ الْمَشاعِرِ الْعِظامِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلامُ. يا مَنْ وَهَبَ لِآدَمَ شَيْئًا وَ لِإِبْراهيمَ إِسْماعيلَ وَ إِسْحاقَ وَ يا مَنْ رَدَّ يُوسُفَ عَلىٰ يَعْقُوبَ وَ يا مَنْ كَشَفَ بَعْدَ الْبَلاءِ ضُرَّ أَيُّوبَ وَ يا رادَّ مُوسىٰ عَلىٰ أُمِّهِ وَ زائِدَ الْخِضْرِ في عِلْمِهِ وَ يا مَنْ وَهَبَ لِداوُدَ سُلَيْمانَ وَ لِزَكَرِيّا يَحْيىٰ وَ لِمَرْيَمَ عيسىٰ. يا حافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ وَ يا كافِلَ وَلَدِ أُمِّ مُوسىٰ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِيَ ذُنُوبي كُلَّها وَ تُجيرَني مِنْ عَذابِكَ وَ تُوجِبَ لي رِضْوانَكَ وَ أَمانَكَ وَ إِحْسانَكَ وَ غُفْرانَكَ وَ جِنانَكَ وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفُكَّ عَنّي كُلَّ حَلْقَةٍ ضيقٍ بَيْني وَ بَيْنَ مَنْ يُؤْذيني وَ تَفْتَحَ لي كُلَّ بابٍ وَ تُلَيِّنَ لي كُلَّ صَعْبٍ وَ تُسَهِّلَ لي كُلَّ عَسيرٍ وَ تُخْرِسَ عَنّي كُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ سُوءٍ وَ تَكُفَّ عَنّي كُلَّ باغٍ وَ تَكْبِتَ كُلَّ عَدُوٍّ لي وَ حاسِدٍ وَ تَمْنَعَ مِنّي كُلَّ ظالِمٍ وَ تَكْفِيَني كُلَّ عائِقٍ يَحُولُ بَيْني وَ بَيْنَ حاجَتي[1] وَ يُحاوِلُ أَنْ يُفَرِّقَ بَيْني وَ بَيْنَ طاعَتِكَ وَ يُثَبِّطَني عَنْ عِبادَتِكَ. يا مَنْ أَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدينَ وَ قَهَرَ

---

۱. در «د» : بَيْنَ عِبادَتِكَ.

عُتٰاةَ ٱلشَّيٰاطِينِ وَ أَذَلَّ رِقٰابَ ٱلْمُتَجَبِّرِينِ وَ رَدَّ كَيْدَ ٱلْمُتَسَلِّطِينَ عَنِ ٱلْمُسْتَضْعَفِينَ، أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ عَلىٰ مٰا تَشٰاءُ وَ تَسْهِيلِكَ لِمٰا تَشٰاءُ كَيْفَ تَشٰاءُ أَنْ تَجْعَلَ قَضٰاءَ حٰاجَتِي فِيمٰا تَشٰاءُ.

آنگه سجده کن بر خاک و در حال سجده بگوی:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَ بِكَ اٰمَنْتُ فَارْحَمْ ذُلِّي وَ فٰاقَتِي وَ اجْتِهٰادِي وَ تَضَرُّعِي وَ مَسْكَنَتِي وَ فَقْرِي إِلَيْكَ يٰا رَبِّ.[1]

و جَهد کن که آب از چشمت بیاید که آن نشان اجابت بود.

بیست و پنجم این ماه و بعضی بیست و ششم گفته‌اند وفات ابوالحسن موسی کاظم بود علیه السلام. روایتست که روزهٔ آن روز کفارت دویست ساله گناه بود.[2]

[اعمال شب و روز بیست و هفتم رجب]

و شب بیست و هفتم ازین ماه هم آن نماز کند که در شب نیمه گفته شد. و روایتست که دوازده رکعت کند در این شب، در هر رکعتی الحمد و هر دو قل أعوذ و قل هو الله أحد هر یکی چهار بار بخواند و پس از آن دعا کند، دعایی که در شب نیمهٔ ماه برفت بخواند. و غسل مستحب است درین شب.

و روز بیست و هفتم بود از این ماه که ابوالقاسم محمد را صلی الله علیه و آله فرستادند به رسالت و این روز یکی از چهار روزی است که در سال، روزه داشتن آن را فضلی بنسیار است و آن بیست و هفتم رجب است روز مبعث و بیست و پنجم ذی القعدة روز دَحْو الارض و هجدهم ذی الحجة روز غدیر و هفدهم ربیع الاوّل مولد نبیّ علیه السلام.

و مستحبّ است روز بیست و هفتم رجب غسل کردن و روزه داشتن و دوازده رکعت نماز کردن با الحمد و سورتی و پس از آن الحمد خواندن و قل هو الله أحد

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۰۷ ـ ۸۱۲

۲. مصباح المتهجد، ص ۸۱۲

و هر دو قل أعُوذُ هر يكى چهار بار و

لا إلٰهَ إلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ، سُبْحانَ ٱللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلاَّ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ چهار بار اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي وَ لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا چهار بار و لا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا چهار بار.

روايتست كه پس از هر دو ركعت بگويد:

ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي ٱلْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ ٱلذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيرًا. يا عُدَّتِي فِي كُرْبَتِي يا صاحِبِي فِي شِدَّتِي وَ يا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي وَ يا غِياثِي فِي رَغْبَتِي وَ يا نَجاحِي فِي حاجَتِي وَ يا حافِظِي فِي غَيْبَتِي وَ يا كافِيِي فِي وَحْدَتِي يا أُنْسِي فِي وَحْشَتِي أَنْتَ ٱلسّاتِرُ عَوْرَتِي فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ ٱلْمُؤْمِنُ رَوْعَتِي فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ ٱلْمُقِيلُ عَثْرَتِي فَلَكَ ٱلْحَمْدُ وَ أَنْتَ ٱلْمُنْعِشُ صَرْعَتِي فَلَكَ ٱلْحَمْدُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱسْتُرْ عَوْرَتِي وَ أَقِلْنِي عَثْرَتِي وَ ٱصْفَحْ عَنْ جُرْمِي وَ تَجاوَزْ عَنْ سَيِّئاتِي فِي أَصْحابِ ٱلْجَنَّةِ وَعْدَ ٱلصِّدْقِ ٱلَّذِي كانُوا يُوعَدُونَ.

پس از آن الحمد و قل هو الله أحد و هر دو قل أعُوذُ و قل يا أيّها الكافرون و إنّا أنزلناه و آية الكرسي هر يكى هفت بار بخواند و هفت بار بگويد:

لا إلٰهَ إلاَّ ٱللّٰهُ وَ ٱللّٰهُ أَكْبَرُ، سُبْحانَ ٱللّٰهِ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ إلاَّ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ ٱلْعَظِيمِ. و هفت بار بگويد: اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّي لا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا و حاجت بخواهد.[1]

و مستحبّ بوَد كه درين روز اين دعا بخواند:

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۱۶، ۸۱۷

يا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَ ٱلتَّجاوُزِ وَ ضَمِنَ عَلىٰ نَفْسِهِ ٱلْعَفْوَ وَ ٱلتَّجاوُزَ، يا مَنْ عَفا وَ تَجاوَزَ أُعْفُ عَنّي وَ تَجاوَزْ يا كَريمُ. اَللّٰهُمَّ وَ قَدْ أَكْدَى ٱلطَّلَبُ وَ أَعْيَتِ ٱلْحِيلَةُ وَ ٱلْمَذْهَبُ وَ دَرَسَتِ ٱلْآمالُ وَ ٱنْقَطَعَ ٱلرَّجاءُ إِلاّٰ مِنْكَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنّي أَجِدُ سُبُلَ ٱلْمَطالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَ مَناهِلَ ٱلرَّجاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَ أَبْوابَ ٱلدُّعاءِ لِمَنْ دَعاكَ مُفَتَّحَةً وَ ٱلْإِسْتِعانَةَ لِمَنِ ٱسْتَعانَ بِكَ مُباحَةً وَ أَعْلَمُ أَنَّكَ لِداعيكَ بِمَوْضِعِ إِجابَةٍ وَ لِلصّارِخِ إِلَيْكَ بِمَرْصَدِ إِغاثَةٍ وَ أَنَّ فِي ٱللَّهْفِ إِلىٰ جُودِكَ وَ ٱلضَّمانِ بِعِدَتِكَ عِوَضًا عَنْ مَنْعِ ٱلْباخِلينَ وَ مَنْدُوحَةً عَمّا في أَيْدِي ٱلْمُسْتَأْثِرينَ وَ أَنَّكَ لاتَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلاّٰ أَنْ تَحْجُبَهُمُ ٱلاعْمالُ دُونَكَ وَ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّ أَفْضَلَ زادِ الرّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمُ إِرادَةٍ وَ قَدْ ناجاكَ بِعَزْمِ ٱلْإِرادَةِ قَلْبي فَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعاكَ بِها راجٍ بَلَّغْتَهُ أَمَلَهُ أَوْ صارِخٌ إِلَيْكَ أَغَثْتَ صَرْخَتَهُ أَوْ مَلْهُوفٌ مَكْرُوبٌ فَرَّجْتَ عَنْ قَلْبِهِ أَوْ مُذْنِبٌ خاطِئٌ غَفَرْتَ لَهُ أَوْ مُعافًا أَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَوْ فَقيرٌ أَهْدَيْتَ[1] غِناكَ إِلَيْهِ وَ لِتِلْكَ ٱلدَّعْوَةِ عَلَيْكَ حَقٌّ وَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةٌ إِلاّٰ صَلَّيْتَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَضَيْتَ حَوائِجي لِلدُّنْيا وَ ٱلْآخِرَةِ وَ هٰذا رَجَبُ ٱلْمُرَجَّبُ ٱلْمُكَرَّمُ ٱلَّذي أَكْرَمْتَنا بِهِ أَوَّلُ أَشْهُرِ الْحُرُمِ أَكْرَمْتَنا بِهِ بَيْنَ ٱلْأُمَمِ يا ذَاالْجُودِ وَ ٱلْكَرَمِ فَنَسْأَلُكَ بِهِ وَ بِاسْمِكَ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَعْظَمِ ٱلْأَجَلِّ ٱلْأَكْرَمِ ٱلَّذي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ في ظِلِّكَ فَلايَخْرُجُ مِنْكَ إِلىٰ غَيْرِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلطّاهِرينَ وَ تَجْعَلَنا مِنَ ٱلْعامِلينَ في طاعَتِكَ وَ ٱلْآمِلينَ فيهِ لِشَفاعَتِكَ.

---

۱. در مصباح: أَذْهَبْتَ

اَللّٰهُمَّ وَ اَهْدِنا إِلىٰ سَواءِ اَلسَّبِيلِ وَ اَجْعَلْ مَقِيلَنا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنا وَ نِعْمَ اَلْوَكِيلُ وَ اَلسَّلامُ عَلىٰ عِبادِهِ اَلْمُصْطَفَيْنَ وَ صَلَواتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اَللّٰهُمَّ وَ بارِكْ لَنا فِي يَوْمِنا هٰذَا اَلَّذِي فَضَّلْتَهُ وَ بِكَرامَتِكَ جَلَّلْتَهُ وَ بِالْمَنْزِلِ اَلْعَظِيمِ مِنْكَ أَنْزَلْتَهُ وَ صَلِّ عَلىٰ مَنْ فِيهِ إِلىٰ عِبادِكَ أَرْسَلْتَهُ وَ بِالْمَحَلِّ اَلْكَرِيمِ أَحْلَلْتَهُ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ صَلوٰةً دائِمَةً تَكُونُ لَكَ شُكْرًا وَ لَنا ذُخْرًا وَ اَجْعَلْ لَنا مِنْ أَمْرِنا يُسْرًا وَ اَخْتِمْ لَنا بِالسَّعادَةِ إِلىٰ مُنْتَهىٰ آجالِنا وَ قَدْ قَبِلْتَ اَلْيَسِيرَ مِنْ أَعْمالِنا وَ بَلِّغْنا[1] بِرَحْمَتِكَ أَفْضَلَ آمالِنا إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ صَلَّى اَللّٰهُ عَلىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ.[2]

ماه شعبان

«این ماهی است که در آن بهشت را بیارایند و روزیهای مؤمنان را منشعب سازند و بیفزایند و ازین جهت آنرا شعبان خوانند.»

صادق علیه السلام گفت: هر که اوّل روز از شعبان روزه دارد بهشت واجب شود وی را البته، و هر که دو روز روزه دارد خدای تعالی هر روز و شبی دو بار برو نگرد در سرای دنیا و دائم نظرش بدو بود در بهشت، و هر که سه روز روزه دارد چنان بود که خدای را در عرش و بهشت، وی زیارت کند هر روزی.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله چون ماه نو از شعبان بدیدی در مدینه ندا فرمودی که، ای اهل یثرب! من رسول خدایم به شما، بدانید که شعبان ماه منست، خدای بر آن کس رحمت کناد که مرا بر ماه من یاری دهد به روزه.

«امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: هرگز از من درنگذشت روزهٔ شعبان از آن وقت باز که منادی رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم از شعبان.»

---

۱. در «د» : وَ بَلِّغْتَنا

۲. مصباح المتهجد، ص ۸۱۴ - ۸۱۵

«از ابی‌الحسن علی‌بن موسی‌الرضا علیه السلام روایتست که هر آن کس درین ماه تصدّق بدهد اگر به نیم خرما باشد، خدای تعالی بدن او را بر آتش دوزخ حرام گرداند.»

[دعای روز سوم شعبان]

و روز پنجشنبه سوم شعبان مولد حسین بن علی علیهما السلام بود، آن روز روزه دارد و این دعا بخواند:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ٱلْمَوْلُودِ فِي هٰذَا ٱلْيَوْمِ ٱلْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ ٱسْتِهْلاٰلِهِ وَ وِلاٰدَتِهِ بَكَتْ لَهُ ٱلسَّمٰاءُ وَ مَنْ فِيهٰا وَ ٱلْأَرْضُ وَ مَنْ عَلَيْهٰا وَ لَمّٰا يَطَأْ لاٰبَتَيْهٰا[1] قَتِيلِ ٱلعَبَرَةِ وَ سَيِّدِ ٱلْأُسْرَةِ ٱلْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ ٱلْكَرَّةِ ٱلْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ ٱلْأَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَ ٱلشِّفٰاءَ فِي تُرْبَتِهِ وَ ٱلْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ وَ ٱلْأَوْصِيٰاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قٰائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ حَتّٰى يُدْرِكُوا ٱلْأَوْتٰارَ وَ يَثْأَرُوا ٱلثّٰارَ وَ يُرْضُوا ٱلْجَبّٰارَ وَ يَكُونُوا خَيْرَ أَنْصٰارٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِمْ مَعَ ٱخْتِلاٰفِ ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهٰارِ.

اَللّٰهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ وَأَسْأَلُكَ سُؤٰالَ مُقْتَرِفٍ مُعْتَرِفٍ مُسِيءٍ إِلٰى نَفْسِهِ مِمّٰا فَرَّطَ فِي يَوْمِهِ وَ أَمْسِهِ يَسْأَلُكَ ٱلعِصْمَةَ إِلٰى مَحَلِّ رَمْسِهِ. اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ عِتْرَتِهِ وَٱحْشُرْنٰا فِي زُمْرَتِهِ وَ بَوِّئْنٰا مَعَهُ دٰارَ ٱلْكَرٰامَةِ وَ مَحَلَّ ٱلْإِقٰامَةِ. اَللّٰهُمَّ كَمٰا أَكْرَمْتَنٰا بِمَعْرِفَتِهِ فَأَكْرِمْنٰا بِزُلْفَتِهِ وَٱرْزُقْنٰا مُرٰافَقَتَهُ وَ سٰابِقَتَهُ وَٱجْعَلْنٰا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ وَ يُكْثِرُ ٱلصَّلٰوةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ وَ عَلٰى جَمِيعِ أَوْصِيٰائِهِ وَ أَهْلِ أَصْفِيٰائِهِ ٱلْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ ٱلْإِثْنَيْ عَشَرَ ٱلنُّجُومِ ٱلزُّهَرِ وَ ٱلْحُجَجِ عَلٰى جَمِيعِ ٱلْبَشَرِ.

اَللّٰهُمَّ وَ هَبْ لَنٰا فِي هٰذَا ٱلْيَوْمِ خَيْرَ مَوْهِبَةٍ وَ أَنْجِحْ لَنٰا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ كَمٰا

---

۱. در مصباح: لاٰبَتَيْهٰا

وَهَبْتَ اَلْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ جَدِّهِ وَ عاذَ فُطْرُسُ بِمَهْدِهِ فَنَحْنُ لَهُ عائِذُونَ بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَ نَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ آمِينَ رَبَّ اَلْعالَمِينَ.[۱]

و بگوید:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ مُتَعالِي اَلْمَكانِ عَظِيمُ اَلْجَبَرُوتِ شَدِيدُ اَلْمِحالِ غَنِيٌّ عَنِ اَلْخَلائِقِ عَرِيضُ اَلْكِبْرِياءِ قادِرٌ عَلىٰ ما تَشاءُ قَرِيبُ اَلرَّحْمَةِ صادِقُ اَلْوَعْدِ سابِغُ اَلنِّعْمَةِ حَسَنُ اَلْبَلاءِ قَرِيبٌ إِذا دُعِيتَ، مُحِيطٌ بِما خَلَقْتَ، قابِلُ اَلتَّوْبَةِ لِمَنْ تابَ إِلَيْكَ، قادِرٌ عَلىٰ ما أَرَدْتَ وَ مُدْرِكٌ لِما طَلَبْتَ وَ شَكُورٌ إِذا شُكِرْتَ وَ ذَكُورٌ إِذا ذُكِرْتَ، أَدْعُوكَ مُحْتاجًا وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ فَقِيرًا وَ أَفْزَعُ إِلَيْكَ خائِفًا وَ أَبْكِي إِلَيْكَ مَكْرُوبًا وَ أَسْتَعِينُ بِكَ ضَعِيفًا وَ أَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ كافِيًا أُحْكُمْ بَيْنَنا وَ بَيْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ فَإِنَّهُمْ غَرُّونا وَ خَدَعُونا وَ خَذَلُونا وَ غَدَرُوا بِنا وَ قَتَلُونا وَ نَحْنُ عِتْرَةُ نَبِيِّكَ وَ وَلَدُ حَبِيبِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِاللّٰهِ اَلَّذِي اَصْطَفَيْتَهُ بِالرِّسالَةِ وَ اَئْتَمَنْتَهُ عَلىٰ وَحْيِكَ وَ اَجْعَلْ لَنا مِنْ أَمْرِنا فَرَجًا وَ مَخْرَجًا بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ.[۲]

روایت کرده‌اند که این آخر دعایی بود که امام حسین علیه‌السلام گفت روز طفّ.

[دعای زین العابدین علیه‌السلام در روزهای ماه شعبان]

و زین العابدین علیه‌السلام نزدیک هر زوال از روزهای شعبان این صلوات بگفتی و در شب نیمهٔ شعبان نیز بگفتی «و هم چنین پس از نافلهٔ زوال روز جمعه»:[۳]

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ اَلنُّبُوَّةِ وَ مَوْضِعِ اَلرِّسالَةِ وَ مُخْتَلَفِ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۲۶ ـ ۸۲۷
۲. مصباح المتهجد، ص ۸۲۷
۳. داخل گیومه در «د» نیامده است.

اَلْمَلائِكَةِ وَ مَعْدِنِ اَلْعِلْمِ وَ أَهْلِ بَيْتِ اَلْوَحْيِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَلْفُلْكِ اَلْجارِيَةِ فِي اللُّجَجِ اَلْغامِرَةِ، يَأْمَنُ مَنْ رَكِبَها وَ يَغْرَقُ مَنْ تَرَكَها، اَلْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مارِقٌ وَ اَلْمُتَأَخِّرُ عَنْهُمْ زاهِقٌ وَ اللاّٰزِمُ لَهُمْ لاٰحِقٌ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَلْكَهْفِ اَلْحَصِينِ وَ غِياثِ اَلْمُضْطَرِّينَ[1] وَ مَلْجَأِ اَلْهارِبِينَ وَ مَنْجَى اَلْخائِفِينَ وَ عِصْمَةِ اَلْمُعْتَصِمِينَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضىً وَ لِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ أَداءً وَ قَضاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ وَ قُوَّةٍ يا رَبَّ اَلْعالَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَلطَّيِّبِينَ اَلْأَخْيارِ اَلْأَبْرارِ اَلَّذِينَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ حُقُوقَهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ وَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَ وِلاٰيَتَهُمْ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَعْمُرْ قَلْبِي بِطاعَتِكَ وَ لاٰتُخْزِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ اَرْزُقْنِي مُواساةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِما وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ نَشَرْتَ[2] عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَ أَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَ هٰذا شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ شَعْبانُ اَلَّذِي حَفَفْتَهُ مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَ اَلرِّضْوانِ اَلَّذِي كانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ يَدْأَبُ فِي صِيامِهِ وَ قِيامِهِ فِي لَيالِيهِ وَ أَيّامِهِ بُخُوعًا لَكَ فِي إِكْرامِهِ وَ إِعْظامِهِ إِلٰى مَحَلِّ حِمامِهِ.

اَللّٰهُمَّ فَأَعِنّا عَلَى اَلْإِسْتِنانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ وَ نَيْلِ اَلشَّفاعَةِ لَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعًا مُشَفَّعًا وَ طَرِيقًا إِلَيْكَ مَهْيَعًا وَ اَجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعًا حَتّٰى أَلْقاكَ يَوْمَ اَلْقِيامَةِ عَنِّي راضِيًا وَ عَنْ ذُنُوبِي مُغْضِيًا قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ اَلرَّحْمَةَ وَ اَلرِّضْوانَ وَ أَنْزَلْتَنِي دارَ اَلْقَرارِ وَ مَحَلَّ اَلْأَخْيارِ.[3]

---

۱. در «م»: و غِياثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ

۲. در «د»: وَ بَشَّرْتَ.

۳. مصباح المتهجد، ص ۸۲۸ - ۸۲۹

و صادق علیه السلام گفت: هر کس که هر روزی از ماه شعبان هفتاد بار بگوید:

أَسْتَغْفِرُ اَللّٰهَ الَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ اَلْحَيُّ اَلْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ

خدای تعالی او را در افق مبین بنویسد و آن شکل زمین هامون و نرم بود در پیش عرش و درو جوی‌هاست روان و برکنار آن قدحها به عدد ستارگان.[1] و هر روز در شعبان صد بار بر پیغمبر و آلش درود فرستد که آن فاضلترین عملها است.

[اعمال شب نیمهٔ شعبان]

و در شب نیمهٔ شعبان زیارت حسین علیه السلام کردن فضل بسیار دارد. و درین شب غسل کند و چهار رکعت نماز کند، در هر رکعتی پس از الحمد صد بار قل هو الله أحد بخواند. چون فارغ شود بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَ مِنْ عَذٰابِكَ خٰائِفٌ مُسْتَجِيرٌ. اَللّٰهُمَّ لاٰ تُبَدِّلِ اسْمِي وَ لاٰ تُغَيِّرْ جِسْمِي وَ لاٰ تَجْهَدْ بَلاٰئِي وَ لاٰ تُشْمِتْ بِي أَعْدٰائِي، أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقٰابِكَ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذٰابِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضٰاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ مِنْكَ جَلَّ ثَنٰاؤُكَ أَنْتَ كَمٰا أَثْنَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ وَ فَوْقَ مٰا يَقُولُ اَلْقٰائِلُونَ.

و روایتست از امام موسی‌کاظم از پدرش أبی عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام که درین شب چهار رکعت نماز کردن، در هر رکعتی دویست و پنجاه بار قل هو الله أحد بخواند. و از امام رضا علیه السلام روایتست که درین شب نماز جعفر باید کرد و گفت: شنیدم از پدرم که دعا را در این شب اجابت بود.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت «که جبرئیل علیه السلام گفت:» هر که شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز کند، در هر رکعتی ده بار قل هو الله بخواند نمیرد تا جای خود در بهشت ببیند و شراب بهشت بچشد یا ببینند از برای وی. و گفت صلی الله علیه و آله که جبرئیل علیه السلام بیامد و مرا

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۲۹

گفت: ای محمد! بفرمای امت خود را تا در شب نیمهٔ شعبان ده رکعت نماز کنند، در هر رکعتی پس از الحمد ده بار قل هو الله بخوانند و سجده کنند و در سجده بگویند:

اَللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَ سَوٰادِي وَ خَيٰالِي وَ بَيٰاضِي يٰا عَظِيمَ كُلِّ عَظِيمٍ اِغْفِرْ لِيَ اَلذَّنْبَ اَلْعَظِيمَ فَإِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُهُ غَيْرُكَ.

هر که این نماز کند خدای تعالی هفتاد و دو هزار گناه از دیوان وی محو کند و همچندان نیکویی بنویسد وی را و از پدر و مادرش هفتاد هزار سیّئه محو کند.

و باقر ؑ گفت: شب نیمهٔ شعبان فاضلترین شبهاست پس از شب قدر و خدای تعالی سوگند خورده است که درو هیچ سائل را رد نکند چون معصیتی نخواهد. باید که اجتهاد کند در دعا و ثنا بر خدای و آن شب ما راکه اهل بیت پیغمبریم، در مقابلهٔ شب قدر است پیغمبر را ؐ.[1]

و هرکه درو صد بار سُبْحٰانَ اَللّٰهِ بگوید و صد بار اَلْحَمْدُ لِلّٰه و صد بار لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ و صد بار اَللّٰهُ أَكْبَرُ خدای تعالی بیامرزد گناهان او را همه و هر حاجت که وی را بوَد آنچه خواهد و آنچه نخواهد همه را روا کند.

و صادق ؑ گفت: درین شب پس از نماز خفتن دو رکعت نماز کند، پس از الحمد در رکعت اول قل یاأیها الکافرون بخوان و در دوم قل هو الله، چون سلام بدهی تسبیح فاطمه ؑ بگوی و بگوی:

يٰامَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ اَلْعِبٰادِ فِي اَلْمُهِمّٰاتِ وَ إِلَيْهِ يَفْزَعُ اَلْخَلْقُ فِي اَلْمُلِمّٰاتِ يٰا عٰالِمَ اَلْجَهْرِ وَ اَلْخَفِيّٰاتِ وَ يٰا مَنْ لاٰ يَخْفىٰ عَلَيْهِ خَوٰاطِرُ اَلْأَوْهٰامِ وَ تَصَرُّفُ اَلْخَطَرٰاتِ يٰا رَبَّ اَلْخَلاٰئِقِ وَ اَلْبَرِيّٰاتِ وَ يٰا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ اَلْأَرَضِينَ وَ اَلسَّمٰوٰاتِ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ، أَمُتُّ إِلَيْكَ بلاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ فَيٰا لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ، اِجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ اَللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ وَ سَمِعْتَ دُعٰاءَهُ فَأَجَبْتَهُ وَ عَلِمْتَ اسْتِقٰالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ وَ تَجٰاوَزْتَ عَنْ سٰالِفِ خَطِيئَتِهِ وَ عَظِيمِ

---

۱. اقبال الأعمال، ۳ : ۳۱۵ . در اینجا عبارت کتاب آشفته بود که بر اساس روایت نقل شده اصلاح شد.

جَرِيرَتِهِ فَقَدِ ٱسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي وَ لَجَأْتُ إِلَيْكَ فِي سَتْرِ عُيُوبِي.

اَللّٰهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَ فَضْلِكَ وَ ٱحْطُطْ خَطَايَايَ بِحِلْمِكَ وَ عَفْوِكَ وَ تَغَمَّدْنِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ وَ ٱجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَائِكَ ٱلَّذِينَ ٱجْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ وَ ٱخْتَرْتَهُمْ لِعِبَادَتِكَ وَ جَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَ صَفْوَتَكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ مِمَّنْ سَعَدَ جَدُّهُ وَ تَوَفَّرَ مِنَ ٱلْخَيْرَاتِ حَظُّهُ وَ ٱجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ فَنَعِمَ وَ فَازَ فَغَنِمَ وَ ٱكْفِنِي شَرَّ مَا أَسْلَفْتُ وَ ٱعْصِمْنِي مِنَ ٱلْإِزْدِيَادِ فِي مَعْصِيَتِكَ وَ حَبِّبْ إِلَيَّ طَاعَتَكَ وَ مَا يُقَرِّبُنِي مِنْكَ وَ يُزْلِفُنِي عِنْدَكَ.

سَيِّدِي إِلَيْكَ مَلْجَأُ ٱلْهَارِبِ وَ مِنْكَ يَلْتَمِسُ ٱلطَّالِبُ وَ عَلٰى كَرَمِكَ يُعَوِّلُ ٱلْمُسْتَقِيلُ التَّائِبُ. أَدَّبْتَ عِبَادَكَ بِالتَّكَرُّمِ وَ أَنْتَ أَكْرَمُ ٱلْأَكْرَمِينَ وَ أَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَ أَنْتَ الْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ.

اَللّٰهُمَّ لَاتَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ وَ لَا تُؤْيِسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ وَ لَاتُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ وَ ٱجْعَلْنِي فِي جُنَّةٍ مِنْ شِرَارِ خَلْقِكَ وَ بَرِيَّتِكَ. رَبِّ إِنْ لَمْ أَكُنْ مِنْ أَهْلِ ذٰلِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ ٱلْكَرَمِ وَ ٱلْعَفْوِ وَ ٱلْمَغْفِرَةِ. وَ جُدْ عَلَيَّ بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ لَا بِمَا أَسْتَحِقُّهُ. فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَ تَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ وَ عَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ فَأَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرَّاحِمِينَ وَ أَكْرَمُ ٱلْأَكْرَمِينَ.

اَللّٰهُمَّ وَ ٱخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسَمِكَ وَ أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَٱغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ ٱلَّذِي يَحْبِسُ عَلَيَّ ٱلْخُلُقَ وَ يُضَيِّقُ عَلَيَّ ٱلرِّزْقَ حَتّٰى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَ أَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَائِكَ وَ أَسْعَدَ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ. فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَ تَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ وَ ٱسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ بِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ فَجُدْ لِي بِمَا سَأَلْتُكَ وَ أَنِلْ مَا ٱلْتَمَسْتُ مِنْكَ. أَسْأَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ

هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ.

پس سجدهٔ شکر کن و بگوی بیست بار: یٰا رَبِّ، هفت بار: یٰااللّٰهُ، ده بار: لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ. [۱]

آنگه درود فرست بر محمد و آلش و حاجت بخواه بخدای تعالی که اگر به عدد قطره‌های باران خواهی خدای تعالی آن بدهد به کرم و فضل خود و بگوی:

إِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَ قَصَدَكَ فِيهِ الْقٰاصِدُونَ وَ أَمَّلَ فَضْلَكَ وَ مَعْرُوفَكَ الطّٰالِبُونَ وَ لَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحٰاتٌ وَ جَوٰائِزُ وَ عَطٰايٰا وَ مَوٰاهِبُ تَمُنُّ بِهٰا عَلٰى مَنْ تَشٰاءُ مِنْ عِبٰادِكَ وَ تَمْنَعُهٰا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنٰايَةُ مِنْكَ وَ هٰا أَنَا ذٰا عُبَيْدُكَ الْفَقِيرُ إِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَ مَعْرُوفَكَ فَإِنْ كُنْتَ يٰا مَوْلاٰيَ تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلٰى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ وَ عُدْتَ عَلَيْهِ بِعٰائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفٰاضِلِينَ وَ جُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَ مَعْرُوفِكَ يٰا رَبَّ الْعٰالَمِينَ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ آلِهِ الطّٰاهِرِينَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا إِنَّ اللّٰهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا وَعَدْتَنِي فَإِنَّكَ لاٰ تُخْلِفُ الْمِيعٰادَ.

صادق ؑ درین شب این دعا بخواندی:

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ الْخٰالِقُ الرّٰازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ، لَكَ الْجَلاٰلُ وَ الْإِكْرٰامُ وَ لَكَ الْفَضْلُ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْمَنُّ وَ لَكَ الْجُودُ وَ لَكَ الْكَرَمُ وَ لَكَ الْمَجْدُ وَ لَكَ الْأَمْرُ وَحْدَكَ لاٰشَرِيكَ لَكَ، يٰا وٰاحِدُ يٰا أَحَدُ يٰا صَمَدُ يٰا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ صَلِّ

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۳۱ - ۸۳۳

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱغْفِرْ لِي وَ ٱرْحَمْنِي وَ ٱكْفِنِي مٰا أَهَمَّنِي وَ ٱقْضِ عَنِّي دَيْنِي وَ وَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي فَإِنَّكَ فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ كُلَّ أَمْرٍ حَكِيمٍ تَفْرُقُ وَ مَنْ تَشٰاءُ مِنْ خَلْقِكَ تَرْزُقُ فَارْزُقْنِي وَ أَنْتَ خَيْرُ ٱلرّٰازِقِينَ. فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ أَنْتَ خَيْرُ ٱلْقٰائِلِينَ النّٰاطِقِينَ: وَ ٱسْأَلُوا ٱللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ. فَمِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَ إِيّٰاكَ قَصَدْتُ وَ بِنَبِيِّكَ ٱعْتَمَدْتُ وَ لَكَ رَجَوْتُ فَارْحَمْنِي يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.[1]

و درین شب بود ولادت صاحب الزمان عليه السلام سال بر دویست و پنجاه و پنج یا شش از هجرت، پس بگوی:

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنٰا هٰذِهِ وَ مَوْلُودِهٰا وَ حُجَّتِكَ وَ مَوْعُودِهَا ٱلَّتِي قَرَنْتَ إِلٰى فَضْلِهٰا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقًا وَ عَدْلاً. لاٰ مُبَدِّلَ لِكَلِمٰاتِكَ وَلاٰ مُعَقِّبَ لِآيٰاتِكَ. نُورُكَ ٱلْمُتَأَلِّقُ وَ ضِيٰاؤُكَ ٱلْمُشْرِقُ وَ ٱلْعَلَمُ ٱلنُّورُ فِي طَخْيٰاءِ ٱلدَّيْجُورِ ٱلْغٰائِبُ ٱلْمَسْتُورُ جَلَّ مَوْلِدُهُ وَ كَرُمَ مَحْتِدُهُ وَ ٱلْمَلاٰئِكَةُ شُهَّدُهُ وَ ٱللّٰهُ نٰاصِرُهُ وَ مُؤَيِّدُهُ إِذٰا آنَ مِيعٰادُهُ وَ ٱلْمَلاٰئِكَةُ أَمْدٰادُهُ وَ سَيْفُ ٱللّٰهِ ٱلَّذِي لاٰ يَنْبُو وَ نُورُهُ ٱلَّذِي لاٰ يَخْبُو وَ ذُو ٱلْحِلْمِ ٱلَّذِي لاٰ يَصْبُو مَدٰارُ ٱلدَّهْرِ وَ نَوٰامِيسُ ٱلْعَصْرِ وَ وُلاٰةُ ٱلْأَمْرِ وَ ٱلْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ مٰا يَتَنَزَّلُ فِي لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ وَ أَصْحٰابُ ٱلْحَشْرِ وَ ٱلنَّشْرِ وَ تَرٰاجِمَةُ وَحْيِهِ وَ وُلاٰةُ أَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى خٰاتِمِهِمْ وَ قٰائِمِهِمُ ٱلْمَسْتُورِ عَنْ عَوٰالِمِهِمْ. اَللّٰهُمَّ وَ أَدْرِكْ بِنٰا أَيّٰامَهُ وَ ظُهُورَهُ وَ قِيٰامَهُ وَ ٱجْعَلْنٰا مِنْ أَنْصٰارِهِ وَ ٱقْرِنْ ثٰارَنٰا بِثٰارِهِ وَ ٱكْتُبْنٰا فِي أَعْوٰانِهِ وَ خُلَصٰائِهِ وَ أَحْيِنٰا فِي دَوْلَتِهِ نٰاعِمِينَ وَ بِصُحْبَتِهِ غٰانِمِينَ وَ بِحَقِّهِ قٰائِمِينَ وَ مِنَ ٱلسُّوءِ سٰالِمِينَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ ٱلْعٰالَمِينَ وَ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنٰا مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ ٱلنَّبِيِّينَ وَ ٱلْمُرْسَلِينَ وَ عَلٰى أَهْلِ بَيْتِهِ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۸۴۳

اَلصّالِحینَ اَلصّادِقینَ وَ عِتْرَتِهِ اَلنّاطِقینَ وَ اَلْعَنْ جَمیعَ الظّالِمینَ وَ اَحْکُمْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُمْ یا أَحْکَمَ اَلْحاکِمینَ.

ماه رمضان

چون ماه نو ببینی روی فرا قبله کن و بگوی:

اَللّٰهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَیْنا بِالْأَمْنِ وَ اَلإیمانِ وَ السَّلامَةِ وَ اَلْإِسْلامِ وَ اَلْعافِیَةِ اَلْمُجَلَّلَةِ وَ اَلرِّزْقِ اَلْواسِعِ وَ دَفْعِ اَلْأَسْقامِ. اَللّٰهُمَّ اَرْزُقْنا صِیامَهُ وَ قِیامَهُ وَ تِلاٰوَةَ اَلْقُرْآنِ فیهِ. اَللّٰهُمَّ فَسَلِّمْهُ لَنا وَ تَسَلَّمْهُ مِنّا وَ سَلِّمْنا فیهِ.

روایتست که پیغمبرﷺ این دعا بگفتی.[1]

و اول روز از این ماه بگوی:

اَللّٰهُمَّ هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ اَلَّذي أُنْزِلَ فیهِ اَلْقُرْآنُ هُدًی لِلنّاسِ وَ بَیِّناتٍ مِنَ اَلْهُدیٰ وَ اَلْفُرْقانِ وَ قَدْ حَضَرَ یا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ رَبّي مِنَ اَلشَّیْطانِ الرَّجیمِ مِنْ مَکْرِهِ وَ حَبائِلِهِ وَ جُنُودِهِ وَ خَیْلِهِ وَ رَجْلِهِ وَ اَرْزُقْني صِیامَهُ وَ قِیامَهُ وَ اَلْعَمَلَ فیهِ بِطاعَتِكَ وَ جَنِّبْني مَعاصِیَكَ وَ اَرْزُقْني فیهِ اَلتَّوْبَةَ وَ اَلْإِنابَةَ وَ اَلْإِجابَةَ وَ أَعِذْني مِنَ الْکَسَلِ وَ اَلْفَشَلِ وَ اَسْتَجِبْ لي فیهِ اَلدُّعاءَ وَ أَصِحَّ لي فیهِ جِسْمي وَ فَرِّغْني فیهِ لِطاعَتِكَ یاکَریمُ یاکَریمُ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْحَمْنا یا أَرْحَمَ اَلرّاحِمینَ وَ یا خَیْرَ اَلنّاصِرینَ.

و مستحبّ بوَد که درین ماه هزار رکعت نماز کند زیادت بر نمازهای ماههای دیگر و ترتیبش چنان بوَد که در هجده شب از اول به ترتیب هر شبی بیست رکعت نماز کند، هشت میان شام و خفتن و دوازده پس از نماز خفتن و همچنین در شب

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۵۴۰

بیستم بیست رکعت کند و در شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم در هر یکی ازین سه شب صد رکعت کند. در هر رکعتی **الحمد** یکبار و ده بار **قل هو الله** و در شب بیست و دوم و بیست و چهارم و شبهای پس از آن تا آخر ماه در هر شبی سی رکعت کند، هشت رکعت میان شام و خفتن و باقی پس از نماز خفتن. و در هر آدینه ازین ماه نماز امیرالمؤمنین و نماز فاطمه و نماز جعفر علیهم‌السلام بکند و آن هر سه ده رکعت بود و در شب آدینهٔ بازپسین بیست رکعت بکند چون نماز فاطمه علیها‌السلام و در آن تمامت هزار رکعت بود.

و روایتی دیگر آمده که در هر شبی تا شب بیستم بیست رکعت و در دههٔ بازپسین در هر شبی سی رکعت می‌کند و زیاده بر آن در هر شبی از آن سه شب طاق که گفته شد صد رکعت زیاده می‌کند، تمامت هزار رکعت بود و زیاده برین هزار رکعت، در شب نیمهٔ ماه صد رکعت کند، در هر رکعتی یکبار **الحمد** و ده بار **قل هوالله**.

و مستحب بود غسل کردن در اول شب ازو و شب نیمهٔ ماه و شب هفدهم و شب نوزدهم و شب بیست و یکم و شب بیست و سوم. مستحب بود که در شب بیست و سیم هزار بار **إنّا أنزلناه** بخواند و سورت عنکبوت و روم نیز بخواند. و صادق علیه‌السلام گفت که، هر که در این شب این دو سوره بخواند بخدای که وی از اهل بهشت بود.

و هر شبی از ماه رمضان بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اَللّٰهُ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ وَحْدَكَ لاٰشَرِيكَ لَكَ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ بِأَنَّكَ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ وَ بِأَنَّكَ جَوٰادٌ مٰاجِدٌ رَحْمٰنُ اَلدُّنْيٰا وَ اَلْآخِرَةِ وَ رَحِيمُهُمٰا تُعْطِي مِنْهُمٰا مَنْ تَشٰاءُ وَ تَمْنَعُ مَنْ تَشٰاءُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمٰا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ اَلْأَمْرِ اَلْمَحْتُومِ وَ فِيمٰا تَفْرِقُ مِنَ اَلْأَمْرِ اَلْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ اَلْقَدْرِ مِنَ اَلْقَضٰاءِ اَلَّذِي لاٰ يُرَدُّ وَ لاٰ يُبَدَّلُ وَ لاٰ يُغَيَّرُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ

حُجّاجِ بَيْتِكَ ٱلْحَرامِ ٱلْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ ٱلْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ ٱلْمَغْفُورِ ذَنْبُهُمْ ٱلْمُكَفَّرِ عَنْهُم سَيِّئاتُهُمْ ٱلْمُسْتَجابُ دُعاءُهُمْ ٱلْمُعْطىٰ سُؤْلُهُمْ ٱلْمُوَسَّعُ لَهُمْ في أَرْزاقِهِمْ ٱلْمَمْدُودُ لَهُمْ في أَعْمارِهِمْ ٱلْمَحْفُوظِينَ في أَنْفُسِهِمْ وَ أَدْيانِهِمْ وَ أَهالِيهِمْ وَ أَوْلادِهِمْ وَ أَمْوالِهِمْ وَ أَنْ تَجْعَلَ ذٰلِكَ في عامي هٰذا وَ في كُلِّ عامٍ أَبَدًا ما أَبْقَيْتَني في يُسْرٍ مِنْكَ وَ عافِيَةٍ وَ صِحَّةٍ مِنْ جِسْمي وَ نِيَّةٍ مِنّي خالِصَةٍ لَكَ وَ مُخْلِصَةٍ وَ سَعَةٍ مِنْ ذاتِ يَدي وَ قُوَّةٍ عَلىٰ جَميعِ أُمُوري وَ أَنْ تَجْعَلَ فيما تَقْضي وَ تُقَدِّرُ أَنْ تَمُدَّ في عُمْري وَ أَنْ تُوَسِّعَ في رِزْقي وَ أَنْ تَقْضِيَ دَيْني وَ أَنْ تُؤَدِّيَ عَنّي أَمانَتي وَ أَنْ تَخْتِمَ لي عَمَلي بِما يُرْضيكَ عَنّي يا رَبَّ ٱلْعالَمينَ.

و در روز و شب از ماه رمضان چندانکه توانی بگوی:

يا ذَا ٱلَّذي كانَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ ثُمَّ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ثُمَّ يَبْقىٰ وَ يَفْنىٰ كُلُّ شَيْءٍ يا ذَا ٱلَّذي لَيْسَ فِي السَّمٰواتِ ٱلْعُلىٰ وَ لا فِي ٱلْأَرَضينَ ٱلسُّفْلىٰ وَ لا فَوْقَهُنَّ وَ لا تَحْتَهُنَّ وَ لا بَيْنَهُنَّ إِلٰهٌ يُعْبَدُ غَيْرُهُ، لَكَ ٱلْحَمْدُ حَمْدًا لا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِهِ إِلاّ أَنْتَ فَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً لا يَقْوىٰ عَلىٰ إِحْصائِها إِلاّ أَنْتَ.

[واز آن اصحاب عصمت سلام الله علیهم روایت شده که بر مؤمن لازمست تکرار این دعا در تمام عمر خصوصاً در ماه مبارک رمضان وبتخصیص در شب بیست و سوم در حال سجود و قیام و قعود و در هر حال و هر وقت بگوی پس از تحمید الله و صلوات بر نبی ﷺ :

اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ فُلانِ بْنِ فُلانٍ في هٰذِهِ ٱلسّاعَةِ وَ في كُلِّ ساعَةٍ وَلِيًّا وَ حافِظًا وَ ناصِرًا وَ دَليلاً وَ قائِدًا وَ عَينًا حَتّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فيها طَويلاً.

و مرویست از جعفر علیه السلام که، هرکه این دعا در هر شب همچنین هر روز از ماه

رمضان بخواند خدای تعالی گناه چهل سال او را به فضل و کرم خود بیامرزد.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضانَ اَلَّذي أَنْزَلْتَ فيهِ اَلْقُرْآنَ وَ اَفْتَرَضْتَ عَلیٰ عِبادِكَ فيهِ اَلصِّيامَ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْني حَجَّ بَيْتِكَ اَلْحَرامِ في عامي هٰذا وَ اغْفِرْ لي تِلْكَ الذُّنُوبَ اَلْعِظامَ فَإِنَّهُ لا يَغْفِرُها غَيْرُكَ يا رَحْمٰنُ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمينَ.][1]

مرویست از محمد تقی عليه السلام که هر روزی از این ماه بخواند:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا شَهْرُ رَمَضانَ اَلَّذي أُنْزِلَ فيهِ اَلْقُرْآنُ هُدًى لِلنّاسِ وَ بَيِّناتٍ مِنَ اَلْهُدىٰ وَ اَلْفُرْقانِ وَ هٰذا شَهْرُ اَلصِّيامِ وَ هٰذا شَهْرُ اَلْقِيامِ وَ هٰذا شَهْرُ اَلإِنابَةِ وَ هٰذا شَهْرُ اَلتَّوْبَةِ وَ هٰذا شَهْرُ اَلْمَغْفِرَةِ وَ اَلرَّحْمَةِ وَ هٰذا شَهْرُ اَلْعِتْقِ مِنَ اَلنّارِ وَ اَلْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَ هٰذا شَهْرٌ فيهِ لَيْلَةُ اَلْقَدْرِ اَلَّتي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.

اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِنّي عَلیٰ صِيامِهِ وَ قِيامِهِ وَ سَلِّمْهُ لي وَ سَلِّمْني فيهِ وَ أَعِنّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ وَ وَفِّقْني فيهِ لِطاعَتِكَ وَ طاعَةِ رَسُولِكَ وَ أَوْلِياءِكَ وَ فَرِّغْني فيهِ لِعِبادَتِكَ وَ دُعائِكَ وَ تِلاوَةِ كِتابِكَ وَ أَعْظِمْ لي فيهِ اَلْبَرَكَةَ وَ أَحْرِزْ لي فيهِ اَلتَّوْبَةَ وَ أَحْسِنْ لي فيهِ اَلْعافِيَةَ وَ أَصِحَّ لي بَدَني وَ أَوْسِعْ فيهِ رِزْقي وَ اكْفِني فيهِ ما أَهَمَّني وَ اسْتَجِبْ لي فيهِ دُعائي وَ بَلِّغْني فيهِ رَجائي.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَذْهِبْ عَنّي فيهِ اَلنُّعاسَ وَ اَلْكَسَلَ وَ اَلسَّأْمَةَ وَ اَلْفَتْرَةَ وَ اَلْقَسْوَةَ وَ اَلْغَفْلَةَ وَ اَلْغِرَّةَ وَ جَنِّبْني فيهِ اَلْعِلَلَ وَ اَلأَسْقامَ وَ اَلْهُمُومَ وَ اَلأَحْزانَ وَ اَلأَعْراضَ وَ اَلأَمْراضَ وَ اَلْخَطايا وَ اَلذُّنُوبَ

۱. داخل کروشه تنها در «م» آمده است

وَ اَصْرِفْ عَنّي فيهِ اَلسُّوءَ وَ اَلْفَحْشاءَ وَ اَلْجَهْدَ وَ اَلْبَلاءَ وَ اَلتَّعَبَ وَ اَلْعَناءَ إِنَّكَ سَميعُ اَلدُّعاءَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعِذْني فيهِ مِنَ اَلشَّيْطانِ اَلرَّجيمِ وَ هَمْزِهِ وَ لَمْزِهِ وَ نَفْثِهِ وَ نَفْخِهِ وَ وَسْوَسَتِهِ وَ تَثْبيطِهِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكْرِهِ وَ حَبائِلِهِ وَ خُدَعِهِ وَ أَمانيهِ وَ غُرُورِهِ وَ فِتْنَتِهِ وَ خَيْلِهِ وَ رَجْلِهِ وَ شَرَكِهِ وَ أَحْزابِهِ وَ أَعْوانِهِ وَ إِخْوانِهِ وَ أَتْباعِهِ وَ أَشْياعِهِ وَ أَوْلِيائِهِ وَ شُرَكائِهِ وَ جَميعِ مَكائِدِهِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْزُقْنا صِيامَهُ وَ قِيامَهُ وَ بُلُوغَ اَلْأَمَلِ فيهِ وَ في قِيامِهِ وَ اَسْتِكْمالَ ما يُرْضيكَ عَنّي صَبْرًا وَ اَحْتِسابًا وَ إِيمانًا وَ يَقينًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنّي بِالْأَضْعافِ الْكَثيرَةِ وَ اَلْأَجْرِ اَلْعَظيمِ يا رَبَّ اَلْعالَمينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْزُقْنَا اَلْحَجَّ وَ اَلْعُمْرَةَ وَ اَلْجِدَّ وَ اَلْاِجْتِهادَ وَ اَلْقُوَّةَ وَ اَلنَّشاطَ وَ اَلْإِنابَةَ وَ اَلتَّوْبَةَ وَ اَلتَّوْفيقَ وَ اَلْقُرْبَةَ وَ اَلْخَيْرَ اَلْمَقْبُولَ وَ اَلرَّهْبَةَ وَ اَلرَّغْبَةَ وَ اَلتَّضَرُّعَ وَ اَلْخُشُوعَ وَ اَلرِّقَّةَ وَ اَلنِّيَّةَ اَلصّادِقَةَ وَ صِدْقَ اَللِّسانِ وَ اَلْوَجَلَ مِنْكَ وَ اَلرَّجاءَ لَكَ وَ اَلتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَ اَلثِّقَةَ بِكَ وَ اَلْوَرَعَ عَنْ مَحارِمِكَ مَعَ صالِحِ اَلْقَوْلِ وَ مَقْبُولِ اَلسَّعْيِ وَ مَرْفُوعِ اَلْعَمَلِ وَ مُسْتَجابِ اَلدَّعْوَةِ وَ لا تَحُلْ بَيْني وَ بَيْنَ شَيْءٍ مِنْ ذٰلِكَ بِعَرَضٍ وَ لا مَرَضٍ وَ لا هَمٍّ وَ لا غَمٍّ وَ لا سُقْمٍ وَ لا غَفْلَةٍ وَ لا نِسْيانٍ بَلْ بِالتَّعاهُدِ وَ اَلتَّحَفُّظِ لَكَ وَ فيكَ وَ اَلرِّعايَةِ لِحَقِّكَ وَ اَلْوَفاءِ بِعَهْدِكَ وَ وَعْدِكَ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ اَلرّاحِمينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَقْسِمْ لي فيهِ أَفْضَلَ ما تَقْسِمُهُ لِعِبادِكَ اَلصّالِحينَ وَ أَعْطِني فيهِ أَفْضَلَ ما تُعْطي أَوْلِياءَكَ اَلْمُتَّقينَ اَلْمُقَرَّبينَ مِنَ اَلرَّحْمَةِ وَ اَلْمَغْفِرَةِ وَ اَلتَّحَنُّنِ وَ اَلْإِجابَةِ وَ اَلْعَفْوِ وَ اَلْمَغْفِرَةِ اَلدّائِمَةِ وَ اَلْعافِيَةِ وَ اَلْمُعافاتِ وَ اَلْعِتْقِ مِنَ اَلنّارِ وَ اَلْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَ خَيْرِ اَلدُّنْيا وَ اَلْآخِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ دُعٰائِي فِيهِ إِلَيْكَ وٰاصِلاً وَ رَحْمَتَكَ وَ خَيْرَكَ إِلَيَّ نٰازِلاً وَ عَمَلِي فِيهِ مَقْبُولاً وَ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُورًا وَ ذَنْبِي فِيهِ مَغْفُورًا حَتّٰى يَكُونَ نَصِيبِي فِيهِ اَلْأَكْبَرَ وَ حَظِّي فِيهِ اَلْأَوْفَرَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ وَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ اَلْقَدْرِ اَلَّتِي هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ عَلٰى أَفْضَلِ حٰالٍ تُحِبُّ أَنْ يَكُونَ عَلَيْهٰا أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيٰائِكَ وَ أَرْضٰاهٰا لَكَ ثُمَّ اجْعَلْهٰا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَ ارْزُقْنِي فِيهٰا أَفْضَلَ مٰا رَزَقْتَ أَحَدًا مِمَّنْ بَلَّغْتَهُ إِيّٰاهٰا وَ أَكْرَمْتَهُ بِهٰا وَ اجْعَلْنٰا فِيهٰا مِنْ عُتَقٰائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ وَ طُلَقٰائِكَ مِنَ اَلنّٰارِ وَ سُعَدٰاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَ رِضْوٰانِكَ يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنٰا فِي شَهْرِنٰا هٰذَا اَلْجِدَّ وَ اَلْإِجْتِهٰادَ وَ اَلْقُوَّةَ وَ اَلنَّشٰاطَ وَ مٰا تُحِبُّ وَ تَرْضٰى.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ اَلْفَجْرِ وَ اَللَّيٰالِي اَلْعَشْرِ وَ اَلشَّفْعِ وَ اَلْوَتْرِ وَ رَبَّ شَهْرِ رَمَضٰانَ وَ مٰا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ اَلْقُرْاٰنِ وَ رَبَّ جِبْرٰئِيلَ وَ مِيكٰائِيلَ وَ إِسْرٰافِيلَ وَ جَمِيعِ اَلْمَلاٰئِكَةِ اَلْمُقَرَّبِينَ وَ رَبَّ إِبْرٰاهِيمَ وَ إِسْمٰعِيلَ وَ إِسْحٰاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ رَبَّ مُوسٰى وَ عِيسٰى وَ رَبَّ جَمِيعِ اَلنَّبِيِّينَ وَ اَلْمُرْسَلِينَ وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خٰاتَمِ اَلنَّبِيِّينَ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَيْهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَ بِحَقِّكَ اَلْعَظِيمِ لَمّٰا صَلَّيْتَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَ نَظَرْتَ إِلَيَّ نَظْرَةً رَحِيمَةً تَرْضٰى بِهٰا عَنِّي رِضًا لاٰتَسْخَطُ[1] عَلَيَّ بَعْدَهُ أَبَدًا وَ أَعْطَيْتَنِي جَمِيعَ سُؤْلِي وَ رَغْبَتِي وَ أُمْنِيَّتِي وَ إِرٰادَتِي وَ صَرَفْتَ عَنِّي جَمِيعَ مٰا أَكْرَهُ وَ أَحْذَرُ وَ أَخٰافُ عَلٰى نَفْسِي وَ مٰا لاٰ أَخٰافُ وَ عَنْ أَهْلِي وَ مٰالِي وَ إِخْوٰانِي وَ

---

۱. در «د»: لاٰ سَخَطَ.

ذُرِّيَّتي.

اَللّٰهُمَّ إِلَيْكَ فَرَرْنا مِنْ ذُنُوبِنا فَآوِنا تائِبِينَ وَ تُبْ عَلَيْنا مُسْتَغْفِرِينَ وَ اغْفِرْ لَنا مُتَعَوِّذِينَ وَ أَعِذْنا مُسْتَجِيرِينَ وَ أَجِرْنا مُسْتَسْلِمِينَ وَ لا تَخْذُلْنا راهِبِينَ وَ آمِنّا راغِبِينَ وَ شَفِّعْنا سائِلِينَ وَ أَعْطِنا إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعاءِ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ رَبِّي وَ أَنَا عَبْدُكَ وَ أَحَقُّ مَنْ سَأَلَ الْعَبْدُ رَبُّهُ وَ لَمْ يَسْأَلِ الْعِبادُ مِثْلَكَ كَرَمًا وَ جُودًا يا مَوْضِعَ شَكْوَى السّائِلِينَ وَ يا مُنْتَهى حاجاتِ الرّاغِبِينَ [1] وَ يا غِياثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ يا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يا مَلْجَأَ الْهارِبِينَ وَ يا صَرِيخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَ يا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ يا كاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَ يا فارِجَ هَمِّ الْمَهْمُومِينَ وَ يا كاشِفَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحِيمُ يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ عُيُوبِي وَ إِساءَتِي وَ ظُلْمِي وَ جُرْمِي وَ إِسْرافِي عَلىٰ نَفْسِي وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ فَإِنَّهُ لا يَمْلِكُها غَيْرُكَ وَ اعْفُ عَنِّي وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ما قَدْ سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي وَ اعْصِمْنِي فِيما بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَ اسْتُرْ عَلَيَّ وَ عَلىٰ والِدَيَّ وَ وَلَدِي وَ قَرابَتِي [2] وَ أَهْلِ حُزانَتِي وَ مَنْ كانَ بِسَبِيلٍ مِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ فَإِنَّ ذٰلِكَ كُلَّهُ بِيَدِكَ وَ أَنْتَ واسِعُ الْمَغْفِرَةِ فَلا تُخَيِّبْنِي يا سَيِّدِي وَ لا تَرُدَّ دُعائِي عَلَيَّ وَ لا تَرُدَّ [3] يَدِي إِلىٰ نَحْرِي حَتّىٰ تَفْعَلَ ذٰلِكَ بِي وَ تَسْتَجِيبَ لِي فِي جَمِيعِ ما سَأَلْتُكَ وَ تَزِيدَنِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ نَحْنُ إِلَيْكَ راغِبُونَ.

[اَللّٰهُمَّ لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنىٰ وَ الْكِبْرِياءُ وَ الْآلاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللّٰهِ

---

۱. در «م» : الطّالِبِينَ. ۲. در «م» : وَأَقْرِبائِي. ۳. در «د» : وَ لا تَغُلَّ

ٱلرَّحْمٰنِ ٱلرَّحِيمِ إِنْ كُنْتَ قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ ٱلْمَلاٰئِكَةِ وَ ٱلرُّوحِ فِيهٰا أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمِي فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحِي مَعَ ٱلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبٰاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَ إِيمٰانًا لاٰ يَشُوبُهُ شَكٌّ وَ رِضًا بِمٰا قَسَمْتَ لِي وَ اٰتِنِي فِي ٱلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ فِي ٱلْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ ٱلنّٰارِ. وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ قَضَيْتَ فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ تَنَزُّلَ ٱلْمَلاٰئِكَةِ وَ ٱلرُّوحِ فِيهٰا فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَخِّرْنِي إِلىٰ ذٰلِكَ وَ ٱرْزُقْنِي فِيهٰا ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ طٰاعَتَكَ وَ حُسْنَ عِبٰادَتِكَ وَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ بِأَفْضَلِ صَلَوٰاتِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ.

يٰا أَحَدُ يٰا صَمَدُ يٰا رَبَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ ٱغْضَبِ ٱلْيَوْمَ لِمُحَمَّدٍ وَلِأَبْرٰارِ عِتْرَتِهِ وَ ٱقْتُلْ أَعْدٰائَهُمْ بَدَدًا وَ أَحْصِهِمْ عَدَدًا وَ لاٰ تَدَعْ عَلٰى ظَهْرِ ٱلْأَرْضِ مِنْهُمْ أَحَداً وَ لاٰ تَغْفِرْ لَهُمْ أَبَداً يٰا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يٰا خَلِيفَةَ ٱلنَّبِيِّينَ أَنْتَ أَرْحَمُ ٱلرّٰاحِمِينَ ٱلْبَدِئُ ٱلْبَدِيعُ ٱلَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ ٱلْقٰائِمُ ٱلدّٰائِمُ غَيْرُ ٱلْغٰافِلِ وَ ٱلْحَيُّ ٱلَّذِي لاٰ يَمُوتُ أَنتَ كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ أَنْتَ خَلِيفَةُ مُحَمَّدٍ وَ نٰاصِرُ مُحَمَّدٍ وَ مُفَضِّلُ مُحَمَّدٍ أَسْأَلُكَ أَنْ تَنْصُرَ وَصِيَّ مُحَمَّدٍ وَ خَلِيفَةَ مُحَمَّدٍ وَ ٱلْقٰائِمَ بِالْقِسْطِ مِنْ أَوْصِيٰاءِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَعْطِفْ عَلَيْهِمْ نَصْرَكَ يٰا لاٰإِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ بِحَقِّ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱجْعَلْنِي مَعَهُمْ وَجِيهًا فِي ٱلدُّنْيٰا وَ ٱلْاٰخِرَةِ وَ ٱجْعَلْ عٰاقِبَةَ أَمْرِي إِلىٰ غُفْرٰانِكَ وَ رَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ ٱلرّٰاحِمِينَ وَ كَذٰلِكَ نَسَبْتَ نَفْسَكَ يٰا سَيِّدِي بِاللَّطِيفِ بَلٰى إِنَّكَ لَطِيفٌ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱلْطُفْ لِمٰا تَشٰاءُ. ٱللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ ٱرْزُقْنِي ٱلْحَجَّ وَ ٱلْعُمْرَةَ فِي عٰامِنٰا هٰذٰا وَ تَطَوَّلْ عَلَيَّ بِجَمِيعِ حَوٰائِجِي لِلْاٰخِرَةِ وَ ٱلدُّنْيٰا.

أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ. أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ رَبِّي وَ

أَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ، أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ إِنَّهُ كَانَ غَفّٰارًا. ٱللّٰهُمَّ ٱغْفِرْ لِي إِنَّكَ أَرْحَمُ ٱلرّٰاحِمِينَ، رَبِّ إِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ إِلاّٰ أَنْتَ أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ ٱلَّذِي لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ هُوَ ٱلْحَيُّ ٱلْقَيُّومُ ٱلْحَلِيمُ ٱلْعَظِيمُ ٱلْكَرِيمُ ٱلْغافِرُ لِلذَّنْبِ ٱلْعَظِيمِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، أَسْتَغْفِرُ ٱللّٰهَ إِنَّ ٱللّٰهَ كٰانَ غَفُورًا رَحِيمًا -سه بار-.

ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمٰا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ مِنَ ٱلْأَمْرِ ٱلْعَظِيمِ ٱلْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ مِنَ ٱلْقَضٰاءِ ٱلَّذِي لاٰ يُرَدُّ وَ لاٰ يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجّٰاجِ بَيْتِكَ ٱلْحَرٰامِ ٱلْمَبْرُورِ حَجُّهُم ٱلْمَشْكُورِ سَعْيُهُم ٱلْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُم ٱلْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئٰاتُهُمْ وَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمٰا تَقْضِي وَ تُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَ تُوَسِّعَ رِزْقِي وَ تُؤَدِّيَ عَنِّي أَمٰانَتِي وَ دَيْنِي آمِينَ رَبَّ ٱلْعٰالَمِينَ.

ٱللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَ مَخْرَجًا وَٱرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَ مِنْ حَيْثُ لاٰ أَحْتَسِبُ وَٱحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَ مِنْ حَيْثُ لاٰ أَحْتَرِسُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.][1]

پس از نمازها در رمضان به شب و روز همین دعا بگوی:

يٰا عَلِيُّ يٰا عَظِيمُ يٰا غَفُورُ يٰا رَحِيمُ أَنْتَ ٱلرَّبُّ ٱلْعَظِيمُ ٱلَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْبَصِيرُ وَ هٰذٰا شَهْرٌ عَظَّمْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَ شَرَّفْتَهُ وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى ٱلشُّهُورِ وَ هُوَ ٱلشَّهْرُ ٱلَّذِي فَرَضْتَ صِيٰامَهُ عَلَيَّ وَ هُوَ شَهْرُ رَمَضٰانَ ٱلَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ ٱلْقُرْآنَ هُدًى لِلنّٰاسِ وَ بَيِّنٰاتٍ مِنَ ٱلْهُدٰى وَ ٱلْفُرْقٰانِ وَ

---

۱. داخل کروشه تنها در نسخهٔ «م» آمده و از افزوده‌های کاتب آن نسخه است. مصباح المتهجد، ص ۶۱۰- ۶۱۵

جَعَلْتَ فِيهِ لَيْلَةَ ٱلْقَدْرِ وَ جَعَلْتَها خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فَيٰاذَا ٱلْمَنِّ وَ لاٰ يُمَنُّ عَلَيْكَ مُنَّ عَلَيَّ بِفَكٰاكِ رَقَبَتِي مِنَ ٱلنّٰارِ فِيمَنْ تَمُنُّ عَلَيْه وَ أَدْخِلْنِي ٱلْجَنَّة بِرَحْمَتِكَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

و پس از هر دو رکعت از نوافل این ماه بگوی :

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ ٱلْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ «وَ أَنْتَ ٱلْاٰخِرُ فَلَيْس بَعْدَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ ٱلظّٰاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ» وَ أَنْتَ ٱلْبٰاطِنُ فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ. اَللّٰهُمَّ أَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكٰاتُهُ.[۱]

و امیر المؤمنین ﷺ چون روزه بخواستی گشودن گفتی :

بِسْمِ ٱللّٰهِ ٱللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنٰا وَ عَلىٰ رِزْقِكِ أَفْطَرْنٰا فَتَقَبَّلْ مِنّٰا إِنَّكَ أَنْتَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ، ٱللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّٰا وَ أَعِنّٰا عَلَيْهِ.

صادق ﷺ گفت: چون روزه بخواهی گشادن هر شب از اوّل ماه تا آخر ماه بگوی:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَعٰانَنٰا فَصُمْنٰا وَ رَزَقَنٰا فَأَفْطَرْنٰا ٱللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّٰا وَ أَعِنّٰا عَلَيْهِ وَ سَلِّمْنٰا فِيهِ وَ تَسَلَّمْهُ مِنّٰا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عٰافِيَةٍ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي قَضٰى عَنّٰا يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضٰانَ.

و[۲] جهد کن تا مؤمنی با تو روزه گشاید که پیغمبر ﷺ گفت: هر که روزه داری را

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۵۴۳

۲. در نسخهٔ «م» این مطالب افزوده شده: و در روایت آمده که هر که افطار به تمر حلال کند نماز او برابر

روزه بگشاید وی را همچندان ثواب بوَد و ثواب هر طاعت که به قوّت آن طعام کرده بی آنکه از ثواب وی چیزی کم شود. و از یکی از ائمه علیهم السلام روایتست که گفت: آن که برادر مؤمنی را روزه بگشاید ثواب آن بوَد وی را که بنده آزاد کرده بوَد و هر گناه که کرده بود بیامرزد خدای تعالی. یکی گفت: یا رسول الله هر کسی از ما نتواند که روزه‌داری را روزه بگشاید؟ گفت که خدای تعالی کریم است، این ثواب بدهد کسی را که بر شربتی شیر یا شربتی آب جوش یا به خرمایی یا بدانچه تواند روزه‌داری را روزه بگشاید.[1]

و صادق علیه السلام[2] گفت: روزه از طعام و شراب نیست تنها، چون روزه دارید زبان و چشم نگاه دارید و و با یکدیگر منازعت مکنید و بر یکدیگر حسد مبرید که پیغمبر صلی الله علیه و آله شنید که زنی روزه‌دار کنیزک خود را دشنام می‌داد. رسول علیه السلام فرمود تا طعامی حاضر آوردند، زن را گفت: بخور. زن گفت: من روزه دارم. گفت علیه السلام : چگونه روزه داری که کنیزک خود را دشنام دادی؟ روزه از طعام و شراب نیست تنها. و پیغمبر صلی الله علیه و آله گفت جابر را که ای جابر! هر که این ماه رمضان، روز روزه دارد و شب برخیزد و شکم و فرج را از حرام نگاه دارد و زبان را نگاه دارد از گناهان بیرون آید هم چنانکه از ماه بیرون آید. جابر گفت: یا رسول الله چه نیکو حدیثی است این. رسول صلی الله علیه و آله گفت: ای جابر چه دشوار شرطهاست این شرطها.

و در شب بیست و یکم بود از این ماه که عیسی را علیه السلام به آسمان بردند و وصیّ موسی علیه السلام را روح قبض کردند و وصیّ محمد مصطفی صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی را علیه السلام

باشد با چهارصد نماز و در کتاب مقنعه روایت کرده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله به خرما افطار کردی و در روایت دیگر آمده که به شیرینی‌افطار کردی واگر نیافتی به آب نیم گرم افطار کردی ومی گفت‌که معده و جگر را پاک می کند و بوی دهن را خوش می کند و دندان را محکم می‌سازد و چشم را روشنایی زیاده می کند و گناهان را می‌شوید و صفرای غالب را تسکین می‌دهد و بلغم را می‌برد و درد سر را دفع می کند.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۶۶، ح ۴

۲. در «د» : و پیغمبر. این روایت در وسائل ج ۱۰، ص ۱۶۲ ـ ۱۶۳ از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

روح قبض کردند.[۱]

و باقر[۲] علیه السلام نزدیک روزه گشادن در ماه رمضان إِنّا أنزلناه می‌خواندی و گفتی: هیچ مؤمن روزه‌دار نبود که نزدیک سحر خوردن و روزه گشادن این دعا برخواند الّا که همچنان بود که در خون می‌گردد در راه خدای تعالی.

واز بعضی ائمه علیهم السلام روایتست که، هر که در ماه رمضان بگوید:

اَللّٰهُمَّ هٰذٰا شَهْرُ رَمَضٰانَ الَّذِي أَنْزَلْتَ فِيهِ ٱلْقُرْاٰنَ وَ ٱفْتَرَضْتَ فِيهِ مِنَ ٱلصِّيٰامِ عَلٰى عِبٰادِكَ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ ٱرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ ٱلْحَرٰامِ فِي عٰامِي هٰذٰا وَ فِي كُلِّ عٰامٍ وَ ٱغْفِرْ لِي تِلْكَ ٱلذُّنُوبَ ٱلْعِظٰامَ فَإِنَّهُ لاٰ يَغْفِرُهٰا غَيْرُكَ يٰا رَحْمٰنُ

خدای تعالی گناه چهل سالهٔ وی بیامرزد.

[دعای وقت سحر]

و در وقت سحر در شبهای ماه رمضان بگوید که:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَ إِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَ إِنْ كُنْتُ بَخِيلاً حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي أُنٰادِيهِ كُلَّمٰا شِئْتُ لِحٰاجَتِي وَ أَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حٰاجَتِي وَ ٱلْحَمْدُ لِلّٰهِ ٱلَّذِي لاٰ أَدْعُو غَيْرَهُ وَ لَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ

---

۱. در «م» این افزوده از طرف کاتب آمده: و شب بیست و سیم به اعتقاد أکثر علمای اهل البیت شب قدر است و سید ابن طاووس رحمه الله در کتاب عمل ماه رمضان آورده که از امام محمد باقر علیه السلام روایت است که هرکه در ین شب احیا نماید و صد رکعت نماز بگذارد خدای تعالی روزی او را گشاده گرداند و از شر عذاب و از غرق و هدم و شر سباع ایمن سازد و هول منکر و نکیر دفع نماید و نامه اعمال او بدست راست او دهند و برائتی از آتش دوزخ و امانی از عذاب به او کرامت و بیحساب او را به بهشت، رفیق پیغمبران وصدیقان و صلحا و شهدا باشد و حَسُنَ اولئك رفيقاً.

۲. در «م» : حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

لَمْ يُسْتَجَبْ دُعٰائِي وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي لاٰ أَرْجُو غَيْرَهُ وَ لَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجٰائِي وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ وَ أَكْرَمَنِي وَ لَمْ يَكِلْنِي إِلَى اَلنّٰاسِ فَيُهِينُونِي وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي يَتَحَبَّبُ إِلَيَّ وَ هُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتّٰى كَأَنِّي لاٰ ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَ أَحَقُّ بِحَمْدِي، يٰا ذَاالْمَنِّ وَ لاٰ يُمَنُّ عَلَيْكَ يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ اَلْإِكْرٰامِ يٰا ذَاالطَّوْلِ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ ظَهْرُ اَللاّٰجِئِينَ وَ جٰارُ اَلْمُسْتَجِيرِينَ وَ أَمٰانُ اَلْخٰائِفِينَ إِنْ كٰانَ فِي أُمِّ اَلْكِتٰابِ أَنِّي شَقِيٌّ فَامْحُ مِنْ أُمِّ اَلْكِتٰابِ شَقٰائِي. اَللّٰهُمَّ وَ إِنْ كٰانَ فِي أُمِّ اَلْكِتٰابِ أَنِّي مَحْرُومٌ وَ مُقَتَّرٌ عَلَيَّ فِي اَلرِّزْقِ فَامْحُ مِنْ أُمِّ اَلْكِتٰابِ حِرْمٰانِي وَ تَقْتِيرِي فِي رِزْقِي وَ أَثْبِتْنِي عِنْدَكَ سَعِيدًا مَرْزُوقًا فِي اَلْخَيْرِ فَإِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتٰابِكَ اَلْمُنْزَلِ عَلٰى لِسٰانِ نَبِيِّكَ اَلْمُرْسَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ «يَمْحُو اَللّٰهُ مٰا يَشٰاءُ وَ يُثْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ اَلْكِتٰابِ».

و صادق عليه السلام در هر شبی از ده شبِ بازپسین گفتی:

أَعُوذُ بِجَلاٰلِ اَللّٰهِ وَ وَجْهِكَ اَلْكَرِيمِ أَنْ يَنْقَضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضٰانَ أَوْ يَطْلُعَ اَلْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ وَ لَكَ عِنْدِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ يَوْمَ أَلْقٰاكَ.

[دعاهای ده شب بازپسین ماه رمضان]

و ده شب باز پسین هر شبی را دعایی مرویست از صادق عليه السلام :

دعای شب اوّل

يٰا مُولِجَ اَللَّيْلِ فِي اَلنَّهٰارِ وَ مُولِجَ اَلنَّهٰارِ فِي اَللَّيْلِ وَ مُخْرِجَ اَلْحَيِّ مِنَ اَلْمَيِّتِ وَ مُخْرِجَ اَلْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يٰا رٰازِقَ مَنْ تَشٰاءُ بِغَيْرِ حَسٰابٍ يٰا اَللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا

اَللّٰهُ يا رَحيمُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ لَكَ اَلْأَسْماءُ اَلْحُسْنىٰ وَ اَلْأَمْثالُ اَلْعُلْيا وَ اَلْكِبْرِياءُ وَ اَلْآلاءُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ اَسْمي فِي هٰذِهِ اَللَّيْلَةِ فِي اَلسُّعَداءِ وَ رُوحي مَعَ اَلشُّهَداءِ وَ إِحْساني فِي عِلِّيِّينَ وَ إِساءَتي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ قَلْبي وَ إيماناً يُذْهِبُ اَلشَّكَّ عَنّي وَ تُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَ آتِني فِي اَلدُّنْيا حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ اَلْحَريقِ وَ اَرْزُقْني فيها شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ اَلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ اَلْإِنابَةَ وَ اَلتَّوْبَةَ وَ اَلتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ اَلسَّلامُ.[1]

دعای شب دوم

يا سالِخَ اَللَّيْلِ مِنَ اَلنَّهارِ[2] فَإِذا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَ مُجْرِيَ اَلشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّها بِتَقْديرِكَ يا عَزيزُ يا حَليمُ يا عَليمُ وَ يا مُقَدِّرَ اَلْقَمَرِ مَنازِلَ حَتّىٰ عادَ كَالْعُرْجُونِ اَلْقَديمِ، يا نُورَ كُلِّ نُورٍ وَ مُنْتَهىٰ كُلِّ رَغْبَةٍ وَ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا اَللّٰهُ يا قُدُّوسُ يا واحِدُ يا فَرْدُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ يا اَللّٰهُ لَكَ اَلْأَسْماءُ اَلْحُسْنىٰ وَ اَلْأَمْثالُ اَلْعُلْيا وَ اَلْكِبْرِياءُ وَ اَلْآلاءُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ اَسْمي فِي هٰذِهِ اَللَّيْلَةِ فِي اَلسُّعَداءِ وَ رُوحي مَعَ اَلشُّهَداءِ وَ إِحْساني فِي عِلِّيِّينَ وَ إِساءَتي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقيناً تُباشِرُ قَلْبي وَ إيماناً يُذْهِبُ اَلشَّكَّ عَنّي وَ تُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَ آتِني فِي اَلدُّنْيا حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ اَلْحَريقِ وَ اَرْزُقْني فيها شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ اَلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ اَلْإِنابَةَ وَ اَلتَّوْبَةَ وَ اَلتَّوْفيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ اَلسَّلامُ.[3]

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۲۸

۲. در مصباح: يا سالِخَ اَلنَّهارِ مِنَ اَللَّيْلِ

۳. مصباح المتهجّد، ص ۶۲۹

دعای شب سوم

يٰا رَبَّ لَيْلَةِ ٱلْقَدْرِ وَ جٰاعِلَهٰا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَ رَبَّ ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهٰارِ وَ ٱلْجِبٰالِ وَ ٱلْبِحٰارِ وَ ٱلظُّلَمِ وَ ٱلْأَنْوٰارِ وَ ٱلْأَرْضِ وَ ٱلسَّمٰاءِ يٰا بٰارِئُ يٰا مُصَوِّرُ يٰا حَنّٰانُ يٰا مَنّٰانُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا قَيُّومُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا بَدِيعُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ لَكَ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنٰى وَ ٱلْأَمْثٰالُ ٱلْعُلْيٰا وَ ٱلْكِبْرِيٰاءُ وَ ٱلْآلاٰءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمِي فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحِي مَعَ ٱلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبٰاشِرُ قَلْبِي وَ إِيمٰانًا يُذْهِبُ ٱلشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمٰا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنِي فِي ٱلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ ٱلْحَرِيقِ وَ ٱرْزُقْنِي فِيهٰا شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ ٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنٰابَةَ وَ ٱلتَّوْبَةَ وَ ٱلتَّوْفِيقَ لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ.[۱]

دعای شب چهارم

يٰا فٰالِقَ ٱلْإِصْبٰاحِ وَ جٰاعِلَ ٱللَّيْلِ سَكَنًا وَ ٱلشَّمْسَ وَ ٱلْقَمَرَ حُسْبٰانًا يٰا عَزِيزُ يٰا عَلِيمُ يٰا ذَا ٱلْمَنِّ وَ ٱلطَّوْلِ وَ ٱلْقُوَّةِ وَ ٱلْحَوْلِ وَ ٱلْإِنْعٰامِ وَ ٱلْفَضْلِ يٰا ذَا ٱلْجَلاٰلِ وَ ٱلْإِكْرٰامِ يٰا ٱللّٰهُ يٰا رَحْمٰنُ يٰا فَرْدُ يٰا وِتْرُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ظٰاهِرُ يٰا حَيُّ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ لَكَ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنٰى وَ ٱلْأَمْثٰالُ ٱلْعُلْيٰا وَ ٱلْكِبْرِيٰاءُ وَ ٱلْآلاٰءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمِي فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحِي مَعَ ٱلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبٰاشِرُ قَلْبِي وَ إِيمٰانًا يُذْهِبُ ٱلشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمٰا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنِي فِي ٱلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ ٱلْحَرِيقِ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۲۹

وَ ٱرْزُقْنِي فِيهٰا شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ ٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنٰابَةَ وَ ٱلتَّوْبَةَ وَ ٱلتَّوْفِيقَ لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ.[۱]

دعای شب پنجم

يٰا جٰاعِلَ ٱللَّيْلِ لِبٰاسًا وَ ٱلنَّهٰارَ مَعٰاشًا وَ ٱلْأَرْضَ مِهٰادًا وَ ٱلْجِبٰالَ أَوْتٰادًا، يٰا ٱللّٰهُ يٰا قٰاهِرُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا جَبّٰارُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا وٰاسِعُ يٰا سَمِيعُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا قَرِيبُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا مُجِيبُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ لَكَ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنٰى وَ ٱلْأَمْثٰالُ ٱلْعُلْيٰا وَ ٱلْكِبْرِيٰاءُ وَ ٱلْاٰلاٰءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمِي فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحِي مَعَ ٱلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبٰاشِرُ قَلْبِي وَ إِيمٰانًا يُذْهِبُ ٱلشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمٰا قَسَمْتَ لِي وَ اٰتِنِي فِي ٱلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ ٱلْحَرِيقِ وَ ٱرْزُقْنِي فِيهٰا شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ ٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنٰابَةَ وَ ٱلتَّوْبَةَ وَ ٱلتَّوْفِيقَ لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلاٰمُ.[۲]

دعای شب ششم

يٰا جٰاعِلَ ٱللَّيْلِ وَ ٱلنَّهٰارِ اٰيَتَيْنِ يٰا مَنْ مَحٰا اٰيَةَ ٱللَّيْلِ وَ جَعَلَ اٰيَةَ ٱلنَّهٰارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْهُ وَ رِضْوٰانًا يٰا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلاً يٰا ٱللّٰهُ يٰا مٰاجِدُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا وَهّٰابُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا جَوٰادُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ يٰا ٱللّٰهُ لَكَ ٱلْأَسْمٰاءُ ٱلْحُسْنٰى وَ ٱلْأَمْثٰالُ ٱلْعُلْيٰا وَ ٱلْكِبْرِيٰاءُ وَ ٱلْاٰلاٰءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمِي فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحِي مَعَ ٱلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبٰاشِرُ قَلْبِي وَ إِيمٰانًا يُذْهِبُ ٱلشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمٰا قَسَمْتَ لِي وَ اٰتِنِي فِي ٱلدُّنْيٰا

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۳۱

۲. مصباح المتهجد، ص ۶۳۱

حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ ٱلْحَرِيقِ وَ ٱرْزُقْني فيها شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ ٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنابَةَ وَ ٱلتَّوْبَةَ وَ ٱلتَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ.[۱]

دعای شب هفتم

يا مادَّ ٱللَّيْلِ[۲] وَ لَوْ شِئْتَ جَعَلْتَهُ ساكِنًا ثُمَّ جَعَلْتَ ٱلشَّمْسَ عَلَيْهِ دَليلاً وَ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضاً يَسيرًا يا ذَاالْجُودِ وَ ٱلطَّوْلِ وَ ٱلْكِبْرِياءِ وَ ٱلْآلاءِ لا إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ يا قُدُّوسُ يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ يا مُهَيْمِنُ يا عَزِيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا خالِقُ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ يا ٱللّٰهُ يا ٱللّٰهُ يا ٱللّٰهُ لَكَ ٱلْأَسْماءُ ٱلْحُسْنىٰ وَ ٱلْأَمْثالُ ٱلْعُلْيا وَ ٱلْكِبْرِياءُ وَ ٱلْآلاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ ٱسْمي فِي هٰذِهِ ٱللَّيْلَةِ فِي ٱلسُّعَداءِ وَ رُوحي مَعَ ٱلشُّهَداءِ وَ إِحْساني في عِلِّيِّينَ وَ إِساءَتي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لي يَقِينًا تُباشِرُ قَلْبي وَ إِيمانًا يُذْهِبُ ٱلشَّكَّ عَنّي وَ تُرْضِيَني بِما قَسَمْتَ لي وَ آتِني فِي ٱلدُّنْيا حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ ٱلْحَرِيقِ وَ ٱرْزُقْني فيها شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ ٱلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ ٱلْإِنابَةَ وَ ٱلتَّوْبَةَ وَ ٱلتَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ.[۳]

دعای شب هشتم

يا خازِنَ ٱللَّيْلِ فِي ٱلْهَواءِ وَ خازِنَ ٱلنُّورِ فِي ٱلسَّماءِ يا مانِعَ ٱلسَّماءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى ٱلْأَرْضِ إِلاَّ بِإِذْنِهِ وَ حابِسَهُما أَنْ تَزُولا يا حَلِيمُ يا غَفُورُ يا دائِمُ يا ٱللّٰهُ، يا وارِثُ يا باعِثَ مَنْ فِي ٱلْقُبُورِ يا ٱللّٰهُ يا ٱللّٰهُ يا ٱللّٰهُ لَكَ ٱلْأَسْماءُ ٱلْحُسْنىٰ وَ ٱلْأَمْثالُ ٱلْعُلْيا وَ ٱلْكِبْرِياءُ وَ ٱلْآلاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۳۲

۲. در «م»: الظِّلِّ.

۳. مصباح المتهجد، ص ۶۳۲

يٰا وٰارِثُ يٰا بٰاعِثُ مَنْ فِي‌الْقُبُورِ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ لَكَ اَلْأَسْمٰاءُ اَلْحُسْنٰى وَ اَلْأَمْثٰالُ اَلْعُلْيٰا وَ اَلْكِبْرِيٰاءُ وَ اَلْآلاٰءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ اَسْمِي فِي هٰذِهِ اَللَّيْلَةِ فِي اَلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحِي مَعَ اَلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبٰاشِرُ قَلْبِي وَ إِيمٰانًا يُذْهِبُ اَلشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمٰا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنِي فِي اَلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ اَلْحَرِيقِ وَ اُرْزُقْنِي فِيهٰا شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ اَلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ اَلْإِنٰابَةَ وَ اَلتَّوْبَةَ وَ اَلتَّوْفِيقَ لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ اَلسَّلاٰمُ.[۱]

دعای شب نهم

يٰا مُكَوِّرَ اَللَّيْلِ عَلَى اَلنَّهٰارِ وَ مُكَوِّرَ اَلنَّهٰارِ عَلَى اَللَّيْلِ يٰا عَلِيمُ يٰا حَلِيمُ يٰا اَللّٰهُ يٰا رَبَّ اَلْأَرْبٰابِ وَ يٰا سَيِّدَ اَلسّٰادٰاتِ لاٰ إِلٰهَ إِلاّٰ أَنْتَ يٰا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ اَلْوَرِيدِ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ يٰا اَللّٰهُ لَكَ اَلْأَسْمٰاءُ اَلْحُسْنٰى وَ اَلْأَمْثٰالُ اَلْعُلْيٰا وَ اَلْكِبْرِيٰاءُ وَ اَلْآلاٰءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ اَسْمِي فِي هٰذِهِ اَللَّيْلَةِ فِي اَلسُّعَدٰاءِ وَ رُوحِي مَعَ اَلشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبٰاشِرُ قَلْبِي وَ إِيمٰانًا يُذْهِبُ اَلشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمٰا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنِي فِي اَلدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ اَلْحَرِيقِ وَ اُرْزُقْنِي فِيهٰا شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ اَلرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ اَلْإِنٰابَةَ وَ اَلتَّوْبَةَ وَ اَلتَّوْفِيقَ لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ اَلسَّلاٰمُ.[۲]

دعای شب دهم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ لاٰشَرِيكَ لَهُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمٰا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَ عِزِّ جَلاٰلِهِ وَ كَمٰا هُوَ أَهْلُهُ يٰا قُدُّوسُ يٰا نُورُ يٰا سُبُّوحُ يٰا مُنْتَهَى اَلتَّسْبِيحِ يٰا رَحْمٰنُ يٰا فٰاعِلَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۳۳

۲. مصباح المتهجد، ص ۶۳۴

وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدٰاءِ وَ رُوحِي مَعَ الشُّهَدٰاءِ وَ إِحْسٰانِي فِي عِلِّيِّينَ وَ إِسٰاءَتِي مَغْفُورَةً وَ أَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبٰاشِرُ قَلْبِي وَ إِيمٰانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَ تُرْضِيَنِي بِمٰا قَسَمْتَ لِي وَ آتِنِي فِي الدُّنْيٰا حَسَنَةً وَ قِنٰا عَذٰابَ الْحَرِيقِ وَ ارْزُقْنِي فِيهٰا شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنٰابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْفِيقَ لِمٰا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلاٰمُ.[1]

دعای وداع ماه رمضان

در شب باز پسین ازو بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتٰابِكَ الْمُنْزَلِ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ شَهْرُ رَمَضٰانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنّٰاسِ وَ هٰذٰا شَهْرُ رَمَضٰانَ قَدْ تَصَرَّمَ فَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ كَلِمٰاتِكَ التّٰامّٰاتِ إِنْ كٰانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي أَوْ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ أَوْ تُقٰايِسَنِي بِهِ أَوْ تُرِيدُ أَنْ تُحٰاسِبَنِي عَلَيْهِ أَوْ تُعٰاقِبَنِي عَلَيْهِ أَنْ لاٰ يَطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ يَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ وَ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي إِلاّٰ وَ قَدْ غَفَرْتَ لِي يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۳۴. در ادامهٔ این دعا مطالبی در نسخهٔ «م» طبق معمول از طرف کاتب افزوده شده است: شب آخر ازین ماه مبارک از شبهای عظیم الشأن است. روایتست از امام جعفر صادق علیه‌السلام که، خدای تعالی در شب اول این ماه صد هزار بنده را از آتش دوزخ آزاد می کند و در شب دوم دویست هزار و همچنین هر شب تاآخر مضاعف می سازد و درین شب اول آزاد می کند آن مقدار که در همه این شبها آزاد کرده است و در تنزیه القلوب از جابر رحمه الله روایت کرده که حضرت رسالت پناه صلی‌الله‌علیه‌وآله نزد اصحاب و احباب می‌فرمودند که، هرگاه آخر ماه رمضان می‌شود آسمان و زمین و جبال و بحار به مصیبت امت من به گریه و فزع در می آیند. ایشان پرسیدند که یا رسول الله سبب چه باشد؟ آن حضرت گفتند: چون درین ماه عمل خیر مضاعف می شود ونمازها درجه قبول می‌یابد و گناهان عفو می‌شود و گناهی نوشته نمی شود و دعا مستجاب می شود پس مؤمنان راکدام مصیبت ازین بزرگتر باشد که ماه رمضان به آخر رسد. و سنت است درین شب غسل کردن پس از فرو رفتن آفتاب.

اَللّٰهُمَّ لَكَ اَلْحَمْدُ بِمَحامِدِكَ كُلِّها أَوَّلِها وَ آخِرِها ما قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْها وَ ما قالَهُ اَلْخَلائِقُ اَلْحامِدُونَ اَلْمُجْتَهِدُونَ فِي ذِكْرِكَ وَ اَلشُّكْرِ لَكَ اَلَّذِينَ أَعَنْتَهُمْ عَلىٰ أَداءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنافِ خَلْقِكَ مِنَ اَلْمَلائِكَةِ اَلْمُقَرَّبِينَ وَ اَلنَّبِيِّينَ وَ اَلْمُرْسَلِينَ وَ أَصْنافِ اَلنّاطِقِينَ اَلْمُسَبِّحِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ اَلْعالَمِينَ عَلىٰ أَنَّكَ بَلَّغْتَنا شَهْرَ رَمَضانَ وَ عَلَيْنا مِنْ نِعَمِكَ وَ عِنْدَنا مِنْ جَزِيلِ قِسَمِكَ وَ إِحْسانِكَ وَ تَظاهُرِ اَمْتِنانِكَ فَلَكَ اَلْحَمْدُ اَلدّائِمُ اَلْخالِدُ اَلْمُخَلَّدُ اَلزّاكِي[1] اَلسَّرْمَدُ اَلَّذِي لا يَنْفَدُ طُولَ اَلْأَبَدِ جَلَّ ثَناؤُكَ.

اَللّٰهُمَّ أَنْتَ أَعَنْتَنا عَلَيْهِ حَتّىٰ قَضَيْتَ عَنّا صِيامَهُ وَ قِيامَهُ مِنْ صَلوٰةٍ وَ ما كانَ مِنّا فِيهِ مِنْ بِرٍّ أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ، اَللّٰهُمَّ وَ تَقَبَّلْهُ فِي اَلْقَوْلِ مِنّا وَ اَلْفِعْلِ بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَ تَجاوُزِكَ وَ عَفْوِكَ وَ صَفْحِكَ وَ غُفْرانِكَ وَ حَقِيقَةِ رِضْوانِكَ حَتّىٰ تُظْفِرَنا فِيهِ لِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ وَ جَزِيلِ عَطاءٍ مَوْهُوبٍ وَ تُذْهِبَ عَنّا كُلَّ بَلاءٍ مَجْلُوبٍ وَ ذَنْبٍ مَكْسُوبٍ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ ما سَأَلَكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمائِكَ وَ جَزِيلِ ثَنائِكَ وَ خاصَّةِ دُعائِكَ أَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنا هٰذا أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضانَ مَرَّ عَلَيْنا مُنْذُ أَنْزَلْتَهُ إِلَى اَلْأَرْضِ فِي عِصْمَةٍ مِنْ دِينِي وَ خَلاصٍ مِنْ نَفْسِي وَ قَضاءِ حاجَتِي وَ شَفِيعِي[2] فِي مَسائِلِي وَ إِتْمامِ اَلنِّعْمَةِ عَلَيَّ وَ صَرْفِ اَلسُّوءِ عَنِّي وَ لِباسِ اَلْعافِيَةِ لِي وَ أَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنِ اِدَّخَرْتَ لَهُ لَيْلَةَ اَلْقَدْرِ وَ جَعَلْتَها خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ اَلْأَجْرِ وَ كَرائِمِ اَلذُّخْرِ وَ حُسْنِ اَلشُّكْرِ وَ طُولِ اَلْعُمْرِ وَ دَوامِ اَلْيُسْرِ، اَللّٰهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَ عِزِّكَ وَ طَوْلِكَ وَ إِنْعامِكَ وَ جَلالِكَ وَ قَدِيمِ إِحْسانِكَ وَ اَمْتِنانِكَ أَنْ لا تَجْعَلَهُ آخِرَ اَلْعَهْدِ مِنّا

---

۱. در مصباح: الزّاكِدِ
۲. در «د»: و شَفِّعْنِي

لِشَهْرِ رَمَضانَ هٰذا حَتّٰى تُبَلِّغَناهُ مِنْ قابِلٍ عَلٰى أَحْسَنِ حالٍ وَ تُعَرِّفَنا هِلالَهُ مِنَ النّاظِرينَ إِلَيْهِ الْمُتَعَرِّفينَ لَهُ فى أَعْفىٰ عافِيَتِكَ وَ أَنْعَمِ نِعْمَتِكَ وَ أَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَ أَجْزَلِ قِسَمِكَ.

اَللّٰهُمَّ يا رَبِّ لا إِلٰهَ غَيْرُكَ وَ لا تَجْعَلْ هٰذَا الْوَداعَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّا بِهِ وَ لا تُخْرِجْنا مِنَ الدُّنْيا حَتّٰى تُرِيَناهُ مِنْ قابِلٍ فى أَسْبَغِ النِّعَمِ وَ أَفْضَلِ الرَّجاءِ وَ إِنّا لَكَ عَلٰى أَحْسَنِ الْوَفاءِ إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ.

اَللّٰهُمَّ اسْمَعْ دُعائى وَ ارْحَمْ تَضَرُّعى و تَذَلُّلى لَكَ وَ اسْتِكانَتى وَ تَوَكُّلى عَلَيْكَ وَ أَنَا لَكَ سِلْمٌ وَ لا أَرْجُو نَجاحًا وَ لا تَشْريفًا وَ لا تَبْليغًا إِلّا بِكَ وَ مِنْكَ فَامْنُنْ عَلَيَّ جَلَّ ثَناؤُكَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْماؤُكَ بِتَبْليغى.

اَللّٰهُمَّ شَهْرَ رَمَضانَ وَ أَنَا مُعافًى مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ مَحْذُورٍ مِنْ جَميعِ الْبَوائِقِ وَ أَسْتَعْصِمُكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ «وَ اعْصِمْنى وَ أَسْتَغْفِرُكَ لِما سَلَفَ مِنْ ذُنُوبى كُلِّها فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» وَ اغْفِرْ لى فَإِنّى لا أَعُودُ يا رَبِّ لِكُلِّ شَيْءٍ كَرِهْتَهُ إِنْ شِئْتَ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا ذَا الْجَلالِ وَ الْإِكْرامِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اسْتَجِبْ لى فى جَميعِ ما سَأَلْتُكَ وَ طَلَبْتُهُ مِنْكَ وَ رَغِبْتُ إِلَيْكَ فيهِ وَ أَرِدْهُ، وَ قَدِّرْهُ وَ اقْضِهِ وَ أَمْضِهِ وَ خِرْ لى فيما تَقْضى مِنْهُ وَ بارِكْ لى فى ذٰلِكَ[1] وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِهِ وَ أَسْعِدْنى فيما تُعْطينى مِنْهُ وَ زِدْنى مِنْ فَضْلِكَ وَ سَعَةِ ما عِنْدَكَ فَإِنَّكَ واسِعٌ كَريمٌ وَ صِلْ ذٰلِكَ يا رَبِّ كُلَّهُ بِخَيْرِ الْآخِرَةِ وَ نَعيمِها يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ.[2]

شوّال

سنّت است که در شب عید فطر پس از نماز شام در سجود بگوید:

---

۱. در «د» : في ذِكْري

۲. مصباح المتهجد، ص ۶۳۶ ـ ۶۳۷ (با اختلاف در برخی از مضامین)

يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ الْإِكْرٰامِ يٰا ذَاالطَّوْلِ يٰا مُصْطَفِيًا مُحَمَّدًا وَ نٰاصِرَهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ نَسِيتُهُ أَنَا وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتٰابٍ مُبِينٍ.

آنگه صد بار بگوی:

وَ أَتُوبُ إِلَى اللّٰهِ.

و مستحبّ بود که درین شب پس از فروشدن آفتاب غسل کند و پس از چهار نماز تکبیر گوید، نماز شام و خفتن و بامداد و نماز عید بگوید:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُ أَكْبَرُ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ، اَللّٰهُ أَكْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى مٰا هَدٰانٰا وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلٰى مٰا أَوْلاٰنٰا.

و مستحبّ بود که چون از همهٔ نمازها فارغ شود درین شب دو رکعت نماز کند، در اول پس از الحمد هزار بار قل هو الله أحد بخواند و در دوم یکبار.

پیغمبر ﷺ گفت: هر که شب عید فطر ده رکعت نماز کند، در هر رکعتی یکبار الحمد و ده بار قل هو الله بخواند و بجای تسبیح رکوع و سجود همی گوید:

سُبْحٰانَ اللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اللّٰهُ وَ اللّٰهُ أَكْبَرُ

هر دو رکعتی به سلامی و چون فارغ شود هزار بار استغفار کند و هزار بار آمرزش خواهد از خدای تعالی آنگه سجدهٔ شکر کند و در سجود بگوید:

يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ يٰا ذَاالْجَلاٰلِ وَ الْإِكْرٰامِ يٰا رَحْمٰنَ الدُّنْيٰا وَ الْاٰخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمٰا يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ يٰاإِلٰهَ الْأَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ اِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ تَقَبَّلْ صَوْمِي وَ صَلَوٰاتِي

سر از سجود برنیارد تا خدای تعالی وی را بیامرزد و روزهٔ وی مقبول کند و از گناهان وی در گذرد.

و در روز عید غسل مستحب بود و وقتش از برآمدن فجر بود تا وقت نماز عید، و چون از برای نماز عید بیرون آید بگوید:

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوِ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلىٰ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَ طَلَبَ جَوَائِزِهِ وَ فَوَاضِلِهِ وَ نَوَافِلِهِ فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ وَ سَيِّدِي وَ فَادَتِي وَ تَهْيِئَتِي وَ تَعْبِيَتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَ جَوَائِزِكَ وَ نَوَافِلِكَ فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَوْلَايَ يَا مَنْ لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ إِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَ لَا شَفَاعَةِ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهَا وَ لٰكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلىٰ نَفْسِي لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ أَنْ تُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي وَ تَقْلِبَنِي بِرَغْبَتِي وَ لَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا وَ لَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تَغْفِرَ لِيَ الْعَظِيمَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنِي خَيْرَ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي شَرَّفْتَهُ وَ عَظَّمْتَهُ وَ اغْسِلْنِي فِيهِ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي وَ خَطَايَايَ وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.[1]

و نماز عید دو رکعت بُوَد و تکبیرات درو زیاده بود بر نمازهای دیگر، پنج در رکعت اول و چهار در رکعت دوم، پس هر تکبیری بگوید:

اَللّٰهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظَمَةِ وَ أَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ وَ أَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ وَ أَهْلَ التَّقْوىٰ وَ الْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَرَامَةً وَ ذُخْرًا وَ مَزِيدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُدْخِلَنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُخْرِجَنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۵۸

صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ. اَللّٰهُمَّ إِنّا نَسْأَلُكَ خَيْرَ ما سَأَلَكَ بِهِ عِبادُكَ اَلصّالِحُونَ وَ نَعُوذُ مِمّا اَسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُكَ اَلْمُخْلَصُونَ.

و موضع این تکبیرها پس از قرائت بود پیش از رکوع، و در رکعت اول پس از الحمد، سورت الأعلی خواند و در دوم سورت والشمس و چون فارغ شود تسبیح فاطمه ﷺ بگوید و دعائی که بر وی آسان بوَد بخواند و وقتش چاشتگاه بوَد و درو بانگ نماز و قامت نبوَد.

و زین العابدین ﷺ پس از نماز عید و آدینه بگفتی:

یا مَنْ یَرْحَمُ مَنْ لا یَرْحَمُهُ اَلْعِبادُ وَ یا مَنْ یَقْبَلُ مَنْ لا یَقْبَلُهُ اَلْبِلادُ وَ یا مَنْ لا یَحْتَقِرُ أَهْلَ اَلْحاجَةِ إِلَیْهِ وَ یا مَنْ لا یُخَیِّبُ اَلْمُلِحّینَ عَلَیْهِ وَ یا مَنْ لا یَجْبَهُ بِالرَّدِّ أَهْلَ اَلدّالَّةِ عَلَیْهِ وَ یا مَنْ یَجْتَبی صَغیرَ ما یُتْحَفُ بِهِ بِالْبِرِّ وَ یَشْکُرُ یَسیرَ ما یُعْمَلُ لَهُ، وَ یا مَنْ یَشْکُرُ عَلَی اَلْقَلیلِ وَ یُجازی بِالْجَلیلِ یا مَنْ یَدْنُو إِلی مَنْ دَنا مِنْهُ وَ یا مَنْ یَدْعُو إِلیٰ نَفْسِهِ مَنْ أَدْبَرَ عَنْهُ یا مَنْ لا یُغَیِّرُ اَلنِّعْمَةَ وَ لا یُبادِرُ بِالنِّقْمَةِ، یا مَنْ یُثْمِرُ اَلْحَسَنَةَ حَتّیٰ یُنْمِیَها وَ یا مَنْ یَتَجاوَزُ عَنِ اَلسَّیِّئَةِ حَتّیٰ یُعْفِیَها اَنْصَرَفَتِ اَلْآمالُ دُونَ مَدیٰ کَرَمِکَ بِالْحاجاتِ وَ اَمْتَلَأَتْ بِفَیْضِ جُودِکَ أَوْعِیَةُ الطَّلِباتِ وَ تَفَسَّخَتْ دُونَ بُلُوغِ نَعْتِکَ اَلصِّفاتُ. فَلَکَ اَلْعُلُوُّ اَلْأَعْلیٰ فَوْقَ کُلِّ عالٍ وَ اَلْإِجْلالُ[1] اَلْأَمْجَدُ فَوْقَ کُلِّ جَلالٍ، کُلُّ جَلیلٍ عِنْدَکَ صَغیرٌ وَ کُلُّ شَریفٍ فی کَنَفِ شَرَفِکَ حَقیرٌ.

خابَ اَلْوافِدُونَ عَلیٰ غَیْرِکَ وَ خَسِرَ اَلْمُتَعَرِّضُونَ إِلاّ لَکَ وَ ضاعَ اَلْمُلِمُّونَ إِلاّ بِکَ وَ أَجْدَبَ اَلْمُنْتَجِعُونَ إِلاّ مَنِ اَنْتَجَعَ فَضْلَکَ. بابُکَ مَفْتُوحٌ لِلرّاغِبینَ وَ جُودُکَ مُباحٌ لِلسّائِلینَ وَ إِغاثَتُکَ قَریبَةٌ مِنَ اَلْمُسْتَغیثینَ. لا یَخیبُ مِنْکَ

---

۱. در «د» : وَ الْجَلالُ

اَلْآمِلُونَ وَ لا يَيْأَسُ مِنْ عَطائِكَ الْمُتَعَرِّضُونَ وَ لا يَشْقىٰ بِنَقِمَتِكَ الْمُسْتَغْفِرُونَ.

رِزْقُكَ مَبْسُوطٌ لِمَنْ عَصاكَ وَ حِلْمُكَ مُتَعَرِّضٌ لِمَنْ ناواكَ. عادَتُكَ الْإِحْسانُ إِلَى الْمُسيئينَ وَ سُنَّتُكَ الْإِبْقاءُ عَلَى الْمُعْتَدينَ حَتّىٰ لَقَدْ غَرَّتْهُمْ أَناتُكَ عَنِ النُّزُوعِ وَ صَدَّهُمْ إِمْهالُكَ عَنِ الرُّجُوعِ وَ إِنَّما تَأَنَّيْتَ بِهِمْ لِيَفيئُوا إِلىٰ أَمْرِكَ وَ أَمْهَلْتَهُمْ ثِقَةً بِدَوامِ مُلْكِكَ فَمَنْ كانَ مِنْ أَهْلِ السَّعادَةِ خَتَمْتَ لَهُ بِذٰلِكَ وَ مَنْ كانَ مِنْ أَهْلِ الشَّقاوَةِ خَذَلْتَهُ لَها. كُلُّهُمْ صائِرُونَ إِلىٰ حُكْمِكَ[1] وَ أُمُورُهُمْ آئِلَةٌ إِلىٰ أَمْرِكَ، لَمْ يَهِنْ عَلىٰ طُولِ مُدَّتِهِمْ سُلْطانُكَ وَ لَمْ يُدْحَضْ لِتَرْكِ مُعاجَلَتِهِمْ بُرْهانُكَ. حُجَّتُكَ قائِمَةٌ لا تَحُولُ وَ سُلْطانُكَ ثابِتٌ لا يَزُولُ فَالْوَيْلُ الدّائِمُ لِمَنْ جَنَحَ عَنْكَ وَ الْخَيْبَةُ الْخاذِلَةُ لِمَنْ خابَ مِنْكَ وَ الشَّقاءُ الْأَشْقىٰ لِمَنِ اغْتَرَّ بِكَ، ما أَكْثَرَ تَصَرُّفَهُ في عَذابِكَ وَ ما أَطْوَلَ تَرَدُّدَهُ في عِقابِكَ وَ ما أَبْعَدَ غايَتَهُ مِنَ الْفَرَجِ وَ ما أَقْنَطَهُ مِنْ سُهُولَةِ الْمَخْرَجِ عَدْلاً مِنْ قَضائِكَ لا تَجُورُ فيهِ وَ إِنْصافًا مِنْ حُكْمِكَ لا تَحيفُ عَلَيْهِ، فَقَدْ ظاهَرْتَ الْحُجَجَ وَ أَبْلَيْتَ الْأَعْذارَ وَ قَدْ تَقَدَّمْتَ بِالْوَعيدِ وَ تَلَطَّفْتَ فِي التَّرْغيبِ وَ ضَرَبْتَ الْأَمْثالَ وَ أَطَلْتَ الْإِمْهالَ وَ أَخَّرْتَ وَ أَنْتَ مُسْتَطيعٌ لِلْمُعاجَلَةِ وَ تَأَنَّيْتَ وَ أَنْتَ مَليءٌ بِالْمُبادَرَةِ، لَمْ تَكُنْ أَناتُكَ عَجْزًا وَ لا إِمْهالُكَ وَهْنًا وَ لا إِمْساكُكَ غَفْلَةً وَ لا إِنْظارُكَ مُداراةً بَلْ لِتَكُونَ حُجَّتُكَ الْأَبْلَغَ وَ كَرَمُكَ الْأَكْمَلَ وَ إِحْسانُكَ الْأَوْفىٰ وَ نِعْمَتُكَ الْأَتَمَّ وَ كُلُّ ذٰلِكَ كانَ وَ لَمْ يَزَلْ وَ هُوَ كائِنٌ بَعْدُ لا يَزُولُ نِعْمَتُكَ أَجَلُّ مِنْ أَنْ تُوصَفَ بِكُلِّها وَ مَجْدُكَ أَرْفَعُ مِنْ أَنْ يُحَدَّ بِكُنْهِهِ وَ نِعْمَتُكَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصىٰ بِأَسْرِها وَإِحْسانُكَ أَكْثَرُ

---

۱. در مصباح: ظِلِّكَ.

مِنْ أَنْ تُشْكَرَ عَلٰى أَقَلِّهِ وَ قَدْ قَصَّرَ بِيَ ٱلسُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ وَ فَهَّهَنِي ٱلْإِمْسٰاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ وَ قُصٰارٰایَ ٱلسُّكُوتُ عَنْ تَحْمِيدِكَ بِمٰا تَسْتَحِقُّهُ وَ نِهٰايَتِيَ ٱلْإِمْسٰاكُ عَنْ تَمْجِيدِكَ بِمٰا أَنْتَ أَهْلُهُ لاٰ رَغْبَةً عَنْكَ بَلْ عَجْزًا، فَهٰا أَنَا ذٰا يٰا إِلٰهِي أَؤُمُّكَ بِالْوَفٰادَةِ وَ أَسْأَلُكَ حُسْنَ ٱلرِّفٰادَةِ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ ٱسْمَعْ نَجْوٰايَ وَ ٱسْتَجِبْ دُعٰائِي وَ لاٰ تَخْتِمْ يَوْمِي بِخَيْبَتِي وَ لاٰ تَجْبَهْنِي بِالرَّدِّ فِي مَسْأَلَتِي وَ أَكْرِمْ مِنْ عِنْدِكَ مُنْصَرَفِي وَ إِلَيْكَ مُنْقَلَبِي إِنَّكَ غَيْرُ ضٰائِقٍ عَمّٰا تُرِيدُ وَ لاٰ عٰاجِزٍ عَمّٰا تُسْأَلُ وَ أَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ لاٰ حَوْلَ وَ لاٰ قُوَّةَ إِلاّٰ بِاللّٰهِ ٱلْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.[۱]

ذو القعدة

[دعای دَحْو الأرض]

روز بیست و پنجم ازو بود که زمین را از زیر کعبه بگسترانیدند. روایت کرده‌اند که هر که این روز روزه دارد در برابر شصت ماهه روزه افتد. و مستحبّ بوَد درو این دعا خواندن:

اَللّٰهُمَّ دٰاحِيَ الْكَعْبَةِ وَ فٰالِقَ ٱلْحَبَّةِ وَ صٰارِفَ ٱللَّزْبَةِ وَ كٰاشِفَ كُلِّ كُرْبَةٍ، أَسْأَلُكَ فِي هٰذَا ٱلْيَوْمِ مِنْ أَيّٰامِكَ الَّتِي أَعْظَمْتَ حَقَّهٰا وَ أَقْدَمْتَ سَبْقَهٰا وَ جَعَلْتَهٰا عِنْدَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَدِيعَةً وَ إِلَيْكَ ذَرِيعَةً وَ بِرَحْمَتِكَ ٱلْوَسِيعَةَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ ٱلْمُنْتَجَبِ فِي ٱلْمِيثٰاقِ ٱلْقَرِيبِ يَوْمَ ٱلتَّلاٰقِ فٰاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَ دٰاعٍ إِلٰى كُلِّ حَقٍّ وَ عَلٰى أَهْلِ بَيْتِهِ ٱلْأَطْهٰارِ ٱلْهُدٰاةِ إِلَى ٱلْمَنٰارِ دَعٰائِمِ ٱلْجَبّٰارِ وَ وُلاٰةِ ٱلْجَنَّةِ وَ ٱلنّٰارِ وَ أَعْطِنٰا فِي يَوْمِنٰا هٰذٰا مِنْ عَطٰائِكَ

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۳۶۹

اَلْمَخْزُونِ غَيْرِ مَقْطُوعٍ وَ لا مَمْنُوعٍ وَ لا مَمْنُونٍ تَجْمَعُ لَنا بِهِ اَلتَّوْبَةَ وَ حُسْنَ اَلْأَوْبَةِ يا خَيْرَ مَدْعُوٍّ وَ أَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يا كَفِيُّ يا وَفِيُّ يا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ اَلْطُفْ لِي بِلُطْفِكَ وَ أَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ وَأَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَ لا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوُلاةِ أَمْرِكَ وَ حَفَظَةِ سِرِّكَ وَاحْفَظْنِي مِنَ شَوائِبِ[1] اَلدَّهْرِ إِلى يَوْمِ اَلْحَشْرِ وَ اَلنَّشْرِ وَ أَشْهِدْنِي أَوْلِياءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَ حُلُولِ رَمْسِي وَانْقِطاعِ عَمَلِي وَانْقِضاءِ أَجَلِي.

اَللّٰهُمَّ وَاذْكُرْنِي عَلى طُولِ البِلى إِذا حَلَلْتُ بَيْنَ أَطْباقِ اَلثَّرى وَ نَسِيَنِيَ اَلنّاسُونَ مِنَ الْوَرى وَ أَحْلِلْنِي دارَالْمُقامَةِ وَ بَوِّئْنِي مَنْزِلَ اَلْكَرامَةِ وَاجْعَلْنِي مِنْ مُرافِقِي أَوْلِيائِكَ وَ أَهْلِ اجْتِبائِكَ وَ اصْطِفائِكَ[2] وَ بارِكْ لِي فِي لِقائِكَ وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْعَمَلِ قَبْلَ حُلُولِ اَلْأَجَلِ مُبَرَّأً مِنَ اَلزَّلَلِ وَ سُوءِ الْخَطَلِ. اَللّٰهُمَّ وَ أَوْرِدْنِي حَوْضَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَاسْقِنِي مِنْهُ مَشْرَبًا رَوِيًّا سائِغًا هَنِيئًا لا أَظْمَأُ بَعْدَهُ وَ لا أُحَلَّى[3] وِرْدَهُ وَ لا عَنْهُ أُذادُ[4] وَاجْعَلْهُ لِي خَيْرَ زادٍ وَ أَوْفى مِيعادٍ يَوْمَ يَقُومُ اَلْأَشْهادُ. اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ جَبابِرَةَ اَلْأَوَّلِينَ وَ اَلْآخِرِينَ وَ بِحُقُوقِ أَوْلِيائِكَ اَلْمُسْتَأْثِرِينَ.

اَللّٰهُمَّ وَاقْصِمْ دَعائِمَهُمْ وَ أَهْلِكْ أَشْياعَهُمْ وَ مَعالِمَهُمْ[5] وَ عَجِّلْ مَهالِكَهُمْ وَاسْلُبْهُمْ مَمالِكَهُم وَ ضَيِّقْ عَلَيْهِمْ مَسالِكَهُمْ «وَالْعَنْ مُساهِمَهُمْ وَ مُشارِكَهُمْ». اَللّٰهُمَّ وَ عَجِّلْ فَرَجَ أَوْلِيائِكَ وَارْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظالِمَهُمْ وَ أَظْهِرْ بِالْحَقِّ قائِمَهُمْ وَاجْعَلْهُ لِدِينِكَ مُنْتَصِرًا وَ بِأَمْرِكَ فِي أَعْدائِكَ مُؤْتَمِرًا. اَللّٰهُمَّ احْفُفْهُ بِمَلائِكَةِ النَّصْرِ وَ بِما أَلْقَيْتَ إِلَيْهِ مِنَ اَلْأَمْرِ فِي لَيْلَةِ اَلْقَدْرِ مُنْتَقِمًا لَكَ حَتّى تَرْضى وَ يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا وَ يَمْحَضَ اَلْحَقَّ

---

۱. در «م»: نوائب.
۲. در مصباح: أصفيائك.
۳. در «م» و «مصباح»: و لا أُحلأ.
۴. در «م»: أُذاد
۵. در مصباح: عامِلَهُمْ.

مَحْضًا وَ يَرْفُضَ ٱلْباطِلَ رَفْضًا.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلٰى جَمِيعِ اٰبائِهِ وَ ٱجْعَلْنا مِنْ صَحْبِهِ وَ أُسْرَتِهِ وَ ٱبْعَثْنا فِي كَرَّتِهِ حَتّٰى نَكُونَ فِي زَمانِهِ مِنْ أَعْوانِهِ. اَللّٰهُمَّ أَدْرِكْ بِنا قِيامَهُ وَ أَشْهِدْنا أَيّامَهُ وَ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِ ٱلسَّلامُ وَ ٱرْدُدْ إِلَيْنا سَلامَهُ وَ رَحْمَةُ ٱللّٰهِ وَ بَرَكاتُهُ.[۱]

ذو الحجّة

مستحبّ بوَد که نُه روز از اوّلش روزه دارد و اگر نتواند اوّل روز روزه دارد که روایتست از موسی کاظم عليه السلام که گفت: به روزهٔ اول روز ازو روزهٔ هشتاد ماه بنویسند. و مولد ابراهیم خلیل عليه السلام درین روز بود و درو بود که خدای تعالی ابراهیم عليه السلام را بدوستی گرفت و درو بود تزویج فاطمه عليها السلام . و روایت کرده‌اند که در ششم این ماه بود و مستحب بود نماز فاطمه عليها السلام کردن، و روایتست که آن چهار رکعت است چنانچه نماز امیر المؤمنین عليه السلام، در هر رکعتی پس از الحمد پنجاه بار قل هو الله و تسبیحی که در نماز فاطمه عليها السلام گفته شد پس ازو بگوید.

و امیرالمؤمنین عليه السلام در هر روزی از روزهای دههٔ ذی‌الحجّه این کلمات را بگفتی:

لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ عَدَدَ ٱللَّيالِي وَ ٱلدُّهُورِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ عَدَدَ أَمْواجِ ٱلْبُحُورِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ وَ رَحْمَتُهُ خَيْرٌ مِمّا يَجْمَعُونَ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ عَدَدَ ٱلشَّوْكِ وَٱلشَّجَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ عَدَدَ ٱلشَّعْرِ وَ ٱلْوَبَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ عَدَدَ الصَّخْرِ وَ ٱلْمَدَرِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ ٱلْعُيُونِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ فِي ٱللَّيْلِ إِذا عَسْعَسَ وَ ٱلصُّبْحِ إِذا تَنَفَّسَ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ عَدَدَ ٱلرِّياحِ فِي ٱلْبَرارِي وَ ٱلصُّخُورِ، لا إِلٰهَ إِلاَّ ٱللّٰهُ مِنَ ٱلْيَوْمِ إِلٰى يَوْمِ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ.

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۶۶۹ ـ ۶۷۰

و گفت: هر که درین ده روز هر روز این کلمات را ده بار بگوید، خدای تعالی وی را به هر تهلیلی درجه بدهد در بهشت از درّ و یاقوت، میان هر دو درجه صد ساله راه شتر سواری پویند[1] و در هر درجه شهری. تا تمامی خبر.

و صادق ﷺ از اوّل ذی حجّة تا شب عرفه پس از نماز بامداد و پیش از نماز شام بگفتی:

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ اَلْأَيّٰامُ اَلَّتِي فَضَّلْتَهٰا عَلَى اَلْأَيّٰامِ وَ شَرَّفْتَهٰا قَدْ بَلَّغْتَنِيهٰا بِمَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ فَأَنْزِلْ عَلَيْنٰا فِيهٰا مِنْ بَرَكٰاتِكَ وَ أَوْسِعْ عَلَيْنٰا فِيهٰا مِنْ نَعْمٰائِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَهْدِيَنٰا فِيهٰا لِسَبِيلِ اَلْهُدٰى وَ اَلْعَفٰافِ وَ اَلْغِنٰى وَ اَلْعَمَلِ فِيهٰا بِمٰا تُحِبُّ وَ تَرْضٰى.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يٰا مَوْضِعَ كُلِّ شَكْوٰى وَ يٰا سٰامِعَ كُلِّ نَجْوٰى وَ يٰا شٰاهِدَ كُلِّ مَلَإٍ وَ يٰا عٰالِمَ كُلِّ خَفِيٍّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَكْشِفَ عَنّٰا فِيهَا اَلْبَلاٰءَ وَ تَسْتَجِيبَ لَنٰا فِيهَا اَلدُّعٰاءَ وَ تُقَوِّيَنٰا فِيهٰا وَ تُعِينَنٰا وَ تُوَفِّقَنٰا فِيهٰا لِمٰا تُحِبُّ وَ تَرْضٰى وَ عَلٰى مَا اَفْتَرَضْتَ عَلَيْنٰا مِنْ طٰاعَتِكَ وَ طٰاعَةِ رَسُولِكَ وَ أَهْلِ وِلاٰيَتِكَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يٰا رَحْمٰنُ يٰا رَحِيمُ يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَهَبَ لَنٰا فِيهَا اَلرِّضٰا إِنَّكَ سَمِيعُ اَلدُّعٰاءِ وَ لاٰ تَحْرِمْنٰا خَيْرَ مٰا تُنْزِلُ فِيهٰا مِنَ اَلسَّمٰاءِ وَ طَهِّرْنٰا مِنَ اَلذُّنُوبِ يٰا عَلاّٰمَ اَلْغُيُوبِ وَ أَوْجِبْ لَنٰا فِيهٰا دٰارَ اَلْخُلُودِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَ لاٰ تَتْرُكْ لَنٰا فِيهٰا ذَنْبًا إِلاّٰ غَفَرْتَهُ وَ لاٰ هَمًّا إِلاّٰ فَرَّجْتَهُ وَ لاٰ دَيْنًا إِلاّٰ قَضَيْتَهُ وَ لاٰ غٰائِبًا إِلاّٰ رَدَدْتَهُ وَ لاٰ حٰاجَةً مِنْ حَوٰائِجِ الدُّنْيا وَ اَلْآخِرَةِ إِلاّٰ قَضَيْتَهٰا وَ سَهَّلْتَهٰا وَ يَسَّرْتَهٰا إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

---

۱. در «م»: تیزرو

اَللّٰهُمَّ یا عالِمَ اَلخَفِیّاتِ یا راحِمَ اَلعَبَراتِ یا مُجیبَ الدَّعَواتِ یا رَبَّ اَلأَرَضینَ وَ اَلسَّمٰواتِ یا مَنْ لاٰتَتَشابَهُ عَلَیْهِ اَلأَصْواتُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنا فیها مِنْ عُتَقائِكَ وَ طُلَقائِكَ مِنَ اَلنّارِ وَ اَلفائِزینَ بِجَنَّتِكَ وَ اَلنّاجینَ بِرَحْمَتِكَ یا أَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَ صَلَّی اَللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً کَثیراً.

و روایتست از صادق علیه السلام که این کلمات، جبرئیل علیه السلام به هدیه به نزدیک پیغمبر علیه السلام آورده در دههٔ ذی‌الحجه و گفت: این بخوان که هیچ عبادت نیست درین ده روز دوستر به خدای تعالی ازین کلمات و کلمات اینست:

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَریكَ لَهُ، إِلٰهاً واحِداً أَحَداً صَمَداً لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ.

أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَریكَ لَهُ، أَحَداً صَمَداً لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَ لاٰ وَلَداً.

وَ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَریكَ لَهُ، لَهُ اَلْمُلْكُ وَ لَهُ اَلْحَمْدُ یُحْیی وَ یُمیتُ وَ یُمیتُ وَ یُحْیی وَ هُوَ حَیٌّ لاٰ یَمُوتُ بِیَدِهِ اَلْخَیْرُ وَ هُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.

حَسْبِیَ اللّٰهُ وَ کَفیٰ سَمِعَ اَللّٰهُ لِمَنْ دَعا، لَیْسَ وَراءَ اَللّٰهِ مُنْتَهیٰ، وَ أَشْهَدُ لِلّٰهِ بِما دَعیٰ وَ أَنَّهُ یَریٰ وَ لاٰ یُریٰ وَ أَنَّ لِلّٰهِ الآخِرَةَ وَ اَلأُولیٰ.

ذکر حج نکنیم زیرا که کتب مفرده درو ساخته‌اند.

سلمان روایت کرد از پیغمبر علیه السلام که در شب عید اضحی، شش رکعت نماز باید کرد. در هر رکعتی یکبار الحمد و پنج بار قل هوالله و کسی که در منیٰ بوَد مستحب بود که پس از نماز تکبیر گوید اول نماز پیشین از روز نحر و آخر نماز بامداد از روز سیم از روز نحر و تکبیر هم چنان گوید که در عید فطر گفته شد الّا آنکه اینجا در آخر آن

بگوید: وَ رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ ٱلْأَنْعَامِ و غسل کند و نماز همچنان که برفت.

روز غدیر

هیجدهم این ماه روز غدیر است. صادق علیه السلام گفت: روزهٔ روز غدیر کفّارت شصت ساله بود.[1] و در روایت دیگر گفت: و روزهٔ این روز برابر باشصت ماه از ماههای حرام.[2]

و محمّد بن أبی‌نصر گفت: نزدیک امام رضا علیه السلام بودم، جمعی به انبوه حاضر بودند و ذکر روزهٔ روز غدیر برفت. یکی آنرا انکار کرد. رضا علیه السلام گفت: حدیث کرد مرا پدرم از پدرانش علیهم السلام که گفت علیه السلام: بدرستی که روز غدیر در آسمان معروف‌تر است از آنکه در زمین. پس گفت: ای پسر ابونصر هر جای که باشی روز غدیر به نزدیک امیر المؤمنین علیه السلام حاضر آی که خدای تعالی هر مرد و زن مؤمن و مسلمان را گناه شصت ساله بیامرزد و درو چندان از آتش آزاد کند که در ماه رمضان و شب قدر و شب عید فطر آزاد کرده بود و دِرَمی صدقه درو به هزار درم بود بر برادران خود و مؤمنان را درو شاد کن. پس گفت: به خدای که اگر مردمان فضل این روز شناختندی به حقیقت فرشتگان در روزی ده بار دست ایشان فراگرفتندی و اگر نه آنستی که تطویل را کارِهَم، یاد کردمی از فضل این روز آنچه خدای تعالی بدهد شناسای حق آنرا در عدد نیاید.[3]

«و مستحبّ بود درین روز زیارت امیر المؤمنین علیه السلام» و مستحبّ بود درو غسل، چون نیم ساعت مانده باشد به زوال دو رکعت نماز کند در هر یکی پس از الحمد، قل هو الله و إنّا أنزلناه و آیة الكرسي هر یکی ده بار بخواند و اگر آیة الكرسي پیش از إنّا أنزلناه بخواند هم شاید.[4] چون سلام بدهد تسبیح فاطمه علیها السلام بگوید، و بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ عَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَ ٱلشَّأْنِ وَ ٱلْقَدْرِ ٱلَّذِي

---

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۳۶

۲. مصباح المتهجد، ص ۷۳۷

۳. مصباح المتهجد، ص ۷۳۷

۴. شاید یعنی شایسته است.

خَصَصْتَهُمٰا بِهِ دُونَ خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمٰا وَ عَلىٰ ذُرِّيَتِهِمٰا وَ أَنْ تَبْدَأَ بِهِمٰا فِي كُلِّ خَيْرٍ عٰاجِلٍ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ اَلْأَئِمَّةِ اَلْقٰادَةِ وَ اَلدُّعٰاةِ اَلسّٰادَةِ وَ اَلنُّجُومِ اَلزّٰاهِرَةِ وَ اَلْأَعْلاٰمِ الْبٰاهِرَةِ وَ سٰاسَةِ الْعِبٰادِ وَ أَرْكٰانِ اَلْبِلاٰدِ وَ اَلنّٰاقِلَةِ اَلْمُرْسَلَةِ وَ اَلسَّفِينَةِ اَلنّٰاجِيَةِ اَلْجٰارِيَةِ فِي اَللُّجَجِ الْغٰامِرَةِ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ خُزّٰانِ عِلْمِكَ وَ أَرْكٰانِ تَوْحِيدِكَ وَ دَعٰائِمِ دِينِكَ وَ مَعٰادِنِ كَرٰامَتِكَ وَ صَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَلْأَتْقِيٰاءِ اَلنُّجَبٰاءِ اَلْأَبْرٰارِ وَ اَلْبٰابِ اَلْمُبْتَلىٰ بِهِ اَلنّٰاسُ، مَنْ أَتٰاهُ نَجٰا وَ مَنْ تَخَلَّفَ وَ أَبٰاهُ هَوىٰ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ أَهْلِ اَلذِّكْرِ اَلَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَسْأَلَتِهِمْ وَ ذَوِي اَلْقُرْبىٰ اَلَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَ فَرَضْتَ حَقَّهُمْ وَ جَعَلْتَ اَلْجَنَّةَ مَعٰادَ مَنِ اقْتَصَّ اٰثٰارَهُمْ.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ كَمٰا أَمَرُوا بِطٰاعَتِكَ وَ نَهَوا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَ دَلُّوا عِبٰادَكَ عَلىٰ وَحْدٰانِيَّتِكَ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ نَجِيِّكَ وَ صَفْوَتِكَ وَ أَمِينِكَ وَ رَسُولِكَ إِلىٰ خَلْقِكَ وَ بِحَقِّ أَمِيرِ اَلْمُؤْمِنِينَ وَ يَعْسُوبِ اَلدِّينِ وَ قٰائِدِ اَلْغُرِّ اَلْمُحَجَّلِينَ اَلْوَصِيِّ اَلْوَفِيِّ وَ اَلصِّدِّيقِ اَلْأَكْبَرِ وَ اَلْفٰارُوقِ بَيْنَ اَلْحَقِّ وَ اَلْبٰاطِلِ وَ اَلشّٰاهِدِ لَكَ وَ اَلدّٰالِّ عَلَيْكَ وَ اَلصّٰادِعِ بِأَمْرِكَ وَ اَلْمُجٰاهِدِ فِي سَبِيلِكَ لَمْ تَأْخُذْهُ فِيكَ لَوْمَةُ لاٰئِمٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَنِي فِي هٰذَا اَلْيَوْمِ اَلَّذِي عَقَدْتَ فِيهِ اَلْعَهْدَ لِوَلِيِّكَ فِي أَعْنٰاقِ خَلْقِكَ وَ أَكْمَلْتَ لَهُمُ الدِّينَ مِنَ اَلْعٰارِفِينَ بِحُرْمَتِهِ وَ اَلْمُقِرِّينَ[1] بِفَضْلِهِ

۱. در «د» : المقربين.

مِنْ عُتَقٰائِكَ وَ طُلَقٰائِكَ مِنَ اَلنّٰارِ وَ لاٰ تُشْمِتْ بِي حٰاسِدِي اَلنِّعَمِ.

اَللّٰهُمَّ وَ كَمٰا جَعَلْتَهُ عِيدَكَ اَلْأَكْبَرِ وَ سَمَّيْتَهُ فِي اَلسَّمٰاءِ يَوْمَ اَلْعَهْدِ اَلْمَعْهُودِ وَ فِي اَلْأَرْضِ يَوْمَ اَلْمِيثٰاقِ اَلْمَأْخُوذِ وَ اَلْجَمْعِ اَلْمَسْئُولِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَقْرِرْ بِهِ عُيُونَنٰا وَ اِجْمَعْ بِهِ شَمْلَنٰا وَ لاٰ تُضِلَّنٰا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنٰا وَ اِجْعَلْنٰا لِأَنْعُمِكَ مِنَ اَلشّٰاكِرِينَ يٰا أَرْحَمَ الرّٰاحِمِينَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنٰا فَضْلَ هٰذَا الْيَوْمِ وَ بَصَّرَنٰا حُرْمَتَهُ وَ أَكْرَمَنٰا بِهِ وَ شَرَّفَنٰا بِمَعْرِفَتِهِ وَ هَدٰانٰا بِنُورِهِ يٰا رَسُولَ اَللّٰهِ يٰا أَمِيرَ اَلْمُؤْمِنِينَ عَلَيْكُمٰا وَ عَلٰى عِتْرَتِكُمٰا وَ عَلٰى مُحِبِّيكُمٰا مِنِّي أَفْضَلُ اَلسَّلاٰمِ مٰا بَقِيَ اَللَّيْلُ وَ اَلنَّهٰارُ. بِكُمٰا أَتَوَجَّهُ إِلَى اَللّٰهِ رَبِّي وَ رَبِّكُمٰا فِي نَجٰاحِ طَلِبَتِي وَ قَضٰاءِ حَوٰائِجِي وَ تَيْسِيرِ أُمُورِي إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَلْعَنَ مَنْ جَحَدَ حَقَّ هٰذَا اَلْيَوْمِ وَ أَنْكَرَ حُرْمَتَهُ وَ صَدَّ عَنْ سَبِيلِكَ لِإِطْفٰاءِ نُورِكَ فَأَبَى اَللّٰهُ إِلاّٰ أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ.

اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَ اِكْشِفْ عَنْهُمْ وَ بِهِمْ عَنِ اَلْمُؤْمِنِينَ اَلْكُرُبٰاتِ. اَللّٰهُمَّ اِمْلَأِ اَلْأَرْضَ بِهِمْ عَدْلاً كَمٰا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا وَ أَنْجِزْ لَهُمْ مٰا وَعَدْتَهُمْ إِنَّكَ لاٰ تُخْلِفُ اَلْمِيعٰادَ.

و بیست و چهارم این ماه بود که امیرالمؤمنین علی ؑ در رکوع انگشتری بداد. و مستحب بود درو همان نمازکه در روز عید گفته شد. و از صادق ؑ روایتست که گفت: آن نماز درین روز برابر بود نزدیک خدای تعالی باصد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجت که خواهد روا کند.

روز مباهله

و بیست و پنجم از آن، روز مباهله بود. روایت کرده‌اند که روز بیست و چهارم

ازو، روز مباهله بود و این ظاهرترست. و مستحب بود درو غسل و نمازکه خواهد کند و پس هر دو رکعت هفتاد بار آمرزش خواهد و درو دعای مباهله بخواند.

باقر ﷺ گفت: اگر گفتمی که نام مهین خدای تعالی درین دعاست راست گفتمی و اگر مردمان بدانستندی آنچه در این دعاست از اجابت، شمشیر زدندی در آموختن وی، و من این دعا فراپیش حاجتهای بزرگ دارم و روا شود و جبرئیل ﷺ این دعا به رسول ﷺ آورد و گفت: بیرون شو تو و وصی تو و دو نوباوۀ[1] تو و اهل‌بیت تو و مباهله کن با قوم و دست بردار و این دعا بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهٰائِكَ بِأَبْهٰاهُ وَ كُلُّ بَهٰائِكَ بَهِيٌّ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِبَهٰائِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَلاٰلِكَ بِأَجَلِّهِ وَ كُلُّ جَلاٰلِكَ جَلِيلٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلاٰلِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمٰالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَ كُلُّ جَمٰالِكَ جَمِيلٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمٰالِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا وَعَدْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِهٰا وَ كُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِيمَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِن نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَ كُلُّ نُورِكَ نَيِّرٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِأَوْسَعِهٰا وَ كُلُّ رَحْمَتِكَ وٰاسِعَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا وَعَدْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَمٰالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَ كُلُّ كَمٰالِكَ كٰامِلٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَمٰالِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ كَلِمٰاتِكَ بِأَتَمِّهٰا وَ كُلُّ كَلِمٰاتِكَ تٰامَّةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَلِمٰاتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمٰائِكَ بِأَكْبَرِهٰا وَ كُلُّ أَسْمٰائِكَ كَبِيرَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمٰائِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا

---

۱. در «م»: نوادة

أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا وَعَدْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّهٰا وَ كُلُّ عِزَّتِكَ عَزِيزَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِأَمْضٰاهٰا وَ كُلُّ مَشِيَّتِكَ مٰاضِيَةٌ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ اَلَّتِي اَسْتَطَلْتَ بِهٰا عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَ كُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطِيلَةٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّهٰا، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا وَعَدْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَ كُلُّ عِلْمِكَ نٰافِذٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضٰاهُ وَ كُلُّ قَوْلِكَ رَضِيٌّ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَسٰائِلِكَ بِأَحَبِّهٰا إِلَيْكَ وَ كُلُّ مَسٰائِلِكَ حَبِيبَةٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَسٰائِلِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا وَعَدْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَ كُلُّ شَرَفِكَ شَرِيفٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ سُلْطٰانِكَ بِأَدْوَمِهِ وَ كُلُّ سُلْطٰانِكَ دٰائِمٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِسُلْطٰانِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مُلْكِكَ بِأَفْخَرِهِ وَ كُلُّ مُلْكِكَ فٰاخِرٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمُلْكِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا وَعَدْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ مَنِّكَ بِأَقْدَمِهِ وَ كُلُّ مَنِّكَ قَدِيمٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ عَلاٰئِكَ بِأَعْلاٰهُ وَ كُلُّ عَلاٰئِكَ عٰالٍ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَلاٰئِكَ كُلِّهِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ آيٰاتِكَ بِأَعْجَبِهٰا وَ كُلُّ آيٰاتِكَ عَجِيبَةٌ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِآيٰاتِكَ كُلِّهٰا. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ كَمٰا أَمَرْتَنِي فَاسْتَجِبْ لِي كَمٰا وَعَدْتَنِي.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمٰا أَنْتَ فِيهِ مِنَ اَلشَّأْنِ وَ اَلْجَبَرُوتِ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

بِكُلِّ شَأْنٍ وَ كُلِّ جَبَرُوتٍ. اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ أَسْأَلُكَ يَا اَللّٰهُ يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِبَهَاءِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِجَلاٰلِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. «أَسْأَلُكَ بِجَمَالِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِعَظَمَةِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ» أَسْأَلُكَ بِنُورِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِرَحْمَةِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِكَمَالِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰإِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِعِزَّةِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِأَسْمَاءِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِمَشِيَّةِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِقُدْرَةِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِشَرَفِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِقَوْلِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰإِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِسُلْطَانِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِمُلْكِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِعَلاٰءِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِمَنِّ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِآيَاتِ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. أَسْأَلُكَ بِلاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ أَنْتَ. يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَااَللّٰهُ ـ می‌گوید تا که نفس بریده شود.

أَسْأَلُكَ بِكَ يَا سَيِّدِي وَ لَيْسَ مِثْلُكَ شَيْءٌ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ دَعَاكَ بِهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ مُؤْمِنٌ اَمْتَحَنْتَ قَلْبَهُ بِالْإِيمَانِ وَ اَسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ اَلرَّحْمَةِ وَ أُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اَللّٰهِ صَلَّى اَللّٰهُ عَلَيْكَ وَ عَلٰى أَهْلِ بَيْتِكَ بِأَبِي وَ أُمِّي إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلٰى رَبِّكَ وَ رَبِّي وَ أُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ يَا رَبَّاهُ يَا اَللّٰهُ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكَ وَ لَيْسَ مِثْلُكَ شَيْءٌ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ نَبِيِّ اَلرَّحْمَةِ وَ بِذُرِّيَّتِهِ وَ أُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي.

أَسْأَلُكَ بِحَيٰوتِكَ ٱلَّتِي لاٰ تَمُوتُ وَ بِنُورِ وَجْهِكَ ٱلَّذِي لاٰ يُطْفٰى وَ ٱلْعَيْنِ ٱلَّتِي لاٰ تَنَامُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ عَدَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ زِنَةَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مِلأَ كُلِّ شَيْءٍ.

و پس ازین حاجت بخواه. و در بعضی کتب آورده‌اند که این دعا در روز آدینه و روزهای ماه رمضان خواند.

محرّم

[زیارت عاشورا]

مستحب بود که نه روز از اولش روزه دارد و در روز دهم چیزی نخورد و نیاشامد تا پس از نمازِ دیگر، آنگه اندکی از تربت حسین ؑ بکار دارد.

و درین روز زیارت کند حسین ؑ را که در آن فضلی بسیار است و «چشتگاه» به صحرا شود یا بر بام سرای و بگرید در حالتی که در آن، روی به تربت حسین ؑ کرده بگوید:[1]

ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا أَبا عَبْدِٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَ ٱبْنَ سَيِّدِ ٱلْوَصِيِّينَ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ فاطِمَةَ ٱلزَّهْراءِ سَيِّدَةِ نِساءِ ٱلْعالَمِينَ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يا ثارَ ٱللّٰهِ وَ ٱبْنَ ثارِهِ وَ ٱلْوِتْرَ ٱلْمَوْتُورِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ وَ عَلَى ٱلْأَرْواحِ ٱلَّتِي حَلَّتْ بِفِنائِكَ عَلَيْكُمْ جَمِيعًا مِنِّي سَلاٰمُ ٱللّٰهِ أَبَدًا ما بَقِيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ ٱلنَّهارُ، يا أَبا عَبْدِٱللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَتِ ٱلرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتِ ٱلْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَ عَلٰى جَمِيعِ أَهْلِ ٱلْإِسْلاٰمِ وَ

---

۱. عبارت «س» چنین است: ... بام سرای و نیت زیارت کند بدین وجه: أزور سيدي أباعبدالله الحسين بن علی بن أبي‌طالب ؑ لِنَدْبِها قربة إلى الله. روی به تربت حسین کرده بگوید:

جَلَّتْ وَ عَظُمَتْ مُصيبَتُكَ فِي ٱلسَّمٰوٰاتِ عَلىٰ جَميعِ أَهْلِ السَّمٰوٰاتِ فَلَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسٰاسَ ٱلظُّلْمِ وَ ٱلْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقٰامِكُمْ وَ أَزٰالَتْكُمْ عَنْ مَرٰاتِبِكُمُ ٱلَّتِي رَتَّبَكُمُ ٱللّٰهُ فيهٰا وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ ٱللّٰهُ ٱلْمُمَهِّدينَ لَهُمْ بِالتَّمْكينِ مِنْ قِتٰالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى ٱللّٰهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيٰاعِهِمْ وَ أَتْبٰاعِهِمْ وَ أَوْلِيٰائِهِمْ.

يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ إِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ إِلىٰ يَوْمِ ٱلْقِيٰامَةِ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ آلَ زِيٰادٍ وَ آلَ مَرْوٰانَ وَ لَعَنَ اللّٰهُ بَني‌أُمَيَّةَ قٰاطِبَةً[1] وَ لَعَنَ اللّٰهُ ٱبْنَ مَرْجٰانَةَ وَ لَعَنَ اللّٰهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ لَعَنَ اللّٰهُ شِمْرًا وَ لَعَنَ اللّٰهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ وَ تَهَيَّئَتْ لِقِتٰالِكَ بِأَبي أَنْتَ وَ أُمّي لَقَدْ عَظُمَ مُصٰابي بِكَ فَأَسْأَلُ ٱللّٰهَ ٱلَّذي أَكْرَمَ مَقٰامَكَ وَ أَكْرَمَني بِكَ أَنْ يَرْزُقَني طَلَبَ ثٰارِكَ مَعَ إِمٰامٍ مَنْصُورٍ مَنْصُوبٍ مَعْصُومٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى ٱللّٰهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، صَلَوٰاتُكَ عَلَيْهِمْ.

ٱللّٰهُمَّ ٱجْعَلْني عِنْدَكَ وَجيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ فِي ٱلدُّنْيٰا وَ ٱلْآخِرَةِ. يٰا أَبٰاعَبْدِاللّٰهِ إِنّي أَتَقَرَّبُ إِلَى ٱللّٰهِ وَ إِلىٰ رَسُولِهِ وَ إِلىٰ أَميرِ ٱلْمُؤْمِنينَ وَ إِلىٰ فٰاطِمَةَ وَ إِلَى ٱلْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمُوٰالاٰتِكَ وَ بِالْبَرٰاءَةِ مِمَّنْ قٰاتَلَكَ وَ نَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَ بِالْبَرٰاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسٰاسَ ذٰلِكَ وَ بَنىٰ عَلَيْهِ بُنْيٰانَهُ وَ جَرىٰ فِي ظُلْمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلىٰ أَشْيٰاعِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى ٱللّٰهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى ٱللّٰهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوٰالاٰتِكُمْ وَ مُوٰالاٰةِ وَلِيِّكُمْ وَ بِالْبَرٰاءَةِ مِنْ أَعْدٰائِكُمْ وَ ٱلنّٰاصِبينَ لَكُمُ ٱلْحَرْبَ وَ بِالْبَرٰاءَةِ مِنْ أَشْيٰاعِهِمْ وَ أَتْبٰاعِهِمْ إِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ وَ وَلِيٌّ لِمَنْ وٰالاٰكُمْ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ

---

۱. در «د» : قاطعة.

عاداكُمْ وَ أَسْأَلُ ٱللّٰهَ ٱلَّذي أَكْرَمَني بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ أَوْلِيائِكُمْ وَ رَزَقَنِي ٱلْبَراءَةَ مِنْ أَعْدائِكُمْ أَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي ٱلدُّنْيا وَ ٱلْاٰخِرَةِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي ٱلدُّنْيا وَ ٱلْاٰخِرَةِ وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِيَ ٱلْمَقامَ ٱلْمَحْمُودَ ٱلَّذي لَكُمْ عِنْدَ ٱللّٰهِ وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثاري مَعَ إِمامٍ هُدًى ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَ أَسْأَلُ ٱللّٰهَ بِحَقِّكُمْ وَ بِالشَّأْنِ ٱلَّذي لَكُمْ عِنْدَهُ أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصابي بِكُم أَفْضَلَ ما يُعْطِي مُصابًا بِمُصيبَتِهِ يا لَها مِنْ مُصيبَةٍ ما أَعْظَمَها وَ أَعْظَمَ رَزِيَّتَها فِي ٱلْإِسْلامِ وَ في جَميعِ أَهْلِ السَّمٰواتِ وَ ٱلْأَرْضِ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْنِي في مَقامي هٰذا مِمَّنْ تَنالُهُ مِنْكَ صَلَواتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ.

اَللّٰهُمَّ ٱجْعَلْ مَحْيايَ مَحْيا مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ مَماتي مَماتَ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذا يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ وَ ٱبْنُ اٰكِلَةِ ٱلْأَكْبادِ، اَللَّعينُ ٱبْنُ ٱللَّعينِ، عَلٰى لِسانِكَ وَ لِسانِ نَبِيِّكَ في كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَقَفَ فيهِ نَبِيُّكَ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ أَباسُفْيانَ وَ مُعاوِيَةَ وَ يَزيدَبْنَ مُعاوِيَةَ وَ اٰلَ مَرْوانَ عَلَيْهِمْ مِنْكَ ٱللَّعْنَةُ أَبَدَ ٱلْاٰبِدينَ وَ هٰذا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ اٰلُ زِيادٍ وَ اٰلُ مَرْوانَ بِقَتْلِهِمُ ٱلْحُسَيْنَ صَلَواتُ ٱللّٰهِ عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ فَضاعِفْ عَلَيْهِمُ ٱللَّعْنَ مِنْكَ وَ ٱلْعَذابَ ٱلْأَليمَ.

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ في هٰذَا ٱلْيَوْمِ وَ في مَوْقِفي هٰذا وَ أَيّامِ حَياتي بِالْبَراءَةِ مِنْهُمْ وَ ٱللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ بِالْمُوالاةِ لِنَبِيِّكَ وَ اٰلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ ٱلسَّلامُ.

بعد از آن این دعا را صد نوبت بگوید:

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنْ أَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اٰخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلٰى ذٰلِكَ.

اَللّٰهُمَّ ٱلْعَنِ ٱلْعِصابَةَ ٱلَّتي جاهَدَتِ ٱلْحُسَيْنَ وَ شايَعَتْ وَ بايَعَتْ وَ تابَعَتْ

عَلٰى قَتْلِهِ. اَللّٰهُمَّ اَلْعَنْهُمْ جَمِيعًا.

پس صد بار بگويد:

اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰا أَبٰا عَبْدِاللّٰهِ وَ عَلَى الْأَرْوٰاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنٰائِكَ. عَلَيْكَ مِنِّي سَلاٰمُ اللّٰهِ مٰا بَقِيتُ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهٰارُ. لاٰ جَعَلَهُ اللّٰهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيٰارَتِكُمْ. اَلسَّلاٰمُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَلٰى أَوْلاٰدِ الْحُسَيْنِ وَ عَلٰى أَصْحٰابِ الْحُسَيْنِ.

پس بگويد:

اَللّٰهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوَّلَ ظٰالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي وَ ابْدَأْ بِهِ أَوَّلاً ثُمَّ الْعَنِ الثّٰانِي وَ الثّٰالِثَ وَ الرّٰابِعَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعٰاوِيَةَ خٰامِسًا وَ الْعَنْ عُبَيْدَاللّٰهِ بْنَ زِيٰادٍ وَ ابْنَ مَرْجٰانَةَ وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شِمْرًا وَ اٰلَ أَبِي سُفْيٰانَ وَ اٰلَ زِيٰادٍ وَ اٰلَ مَرْوٰانَ إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰامَةِ.

پس به سجود شود و بگويد:

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشّٰاكِرِينَ لَكَ عَلٰى مُصٰابِهِمْ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى عَظِيمِ رَزِيَّتِي. اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفٰاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحٰابِ الْحُسَيْنِ. اَلَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلاٰمُ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطّٰاهِرِينَ.[1]

و دو ركعت نماز زيارت كند و بايد كه در اوّلِ روز بود پيش از زوال. و گفته‌اند كه هر كه زيارت كند پيغمبر را يا يكى از ائمه عليهم‌السلام را در روضهٔ او، نماز را پس از زيارت كند و اگر در شهر خود زيارت خواهد كرد، نخست نماز كند آنگه زيارت كند. باقر عليه‌السلام گفت: هر كه در اين روز اين زيارت بكند و اين دعا بخواند، خداى تعالى وى

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۷۳ - ۷۷۶

را ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه بنویسد همه با رسول ﷺ و وی را بوَد مانند ثواب هر پیغمبری و رسولی و وصیّی و ولیّی و صدّیقی و شهیدی که بمرده بوَد یا بکشته باشند او را، از آنگاه که خدای تعالی دنیا را آفریده است تا قیامت. و در این دعا موافقت کرده با فرشتگان که به زیارت حسین ﷺ آیند و وی را هزار هزار درجه بنویسند و همچون کسانی بود که با حسین ﷺ شهید شده باشند و در درجات ایشان با ایشان شریک بود و نشناسند وی را جز در میان ایشان و بنویسند وی را زیارت هر نبی و رسول و زیارت هر که حسین را ﷺ زیارت کرده بود، از آنگاه که وی را شهید کرده‌اند.

صفر

بیستم این ماه بود که حرم محترم حسین ﷺ از شام به مدینه آمدند. درین روز مستحب بوَد زیارت حسین ﷺ ، چون آفتاب بالا گیرد «روی به مرقد حسین کرده زیارت کند». و این مرویست از صادق ﷺ :

اَلسَّلامُ عَلي وَلِيِّ اَللّٰهِ وَ حَبيبِهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى خَليلِ اَللّٰهِ وَ نَجيبِهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى صَفِيِّ اَللّٰهِ وَ اَبْنِ صَفِيِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَى اَلْحُسَيْنِ اَلْمَظْلُومِ اَلشَّهيدِ، اَلسَّلامُ عَلٰى أَسيرِ اَلْكُرُباتِ وَ قَتيلِ اَلْعَبَراتِ، اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَ اَبْنُ وَلِيِّكَ وَ صَفِيُّكَ وَ اَبْنُ صَفِيِّكَ اَلْفائِزُ بِكَرامَتِكَ أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ وَ اَجْتَبَيْتَهُ بِطيبِ اَلْوِلادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ اَلسّادَةِ وَ قائِدًا مِنَ اَلْقادَةِ وَ ذائِدًا مِنَ اَلذّادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَواريثَ اَلْأَنْبِياءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ مِنَ اَلْأَوْصِياءِ فَأَعْذَرَ فِي اَلدُّعاءِ وَ مَنَحَ اَلنُّصْحَ وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبادَكَ مِنَ اَلْجَهالَةِ وَ حَيْرَةِ اَلضَّلالَةِ وَ قَدْ تَوازَرَ عَلَيْهِ مَنْ قَدْ غَرَّتْهُ اَلدُّنْيا وَ باعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ اَلْأَدْنٰى وَ شَرٰى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ اَلْأَوْكَسِ وَ تَغَطْرَسَ وَ تَرَدّٰى فِي هَواهُ وَ أَسْخَطَكَ وَ أَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَ أَطاعَ مِنْ

أَهْلَ ٱلشِّقٰاقِ وَ ٱلنِّفٰاقِ وَ حَمَلَةَ ٱلْأَوْزٰارِ ٱلْمُسْتَوْجِبِينَ لِلنّٰارِ فَجٰاهَدَهُمْ فِيكَ صٰابِرًا مُحْتَسِبًا حَتّٰى سُفِكَ فِي طٰاعَتِكَ دَمُهُ وَ ٱسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ. ٱللّٰهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَ عَذِّبْهُمْ عَذٰابًا أَلِيمًا.

ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ، ٱلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ يٰابْنَ سَيِّدِ ٱلْأَوْصِيٰاءِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ ٱللّٰهِ وَ ٱبْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيدًا وَ مَضَيْتَ حَمِيدًا وَ مُتَّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ ٱللّٰهَ مُنْجِزٌ لَكَ مٰا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ ٱللّٰهِ وَ جٰاهَدْتَ فِي سَبِيلِ ٱللّٰهِ حَتّٰى أَتٰاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ ٱللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَ لَعَنَ ٱللّٰهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ. ٱللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وٰالاٰهُ وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عٰادٰاهُ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَابْنَ رَسُولِ ٱللّٰهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي ٱلْأَصْلاٰبِ ٱلشّٰامِخَةِ وَ ٱلْأَرْحٰامِ ٱلطّٰاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ ٱلْجٰاهِلِيَّةُ بِأَنْجٰاسِهٰا وَ لَمْ تُلْبِسْكَ مِنْ مُدْلَهِمّٰاتِ ثِيٰابِهٰا وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعٰائِمِ الدِّينِ[1] وَ أَرْكٰانِ ٱلْمُسْلِمِينَ وَ مَعْقِلِ ٱلْمُؤْمِنِينَ و أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمٰامُ ٱلْبَرُّ ٱلتَّقِيُّ ٱلنَّقِيُّ ٱلرَّضِيُّ ٱلزَّكِيُّ ٱلْهٰادِي ٱلْمَهْدِيُّ وَ أَشْهَدُ أَنَّ ٱلْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ ٱلتَّقْوٰى وَ أَعْلاٰمُ ٱلْهُدٰى وَ ٱلْعُرْوَةُ ٱلْوُثْقٰى وَ ٱلْحُجَّةُ عَلٰى أَهْلِ الدُّنْيا وَ أَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيٰابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرٰائِعِ دِينِي وَ خَوٰاتِيمِ عَمَلِي وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يَأْذَنَ ٱللّٰهُ لَكُمْ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لاٰ مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوٰاتُ ٱللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلٰى أَرْوٰاحِكُمْ وَ أَجْسٰادِكُمْ وَ شٰاهِدِكُمْ وَ غٰائِبِكُمْ وَ ظٰاهِرِكُمْ وَ بٰاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ ٱلْعٰالَمِينَ.[2]

آنگه دو رکعت نماز زیارت امام حسین علیه السلام بگزارد و دعایی که خواهد بگوید.

---

۱. در «م» : ٱلْإِسْلاٰمِ

۲. مصباح المتهجد، ص ۷۸۸

ربیع الأوّل

هفدهم این ماه بود مولد پیغمبر ﷺ. روایت کرده‌اند از ائمه علیهم السلام که هر که این روز روزه دارد خدای تعالی وی را روزهٔ یکساله بنویسد، و مستحبّ بوَد درو صدقه دادن و زیارت مَشْهدها کردن.

جمادی الأولی

در نیمهٔ این ماه بود ولادت امام زین العابدین علیه السلام ، و هم درو بود فتح بصره بر دست امیرالمؤمنین علیه السلام ، و مستحب بوَد در این روز روزه داشتن.

قسم پنجم

در آنکه به حادثه‌ها مکرر می‌شود

نماز کسوف

این نماز فریضه بوَد چون آفتاب یا ماه بگیرد یا بادهای تاریک کننده و ترساننده جَهَد یا زلزله واقع شود. و آن دو رکعت بود و در هر رکعتی پنج رکوع. افتتاح نماز بکند و الحمد بخواند و سورتی و به رکوع شود و در رکوع بایستد به مقدار وقت قراءت و سر بردارد و تکبیر بگوید و الحمد خواند و سورتی دیگر و اگر در قراءت اول سوره تمام نخوانده باشد از آنجا گیرد که رسیده بود. هم چنین پنج رکوع کند. چون از رکوع پنجم سر بردارد بگوید: سمع ٱللّٰه لمن حمده ٱلحمد للّٰه ربّ ٱلعالمین «و به سجود شود» و هم چنین دو رکعت بکند.[1] و پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت کند پس از قراءت، و مستحب بود که درو سورتهای دراز خواند چون کهف و انبیا و اگر نماز از برای زلزله کرده باشد چون فارغ شود در سجده بگوید:

یٰا مَنْ یُمْسِكُ ٱلسَّمٰوٰاتِ وَ ٱلْأَرْضَ أَنْ تَزُولاٰ وَ لَئِنْ زٰالَتٰا إِنْ أَمْسَكَهُمٰا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كٰانَ حَلِیمـًا غَفُورًا، یٰا مَنْ یُمْسِكُ ٱلسَّمٰاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى ٱلْأَرْضِ إِلاّٰ بِإِذْنِهِ أَمْسِكْ عَنِّي ٱلسُّوءَ.

---

۱. در «س»: و هم چنین یک رکعت دیگر بکند.

وپس از نماز کسوف بگوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذي جَعَلَ اَلشَّمْسَ وَ اَلْقَمَرَ اٰيَتَيْنِ مِنْ اٰياتِهِ لاٰيَنْكَسِفانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَ لاٰ لِحَيٰوةِ أَحَدٍ دَلَّ بِهِمٰا عَلٰى قُدْرَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ وَ قَدَّرَهُمٰا لِمَصالِحِ عِبادِهِ وَ مَنٰافِعِ خَلْقِهِ يُصَرِّفُهُمٰا فِي مَجٰارِيهِمٰا وَ يَنْقُلُهُمٰا فِي مَنٰازِلِهِمٰا أُفُولاً وَ طُلُوعًا وَ ذَهٰابًا وَ رُجُوعًا لِمٰا قَدَّرَ فِيهِمٰا وَ دَبَّرَهُ بِهِمٰا، ثُمَّ كُلٌّ واحِدٍ مِنْهُمٰا يَلْحَقُهُ فِي تَصَرُّفِهِ مِنَ اَلْكُسُوفِ مٰا يَفْقِدُ بِهِ اَلْعِبادُ مِنْ ضِيٰائِهِ وَ اَلْمَعْهُودُ مِنْ بَهٰائِهِ مٰا أَلْفَوهُ لِيَعْتَبِرَ بِهِ اَلْمُعْتَبِرُونَ وَ يَتَفَكَّرَ فِيهِ اَلْمُتَفَكِّرُونَ وَ يَتَنَبَّهُوا عَلٰى تَقْدِيرِ الْعَزِيزِ اَلْعَلِيمِ وَ تَدْبِيرِ اَلْعَلِيِّ اَلْحَكِيمِ.

اَللّٰهُمَّ إِنّٰا نَشْهَدُ أَنَّكَ رَبُّ اَلشَّمْسِ وَ اَلْقَمَرِ وَ فٰالِقُ اَلْبَحْرِ[1] وَ اَلشَّجَرِ تُرِي عِبٰادَكَ فِي كُلِّ وَقْتٍ عِبْرَةً تَحُثُّهُمْ بِهٰا عَلٰى طٰاعَتِكَ وَ اَلْخُضُوعِ لَكَ وَ اَلْإِعْتِرٰافِ بِكَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَتَذَكَّرُ مٰا تُذَكِّرُهُ وَ يَحْذَرُ مٰا تُحَذِّرُهُ وَ يَخٰافُ مٰا تُخَوِّفُهُ «وَ يَعْرِفُ مٰا تُعَرِّفُهُ» وَ يَتَنَبَّهُ لِمٰا تُنَبِّهُهُ عَلَيْهِ وَ يَسْبِقُ إِلٰى مٰا تُرْشِدُهُ إِلَيْهِ.

اَللّٰهُمَّ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ اَلْإِغْتِرٰارِ بِكَ وَ اَلْأَمْنِ مِنْ مَكْرِكَ وَ اَلنِّسْيٰانِ لِذِكْرِكَ وَ اَلْفُتُورِ فِي طٰاعَتِكَ وَ اَلتَّعَرُّضِ لِأَخْذِكَ وَ اَلْمَوْتِ بِغَضَبِكَ وَ اَلْهَلاٰكِ بِعَذٰابِكَ فَأَعِذْنِي مِنْ جَمِيعِ ذٰلِكَ بِفَضْلِكَ يٰا أَهْلَ اَلْفَضْلِ وَ اَلْمَغْفِرَةِ وَ يٰا ذَاالطَّوْلِ وَ اَلنِّعْمَةِ[2].

نماز مرده

و آن پنج تکبیر بود و درو قراءت و سلام نبوَد و طهارت از شرطِ درستی آن

---

۱. در «س» : النجم ۲. در «م» : اَلْمَغْفِرَة .

نبوَد و بر کسی که پیش از شش سالگی بمرده بوَد واجب نبود نمازکردن. و بر همه کسی که حاضر بوَد فریضه بوَد، چون بعضی به آن قیام نمایند از دیگران بیفتد. ولیّ مرده فراپیش شود یا کسی که ولیّش فرماید، بعد از نیّت بگوید:

اَللّٰهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لاٰ إِلٰهَ إِلاَّ اَللّٰهُ وَحْدَهُ لاٰ شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ بٰارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ اٰلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مٰا صَلَّيْتَ وَ بٰارَكْتَ عَلٰى إِبْرٰاهِيمَ وَ اٰلِ إِبْرٰاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ اَغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ اَلْمُؤْمِنٰاتِ وَ اَلْمُسْلِمِينَ وَ اَلْمُسْلِمٰاتِ اَلْأَحْيٰاءِ مِنْهُمْ وَ اَلْأَمْوٰاتِ تٰابِعْ بَيْنَنٰا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرٰاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ اَلدَّعَوٰاتِ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اَللّٰهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ هٰذٰا عَبْدُكَ وَ اَبْنُ عَبْدِكَ وَ اَبْنُ أَمَتِكَ. نَزَلَ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ. اَللّٰهُمَّ إِنّٰا لاٰ نَعْلَمُ مِنْهُ إِلاّٰ خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنّٰا. اَللّٰهُمَّ إِنْ كٰانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسٰانِهِ وَ إِنْ كٰانَ مُسِيئًا فَتَجٰاوَزْ عَنْهُ وَ اَحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كٰانَ يَتَوَلاّٰهُ مِنَ اَلاٰئِمَّةِ اَلطّٰاهِرِينَ.

و اگر مرده زن بود پس از تکبیر چهارم بگوید:

اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ أَمَتُكَ وَ اَبْنَةُ أَمَتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ. اَللّٰهُمَّ إِنْ كٰانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسٰانِهٰا وَ إِنْ كٰانَتْ مُسِيئَةً فَتَجٰاوَزْ عَنْهٰا وَ اَغْفِرْ لَهٰا وَ اَرْحَمْهٰا يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ.[۱]

و اگر مستضعف بوَد پس از تکبیر چهارم بگوید:

---

۱. از «اگر مرده زن بود» تا اینجا، از «م» سقط شده است.

اَللّٰهُمَّ رَبَّنَا اغْفِرْ لِلَّذِينَ تابُوا وَ اتَّبَعُوا[1] سَبِيلَكَ وَ قِهِمْ عَذابَ الْجَحِيمِ.

و اگر کسی بود که مذهبش نداند بگوید:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ نَفْسٌ أَنْتَ أَحْيَيْتَها وَ أَنْتَ أَمَتَّها، أَنْتَ تَعْلَمُ سِرَّها وَ عَلانِيَتَها فَاحْشُرْها مَعَ مَنْ أَحَبَّتْ.

و اگر طفل بوَد بگوید:

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنا وَ لِأَبَوَيْهِ فَرَطًا[2] وَ نُورًا وَ لا تَحْرِمْنا أَجْرَهُ وَ لا تَفْتِنّا بَعْدَهُ.

و اگر مخالف و معاند بوَد بگوید:

اَللّٰهُمَّ لا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلاَّ شَرًّا، كانَ يُوالِي أَعْداءَكَ وَ يُعادِي أَوْلِياءَكَ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ. اَللّٰهُمَّ امْلَأْ جَوْفَهُ نارًا وَ قَبْرَهُ نارًا وَ حَيّاتٍ وَ عَقارِبَ وَ جَدِّدْ عَلَيْهِ عِقابَكَ[3] وَ عَذابَكَ وَ احْشُرْهُ مَعَ أَعْدائِكَ إِلٰى عَذابِ النّارِ.

آنگه تکبیر پنجم بگوید و بازگردد.

و غیر ناصبی را همی‌گوید: عَفْوَكَ عَفْوَكَ و از جای فراتر نشود تا که جنازه برگیرند.

نماز باران خواستن

چون خشکسالی پدید آید و باران کم بارد، باید که امام مردم را فرماید تا روز شنبه و یک شنبه و دوشنبه روزه دارند و روز دوشنبه امام و ایشان همه پیاده بیرون آیند. مؤذّنان در پیش، عصاها در دست، چون به نمازگاه رسند دو رکعت نماز کنند

---

۱. در «م» : و ابتغوا

۲. در حاشیهٔ «د» فرطا : أي شفيعا .

۳. در «د» : هوانك .

بی بانگ نماز و قامت، بر ترتیب نماز عید پنج تکبیر زیادت در رکعت اول بر آنچ در نمازهای دیگر بود و چهار در دوم پس هر تکبیری زاید دعایی، چون سلام بدهد بر منبر شود و ردا بگرداند از آن سوی که بر راست وی بود به سوی چپ گرداند و از چپ به راست و روی فرا قبله کند و صد بار تکبیر بگوید به آواز بلند و روی فرادست راست و صد بار تسبیح بگوید به آواز بلند. و روی از سوی دست چپ صد بار تهلیل کند هم چنانکه گذشت. آنگه روی فرا مردمان کند و صد بار الحمد للّه بگوید. آنگه دست بردارد و دعا کند و مردمان نیز با وی دعا کنند و خطبه که از امیر المؤمنین علیه أفضل الصلوات و أکمل التحیات مروی است بگوید یا غیر آن.

نماز حاجت

امیر المؤمنین علیه السلام گفت: چون ترا به خدای تعالی حاجتی بوَد و مهمّی، غسل کن و جامهٔ پاکترین در پوش و بوی خوش بکار دار و در زیر آسمان دو رکعت نماز کن. پس از الحمد، پانزده[1] بار قل هو الله احد بخوان و در رکوع پانزده بار و چون از رکوع راست شوی، پانزده بار و در سجود پانزده بار «و چون از سجود سر برداری پانزده بار و در سجود دوم پانزده بار و چون سر برداری پانزده بار و در رکعت دوم همچنین کن و چون سلام بدهی پانزده بار بخوان» پس سجده کن و بگوی:

اَللّٰهُمَّ إِنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ لَدُنْ عَرْشِكَ إِلىٰ قَرارِ أَرْضِكَ فَهُوَ مُضْمَحِلٌّ باطِلٌ سِواكَ وَ إِنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ اَلْحَقُّ اَلْمُبِينُ. اَللّٰهُمَّ اَقْضِ لِي حاجَةَ كذا وكذا السّاعَةَ اَلسّاعَةَ.

و الحاح کن که حاجت روا شود ان شاء الله تعالی.

زین العابدین علیه السلام گفت: چون امیرالمؤمنین علی علیه السلام را کار دشوار پیش آمدی، جامهٔ پاکیزه‌ترین در پوشیدی و وضوی تمام بکردی و بر بلندترین جایی از

---

۱. در «س» : پانجده بار. در موارد بعد نیز چنین است.

بام‌سرای شدی و چهار رکعت نماز کردی. پس از الحمد، در رکعت اولین إذا زلزلت الأرض خواندی و در دوم إذا جاء نصر الله و در سیم قل یا أیّها الکافرون و در چهارم قل هو الله احد، آنگه دست برداشتی سوی آسمان و گفتی:

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمٰائِكَ اَلَّتِي «إِذٰا دُعِيتَ بِهٰا عَلٰى أَبْوٰابِ اَلسَّمٰاءِ لِـلْفَتْحِ اَنْفَتَحَتْ» وَ إِذٰا دُعِيتَ بِهٰا عَلٰى مَضٰائِقِ اَلْأَرَضِينَ لِلْفَرَجِ اَنْفَرَجَتْ وَ أَسْأَلُكَ بِأَسْمٰائِكَ اَلَّتِي إِذٰا دُعِيتَ بِهٰا عَلٰى أَبْوٰابِ اَلْعُسْرِ لِلْيُسْرِ تَيَسَّرَتَ و أَسْأَلُكَ بِأَسْمٰائِكَ اَلَّتِي إِذٰا دُعِيتَ بِهٰا عَلَى اَلْقُبُورِ لِلنُّشُورِ اَنْتَشَرَتْ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ و اَقْلِبْنِي بِقَضٰاءِ حَوٰائِجِي[1].

زین العابدین علیه السلام فرمود: چون این نماز بکند بخدای که قدم وی از جای فراتر نشود تا که حاجتش رواکند، ان شاء الله تعالی.

و چون حاجت روا شود یا نوعی نعمتی از خدای تعالی به وی رسد دو رکعت نمازکند شکر را. در رکعت اوّل پس از الحمد، قل هو الله خواند و در دوم قل یا أیّها الکافرون و در رکعت اوّل در رکوع و سجود می‌گوید:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْرًا شُكْرًا و در دوم اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اَلَّذِي قَضٰى حٰاجَتِي وَ اَسْتَجٰابَ دُعٰائِي وَ أَعْطٰانِي مَسْأَلَتِي.

نماز استخاره

دو رکعت نمازکن نه در وقت نماز فریضه و صد بار خِیَره بخوان و عافیت[2] از خدای تعالی و آنچ در دل آید بکن و اگر خواهی برکاغذی بنویس «لا» و بر دیگری «نعم» و هر یک را جداگانه در میان پارهٔ گِل کن و آنرا در زیر مصلّی[3] یا دامن گیر و دو رکعت نمازکن و بگوی:

---

۱. در «د» : حاجتی.
۲. در «م» : در عاقبت.
۳. مقصود سجاده است.

اَللّٰهُمَّ[1] إِنِّي أُشاوِرُكَ فِي أَمْرِي هٰذا وَ أَنْتَ خَيْرُ مشارٍ[2] وَ مُشيرٍ فَأَشِرْ عَلَيَّ بِما فِيهِ خَيْرٌ وَ صَلاٰحٌ وَ حُسْنُ عٰافِيَةٍ[3].

آنگه از آن دو یکی را برگیر، اگر نعم بود بکن و اگر لا بود مکن.

و روایت کرده‌اند که هر که هفتاد بار بگوید:

يٰا أَبْصَرَ اَلنّٰاظِرِينَ وَ يٰا أَسْمَعَ اَلسّٰامِعِينَ وَ يٰا أَسْرَعَ اَلْحٰاسِبِينَ وَ يٰا أَرْحَمَ اَلرّٰاحِمِينَ وَ يٰا أَحْكَمَ اَلْحٰاكِمِينَ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ خُذْ لِي فِي كَذا

خدای تعالی خِیَرَت آن را بدو رساند.

و صادق علیه السلام گفت: استخاره را شش رقعه فرا گیر و بر سه بنویس:

بِسْمِ اَللّٰهِ اَلرَّحْمٰنِ اَلرَّحِيمِ خِيَرَةٌ مِنَ اَللّٰهِ اَلْعَزِيزِ اَلْحَكِيمِ لِفُلاٰنِ بْنِ فُلاٰنٍ اِفْعَل و بر سهٔ دیگر بدل **اِفعلْ** «**لا تفعل**».

و آن را در زیر مصلّی نِه و دو رکعت نماز کن و چون فارغ شوی سجده کن و درو صد بار بگوی:

أَسْتَخِيرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خِيَرَةً فِي عٰافِيَةٍ

آنگه از سجده برآی و بگوی:

اَللّٰهُمَّ خِرْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عٰافِيَةٍ.

آنگه رقعه‌ها بر هم زن و یک یک را بیرون می‌گیر، اگر سه **اِفعل** برآید آن کار بکن و اگر سه **لا تَفعل** برآید مکن و اگر یکی بود ازین و یکی از آن، پنج بیرون گیر و هر چه بر آن زیاده بود بر آن کار کن و بر خدای عزّو جلّ توکّل کن. و مستحبّ بود غسل کردن برای نماز استخاره.

---

۱. در «د»: یا اَللّٰه. ۲. در «م» مُتَشٰاوِر. ۳. در «م»: عاقبة.

زیارت ائمّه علیهم السلام

روایت است از امام رضا علیه السلام که چون بزیارت یکی از ائمه شوی علیهم السلام بگوی:[۱]

اَلسَّلامُ عَلٰى أَوْلِيٰاءِ اللّٰهِ وَ أَصْفِيٰائِهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى أُمَنٰاءِ اللّٰهِ وَ أَحِبّٰائِهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى أَنْصٰارِ اللّٰهِ وَ خُلَفٰائِهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى مَحٰالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى مَعٰادِنِ حِكْمَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى مَسٰاكِنِ ذِكْرِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلٰى مُظْهِرِ أَمْرِ اللّٰهِ وَ نَهْيِهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الدُّعٰاةِ إِلَى اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُسْتَقِرّينَ فِي مَرْضٰاةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْمُخْلِصينَ فِي طٰاعَةِ اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الْأَدِلاّٰءِ إِلَى اللّٰهِ، اَلسَّلامُ عَلَى الَّذينَ مَنْ وٰالاٰهُمْ فَقَدْ وٰالَى اللّٰهَ وَ مَنْ عٰادٰاهُمْ فَقَدْ عٰادَى اللّٰهَ وَ مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللّٰهَ «وَ مَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللّٰهَ وَ مَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّٰهِ وَ مَنْ تَخَلّٰى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّٰى مِنَ اللّٰهِ، أُشْهِدُ اللّٰهَ» إِنّي سِلْمٌ لِمَنْ سٰالَمَكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حٰارَبَكُمْ، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلاٰنِيَتِكُمْ مُفَوِّضٌ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، كَفَى[۲] اللّٰهُ عَدُوَّ[۳] اٰلِ مُحَمَّدٍ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ وَ أَبْرَءُ إِلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ وَ صَلَّى اللّٰه عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ.

پس صلوات فرستد بر پیغمبر و آل یک یک ـ علیه و علیهم السلام ـ و از دشمنان ایشان تبرّی کند و مؤمنان را دعاگوید و بر بالینش دو رکعت نماز کند پس الحمد، یس خواند در اوّل و الرحمن در ثانی یا سورتی که خواهد.

و چون وداع خواهد کرد بگوید:

أَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَ أَسْتَرْعيكَ وَ أَقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلامَ، اٰمَنّٰا بِاللّٰهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمٰا دَعَوْتَ إِلَيْهِ وَ دَلَلْتَ عَلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنٰا مَعَ الشّٰاهِدينَ. اَللّٰهُمَّ

---

۱. در «د» : و چون به زیارت ائمه علیهم السلام شوی بگوی: ۲. در «د» : لَعَنَ.

۳. در «د» آمده : لعن الله عدو ال محمد من الجن و الانس و أبرء إلى منهم و صلى الله على محمد و ال محمد.

اَرْزُقْنِي حُبَّهُمْ وَ مَوَدَّتَهُمْ أَبَدًا مٰا أَبْقَيْتَنِي. اَلسَّلاٰمُ عَلىٰ ملاٰئِكَةِ اَللّٰهِ وَ زُوّٰارِ قَبْرِ اَبْنِ نَبِيِّ اَللّٰهِ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْكَ مِنِّي أَبَدًا مٰا أَبْقَيْتَ وَ دٰائِماً إِذٰا أَفْنَيْتَ. اَلسَّلاٰمُ عَلَيْنٰا وَ عَلىٰ عِبٰادِ اَللّٰهِ اَلصّٰالِحِينَ.

اَللّٰهُمَّ لاٰ تَجْعَلْهُ اٰخِرَ اَلْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِي إِيّٰاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَ مَعَ اٰبٰائِهِ اَلْمٰاضِينَ وَ إِنْ أَبْقَيْتَنِي يٰا رَبِّ فَارْزُقْنِي زِيٰارَتَهُ أَبَدًا مٰا أَبْقَيْتَنِي إِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.



در پایان نسخهٔ د آمده است.

تمّ هذا الكتاب بعون اللّه المَلِك الوهّاب على يد العبد الضعيف المحتاج إلى عون رحمة الله السبحانيّ حسين بن حسن الحسينيّ عفى عنهما في شهر شوّال سنة ثمانين و تسعمائة.

In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

The advancement and improvement of every society is possible when it understands its cultural background and civilization, and becomes aware of the reasons for the society's progress or stagnation. And this recognition is not possible except through studying the works of those gone before as they themselves have written them, and not in the way in which they have been later distorted and revised.
This is an unavoidable necessity in the written culture of every society which has been continuously exposed to turbulent events.

Therefore, in order to reach this awareness, to protect the genuine culture and its identity, and to resist alien cultures it is compulsory to revive and introduce the written legacy. The first step to reach this aim is the scientific critique and rectification of the intellectuals' writings on Iranian Islamic culture.

All efforts and searches have been done to identify and compile the indices of manuscripts and also correct and restore the scientific resources and written treasures of this frontier. But, these works remain as though obsolete, untouched and even set aside. What has been accomplished is very little in comparison with what must be done. And that small accomplishment faces many difficulties. Such prolems incide: the way of research and investigation, the collection of volumes, the heavy expense of this task, preparing for the start of publication, drawing together scientific and specialty works, and financial return which is the condition for the continuation of research and publication.

Thus, the Office of Cultural Affairs of the Ministry of Cultur and Islamic Guidance in the path of the Islamic Revolution's cultural goals (which in reality is a cultural revolution) established an office by the name of the written Hritage publication office. In this way they could support the efforts of the researchers, editors, scientific and research centers, back up the cultural publishers, and attract talented and skilled potential. Also, the intention was to publish and make available research sources and precious literary works. It was also to prevent repetition of efforts and publish critical texts on various matters with a priority given to works in Farsi. In this way a genuine movement in the path of reviving the written culture could be created. And it offers a complete aggregate to the cultural society of Islamic Iran.

The written Heritage publication Office

AN AHL-E QALAM BOOK
With Collaboration of the Written Heritage Publication Office

First Published in Iran by AHL-E QALAM
ISBN : 964-5568-39-0

P R I N T E D I N I R A N

NOZHAT AL-ZĀHED

(An ancient text of common prayers of authentic attribution to the Holy Imams with explanations influent Persian)

Editor

RASUL JA'FARIYĀN



AHL-E QALAM

1997